



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیوان امام علی علیه السلام، سروده های منسوب به آن حضرت

نویسنده:

قطب الدین محمد بن حسین کیدری بیهقی نیشابوری

ناشر چاپی:

اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۲۵	دیوان امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام
۲۵	مشخصات کتاب
۳۰	فهرست مطالب
۶۹	پیش گفتار
۶۹	اشاره
۷۱	نقش شعر در تاریخ بشر
۷۲	بعضی از اندیشمندانی که این دیوان را جمع آوری کرده اند :
۷۳	بعضی از کسانی که بر این دیوان شرح نوشته اند
۷۵	محتوای دیوان
۷۵	۱. آدم چیست و کیست؟
۷۹	۲. باید از نادان ترسید
۸۰	۳. دوستی فصلی
۸۳	۴. شکایت از زنان بی وفا
۸۴	۵. با کار زندگی تامین کنید نه با آرزو
۸۵	۶. کوشش در راه توانگری
۸۶	۷. مرده ای در میان زندگان
۸۸	۸. دنیا هدف نیست
۸۹	۹. عاشق دنیا
۸۹	۱۰. دنیا هدف نباشد
۹۰	۱۱. صبر و پایداری در برابر حوادث دنیا
۹۱	۱۲. سرنوشت و تدبیر
۹۱	۱۳. برنامه ریزی در زندگی
۹۳	۱۴. نجوا با خداوند

- ۹۵ ..... ۱۵. در سوگ پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۹۷ ..... ۱۶. روز بدر
- ۹۸ ..... ۱۷. زندگی یعنی مجموع نفس ها
- ۹۹ ..... ۱۸. اندرز به فرزندش امام حسین علیه السلام
- ۱۰۵ ..... ۱۹. باز فرزندش حسین علیه السلام را رهنمون می شوند
- ۱۰۹ ..... ۲۰. به فرزندش حسن علیه السلام می فرماید
- ۱۱۰ ..... ۲۱. اندرزهای او به فرزندش حسن علیه السلام
- ۱۱۱ ..... ۲۲. دوری از اضطراب
- ۱۱۲ ..... ۲۳. باز هم صبر
- ۱۱۲ ..... ۲۴. پس از سختی ، گشایش است
- ۱۱۴ ..... ۲۵. پیش آدم های پست اظهار عجز نکن
- ۱۱۴ ..... ۲۶. صبر می کنم
- ۱۱۵ ..... ۲۷. سخاوت داشته باش
- ۱۱۶ ..... ۲۸. دارایی سرپوش عیب ها
- ۱۱۷ ..... ۲۹. شکست از فقر
- ۱۱۷ ..... ۳۰. خرد و کامیابی
- ۱۱۸ ..... ۳۱. عقل بهترین هدیه الهی
- ۱۱۹ ..... ۳۲. یتیم حقیقی
- ۱۲۰ ..... ۳۳. فرهنگ یا نژاد
- ۱۲۰ ..... ۳۴. فرهنگ یا نژاد
- ۱۲۱ ..... ۳۵. تحسین کم گویی
- ۱۲۲ ..... ۳۶. فرهنگ سخن گفتن
- ۱۲۲ ..... ۳۷. برخورد با نادان
- ۱۲۳ ..... ۳۸. پرده دری نکن
- ۱۲۴ ..... ۳۹. دوست کم است
- ۱۲۴ ..... ۴۰. شکایت از دوستان بی وفا

۴۱. درخواست از پروردگار ..... ۱۲۵
۴۲. ترس از گناه ..... ۱۲۵
۴۳. دوری و دوستی ..... ۱۲۶
۴۴. چرا بی تابی ..... ۱۲۷
۴۵. فریفته شدن دنیا - ..... ۱۲۷
۴۶. هشدار ..... ۱۲۸
۴۷. حرص ..... ۱۲۹
۴۸. در پیروی ..... ۱۳۰
۴۹. زاغ پرید و بوم آشیانه گرفت ..... ۱۳۱
۵۰. غم جدایی ..... ۱۳۵
۵۱. از دست دادن جوانی و یاران ..... ۱۳۵
۵۲. روش مرد با تجربه ..... ۱۳۶
۵۳. عشق و دوستی از دل نرود ..... ۱۳۷
۵۴. بر سر قبر همسرش سرود ..... ۱۳۷
۵۵. پاسخ مولا از زبان حضرت فاطمه (علیها السلام) ..... ۱۳۸
۵۶. در عزای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ..... ۱۳۸
۵۷. خطاب به ولید بن مغیره ..... ۱۳۹
۵۸. سرزنش ابولهب ..... ۱۴۰
۵۹. رجز خوانی ..... ۱۴۱
۶۰. رجز خوانی فرزند طلحه در روز اُحد ..... ۱۴۱
۶۱. پاسخ امام به رجز بوسعید ..... ۱۴۲
۶۲. سخن امام با محاصره کنندگان مدینه ..... ۱۴۲
۶۳. در ماجرای خیبر فرمود ..... ۱۴۴
۶۴. رجز مرحب در قلعه خیبر ..... ۱۴۶
۶۵. علی (علیه السلام) جواب مرحب را می دهد ..... ۱۴۷
۶۶. خطاب به خیبریان و یاسر ..... ۱۴۸

۶۷. به عنتر مرادی خیبری می گوید ..... ۱۴۸
۶۸. و نیز خیبر ..... ۱۴۹
۶۹. نیز در خیبر فرمود ..... ۱۴۹
۷۰. رجز مره ابن مروان در جنگ خیبر ..... ۱۵۰
۷۱. علی (علیه السلام) در پاسخ او می فرماید ..... ۱۵۰
۷۲. در جنگ صفین رجزی خواند ..... ۱۵۱
۷۳. خطاب به معاویه ..... ۱۵۲
۷۴. جواب حرث غلام معاویه ..... ۱۵۳
۷۵. پاسخ یک نفر جنگجو در صفین ..... ۱۵۴
۷۶. رجز در صفین ..... ۱۵۴
۷۷. در غزوه و نبرد ذات العلم فرمود ..... ۱۵۵
۷۸. هنگامه جنگ صفین گفت ..... ۱۵۶
۷۹. در ستایش از یاران خود ..... ۱۵۶
۸۰. ستایش از یاران خود ..... ۱۵۷
۸۱. در ستایش قبیله ازد و اوس و خزرج می فرماید ..... ۱۵۷
۸۲. درباره شورایی که عثمان را برای خلافت انتخاب کردند ..... ۱۶۲
۸۳. زینب نامه ..... ۱۶۴
۸۴. ملاک ارزش ..... ۱۷۶
۸۵. جدا شدن برای مال ..... ۱۷۷
۸۶. پس از فرود آمدن معاویه در صفین فرمود: ..... ۱۷۷
۸۷. در جنگ صفین بعد از هویدا شدن عمرو عاص ..... ۱۷۸
۸۸. رجز خوانی مولا در جنگ حنین در مقابل طلحه عبدی ..... ۱۷۸
۸۹. گذر روزگار ..... ۱۷۹
۹۰. دنیا چگونه است ..... ۱۸۰
۹۱. باز هم چهره دنیا ..... ۱۸۰
۹۲. تواضع ..... ۱۸۱



۹۳. و نیز همین مطلب ..... ۱۸۲
۹۴. قناعت ..... ۱۸۲
۹۵. و باز قناعت ..... ۱۸۲
۹۶. و باز در قناعت ..... ۱۸۳
۹۷. صبر در برابر لذتها ..... ۱۸۳
۹۸. یک خواسته و یک نگاه ..... ۱۸۴
۹۹. در برابر سختی ها خود را مبارز ..... ۱۸۵
۱۰۰. آدم پر حرف ناگزیر لو میرود ..... ۱۸۵
۱۰۱. زنده ای که مرده و مرده ای که زنده است ..... ۱۸۶
۱۰۲. در عزای پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) ..... ۱۸۷
۱۰۴. تهدید دشمن در صفین ..... ۱۸۸
۱۰۵. به یاران خود در صفین فرمود ..... ۱۸۸
۱۰۶. گشایش پس از سختی ..... ۱۸۹
۱۰۷. گاهی خود را به نادانی بزن ..... ۱۹۰
۱۰۸. پیش به سوی رزم و شهادت ..... ۱۹۱
۱۰۹. نار فیقان ..... ۱۹۲
۱۱۰. انتخاب دوست صالح ..... ۱۹۳
۱۱۱. نرمخویی ..... ۱۹۴
۱۱۲. افشاء اسرار ..... ۱۹۵
۱۱۳. فرصت را غنیمت شمار ..... ۱۹۵
۱۱۴. لیلۃ الہریر در صفین ..... ۱۹۶
۱۱۵. ازدواج رستگاری است ..... ۱۹۶
۱۱۶. نیکی به پدر و مادر ..... ۱۹۷
۱۱۷. بلند نگر باش ..... ۱۹۹
۱۱۸. در طلب باید به زحمت افتاد ..... ۲۰۱
۱۱۹. ارزش مسافرت ..... ۲۰۲

۱۲۰. رنج و کوشش بی حاصل ----- ۲۰۴
۱۲۱. نه شکوه می ماند و نه بی شکوهی ----- ۲۰۴
۱۲۲. نابرابری انسانها در رزق و روزی ----- ۲۰۴
۱۲۳. انسان کامل کمیاب است ----- ۲۰۵
۱۲۴. از بریدن آنکه برید دلتنگ نباش ----- ۲۰۶
۱۲۵. سه چیز ----- ۲۰۶
۱۲۶. سه شرط برای دوست ----- ۲۰۶
۱۲۷. دوستی باید فصلی نباشد ----- ۲۰۷
۱۲۸. دوستی و دوست ----- ۲۰۸
۱۲۹. گونه رستگاری ----- ۲۰۸
۱۳۰. تو پر خوری و دیگران گرسنه ----- ۲۰۸
۱۳۱. گیتی جاودانه نیست ----- ۲۰۹
۱۳۲. گذشته گذشت ----- ۲۰۹
۱۳۳. بزرگواران همه رفتند ----- ۲۱۰
۱۳۴. لذت ها پایان دارد ----- ۲۱۱
۱۳۵. ترس از مرگ و حسابرسی قیامت ----- ۲۱۲
۱۳۶. دریغا بر جوانی ----- ۲۱۳
۱۳۷. همه میهمان هستیم ----- ۲۱۳
۱۳۸. همه خواهند مرد ----- ۲۱۴
۱۳۹. در مرگ پدر ----- ۲۱۴
۱۴۰. سخنی با فاطمه در بیماری ----- ۲۱۷
۱۴۱. سفارش آن حضرت در باره اسراء به فاطمه همسرش ----- ۲۱۸
۱۴۲. جواب فاطمه به همسرش علی ----- ۲۱۹
۱۴۳. هنگام ساخت مسجد النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود ----- ۲۱۹
۱۴۴. من بر آئین و دین محمد هستم ----- ۲۲۰
۱۴۵. پس از کشتن یزید فرزند طلحه در احد می فرمایند ----- ۲۲۰

۱۴۶. پس از شنیدن سخنان و سرزنش هند در ماجرای شهادت حضرت حمزه سید الشهداء ..... ۲۲۱
۱۴۷. در باره شهداء و کشته شدههای جنگ اُحد ..... ۲۲۲
۱۴۸. سیاست قریش ..... ۲۲۵
۱۴۹. دشمنان اسلام سه گروه بودند ..... ۲۲۷
۱۵۰. سخنی با سید بن سلمه مخزومی ..... ۲۲۷
۱۵۱. افتخار به فامیلی رسول خدا ..... ۲۲۸
۱۵۲. به این ملجم مرادی می فرمایند : ..... ۲۳۰
۱۵۳. در بامداد ضربت خوردن هنگام رفتن به مسجد ..... ۲۳۲
۱۵۴. نزدیک شهر بصره قبل از شروع جنگ جمل ..... ۲۳۲
۱۵۵. در میدان جنگ جمل به فرزندش محمد حنفیه فرمود ..... ۲۳۳
۱۵۶. در کار پسر ملجم مرادی ..... ۲۳۳
۱۵۷. شکیبایی ..... ۲۳۴
۱۵۸. درد از خودت و درمان نیز ..... ۲۳۵
۱۵۹. حل مشکلات با اندیشه و فکر ..... ۲۳۶
۱۶۰. شناخت و ... ..... ۲۳۸
۱۶۱. نادانی مرگ است ..... ۲۳۹
۱۶۲. انسان کیست، حیوان چیست ..... ۲۳۹
۱۶۳. آموزش در خردسالی ..... ۲۴۱
۱۶۴. چگونه به اهدافمان برسیم. .... ۲۴۲
۱۶۵. چگونه باید به هدف رسید ..... ۲۴۳
۱۶۶. منتظر گشایش کارها باش ..... ۲۴۴
۱۶۷. در انتظار گشایش ..... ۲۴۵
۱۶۸. نوش بی نوش نیایی هرگز ..... ۲۴۶
۱۶۹. امیدواری ..... ۲۴۷
۱۷۰. غم و شادی پاینده نیست ..... ۲۴۸
۱۷۱. غم و شادی پاینده نیست ..... ۲۴۸

۱۷۲. دل باید بی نیاز باشد ..... ۲۴۹
۱۷۳. دل باید بی نیاز باشد ..... ۲۴۹
۱۷۴. کارها را بر خود آسان گیر ..... ۲۵۰
۱۷۵. چه روزی می توان گریخت ..... ۲۵۰
۱۷۶. روزی هر کس اندازه ای دارد ..... ۲۵۱
۱۷۷. چرخ گردون ..... ۲۵۲
۱۷۸. چرخ گردون ..... ۲۵۲
۱۷۹. و نیز این گونه ..... ۲۵۳
۱۸۰. همه روزی خوار تواند ای خدا ..... ۲۵۵
۱۸۱. آرزوهای طولانی ..... ۲۵۵
۱۸۲. چقدر نسبت به روزگار خوش گمانی ..... ۲۵۶
۱۸۳. عیب از دنیا مگیر ..... ۲۵۷
۱۸۴. زندگی در دنیا رنج است ..... ۲۵۷
۱۸۵. امتحان و آزمون شصت سال عمر ..... ۲۵۸
۱۸۷. مستمند ..... ۲۶۰
۱۸۸. نداری ..... ۲۶۰
۱۸۹. بعد از لذت آتش جهنم ..... ۲۶۰
۱۹۰. ننگ در چیست؟ ..... ۲۶۱
۱۹۱. خوبان و نیکان رفتند ..... ۲۶۲
۱۹۲. به چه کسی شکایت کنیم ..... ۲۶۳
۱۹۳. ثابت قدم قابل ستایش است ..... ۲۶۴
۱۹۴. دنیا و آخرت ..... ۲۶۵
۱۹۶. زیبایی اخلاق ..... ۲۶۶
۱۹۷. هزار دوست کم، یک دشمن زیاد ..... ۲۶۷
۱۹۸. آدم بی خیر ..... ۲۶۷
۱۹۹. سرزنش به زنی که به آن حضرت بد می گفت ..... ۲۶۸

- ۲۶۸ ..... ۲۰۰. قناعت
- ۲۶۹ ..... ۲۰۱. هم چون بردگان کوشا باش
- ۲۶۹ ..... ۲۰۲. پرهیزگاری
- ۲۷۰ ..... ۲۰۳. یتیم
- ۲۷۱ ..... ۲۰۴. سپیدی مو
- ۲۷۲ ..... ۲۰۵. در مرثیه رسول خدا
- ۲۷۳ ..... ۲۰۶. تسلیت
- ۲۷۳ ..... ۲۰۷. هجرت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به مدینه و خفتن امام علی (علیه السلام) در بستر او
- ۲۷۶ ..... ۲۰۸. در جنگ أحد به اسامه بن زید فرمود
- ۲۷۶ ..... ۲۰۹. جواب اسامه بن زید به امام
- ۲۷۷ ..... ۲۱۰. به مرحب بن شاس می فرمایند
- ۲۷۷ ..... ۲۱۱. جواب مرحب به امام
- ۲۷۸ ..... ۲۱۲. گفتار امام در جواب مرحب
- ۲۷۹ ..... ۲۱۳. رجز یاسر خیبری
- ۲۸۰ ..... ۲۱۴. در جواب یاسر خیبری می فرمایند
- ۲۸۱ ..... ۲۱۵. همچنین در جواب یاسر می فرمایند
- ۲۸۱ ..... ۲۱۶. رجز خوانی عنتر در جنگ خیبر
- ۲۸۲ ..... ۲۱۷. در جواب رجز ابوالبلیت
- ۲۸۳ ..... ۲۱۸. اقدام به سوزاندن کسی که او را خدا خواند
- ۲۸۴ ..... ۲۱۹. درباره خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)
- ۲۸۵ ..... ۲۲۰. دلاوریهای مولانا (علیه السلام)
- ۲۸۶ ..... ۲۲۱. چشم پوشی یک فرهنگ است
- ۲۸۸ ..... ۲۲۲. درباره قبیله قریش
- ۲۸۹ ..... ۲۲۳. پس از جنگ جمل فرمود
- ۲۹۰ ..... ۲۲۴. صبر و تحول در پیشامدها
- ۲۹۰ ..... ۲۲۵. در جنگ صفین به عمرو عاص خطاب می کند

- ۲۹۲ ----- قصاص غلام عثمان به نام احمر به خاطر قتل کیسان - ۲۲۶
- ۲۹۳ ----- به نیروهای خود در صفین می فرمایند ..... ۲۲۷
- ۲۹۴ ----- در میدان افتخار ..... ۲۲۸
- ۲۹۵ ----- درباره داوری ..... ۲۲۹
- ۲۹۵ ----- در جنگ صفین، صورت عمار یاسر را از خون پاک می کرد و می گفت : ..... ۲۳۰
- ۲۹۶ ----- نیایش ..... ۲۳۱
- ۲۹۶ ----- جهل مرکب ..... ۲۳۲
- ۲۹۷ ----- نمک شناسی ..... ۲۳۳
- ۲۹۹ ----- در صفین نامه ای به معاویه نوشتند ..... ۲۳۴
- ۲۹۹ ----- وام گرفتن ..... ۲۳۵
- ۳۰۱ ----- رجز عمرو ابن عبدود در جنگ خیبر ..... ۲۳۶
- ۳۰۱ ----- جواب امام ..... ۲۳۷
- ۳۰۲ ----- در ستایش علم ..... ۲۳۸
- ۳۰۳ ----- به خدا بدگمان مباش ..... ۲۳۹
- ۳۰۴ ----- اندرزهای گوناگون ..... ۲۴۰
- ۳۰۵ ----- از مرگ ایمن مباش ..... ۲۴۱
- ۳۰۶ ----- درود بر خفتگان زمین ..... ۲۴۲
- ۳۰۷ ----- در دلاوریهای خویش سرودند ..... ۲۴۳
- ۳۰۸ ----- گللهای ما ..... ۲۴۴
- ۳۰۸ ----- رجزی با طلحه فرزند طلحه در جنگ احد ..... ۲۴۵
- ۳۰۹ ----- ترسانیدن اسامه بن زید در جنگ احد ..... ۲۴۶
- ۳۰۹ ----- ساختن زندانی در بصره ..... ۲۴۷
- ۳۱۰ ----- اندرزهای امام ..... ۲۴۸
- ۳۱۰ ----- نامه ای برای ترساندن عمرو عاص ..... ۲۴۹
- ۳۱۱ ----- جواب عمرو عاص ..... ۲۵۰
- ۳۱۲ ----- انفاق ..... ۲۵۱

- ۳۱۲ ..... ۲۵۲. هر چه خدا بخواهد
- ۳۱۲ ..... ۲۵۳. آنچه می جوئید از آن ما است
- ۳۱۳ ..... ۲۵۴. پیام معاویه به امام (علیه السلام)
- ۳۱۳ ..... ۲۵۵. جواب ادعای پوچ معاویه
- ۳۱۴ ..... ۲۵۶. نه چپ و نه راست، فقط صراط مستقیم
- ۳۱۴ ..... ۲۵۷. شکبیا باش
- ۳۱۵ ..... ۲۵۸. اینگونه خواب بهتر است
- ۳۱۵ ..... ۲۵۹. صبر و مهرورزی به اندازه
- ۳۱۶ ..... ۲۶۰. نیکی برای چه کسی
- ۳۱۷ ..... ۲۶۱. برادرت چه کسی است
- ۳۱۷ ..... ۲۶۲. ویژگیها و خصلت ها
- ۳۱۸ ..... ۲۶۳. وفا از میان رفته
- ۳۱۹ ..... ۲۶۴. درد را درمان کن سازش نتیجه ندارد
- ۳۲۰ ..... ۲۶۵. بی تابی نکن
- ۳۲۱ ..... ۲۶۶. حرص و آز را رها کن
- ۳۲۲ ..... ۲۶۷. این نیز بگذرد
- ۳۲۳ ..... ۲۶۸. هر چیزی علتی دارد
- ۳۲۳ ..... ۲۶۹. پرهیز از گناهان
- ۳۲۴ ..... ۲۷۰. مهر خداوندی
- ۳۲۵ ..... ۲۷۱. سپاس از خدای جهان
- ۳۲۵ ..... ۲۷۲. مناجات مولا
- ۳۳۰ ..... ۲۷۳. اندرزهای امام (علیه السلام)
- ۳۳۳ ..... ۲۷۴. سخن ابوطالب با حضرت علی و لیلۃ المبیت
- ۳۳۴ ..... ۲۷۵. در لیلۃ المبیت امام علی (علیه السلام) و به پدرش می گوید
- ۳۳۵ ..... ۲۷۶. رجز خوانی عمرو بن معدی کرب
- ۳۳۶ ..... ۲۷۷. مولا جواب عمرو بن معدی گرب را می دهد

- ۳۳۷ ----- ۲۷۸. بعد از کشته شدن اغشم می فرمایند
- ۳۳۸ ----- ۲۷۹. پیروزی های علی در میدان جنگ
- ۳۳۹ ----- ۲۸۰. در راه به سوی جنگ جمل
- ۳۴۰ ----- ۲۸۱. دنیا آب در مشمت فشردن است
- ۳۴۱ ----- ۲۸۲. قناعت
- ۳۴۲ ----- ۲۸۳. در باره عقل و خرد
- ۳۴۳ ----- ۲۸۴. دنیا
- ۳۴۳ ----- ۲۸۵. در بیم و امید
- ۳۴۴ ----- ۲۸۶. از گناه دست بردار
- ۳۴۴ ----- ۲۸۷. نیکی و عدالت
- ۳۴۵ ----- ۲۸۸. بخل
- ۳۴۵ ----- ۲۸۹. آنچه که گذشت گذشت
- ۳۴۶ ----- ۲۹۰. روزی به عقل نیست
- ۳۴۷ ----- ۲۹۱. خدا مرگ را پاداش دهد
- ۳۴۷ ----- ۲۹۲. شناخت و عرفان خدا
- ۳۴۹ ----- ۲۹۳. پس از کشته شدن کعب فرزند اشراف و اخراج قبیله بنی نظیر فرمود
- ۳۵۲ ----- ۲۹۴. در گریختن غطریف
- ۳۵۲ ----- ۲۹۵. اشتیاق به کوفه
- ۳۵۳ ----- ۲۹۶. توکل
- ۳۵۴ ----- ۲۹۷. عقل و ثروت
- ۳۵۴ ----- ۲۹۸. تسلیم اراده خدا هستم
- ۳۵۵ ----- ۲۹۹. من همراه علمم
- ۳۵۶ ----- ۳۰۰. هیچ کس پاینده نیست
- ۳۵۷ ----- ۳۰۱. همیشه در دنیا غم میبارد
- ۳۵۷ ----- ۳۰۲. دوست خوب وجود ندارد
- ۳۵۸ ----- ۳۰۳. ناسپاس وجود دارد، ولی سپاس خیر



- ۳۵۸ ..... یا برای دوستی یا ترس ..... ۳۰۴
- ۳۵۹ ..... جنگ بدر ..... ۳۰۵
- ۳۵۹ ..... خطاب امیر سخن به موسی ابن حازم عکی ..... ۳۰۶
- ۳۵۹ ..... پیمانی نا استوار ..... ۳۰۷
- ۳۶۱ ..... نیز می فرمایند: ..... ۳۰۸
- ۳۶۱ ..... نامه ای که برای معاویه فرستاد ..... ۳۰۹
- ۳۶۲ ..... عرفان به خدا ..... ۳۱۰
- ۳۶۳ ..... همت بلند دار ..... ۳۱۱
- ۳۶۳ ..... هشدار به کاتبان ..... ۳۱۲
- ۳۶۴ ..... بخت و کوشش ..... ۳۱۳
- ۳۶۴ ..... نیایش و مناجات هنگام قتل مره بن مروان در خیبر ..... ۳۱۴
- ۳۶۵ ..... در دلاوری جنگجویانش ..... ۳۱۵
- ۳۶۶ ..... از دنیا برتافت ..... ۳۱۶
- ۳۶۶ ..... آمادگی برای مرگ ..... ۳۱۷
- ۳۶۷ ..... امام دنیا را به صورت زن زیبایی دید ..... ۳۱۸
- ۳۶۹ ..... گیتی سایه ای است ناپایدار ..... ۳۱۹
- ۳۶۹ ..... آرزوهای دراز ..... ۳۲۰
- ۳۷۰ ..... دنیا و زندگی در آن باقی نیست ..... ۳۲۱
- ۳۷۰ ..... برتر چیست ..... ۳۲۲
- ۳۷۱ ..... تقوی و پارسایی کجاست؟ ..... ۳۲۳
- ۳۷۱ ..... ای دنیا هر چه هست برای تو ..... ۳۲۴
- ۳۷۲ ..... روزهای عمر ..... ۳۲۵
- ۳۷۳ ..... دنیا چون کاروانسرا است ..... ۳۲۶
- ۳۷۴ ..... معانی بلند و مصادیق روشن ..... ۳۲۷
- ۳۷۵ ..... در فراق فاطمه (علیها السلام) ..... ۳۲۸
- ۳۷۸ ..... در جوانی و پیری ..... ۳۲۹

- ۳۷۸ .....عاقل و جاهل ۳۳۰
- ۳۷۹ .....به جابر توصیه می فرمایند ۳۳۱
- ۳۸۱ .....کجایند تخت ها و تاج ها ۳۳۲
- ۳۸۵ .....نومید نباش ۳۳۳
- ۳۸۶ .....آبرو ۳۳۴
- ۳۸۷ .....سؤال آدم را خوار می کند ۳۳۵
- ۳۸۷ .....به دوش سنگ کشیدن بهتر است ۳۳۶
- ۳۸۸ .....منت نپذیرم ۳۳۷
- ۳۸۹ .....مهمان خوش آمد ۳۳۸
- ۳۹۰ .....قناعت ۳۳۹
- ۳۹۰ .....خصلت های پسندیده ۳۴۰
- ۳۹۲ .....خصلتهای زشت ۳۴۱
- ۳۹۳ .....تلاش در راه دانش ۳۴۲
- ۳۹۳ .....مال و ثروت ۳۴۳
- ۳۹۴ .....تو کیستی؟! ۳۴۴
- ۳۹۴ .....اندرزهای با ارزش ۳۴۵
- ۳۹۵ .....هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور ۳۴۶
- ۳۹۶ .....درست فکر کن درست عمل کن ۳۴۷
- ۳۹۸ .....سلام و محبت کن ۳۴۸
- ۳۹۸ .....این نیز بگذرد ۳۴۹
- ۳۹۹ .....فریب نده ۳۵۰
- ۴۰۱ .....بیم و امید ۳۵۱
- ۴۰۱ .....روز قیامت ۳۵۲
- ۴۰۳ .....ای حارث همدانی ۳۵۳
- ۴۰۴ .....اختر بینی ۳۵۴
- ۴۰۵ .....پیش بینی آینده ۳۵۵

- ۴۰۶ ..... ۳۵۶. در باره خلافت
- ۴۰۶ ..... ۳۵۷. در دلاوری خویش فرمایند
- ۴۰۷ ..... ۳۵۸. باز هم
- ۴۰۷ ..... ۳۵۹. سه چیز را پنهان کن
- ۴۰۸ ..... ۳۶۰. در مرگ حضرات ابوطالب و بانو خدیجه
- ۴۱۰ ..... ۳۶۱. بنده فرمانبردار
- ۴۱۱ ..... ۳۶۲. تو را با جانم نگهدارم
- ۴۱۳ ..... ۳۶۳. رسول خدا و کفار
- ۴۱۵ ..... ۳۶۴. جنگ احد
- ۴۱۷ ..... ۳۶۵. رجز عثمان پسر طلحه در احد
- ۴۱۷ ..... ۳۶۶. پاسخ علی به فرزند عثمان بن طلحه
- ۴۱۸ ..... ۳۶۷. رجز شریق ثقفی در جنگ احد
- ۴۱۸ ..... ۳۶۸. پاسخ مولا علی (علیه السلام)
- ۴۱۹ ..... ۳۶۹. روز خندق
- ۴۲۰ ..... ۳۷۰. حُئی بن اخطب گوید
- ۴۲۱ ..... ۳۷۱. پس از کشته شدن حُئی بن اخطب
- ۴۲۱ ..... ۳۷۲. در باره شایعات (اراجیف)
- ۴۲۴ ..... ۳۷۳. در انتظار جنگ جمل
- ۴۲۴ ..... ۳۷۴. طلحه و زبیر
- ۴۲۵ ..... ۳۷۵. پیامی برای معاویه
- ۴۲۷ ..... ۳۷۶. جواب معاویه
- ۴۲۸ ..... ۳۷۷. در جواب معاویه
- ۴۲۸ ..... ۳۷۸. در وصف یاران خود فرمودند
- ۴۲۹ ..... ۳۷۹. به عبدالعزیز فرزند حارث در صفین فرمودند
- ۴۳۰ ..... ۳۸۰. بعد از شهادت عمار یاسر
- ۴۳۱ ..... ۳۸۱. در بازگشت از صفین و نتایج آن جنگ فرمودند

- ۴۳۲ ..... ۳۸۲. در باره چاه ذات العَلَم
- ۴۳۲ ..... ۳۸۳. آماده کوچ باش
- ۴۳۳ ..... ۳۸۴. پس از مرگ رسول خدا فرمودند
- ۴۳۴ ..... ۳۸۵. عمرو عاص در صفین گوید
- ۴۳۴ ..... ۳۸۶. در پاسخ فرزند عاص می گویند
- ۴۳۵ ..... ۳۸۷. خطاب به طلحه عُبَدْرِي در احد
- ۴۳۶ ..... ۳۸۸. مناجات معروف امام (علیه السلام)
- ۴۴۸ ..... ۳۸۹. نام خدای متعال
- ۴۴۹ ..... ۳۹۰. ناتوانی از درک کنه خدا
- ۴۴۹ ..... ۳۹۱. دانای درویش و نادان ثروتمند
- ۴۵۰ ..... ۳۹۲. سرنوشت و برنامه هستی
- ۴۵۰ ..... ۳۹۳. اختر بین و پزشک
- ۴۵۱ ..... ۳۹۴. سرشت و خلقت روزگار
- ۴۵۱ ..... ۳۹۵. شادی و رنج همراه و همزادند
- ۴۵۲ ..... ۳۹۶. در کار گیتی دقت کن
- ۴۵۲ ..... ۳۹۷. باز دوباره دنیا و گیتی
- ۴۵۴ ..... ۳۹۸. اندرزی چند نصیحت به فرزندش حسین (علیه السلام)
- ۴۵۵ ..... ۳۹۹. نیکی در چشم آزاده دین است
- ۴۵۵ ..... ۴۰۰. جوانمرد کیست؟
- ۴۵۶ ..... ۴۰۱. سپردن راز ممنوع مگر...
- ۴۵۶ ..... ۴۰۲. ستم نکن
- ۴۵۷ ..... ۴۰۳. شوخی نکن
- ۴۵۸ ..... ۴۰۴. برادر تو چه کسی است؟
- ۴۵۸ ..... ۴۰۵. بر اسلام اشک بریز
- ۴۵۹ ..... ۴۰۶. شکایت زنی از شوهرش نزد علی
- ۴۶۰ ..... ۴۰۷. پاسخ همسرش

۴۰۸. داوری مولا (علیه السلام) ..... ۴۶۰
۴۰۹. صبر و شکیبایی ..... ۴۶۱
۴۱۰. در عزای پدر ..... ۴۶۱
۴۱۱. اطعام یتیم، دستور به حضرت فاطمه ..... ۴۶۲
۴۱۲. جواب حضرت زهرا به شوی خود ..... ۴۶۳
۴۱۳. غم نداری و اندیشه بخشندگی همت عالی و دست خالی ..... ۴۶۴
۴۱۴. به جایگاه خود در اسلام می بالد ..... ۴۶۵
۴۱۵. سخن از فخر بود و علی (علیه السلام) فرمود: ..... ۴۶۶
۴۱۶. گلایه ..... ۴۶۸
۴۱۷. در ستایش حارث فرزند صَمّه انصاری ..... ۴۶۹
۴۱۸. پس از بازگشت از جنگ احد فرمود ..... ۴۷۰
۴۱۹. رجز غطریف فرزند جُشم ..... ۴۷۱
۴۲۰. در پاسخ غطریف می فرمایند ..... ۴۷۲
۴۲۱. به عمرو ابن عبود خطاب می کند ..... ۴۷۲
۴۲۲. رجز داود فرزند قابوس بگری ..... ۴۷۴
۴۲۳. در جواب داود می فرمایند ..... ۴۷۴
۴۲۴. در رجزی با یهودیان خیبر ..... ۴۷۵
۴۲۵. هنگام کشتن صحیح خیبری انشاء کرد ..... ۴۷۵
۴۲۶. در جنگ جمل به زبیر می فرمایند ..... ۴۷۶
۴۲۷. به معاویه می فرمایند ..... ۴۷۶
۴۲۸. به معاویه بگویند علی کیست ..... ۴۷۸
۴۲۹. فرمان نبرند ..... ۴۸۰
۴۳۰. در باره سپاه حصین ابن منذر ..... ۴۸۱
۴۳۱. برادر راستین کیست؟ ..... ۴۸۲
۴۳۲. قصه و داستان قبائل همدان در صفین ..... ۴۸۲
۴۳۳. گیتی به یک حال نماند ..... ۴۸۶

- ۴۸۶ ..... پس از کشتن تبهکاری ۴۳۴
- ۴۸۷ ..... در مرثیه یارانش در جنگ صفین ۴۳۵
- ۴۸۸ ..... در میدان صفین ۴۳۶
- ۴۸۸ ..... افسوس بر شامیان ۴۳۷
- ۴۸۹ ..... در نکوهش بعضی افراد ۴۳۸
- ۴۹۰ ..... در بی نیازی نفس ۴۳۹
- ۴۹۱ ..... نیایش ۴۴۰
- ۴۹۲ ..... زاری به درگاه پروردگار ۴۴۱
- ۴۹۳ ..... اندرزی به امام حسین (علیه السلام) ۴۴۲
- ۴۹۴ ..... اگر می خواهی موفق باشی صبر کن ۴۴۳
- ۴۹۵ ..... سختی ها را جدی مگیر ۴۴۴
- ۴۹۵ ..... آسان گیر و سخت مگیر ۴۴۵
- ۴۹۶ ..... فرصت را غنیمت شمار ۴۴۶
- ۴۹۷ ..... روزگار سخت گیرد و من صبر پیشه کنم ۴۴۷
- ۴۹۸ ..... روزگار مرا ادب می کند ۴۴۸
- ۴۹۸ ..... طمع نوز و خود را خاضع نکن ۴۴۹
- ۴۹۹ ..... کوشش و تلاش گاهی جواب ندهد ۴۵۰
- ۵۰۰ ..... هر چه به دستت رسید راضی باش ۴۵۱
- ۵۰۱ ..... پرهیز از دنیا طلبی ۴۵۲
- ۵۰۳ ..... دنیا یعنی جمع و تفریق ۴۵۳
- ۵۰۴ ..... یاران زمان ۴۵۴
- ۵۰۵ ..... مرد ۴۵۵
- ۵۰۶ ..... زن ۴۵۶
- ۵۰۷ ..... در کنار یار ولی ناکام ۴۵۷
- ۵۰۸ ..... به عمر ابن خطاب در سوگ فرزندش ۴۵۸
- ۵۰۸ ..... دل به غربت نبند ۴۵۹

۴۶۰. نیایش ..... ۵۰۸
۴۶۱. سعد و نحس ایام ..... ۵۰۹
۴۶۲. فال نیک ..... ۵۱۰
۴۶۳. اصالت ما ..... ۵۱۰
۴۶۴. رمز نام محمد صلی الله علیه وآله وسلم ..... ۵۱۰
۴۶۵. خوراک به درویش داد دخت پیامبر فاطمه زهرا (علیها السلام) ..... ۵۱۱
۴۶۶. پاسخ فاطمه (علیها السلام) ..... ۵۱۲
۴۶۷. در باره عثمان فرزند مظعون ..... ۵۱۳
۴۶۸. در جنگ بدر فرمود ..... ۵۱۵
۴۶۹. ترسانیدن در جنگ، جنگ روانی ..... ۵۱۶
۴۷۰. دفاع از دین ..... ۵۱۶
۴۷۱. دو شیر در میدان جنگ ..... ۵۱۷
۴۷۲. به فرزندش محمد حنفیه در جنگ جمل ..... ۵۱۷
۴۷۳. عمرو عاص در جنگ صفین گوید ..... ۵۱۷
۴۷۴. جواب امام به عمرو عاص ..... ۵۱۸
۴۷۵. حضرت در صفین فرمود: ..... ۵۱۹
۴۷۶. رجز عبدالله راسی در نهروان ..... ۵۱۹
۴۷۷. جواب امام به راسی ..... ۵۲۰
۴۷۸. مردی از خوارج به میدان آمد و رجز خواند ..... ۵۲۱
۴۷۹. امام از میان نیروها بیرون آمد و گفت : ..... ۵۲۱
۴۸۰. سیری خران برای گرسنگی شیران ..... ۵۲۱
۴۸۱. معاویه را به مبارزه دعوت می کند ..... ۵۲۲
۴۸۲. چند پند ..... ۵۲۳
۴۸۳. چند کار خوب ..... ۵۲۴
۴۸۴. با گهر ..... ۵۲۵
۴۸۵. امام علی و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ..... ۵۲۶

۴۸۶. برتری ها و والائی ها ..... ۵۲۷
۴۸۷. نشانه ارباب کمال ..... ۵۲۷
۴۸۸. بی نیازی جان ..... ۵۲۹
۴۸۹. بی نیازی دل ..... ۵۲۹
۴۹۰. می خواهی خوش باشی ..... ۵۳۱
۴۹۱. قناعت ..... ۵۳۱
۴۹۲. هیچ کس را سرزنش مکن ..... ۵۳۲
۴۹۳. ناگزیر از مرگ ..... ۵۳۳
۴۹۴. پس از مرگ آزاد نیستی ..... ۵۳۴
۴۹۵. کاش مادر ما را نزاده بود ..... ۵۳۵
۴۹۶. خواهش های دل ..... ۵۳۶
۴۹۷. گله از روزگاران ..... ۵۳۶
۴۹۸. برای دعا از جا برخیز ..... ۵۳۷
۴۹۹. از کوزه برون همان تراود که در اوست ..... ۵۳۷
۵۰۰. آدمی یعنی حرص و آز ..... ۵۳۸
۵۰۱. در عزای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ..... ۵۳۸
۵۰۲. می بالم به پیامبر خدا ..... ۵۴۰
۵۰۳. در دلاوری اش می فرمایند ..... ۵۴۲
۵۰۴. کافری رجز خواند ..... ۵۴۲
۵۰۵. مولا در جواب فرمود: ..... ۵۴۲
۵۰۶. در توکل به خدا ..... ۵۴۳
- درباره مرکز ..... ۵۴۵



ديوان امير المؤمنين امام علي عليه السلام

مشخصات كتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 1



دیوان

دیوان امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)

سروده های منسوب به آن حضرت

تألیف:

قطب الدین ابوالحسن محمد بن الحسین بن الحسن بیهقی نیشابوری کیدری

(قرن ششم هجری)

ترجمه:

احمد زمانیان

ص: 3

سرشناسه علی بن ابی طالب (علیه السلام)، امام اول 23 قبل از هجرت - 40 ق.

..Ali ibn abi-Talib, Imam I, 661-600

عنوان قراردادی : دیوان فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: دیوان امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) : سروده های منسوب به آن حضرت/تالیف [ صحیح: گردآورنده ] قطب الدین ابو الحسن محمد بن الحسین بن الحسن بیهقی نیشابوری کیدری ؛ ترجمه احمد زمانیان.

مشخصات نشر: تهران سازمان اوقاف و امور خیریه انتشارات اسوه، 1396

مشخصات ظاهری: 596ص.

شابک: 4 - 491 - 542 - 964 - 978

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: فارسی - عربی

موضوع: شعر عربی - قرن 1ق. -- ترجمه شده به فارسی

موضوع: Yth century -- Translations into Persian Translations into Persian -- Arabic poetry

شناسه افزوده: بیهقی نیشابوری کیدری محمد بن حسین، قرن 6ق، گردآورنده

شناسه افزوده: زمانیان احمد مترجم

شناسه افزوده: علی بن ابی طالب (علیه السلام)، امام اول 23 قبل از هجرت - 40 ق . دیوان شناسه افزوده: سازمان حج و اوقاف و امور خیریه انتشارات اسوه

رده بندی کنگره: pJA3106 / 190331396

رده بندی دیویی: 892/713

شماره کتابشناسی ملی: 4726402

دیوان

امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)

سروده های منسوب به آن حضرت

شرکت چاپ انتشارات اسوه

تالیف : قطب الدین ابوالحسن محمد بن الحسین بن الحسن بیهقی نیشابوری کیدری

مترجم : احمد زمانیان

ناشر : اسوه

لیتوگرافی ، چاپ و صحافی : چاپخانه بزرگ قرآن کریم (14-36642211-025)

نوبت چاپ

سال : 1396

2000 نسخه

شابک: 64-9541-978

فروشگاه و نمایشگاه دائمی تهران: خیابان انقلاب، ابتدای پل کالج، روبروی خیابان خارک، پلاک 787

تلفن: 66418099 و 66401747 فاکس: 66418022

فروشگاه شماره (2) قم خیابان ارم مقابل پاساژ قدس تلفن: 37741282 فاکس: 37737660 فروشگاه شماره (3) قم: بلوار معلم -

مجتمع ناشران - پلاک 30 تلفن: 37841721-23

[www.Osveh.ir](http://www.Osveh.ir)

[www.Osvehpub.com](http://www.Osvehpub.com)

ص: 4

پیش گفتار...25

نقش شعر در تاریخ بشر...27

ارزش علم...31

بعضی از اندیشمندی که این دیوان را جمع آوری کرده اند...28

بعضی از کسانی که بر این دیوان شرح نوشته اند...29

1. آدم چیست و کیست؟...29

2. باید از نادان ترسید...35

3. دوستی فصلی...37

4. شکایت از زنان بیوفا...39

5. با کار زندگی را تأمین کنید نه با آرزو...40

6. کوشش در راه توانگری...41

7. مرده ای در میان زندگان...42

8. دنیا هدف نیست...44

9. عاشق دنیا...45

10. دنیا هدف نباشد...45

11. صبر و پایداری در برابر حوادث دنیا...46

12. سرنوشت و تدبیر...47

13. برنامه ریزی در زندگی ... 48
14. نجوا با خداوند ... 49
15. در سوگ پیامبر ... 52
16. روز بدر ... 53
17. زندگی یعنی مجموع نفس ها... 54
18. اندرز به فرزندش امام حسین علیه السلام... 58
19. باز فرزندش حسین علیه السلام را رهنمون می شوند و ماجرای کربلا و... 62
20. به فرزندش حسن علیه السلام می فرماید... 65
21. اندرزهای او به فرزندش حسن علیه السلام: گوهر خویش را پیدا کن ... 67
22. دوری از اضطراب ... 68
23. باز هم صبر ... 68
24. پس از سختی، گشایش است ... 69
25. پیش آدم های پست اظهار عجز نکن... 70
26. صبر می کنم ... 70
27. سخاوت داشته باش ... 71
28. دارایی سرپوش عیب ها ... 72
29. شکست از فقر ... 73
30. خرد و کامیابی ... 74
31. عقل بهترین هدیه الهی ... 75
32. یتیم حقیقی ... 75
33. فرهنگ یا نژاد ... 76

34. فرهنگ یا نژاد... 77

35. تحسین کم گویی... 77

36. فرهنگ سخن گفتن... 78

37. برخورد با نادان... 79

38. پرده دری نکن... 79

ص: 6



39. دوست کم است ... 80
40. شکایت از دوستان بیوفا ... 80
41. درخواست از پروردگار ... 80
42. ترس از گناه ... 81
43. دوری و دوستی ... 82
44. چرابی تابی ... 83
45. فریفته شدن دنیا ... 84
46. هشدار ... 84
47. حرص ... 85
48. در پیری ... 86
49. زاغ پرید و بوم آشیانه گرفت ... 89
50. غم جدایی ... 91
51. از دست دادن جوانی و یاران ... 91
52. روش مرد با تجربه ... 92
53. عشق و دوستی از دل نرود ... 93
54. بر سر قبر همسرش سرود ... 93
55. پاسخ مولا از زبان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) ... 94
56. در عزای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ... 94
57. خطاب به ولید بن مغیره ... 95
58. سرزنش ابولهب ... 96
59. رجز خوانی ... 97

60. رجز خوانی فرزند طلحه در روز اُحد ... 97

61. پاسخ امام به رجز بوسعید ... 98

62. سخن امام با محاصره کنندگان مدینه ... 99

63. در ماجرای خیبر فرمود ... 101

64. رجز مرحب در قلعه خیبر ... 103

ص: 7

65. علی (علیه السلام) جواب مرحب را می دهد ... 103
66. خطاب به خیبریان و یاسر ... 104
67. به عنتر مرادی خیبری می گوید ... 105
68. و نیز خیبر ... 105
69. نیز در خیبر فرمود ... 105
70. رجز مرة ابن مروان در جنگ خیبر ... 106
71. علی علیه السلام در پاسخ او می فرماید: ... 107
72. در جنگ صفین رجزی خواند ... 108
73. خطاب به معاویه ... 109
74. جواب حریث غلام معاویه ... 109
75. پاسخ یک نفر جنگجو در صفین ... 110
76. رجز در صفین ... 111
77. در غزوه و نبرد ذات العلم فرمود ... 111
78. هنگامه جنگ صفین گفت ... 112
79. در ستایش از یاران خود ... 112
80. ستایش از یاران خود ... 113
81. در ستایش قبیله ازد و اوس و خزرج می فرماید ... 116
82. درباره شورایی که عثمان را برای خلافت انتخاب کردند ... 118
83. زینب نامه ... 126
84. ملاک ارزش ... 133
85. جدا شدن برای مال ... 133

86. پس از فرود آمدن معاویه در صفین فرمود: ... 134

87. در جنگ صفین بعد از هویدا شدن عمرو عاص ... 134

88. رجز خوانی مولا در جنگ حنین در مقابل طلحه عبدری ... 135

89. گذر روزگار ... 135

90. دنیا چگونه است ... 136

ص: 8

91. باز هم چهره دنیا ... 136
92. تواضع ... 137
93. و نیز همین مطلب ... 138
94. قناعت ... 138
95. و باز قناعت ... 139
96. و باز در قناعت ... 139
97. صبر در برابر لذتها ... 139
98. یک خواسته و یک نگاه ... 140
99. در برابر سختیها خود را مبارز ... 141
100. آدم پر حرف ناگزیر لومی رود ... 142
101. زنده ای که مرده و مرده ای که زنده است ... 142
102. در عزای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ... 143
103. از پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه رزم میخواهد ... 143
104. تهدید دشمن در صفین ... 144
105. به یاران خود در صفین فرمود ... 145
106. گشایش پس از سختی ... 145
107. گاهی خود را به نادانی بزن ... 146
108. پیش به سوی رزم و شهادت ... 147
109. نارفیقان ... 149
110. انتخاب دوست صالح ... 149
111. نرمخویی ... 150

112. افشاء اسرار ... 151

113. فرصت را غنیمت شمار ... 151

114. ليلة الهرير در صفین ... 152

115. ازدواج رستگاری است ... 154

116. نیکی به پدر و مادر ... 154

ص: 9

117. بلند نگر باش ... 156
118. در طلب باید به زحمت افتاد ... 157
119. ارزش مسافرت ... 159
120. رنج و کوشش بی حاصل ... 160
121. نه شکوه می ماند و نه بی شکوهی ... 160
122. نابرابری انسان ها در رزق و روزی ... 161
123. انسان کامل کمیاب است ... 162
124. از بریدن آنکه برید دلتنگ نباش ... 163
125. سه چیز ... 162
126. سه شرط برای دوست ... 163
127. دوستی باید فصلی نباشد ... 163
128. دوستی و دوست ... 164
129. گونه رستگاری ... 164
130. تو پر خوری و دیگران گرسنه ... 164
131. گیتی جاودانه نیست ... 165
132. گذشته گذشت ... 166
133. بزرگواران همه رفتند ... 167
134. لذتها پایان دارد ... 167
135. ترس از مرگ و حسابرسی قیامت ... 168
136. دریغا بر جوانی ... 169
137. همه میهمان هستیم ... 169

138. همه خواهند مرد ... 170

139. در مرگ پدر ... 171

140. سخنی با فاطمه (سلام الله علیها) در بیماری ... 173

141. سفارش آن حضرت در باره اسراء به فاطمه همسرش ... 174

142. جواب فاطمه به همسرش علی ... 175

ص: 10



143. هنگام ساخت مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) فرمود ... 175

144. من بر آئین و دین محمد هستم ... 176

145. پس از کشتن یزید فرزند طلحه در احد می فرمایند ... 176

146. پس از سرزنش هند در ماجرای شهادت حضرت حمزه سیدالشهداء ... 177

147. درباره شهداء و کشته شدههای جنگ احد ... 179

148. سیاست قریش ... 181

149. دشمنان اسلام سه گروه بودند ... 183

150. سخنی با سید بن سلمه مخزومی ... 184

151. افتخار به فامیلی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ... 185

152. به ابن ملجم مرادی می فرمایند ... 186

153. در بامداد ضربت خوردن هنگام رفتن به مسجد ... 188

154. نزدیک شهر بصره قبل از شروع جنگ جمل ... 188

155. در میدان جنگ جمل به فرزندش محمد حنفیه فرمود ... 188

156. در کار پسر ملجم مرادی ... 190

157. شکیبایی ... 191

158. درد از خودت و درمان نیز ... 191

159. حل مشکلات با اندیشه و فکر ... 193

160. شناخت و ... 194

161. نادانی مرگ است ... 195

162. انسان کیست، حیوان چیست ... 195

163. آموزش در خردسالی ... 197

164. چگونه به اهدافمان برسیم ... 199

165. چگونه باید به هدف رسید ... 199

166. منتظر گشایش کارها باش ... 200

167. در انتظار گشایش ... 201

168. نوش بی نوش نیابی هرگز ... 202

ص: 11

169. امیدواری ... 203
170. غم و شادی پاینده نیست ... 204
171. غم و شادی پاینده نیست ... 204
172. دل باید بی نیاز باشد ... 205
173. دل باید بی نیاز باشد ... 205
174. کارها را بر خود آسان گیر ... 206
175. چه روزی می توان گریخت ... 206
176. روزی هر کس اندازه ای دارد ... 207
177. چرخ گردون ... 208
178. چرخ گردون ... 209
179. و نیز این گونه ... 209
180. همه روزی خوار تواند ای خدا ... 211
181. آرزوهای طولانی ... 212
182. چقدر نسبت به روزگار خوش گمانی ... 212
183. عیب از دنیا مگیر ... 213
184. زندگی در دنیا رنج است ... 214
185. امتحان و آزمون شصت سال عمر ... 214
186. ثروتمند ... 215
187. مستمند ... 216
188. نداری ... 216
189. بعد از لذت آتش جهنم ... 217

190. ننگ در چیست؟ ... 217

191. خوبان و نیکان رفتند ... 218

192. به چه کسی شکایت کنیم ... 220

193. ثابت قدم قابل ستایش است ... 220

194. دنیا و آخرت ... 221

ص: 12

195. باز دنیا و آخرت ... 222
196. زیبایی اخلاق ... 222
197. هزار دوست کم یک دشمن زیاد ... 223
198. آدم بی خیر ... 223
199. سرزنش به زنی که به آن حضرت بد می گفت ... 224
200. قناعت ... 224
201. هم چون بردگان کوشا باش ... 225
202. پرهیزگاری ... 226
203. یتیم ... 226
204. سپیدی مو ... 227
205. در مرثیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ... 228
206. تسلیت ... 229
207. هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه و خفتن امام علی (علیه السلام) در بستر او... 230
208. در جنگ احد به اسامة بن زید فرمود ... 232
209. جواب اسامة بن زید به امام ... 233
210. به مرحب بن شاس می فرمایند ... 233
211. جواب مرحب به امام ... 233
212. گفتار امام در جواب مرحب ... 234
213. رجز یاسر خیبری ... 236
214. در جواب یاسر خیبری می فرمایند ... 236
215. همچنین در جواب یاسر می فرمایند ... 237

216. رجز خوانی عنتر در جنگ خیبر ... 238

217. در جواب رجز ابوالبلیت ... 238

218. اقدام به سوزاندن کسی که او را خدا خواند ... 239

219. در بارهٔ خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ... 241

220. دل‌وریه‌های مولا (علیه السلام) ... 241

ص: 13

221. چشم پوشی یک فرهنگ است ... 243
222. درباره قبیله قریش ... 244
223. پس از جنگ جمل فرمود ... 245
224. صبر و تحول در پیشامدها ... 246
225. در جنگ صفین به عمرو عاص خطاب می کند ... 247
226. قصاص غلام عثمان به نام احمر به خاطر قتل کیسان ... 249
227. به نیروهای خود در صفین می فرمایند ... 249
228. در میدان افتخار ... 250
229. درباره داوری ... 251
231. نیایش ... 252
232. جهل مرکب ... 252
233. نمک شناسی ... 253
234. در صفین نامه ای به معاویه نوشتند ... 255
235. وام گرفتن ... 256
236. رجز عمرو ابن عبدود در جنگ خیبر ... 257
237. جواب امام ... 258
238. در ستایش علم ... 259
239. به خدا بدگمان مباش ... 260
240. اندرزهای گوناگون ... 260
241. از مرگ ایمن مباش ... 262
242. درود بر خفتگان زمین ... 262

243. در دلاوریهای خویش سرودند ... 263

244. گل‌های ما ... 264

245. رجزی با طلحه فرزند طلحه در جنگ احد ... 264

246. ترسانیدن اسامة بن زید در جنگ احد ... 265

247. ساختن زندانی در بصره ... 265

ص: 14



248. اندرزهای امام ... 266
249. نامه ای برای ترساندن عمرو عاص ... 267
250. جواب عمرو عاص ... 267
251. انفاق ... 268
252. هر چه خدا بخواهد ... 268
253. آنچه میجوید از آن ما است ... 269
254. پیام معاویه به امام علی (علیه السلام) ... 269
255. جواب ادعای پوچ معاویه ... 270
256. نه چپ و نه راست فقط صراط مستقیم ... 270
257. شکیبای باش ... 271
258. اینگونه خواب بهتر است ... 271
259. صبر و مهرورزی به اندازه ... 272
260. نیکی برای چه کسی ... 272
261. برادرت چه کسی است ... 273
262. ویژگیها و خصلتها ... 274
263. وفا از میان رفته ... 274
264. درد را درمان کن سازش نتیجه ندارد ... 275
265. بی تابی نکن ... 276
266. حرص و آزارها کن ... 277
267. این نیز بگذرد ... 278
268. هر چیزی علتی دارد ... 279

269. پرهیز از گناهان ... 279

270. مهر خداوندی ... 280

271. سپاس از خدای جهان ... 281

272. مناجات مولا ... 282

273. اندرزهای امام (علیه السلام) ... 286

ص: 15

274. سخن ابو طالب با حضرت علی (علیه السلام) و لیلۃ المیت ... 288
275. در لیلۃ المیت امام علی (علیه السلام) به پدرش میگوید ... 290
276. رجز خوانی عمرو بن معدی کرب ... 290
277. مولا جواب عمرو بن معدی کرب را می دهد ... 292
278. بعد از کشته شدن اغشم می فرمایند ... 293
279. پیروزیهای علی علیه السلام در میدان جنگ ... 293
280. در راه به سوی جنگ جمل ... 295
281. دنیا آب در مشت فشردن است ... 296
282. قناعت ... 296
283. درباره عقل و خرد ... 297
284. دنیا ... 298
285. در بیم و امید ... 298
286. از گناه دست بردار ... 299
287. نیکی و عدالت ... 299
288. بخل ... 300
289. آنچه که گذشت گذشت ... 300
290. روزی به عقل نیست ... 301
291. خدا مرگ را پاداش دهد ... 302
292. شناخت و عرفان خدا ... 303
293. پس از کشته شدن کعب فرزند اشراف و اخراج قبیله بنی نظیر ... 305
294. در گریختن غطریف ... 307

295. اشتیاق به کوفه ... 307

296. توکل ... 308

297. عقل و ثروت ... 309

298. تسلیم اراده خدا هستم ... 310

299. من همراه علمم ... 310

ص: 16

- 300 . هیچ کس پاینده نیست ... 311
- 301 . همیشه در دنیا غم میبارد ... 312
- 302 . دوست خوب وجود ندارد ... 312
- 303 . ناسپاس وجود دارد، ولی سپاس خیر ... 313
- 304 . یا برای دوستی یا ترس ... 313
- 305 . جنگ بدر ... 314
- 306 . خطاب امیر سخن به موسی ابن حازم عکبی ... 314
- 307 . پیمانی نا استوار ... 314
- 308 . نیز می فرمایند : ... 316
- 309 . نامه‌های که برای معاویه فرستاد ... 316
- 310 . عرفان به خدا ... 317
- 311 . همت بلند دار ... 318
- 312 . هشدار به کاتبان ... 318
- 313 . بخت و کوشش ... 319
- 314 . نیایش و مناجات هنگام قتل مره بن مروان در خیبر ... 319
- 315 . در دلاوری جنگجویانش ... 320
- 316 . از دنیا برتافت ... 321
- 317 . آمادگی برای مرگ ... 321
- 318 . امام دنیا را به صورت زن زیبایی دید ... 323
- 319 . گیتی سایه ای است ناپایدار ... 324
- 320 . آرزوهای دراز ... 325

321. دنیا و زندگی در آن باقی نیست ... 325

322. برتر چیست ... 326

323. تقوی و پارسایی کجاست؟ ... 326

324. ای دنیا هر چه هست برای تو ... 327

325. روزهای عمر ... 327

ص: 17

326. دنیا چون کاروانسرا است ... 328
327. معانی بلند و مصادیق روشن ... 329
328. در فراق فاطمه (سلام الله علیها) ... 331
329. در جوانی و پیری ... 333
330. عاقل و جاهل ... 334
331. به جابر توصیه می فرمایند ... 335
332. کجایند تختها و تاجها ... 337
333. نوید نباش ... 340
334. آبرو ... 341
335. سؤال آدم را خوار می کند ... 342
336. به دوش سنگ کشیدن بهتر است ... 343
337. منت نپذیرم ... 343
338. مهمان خوش آمد ... 344
339. قناعت ... 345
340. خصلتهای پسندیده ... 346
341. خصلتهای زشت ... 347
342. تلاش در راه دانش ... 248
343. مال و ثروت ... 248
344. تو کیستی؟! ... 249
345. اندرزهای با ارزش ... 349
346. هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور ... 350

347. درست فکر کن درست عمل کن ... 352

348. سلام و محبت کن ... 353

349. این نیز بگذرد ... 354

350. فریب نده ... 255

351. بیم و امید ... 356

ص: 18



352. روز قیامت ... 357
353. ای حارث همدانی ... 358
354. اختر بینی ... 359
355. پیش بینی آینده ... 360
356. در باره خلافت ... 361
357. در دلاوری خویش فرمایند ... 361
358. بازهم ... 362
359. سه چیز را پنهان کن ... 362
360. در مرگ حضرات ابو طالب و بانو خدیجه ... 363
361. بنده فرمانبردار ... 365
362. تو را با جانم نگهدارم ... 366
363. رسول خدا و کفار ... 369
364. جنگ احد ... 371
365. رجز عثمان پسر طلحه در احد ... 372
366. پاسخ علی به فرزند عثمان بن طلحه ... 372
367. رجز شریق ثقفی در جنگ احد ... 373
368. پاسخ مولا علی (علیه السلام) ... 374
369. روز خندق ... 375
370. حُیّی بن اخطب گوید ... 375
371. پس از کشته شدن حُیّی بن اخطب ... 376
372. در باره شایعات (اراجیف) ... 377

373. در انتظار جنگ جمل ... 379

374. طلحه و زبیر ... 380

375. پیامی برای معاویه ... 380

376. جواب معاویه ... 282

377. در جواب معاویه ... 283

ص: 19

378. در وصف یاران خود فرمودند ... 383
379. به عبد العزیز فرزند حارث در صفین فرمودند ... 384
380. بعد از شهادت عمار یاسر ... 385
381. در بازگشت از صفین و نتایج آن جنگ فرمودند ... 386
382. در باره چاه ذات العَلَم ... 387
383. آماده کوچ باش ... 388
384. پس از مرگ رسول خدا فرمودند ... 388
385. عمرو عاص در صفین گوید ... 389
386. در پاسخ فرزند عاص می گویند ... 390
387. خطاب به طلحه عُبَدْری در احد ... 390
388. مناجات معروف امام (علیه السلام) ... 395
389. نام خدای متعال ... 400
390. ناتوانی از درک کنه خدا ... 401
391. دانای درویش و نادان ثروتمند ... 401
392. سرنوشت و برنامه هستی ... 402
393. اختریین و پزشک ... 403
394. سرشت و خلقت روزگار ... 403
395. شادی و رنج همراه و همزادند ... 404
396. در کار گیتی دقت کن ... 404
397. باز دوباره دنیا و گیتی ... 405
398. اندرزی چند ؛ نصیحت به فرزندش حسین (علیه السلام) ... 406

399. نیکی در چشم آزاده دین است ... 497

400. جوانمرد کیست؟ ... 407

401. سپردن راز ممنوع مگر... 408

402. ستم نکن ... 408

403. شوخی نکن ... 409

404. برادر تو چه کسی است؟ ... 410

ص: 20

405. بر اسلام اشک بریز ... 410
406. شکایت زنی از شوهرش نزد علی (علیه السلام) ... 411
407. پاسخ همسرش ... 412
408. داوری مولا (علیه السلام) ... 412
409. صبر و شکیبایی ... 413
410. در عزای پدر ... 414
411. اطعام یتیم، دستور به حضرت فاطمه (سلام الله علیها) ... 414
412. جواب حضرت زهرا به شوی خود ... 415
413. غم نداری و اندیشه بخشندگی؛ همت عالی و دست خالی ... 416
414. به جایگاه خود در اسلام می بالد ... 417
415. سخن از فخر بود و علی (علیه السلام) فرمود: ... 419
416. گلایه ... 420
417. در ستایش حارث فرزند صَمّه انصاری ... 421
418. پس از بازگشت از جنگ احد فرمود ... 422
419. رجز غطریف فرزند جُشم ... 423
420. در پاسخ غطریف می فرمایند ... 424
421. به عمرو ابن عبدود خطاب می کند ... 425
422. رجز داود فرزند قابوس بکری ... 426
423. در جواب داود می فرمایند ... 426
424. در رجزی با یهودیان خبیر ... 427
425. هنگام کشتن صحیح خیبری انشاء کرد ... 428

426. در جنگ جمل به زبیر می فرمایند ... 428

427. به معاویه می فرمایند ... 429

428. به معاویه بگوئید علی (علیه السلام) کیست ... 431

429. فرمان نبرند ... 432

430. درباره سپاه حصین ابن منذر ... 433

431. برادر راستین کیست؟ ... 435

ص: 21

432. قصه و داستان قبائل همدان در صفین ... 436
433. گیتی به یک حال نماند ... 438
434. پس از کشتن تبه‌کاری ... 438
435. در مرثیه یارانش در جنگ صفین ... 439
436. در میدان صفین ... 440
437. افسوس بر شامیان ... 441
438. در نکوهش بعضی افراد ... 441
439. در بی‌نیازی نفس ... 442
440. نیایش ... 443
441. زاری به درگاه پروردگار ... 444
442. اندرزی به امام حسین (علیه السلام) ... 445
443. اگر میخواهی موفق باشی صبر کن ... 446
444. سختیها را جدی بگیر ... 447
445. آسان گیر و سخت بگیر ... 448
446. فرصت را غنیمت شمار ... 448
447. روزگار سخت گیرد و من صبر پیشه کنم ... 449
448. روزگار مرا ادب می‌کند ... 450
449. طمع نوز و خود را خاضع نکن ... 450
450. کوشش و تلاش گاهی جواب ندهد ... 451
451. هر چه به دستت رسید راضی باش ... 453
452. پرهیز از دنیا طلبی ... 454

453. دنیا یعنی جمع و تفریق ... 455

454. یاران زمان ... 456

455. مرد ... 457

456. زن ... 458

457. در کنار یار ولی ناکام ... 459

458. به عمر ابن خطاب در سوگ فرزندش ... 460

ص: 22



459. دل به غربت نبند ... 460
460. نیایش ... 461
461. سعد و نحس ایام ... 461
462. فال نیک ... 462
463. اصالت ما ... 462
464. رمز نام محمد (صلی الله علیه و آله) ... 463
465. خوراک به درویش داد ... 463
463. دخت پیامبر فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ... 463
466. پاسخ فاطمه (سلام الله علیها)
467. درباره عثمان فرزند مظعون ... 465
468. در جنگ بدر فرمود ... 467
469. ترسانیدن در جنگ، جنگ روانی ... 468
470. دفاع از دین ... 468
471. دوشیر در میدان جنگ ... 469
472. به فرزندش محمد حنفیه در جنگ جمل ... 469
473. عمرو عاص در جنگ صفین گوید ... 469
474. جواب امام به عمرو عاص ... 470
475. حضرت در صفین فرمود: ... 471
476. رجز عبدالله راسی در نهروان ... 471
477. جواب امام به راسی ... 472
478. مردی از خوارج به میدان آمد و رجز خواند ... 473

479. امام از میان نیروها بیرون آمد و گفت: ... 473

480. سیری خران برای گرسنگی شیران ... 474

481. معاویه را به مبارزه دعوت میکند ... 475

482. چند پند ... 475

483. چند کار خوب ... 476

484. با گهر ... 477

ص: 23

485 . امام علی و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ... 478

486 . برتری ها و والائی ها .... 479

487 . نشانه ارباب کمال ... 480

488 . بی نیازی جان ... 481

489 . بی نیازی دل ... 482

490 . میخواهی خوش باشی ... 483

491 . قناعت ... 483

492 . هیچ کس را سرزنش مکن ... 484

493 . ناگزیر از مرگ ... 485

494 . پس از مرگ آزاد نیستی ... 586

495 . کاش مادر ما را نزاده بود ... 487

496 . خواهشهای دل ... 488

497 . گله از روزگاران ... 488

498 . برای دعا از جا برخیز ... 489

499 . از کوزه برون همان تراود که در اوست ... 490

500 . آدمی یعنی حرص و آز ... 490

501 . در عزای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ... 491

502 . می بالم به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) ... 493

503 . در دلآوری اش می فرمایند ... 494

504 . کافری رجز خواند ... 494

505 . مولا در جواب فرمود ... 495

506. در توکل به خدا ... 495

ص: 24

هر چه گفتیم جز حکایت دوست\*\*\* در همه عمر از آن پشیمانیم (1)

باز هم توسن اندیشه و فکر و قلبم، در جولان خود نتوانست از قلمرو حاکمیت علم و درایت و اندیشه و عرفان فردی که به نامتناهی وصل است، گامی بیرون نهد و در باغستان معارف و علوم دیگر شخصیت ها قدمی بگذارد.

اوبه هر جا تاخت در ملک مالکی تاخت که مجمع الجزایر ارزش های متعالی انسانی خداگونه است. و قادر به برون رفت از جاذبه او نشد.

قلمرو علم و عرفان و اندیشه، او را نه تنها در زمین، بلکه در عرش باید دید که در آنجا برای پرنده ای همچون من، بال زدن، میسر نیست. آری وقتی استاد آن بزرگ می فرمایند: «یا علی علیه السلام جز من و تو کسی آن گونه که باید خدا نشناخت و جز خدا و من کسی تو را نشناخت و جز تو و خدا کسی مرا نشناخت» من و امثال من چکاره ایم.

ص: 25

آری اگر بپذیرد که ما خوشه چین باغ او باشیم چه سعادت بزرگی است و امید است این لیاقت را حفظ کنیم .

در پانزده سالی که در مجلس شورای اسلامی بودم، برای ارشاد مسئولان جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان مجلس، مطالبی از سخنان مولا انتخاب نموده و در زمان های مناسب گوشزد می کردم تا شاید مسئولان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با نگاهی عالمانه و عارفانه، در سایه آن امام همام، حکومتی را پایه گذاری کنند که نمونه ای گویا از حکومت مولا (علیه السلام) باشد. کشوری که در آن، جان و مال و آبرو و ناموس آحاد ملت از تعرض مصون بماند و شعار اولیه انقلاب محقق شود: «فردا چو بهار آید، آزاد و رها هستیم، در اوج خدا هستیم...».

لذا با جمع آوری مطالب گفته شده، و چاپ آنها در کتابی با نام «ندای عدالت» یا «آموزه های امام علی (علیه السلام) به مسئولان نظام اسلامی» که تا کنون دوبار به چاپ رسیده است این گفتار والا را در دسترس همگان قرار دادم.

پس از آن تلاشی دیگر را آغاز نموده و تمام نهج البلاغه را با ترجمه ای گویا و تفسیرگونه در سال 1390 در انتشارات اسوه، به چاپ رساندم که تا کنون سه بار به چاپ رسیده است.

اکنون برای بار سوم به سراغ دیوان و اشعار حضرت علی (علیه السلام) رفتم و اشعار آن حضرت را ترجمه کردم و در ترجمه، شیوه ترجمه مضمونی، مفهومی را برای تسهیل در درک مفاهیم انتخاب کردم. اشعاری که به خوبی می تواند نقش بزرگی در راهنمایی پیروان واقعی آن یکتامرد تاریخ، ایفا نماید .

از آنجایی که بشر، احساس درونی خود را با الفاظ بیان می‌کند می‌خواهد این احساس را با بهترین و رساترین و شیواترین لفظ بیان کند، به طور طبیعی به سراغ کلماتی موزون و احیاناً با اشارات و کنایات می‌رود و افکار و احساسات خود را بدین شکل برای همگان ابراز می‌کند. حتی نقل شده که حضرت آدم نیز در مرگ هابیل، شعر گفته است و حرارت مرگ فرزند خود را به زبان شعر ابراز کرده است. و در طول تاریخ، رجزهای میادین جنگ نیز از این شیوه بیان پیروی کرده است.

لازم به ذکر است که شعر و شاعری جایگاه ویژه‌ای در میان ملل مختلف داشته و حتی میتوان گفت شعر در زمان‌های دور نقش رسانه‌ها را بازی می‌کرده است، از این رو جایگاه عظیمی داشته و نزد ارباب قدرت صاحب منزلت بوده و حتی در میادین جنگ، آنکه زیباتر و کوبنده تر رجز می‌خواند، روح و روان دشمن را بیشتر در هم می‌شکست.

در زمانی که اخلاق در ابعاد مختلف خود نادیده گرفته می‌شد، نقش شعر نیز نقش تخریبی بود و شاعران با شعرهای غیراخلاقی و خلاف عفت عمومی، آنچنان جایگاه مهمی پیدا می‌کردند که حتی اشعار ضد اخلاقی آنان، که نوعاً نیز مورد استقبال هوسبازان و هوسرانان قرار می‌گرفت، به صورت پرده تحت عنوان «معلقات» به خانه خدا آویخته میشد؛ زیرا اخلاق عموم مردم و سران قبایل به انحطاط کشیده شده بود و هر زمان که مسئولان و مردم تغییر شخصیت بدهند و خودیت خویش را فراموش کنند و تا حد حیوانات و حتی پایینتر تنزل پیدا کنند، آنگاه است که به جای اشعار ارزشی، شعرهایی جلف و بی محتوا همراه با حرکاتی جلف تر خوانده می‌شود و

باعث انحطاط اخلاقی جامعه خواهد شد.

امروز باید توجه داشته باشیم که ما نیز به سرنوشت دوران جاهلیت گرفتار نشویم و از شاعران و نامداران شعر و ادب و خوانندگان با اصالت و فهمیم استفاده بهینه کرده تا شاید بتوانیم در این زمینه رسالت خویش را با شایستگی به انجام رسانیم.

ائمه هدی (علیهم السلام) نیز برای آنکه شاعران گمراه با اشعار ویران کننده و خوانندگان بی اصل و نسب اخلاق جامعه را به انحطاط نکشاند تا حد امکان شعرهایی سروده اند که بخشی از این اشعار را، آیه الله سید مصطفی دشتی در کتابی به نام «معارف و معاریف» جمع آوری و به چاپ رسانده است. (1)

در مورد اشعار مولا علی (علیه السلام) با عنوان «دیوان امام علی (علیه السلام)»، با اینکه برخی به خاطر عدم اشراف به موضوع در نسبت دادن این اشعار به امام، اظهار تردید کرده اند، ما برای ردّ این ادعا و در جهت اثبات این دیوان، به صورت مختصر و موجز به معرفی شخصیت‌هایی که این دیوان را جمع آوری کرده و یا شرح داده اند می پردازیم.

### **بعضی از اندیشمندی که این دیوان را جمع آوری کرده اند :**

1. عبد العزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی الجلودی.

ابو احمد متوفای سال 332 هجری قمری بوده و از اولین کسانی است که دیوان حضرت علی (علیه السلام) را جمع آوری کرده و مرحوم نجاشی در کتاب

ص: 28

---

1- معارف و معاریف، ج 6، صفحه 495 تا 500.



رجال (1) خود از او و کتابش با نام «کتاب شعر علی (علیه السلام)» یاد کرده است.

2. قطب الدین کیدی محمد ابن الحسین ابن الحسن البیهقی النیشابوری .

نامبرده دویار این کتاب را جمع آوری کرده، یک بار به نام «انوار العقول» و یک بار به نام «الحدیقة الأنیقه».

3. علی ابن احمد ابن محمد فنجکری (2) ابو الحسن النیشابوری.

وی متوفای سال 521 یا 513 هجری قمری بوده و کتابش را به نام «تاج الاشعار» یا «سلوة الشیعه» نامگذاری کرده است.

4. بعضی از احباب که نام آنها ذکر نشده اشاره به کتاب محمد ابن اسحاق، متوفای سال 151 هجری قمری کرده و او را از جمع آورندگان این دیوان معرفی کرده و مرحوم قطب الدین کیدی آن کتاب را دیده است.

5. سیّد هبة الله معروف به ابن شجری، متوفای 543 هجری .

6. قاسم علی ابن محمد تقی خوانساری.

7. سید محسن امین مؤلف کتاب شریف و معروف «اعیان الشیعة».

### بعضی از کسانی که بر این دیوان شرح نوشته اند

1. سید محمد مهدی ابن محمد جعفر موسوی با نام «التحریر فی شرح دیوان الأمير».

2. مولی حسین ابن معین الدین میبیدی.

3. سید اسماعیل فرزند نجف مرندی که از شاگردان مرحوم شیخ انصاری بوده و در سال 1318 وفات کرده است.

ص: 29

---

1- کتاب رجال، ج 2/55، تحت عنوان ورقم 638

2- فنجکری (با فاء مفتوحه و نون ساکنه و جیم مفتوحه و کاف مکسوره).

به هر حال دیوان مولا علی (علیه السلام) بر اساس مضامین روایات و اخبار و مفاهیم نهج البلاغه و سایر روایات مطرح است و هر کس با سخنان مولا علی (علیه السلام) آشنایی کامل داشته باشد، بدون دلیل می پذیرد که این کتاب از گفته های علی علیه السلام است و از سویی بعضی از اشعار این کتاب نمونه ای گویا از ظلم حاکمان جور بر علیه سرور آزادگان علی (علیه السلام) است.

هر چند گفتار درباره این دیوان و سروده های آن امام همام بسیار است، اما به خاطر اختصار، به همین اندک بسنده می کنم .

احمد زمانیان

اسفند ماه 1395 شمسی

ص: 30

1. آدم چیست و کیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

1. النَّاسُ مِنْ جِهَةِ التَّمَثَالِ أَكْفَاءُ \*\*\* أَبُوهُمْ آدَمُ وَالْأُمُّ حَوَاءُ
2. وَإِنَّمَا أُمَّهَاتُ النَّاسِ أَوْعِيَةٌ \*\*\* مُسْتَوْدَعَاتٌ وَلِلْأَحْسَابِ آبَاءُ
3. فَإِنْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ أَصْلِهِمْ شَرَفٌ \*\*\* يُفَاخِرُونَ بِهِ فَالطَّيْنُ وَالْمَاءُ
4. فَإِنْ أَتَيْتَ بِفَخْرٍ مِنْ ذَوِي نَسَبٍ \*\*\* فَإِنَّ نَسَبَنَا جُودٌ وَعَلِيَاءُ
5. لَا فَضْلَ إِلَّا لِأَهْلِ الْعِلْمِ إِنَّهُمْ \*\*\* عَلَى الْهُدَى لِمَنْ اسْتَهْدَى أَدْلَاءُ
6. وَقِيَمَةُ الْمَرْءِ مَا قَدْ كَانَ يُحْسِنُهُ \*\*\* وَالْجَاهِلُونَ لِأَهْلِ الْعِلْمِ أَعْدَاءُ
7. نَقْمٌ بِعِلْمٍ وَلَا تَبْغِي بِهِ بَدَلًا \*\*\* فَالنَّاسُ مَوْتَى وَأَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ

آدم چیست و کیست؟

- 1- انسان ها از نظر جسم همانندند چون از یک پدر و مادر آفریده شده اند.
- 2- گوهر وجودی انسان ها را مادران در شکم خود به ودیعت می گیرند، و پس از کمال آن را به پدران (و جهان) می سپارند.

3- آنهایی که به ارزش و شرف خود می‌بالند ، باید بدانند نخست از آب و خاک آفریده شده‌اند.

4- اگر به فخر و والاتباری خویش می‌بالی ، باید بدانی که نسبت ما سخاوت و بالندگی است (و این امر خدا است) .

5- [در آشفته بازار دنیا ] برتری و افتخاری نیست ، مگر برای آگاهان و دانشمندان، زیرا آنان به راه و شناخت حق آگاهانند و به دیگران نیز آگاهی می‌دهند.

6- ارزش هر کس به چیزی است که می‌پسندد و نادانان هم دشمن دانش و هم دشمن آگاهان و دانشمندانند.

7- و ما به دنبال علم خواهیم رفت ، و چیزی را به جای آن انتخاب نخواهیم کرد، زیرا فقط دانشمندان زندگی الهی و انسانی دارند ، و آنها دائم زنده‌اند و نمی‌میرند.

نکته:

مولا در این شعر به چند نکته مهم به صورت اجمال اشاره می‌کند و به خواننده این شعر مطالبی مهم را گوشزد می‌نماید و او را به حقایقی روشن دعوت می‌کند .

اول : پیدایش انسان را از یک پدر و مادر گوشزد می‌کند و بیان می‌فرماید که ابناء بشر از یک پدر و مادر به وجود آمده‌اند و در خطبه اول نهج البلاغه کیفیت خلقت آدم و حوا را بیان می‌فرمایند که اجمال آن چنین است که آدم ابوالبشر و همسرش حوا از خاکهای زمین و عصاره آنها آفریده شده‌اند.

دوم : مطالبی که بیان می‌فرمایند آن است که چون شخصیت و سجایای اخلاقی و جسم و توازن و تناسب اندام و در یک کلمه سلامت

ص: 32

انسان در شکم مادر به وجود می آید، لذا شکم مادر که اولین بستر زندگی او است اگر از مادری که به هر جهت دارای مریضی و نارسایی جسمی و روحی است به وجود آید طبیعی است که نوزاد بهره ای از آنها با خود دارد.

لذا: در اسلام سفارش اکید شده که سعی کنید همسران از هر جهت سالم باشند تا فرزندی سالم تحویل جامعه بدهند.

یک نفر از مؤمنین خدمت امام صادق یا امام باقر علیهم السلام آمد و عرض کرد: دختری در خانه یک نفر هست که نارسایی فکری دارد و من تصمیم دارم با او ازدواج کنم، زیرا کسی حاضر نیست او را به همسری قبول نماید، آیا شما اجازه می فرمایید؟!

حضرت در جواب می فرمایند: ازدواج با او اشکالی ندارد ولی از آن دختر صاحب فرزند نشو، چون فرزند آن دختر سهمی از نارسایی های مادر را به همراه خود خواهد آورد.

و آنچه علم ژنتیک امروز مطرح می کند، در آن زمان امام مطرح کرده و در این اشعار به آن اشاره شده است.

به هر حال، انسان است که با اختیار همسر انتخاب می کند و باید موازین علمی و اخلاقی را رعایت کند، ولی حیوانات با غریزه خدادادی زندگی و همسر خود را انتخاب می کنند.

توجه به این نکته ضروری است که در میان بسیاری از حیوانات نیز انتخاب همسر با حیوان ماده است که آن هم به صورت غریزی و جبری سعی میکنند قوی ترین و سالمترین و بی عیب ترین را انتخاب کند و به همین دلیل نوزادان حیوانات مسائل زندگی را به صورت جدی تری می بینند لذا نسل بیشتر حیوانات، سالم و قوی و نوعاً بدون مسئله است.

به هر حال ، در این باب باید اندیشه کرد و به دنبال علمی رفت که زندگی را دگگون و با معنی می کند زیرا انسان که علم اسماء را از سوی پروردگار خود آموخته در جهان هستی دارای مقامی ارجمند است ، به گونه ای که از فرشتگان هم بالاتر می بیند و میداند :

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند \*\*\*بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

مولا در آخر این اشعار می فرماید: **تَقُمْ بِعِلْمٍ** یعنی قیام و پیشرفت ما با علم است و جز از طریق علم هیچ چیز را انتخاب نخواهیم کرد و زنده ماندن ما و بقاء ما با علم است و پا به عرصه وجود گذاشتن ما هم به وسیله علم است؛ آن هم علمی که هستی را شناسایی می کند: **«وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (1)**.

امروز جهان هستی جولانگه آدم های دانشمند است و دانشمندان نخواهند مرد . چون زنده اند و زندگی را با هستی بخشی جهان گره زده اند.

چون انسان خلیفه خدا در هستی است و علم هستی را از استاد ازلی آموخته و راه زنده ماندن را پیدا کرده است. (2)

به هر حال با تعمق در این آیات و اشعار مولا جایگاه انسان در هستی پیدا است:

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است \*\*\* دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

\*\*\*

ص: 34

---

1- سوره بقره، آیه 31

2- سوره بقره، آیات 19 تا 22

## 2. باید از نادان ترسید

1. وَلَا تَصْحَبْ أَخَا الْجَهْلِ \*\*\* وَإِيَّاكَ وَإِيَّاهُ

2. فَكَمْ مِنْ جَاهِلٍ أُرْدَى \*\*\* حَكِيمًا حِينَ آخَاهُ

3. يُقَاسُ الْمَرْءُ بِالْمَرْءِ \*\*\* إِذَا مَا هُوَ مَاشَاءُ

4. وَلِلشَّيْءِ مِنَ الشَّيْءِ \*\*\* مَقَائِسُ وَأَشْبَاهُ

5. وَلِلْقَلْبِ عَلَى الْقَلْبِ \*\*\* دَلِيلٌ حِينَ يَلْقَاهُ

باید از نادان ترسید

1- با نادانان دوستی مکن، و از رفاقت و دوستی آنان کناره گیر .

2- چه بسیاری از نادانان، که فرزندان و اندیشمندان را در جامعه ساقط می کنند .

3- ارزش هر کس را، با همگام و دوست او مقایسه می کنند.

4- برای پی بردن و تحقیق درباره هر کس، به همراه و هم طراز او نگاه می کنند.

5- ارزش برون و درون هر کس را، از برون و درون همراهش بین .

★ نکته:

ذره ذره کاندترین ارض و سماست \*\*\* جنس خود را همچو کاه و کهرباست

ناریان مر ناریان را طالبند \*\*\* نوریان مر نوریان را جاذبند

ص: 35

ای نیک با بدان منشین هرگز \*\*\* خوش نیست وصله جامه دینا را

اگر گوهر وجودی خود را گم نکنیم و به اصل خویش مراجعه نماییم که از عالم علم و هستی و رازها و نیازها آمده ایم، امکان ندارد با افرادی که خویش را گم کرده و در عالم جهل و نادانی غوطه ورنند معاشرت نماییم؛ زیرا معاشرت با آنان بزرگترین خسارت است.

چه بسیار بوده اند شخصیت های علمی و سیاسی که به وسیله نادانان و افراد سقوط کرده اند . و گفته شده اگر بخواهید دانشمند و فرد آگاهی را آزار دهید او را با نادانی همراه و همنشین نمایید .

بنابراین شخصیت هر کسی در دوست او تجلی پیدا می کند و معلوم می شود که خود چه ارزش و شخصیتی دارد اگر معاویه ها و خونخواران را انتخاب کنی و یا در مقابل مولا علی (علیه السلام) و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و ناجیان جهان را انتخاب کنی روز قیامت با آنان محشور و در این دنیا نیز در زمره آنان در خواهی آمد.

آنگاه با چشم آنان می بینی و با گوش آنان می شنوی و اندیشه و افکارت نیز دنباله رو آنان خواهد بود.

### 3. دوستی فصلی

1. تَغَيَّرَتِ الْمَوَدَّةُ وَالْإِحَاءُ \*\*\* وَقَلَّ الصِّدْقُ وَأَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ

2. وَأَسْلَمَنِي الزَّمَانُ إِلَى صَدِيقٍ \*\*\* كَثِيرِ الْغَدْرِ لَيْسَ لَهُ رِعَاءُ

3. وَرُبَّ أَحٍ وَفِيَتْ لَهُ بِحَقِّي \*\*\* وَلَكِنْ لَا يَدُومُ لَهُ وَفَاءُ

4. إِذَا إِخْلَاءٌ إِذَا اسْتَعْنَيْتُ عَنْهُمْ \*\*\* وَأَعْدَاءٌ إِذَا نَزَلَ الْبَلَاءُ

5. يُدِيمُونَ الْمَوَدَّةَ مَا رَأَوْنِي \*\*\* وَيَبْقَى الْوُدُّ مَا بَقِيَ اللَّقَاءُ



6. وَإِنْ عُيِّبْتُ عَنْ أَحَدٍ فَلَانِي \*\*\* وَعَاقِبَتِي بِمَا فِيهِ اكْتِفَاءُ

7. سَيُغْنِينِي الَّذِي أَغْنَاهُ عَنِّي \*\*\* فَلَا فَقْرٌ يَدُومُ وَلَا ثَرَاءُ

8. وَكُلُّ مَوْدَّةٍ لِلَّهِ تَصْفُو \*\*\* وَلَا يَصْفُو مَعَ الْفِسْقِ الْإِحَاءُ

9. وَكُلُّ جِرَاحَةٍ فَلَهَا دَوَاءٌ \*\*\* وَسُوءُ الْخُلُقِ لَيْسَ لَهُ دَوَاءُ

10. وَلَيْسَ بِدَائِمٍ أَبَدًا نَعِيمٌ \*\*\* كَذَلِكَ الْبُؤْسُ لَيْسَ لَهُ بَقَاءُ

11. إِذَا أَنْكَرْتُ عَهْدًا مِنْ حَمِيمٍ \*\*\* فَفِي نَفْسِي التَّكْرُمُ وَالْحَيَاءُ

12. إِذَا مَا رَأَسُ أَهْلِ الْبَيْتِ وَلى \*\*\* بَدَأَ لَهُمْ مِنَ النَّاسِ الْجَفَاءُ

#### دوستی فصلی

1. دوستی، برادری، صداقت، دل بستن به یاران، در جامعه رخت بر بسته، و با این وضع نمی توانی به صداقت افراد امیدوار باشی .
2. زمانه مرا به دوستی پیمان شکن و حيله گر سپرده، که حقوق انسانی را رعایت نمی کند .
3. چه بسا برادری که حقش را محترم شمردم، ولی او حق مرا محترم نشمرد و از او وفاداری ندیدم .
4. تا زمانی که بی نیازم، برادران من هستند؛ آنگاه که بلای نیازمندی بر من نازل شد دشمنان من هستند .
5. هر زمان که مرا می بینند، دوستم هستند و دوستی باقی است، تا زمانی که همراه هم هستیم .
6. و آنگاه که از هم دوریم، دیگر وفایی نیست، و این کار مرا ناراحت می کند و همین ناراحتی مرا بس است .
7. همان کسی که مرا از او بی نیاز کرده، نیازم را بر می آورد که در آن صورت

داشتن و نداشتن مرا کافی است چون او را دارم.

8. دوستی که برای خدا است، پاک و باقی است، اما آن دوستی که بر اساس گناه و پیمان شکنی است، دوام پیدا نکند.

9. هر زخمی را درمانی است، ولی زخم بدخلقی درمانی ندارد.

10. شادی و خوشی دائمی نیست، هم چنین هیچ تیره روزی باقی نیست.

11. هر زمان که در روش دوستم، بدعهدی دیدم، بزرگی طینتم و حیاء من مانع از عمل به مثل می شود.

12. هر زمان که رئیس قوم و قبیله بمیرد ستم و ظلم از سوی مردم و مخالفان شروع می شود.

★ نکته:

دلا یاران سه قسمند ار بدانی \*\*\* زبانی اند و نانیاند و جانی

نوازش کن به یاران زبانی \*\*\* به نانی نان بده از در برانش

برو تو یار جانی را به دست آر \*\*\* به راهش جان بده تا می توانی

تا زمانی که قدرت و ثروت داری، خیل دوستان و طرفدارانت گاهی از مرزهای کشور نیز فراتر می رود و تو را تا حد خداوند ستایش می کنند ولی هر زمان که آن قدرت مالی یا سیاسی یا اجتماعی از بین رفت و تنها خود انسان ماند، یک باره همان گونه که برای دست بوسی تو هجوم می آوردند در فرار از تو، غوغا می کنند و همدیگر را پایمال می کنند که بلکه زودتر از تو فاصله بگیرند. آن گاه می شود مصداق این شعر:

ص: 38

دیدنی آن دوست که زد لاف محبت همه عمر \*\*\* گشت معلوم که ما را ز ازل دشمن بود

اما اگر دوستی برای خدا باشد آن دوستی ماندگار و ابدی خواهد بود.

#### 4. شکایت از زنان بی وفا

1. دَعَّ ذِكْرَهُنَّ فَمَا لَهُنَّ وَفَاءٌ \*\*\* رِيحُ الصَّبَا وَعُهُودُهُنَّ سَوَاءٌ

2. يَكْسِرُنَّ قَلْبَكَ ثُمَّ لَا يُجْبِرُنَّهُ \*\*\* وَقُلُوبُهُنَّ مِنَ الْوَفَاءِ خَلَاءٌ

شکایت از زنان بی وفا

1. از زنان بی وفا سخن مگو که پیمان شکن هستند، باد صبا و پیمانشان یکی است.

2. بازیرکی و قساوت قلبت را می شکنند، و دلجویی هم نمی کنند چون دلشان از وفا خالی است.

★ نکته:

در زندگی خانوادگی مرد به خاطر آنکه برتر است و تمام هزینه های زندگی را باید تأمین کند و از جهات خانوادگی و اجتماعی برتری دارد و باید آن را حفظ کند، لذا در تمام مراحل زندگی، شفاف و روشن موضع گیری می کند و از سویی در تمام شئون زندگی احساس وظیفه می نماید.

ولی زن از نظر قوانین خلقت و قوانین اجتماعی و خانوادگی همیشه احساس وابستگی می کند و این وابستگی باعث می شود که از هر طریق ممکن امنیت اجتماعی و مردمی و خانوادگی خویش را حفظ نماید و

ص: 39

لاجرم ممکن است گاهی از راههای غیر اصولی استفاده نماید. هر چند این روش ناپسند در بسیاری از زنان به خاطر ترس از خداوند منتفی است.

## 5. با کار زندگی تامین کنید نه با آرزو

1. وَمَا طَلَبُ الْمَعِيشَةِ بِالتَّمَنِّيِ \*\*\* وَلَكِنْ أَلْقِ دُلُوكَ فِي الدَّلَاءِ

2. تَجِئُكَ بِمِلْئِهَا يَوْمًا وَيَوْمًا \*\*\* تَجِئُكَ بِحَمْلَةٍ وَقَلِيلِ مَاءٍ

با کار زندگی را تامین کنید نه با آرزو

1. تامین زندگی با آرزوهای پوچ ممکن نیست، بلکه باید همچون دیگران دلو خویش را در چاه اندازی .

2. تا روزی دلو پر از آب و روزی مقدار کمتری آب با گل و لای درآید.

★ نکته:

نابرده رنج گنج میسر نمی شود \*\*\* مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

زندگی دارای دو بعد است ، درون انسان و برون انسان.

در زندگی درون، باید هر کس با تمام ظرفیت تلاش کند و جهاد نماید تا زندگی برونی او به کام شود و با تنبلی و بی فکری نمی توان در جامعه ، زندگی خوبی داشت .

و توجه به این نکته بسیار ضروری است که نباید به جای تلاش و کار تنها دست به دعا برداشت ؛ و باید همیشه این امر مهم را در زندگی مدنظر قرار داد که: «با توکل زانوی اشتر ببند»؛ تا به ظرفیت واقعی خود

که تقدیر خداوند است، برسید . و به قول مولا ، «تو دلو خود را در چاه

ص: 40

بینداز تا نصیب تو از زندگی به تو برسد» ولی اگر کنار چاه بایستی و برای داشتن آب آرزو کنی و دست به دعا برداری ، مطمئن باش که هرگز به آب دست پیدا نخواهی کرد.

## 6. کوشش در راه توانگری

1. وَكَمْ سَاعٍ لِيُثْرِي لَمْ يَنْلُهُ \*\*\* وَآخِرُ مَا سَعَى لِحَقِّ الثَّرَاءِ

2. وَسَاعٍ يَجْمَعُ الْأَمْوَالَ جَمْعًا \*\*\* لِيُورِثُهَا أَعَادِيَهُ شَقَاءَ

3. وَمَا سَيِّانٍ ذُو خُبْرٍ بَصِيرٌ \*\*\* وَآخِرُ جَاهِلٍ لَيْسَا سَوَاءَ

4. وَمَنْ يَسْتَعْتَبِ الْحَدَثَانَ يَوْمًا \*\*\* يَكُنْ ذَاكَ الْعِتَابُ لَهُ عَنَاءَ

5. وَيُزْرِي بِالْفَتَى الْإِعْدَامَ حَتَّى \*\*\* مَتَى يُصِبِ الْمَقَالَ يَقِلَّ أَسَاءَ

کوشش در راه توانگری

1- چه افرادی برای ثروتمند شدن کوشیدند ، ولی ثروتی به دست نیاورند و کسانی دیگر که کوشش نکرده اما ثروتمند شدند.

2- چه بسیاری با کوشش فراوان ثروتی خوب به دست آورده و ثروت اندوزی کردند ، ولی ورثه آنان هم چون گرگ های گرسنه ، آن ثروت را غارت کردند.

3- دانای بینای هشیار و نادان کج فهم یکسان نیستند.

4- هر کس رویدادها را سرزنش کند ، روزی آن سرزنش برای او رنج و پشیمانی خواهد داشت .

5- نداری جوانمرد را چنان خوار می کند ، که اگر سخن خوب و پندآموزی بگوید او را مسخره کرده و می گویند حرف بدی زد.

ص: 41

هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور \*\*\* که نان گندم درویش طعم جو دارد

وقتی فرهنگ مردم به سوی ناهنجاریها پیش رفت، و بینشها به جای بینش ارزشی به سوی هرج و مرج اخلاقی رفت، آنگاه است که نیکوکار ، بدکار و بدکار ، نیکوکار شمرده شده و جوانمردی از جامعه رخت بر می بندد و شعر فوق در جامعه نمود پیدا میکند و آنگاه است که :

کور گردد چشم عقل کنجکاو \*\*\* بشکند گردونه ای را شاخ گاو

\*\*\*

ناکس از بهر کسی یار نگرده هرگز \*\*\* راهزن قافله سالار نگرده هرگز

دل به هر یار مده از پی هر یار مرو \*\*\* زانکه هر یار تو را یار نگرده هرگز

## 7. مرده ای در میان زندگان

لَيْسَ مَنْ مَاتَ فَاسْتَرَاحَ بِمَيِّتٍ \*\*\* إِنَّمَا الْمَيِّتُ مَيِّتٌ الْأَحْيَاءُ

مرده ای در میان زندگان

مرده آن نیست که جان داده و در خاک آرام افتاده، بلکه مرده کسی است که زنده است ولی اثر زنده بودن را ندارد و فقط در اندیشه خویش است.

زنده جاوید کیست کشته شمشیر دوست \*\*\* آب حیات وجود در دم شمشیر اوست

گر بشکافی هنوز خاک شهیدان عشق \*\*\* آید از آن کشتگان زمزمه دوست دوست

با دید خدایی همه چیز را ببین ، نه با دید دنیا پرستان چرا که دنیا پرستان با ظلم و ستم و اجحاف و کشت و کشتار می خواهند از نردبان دنیا به بام خواهش های نفسانی خویش برسند.

اما عاشقان حقیقت با دید حقیقت نگر خویش ، همه چیز را آنگونه که هست می بینند در این صورت عاشقانه مرگ سرخ را انتخاب می کنند نه زندگی ذلت بار را.

مولا علی علیه السلام در این یک بیت شعر خیلی واضح و روشن عنوان میکند که زندگی بدون هدف بی معنا خواهد بود و کسانی که در طول زندگی فقط به خود می اندیشند و سودی برای دیگران ندارند، بود و نبودشان یکی است.

همان گونه که شاعری گفته است:

دانی که چرا خدا تو را داده دو دست \*\*\* من معتقدم که اندر آن سرّی هست

یک دست به کار خویشتن پردازی \*\*\* با دست دگر، از دیگران گیری دست

\*\*\*

## 8. دنیا هدف نیست

1. طَلِقِ الدُّنْيَا ثَلَاثًا \*\*\* وَأَطْلُبْ زَوْجًا سِوَاهَا

2. إِنَّهَا زَوْجًا سَوْءٌ \*\*\* لَا تُبَالِي مَنْ أَتَاهَا

3. وَإِذَا نَالَتْ مُنَاهَا \*\*\* مِنْهُ وَلَّتْهُ قَفَاهَا

دنیا هدف نیست

1- دنیا را سه طلاقه کن، و همسر دیگری را که همیشه همراه تو است انتخاب کن.

2- این دنیا همسر ناپاکی است، که باکی از همسر دیگران شدن ندارد.

3- هر زمان که از همسرش کام گیرد، او را پشت سر انداخته و در اختیار کس دیگری قرار می گیرد.

★ نکته:

با نگاهی به زندگی شخصی مولا علی (علیه السلام) به این مطلب مهم پی می بریم که منظور مولا از این اشعار کناره گیری از دنیا و در کنج عزلت فرو رفتن نیست، بلکه دل نیستن به دنیا برای اهداف مادی است، و باید از همین دنیا به بهترین نحو، توشه ای پربار برای زندگی اخروی برداشت کرد، و آن هم ممکن نیست مگر اینکه به گفته ها و رهنمودهای علی (علیه السلام) و فرزندان معصومش (علیهم السلام) توجه کرده و تا حد امکان، در طول زندگی کوتاهمان به آنها عمل کنیم.

\*\*\*

ص: 44



## 9. عاشق دنیا

يَا عَاشِقَ الدُّنْيَا لِعَيْبِكَ وَجْهَهَا \*\*\* وَلْتَنْدَمَنَّ إِذَا أَرْتَاكَ قَفَاهَا

عاشق دنیا

ای عاشق دنیا، دنیا در کنار تو و صورتش به سوی غیر تو است

و آنگاه که در آغوش دیگران فرار گرفت پشیمان خواهی شد.

★ نکته:

دنیای ما که به صورت کره زمین تجلی پیدا کرده، از بدو پیدایش تا کنون دست به دست گشته، سلاطین، ثروتمندان، قدرتمندان و عالمان و... آمدند و رفتند و چند روزی مالک این کره خاکی شدند، البته این مالکیت مجازی بود نه حقیقی؛ زیرا اگر حقیقی بود که با خود می بردند، یا خودروی املاک خود جاوید می شدند، پس همان لحظه که دنیا در آغوش تو است، منتظر نفر بعدی خواهد بود و تا قیامت همین است، و در این میان بدبخت کسی که گول دنیا را می خورد.

## 10. دنیا هدف نباشد

1- تَحَرَّرْ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ فَنَاءَهَا \*\*\* مَحَلُّ فَنَاءٍ لَا مَحَلَّ بَقَاءٍ

2- فَصَفْوَتُهَا مَمْرُوجَةٌ بِكُدُورَةٍ \*\*\* وَرَاحَتُهَا مَقْرُونَةٌ بِعَنَاءٍ

دنیا هدف نباشد

1- دنیا هدف تو نباشد زیرا پایانش رفتن است، و جای ماندن نیست.

2- زلالی آب دنیا گل آلود و راحتی دنیا آمیخته با رنج است.

ص: 45

## 11. صبر و پایداری در برابر حوادث دنیا

1. هِيَ حَالَانِ : شِدَّةٌ وَرَخَاءٌ \*\*\* وَسِجَالَانِ : نِعْمَةٌ وَبَلَاءٌ
2. وَالْفَتَى الْحَازِقُ الْأَدِيبُ إِذَا مَا \*\*\* خَانَهُ الدَّهْرُ لَمْ يَخُنْهُ عَزَاءٌ
3. إِنْ أَلَمْتَ مُلِمَّةً بِنِي فَأَيُّي \*\*\* فِي الْمُلِمَّاتِ صَخْرَةٌ صَمَاءٌ
4. عَالِمٌ بِالْبَلَاءِ عِلْمًا بِأَنْ لِي --- \*\*\* سَسْ يَدُومُ التَّعِيمُ وَاللَّوَاءُ

صبر و پایداری در برابر حوادث دنیا

- 1- دنیا دو روز است ، سختی آسایش و دو جام لبریز دارد: نعمت و بلا.
- 2- جوانمرد خردمند ، به هنگام دیدن خیانت دنیا ، صبر و پایداری نموده دچار بی صبری و بی تابی نمی شود.
- 3- اگر در این دنیا حادثه ای به من رو آورد ، باید بدانید من در سختی ها صخره ای استوار و محکم هستم.
- 4- به حوادث عالم دانایم و می دانم که لذت و نعمت پا برجا نخواهد ماند.

☆ نکته:

چهره واقعی دنیا را مولا دیده و آن را به ما نشان می دهد.

می فرمایند: من آن صخره سخت و استوارم و به حوادث و دگرگونی های دنیا آشنایم که در مقابل هجوم خوبی ها و بدیهای دنیا استوار ایستاده ام و شایسته است که ما نیز همچون آن امام برحق باشیم و در مقابل خیانت پیشگان، راه و روش خدایی را برویم، نه راه آنان که گمراه شده اند.

ص: 46

## 12. سرنوشت و تدبیر

1. إِذَا عَقَدَ الْقَضَاءُ عَلَيْكَ أَمْرًا \*\*\* فَلَيْسَ يَحُلُّهُ إِلَّا الْقَضَاءُ

2. فَمَا لَكَ قَدْ أَقَمْتَ بِدَارِ ذُلٍّ \*\*\* وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ فَضَاءُ

3. تَبَلَّغْ بِالْيَسِيرِ فَكُلُّ شَيْءٍ \*\*\* مِنَ الدُّنْيَا يَكُونُ لَهُ انْتِهَاءُ

سرنوشت و تدبیر

1- اگر سرنوشت در کارت گره اندازد، جز قضاء الهی، کسی گره از کارت گشاید و منتظر لطف الهی باش.

2- چرا دست و پا نمی زنی و با ذلت، خانه نشین شده ای و بدان که زمین که مخلوق خداوند است، گرده خود را برای سوار شدن آماده کرده و وسیع است بلند شو و دست و پای بزن.

3- با کمی توشه و عزمی راسخ راه بیفت که همه چیز این جهان پایان دارد.

★ نکته:

سرنوشت هر انسان با تدبیر او و تلاش شبانه روزی میسر است، لذا اگر در مانده شدی، از راه دیگری برای رفع مشکل خود پیش برو. و خانه نشینی را و زانوی غم بغل کردن را رها کن و به دریای هستی بزن تا ماهی بگیری؛ زیرا ماهی زیاد است، فقط صیاد باید اقدام کند.

## 13. برنامه ریزی در زندگی

1. لِنِعْمِ الْيَوْمِ يَوْمِ السَّبْتِ حَقًّا \*\*\* لِيَصِيدَ إِنْ أَرَدْتَ بِلَا أَمْتِرَاءِ

2. وَفِي الْأَحَدِ الْبِنَاءُ لِأَنَّ فِيهِ \*\*\* تَبَدَّى اللَّهُ فِي خَلْقِ السَّمَاءِ

ص: 47

3. وَفِي الْإِثْنَيْنِ إِنْ سَافَرْتَ فِيهِ \*\*\* سَتَظْفَرُ بِالتَّجَاحِ وَبِالثَّرَاءِ
4. وَ مَنْ يُرِدِ الحِجَامَةَ فَالثَّلَاثَاءُ \*\*\* ففِي سَاعَاتِهَا حَرْقُ الدِّمَاءِ
5. وَإِنْ شَرِبَ أَمْرُو يَوْمًا دَوَاءً \*\*\* فَنِعَمَ اليَوْمُ يَوْمُ الأَرْبَعَاءِ
6. وَفِي يَوْمِ الحَمِيسِ قَضَاءُ حَاجٍ \*\*\* ففِيهِ اللهُ يَأْذُنُ لِلدُّعَاءِ
7. وَفِي الجُمُعَاتِ تَرْوِجُ وَعُرْسٌ \*\*\* وَلذَاتُ الرِّجَالِ مَعَ النِّسَاءِ
8. وَهَذَا العِلْمُ لَا يَعْلَمُهُ إِلاَّ \*\*\* نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ الأَنْبِيَاءِ

برنامه ریزی در زندگی

- 1- اگر می خواهی به شکار بروی ، روز شنبه را انتخاب کن ، بی گمان روز خوبی است برای این کار .
- 2- روز یکشنبه برای خانه ساختن خوب است ، چون خداوند آفرینش آسمان و زمین را در این روز آغاز کرد .
- 3- روز دوشنبه اگر مسافرت کنی ، به پیروزی و ثروت دست یابی .
- 4- روز سه شنبه را برای حجامت انتخاب کن که سه شنبه ، خونریزی خوب است.
- 5- برای دارو خوردن ، روز چهارشنبه را انتخاب کن .
- 6- روز پنجشنبه دعای نیازمندان به اجابت می رسد ، زیرا خداوند در این روز دعای نیازمندان را می پذیرد .
- 7- روز جمعه روز عروسی و زناشویی و لذت بردن همسران از یکدیگر است.
- 8- این دانش و علم و اسرار ، مخصوص پیامبر یا اوصیاء پیامبران است.

خداوند با برنامه جهان را آفرید.

و هر انسانی اگر با برنامه زندگی خود را شروع کند در کمترین وقت و با کمترین هزینه میتواند یک زندگی خوب و عالی داشته باشد.

و مولا برنامه ریزی را از کارهای پیامبران دانسته ، زیرا آن بزرگواران با برنامه مدون زندگی کردند و موفق شدند.

#### 14. نجوا با خداوند

1. لَبَيْكَ لَبَيْكَ أَنْتَ مَوْلَاهُ \*\*\* فَارْحَمْ عَبْدًا إِلَيْكَ مَلْجَأَهُ

2. يَا ذَا الْمَعَالِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي \*\*\* طُوبَى لِمَنْ كُنْتَ أَنْتَ مَوْلَاهُ

3. طُوبَى لِمَنْ كَانَ نَادِمًا أَرْقًا \*\*\* يَشْكُو إِلَى ذِي الْجَلَالِ بَلْوَاهُ

4. وَمَا بِهِ عِلَّةٌ وَلَا سَقَمٌ \*\*\* أَكْثَرَ مِنْ حَبِّهِ لِمَوْلَاهُ

5. إِذَا خَلَا فِي الظَّلامِ مُبْتَهَلًا \*\*\* أَجَابَهُ اللهُ ثُمَّ لَبَّاهُ

6. سَأَلْتَ عَبْدِي وَأَنْتَ فِي كَنَفِي \*\*\* وَكُلُّ مَا قُلْتَ قَدْ سَمِعْنَاهُ

7. صَوْتُكَ تَسْتَأْفَهُ مَلَائِكَتِي \*\*\* فَذَنْبُكَ الْآنَ قَدْ غَفَرْنَاهُ

8. فِي جَنَّةِ الخُلْدِ مَا تَمَنَّاهُ \*\*\* طُوبَاهُ طُوبَاهُ ثُمَّ طُوبَاهُ

9. سَلْنِي بِلا حِشْمَةٍ وَلَا رَهْبٍ \*\*\* وَلَا تَخَفْ إِنِّي أَنَا اللهُ

نجوا با خداوند

1- اجابت کردم اجابت کردم دستوراتت را، بنده ای کوچکم و به تو پناه آورده ام.

2- ای خداوند والایی ها تنها پشتیبانم تویی و خوشا به حال کسی که تو اربابش باشی .

3- خوشا به حال آن بنده شب بیداری که از گناهانش پشیمان است و به خداوند با عظمت ، سختیهای خویش را عرضه می دارد.

4- بیش از عشق به خدای خود نه دردی دارد و نه رنجی ، بلکه به خاطر عشق به مولایش نالان است و از مولای خود وصل می خواهد.

5- وقتی در تاریکی شب با مولایش زمزمه عاشقانه دارد ، مولایش پاسخ او را می دهد و او را به قرب خویش می پذیرد.

6- تو از من خواسته ای بنده ام ، پس در پناه من در آی ، و هر چه را زبان و جان و دلت گفت شنیده ام.

7- راز عاشقانه را زمزمه کن که فرشتگانم عاشق این زمزمه اند ، اکنون فاصله ها و گناه دوری از من برداشته شد.

8- هر آرزوی بهشت جاودانت آماده است ، خوشا خوشا و خوشا به حالت و این مقام.

9- اکنون بدون ترس و وا همه از من درخواست کن که من خدای توام (سوره زخرف، آیه 71: وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ)

★ نکته:

درباره این اشعار دو مسئله ضروری است که بیان شود :

اول : دعا خواندن ، صدا زدن است و میتوان آن را پنهان و آشکار بیان کرد.

اما نجوا و مناجات ارتباط پنهانی و غیر آشکار است که فقط معبود و معشوق می بیند و می داند و مولا در این مناجات خواسته های خویش را از خداوند خواسته اند و جواب دریافت کرده اند و آن پیشوای بزرگ این درس را به ما داده اند که چگونه خدای خود را بخوانیم.

مولا فرهنگ نجوا و عظمت خدا و ناچیزی بشر در مقابل آن ذات مقدس را بیان داشته است.

ص: 50

## 15. در سوگ پیامبر صلی الله علیه و آله

1. أَمِنْ بَعْدِ تَكْفِينِ النَّبِيِّ وَدَفْنِهِ \*\*\* نَعِيشُ بِأَلَاءِ وَنَجْنَحُ لِلْسَّلْوَى
2. رُزِقْنَا رَسُولَ اللَّهِ فِينَا فَلَنْ نَرَى \*\*\* بِذَلِكَ عَدِيلاً مَا حَيِينَا مِنَ الرَّدَى
3. وَكَانَ لَنَا كَالْحِصْنِ مِنْ دُونِ أَهْلِهِ \*\*\* لَهُ مَعْقِلٌ حَزْرٌ حَرِيْزٌ مِنَ الْعِدَى
4. وَكُنَّا بِمَرَأَةٍ نَرَى الثَّوْرَ وَالْهُدَى \*\*\* صَبَاحَ مَسَاءٍ رَاحَ فِينَا أَوْ اغْتَدَى
5. لَقَدْ غَشِيَتْنَا ظُلْمَةٌ بَعْدَ مَوْتِهِ \*\*\* نَهَاراً فَقَدْ زَادَتْ عَلَيَّ ظُلْمَةَ الدُّجَى
6. يَا خَيْرَ مَنْ صَمَّ الْجَوَانِحُ وَالْحَسَنَا \*\*\* وَيَا خَيْرَ مَيِّتٍ صَمَّمَهُ الثَّرْبُ وَالْفَرَى
7. كَانَ أُمُورَ النَّاسِ بَعْدَكَ ضُمَّتْ \*\*\* سَفِينَةَ مَوْجٍ حِينَ فِي الْبَحْرِ قَدْ سَمَا
8. وَضَاقَ فِضَاءُ الْأَرْضِ عَنْهُمْ بِرَحْبِهِ \*\*\* لَفَقَدِ رَسُولَ اللَّهِ إِذْ قِيلَ : قَدْ مَضَى
9. فَلَنْ يَسْتَقِلَّ النَّاسُ تِلْكَ مُصِيبَةً \*\*\* وَلَنْ يُجَبَّرَ الْعَظْمُ الَّذِي مِنْهُمْ وَهَى
10. فَقَدْ نَزَلَتْ بِالْمُسْلِمِينَ مُصِيبَةٌ \*\*\* كَصَدْعِ الصِّفَا لَا شَعْبَ لِلصَّدْعِ فِي الصِّفَا

11. وَفِي كُلِّ وَقْتٍ لِلصَّلَاةِ يُهَيِّجُهُ \*\*\* بِلَالٍ ، فَيَدْعُو بِاسْمِهِ كُلَّمَا دَعَا

12. وَيَطْلُبُ أَقْوَامَ مَوَارِيثَ هَالِكٍ \*\*\* وَفِينَا مَوَارِيثُ التَّبَوُّةِ وَالْهُدَى

در سوگ پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

- 1- آیا پس از تکفین و به خاک سپردن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می توان در آرامش زندگی کرد و یا غم او را از یاد برد؟
- 2- رسول خدا را از دست دادیم و از این پس بشریت تا زنده است نمونه آن حضرت را برای نجات ، نخواهد یافت.
- 3- او برای ما و بشریت همچون دژی محکم ، و در مقابل دشمن پناه و نگاهداری استوار بود.
- 4- از بام تا شام که در میان ما رفت و آمد داشت در دیده اش پرتو و نور می دیدیم و راه زندگی را به ما می آموخت.
- 5- پس از مرگ او ظلمت ما را فرا گرفت و روز ما تاریک تر از شب شد.
- 6- ای بهترین کسی که دل و همه وجودمان را فرا گرفته ، و ای بهترین وجودی که خاک و کره زمین در خود پنهان کرده.
- 7- بعد از تو امور مردم و مسلمانان همانند کشتی گرفتار در دریا، دستخوش امواج شده.
- 8- فضای زمین با این همه وسعت پس از سوگ تو بر ما تنگ شده ، چون پیامبر خود را از دست دادیم.
- 9- مردم این مصیبت را هرگز کوچک و اندک نمی دانند، استخوانی که از ستون فقرات اسلام شکست هرگز جوش نخواهد خورد.

ص: 52



10- مسلمانان مصیبت فقدان محمد (صلی الله علیه و آله) را هیچ گاه کوچک نمی شمارند و استخوانی که از مردم شکست قابل ترمیم نیست.

11- به هنگام اقامه هر نماز که بلال بانگ زند همیشه نام محمد در میان است ولی فقدان او را جبران نمی کند.

12- مردم و خویشان ارث خود را می خواهند ، ولی در میان ما ارث و میراث پیامبر ، ارشاد و هدایت است.

نکته:

مولا علی (علیه السلام) ، در این اشعار ، مقام و منزلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اثرات وجودی او را بیان داشته و فقدان آن رهبر بزرگ عالم را مصیبتی سخت دانسته و دستورات و احکام نورانی اسلام را بیان کرده اند که شایسته است با دقت ملاحظه شود.

### 16. روز بدر

1. نَصَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ لَمَّا تَدَابَرُوا \*\*\* وَثَابَ إِلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ ذُوو الْحِجِي

2. ضَرَبْنَا غَوَاةَ النَّاسِ عَنْهُ تَكْرُمًا \*\*\* وَلَمَّا رَأَوْا قَصْدَ السَّبِيلِ وَلَا الْهُدَى

3. وَلَمَّا أَتَانَا بِالْهُدَى كَانُ كُنَّا \*\*\* عَلَى طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَالْحَقِّ وَالْتَمَى

روز بدر

1- آن روز که مردم پشت به پیامبر می کردند ، ما او را یاری کردیم ، و مسلمانان عاقل و خردمند به سوی او بازگشتند.

2- به حمایت از رسول خدا گمراهان را کوبیدیم، که آنان راه راست و راه هدایت را نیافته بودند .

ص: 53

3- چون راه راست را برایمان آورد ، همگی بر راه راست و راه هدایت و راه حق و پرهیزگاری ماندیم.

## 17. زندگی یعنی مجموع نفس ها

1. حَيَاتُكَ أَنْفَاسٌ تُعَدُّ فِكْلَمَا \*\*\* مَضَى نَفْسٌ مِنْهَا أَنْتَقَصْتَ بِهِ جُزْءًا

2. وَيُحْيِيكَ مَا يُفْنِيكَ فِي كُلِّ حَالَةٍ \*\*\* وَيَحْدُوكَ حَدٍ مَا يُرِيدُ بِكَ الْهَزْءَ

3. فَتُصْبِحُ فِي نَفْسٍ وَتُمْسِي بِغَيْرِهَا \*\*\* وَمَا لَكَ مِنْ عَقْلِ تُحِسُّ بِهِ رُزْءًا

زندگی یعنی مجموع نفس ها

1- زندگی، نفس های شمردنی است که در هر نفس کم می شود تا تمام شود و مرگ فرارسد.

2- در هر نفس تو را زنده می کند ، و تو را به مرگ نزدیک می کند و هم چون میراننده ای تو را می میراند و با تو شوخی ندارد.

3- صبحگاهان نفسی می کشی و شامگاهان نفسی دیگر و توبه هوش نیستی که این کاهش نفس ها را دریابی.

☆ نکته:

ایام عمر انسان تشکیل شده از نفس های آدمی، اگر فرض کنیم از روزی که به دنیا آمده تا روزی که می میرد ، مجموعاً یک میلیارد بار نفس می کشد، هر نفس که می کشیم از عمرمان کم می شود، پس هر نفسی هم ادامه حیات و زندگی انسان است و هم کاهنده عمر آدمی.

اکنون که چنین است، گناه چرا، مردم آزاری چرا و...

ص: 54

## 18. اندرز به فرزندش امام حسين عليه السلام

1. أَحْسَيْنُ إِنِّي وَاَعْظُ وَمُؤَدَّبٌ \*\*\* فَافْهَمْ فَإِنَّ الْعَاقِلَ الْمُتَأَدَّبُ
2. وَأَحْفَظُ وَصِيَّةَ وَالِدٍ مُتَّحِنٍ \*\*\* يَغْدُوكَ بِالْأَدَابِ كَيْلًا تَعْطُبُ
3. أَبْنِي إِنْ الرِّزْقَ مَكْفُولٌ بِهِ \*\*\* فَعَلَيْكَ بِالْإِجْمَالِ فِي مَا تَطْلُبُ
4. لَا تَجْعَلَنَّ الْمَالَ كُسْبَكَ مُفْرَدًا \*\*\* وَتَقَى إِلَهَكَ فَاجْعَلْتِ مَا تَكْسِبُ
5. كَفَلَ إِلَهُهُ بِرِزْقِ كُلِّ بَرِيَّةٍ \*\*\* وَالْمَالُ عَارِيَةٌ تَجِيءُ وَتَذْهَبُ
6. وَالرِّزْقُ أَسْرَعُ مِنْ تَلَقَّتِ نَاطِرٍ \*\*\* سَبَبًا إِلَى الْإِنْسَانِ حِينَ يُسَبَّبُ
7. وَمِنْ السُّيُولِ إِلَى مَقَرِّ قَرَارِهَا \*\*\* وَالطَّيْرِ لِلْأَوْكَارِ حِينَ تُصَوَّبُ
8. أَبْنِي إِنْ الذِّكْرَ فِيهِ مَوَاعِظُ \*\*\* فَمَنْ الَّذِي بَعْظَاتِهِ يَتَأَدَّبُ
9. إِقْرَأْ كِتَابَ اللَّهِ جُهْدَكَ وَاتْلُهُ \*\*\* فِي مَنْ يَقُومُ بِهِ هُنَاكَ وَيُنْصَبُ

10. يَتَفَكَّرُ وَتَخَشَعُ وَتَقْرُبُ \*\*\* إِنَّ الْمَقْرَبَ عِنْدَهُ الْمُتَقَرِّبُ
11. وَأَعْبُدْ إِلَهَكَ ذَا الْمَعَارِجِ مُخْلِصاً \*\*\* وَأَنْصِتْ إِلَى الْأَمْثَالِ فِي مَا تُضْرَبُ
12. وَإِذَا مَرَزْتَ بِآيَةٍ مَخْشِيَةٍ \*\*\* تَصِفُ الْعَذَابَ قَفِيفٌ وَدَمْعَكَ يَسْكُبُ
13. يَا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ بِعَدْلِهِ \*\*\* لَا تَجْعَلْنِي فِي الَّذِينَ تُعَذِّبُ
14. إِنِّي أَبُوءُ بِعَثْرَتِي وَخَطِيئَتِي \*\*\* هَرَباً وَهَلْ إِلَّا إِلَيْكَ الْمَهْرَبُ
15. وَإِذَا مَرَزْتَ بِآيَةٍ فِي ذِكْرِهَا \*\*\* وَصِفَ الْوَسِيلَةَ وَالنَّعِيمَ الْمُعْجَبُ
16. فَاسْأَلِ الْهَيْكَ بِالْإِنَابَةِ مُخْلِصاً \*\*\* دَارَ الْخُلُودِ سُؤَالَ مَنْ يَتَقَرَّبُ
17. وَأَجْهَدْ لَعَلَّكَ أَنْ تَحُلَّ بِأَرْضِهَا \*\*\* وَتَنَالَ رَوْحَ مَسَاكِينٍ لَا تَخْرَبُ
18. وَتَنَالَ عَيْشاً لَا أَنْفِطَاعَ لِقَوْتِهِ \*\*\* وَتَنَالَ مُلْكَ كَرَامَةٍ لَا يُسَلَبُ
19. بَادِرْ هَوَاكَ إِذَا هَمَمْتَ بِصَالِحٍ \*\*\* خَوْفَ الْغَوَالِبِ إِذْ تَجِيءُ وَتُغْلَبُ

20. وَإِذَا هَمَمْتَ بِشَيْءٍ فَاعْمِضْ لَهُ \*\*\* وَتَجَنَّبِ الْأَمْرَ الَّذِي يُتَجَنَّبُ
21. وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلصِّدِّيقِ وَكُنْ لَهُ \*\*\* كَأَبٍ عَلَى أَوْلَادِهِ يَتَحَدَّثُ
22. وَالصَّيْفَ أَكْرِمِ مَا اسْتَطَعْتَ جَوَارَهُ \*\*\* حَتَّى يُعْذَكَ وَارِثًا يَنْتَسِبُ
23. وَأَجْعَلْ صَدِيقَكَ مَنْ إِذَا أَخِيَّتَهُ \*\*\* حَفِظَ الْإِخَاءَ وَكَانَ دُونَكَ يَضْرِبُ
24. وَأَطْلُبْهُمْ طَلَبَ الْمَرِيضِ شِفَاءَهُ \*\*\* وَدَعْ الْكُذُوبَ فَلَيْسَ مِمَّنْ يُصْحَبُ
25. وَأَحْفَظْ صَدِيقَكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا \*\*\* وَعَلَيْكَ بِالْمَرْءِ الَّذِي لَا يَكْذِبُ
26. وَأَقِلِ الْكُذُوبَ وَقُرْبَهُ وَجَوَارَهُ \*\*\* إِنَّ الْكُذُوبَ مُلَطَّخٌ مَنْ يَصْحَبُ
27. يُعْطِيكَ مَا فَوْقَ الْمُنَى بِلِسَانِهِ \*\*\* وَيُرْوَعُ مِنْكَ كَمَا يُرْوَعُ الثَّعْلَبُ
28. وَأَحْذَرُ ذَوِي الْمَلَقِ اللَّئَامِ فَإِنَّهُمْ \*\*\* فِي التَّائِبَاتِ عَلَيْكَ مِمَّنْ يَحْطَبُ
29. يَسْعُونَ حَوْلَ الْمَرْءِ مَا طَمِعُوا بِهِ \*\*\* وَإِذَا نَبَا دَهْرٌ جَفَوْا وَتَعَيَّبُوا

30. وَلَقَدْ نَصَحْتُكَ إِذْ قَبَلْتَ نَصِيحَتِي \*\*\* وَالنُّصْحُ أَرْحَصُ مَا يُبَاعُ وَيُوهَبُ

اندرز به فرزندش (امام حسین)

- 1- فرزندم، حسین من! اندرز ده و ادب کننده هستم، پس دریاب سختم را که خردمند، ادب پذیر است.
- 2- سفارش و وصیت پدری مهربان را دریاب و پذیرا باش که می خواهد تو را با آداب نیرومند سازد تا به زحمت و سختی نیفتی.
- 3- فرزندم روزی تضمین شده است، پس بر تو است تا در آن چه می جویی، نیکویی را انتخاب کنی.
- 4- تنها اندوختن مال را پیشه خود قرار مده و پرهیزگاری را که فرمان خدا است پیشه خود کن!
- 5- خدا رزق همه جانداران را که در روی زمین زندگی می کنند تضمین نموده و ثروت عاریه است، می آید و می رود.
- 6- رزق خیلی سریعتر از چشم بر هم زدن، آنگاه که خدا خواسته است به انسان می رسد.
- 7- روزی شتابنده تر از سیل به پایانه، و سریعتر از پرواز پرنده به طرف لانه خود، آن موقع که پایین می آید، به انسان می رسد.
- 8- فرزندم! در قرآن خدا، اندرزهای فراوانی وجود دارد، آیا کسی هست که از آنها پند گیرد.
- 9- فرزندم! کتاب خدا را تا آنجا که توان داری تلاوت کن و در میان کسانی که به قرآن عمل می کنند و آن را در میان کسانی که او را در نظر دارند، قرائت کن.

ص: 58

- 10- قرآن را با اندیشه، و فروتنی و برای نزدیک شدن به خدا بخوان، و کسی که به خدا نزدیک گردد مقرب حقیقی خدا است.
- 11- خدای خویش، آن خداوند والایی ها را با دلی پاک بپرست و در داستان هایی که در قرآن آورده خوب دقت کن.
- 12- اگر به آیه ای رسیدی که ترسناک است و از عذاب خدا سخن می گوید، توقف کن و اشک بریز.
- 13- و بگو ای خدایی که هر کس را بخواهی از روی عدالت عذاب می کنی، از تو می خواهم مرا در زمره آنهایی که عذاب می کنی قرار مده.
- 14- بار خدایا من از لغزش و گناه به سوی تو باز می آیم، که گریزی جز به سوی تو نیست.
- 15- و چون به آیه ای رسیدی که در آن وصف بهشت و نعمت های شگفت انگیز آن سخن می گوید.
- 16- با ناله و زاری و از روی اخلاص چونان کسی که قرب خدا را خواهد بهشت جاودان را درخواست کن.
- 17- در این امر بکوش باشد، که در پهنه بهشت جاودان فرود آیی و با آرامش به خانه ها و قصرهایی رسی که هرگز ویران و کهنه نشوند.
- 18- و به زندگی خوشی که پایان ندارد، و پادشاهی ارجمندی که هرگز از تو نگیرند.
- 19- هر زمان که تصمیم گرفتی کار خوبی انجام دهی، مواظب هوای نفس خود باش! از ترس موانعی که می آورد و در پیش پایت می نهد.
- 20- آنگاه که به فکر کار ناشایست افتادی از آن کار چشم پوشی کن و کناره گیر.

- 21- در مقابل دوست فروتنی، را به حداکثر برسان و هم چون پدری باش که به فرزندان خود مهر میورزد.
- 22- تا می توانی مهمانت را احترام کن و در اختیارش باش، به گونه ای که تصور کند تو خویشاوند و میراث خوار او هستی.
- 23- آن را یار خود گیر که چون عمل تو را ببیند، حرمت برادری را حفظ کند، و در موقع سختی در کنار تو شمشیر زند.
- 24- و هم چون کسی که به عیادت بیمار می رود از آنها سرکشی کن و با دروغگویان یار و رفیق نباش.
- 25- در همه مراحل زندگی و فراز و نشیب ها یار دوستت شو و من تو را از دروغگو می ترسانم که انسانهای عاقل با دروغگو یار نخواهند شد.
- 26- در تمام مراحل زندگی، چه نزدیکی و چه رفت و آمد، از دروغگو پرهیز زیرا دروغگو یار و دوست خود را آلوده می کند.
- 27- بیش از انتظار از تو تعریف می کند و با زبان به تو کمک می کند، و هنگام نیاز چون روباه به تو مکر می کند.
- 28- از چاپلوسان، بترس زیرا آنها در مصیبت ها از کسانی خواهند بود که علیه تو آتش افروزی می کنند آنها آتش بیار معرکه هستند.
- 29- تا زمانی که پول و مقامی و چیزی هست که سود ببرند، اطراف آدم می چرخند و آنگاه که روزگار پشت کرد، ضمن صدمه زدن به آبروی او، روبرو می گردانند و غیبتشان می زند.
- 30- اگر حرف های من و اندرزهایم را بپذیری، من تو را راهنمایی کردم و بدان که پند و نصیحت ارزان ترین قیمت را دارد و بهترین کادو است اگر بپذیری.



در نا امیدی بسی امید است \*\*\* پایان شب سیه سپید است

گردش روزگار، توأم با سختی ها و نا امیدی هاست و در راه موفقیت گردنه های صعب العبور وجود دارد که باید با کوشش و صبر و تحمل آن را پیمود. و در نهایت با شیرینی پیروزی ختم می گردد و خداوند هر تلاشی را بی ثمر نخواهد گذاشت.

### 19. باز فرزندش حسین علیه السلام را رهنمون می شوند

1. حُسَيْنُ إِذَا كُنْتَ فِي بَلَدَةٍ \*\*\* غَرِيْبًا فَعَاشِرُ بِأَدْبِهَا
2. وَلَا تَفْخَرْتَ فِيهِمْ بِالنُّهَى \*\*\* فَكُلُّ قَبِيْلٍ بِالْبَابِهَا
3. وَلَوْ عَمِلَ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ \*\*\* بِهِدْيِ الْأُمُورِ كَأَسْبَابِهَا
4. عَذِيْرَكَ مِنْ يَقَةِ الْبَلْدِيِّ \*\*\* يَنْبِيْلِكَ ذُنْيَاكَ مِنْ طَابِهَا
5. فَلَا تَمْرَحَنَّ لِأَوْزَارِهَا \*\*\* وَلَا تَضْجُرَنَّ لِأَوْصَابِهَا
6. وَلَكِنَّهُ اعْتَامَ أَمْرَ الْإِلَهِ \*\*\* فَأَحْرَقَ فِيهِمْ بِأَنْبِيَابِهَا
7. قَسِ الْعَدَا بِالْأَمْسِ كَيْ تَسْتَرِيحَ \*\*\* فَلَا تَبْتَغِ سَعْيَ رُغَابِهَا
8. كَأَنِّي بِنَفْسِي وَأَعْقَابِهَا \*\*\* وَبِالْكَرْبَلَاءِ وَمِحْرَابِهَا
9. فَتَحْضَبُ مِمَّا اللَّحَى بِالِدِّمَاءِ \*\*\* خِضَابَ الْعُرُوسِ بِأَتْوَابِهَا
10. أَرَاهَا وَلَمْ يَكُ رَأْيِي الْعِيَانِ \*\*\* وَأُوتِيْتُ مِفْتَاحَ أَبْوَابِهَا
11. مَصَائِبُ تَأْبَاكَ مِنْ أَنْ تُرَدَّ \*\*\* فَأَعْدِدْ لَهَا قَبْلَ مُنْتَابِهَا
12. سَقَى اللَّهُ قَائِمَنَا صَاحِبَ الْـ \*\*\* قِيَامَةَ وَالنَّاسِ فِي دَابِهَا
13. هُوَ الْمُدْرِكُ الثَّارِ لِي يَا حُسَيْنِـ \*\*\* نَ بَلْ لَكَ فَاصْبِرْ لِأَتْعَابِهَا

14. لِكُلِّ دَمِ أَلْفِ أَلْفٍ وَمَا \*\*\* يُقَصِّرُ فِي قَتْلِ أَحْرَابِهَا

15. هُنَالِكَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِي- \*\*\* ن قَوْلُ بَعْدِرٍ وَإِعْتَابِهَا

16. حُسَيْنٌ فَلَا تَضْجُرُنِ لِلْفِرَاقِ \*\*\* فَدَيْنَاكَ أَضَحَتْ لِتَخْرَابِهَا

17. سَلِ الدُّورَ تُخْبِرُ، وَأَفْصَحَ بِهَا \*\*\* بِأَنْ لَا بَقَاءَ لِأَرْبَابِهَا

18. أَنَا الدِّينُ لَا شَكَّ لِلْمُؤْمِنِينَ \*\*\* بآيَاتِ وَحْيٍ وَإِجَابِهَا

19. لَنَا سِمَةٌ الْفَخْرُ فِي حُكْمِهَا \*\*\* وَصَلَّتْ عَلَيْنَا بِأَعْرَابِهَا

20. فَصَلِّ عَلَيَّ جَدِّكَ الْمُصْطَفَى \*\*\* وَسَلِّمْ عَلَيْهِ لَطَّالِبِهَا

باز فرزندش حسین را رهنمون می شوند

و ماجرای کربلا و قیام امام مهدی را بیان می فرمایند:

- 1- ای حسین اگر در شهری رفتی، فرهنگ آن شهر و مردم آنجا را محترم شمار و با آداب آن مردم زندگی کن.
- 2- در میان آن مردم از امتیازات و فضائل خود سخن نگو، زیرا هر ملتی خردمندان و عاقلانی دارد.
- 3- کاش فرزند ابوطالب توفیق حاصل میکرد و به این کار جامه عمل می پوشانید.
- 4- چه عذری می توانی داشته باشی زمانی که به کسی اعتماد کنی که در جهان تو را تنها برای لذت و خوشیهای خود بخواهد.
- 5- نه از بارهای سنگین و گران دنیا ناراحت باش و نه از رنج هایش دلگیر و دل تنگ شو.
- 6- بلکه امر خدا را برگزین و با فشردن دندان هایت خشم خود را در میان آنان فرو نشان.

- 7- فردا را مثل امروزت بدان ، تا فکرت آسوده شود ، و تلاش دنیاطلبان را مخواه که همه چیزشان دنیا است.
- 8- گویا خود و فرزندانم را در قتلگاه کربلا می بینم.
- 9- می بینم که صورتمان از خون سرمان ، همانند عروسی که لباس رنگین پوشید ، رنگین است.
- 10- می بینم این واقعه را نه با چشم که کلید ورود به کربلا را به من عطا کردند.
- 11- رنج ها و مصائبی است که آن را نتوان از خود دور کرد، پس پیش از این خود را آماده این آوردگاه کن.
- 12- درود خدا بر آن قیام کننده حق و فرمانده آن قیام الهی و مردمی که در رکاب او خواهند بود.
- 13- اوست آن که انتقام خون تو را خواهد گرفت ، پس با سختی های دنیا بساز و صبر کن.
- 14- در برابر هر خونی که می ریزند هزار هزار نفر را خواهد کشت و در کشتن گروه های قاتل کوتاهی نخواهد کرد.
- 15- آنگاه ستمگران و آدم کشها را عذر و کنار آمدن و طلب بخشش کردن سودی ندارد.
- 16- ای حسین! از جدایی یاران دلتنگ نباش ، که جهان و گیتی برای ویرانی آماده می شود.
- 17- از ساختمانها و خانه ها پرس که به تو خبر می دهند و با کمال فصاحت می گویند که این خانه ها دوامی خواهند داشت.
- 18- جای تردید نیست که من دین مسلمین و مؤمنین هستم ، و آیات الهی تکالیف واجب را بیان می دارم و آیات قرآن دلیل آن است.

19- محبت و اطاعت از ما در آیات قرآن مجید نشانه افتخار ماست و خداوند با صراحت در قرآن خود بر ما درود فرستاده است. (1)

20- اکنون که ما چنین احترامی در قرآن داریم به جد خود محمد مصطفی درود فرست و به ایمان آوردندگان آن احترام بگذار.

نکته:

امام علی علیه السلام در مسیر جنگ صفین، زمانی که به کربلا رسید به استراحت پرداخت و در پای نخلی به خواب رفت، ناگاه از خواب پرید و به ابن عباس فرمود: در خواب دیدم که مردانی نورانی با پرچم های سفیدی از آسمان به زمین آمدند که شمشیر در دست داشتند، و دور این زمین را خط کشیدند. آنگاه نهری از خون را دیدم که فرزندم حسین در آن شناور است و کمک

می خواهد، اما کسی به او کمک نمی کند.

مردانی که از آسمان آمدند فریاد می زدند: ای فرزند رسول خدا داشته باش زیرا به دست بدترین مردم کشته می شوی و بهشت صبر مشتاق توست.

سپس مردان بهشتی به من تسلیت گفتند و فرمودند: این فرزند تو در روز قیامت باعث روشنایی چشمت خواهد بود.

لذا امام علی (علیه السلام) بر اساس این خواب قضیه را در قالب شعر بیان فرموده و به امام حسین (علیه السلام) خبر داده است.

سالها بعد امام حسین (علیه السلام) در کربلا به همراه پنج برادر و دو فرزند و یک برادرزاده و دو خواهرزاده و تعدادی از یارانش که مجموعاً هفتاد و دو نفر بودند شهید شدند.

ص: 64

---

1- سوره صافات، آیه 3: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِینَ».

## 20. به فرزندش حسن علیه السلام می فرماید

1. تَرَدَّ رِدَاءَ الصَّبْرِ عِنْدَ التَّوَائِبِ \*\*\* تَنْلُ مِنْ جَمِيلِ الصَّبْرِ حُسْنَ الْعَوَاقِبِ
2. وَكُنْ صَاحِبًا لِلْحِلْمِ فِي كُلِّ مَشْهَدٍ \*\*\* فَمَا الْحِلْمُ إِلَّا خَيْرٌ خِدْنٍ وَصَاحِبِ
3. وَكُنْ حَافِظًا عَهْدَ الصَّدِيقِ وَرَاعِيًا \*\*\* تَذُقُ مِنْ كَمَالِ الْحِفْظِ صَفْوَ الْمَشَارِبِ
4. وَكُنْ شَاكِرًا لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ \*\*\* يُنْبِكُ عَلَى التُّعْمَى جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ
5. وَمَا الْمَرْءُ إِلَّا حَيْثُ يَجْعَلُ نَفْسَهُ \*\*\* فَكُنْ طَالِبًا فِي النَّاسِ أَعْلَى الْمَرَاتِبِ
6. وَكُنْ طَالِبًا لِلرِّزْقِ مِنْ بَابِ حِلِّهِ \*\*\* يُصَاعَفُ عَلَيْكَ الرِّزْقُ مِنْ كُلِّ جَانِبِ
7. وَصُنْ مِنْكَ مَاءَ الْوَجْهِ لَا تَبْدُلْتَهُ \*\*\* وَلَا تَسْأَلِ الْأَزْدَالَ فَضْلَ الرَّغَائِبِ
8. وَكُنْ مُوجِبًا حَقَّ الصَّدِيقِ إِذَا أَتَى \*\*\* إِلَيْكَ بِرِّ صَادِقٍ مِنْكَ وَاجِبِ
9. وَكُنْ حَافِظًا لِلْوَالِدَيْنِ وَنَاصِرًا \*\*\* لِجَارِكَ ذِي التَّقْوَى وَأَهْلِي التَّقَارِبِ

به فرزندش حسن (علیه السلام) می فرماید

- 1- در سختی ها و مصیبت ها لباس صبر بر تن کن ، تا با صبر زیبا ، به عاقبتی زیبا برسی .
- 2- در همه جا خصوصاً نزد دیگران ، لباس صبر بر تن کن ، زیرا صبر بهترین دوست و همنشین خواهد بود.
- 3- پیمان دوست را نگاهدار و پاس بدار ، تا در اثر آن ، آب خوشگوار از گلویت پایین برود.
- 4- در مقابل نعمت های الهی شکرگزار باش ، تا خدا پاداش سپاسگزاری را با بهترین هدیه ها به تو ارزانی دارد.
- 5- شخصیت هر کس در دست اوست بنابراین بالاترین هدف را در نظر بگیر.

و برای هدف خویش بکوش.

6- رزق و روزی را از راه حلال به دست آور تا روزی از در و دیوار بر تو بیارد.

7- آبروی خویش را نگه دار و مریز و از آدمهای پست و فرومایه هیچ درخواستی مکن.

8- و چون دوستی به دیدار تو آمد ، حق دوستی را به خوبی رعایت کن ، زیرا شایسته و بایسته است که حق دوست را نگهداری.

9- نگهبان پدر و مادر و یاور آنان باش و از همسایه پرهیزکار و خویشاوندی که خوب است حمایت کن.

## 21. اندرزهای او به فرزندش حسن علیه السلام

1. لَوْ صَيَغَ مِنْ فِضَّةٍ نَفْسٌ عَلَى قَدَرٍ \*\*\* لَعَادَ مِنْ فَضْلِهِ لَمَّا صَفَا ذَهَبًا

2. مَا لِلْفَتَى حَسَبٌ إِلَّا إِذَا كَمُلَتْ \*\*\* آدَابُهُ وَحَوَى الْأَدَابَ وَالْحَسَبَا

3. فَاطْلُبْ فَدَيْتُكَ عِلْمًا وَاکْتَسِبْ أَدْبًا \*\*\* تَنْظُرُ يَدَاكَ بِهِ وَأَسْتَجْمِلُ الطُّلُبَا

4. لِلَّهِ دَرُّ فِتْنَى أَنْسَابِهِ كَرَمٌ \*\*\* يَا حَبِذَا كَرَمٌ أَضْحَى لَهُ نَسَبًا

5. هَلِ الْمُرُوءَةُ إِلَّا مَا تَقُومُ بِهِ \*\*\* مِنَ الدُّمَامِ وَحِفْظِ الْجَارِ إِنْ عَتَبَا

ص: 66

6. مَنْ لَمْ يُؤَدِّبْهُ دِينَ الْمُصْطَفَى أَدْبًا \*\*\* مَحْضًا تَحْيِرَ فِي الْأَحْوَالِ وَاضْطَرَبَا

اندرزهای او به فرزندش حسن (علیه السلام)

گوهر خویش را پیدا کن

- 1- انسان موجودی است قابل رشد، اگر فردی را از نقره ساخته باشند در صورتی که روی آن کار شود، تبدیل به طلا می‌گردد.
- 2- انسان ارزش و شرفی ندارد مگر اینکه کامل شود و کمال آن به تربیت و آداب نفسانی و بازگشت به اصل خود است.
- 3- فدای تو گردم! جوایب دانش و ادب باش تا پیروزی را به دست آوری، و کوشش در راه علم و ادب کار شایسته ای است.
- 4- خوشا انسانی که به گوهر انسانی، خود که نسب اوست فکر می کند و خوشا گوهری که بر پایه نسب باشد.
- 5- جوانمردی و شخصیت یعنی رعایت حقوق دیگران و پذیرفتن عذر همسایه به هنگام عصبانیت.
- 6- هر کسی که آیین و سیره آن مرد برگزیده حضرت رسول را با ادب رعایت نکند، سرگشته و حیران خواهد بود.

## 22. دوری از اضطراب

1. الدَّهْرُ يَخُونُ أَحْيَانًا قَلَادَتَهُ \*\*\* عَلَيْكَ لَا تَضْطَرِبُ فِيهَا وَلَا تَتَّبِ

حَتَّى يُفَرِّجَهَا فِي حَالٍ مَدَّيْنَهَا \*\*\* فَقَدْ يَزِيدُ اخْتِنَافًا كُلُّ مُضْطَرِبٍ

ص: 67

- 1- روزگار گاهی گلویت را فشار میدهد، در این صورت نه بترس و نه وحشت کن و نه از میدان بدر شو.
- 2- و به خود بگو برای تمام سختی ها پایانی است، و صبر در بین خاندانت زینده است.

### 23. باز هم صبر

1. إِيَّيْ أَقُولُ لِنَفْسِي وَهِيَ ضَيِّقَةٌ \*\*\* وَقَدْ أَنَاخَ عَلَيْهَا الدَّهْرُ بِالْعَجَبِ
2. صَبْرًا عَلَى شِدَّةِ الْأَيَّامِ إِنَّ لَهَا \*\*\* عُقْبَى وَمَا الصَّبْرُ إِلَّا عِنْدَ ذِي الْحَسَبِ
3. سَيَفْتَحُ اللَّهُ عَنْ قُرْبٍ بِنَافِعَةٍ \*\*\* فِيهَا لِمِثْلِكَ رَاحَاتٌ مِنَ التَّعَبِ

باز هم صبر

- 1- هنگام هجوم رنج ها که دلتنگ میشوم و روزگار شگفتی ها و دشواری ها را پیش می آورد، به خود می گویم:
- 2- در برابر فشارهای روزگار صبر داشته باش که ناراحتیها را پایانی است و صبر از ویژگی های انسانه ای بزرگ است.
- 3- به زودی خداوند در چنین حوادثی برای تو گشایشی با آسایش فراوان از رنج ها پیش می آرد.

### 24. پس از سختی، گشایش است

1. إِذَا اسْتَمَلْتَ عَلَى الْيَأْسِ الْقُلُوبُ \*\*\* وَصَاقَ لِمَا بِهِ الصَّدْرُ الرَّحِيبُ
2. وَأَوْطَنْتِ الْمَكَارِهِ وَأَطْمَأْنَنْتِ \*\*\* وَأَزْسَتْ فِي أَمَاكِنِهَا الْخُطُوبُ

ص: 68



3. وَلَمْ تَرَ لَانْكِشَافِ الضَّرِّ وَجْهًا \*\*\* وَلَا أَغْنَىٰ بِحِيلَتِهِ الْأَرِيْبُ

4. أَتَاكَ عَلَىٰ فُتُوْطٍ مِّنْكَ غَوْثٌ \*\*\* يَمُنُّ بِهِ اللَّطِيفُ الْمُسْتَجِيبُ

5. وَكُلُّ الْحَادِثَاتِ إِذَا تَنَاهَتْ \*\*\* فَمَوْصُولٌ بِهَا فَرَحٌ قَرِيبٌ

پس از سختی، گشایش است.

1- آنگاه که ناامیدی دلها را فرا گیرد و سینه فراخ در اثر آن احساس تنگی کند،

2- و آنگاه که ناراحتی ها در دلها خانه کند و ریشه دواند و دشواری ها در کشتی دل لنگر اندازد.

3- و آنگاه که برای از بین بردن ناملايمات راهی نباشد و شخص عاقل از تجربه سودی نبرد،

4- با هجوم همه ناامیدی ها بر اثر لطفی که خدا به بندگانش ارزانی داشته پیروزی فرا می رسد و دعا اجابت می شود.

5- دشواری ها که به آخر رسید به پیروزی و گشایشی نزدیک خواهیم رسید.

نکته:

در ناامیدی بسی امید است \*\*\* پایان شب سیه سپید است

هستی موجودات جهان از نفی و اثبات و ظلمت و روشنایی و از امید و ناامیدی تشکیل شده است و قرآن مجید می فرماید: «لِكُلِّ عُسْرِ يُسْرًا». لذا در اوج ناامیدی ها، امید و اوج یاس، در آغوش گرفتن خواسته هاست. هر زمان که دشواری ها به اوج برسد، آنگاه است که امید می رسد. و این امر برای همه کس و همه چیز جریان دارد و بزرگترین گناه ناامیدی و یاس است که خداوند در کتاب خود، افرادی را که مایوس از رحمت خدا هستند کافر نامیده است. (سوره یوسف آیه 86)

ص: 69

## 25. پیش آدم های پست اظهار عجز نکن

1. لَا تَطْلُبَنَّ مَعِيشَةً بِمَدْلَةٍ \*\*\* وَأَزْبًا بِنَفْسِكَ عَنْ دَنِيِّ الْمَطْلَبِ

2. وَإِذَا افْتَقَرْتَ فِدَاءَ فَقْرِكَ بِالْغِنَى \*\*\* عَنْ كُلِّ ذِي دَنْسٍ كَجِلْدِ الْأَجْرَبِ

3. فَلْيَرْجِعَنَّ إِلَيْكَ رِزْقُكَ كُلُّهُ \*\*\* لَوْ كَانَ أَبْعَدَ مِنْ مَحَلِّ الْكُؤُوبِ

پیش آدم های پست اظهار عجز نکن

1- شیوه اداره زندگی را از راه ذلت انتخاب نکن و خویش را از خواسته های پست برتر بدار.

2- هر زمان که بیچاره شدی، فقر خود را با بی اعتنایی به ناپاکان، همانند پرهیز کچل از کثافت، مداوا کن.

3- در نتیجه این سیاست، تمام روزی از دست رفته ات، هر چند دورتر از ستارگان باشد به طور حتم به تو باز می گردد.

## 26. صبر می کنم

1. فَإِنْ تَسَأَلْنِي: كَيْفَ أَنْتَ؟ فَإِنِّي \*\*\* صَبُورٌ عَلَى رَيْبِ الزَّمَانِ صَلِيبُ

2. حَرِيصٌ عَلَى أَنْ لَا يُرَى بِي كَابَةٌ \*\*\* فَيَشْمَتَ عَادٍ، أَوْ يُسَاءَ حَبِيبُ

صبر می کنم

1- اگر از من بپرسی چگونه ای، من در مقابل ناسازگاری روزگار شکیبیا و استوارم.

2- می کوشم که آثار رنجش در چهره ام آشکار نشود تا دشمن مرا سرزنش کند یا دوستی ناراحت شود.

ص: 70

نکته :

در برابر مشکلات ایستادگی کن

انسان در مقابل سختی ها باید همچون کوه ها که میلیونها سال در مقابل حوادث طبیعی ایستادگی کرده اند بایستد ، و کاری نکند که مردم بدگویی او را کنند.

و این ایستادگی از آن جهت است که بشر خلیفه خداست و خداوند هر چه را بخواهد و اراده کند خلق می کند و در کار او سستی و ندامت نیست.

## 27. سخاوت داشته باش

1. إِذَا جَادَتِ الدُّنْيَا عَلَيْكَ فَجُدْ بِهَا \*\*\* عَلَى النَّاسِ طَرًا، إِنَّهَا تَقَلَّبُ

2. فَلَا الْجُودُ يُفْنِيهَا إِذَا هِيَ أَقْبَلَتْ \*\*\* وَلَا الْبُخْلُ يُبْقِيهَا إِذَا هِيَ تَذَهَبُ

سخاوت داشته باش

1- هر زمان که روزگار به تو چهره خوبی نشان داد ، تو هم به دوست و دشمن ببخش و کمک کن.

2- اگر ببخشی ، این بخشش مالت را کم نکند ، بخل ورزیدن ، مالت را اگر رفتنی باشد ، نگه نخواهد داشت.

نکته:

سخاوت و بخشش

بخشیدن برخی از پول و سرمایه ، نه تنها آدم را بیچاره نمی کند بلکه ثروت و موقعیت آدم را بالا می برد. وقتی درختی را با تبر بریدی، در بهار به جای یک تنه چند تنه از آن روئیده می شود چون امر خالق هستی است ، پس ببخش تا ثروت افزون شود.

ص: 71

به هر حال چون انسان خلیفه خداوند در روی زمین است ، و خداوند فیاض است ، وجود و بخشش او فراگیر است ، لذا انسان که خلیفه خداست ، باید فیاض بوده و دارای جود و بخشش باشد.

## 28. دارایی سرپوش عیب ها

1. يُعْطِي عِيُوبَ الْمَرْءِ كَثْرَةَ مَالِهِ \*\*\* فَصَدِّقْ فِي مَا قَالَ وَهُوَ كَذُوبٌ

2. وَيُزِرِّي بِعَقْلِ الْمَرْءِ قَلَّةَ مَالِهِ \*\*\* فَحَمِّقَهُ الْأَقْوَامُ وَهُوَ لَيْبٌ

دارایی سرپوش عیب ها

1- ثروت زیاد و مقام ، عیب پوش است ، و هر دروغی که ثروتمند بگوید ، تصدیقش می کنند.

2- نداری به عقل مرد آسیب میزند ، و خویشاوندان ، فقیر عاقل را نادان می شمارند.

هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور \*\*\* که نان آدم درویش طعم جود دارد

نکته :

وقتی انسان ها خود و شخصیت خویش را فراموش کنند بدون توجه به ارزش ها ارزش را ضد ارزش می بینند و دیدگان و افکارشان مریض می شود.

به قول مولا علی (علیه السلام) که می فرمایند در چنین شرایطی که انسان خویش را گم کرده با چشم ناسالم می بیند و با گوش ناشنوا می شنود ، او گرگ را گوسفند و گوسفند را گرگ می بیند چون چشم او گوش او و وجود او سلامت انسانی خود را از دست داده ، لذا او با چشم و گوش ناسالم زندگی کرده و تمام شئون زندگی شخصی و اجتماعی را وارونه می بیند.

ص: 72

## 29. شکست از فقر

1. غَالَبْتُ كُلَّ شَدِيدَةٍ فَعَلَبْتُهَا \*\*\* وَالْفَقْرُ غَالِبُنِي فَأَصْبَحَ غَالِبِي
2. إِنْ أُبْدِيَ يَفْضَحُ وَإِنْ لَمْ أُبْدِهِ \*\*\* يَمُتُّلُ، فُقِّبِحَ وَجْهُهُ مِنْ صَاحِبِ

شکست از فقر

1- با هر سختی که پنجه نرم کردم پیروز شدم ، اما با فقر که درافتادم بر من پیروز شد.

2- اگر فقرم را بر ملا کنم ، رسوایی به بار آورد ، و اگر پنهانش کنم مرا از پای در می آورد. پس زشت باد روی رفیقی که نامش فقر است.

نکته:

قهرمانان در مصاف با فقر

لقمان می گوید: من انواع بلاها و رنج ها را چشیده ام ولی تلخ تر از فقر چیزی را آزمایش نکرده ام.

از خداوند منان خواستاریم ما را از فقر با همه انواعش حفظ فرماید.

لذا لقمان به پسرش می گوید: اگر فقر دامنگیر تو شد، اسرار درونیت را بازگو نکن و از خدای منان کمک بخواه.

## 30. خرد و کامیابی

- 1 فَلَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تُتَالُ بِفِطْنَةٍ \*\*\* وَفَضْلٍ وَعِلْمٍ نَلْتُ أَعْلَى الْمَرَاتِبِ
- 2 وَلَكِنَّمَا الْأَرْزَاقُ حَظٌّ وَقِسْمَةٌ \*\*\* بِفَضْلِ مَلِيكَ لَا بِحِيلَةٍ طَالِبِ

ص: 73

1- اگر رزق و روزی با زیرکی و دانایی و عقل به دست می آید، من باید ثروتمندترین روی زمین می بودم،

2- لیکن روزی های مردم نصیب و قسمتی است که بر اثر لطف خداوندی به افراد می رسد لذا حيله تلاشگران نتیجه نمی دهد.

نکته:

آن رزق و روزی که مولا- می فرمایند روزی حلال است که از راه تلاش به دست می آید، ولی رباخواران، دزدان و... غاصب اموال مردمند، و عدواناً از هر طریق نامشروع تصاحب می کنند نه تملک آنچه که چپاولگران دارند مال آنها نیست، بلکه تصرف عدوانی است، نه رزق و روزی.

### 31. عقل بهترین هدیه الهی

1. وَأَفْضَلُ قَسَمِ اللَّهِ لِلْمَرْءِ لِعَقْلِهِ \*\*\* فَلَيْسَ مِنَ الْخَيْرَاتِ شَيْءٌ يُقَارَبُهُ

2. إِذَا اكْتَمَلَ الرَّحْمَنُ لِلْمَرْءِ عَقْلَهُ \*\*\* فَقَدْ كَمَلَتْ أَخْلَاقُهُ وَمَارِبُهُ

3. يَعِيشُ الْفَتَى فِي النَّاسِ بِالْعَقْلِ إِنَّهُ \*\*\* عَلَى الْعَقْلِ يَجْرِي عِلْمُهُ وَتَجَارِبُهُ

4. يَزِينُ الْفَتَى فِي النَّاسِ صِحَّةُ عَقْلِهِ \*\*\* وَإِنْ كَانَ مَحْظُورًا عَلَيْهِ مَكَايِبُهُ

5. يَشِينُ الْفَتَى فِي النَّاسِ قِلَّةُ عَقْلِهِ \*\*\* إِنْ كَرُمَتْ أَعْرَاقُهُ وَمَنَاصِبُهُ

6. وَمَنْ كَانَ غَالِبًا بِعَقْلِ وَنَجْدَةٍ \*\*\* فَذُو الْجُدِّ فِي أَمْرِ الْمَعِيشَةِ غَالِبُهُ

- 1- بهترین بهره ای که خداوند به آدمی می بخشد عقل و خرد است، که در میان همه نعمت های والا و خوب، هیچ چیزی به پایه آن نم ی رسد.
- 2- وقتی خداوند کارآرایی عقل کسی را کامل کرد، اخلاق و نیازمندی های او هم کامل می گردد.
- 3- جوانمرد در میان مردم با عقل زندگی شرافتمندانه ای خواهد داشت، زیرا از طریق عقل و علم، تجربه های وی کامل شده و به کار گرفته می شود.
- 4- داشتن عقل و خرد، آدمی را در چشم دیگران جلوه گر می سازد، اگرچه خواسته آدمی این نباشد.
- 5- کم عقلی و کم خردی مرد را پیش مردم خوار می کند، اگر چه از خاندانی شریف و یا صاحب مقام باشد.
- 6- آنکه از راه عقل و شجاعت پیروز است، در زندگی خوشبخت و پیروز می گردد.

### 32. یتیم حقیقی

1. لَيْسَ الْبَلِيَّةُ فِي أَيَّامِنَا عَجَبًا \*\*\* بَلِ السَّلَامَةُ فِيهَا أَعْجَبُ الْعَجَبِ
2. لَيْسَ الْجَمَالُ بِأَثْوَابِ تَرْيُّنَا \*\*\* إِنَّ الْجَمَالَ جَمَالُ الْعِلْمِ وَالْأَدَبِ
3. لَيْسَ الْيَتِيمُ الَّذِي قَدْ مَاتَ وَالِدُهُ \*\*\* إِنَّ الْيَتِيمَ يَتِيمُ الْعَقْلِ وَالْحَسَبِ

### یتیم حقیقی

- 1- گرفتاری و بلا در روزگار ما عجیب نیست، بلکه سلامتی و آسایش از عجایب روزگار است.

2- زیبایی نه با لباس و جامه ای است که می پوشی و خودآرایی می کنی، بلکه زیبایی، داشتن دانش و فرهنگ است.

3- یتیم نه آن است که پدرش مرده، بلکه یتیم حقیقی کسی است که از عقل و شرف خانوادگی محروم است.

### 33. فرهنگ یا نژاد

1. كُنْ أَبْنُ مَنْ شِئْتَ وَاکْتَسِبْ أَدْبًا \*\*\* يُغْنِيكَ مَحْمُودُهُ عَنِ النَّسَبِ

2. فَلَيْسَ يُغْنِي الْحَسِبَ نَسَبُهُ \*\*\* بِإِلْسَانٍ لَهُ وَلَا أَدَبٍ

3. إِنَّ الْفَتَى مَنْ يَقُولُ: هَا أَنَا ذَا \*\*\* لَيْسَ الْفَتَى مَنْ يَقُولُ: كَانَ أَبِي

فرهنگ یا نژاد

1- فرزند هر کس که می خواهی باش، ولی علم و ادب بیاموز، تا ارزش علم و ادب، تو را از خویشاوندی بی نیاز کند.

2- کسی که شخصیت خانوادگی دارد، بدون علم و ادب و بیان و تربیت، فاقد ارزش انسانی است

3- مرد آن است که بگوید: «این منم»، نه کسی که بگوید: «پدرم چه شخصیتی بود».

### 34. فرهنگ یا نژاد

1. أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ \*\*\* إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمِّهِمْ وَلِأَبِّهِمْ

2. هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ \*\*\* أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ

ص: 76



3. هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فَضْلِهِمْ \*\*\* هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَعَظْمٍ وَعَصَبٍ

2. إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ \*\*\* وَحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ

فرهنگ یا نژاد

1- ای که از فرط نادانی به قبیله و نسب افتخار می کنی، همه انسان های روی زمین از یک پدر و مادرند (آدم و حواء)

2- آیا تصور می کنی که خویشاوندانت از طلا و آهن و مس ساخته و آفریده شده اند .

3- و یا به وسیله علم و دانش خود ساخته شده اند، مگر غیر از گوشت، استخوان و عصب چیز دیگری هستند.

4- این را بدان که افتخار و بالندگی برای کسانی است که ثبات عقلی و سخاوت و حیا و پاکدامنی و تربیت دارند.

### 35. تحسین کم گویی

1. أَدْبْتُ نَفْسِي فَمَا وَجَدْتُ لَهَا \*\*\* بَغَيْرِ تَقْوَى الْإِلَهِ مِنْ أَدَبٍ

2. فِي كُلِّ حَالَتِهَا وَإِنْ قَصُرْتُ \*\*\* أَفْـ ضَلَّ مِنْ صَمَتِهَا عَنِ الْكُذْبِ

3. وَغَيْبَةِ النَّاسِ إِنْ غَيْبَتْهُمْ \*\*\* حَرَمَهَا ذُو الْجَلَالِ فِي الْكُتُبِ

4. إِنْ كَانَ مِنْ فِضَّةٍ كَلَامُكَ يَا نَفَّـ \*\*\* سُ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ

تحسین کم گویی

1- در باره خویش بررسی کردم، دیدم جز پرهیزگاری و ترس از خالق هستی، فرهنگی مناسب برای خود نیافتم.

ص: 77

2- در هیچ زمانی اگر چه کوتاه، بهتر از سکوت و خودداری از دروغ، ارزشی پیدا نکردم.

3- و همچنین خودداری از غیبت و فاش کردن اسرار مردم، که در دین نیز حرام شمرده شده، والاتر ندیدم.

4- اگر سخن گفتن از نقره باشد، سکوت و خاموشی از طلا است.

### 36. فرهنگ سخن گفتن

1. سَلِيمُ الْعَرِضِ مَنْ حَذَرَ الْجَوَابَا \*\*\* وَمَنْ دَارَى الرَّجَالَ فَقَدْ أَصَابَا

2. وَمَنْ هَابَ الرَّجَالَ تَهَيَّبُوهُ \*\*\* وَمَنْ يُهِنِ الرَّجَالَ فَلَنْ يُهَابَا

فرهنگ سخن گفتن

1- آبروی کسی محفوظ است که از پاسخگویی به نادان پرهیز کند، و کسی که با مردم مدارا کند، در زندگی به هدفش خواهد رسید.

2- هر کس مردم را بترساند، از او می ترسند، ولی اگر با مردم با شیوه اسلامی مدارا کند، به اهدافش می رسد.

[هر کس ارزش مردم را حفظ کند و احترام آنان را نگه دارد، احترام او را نگه می دارند، و هر کس مردم را خوار بشمرد، هیچ زمان در جامعه ارزشی برایش قائل نیستند.]

### 37. برخورد با نادان

1. وَذِي سَفَاهَةٍ يُوَجِّهِنِي بِجَهْلٍ \*\*\* وَأَكْرَهُ أَنْ أَكُونَ لَهُ مُجِيبًا

2. يَزِيدُ سَفَاهَةً وَأَزِيدُ عِلْمًا \*\*\* كَعُودٍ زَادَ فِي الْإِحْرَاقِ طَبِيبًا

ص: 78

1- نادانی، برخوردی جاهلانه با من داشت و من اکراه داشتم که همانگونه با او برخورد کنم.

2- این برخورد بر نادانی او می افزاید و بر ارزش من؛ و من روش عود(1) را پیش می گیرم که هر چه در آتش بسوزد، بوی عطرش افزون تر می شود.

### 38. پرده دری نکن

1. اِلَيْسَ اَخَاكَ عَلٰى عُيُوْبَةٍ \*\*\* وَاسْتُرْ وَغَطِّ عَلٰى ذُنُوْبَةٍ

2. وَاَصْبِرْ عَلٰى ظُلْمِ السَّفِيْهِ \*\*\* وَلِلزَّمانِ عَلٰى خُطُوْبَةٍ

3. وَدَعِ الْجَوَابَ تَفْضُلًا \*\*\* وَكِلِ الظُّلُمِ اِلٰى حَسِيْبَةٍ

پرده دری نکن

1- عیب برادر خود را با لباس تقوی پوشان، و پرده بر گناهانش بیفکن.

2- تا می توانی در برابر ظلم و ستم نادان صبر کن، و کارهای بزرگ او را به روزگار واگذار نما .

3- از روی بزرگواری سخنان او را نادیده بگیر و پاسخ نگو، و یاوه گویی او را نیز به خدا واگذار کن.

نکته:

عیب پوشی و....

صفات برجسته یک انسان خدایی عبارت است از:

1 عیب پوشی افراد، 2- پوشیدن لباس تقوی، 3- برحذر بودن از

ص: 79

---

1- عود: چوبی مخصوص از کشور هند است که هنگام سوزاندن بوی خوشی از آن متصاعد می گردد.

پرده دری، افراد 4 - سکوت و صبر در مقابل ظلم و نادان، 5- واگذار کردن کارها به خدای متعال

6- عدم مقابله با یاوه سرایان، 7- واگذار کردن همه آنها به خداوند متعال.

### 39. دوست کم است

1. عِلْمِي غَزِيرٌ وَأَخْلَاقِي مُهْدَبَةٌ \*\*\* وَمَنْ تَهَدَّبَ يَشْتَقِي فِي مُهْدَبِهِ

2. لَوْ زِمْتُ أَلْفَ عَدُوٍّ كُنْتُ وَاحِدَهُمْ \*\*\* وَلَوْ طَلَبْتُ صَدِيقًا مَا ظَفِرْتُ بِهِ

دوست کم است

1 - دانش من سرشار، و اخلاقم پاک است و هر که پاک زندگی کند، مورد ستم قرار خواهد گرفت.

2- اگر دشمن بخوام هزاران نفر را می یابم، ولی اگر دوست بخوام، یک نفر را هم نم یوانم پیدا کنم .

### 40. شکایت از دوستان بی وفا

1. ذَهَبَ الْوَفَاءُ ذَهَابَ أَمْسِ الذَّاهِبِ \*\*\* فَالْنَّاسُ بَيْنَ مُحَايِلٍ وَمُؤَارِبٍ

2. يُنْفُسُونَ بَيْنَهُمُ الْمَوَدَّةَ وَالصَّفَا \*\*\* وَقُلُوبُهُمْ مَحْشُوءَةٌ بِعَقَارِبٍ

شکایت از دوستان بی وفا

1- وفا چون روز گذشته رخت بر بسته. مردم یا فریبکارانند یا آزار دهندگان.

2- با زبان، صفا و دوستی را ابراز می کنند، اما دل‌های آنان پراکنده و از کژدم کشنده تر است.

ص: 80

## 41. درخواست از پروردگار

1. يَا رَبِّ ثَبِّتْ قَدَمِي وَقَلْبِي \*\*\* سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ حَسْبِي

درخواست از پروردگار

پروردگارا مرا ثابت قدم دار، پاک پروردگار من، تا تو را دارم، همه چیز دارم.

## 42. ترس از گناه

1. قَرِيحُ الْقَلْبِ مِنْ وَجَعِ الدُّنُوبِ \*\*\* نَحِيلُ الْجِسْمِ يَشْهَقُ بِالتَّحِيْبِ

2. أَضْرَبُ بِجِسْمِهِ سَهْرَ اللَّيَالِي \*\*\* فَصَارَ الْجِسْمُ مِنْهُ كَالْقَضِيْبِ

3. وَغَيْرَ لَوْنِهِ خَوْفٌ شَدِيدٌ \*\*\* لِمَا يَلْقَاهُ مِنْ طُولِ الْكُرُوبِ

4. يُنَادِي بِالتَّضَرُّعِ: يَا إِلَهِي \*\*\* أَقْلِنِي عَثْرَتِي وَأَسْتُرْ عُيُوبِي

5. فَرَعْتُ إِلَى الْخَلَائِقِ مُسْتَعِينًا \*\*\* وَلَمْ أَرِ فِي الْخَلَائِقِ مِنْ مُجِيبِ

6. وَأَنْتَ تُجِيبُ مَنْ يَدْعُوكَ رَبِّي \*\*\* وَتَكْشِفُ ضُرَّ عَبْدِكَ يَا حَبِيبِي

7. وَدَائِي بَاطِنٌ وَلَدَيْكَ طِبٌّ \*\*\* وَمَنْ لِي مِثْلَ طِبِّكَ يَا طَبِيبِي

ترس از گناه

1- خستگی و زخم دل در اثر رنج گناه است، لذا با جسمی لاغر و نحیف گریه را با صدایی بلند سر می دهد.

ص: 81

2- بیداری شب ها جسمش را فرسوده و تنش همچون چوب خشک شده است

3- ترس شدید رنگ او را گردانیده، چون مدت ها است که رنج می کشد.

4- با ناله ای بلند و با ناراحتی می گوید، خدایا از لغزشم بازدار و عیوب مرا از دید بندگان پوشان .

5- با زاری از مردم خواستم کمک کنند و پاسخگویی در میان آنان نیافتم.

6- خدایا هر که تو را خواند، پاسخش دهی و دعایش را اجابت کنی و اندوه بنده ات را بر طرف نمایی.

7- خدایا درد من پنهان، و درمان نزد تو است. ای پزشک من. مرا درمان کن، و چه کسی مثل تو می تواند درمان کند.

### 43. دوری و دوستی

1. إِذَا شِئْتَ أَنْ تُقْلَى فَرُّزٌ مُتَوَاتِرًا \*\*\* وَإِنْ شِئْتَ أَنْ تَزْدَادَ حُبًّا فَرُّزٌ غَيْبًا

2. مُنَادِمَةُ الْإِنْسَانِ تَحْسُنُ مَرَّةً \*\*\* وَإِنْ أَكْثَرُوا إِذْمَانَهَا أَفْسَدُوا الْحُبَّ

دوری و دوستی

1- اگر می خواهی از تو بدبین شوند، هر روز به دیدن دوستت برو، و اگر می خواهی محبت تو افزایش یابد، گاه گاهی دوست را دیدار کن .

2- دیدار دوست وقتی کم باشد، دوستی را حفظ می کند و چون بسیار شود دوستی را تباه کند

ص: 82

#### 44. چرا بی تابی

1. عَجِبْتُ لِجَزَعِ بَادٍ مُصَابٍ \*\*\* بِأَهْلِ أَوْ حَمِيمِ ذِي اكْتِنَابِ
2. يَشُقُّ الْجَيْبَ يَدْعُو الْوَيْلَ جَهْلًا \*\*\* كَأَنَّ الْمَوْتَ بِالشَّيْءِ الْعَجَابِ
3. وَسَوَى اللَّهِ فِيهِ الْخَلْقَ حَتَّى \*\*\* نَبِيِّ اللَّهِ مِنْهُ لَمْ يُحَابِ
4. لَهُ مَلَكٌ يُنَادِي كُلَّ يَوْمٍ: \*\*\* لِدُوا لِلْمَوْتِ وَأَبْنَا لِلْخَرَابِ

چرا بی تابی

1- از کسی که مصیبت زده است و ناله می کند و گریه سر می دهد و غمگین است تعجب

می کنم.

2- او از نادانی گریبان خود را میدرد و ناله سر می دهد، گویا مرگ در نظرش یک حادثه عجیب است.

3\_ خداوند همه چیز و همگان را در مرگ یکسان داشته است، حتی پیامبر خود را نیز استثنا نکرده است.

4\_ خدا را فرشته ای است که هر دم فریاد می کند و می گوید: ای زن ها بزایید برای مردن و ای مردها خانه بسازید برای خراب شدن.

#### 45. فریفته شدن دنیا

1. فَلَمْ أَرَ كَالدُّنْيَا بِهَا أَغْتَرَّ أَهْلَهَا \*\*\* وَلَا كَالْيَقِينِ أَسْتَوْحَشَ الدَّهْرَ صَاحِبُهُ
2. أَمْرٌ عَلَى رَمْسِ الْقَرِيبِ كَأَنَّمَا \*\*\* أَمْرٌ عَلَى رَمْسِ أَمْرِيءٍ مَا أَنَا سِبُهُ
3. فَوَاللَّهِ لَوْلَا أَنِّي كُلَّ سَاعَةٍ \*\*\* إِذَا شِئْتُ لَا قَيْتُ أَمْرًا مَاتَ صَاحِبُهُ

ص: 83

4. إِذَا مَا أَعْتَزَيْتُ الدَّهْرَ عَنْهُ بِحِيلَةٍ \*\*\* تُجَدِّدُ حُزْنَ كُلِّ يَوْمٍ نَوَادِيَةَ

فریفته شدن دنیا

- 1- هیچ چیز را مثل دنیا ندیده ام که به راحتی مردم را فریفته خود کند و همانندی مثل مرگ ندیدم که مردم را بترساند.
- 2- از کنار قبر خویشاوندی گذر کردم، به گونه ای که گویا با صاحب قبر آشنایی ندارم.
- 3- به خداوند سوگند چه خانه هایی از کنارشان گذشتم که روزگاری غرق در لذت و شادی بودند.
- 4- عقاب حوادث در اطراف آن خانه ها پرگشود و خیلی زود تبدیل به خانه گریه و ماتم شد.

#### 46. هشدار

1. فَرَضَ عَلَى النَّاسِ أَنْ يُتُوبُوا \*\*\* لَكِنَّ تَرَكَ الذُّنُوبَ أَوْجَبَ

2. وَالدَّهْرُ فِي صَرْفِهِ عَجِيبٌ \*\*\* وَغَفَلَةَ النَّاسِ فِيهِ أَعْجَبَ

3. وَالصَّبْرُ فِي التَّائِبَاتِ صَعْبٌ \*\*\* لَكِنَّ قُوَّةَ الثَّوَابِ أَصْعَبُ

4. وَكُلُّ مَا يُرْتَجَى قَرِيبٌ \*\*\* وَالْمَوْتُ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ أَقْرَبُ

هشدار

- 1- هر کس باید توبه کند، ولی ترک گناهان. واجب تر از توبه است.
- 2- دگرگونی های روزگار تعجب آور است، و غفلت مردم از آن هم عجیب تر است

ص: 84



3- صبر در دشواری ها و سختی ها دشوار است. و بی خیالی مردم دشوارتر است.

4- هر آنچه را که به آن امید داریم. نزدیک است، و اما مرگ از این هم نزدیک تر است.

#### 47. حرص

1. قَدْ شَابَ رَأْسِي وَرَأْسُ الْحَرِصِ لَمْ يَشِبْ \*\*\* إِنَّ الْحَرِصَّ عَلَى الدُّنْيَا لَفِي تَعَبٍ

2. مَا لِي أَرَانِي إِذَا مَا رُمْتُ مَرْتَبَةً \*\*\* فَنَلْتُهَا طَمَحْتُ عَيْنِي إِلَى رُتَبٍ

3. بِاللَّهِ رَبِّكَ كَمْ بَيْتٍ مَرَزْتُ بِهِ \*\*\* قَدْ كَانَ يُعْمَرُ بِاللَّدَاتِ وَالطَّرَبِ

4. طَارَتْ عُقَابُ الْمَنَائِيَا فِي جَوَانِبِهِ \*\*\* فَصَارَ مِنْ بَعْدِهَا لِلْوَيْلِ وَالْحَرْبِ

5. إِحْبِسْ عِنَانَكَ لَا تَجْمَعْ بِهِ طَلَبًا \*\*\* فَلَا وَرَبِّكَ مَا الْأَرْزَاقُ بِالطَّلَبِ

6. قَدْ يَأْكُلُ الْمَالَ مَنْ لَمْ يُحْفِ رَاحِلَةً \*\*\* وَيَتْرُكُ الْمَالَ مَنْ قَدْ جَدَّ فِي الطَّلَبِ

حرص

1- در اثر پیری موی سرم سفید شد، اما موی سر حرص (که یک شخصیت کاذب درونی است) هم چنان مشکین است و آدمهای

حرص در دنیا

ص: 85

زندگی سختی خواهند داشت.

2- چرا هر وقت به مقامی می رسم دنبال آنم که بالاتر بروم.

3- به آفریدگار سوگند چه خانه هایی را که از کنارشان گذر کردم که روزگاری غرق در لذات و شادی بودند.

4- اما عقاب مرگ پیرامونش پرواز کرد، زان پس صدای شیون و زاری به جای ماند.

5- مهار زندگی را محکم بگیر و برای رسیدن به آرزوها تلاش بی جا نکن که سوگند به خدا روزی نه با طلب است بلکه خودش می آید .

6- اموال را کسی مالک می شود و می خورد که باری را بار نکرده و کسی آن را رها می کند که برای جمع کردن آن بسی دویده و رنج ها کشیده است.

#### 48. در پیری

1. إِلَى مَ تَجْرُ أَدْيَالَ التَّصَابِي \*\*\* مَشِيْبِكَ قَدْ نَصَا بُرْدَ السَّبَابِ

2. بِلَالِ الشَّيْبِ فِي فَوْدَيْكَ نَادَى \*\*\* بِأَعْلَى الصَّوْتِ حَيَّ عَلَى الذَّهَابِ

3. خُلِقْتَ مِنَ التُّرَابِ وَعَنْ قَرِيْبٍ \*\*\* تَغِيْبُ تَحْتَ أَطْبَاقِ التُّرَابِ

4. طَبِعْتَ إِقَامَةً فِي دَارِ ظَعْنٍ \*\*\* فَلَا تَطْمَعُ فَرَجْلِكَ فِي الرِّكَابِ

5. وَأَرْخَيْتَ الْحِجَابَ وَسَوْفَ يَأْتِي \*\*\* رَسُوْلٌ لَيْسَ يُحْجَبُ بِالْحِجَابِ

6. أَعَامِرَ قَصْرِكَ الْمَرْفُوعِ أَقْصَرُ \*\*\* فَإِنَّكَ سَاكِنُ الْقَبْرِ الْخَرَابِ

در پیری

1- تا کی لباس بچگانه می پوشی، موی سفیدت پیراهن جوانی را از تنت بیرون آورده است.

ص: 86

- 2- موهای سفید همچون ریشه های بلال است در کنار گوش هایت، با آواز بلند می گویند که در رفتن شتاب کن .
- 3- تواز خاک آفریده شدی و به زودی در زیر لایه های خاک نهان می شوی .
- 4- طمع داری در این مسافرخانه اقامت کنی، چنین طمع و آزی نداشته باش که پایت در رکاب است.
- 5- پرده را انداخته ای که دیده نشوی، ولی به زودی پیکی می رسد که پرده مانع او نشود.
- 6- ای آباد کننده کاخ های سر به فلک کشیده، بیا پایین، بی تردید در ویرانه قبر سکونت داری .

#### 49. زاغ پرید و بوم آشیانه گرفت

1. حَبَّتْ نَارُ جِسْمِي بِاشْتِعَالِ مَنَارَتِي \*\*\* فَأَظْلَمَ عَيْشِي إِذْ أَضَاءَ شِبَابُهَا
2. أَيَا بُومَةً قَدْ عَشَشْتُ فَوْقَ هَامَتِي \*\*\* عَلَى الرَّغْمِ مِنِّي حِينَ طَارَ غُرَابُهَا
3. رَأَيْتِ خَرَابَ الْعُمْرِ مِنِّي فَرَزْتَنِي \*\*\* وَمَأْوَاكِ مِنْ كُلِّ الدِّيَارِ خَرَابُهَا
4. أَلْأَنْعَمُ عَيْشًا بَعْدَ مَا حَلَّ عَارِضِي \*\*\* طَلَائِعُ شَيْبٍ لَيْسَ يُعْنِي خِصَابُهَا
5. وَغُرَّةُ عُمُرِ الْمَرْءِ قَبْلَ مَشِيئِهِ \*\*\* وَقَدْ فَنَيْتِ نَفْسٌ تَوَلَّى شِبَابُهَا

6. إِذَا أَصْفَرَ وَجْهَ الْمَرْءِ وَأَبْيَضَ رَأْسَهُ \*\*\* تَنَغَّصَ مِنْ أَيَّامِهِ مُسْتَطَابُهَا
7. وَأَذْ زَكَاةَ الْجَاهِ وَأَعْلَمَ بِأَنَّهَا \*\*\* كَمِثْلِ زَكَاةِ الْمَالِ تَمَّ نِصَابُهَا
8. وَأَحْسِنُ إِلَى الْأَحْرَارِ تَمْلِكُ رِقَابَهُمْ \*\*\* فَخَيْرُ تِجَارَاتِ الْكَرِيمِ أَكْتِسَابُهَا
9. وَمَنْ يَذُقِ الدُّنْيَا فَاتِي طَعْمَتُهَا \*\*\* وَسِيقَ إِلَيْنَا عَذْبُهَا وَعَذَابُهَا
10. فَلَمْ أَرَهَا إِلَّا غُرُورًا وَبَاطِلًا \*\*\* كَمَا لَاحَ فِي أَرْضِ الْفَلَاحِ سَرَابُهَا
11. وَمَا هِيَ إِلَّا جَيْفَةٌ مُسْتَحِيلَةٌ \*\*\* عَلَيْهَا كِلَابُ هَمُّهِنَّ اجْتِنَابُهَا
12. فَإِنْ تَجْتَنِبُهَا كُنْتَ سَلْمًا لِأَهْلِهَا \*\*\* وَإِنْ تَجْتَذِبُهَا نَازَعَتْكَ كِلَابُهَا
13. فَدَعْ عَنْكَ فَضْلَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّهَا \*\*\* حَرَامٌ عَلَى نَفْسِ التَّقِيِّ أَرْتِكَابُهَا
14. وَلَا تَمْشِينَ فِي مَنْكِبِ الْأَرْضِ فَآخِرًا \*\*\* فَعَمَّا قَلِيلٍ يَحْتَوِيكَ تُرَابُهَا
15. فَطُوبَى لِنَفْسٍ أَوْطَنْتْ قَعْرَ دَارِهَا \*\*\* مُعَلَّقَةَ الْأَبْوَابِ مُرْخِي حِجَابُهَا

- 1- با روشن شدن موی سرم، آتش جسمم به خاموشی گرایید، و با سفیدی موی سرم. لذت من به سیاهی تبدیل شد.
- 2- ای جغد مرگ، وقتی که دیدی کلاغ سیاه موهایم پرید، در کاسه سرم لانه کردی.
- 3- خانه خراب عمرم را دیده ای که به دیدارم آمدی، چون جایگاه تو در ویرانه ها است.
- 4- آیا خوش باشم پس از آنکه پیشآهنگ موی سفید همچون مهمانی ناخوانده بر سر و روی من نشسته در صورتی که با رنگ علاج نمی شود.
- 5- گل روزهای انسان. روزهای پیش از پیری است، و آن کس که جوانی را پشت سر گذاشته مرد گذاشته، مرده است.
- 6- هرگاه رنگ صورت زرد شد و موی سر سفید، روزهای لذت و شادی اش پایان پذیرفته است.
- 7- زکات عمر و مقام را بپرداز، که مثل زکات مال، زمان پرداختش رسیده است.
- 8- به آزادمردان نیکی کن تا دل آنان را به دست آری، که این بهترین تجارتی است که شایسته است از آن سود ببری!
- 9- اگر مردم دنیا را و لذاتش را چشیده اند، من آن را خورده ام و شیرینی و تلخی آن را درک کرده ام.
- 10- دنیا را جز غرور و فریب و تباهی ندیده ام، چرا که همچون سرابی است در کویرها.
- 11- این دنیا مرداری گندیده و تغییر رنگ داده است که سگها دور او را گرفته اند تا آن را بخورند.

12- اگر از این دنیا کناره گیری کنی و تسلیم دنیا پرستان شوی با تو کاری ندارند و اگر جذب این دنیا شوی باید آماده جنگ با سگهای مرده خوار باشی .

13- فقط به اندازه نیاز ضروری از این دنیا استفاده کن، زیرا دست یازیدن به فزونی ها برای پرهیزکاران حرام است

14- بر روی این زمین خودخواهانه راه مرو؛ زیرا به زودی خاک همین زمین تو را در آغوش می گیرد.

15- خوشا به حال کسی که در گنج خانه اش جای گیرد و درهای خانه اش را محکم ببندد و پرده هایش را آویزان نماید.

نکته:

زیباترین تصویر از دنیا و مقام

مولا علی (علیه السلام) در این اشعار، زیباترین تصویر از دنیا را ارائه می دهد و تمام زوایای زندگی و سیر عمر و تبیین مواضع دنیا پرستان و چگونگی بهره گیری از عمر را با زیباترین کلام بیان می کند، به گونه ای که هر کس این اشعار را که حقایق را بر ملا می کند بخواند. دیگر نیازی به نصیحت و اندرز ندارد .

امیدوارم شما خواننده گرامی نیز جزو افرادی باشید که آن را با همه وجودتان درک و لمس میکنید.

خداوند هم توفیق خواندن و تعمق در آن و هم توفیق عمل کردن را به شما و بنده عاصی و ذلیل این دنیا عطا فرماید. آمین یا رب العالمین.

\*\*\*

ص: 90

## 50. غم جدایی

1. كُنَّا كَرْوَجَ حَمَامَةٍ فِي أَيْكَةٍ \*\*\* مَتَمَّتَيْنِ بِصِحَّةٍ وَشَبَابٍ

2. دَخَلَ الزَّمَانُ بِنَا وَفَرَّقَ بَيْنَنَا \*\*\* إِنَّ الزَّمَانَ مُفَرِّقُ الْأَحْبَابِ

غم جدایی

1- دو کبوتر جوان بودیم بر بالای درختی، برخوردار از صحت و سلامت و جوانی .

2- آه روزگار بین ما جدایی انداخت، راستی که روزگار دوستان را از هم جدا می کند.

توضیح: «گفته شده که حضرت مولا (علیه السلام) این اشعار را در فراق از دست دادن همسرش حضرت زهرا (علیها السلام) سروده است».

## 51. از دست دادن جوانی و یاران

1. شَيْنَانٍ لَوْ بَكَتِ الدِّمَاءُ عَلَيْهِمَا \*\*\* عَيْنَانِ حَتَّى تُؤْذِنَا بِذَهَابِ

2. لَمْ تَبْلُغَا الْمِعْشَارَ مِنْ حَقِّيهِمَا \*\*\* فَقَدْ الشَّبَابِ وَفُرْقَةُ الْأَحْبَابِ

از دست دادن جوانی و یاران

1- دو چیز است که اگر چشمان آدم اشک بریزد تا نابود شوند،

2- یک دهم حق آن دو نعمت را ادا نکرده است، اول از دست رفتن جوانی، و دوم: جدایی از دوست واقعی.

ص: 91

## 52. روش مرد با تجربه

1. وَمَا الدَّهْرُ وَالْأَيَّامُ إِلَّا كَمَا تَرَى \*\*\* رَزِيَّةَ مَالٍ أَوْ فِرَاقَ حَبِيبٍ

2. وَإِنَّ أَمْرًا قَدْ جَرَّبَ الدَّهْرَ لَمْ يَحْفَ \*\*\* تَقَلَّبَ حَالِيهِ لَغَيْرِ لَيْبٍ

روش مرد با تجربه

1- زمانه و روزگار همین است که می بینی، از دست رفتن سرمایه و مال، یا جدایی و فراق دوست.

2- کسی که روزگار را آزموده باشد و از ضربه مالی و فراق دوستان احساس ناراحتی نکند، خردمند نیست.

نکته:

تنبیه

در زندگی انسان دو نعمت بسیار بزرگ وجود دارد که انسان را با نشاط می کند، به گونه ای که بهره از عمرش بگیرد و در تلاش های شبانه روزی موفق شود به خواسته هایش برسد.

اول: جوانی که دریایی از انرژی است و هر چه از آن استفاده شود کم نمی شود.

دوم: همسر خیلی خوب.

مولا در این ابیات نقش همسر خوب و یار شفیق را در زندگی تبیین فرموده و هر کس این دو نعمت را قدر نداند او را خردمند نمی داند.

مولا در این اشعار، رنج و غصه از دست دادن فاطمه و آثار وجودی او در طول تاریخ را بیان فرموده و جان و دل سوخته خود را با سرودن این اشعار کمی التیام بخشیده است. با آنکه نمی توان این چنین دردی را التیام بخشید.

ص: 92



### 53. عشق و دوستی از دل نرود

1 حَبِيبٌ لَيْسَ يَعْدِلُهُ حَبِيبٌ \*\*\* وَمَا لِسِوَاهُ فِي قَلْبِي نَصِيبٌ

2. حَبِيبٌ عَابَ عَنِّ عَيْنِي وَجِسْمِي \*\*\* وَعَن قَلْبِي حَبِيبِي لَا يَغِيبُ

عشق و دوستی از دل نرود

1- محبوب و دوستی که هم سنگ او دوستی نیست، و جز مهر و عشق او در دل من عشقی و مهری نیست از دستم رفت .

2- دوستی که از چشم و جسمم دور مانده، اما از عمق جان و دلم هرگز نرود.

### 54. بر سر قبر همسرش سرود

1. مَا لِي وَقَفْتُ عَلَى الْقُبُورِ مُسَلِّمًا \*\*\* قَبْرَ الْحَبِيبِ فَلَمْ يَرُدُّ جَوَابِي

2. أَحَبِيبُ مَا لَكَ لَا تَرُدُّ جَوَابَنَا \*\*\* أَنْسَيْتَ بَعْدِي خُلَّةَ الْأَحْبَابِ

بر سر قبر همسرش سرود

1- چرا در قبرستان ایستاده ام و بر قبر حبییم سلام می کنم و او پاسخ سلام مرا نمی دهد .

2- تو را چه می شود ای حبيب من که جواب سلامم را نمیدهی؟ مگر عشق سوزان قلبم را ای دوست از یاد برده ای .

\*\*\*

## 55. پاسخ مولا از زبان حضرت فاطمه (علیها السلام)

1. قَالَ الْحَبِيبُ: وَكَيْفَ لِي بِجَوَابِكُمْ \*\*\* وَأَنَا رَهِينُ جَنَادِلِ وَتُرَابِ
2. أَكَلَ التُّرَابَ مَحَاسِنِي فَنَسِيتُكُمْ \*\*\* وَحَجَبْتُ عَنْ أَهْلِي وَعَنْ أَتْرَابِي
3. فَعَلَيْكُمْ مِنَّا السَّلَامُ تَقَطَّعَتْ \*\*\* عَنِّي وَعَنْكُمْ خُلَّةُ الْأَحْبَابِ

پاسخ مولا از زبان حضرت فاطمه (علیها السلام)

- 1- محبوب می گوید: (علی جان) چگونه جواب سلامت را بدهم که من در رهن خاک قبرم هستم.
- 2- زیبایی های مرا خاک از بین برده، لذا فراموشت کردم و با هم نشین ها و بستگان قطع رابطه کرده ام.
- 3- از ما بر شما درود باد و بدان که اکنون پیوند ما و شما گسسته است.

## 56. در عزای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

1. مَا غَاضَ دَمْعِي عِنْدَ نَائِيَةٍ \*\*\* إِلَّا جَعَلْتُكَ لِلْبُكََا سَبَبًا
2. وَإِذَا ذَكَرْتُكَ سَامَحْتِكَ بِهِ \*\*\* مَنِي الْجُفُونُ فَفَاضَ وَأَنْسَكَبًا
3. إِنِّي أَجِلُّ تَرَى حَلَلْتَهُ بِهِ \*\*\* عَنْ أَنْ أُرَى لِسِوَاهُ مُكْتَنِبًا

در عزای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

- 1- هر زمان که اشک چشمم خشک می شود شما را بهانه گریه می کند و سرازیر می شود.
- 2- چون تو را یاد کنم پلک های چشم من سخاوتمندانه اشک می ریزد.

3- خاکی را که تو در آن آرمیده ای تعظیم می کنم و بزرگوارتر از آنم که برای دیدن قبر کسی دیگر گریه کنم.

### 57. خطاب به ولید بن مغیره

1. يُهْدِنِي بِالْعَظِيمِ الْوَلِيدُ \*\*\* فَقُلْتُ أَنَا ابْنُ أَبِي طَالِبٍ
2. أَنَا ابْنُ الْمُبَجَّلِ بِالْأَبْطَحَيْنِ \*\*\* وَبِالْبَيْتِ مِنْ سَلْفِي غَالِبٍ
3. فَلَا تَحْسَبْنِي أَخَافُ الْوَلِيدَ \*\*\* وَلَا أَتْنِي مِنْهُ بِالْهَائِبِ
4. فَيَا ابْنَ مُغِيرَةَ إِنِّي أَمْرُؤٌ \*\*\* سَمُوحٌ الْأَنَامِلِ بِالْقَاضِبِ
5. طَوِيلُ اللِّسَانِ عَلَى السَّانِنِينَ \*\*\* قَصِيرُ اللِّسَانِ عَلَى الصَّاحِبِ
6. حَسِرْتُمْ بِتَكْذِيبِكُمْ لِلرَّسُولِ \*\*\* تَعْيُونَ مَا لَيْسَ بِالْعَائِبِ
7. وَكَذَّبْتُمُوهُ بِوَحْيِ السَّمَاءِ \*\*\* أَلَا عَنَّا اللَّهُ لِلْكَاذِبِ

خطاب به ولید بن مغیره

- 1- ولید مرا به مرگ تهدید می کند، به او می گویم من پسر ابوطالب هستم و کسی قدرت تهدید مرا ندارد.
- 2- من فرزند آن گرامی مرد مکه و مدینه و خانه خدا و از دودمان غالب (1) هستم.
- 3- گمان مبر که از ولید می ترسم و گمان مبر که از او وحشت دارم.
- 4- ای پسر مغیره، من دارای سر انگشتی بخشنده ام که مرگ را در اثر قدرت سرانگشتانم با شمشیرم به طرف مقابل هدیه می دهم.

ص: 95

---

1- علی فرزند عبدالمطلب و او فرزند هاشم، فرزند عبد مناف، فرزند قصی ابن کلاب، فرزند مرة ابن کعب، فرزند لوی، فرزند غالب است و آن حضرت در میان اجداد خود نام غالب را آورده، تفال برای پیروزی بر ولید .

5- زبانم از شمشیرم برنده تر و درازتر و برای دوستان کوتاه و مهربان است .

6 - شما با دروغ بستن به پیامبر ضرر کردید و از کسی عیب می گیرید که دارای عیبی نیست.

7- شما او را در وحی و ارتباط با خدا دروغ گو پنداشتید، هان نفرین خدا بر دروغگویان.

### 58. سرزنش ابولهب

1. أَبَا لَهَبٍ بَبْتُ يَدَاكَ أَبَا لَهَبٍ \*\*\* وَبَبْتُ يَدَاهَا تِلْكَ حَمَالَةَ الْحَطَبِ

2. خَذَلْتُ نَبِيَّ اللَّهِ قَاطِعَ رَحْمِهِ \*\*\* فَكُنْتُ كَمَنْ بَاعَ السَّلَامَةَ بِالْعَطَبِ

3. لِحُوفِ أَبِي جَهْلٍ فَأَصْبَحْتَ تَابِعاً \*\*\* لَهُ وَكَذَلِكَ الرَّأْسُ يَتَّبِعُهُ الدَّنْبُ

4. فَأَصْبَحَ ذَاكَ الْأَمْرُ عَاراً يُهَيْلُهُ \*\*\* عَلَيْكَ حَجِيحُ الْبَيْتِ فِي مَوْسِمِ الْعَرَبِ

5. وَلَوْلَانِ عَنْ بُغْضِ الْأَعَادِي مُحَمَّدٌ \*\*\* لِحَانِي ذُووَهُ بِالرِّمَاحِ وَبِالْقَضْبِ

6. وَلَنْ تَشْمَلُوهُ أَوْ يُصْرَعَ حَوْلَهُ \*\*\* رَجَالٌ مَلَأُوا بِالْحُرُوبِ ذُووَهُ حَسَبِ

سرزنش ابولهب

1- ای همنشین آتش، بریده باد دستان تو ای ابولهب، نابود باد صخره دختر حرب که هیزم کش جهنم و هیز بیار فتنه ها است.

2- پیامبر را رها کردی با بی اعتنایی و خویشاوندی را با او بریدی، تو مثل کسی هستی که سلامت و رستگاری را به نابودی فروخته است.

3- به خاطر ترسیدن از ابوجهل، تابع او و بله گویان او شدی، داستان تو مثل سری است که از دم پیروی می کند.

ص: 96

4- اطاعت تو از ابوجهل ننگی شد که زائران خانه خدا تو را سرزنش کنند بر سر تو خاک پاشند.

5- اگر محمد از دشمنی با دشمنانش نرم شود، دشمنانش مرا با نیزه و شمشیر پوست می کنند.

6- هرگز وارد جنگ با محمد نخواهند شد، مگر آنکه مردانی دلیر و با گهر در روی زمین بیفتند

### 59. رجز خوانی

تَبَاً وَتَعْساً لَكَ يَا ابْنَ عْتَبَةَ \*\*\* أَسْقِيكَ مِنْ كَأْسِ الْمَنَايَا شَرْبَةً

وَلَا أَبَالِي بَعْدَ ذَلِكَ غَيْبَهُ

رجز خوانی

نیست و نابود شدی ای پسر عتبه، اینک تو را از جام مرگ شربتی بنوشانم.

و از فرجام کشتن تو ترسی به خود راه ندهم

### 60. رجز خوانی فرزند طلحه در روز احد

قَدْ قَدِمْتُ بِرَايَةِ أَرْبَابِهَا \*\*\* تَحْفَلُ فِيهَا دُونَهَا أَصْحَابُهَا

2. وَلَسْتُ مِنْ أَهْوَالِهَا أَهَابُهَا \*\*\* وَالصَّيْدُ مِنْ أَرْجَائِهَا شَهَابُهَا

يَأْتِيهِ مِنْ قَسِيئِهَا نُشَابُهَا

رجز خوانی فرزند طلحه در روز احد

1- (ابی سعید که از پرچمداران مخالفین در جنگ احد بود به میدان آمد و در

رجز خود گفت:) پرچمداران با پرچم خود به میدان رزم آمده اند و اطراف پرچم ها را پرچم داران گرفته اند.

2- من از هول و هراس جنگ نمی ترسم، زیرا صید از شهابی که از کنار آسمان می آید صید می گردد و از طرف کمانداران جنگ، تیر فرود خواهد آمد.

### 61. پاسخ امام به رجز بوسعید

1. وَالْحَيْلُ جَالَتْ يَوْمَهَا غَضَابُهَا \*\*\* بِمَرْبِطِ سِرْبِهَا تُرَابُهَا

2. وَسَطَ مَنَايَا بَيْنَهَا أَحْقَابُهَا \*\*\* الْيَوْمَ عَنِّي يَنْجَلِي جِلْبَابُهَا

پاسخ امام به رجز بوسعید

1- در این جنگ سواران خشمگین با اسبان خود جولان دادند، جنگ آوران با طناب و ریسمان جنگ غبار جنگ، را پیراهن خود کرده اند.

2- در میدان جنگ تنگ مرکب های خود را محکم بسته اند، امروز جامه نبرد و توانایی از سوی من باز می شود.

### 62. سخن امام با محاصره کنندگان مدینه

1. أَعْلَى تَفْتَحُ الْمَوَارِسُ هَكَذَا \*\*\* عَنِّي وَعَنْهُمْ آخِرُوا أَصْحَابِي

2. الْيَوْمَ تَمْنَعُنِي الْفِرَارَ حَفِيظَتِي \*\*\* وَمُصَمِّمَ فِي الْهَامِ لَيْسَ بِنَابِ

3. آلى ابْنِ عَبْدِ حَيْنٍ شَدَّ أَلِيَّةٌ \*\*\* وَحَلَفْتُ فَاسْتَمِعُوا مِنَ الْكَذَّابِ

4. أَنْ لَا يَصُدَّ وَلَا يُهْلَلْ فَالْتَقَى \*\*\* رَجُلَانِ يَصْطَرِبَانِ كُلَّ ضِرَابِ

5. فَصَدَدْتُ حِينَ رَأَيْتُهُ مُتَقَطَّرًا \*\*\* كَالْجَذْعِ بَيْنَ دَكَدِكَ وَرَوَابِي

6. وَعَفَفْتُ عَنْ أَثْوَابِهِ وَلَوْ أَنَّنِي \*\*\* كُنْتُ الْمُقَطَّرَ بَرْنِي أَثْوَابِي

7. عَبَدَ الْحِجَارَةَ عَنْ سَفَاهَةٍ رَأَيْهِ \*\*\* وَعَبَدْتُ رَبَّ مُحَمَّدٍ بِصَوَابِي

8. عَرَفَ ابْنُ عَبَّادٍ حِينَ أَبْصَرَ صَارَ مَا \*\*\* يَهْتَرُ أَنْ الْأَمْرَ غَيْرَ لِعَابٍ

9. أَرْدَيْتُ عَمْرُؤاً إِذْ طَعَى بِمُهَنْدٍ \*\*\* صَافِي الْحَدِيدِ مُهَدَّبٍ قَصَابٍ

10. لَا تَحْسَبُوا الرَّحْمَنَ خَاذِلَ دِينِهِ \*\*\* وَنَبِيِّهِ يَا مَعْشَرَ الْأَحْزَابِ

سخن امام با محاصره کنندگان مدینه

- 1- آیا سوارکاران شما این چنین بر من حمله می کنند، ای دوستان از میان من و ایشان مانع ها را پس زنید و برطرف نمایید.
- 2- امروز غیرت و شهامت، مرا از فرار باز می دارد، و شمشیرم استخوان های سر را می شکافد و کند نمی شود.
- 3- عمر ابن عبدود چون به من حمله کرد سوگند خورد و من هم سوگند خوردم و از میدان فرار نکردم و کشته نشدم پس بشنوید چه کسی دروغ گو بوده است؟
- 4- او سوگند یاد کرد که برنگردد و مسلمان هم نشود، پس ما با هم درگیر شدیم .
- 5- وقتی کار تمام شد برگشتم نگاهش کردم، دیدم مثل شاخه درخت خرما، به پهلو، روی ریگ های میدان جنگ افتاده است .
- 6- من از لباس های او صرف نظر کردم و اگر من روی خاک افتاده بودم، او لباس های مرا بیرون می آورد.
- 7- او از بی عقلی بت و سنگ را عبادت می کرد، و من خدای محمد را با ندای فطرتم عبادت می کردم.
- 8- فرزند عبدود چون شمشیر تیز مرا آخته دید فهمید که کار جنگ شوخی نیست.

9- عمر ابن عبدود را به خاطر سرکشی و طغیانش با شمشیری بران فرو انداختم، با شمشیری ناب با پولاد ناب که براق و تیز بود.

10- ای مردم گمان نکنید که خداوند آئین و پیامبرش را تنها می گذارد.

نکته:

در گذشته های دور و در جنگ ها هر جنگجویی که حریف خود را می کشت، لوازم شخصی او از جمله لباس هایش را از تنش بیرون می آورد و پس از شست و شو آن را می پوشید، چون گران ترین لوازم شخص، لباس و پارچه بود زیرا کارخانجات نساجی نبود و لباس را از پنبه یا پشم از ابتدا تا انتها با دست می بافتند و این کار پر مشقتی بود و چه بسا کسانی تنها برای اینکه صاحب لباسی شوند پا به میدان جنگ می گذاشتند.

ضمن این که در آوردن لباس معرف شخصیت جنگجوی پیروز بود و در این جنگ نیز مولا علی

(علیه السلام) لباس عمر و ابن عبدود را در نیاورد و این امر عظمت حضرت علی (علیه السلام) و اسلام را نشان می دهد.

### 63. در ماجرای خبیر فرمود

1. سَتَشْهَدُ لِي بِالْكَرِّ وَالطَّعْنِ رَايَةً \*\*\* حَبَانِي بِهَا الطُّهْرُ النَّبِيُّ الْمُهَدَّبُ
2. وَتَعْلَمُ أَنِّي فِي الْحُرُوبِ إِذَا التَّطْتُ \*\*\* بِنِيرَانِهَا اللَّيْثُ الْهَمُوسُ الْمَجْرُبُ
3. وَمِثْلِي لَأَقَى الْهَوَلَ فِي مُفْطَعَاتِهِ \*\*\* وَأُلَّ لَهُ الْجَيْشُ الْخَمِيسُ الْعَطْبُطُبُ

ص: 100



4. وَقَدْ عَلِمَ الْأَحْيَاءُ أَنِّي زَعِيمُهَا \*\*\* وَأَنِّي لَدَى الْحَرْبِ الْعَدِيْقُ الْمُرَجَبُ

در ماجرای خیبر فرمود

1- به زودی تاریخ و پرچم جنگ برای من گواهی خواهند داد که چگونه در میدان جنگ مانور می دادم و نیزه فرود می آوردم. این پرچم را محمد پاک و بخشنده به من سپرد.

2- ای پرچم! تو خود خوب میدانی که من در جنگ ها که آتش آن زبانه کشد شیر نر میدان کارزارم که با تجربه ای عالی جنگ را اداره می کنم.

3- چون من کسی جنگ را با حوادث سخت و طاقت فرسایش ندیده و من تمام پنج رکن لشکری را که خطرناک است تجربه کرده ام. ( پنج رکن لشکر عبارت است: از مقدمه، قلب، میمنه، میسره، ساق).

4- تمام قبائل عرب می دانند، که من پرچمدار عرب و جنگ هستم و به هنگامه درگیری و جنگ درخت خرمایی کوتاه و پربار و استوارم.

نکته:

تبلیغات جنگ در دوران های گذشته مثل امروز نبوده، زیرا رسانه هایی که امروز برای تضعیف دشمن دست اندرکارند، آن زمان وجود نداشتند.

در آن دوران ها فقط در میدان جنگ، جنگجویان با اشعار حماسی توانایی شخصی و مکتبی و ملی خود را به رخ دشمن می کشیدند.

کیفیت نبرد را در طول تاریخ می توان دید که شیوه جنگ و صف بندی به چه شکلی بوده است و آنچه که ضرورت دارد مطرح شود این که:

ص: 101

در آوردن لباس جنگجویی که در میدان کشته می شده جنبه انتفاعی داشته زیرا گرانترین لوازم در آن زمان، پارچه بوده است. و این امر به اندازه ای مهم بوده است که بعضی از دزدان، شبها به قبرها دستبرد زده و کفن میت را درآورده و آن را می فروختند که در دعاوی قضایی نیز مطرح می شده است و برای افرادی که به کفن دزدی روی آورده بودند، کیفرهایی متناسب با جرم در نظر گرفته می شد.

لذا در آوردن لباس یک جنگجو که در میدان جنگ کشته می شد یک امر معمول و عادی بوده و جنبه توهین نداشته و همه جنگجویان در میادین جنگ این کار را می کردند و حتی گاهی برای به دست آوردن لباس به میدان جنگ می رفتند.

در این میان یک شخصیت الهی و یک شخصیت استثنایی وجود دارد که همچنان سرفراز در تاریخ بشریت چون خورشید درخشیده است یعنی مولا- علی که این کار را نمیکرد و این عمل را توهین به انسانیت می دانست که نمونه آن را در داستان جنگ احزاب و قتل عمرو ابن عبدود و جنگ خیبر و قتل مرحب خیبری می خوانیم.

#### 64. رجز مرحب در قلعه خیبر

1. قَدْ عَلِمْتُ خَيْبِرُ أَيُّ مَرْحَبٍ \*\*\* شَاكِي السِّلَاحِ بَطْلُ مُجَرَّبٍ
2. إِذَا اللَّيْثُ أَقْبَلَتْ تَلَهَبُ \*\*\* وَأَحْجَمَتْ عَنْ صَوْلَةِ الْمُحَجَّبِ
3. خِلْتُ حِمَايَ أَبَدًا لَا يُقْرَبُ \*\*\* أَطْعَنُ أَحْيَانًا وَحِينًا أَضْرِبُ
4. إِنْ غَلَبَ الدَّهْرُ فَإِنِّي أَغْلَبُ \*\*\* وَالْقَرْنُ عِنْدِي بِالِدِّمَا مُخَصَّبُ

- 1- مردم خیبر خوب می دانند که من مرحب هستم، شمشیرم را آماده جنگ کرده ام و جنگجویی دلاور و آزموده هستم.
- 2- هرگاه شیران به خشم غرش و حمله کنند، وارد میدان می شوند و از صولت قهرمانان پنهان می گردند .
- 3- فکر می کنم و گمانم آن است که از شدت حرارت خشم، به من نزدیک نشوند که گاهی با نیزه می جنگم و گاهی با شمشیر.
- 4- اگر روزگار مغلوب شود باید بدانی که من غالب هستم، و هم‌آورد من باید بداند که در مقابل من با خوش رنگین می شود.

### 65. علی (علیه السلام) جواب مرحب را می دهد

1. أَنَا عَلِيٌّ وَابْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ \*\*\* مُهَدَّبٌ ذُو سَطْوَةٍ وَذُو عَضْبٍ
  2. غُذِيْتُ فِي الْحَرْبِ وَعَصِيانِ التَّوْبِ \*\*\* مِنْ بَيْتِ عِزٍّ لَيْسَ فِيهِ مُنْشَعَبٌ
  3. وَفِي يَمِينِي صَارِمٌ تَجْلُو الْكُرْبُ \*\*\* مَنْ يَلْقَنِي يَلْقَ الْمَنَايَا وَالْعَطَبُ
- إِذْ كَفُّ مِثْلِي بِالرُّؤُوسِ يَلْتَعِبُ

علی (علیه السلام) جواب مرحب را می دهد

- 1- من علی فرزند و نواده عبدالمطلب هستم، پاک سرشت، تکاور و چون

2- در دامن جنگ و ناگواری های حوادث پرورش یافته ام، از خانواده ای سرافرازم که تفرقه و جدایی در آن نیست.

3- در دست راست من شمشیری است تیز که غم ها را زایل می کند، هر کس به چنگ من بیفتد مرگ و هلاکت را ملاقات می کند.

زیرا دست من با سرهای دشمن بازی می کند.

### 66. خطاب به خیبریان و یاسر

1. هَذَا لَكُمْ مِنَ الْعَلَامِ الْغَالِبِ \*\*\* مِنْ ضَرْبِ صِدْقٍ وَقَضَاءِ الْوَاجِبِ

2. وَفَالِقِ الْهَامَاتِ وَالْمَنَاكِبِ \*\*\* أَحْمِي بِهِ قِمَاقِمَ الْكِتَابِ

خطاب به خیبریان و یاسر

این شمشیر برای تنبیه شما است که در دست نوجوانی همیشه پیروز است که از روی عقیده شمشیر می زند و در راه خدا جهاد می کند .

2- این شمشیر مغزها را می شکافد و شانه ها را دو نیم می کند، و با آن فرماندهان و سپهسالاران را پشتیبان می شوم .

### 67. به عنتر مرادی خیبری می گوید

1. هَذَا لَكُمْ مَعَاشِرَ الْأَحْزَابِ \*\*\* مِنْ فَالِقِ الْهَامَاتِ وَالرِّقَابِ

2. فَاسْتَعْجِلُوا لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ \*\*\* وَاسْتَبْسِلُوا لِلْمَوْتِ وَالْمَأْبِ

3. صَيْرَكُمْ سَيْفِي إِلَى الْعَذَابِ \*\*\* بِعَوْنِ رَبِّي الْوَاحِدِ الْوَهَّابِ

به عنتر مرادی خیبری می گوید

1- این شمشیر بران از آن شما است، تا مغزهای شما را بشکافد و گردنهای شما را بزند .

2- پس به سوی نیزه و شمشیرتان بشتابید، برای روز مرگ و نابودی، و روز واپسین و آخرت خود را آماده کنید.

3- شمشیر من به یاری خدای یکتای بخشایشگر، شما را به دوزخ می فرستد .

### 68. و نیز خیبر

أَنَا عَلِيٌّ وَأَبْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ \*\*\* أَحْمِي ذِمَارِي وَأَذُبُ عَنْ حَسَبِ

وَالْمَوْتُ خَيْرٌ لِّلْفَتَى مِنَ الْهَرَبِ

و نیز خیبر

من علی فرزند عبدالمطلب هستم و از دودمانم حمایت می کنم و از عزّت و شرف خویش پاسداری می کنم برای جوانمرد، مُردن از فرار بهتر است .

### 69. نیز در خیبر فرمود

1. أَنَا عَلِيٌّ وَأَبْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ \*\*\* مُهَذَّبٌ ذُو سَطْوَةٍ وَذُو حَسَبٍ

2. قَرْنٌ إِذَا لَا قَيْتُ قَرْنَا لَمْ أَهَبْ \*\*\* مَنْ يَلْقَنِي يَلْقَى الْمَنَايَا وَالْكَرْبَ

نیز در خیبر فرمود

1- من علی فرزند عبدالمطلب هستم، من پاک سرشت و دارای قدرت فوق العاده و با شرف هستم.

ص: 105

2- هم‌اوردی هستم که وقتی با حریف مواجه شوم نمی ترسم، هر کس با من وارد جنگ شود با مرگ و مصیبت رویرو خواهد شد.

### 70. رجز مرة ابن مروان در جنگ خیبر

1. أَنَا الْغُلَامُ الْعَرَبِيَّ عِنْدَ النَّسَبِ \*\*\* أَحْمِي جَوَارِي وَأُذِبُ عَنْ حَسَبِ
2. وَأَقْتُلُ الْقِرْنَ الْجَرِيَّ عِنْدَ الْغَضَبِ \*\*\* لِلضَّرْبِ وَالطَّعْنِ الشَّدِيدِ أَنْتَصِبُ  
مَنْ أَنْتَ إِنْ كُنْتَ كَرِيماً فَأَنْتَسِبُ

رجز مرة ابن مروان در جنگ خیبر

1 من نوجوان عربی هستم، از پناهندگان خود و از شرف خود دفاع می کنم.

2- چون خشمگین شوم، هم‌اورد خود را و حریف خود را به قتل می رسانم و در مقابل نیزه زدن و شمشیر زدن دشمن، به شدت مقاومت می کنم.

تو کیستی؟! اگر با گه‌ری، از اصل و نسب خودت بگو.

### 71. علی (علیه السلام) در پاسخ او می فرماید

1. أَنَا عَلِيٌّ وَإِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ \*\*\* أَخُو النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى الْمُنتَخَبِ
2. رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَدْ غَلَبَ \*\*\* بَيْنَهُ رَبُّ السَّمَاءِ فِي الْكُتُبِ
3. وَكُلُّهُمْ يَعْلَمُ لَا قَوْلَ كَذِبٍ \*\*\* وَلَا بَزُورٍ حِينَ يُدَوَّى بِالنَّسَبِ
4. صَافِي الْأَدِيمِ وَالْجَبِينِ كَالذَّهَبِ \*\*\* الْيَوْمَ أَرْضِيهِ بِضَرْبٍ وَعَضَبِ
5. ضَرْبِ غُلَامٍ أَرَبٍ مِنَ الْعَرَبِ \*\*\* لَيْسَ بِخَوَارٍ يُرَى عِنْدَ النَّكَبِ  
فَأَنْبَتَ لِضَرْبٍ مِنْ حُسَامٍ كَاللَّهَبِ

علی (علیه السلام) در پاسخ او می فرماید

1- من علی فرزند عبدالمطلب هستم، برادر پیامبر برگزیده خداوند.

2- فرستاده پروردگار بر همه دشمنان پیروز است، و خدای هستی در تمام نامه ها و فرامین آسمانی خود به پیامبران وعده او را داده بود.

3- و همه می دانند که این انتخاب دروغ نیست و واقعیت است، آنگاه که دم از نسب و اصالت خانواده زده شود.

4- هم چون طلا پاک و پاکیزه طینت هستم و امروز با شمشیر زدن و غضب بر دشمن، او را خشنود خواهم کرد.

5- هم چون نوجوانی هشیار از نسل عرب، حمله می کنم، و در سختی ها نه ناله می کنم و نه سست می شوم.

حرکت نکن و ثابت باش برای دریافت شمشیری چون شعله های آتش .

## 72. در جنگ صفین رجزی خواند

1. سَيَكْفِينِي الْمَلِيكُ وَحَدَّ سَيْفِي \*\*\* لَدَى الْهَيِّجَاءِ تَحْسَبُهُ شِهَابًا

2. وَأَسْمَرُ مِنْ رِمَاحِ الْخَطِّ لَدُنْ \*\*\* شَدَدْتُ غُرَابَهُ أَنْ لَا يُعَابًا

3. أذُودُ بِهِ الْكَتِيْبَةَ كُلَّ يَوْمٍ \*\*\* إِذَا مَا الْحَرْبُ أَضْرَمَتِ التَّهَابًا

4. وَحَوْلِي مَعْشَرٌ كَرُمُوا وَطَابُوا \*\*\* يُرْجُونَ الْغَنِيْمَةَ وَالنَّهَابًا

5. وَلَا يَنْحُونُ مِنْ حَدَرِ الْمَنَايَا \*\*\* سُؤَالَ الْمَالِ فِيهَا وَالْإِيَابًا

6. وَدَعَّ عَنْكَ التَّهْدُدَ وَأَصْلَ نَارًا \*\*\* إِذَا حَمَدَتْ صَلِيَتَ لَهَا شِهَابًا

ص: 107

- 1- هنگام جنگ و برخورد با دشمن خدای من به وسیله شمشیرم که چون سنگ آسمانی سوزنده است از من حمایت خواهد کرد.
- 2- و همچنین با نیزه گندمگون ساخت یمامه، که خوش دست است و پیکانش چنان تیز و محکم است که عیب نم یکنند.
- 3- هنگامه نبرد دشمن را با این نیزه شعله ور خواهم سوزاند و شکست خواهم داد.
- 4- همراهان من همه شایسته و نیکو سرشت هستند که تنها بعد از شکست دشمن، غنائم جنگی را تصاحب می کنند.
- 5- آنها در تنگناهای جنگ برای جمع غنیمت از میدان نمی روند و پشت به دشمن نمی کنند.
- 6- تو ای دشمن، رجزخوانی را کنار بگذار و در شعله های جنگ وارد شو که اگر این آتش خاموش شود، با شهاب شمشیرم بسوزی .

### 73. خطاب به معاویه

1 أَنَا عَلِيٌّ وَأَعْلَى النَّاسِ فِي النَّسَبِ \*\*\* بَعْدَ النَّبِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْمُصْطَفَى الْعَرَبِيِّ

2. قُلْ لِلَّذِي غَرَّهُ مِنِّي مُلَاطَفَةٌ \*\*\* مَنْ ذَا يُخَلِّصُ أَوْرَاقًا مِنَ الذَّهَبِ

2. هَبَّتْ عَلَيْكَ رِيَاحُ الْمَوْتِ سَاقِيَةٌ \*\*\* فَاسْتَيْقِنِي بَعْدَهَا لِلْوَيْلِ وَالْحَرْبِ



1- من علی هستم که از نظر قبیله و نسب بهترین هستم؛ بعد از رسول خدا از فرزندان هاشم آن برگزیده عرب .

2- به آنکه بزرگواری و ملاطفت و نرمی من او را فریفته و (تصور می کند که شاخ دشمن را نمی شکنم) بگو؛ کیست آنکه در هم را از طلای خالص جدا می کند.

3- (ای معاویه) بادهای تند و توفنده مرگ بر تو وزیدن گرفت، از این پس مرا برای مرگ و عزاداریت داشته باش.

#### 74. جواب حریت غلام معاویه

1. أَنَا الْغَلَامُ الْعَرَبِيُّ الْمُتَسَبِّ \*\*\* مِنْ خَيْرِ عُوْدٍ فِي مُصَاصِ الْمُطَلِّبِ

2. يَا أَيُّهَا الْعَبْدُ اللَّئِيمُ الْمُتَتَدِّبُ \*\*\* إِنْ كُنْتَ لِلْمَوْتِ مُحِبًّا فَاقْتَرِبْ

3. وَأَثْبْتُ رُوَيْدًا أَيُّهَا الْكَلْبُ الْكَلْبُ \*\*\* أَوْلَا قَوْلٍ هَارِبًا ثُمَّ أَنْقَلِبْ

جواب حریت غلام معاویه

1- من آن جوانمرد عربی هستم از بهترین ریشه پاک عبدالمطلب.

2- ای برده پست که فریاد می کنی و هموارد می خواهی! اگر مرگ را دوست داری بیا جلو.

3- ای سگ هار و درنده! کمی صبر کن تا مرگ را ملاقات کنی یا اینکه برگرد و فرار کن.

## 75. پاسخ یک نفر جنگجو در صفین

1. إِيَّايَ تَدْعُو فِي الْوَعَى يَا ابْنَ الْإِرْبِ \*\*\* وَفِي يَمِينِي صَارِمٌ يُبْذِي اللَّهْبُ

2. مَنْ يَحْطُهُ مِنْهُ الْجِمَامُ يَنْسَرِبُ \*\*\* لَقَدْ عَلِمْتُ وَالْعَلِيمُ ذُو أَدَبُ

3. أَنْ لَسْتُ فِي الْحَرْبِ الْعَوَانِ بِالْأَرْبِ \*\*\* وَعَنْ قَلِيلٍ غَيْرِ شَكِّ أَثْقَلِبُ

پاسخ یک نفر جنگجو در صفین

1- مرا به مبارزه دعوت می کنی ای فرزند حيله و نیرنگ، در حالی که می دانی من شمشیری بران و آتشبار دارم.

2- هرگاه آن را به کار می گیرم، مرگ از دم آن می بارد. من خوب می دانم چه کنم، زیرا دانایی با تربیت هستم.

3- من می دانم در جنگی که طولانی می شود آدم هشیار برنده است و به زودی همه چیز دگرگون می شود.

## 76. رجز در صفین

1. أَنَا عَلَى وَابْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ \*\*\* نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أُولَى بِالْكَتَبِ

2. وَبِالتَّبِيِّ الْمُصْطَفَى غَيْرِ الْكَذِبِ \*\*\* أَهْلُ اللِّوَاءِ وَالْمَقَامِ وَالْحُجْبِ

نَحْنُ نَصْرَنَاهُ عَلَى كُلِّ الْعَرَبِ

ص: 110

1- من علی فرزند عبدالمطلب هستم، سوگند به بیت الله الحرام، ما به کتاب های آسمانی و قوانین الهی سزاوارتریم .

2- و به پیامبر خدا، حضرت مصطفی ایمان داریم و او را تکذیب نمی کنیم، و ما شایسته پرچم اسلام و مقام ابراهیم و پرده خانه امن الهی هستیم.

ما پیامبر را در مقابل عرب گستاخ و لجوج یاری کردیم.

### 77. در غزوه و نبرد ذات العلم فرمود

1. اللَّيْلُ هَوْلٌ يُرْهَبُ الْمَهْيَا \*\*\* وَيُذْهِلُ الْمُشَجَّعَ اللَّيْبَا

2. فَإِنِّي أَهْوَلُ مِنْهُ ذِيئَا \*\*\* وَلَسْتُ أَخْشَى الرُّوعَ وَالْخُطُوبَا

3. إِذَا هَزَزْتُ الصَّارِمَ الْقَضِيئَا \*\*\* أَبْصَرْتُ مِنْهُ عَجَبًا عَجِيئَا

در غزوه و نبرد ذات العلم فرمود

1- جنگ در شب هنگام، هولناک است، همه را می ترساند، و نیز دلاور هوشمند را در مبارزه گمراه می کند .

2- لیک من از تاریکی شب هراسناک ترم و از پیشامدهای سخت باک ندارم.

3- آنگاه که شمشیر برنده ام را بجنبانم، از آن شگفتی های بس شگفت می بینم .

## 78. هنگامه جنگ صفین گفت

1. اَبِي اللّٰهِ اِلَّا اَنْ صِفِّينَ دَارِنَا \*\*\* وَدَارِكُمْ مَا لَاحَ فِي الْاُفُقِ كَوْكَبٌ

2. اِلَى اَنْ تَمُوْتُوْا اَوْ نَمُوْتَ وَمَا لَنَا \*\*\* وَمَا لَكُمْ عَنِ حَوْمَةِ الْحَرْبِ مَهْرَبٌ

هنگامه جنگ صفین گفت

1-خواست خداوند است که در صفین، مثل خانه خودمان مدت‌ها بمانیم و تا زمانی که ستاره‌ها چشمک می‌زنند همه اینجا باشیم.

2- تا زمانی که یکی از ما از بین برود و بمیرد و از گرداب این جنگ فراری نیست.

## 79. در ستایش از یاران خود

1. يَا أَيُّهَا السَّائِلُ عَنْ أَصْحَابِي \*\*\* إِنْ كُنْتَ تَبْغِي خَبَرَ الصَّوَابِ

2. أُنْبِئِكَ عَنْهُمْ غَيْرَ مَا تُكَذِّبُ \*\*\* بِـ أَنَّهُمْ أَوْعِيَةُ الْكِتَابِ

3. صَبْرٌ لَدَى الْهَيْجَاءِ وَالضَّرَابِ \*\*\* فَسَلْ بِذَلِكَ مَعْشَرَ الْأَحْزَابِ

در ستایش از یاران خود

1- ای کسی که درباره‌ی یارانم سؤال می‌کنی، اگر می‌خواهی سخن راست را بشنوی گوش بده!

2- به تو می‌گویم بی‌هیچ دروغی، که دل‌هایشان مخزن کتاب خداست.

3- و در موقع دفاع از اسلام، و در گیرودار جنگ و صدای وحشت‌انگیز شمشیر، صابرند؛ اگر باور نداری از نیروهای رزمی پرس.

## 80. ستایش از یاران خود

1. أَلَمْ تَرَ قَوْمًا إِذْ دَعَاهُمْ أَخُوهُمْ \*\*\* أَجَابُوا وَإِنْ أَعْصَبَ عَلَى الْقَوْمِ يَعْصِبُوا

2. هُمْ حَفِظُوا غَيْبِي كَمَا كُنْتُ حَافِظًا \*\*\* لِقَوْمِي أَجْزِي مِثْلَهَا إِنْ تَعَبُوا

3. بَنُو الْحَرْبِ لَمْ تَقْعُدْ بِهِمْ أُمَّهَاتُهُمْ \*\*\* وَآبَاؤُهُمْ أَبَاءُ صِدْقٍ فَأَنْجَبُوا

ستایش از یاران خود

1- آیا ندیده ای شخصیت های با ارزش را که هر وقت از آنها کمک بخواهی، پاسخ می دهند و کمک می کنند و اگر از بدخواهان خشمگین شوم، خشمگین می شوند.

2- در غیبت من احترام مرا پاس می دارند، آن گونه که در پیش من هستند و من نیز با آنها همین گونه ام.

3- جنگجویان و فرزندان جنگ را نمی توان از رفتن به جنگ باز داشت، چون پدرانشان پدران راستگو بودند.

## 81. در ستایش قبیله ازد و اوس و خزرج می فرماید

1. الْأَزْدُ سَيْفِي عَلَى الْأَعْدَاءِ كُلِّهِمْ \*\*\* وَسَيْفٌ أَحْمَدَ مَنْ دَانَتْ لَهُ الْعَرَبُ

ص: 113

2. قَوْمٌ إِذَا فَاجَلُوا أَوْفُوا ، وَإِنْ غَلِبُوا \*\*\* لَا يُحْجَمُونَ وَلَا يَدْرُونَ مَا الْهَرَبُ

3. قَوْمٌ لَبِوسُهُمْ فِي كُلِّ مُعْتَرَكٍ \*\*\* بَيْضُ رِقَاقٍ وَدَاوُدِيَّةٌ سَلَبٌ

4. أَلْبَيْضُ فَوْقَ رُؤُوسٍ تَحْتَهَا الْيَلْبُ \*\*\* وَفِي الْأَنَامِلِ سُمُرُ الْخَطِّ وَالْقُضْبُ

5. أَلْبَيْضُ تَضْحَكُ وَالْأَجَالُ تَنْحِبُ \*\*\* وَالسُّمُرُ تَرَعْفُ وَالْأَرْوَاحُ تُتَهَبُ

6. الْأَرْدُ أَرِيدُ مَنْ يَمْشِي عَلَى قَدَمٍ \*\*\* فَضْلاً وَأَعْلَاهُمْ قَدراً إِذَا رَكَبُوا

7. وَالْأَوْسُ وَالْخَزْرَجُ الْقَوْمُ الَّذِينَ هُمْ \*\*\* أَوْوَا فَأَعْطُوا عَطَاءَ فَوْقَ مَا وَهَبُوا

8. يَا مَعْشَرَ الْأَرْدِ أَنْتُمْ مَعْشَرٌ أَنْفٌ \*\*\* لَا يَضْعَفُونَ إِذَا مَا أَشْتَدَّتِ الْحُقُبُ

9. وَفَيْتُمْ وَوَفَاءَ الْعَهْدِ شَيْمَتُكُمْ \*\*\* وَلَمْ يُخَالِطْ قَدِيماً صِدْقُكُمْ كَذِبُ

10. إِذَا غَضِبْتُمْ يَهَابُ الْخَلْقُ سَطَوَتَكُمْ \*\*\* وَقَدْ يَهُونُ عَلَيْكُمْ مِنْهُمْ الْغَضَبُ

11. يَا مَعْشَرَ الْأَرْدِ إِنِّي مِنْ جَمِيعِكُمْ \*\*\* رَاضٍ وَأَنْتُمْ رُؤُوسُ الْأَمْرِ لَا الذَّنْبُ

12. لَنْ تَيَّاسَ الْأَزْدُ مِنْ رُوحٍ وَمَغْفِرَةٍ \*\*\* وَاللَّهُ يَكْلُؤُهُمْ مِنْ حَيْثُ مَا ذَهَبُوا

13. طِبْتُمْ حَدِيثاً كَمَا قَدْ طَابَ أَوْلَاكُمْ \*\*\* وَالشُّوكُ لَا يُجْتَنَى مِنْ فَرْعِهِ الْعِنَبُ

14. وَالْأَزْدُ جُرْثُومَةٌ إِنْ سُوِّقُوا سَبَقُوا \*\*\* أَوْ فُوحِرُوا فَخَرُوا أَوْ غُولِيُوا غَلَبُوا

15. أَوْ كُوثِرُوا كَثُرُوا أَوْ صُوبِرُوا صَبَرُوا \*\*\* أَوْ سُوهِمُوا سَهَمُوا أَوْ سُوِلُوا سَلَبُوا

16. صَفَوْا فَأَصْفَاهُمْ الْمَوْلَى وَلَا يَتَّهُ \*\*\* فَلَمْ يَشَبْ صَفْوَهُمْ لَهُوَ وَلَا لَعِبُ

17. هَيْنُونَ لَيْنُونَ خُلِقَافِي مَجَالِسِهِمْ \*\*\* لَا الْجَهْلُ يَعْرُوهُمْ فِيهَا وَلَا الصَّخَبُ

18. أَلْغَيْتُ إِمَّا رَضُوا مِنْ دُونِ نَائِلِهِمْ \*\*\* وَالْأُسْدُ تَزْهَبُهُمْ يَوْمًا إِذَا غَضِبُوا

19. أَنْدَى الْأَنَامِ أَكْفَاءَ حِينَ تَسْأَلُهُمْ \*\*\* وَأَرْبَطُ النَّاسِ جَاشَأً إِنْ هُمْ نُذِبُوا

20. وَأَيُّ جَمْعٍ كَثِيرٍ لَا تَفْرِقُهُ \*\*\* إِذَا تَدَانَتْ لَهُمْ غَسَانُ وَالْتِدْبُ

21. فَاللَّهُ يَجْزِيهِمْ عَمَّا آتَوْا وَحَبَا \*\*\* بِهِ الرَّسُولَ وَمَا مِنْ صَالِحٍ كَسَبُوا

در ستایش قبیله ازد و اوس و خزرج می فرماید

- 1- مردم قبیله ازد، شمشیر من در برابر دشمن اند، همان گونه که شمشیر پیامبر خدا بودند و باعث شدند که عرب تسلیم رسول خدا شود.
- 2- مردمی هستند که اگر بگویند آری، تا آخر می ایستند و اگر در برخورد با دشمن کم بیاورند. پس نم یزنند و فرار نمی کنند.
- 3- آنان در جنگ لباس نازک می پوشند و زره داودی(1) را از طریق کشتن دشمن به دست آورند.
- 4- کلاهخود بر سر خود دارند و در زیر آن کلاهخود، کلاه چرمین یمنی و در دست نیزه های گندمگون ساخت یمامه و شمشیرهای برّان.
- 5- در اثر رزمشان و صلابتشان، شمشیرها خندان و گرگها فراری اند. از نیزه های آنان خون می چکد و حیات و زندگی دشمنان غارت می شود.
- 6- ازدیان در جنگ پیاده از همه برترند و هرگاه که سواره برزمنند برترین هستند.
- 7- طائفه اوس و خزرج انسان هایی هستند که پناهجویان را پناهند و بیش از ظرفیت خویش می بخشند.
- 8- ای قبیله ازد! شما مردمی هستید که در هنگامه سختی ها، به خویش ضعف راه نمی دهید .
- 9- شما به پیمان خود پایبندید و پاسداری از پیمانتان خصلت شما است و از قدیم راستگو بوده اید.
- 10- هنگام جنگ که غضب می کنید، همه دشمنان از شما می ترسند و دشمنان

ص: 116

- 
- 1- زره داودی پیراهنی بوده که از حلقه های سیمی می ساختند و در جنگ می پوشیدند تا تیر و شمشیر بر آنها اثر نکند، این پیراهن را حضرت داود اختراع کرد. «وَأَلْتَمَسْنَا لَهُ الْحَدِيدَ» (سبأ/ 10).



و خشم و غضبشان برای شما عددی نیست .

11- ای قبیله ازد من از شما راضی هستم و شما، نه قبیله ای بی نام و نشان، بلکه سران عرب و بزرگان منطقه اید .

12 - طایفه ازد هرگز از مهر و لطف و آمرزش خدا نومید نیستند، آنها هر جای عالم باشند خدا نگهدارشان باشد .

13- فرزندانان پاکند، همان گونه که پدرانان پاک و با شخصیت بودند، زیرا درخت روی ریشه سبز می شود.

14- قبیله ازدیان مردمی اصیلند که اگر عقب بمانند سبقت می گیرند و اگر بر آنها فخرکنند، فخر در عمق جان آنان ریشه دوانیده و اگر با آنها درافتند، پیروز میدان جنگ هستند.

15- اگر ادعا شود که جمعیت قبائل دیگر بیشتر است، ثابت می شود که از دیان بیشترند، در مقابل پایداری دیگران پایدارترند، در قرعه ها، قرعه به نام آنها می افتد و اگر کسی در پی ربودن آنها باشد، خود ربوده می شود.

16- پاک زندگی می کردند، خداوند هم دوستی خود را با آنان برگزید، و پاکی آنان، با خوشگذرانی و کارهای نامناسب آلوده نشد.

17 - در مجالس با وقارند و خوش برخورد و خوش اخلاق! نادانی در زندگی آنان جایی ندارد، و برای چیزی فریاد بر نمی دارند و بلند بلند حرف نمی زنند .

18- اگر خشنود شوند باران به جود و سخاوتشان نرسد و اگر در خشم شوند، شیرها از ایشان فرار کرده و می ترسند .

19- اگر از ایشان درخواست کنی، دست سخاوتمند آنان از همه گشاده تر است، و اگر به جنگ با آنان درآیید، از همه کس دلیر ترند.

ص: 117

20- آنگاه که طایفه ازد و غسان(1) با یکدیگر متحد شوند و به تیراندازی پردازند، کدام قبیله یا گروه می تواند در برابر آنان مقاومت کند.

21- خداوند برای کارهای نیکشان و بخشش هایشان در باره حضرت رسول، به آنان پاداش نیک عطا کند.

## 82. درباره شورایی که عثمان را برای خلافت انتخاب کردند

1. فَإِنْ كُنْتَ بِالشُّورَى مَلَكْتَ أَمْرَهُمْ \*\*\* فَكَيْفَ بِهَذَا وَالْمُشِيرُونَ غُيَّبُ

2. وَإِنْ كُنْتَ بِالْقُرْبَى حَبَجْتَ خَصِيمَهُمْ \*\*\* فَغَيْرِكَ أَوْلَى بِالنَّبِيِّ وَأَقْرَبُ

درباره شورایی که عثمان را برای خلافت انتخاب کردند

1- اگر از طریق شورا به ریاست رسیدی، این چه شورایی بود که رأی دهندگان دخالت نداشتند.

2- و اگر از طریق خویشاوندی با رسول خدا به این مقام رسیدی، غیر تو به پیامبر نزدیک تر بود. پس استدلال به شورا و فامیلی با رسول خدا، استدلالی بی پایه است.

نکته:

انتخاب خلیفه بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، اگر از راه سفارش پیامبر خدا بوده است، رسول خدا در غدیر خم، حضرت علی را به جای خویش معرفی کرد و ماجرای غدیر خم، جریانی نیست که قابل انکار باشد، لیکن

ص: 118

---

1- غسان اسم چاهی است که بخشی از طایفه ازد، در کنار آن زندگی میکردند.

بعضی از علماء اهل تسنن کلمات رسول خدا را که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً» به عنوان کلام کسی که «لَا يُنْطِقُ عَنِ الْهَوَاءِ»، قبول دارند، ولی می گویند: «مولا» یعنی دوست که در جای خود این مطلب بحث شده و قضایا معلوم است که در آن اجتماع بزرگ با آن همه سختی هایی که بوده چطور حضرت رسول، ابراز دوستی با علی را مطرح می کنند، در حالی که آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ..» صراحت دارد که منظور ولایت، رهبری و امامت بر مسلمین بوده است.

به هر حال با این اظهارات و بازیهای سیاسی، نفر اول خلیفه شد، ولی چگونه نفر دوم بدون مشورت با مردم و فقط با دستور و سفارش خلیفه اول به خلافت رسید، چگونه است که سخن «لَا يُنْطِقُ عَنِ الْهَوَاءِ» بر خلاف دستور الهی نادیده گرفته می شود. ولی دستور خلیفه اول درباره انتصاب

خلیفه دوم، یک دستور شرعی تلقی می گردد.

اما بعد از آن، خلیفه دوم به چه استنادی دستور داد شورا تشکیل شود آن هم از افراد معلوم الحالی (که خدا عالم است) اگر واقعاً خدمت به مردم مطرح بود و رأی مردم ملاک بود که در اینجا مردمی وجود نداشتند و رأی مردم در بین نبود و مردم خلیفه را انتخاب نکردند.

لذا مولا می فرمایند اگر ریاست خلیفه دوم با شورا بود کدام مردم رأی به شورا دادند تا شورا خلیفه سوم را تعیین کند.

به هر حال آن چند نفر که نامش شورا است با رأی مردم شورا نشدند و نظر و رأیشان غیر شرعی و غیر عقلانی است.

و اگر بگوییم مردم جمع شدند و نظر دادند که عثمان خلیفه سوم شود که مردم نبودند و اصلاً مردم خبر از ماجراهای پس پرده نداشتند.

پس مردم در انتصاب شورا هیچ نقشی نداشتند و شورای انتصابی، منشأ مردمی نداشتند و از سویی ملاکهای شرعی، که وابسته به دستور رسول خدا است نیز مطرح نبوده است، مولا خیلی روشن مطلب را بیان کرده است.

1. صَرَمْتُ حِبَالَكَ بَعْدَ وَصْلِكَ زَيْنَبُ \*\*\* وَالدهُرُ فِيهِ تَصَرُّمٌ وَتَقَلُّبُ
2. نَشَرْتُ ذَوَائِبَهَا الَّتِي تَرَهُو بِهَا \*\*\* سُوداً وَرَأْسَكَ كَالتَّعَامَةِ أَشْيَبُ
3. وَاسْتَنْفَرْتُ لَمَّا رَأَيْتَكَ وَطالَمَا \*\*\* كَانَتْ تَحِنُّ إِلَى لِقَاكَ وَتَرَهُبُ
2. وَكَذَاكَ وَصَلُ الغَانِيَاتِ فَإِنَّهُ \*\*\* آلُ بٍ يَلْقَعَةُ وَبِرْقُ خُلْبُ
5. فَدَعِ الصَّبَا فَلَقَدْ عَدَاكَ زَمَانُهُ \*\*\* وَأَزْهَدُ فَعُمُرُكَ مِنْهُ وَلَى الأَطْيَبُ
6. ذَهَبَ السَّبَابُ فَمَا لَهُ مِنْ عَوْدَةٍ \*\*\* وَأَتَى المَشْيِبُ فَأَيَّنَ مِنْهُ المَهْرَبُ
7. ضَيَّفُ أَلَمِ إِلَيْكَ لَمْ تَحْفَلْ بِهِ \*\*\* تَقْرِي لَهُ أَسْفَاءً وَدَمْعاً يَسْكُبُ
8. دَعِ عَنكَ مَا قَدْ فَاتَ فِي زَمَنِ الصَّبَا \*\*\* وَادْكُرْ ذُنُوبَكَ وَابْكُهَا يَا مُذْنِبُ
9. وَاخْشِ مُنَاقَشَةَ الحِسَابِ فَإِنَّهُ \*\*\* لَا بُدَّ يُحْصِي مَا جَنَيْتَ وَيُكْتَبُ

10. لَمْ يَنْسَهُ الْمَلِكَانِ حِينَ نَسِيَتْهُ \*\*\* بل أثبتاه وَأَنْتَ لَا تَلْعَبُ
11. وَالرُّوحُ فِيكَ وَدِيْعَةٌ أُودِعَتْهَا \*\*\* سَتَرْتُهَا بِالرُّغْمِ مِنْكَ وَتُسَلَّبُ
12. وَغُرُورُ دُنْيَاكَ الَّتِي تَسْعَى لَهَا \*\*\* دَارٌ حَقِيقَتُهَا مَتَاعٌ يَذْهَبُ
13. وَاللَّيْلُ فَاعْلَمْ وَالنَّهَارُ كِلَاهُمَا \*\*\* أَنفَاسُنَا فِيهَا تُعَدُّ وَتُحَسَّبُ
14. وَجَمِيعُ مَا حَصَلَتْهُ وَجَمَعَتْهُ \*\*\* حَقًّا يَقِينًا بَعْدَ مَوْتِكَ يُنْهَبُ
15. تَبَّ الدَّارِ لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا \*\*\* وَمَشِيدُهَا عَمَّا قَلِيلٍ يَخْرَبُ
16. فَاسْمَعْ هُدَيْتَ نَصَائِحًا أَوْ لَا كَهَا \*\*\* بَرٌّ لَبِيبٌ عَاقِلٌ مُتَأَدِّبٌ
17. صَحِبَ الزَّمَانَ وَأَهْلَهُ مُسْتَبْصِرًا \*\*\* وَرَأَى الْأُمُورَ بِمَا تُؤُوبُ وَتُعَقَّبُ
18. أَهْدَى النَّصِيْحَةَ فَاتَّعَظُ بِمَقَالِهِ \*\*\* فَهَوَ التَّقِيُّ اللُّوْذَعِيُّ الْأَذْرَبُ
19. لَا تَأْمَنُ الدَّهْرَ الصَّرُوفَ فَإِنَّهُ \*\*\* لَا زَالَ قَدَمًا لِلرِّجَالِ يُهَذَّبُ

20. وَكَذَلِكَ الْيَتَامُ فِي عَدْوَاتِهَا \*\*\* مَرَّتْ يَدُلُّ لَهَا الْأَعْزُ الْأَنْجَبُ
21. فَعَلَيْكَ تَقْوَى اللَّهِ فَالْزَمِهَا تُقْرُ \*\*\* إِنَّ التَّقِيَّ هُوَ الْبَهِيُّ الْأَهْيَبُ
22. وَاعْمَلْ لِطَاعَتِهِ تَتَلَّ مِنْهُ الرِّضَا \*\*\* إِنَّ الْمَطِيْعَ لِرَبِّهِ لَمُقَرَّبُ
23. فَاقْنَعْ فَنِي بَعْضِ الْقِنَاعَةِ رَاحَةً \*\*\* وَالْيَأْسُ مِمَّا فَاتَ فَهُوَ الْمَطْلَبُ
24. وَإِذَا طَمِعْتَ كُسَيْتَ تَوْبَ مَذَلَّةٍ \*\*\* فَلَقَدْ كُوسَى تَوْبَ الْمَذَلَّةِ أَشْعَبُ
25. وَتَوَقَّ مِنْ عَدْرِ النِّسَاءِ خِيَانَةً \*\*\* فَجَمِيعُهُنَّ مَكَانِدُ لَكَ تُنْصَبُ
26. لَا تَأْمَنِ الْأُنْثَى حَيَاتَكَ إِنَّهَا \*\*\* كَالْأَفْعَوَانِ يُرَاعُ مِنْهُ الْأَنْثَى
27. لَا تَأْمَنِ الْأُنْثَى زَمَانَكَ كُلَّهُ \*\*\* يَوْمًا وَلَوْ حَلَفْتَ يَمِينًا تَكْذِبُ
28. تُعْرِطِي حَدِيثَهَا وَكَلَامَهَا \*\*\* وَإِذَا سَطَتْ فَهِيَ التَّقِيلُ الْأَشْطَبُ
29. وَاللَّوْ عَدُوْكَ بِالتَّحِيَّةِ لَا تَكُنْ \*\*\* مِنْهُ زَمَانَكَ خَائِفًا تَتَرَقَّبُ

30. وَاحْذَرُهُ يَوْمًا إِنْ أَتَى لَكَ بِاسْمًا \*\*\* فَالَلَيْتُ يَبْدُو نَابَهُ إِذْ يَعْضَبُ
31. إِنْ الْحَقُودَ وَإِنْ تَقَادَمَ عَهْدُهُ \*\*\* فَالْحِقْدُ بَاقٍ فِي الصُّدُورِ مُغَيَّبُ
32. وَإِذَا الصَّدِيقُ رَأَيْتَهُ مُتَمَلِّقًا \*\*\* فَهُوَ الْعَدُوُّ وَحَقُّهُ يُجْتَنَّبُ
33. لَا خَيْرَ فِي وُدِّ امْرِئٍ مُتَمَلِّقٍ \*\*\* حُلُوِّ اللِّسَانِ وَقَلْبُهُ يَتَلَهَّبُ
34. يَلْقَاكَ يَحْلِفُ أَنَّهُ بِكَ وَاثِقٌ \*\*\* وَإِذَا تَوَارَى عَنْكَ فَهُوَ الْعَقْرَبُ
35. يُعْطِيكَ مِنْ طَرْفِ اللِّسَانِ حَلَاوَةً \*\*\* وَيَرْوَعُ مِنْكَ كَمَا يَرْوَعُ الثُّعْلَبُ
36. وَاحْتَرَّ قَرِينُكَ وَاصْطَفَيْهِ تَفَاخُرًا \*\*\* إِنْ الْقَرِينَ إِلَى الْمُقَارِنِ يُنْسَبُ
37. إِنْ الْغَنِيِّ مِنَ الرِّجَالِ مُكْرَمٌ \*\*\* وَتَرَاهُ يُرْجَى مَا لَدَيْهِ وَيُرْهَبُ
38. وَيُشُّ بِالترْحِيبِ عِنْدَ قُدُومِهِ \*\*\* وَيَقَامُ عِنْدَ سَلَامِهِ وَيُقَرَّبُ
39. وَالْفَقْرُ شَيْنٌ لِلرِّجَالِ فَإِنَّهُ \*\*\* يُزْرَى بِهِ الشَّهْمُ الْأَدِيبُ الْأَنْسَبُ

40. وَالْخَفِضُ جَنَاحَكَ لِلْأَقْرَبِ كُلِّهِمْ \*\*\* يَتَدَلَّلُ وَاسْمَحْ لَهُمْ إِنْ أَذْنَبُوا

41. وَدَعِ الْكَذُوبَ فَلَا يَكُنْ لَكَ صَاحِبًا \*\*\* إِنَّ الْكَذُوبَ لَيْسَ خِلَا يُصْحَبُ

42. وَذَرِ الْحَسُودَ وَلَوْ صَفَا لَكَ مَرَّةً \*\*\* أَبْعِدْهُ عَن رُؤْيَاكَ لَا يُسْتَجَلَبُ

43. وَزِنِ الْكَلَامَ إِذَا نَطَقْتَ وَلَا تَكُنْ \*\*\* تَرَثَارَةً فِي كُلِّ نَادٍ تَخْطُبُ

44. وَاحْفَظْ لِسَانَكَ وَاحْتَرِزْ مِنْ لَفْظِهِ \*\*\* فَالْمَرْءُ يَسْلَمُ بِاللِّسَانِ وَيَعْطَبُ

45. وَالسِّرَّ فَانْكُتْمُهُ وَلَا تَنْطِقْ بِهِ \*\*\* فَهُوَ الْأَسِيرُ لَدَيْكَ مَا لَا يُنْشَبُ

36. وَكَذَلِكَ سِرُّ الْمَرْءِ إِنْ لَمْ يَطْوِهِ \*\*\* نَشْرَتْهُ أَلْسِنَةٌ تَزِيدُ وَتَكْذِبُ

47. وَاحْرِضْ عَلَى حِفْضِ الْقُلُوبِ مِنَ الْأَذَى \*\*\* فَرُجُوعُهَا بَعْدَ التَّنَافُرِ يَصْعَبُ

48. إِنَّ الْقُلُوبَ إِذَا تَنَافَرَ وَدُهَا \*\*\* شَبَهُ الرُّجَاجَةَ كَسَرُهَا لَا يُشْعَبُ

49. لَا تَحْرِصَنَّ فَالْحَرِصُ لَيْسَ بِرَأْنِدٍ \*\*\* فِي الرَّرِّقِ بَلْ يُشْقِي الْحَرِيصَ وَيُتْعَبُ



50. وَيُظَلُّ مَلْهُوفاً يَرُومُ تَحِيلاً \*\*\* وَالرِّزْقُ لَيْسَ بِحِيلَةٍ يُسْتَجَلَبُ
51. كَمْ عاجز في الناسِ يُوتَى رِزْقُهُ \*\*\* رَغداً وَيُحَرِّمُ كَيْسٌ وَيُخَيِّبُ
52. أَدْ الأمانةَ وَالخِيانَةَ فَاجْتَنِبْ \*\*\* وَاغْدِلْ وَلَا تَطْلِمِ الْمَكْسَبُ
53. وَإِذا بُليتْ بِنَكْبَةٍ فَاصْبِرْ لَهَا \*\*\* مَنْ ذا رَأَيْتَ مُسَلِّماً لَا يُنْكَبُ
54. وَإِذا أَصابَكَ مِنْ زَمَانِكَ شِدَّةٌ \*\*\* وَأَصَابَكَ الحَظُّ الكَرِيهُ الأَصْعَبُ
55. فَادْعُ لِرَبِّكَ إِنَّهُ أَدْنَى لِمَنْ \*\*\* يَدْعُوهُ مِنْ حَبْلِ الوَرِيدِ وَأَقْرَبُ
56. كُنْ ما اسْتَطَعْتَ عَنِ الأَنامِ بِمَعزِلٍ \*\*\* إِنَّ الكَثِيرَ مِنَ الوَرى لا يُصْحَبُ
57. وَاجْعَلْ جَلِيسَكَ سَيِّداً تَحْظِي بِهِ \*\*\* حَبْرٌ لَيْبٌ عَاقِلٌ مُتَأَدِّبٌ
58. وَأَحْذَرْ مِنَ المَظْلُومِ سَهْماً صانِباً \*\*\* وَأَعْلَمْ بأنْ دِعاءُهُ لا يُحْجَبُ
59. وَإِذا رَأَيْتَ الرِّزْقَ ضائقَ بِبِلْدَةٍ \*\*\* وَحَشِيتَ فيها أَنْ يَضيقَ المَكْسَبُ

60. فَأَرْحَلُ فَأَرْضُ اللَّهُ وَاسِعَةَ الْفَضَا \*\*\* طَوَّلاً وَعَرَضاً شَرْقُهَا وَالْمَغْرِبُ

61. فَلَقَدْ نَصَحْتُكَ إِنْ قَبِلْتَ نَصِيحَتِي \*\*\* فَالنُّصْحُ أَعْلَى مَا يُبَاعُ وَيُوهَبُ

62. خُذْهَا إِلَيْكَ قَصِيدَةً مَنْظُومَةً \*\*\* جَاءَتْ كَنْظِمِ الدَّرِّ بَلْ هِيَ أَعْجَبُ

63. حِكْمٌ وَآدَابٌ وَجُلٌّ مَوَاعِظُ \*\*\* أَمْثَالُهَا لِدَوِي الْبَصَائِرِ تُكْتَبُ

64. فَاصْغَعْ لَوْعِظِ قَصِيدَةٍ أَوْلَاكَهَا \*\*\* طَوِّدِ الْعُلُومِ السَّامِيحَاتِ الْأَهْيَبُ

65. أَغْنِي عَالِيًّا وَابْنَ عَمِّ مُحَمَّدٍ \*\*\* مَنْ نَالَهُ الشَّرْفُ الرَّفِيعُ الْأَنْسَبُ

66. يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ \*\*\* عَدَدَ الْخَلَائِقِ حَصْرُهَا لَا يُحْسَبُ

زینب نامه

1- دوست پس از وصل، از پیمان خود سرپیچی کرد، زیرا رسم روزگار این است که بعد از رفع احتیاج رها می کند دوست را.

2- گیسوان سیاه خود را با ناز و کرشمه افشان کرد لیکن سر تو بسان سر شتر سفید شد.

3- چون با تو ملاقات کرد از نزدت، گریخت با آنکه بسیار دوستدار تو و از

ص: 126

- 4- آری، این گونه است وصل دوستان و خوبان، همچون سرابی در کویر و یا رعد و برقی بی باران.
- 5- نوجوانی و لذت هایش را رها کن که زمانش گذشته است، و زهد را پیشه خود کن.
- 6- جوانی رفت و بازگشتی ندارد و پیری از راه رسید و نم میتوان از دست او فرار کرد.
- 7- میهمان تازه رسیده ای آمده که فکرش را نمی کردی و برایش آماده نیستی و فقط افسوس و اشک چشم برایش داری.
- 8- نوجوانی و لذات و طراوت های او را از دست دادی، رهایش کن ای گنه کار و به پای گناهانت اشک بریز.
- 9- و بترس از روز حسابرسی، چون باید به جنایت هایی که مرتکب شده و در نامه اعمال نوشته شده جواب دهی.
- 10- اگر گناهانت را فراموش کرده ای، فرشتگان الهی آن را فراموش نکرده اند. و هنگامی که تو سرگرم گناه و لذت بودی، آنها همه چیز را نوشته اند.
- 11- جان و روح تو امانتی بود که خدا به تو داده بود، تو باید بر خلاف میلت امانت را باز پس دهی، و از تو خواهند گرفت.
- 12- دنیا تو را فریب می دهد و تو برای رسیدن به آن کوشش می کنی واقعاً این دنیا سرمایه ای رفتنی است.
- 13- آدمی شب و روز نفس میکشد و هر نفسی که می کشی تعدادش مشخص است و حسابرسی می شود.
- 14- و یقین بدان تمام ثروتی که با کوشش جمع آوری می کنی و به دست می آوری، بعد از مرگت (به وسیله وارث) غارت می شود.

- 15- هیچ خانه ای نیست، مگر اینکه آرامشش بر هم خورده و ساختمان محکمش به زودی ویران گردد .
- 16- این نصیحت را گوش کن؛ اندرزی را که یک آدم خردمند به تو می دهد، او به فرجام و پایان رسیده و می داند که دنیا چیست.
- 17- کسی که با آگاهی و بینایی دنیا را دیده است و زندگی کرده است و نتایج و عواقب کار را دیده، تو را نصیحت می کند.
- 18- این نصیحت و اندرز را به تو اهدا می کنم، پس پند گیر از این گفتار، زیرا ناصح تو پرهیزکار و هشیار است و با شیوایی حرفش را می زند.
- 19- در مقابل این دنیای گذران و مکار احساس امنیت نکن، زیرا این مکار خوی انسانی و فطرت الهی را از آدم می گیرد.
- 20- چنین است روزگار غدار که در گردشش شخصیت های عزتمند را خوار می کند.
- 21- به ریسمان تقوای الهی چنگ بزن تا کامیاب شوی که پرهیزکار، خوش چهره و خوشرو و پرهیبت است .
- 22- از آن یگانه و یکتا اطاعت نما تا رضایت او را به دست آوری، چون مطیع خالق نزد او مقرب است.
- 23- در زندگی خود قناعت پیشه باش تا راحت زندگی کنی، و یأس و پشیمانی از گذشته، اصل حرف است.
- 24- و بدان! آدم طمعکار لباس ذلت می پوشد و جز آدم نابکار و بی شخصیت این لباس را نمی پوشد .
- 25- و خود را از افتادن در دام زنان خیانتکار حفظ کن، همه آنها دام هایی هستند که در گذران زندگی و مسیر تو نهاده شده اند.

26- در زندگی ات احساس امنیت و دل‌بستگی به زن‌ها نداشته باش که چون اژدها، همه از نیش و زهر او می‌ترسند.

27- در همه عمرت و گذران زندگی ات، حتی یک روز نسبت به زنان احساس امنیت نکن، او حتماً سوگند وفاداری خود را می‌شکند.

28- او با چرب‌زبانی و گفتار نیکو و اظهار عشق تو را به دام می‌اندازد و چون عصبانی شود، خشن و تندخو و بی‌باک است.

29- هنگامه برخورد با دشمن سلام کن و همیشه از او ترسان و بیمناک نباش.

30- اگر روزی دشمن با لب‌خندان با تو برخورد کند، به هوش باش چون شیر وقتی عصبانی شود دندان بنماید.

31- از کینه‌توز بپرهیز، هر چند کینه‌اش کهنه باشد، زیرا کینه در درون دل پنهان باقی می‌ماند.

32- دوست چاپلوس دشمن تو است، و شایسته است که از او دوری و اجتناب نمایی.

33- در دست چاپلوس خیری نخواهی دید، زیرا او زبانی شیرین و قلبی پر از آتش کینه دارد.

34- هر زمان تو را ببیند قسم می‌خورد که مورد اطمینان است و در غیاب تو عقربی است که زهرش تو را نابود می‌کند.

35- با زبان حلاوت و شیرینی به تو می‌بخشد، و همچون روباه حيله‌گر به تو نیرنگ می‌زند.

36- دوستی و هم‌نشینی اختیار کن که به او مباحثات و افتخار کنی، زیرا شخصیت هر کس را با دوست او می‌سنجند.

37- ثروتمند را همه کس دوست دارد، زیرا هم از او می‌ترسند و هم امید یاری و بخشش از او دارند.

- 38- چون ثروت مند وارد جایی شود که شما نیز هستید، با روی خندان از او استقبال می کنند و هم به او درود و شادباش می گویند و هم پذیرای او هستند .
- 39- نداری مورد شرمساری مردان است و رادمرد فرهیخته را خوار می کند.
- 40- در مقابل فامیل و وابستگان فروتن باش و خود را ناچیز بدان و اگر تو را خوار کنند تو آنان را ببخش .
- 41- تا میتوانی از دروغ پرداز دوری کن و با او مصاحبت نداشته باش؛ زیرا بدترین همنشین، آدم دوست دروغگو است.
- 42- آدم حسود را اگر چه با صفا و صمیمیت با تو برخورد کند، رها کن؛ زیرا بدترین دوست، حسود است.
- 43- همیشه مواظب سخن گفتن خود باش و سخنان وزین بگو، پرچانه مباش که در هر انجمن و گروهی سخنگو باشی.
- 44- مواظب زبان خود باش و در سخنان و کلماتی که می گویی دقت کن، زیرا زبان هم آدمی را سربلند می کند و هم سر آدم را بالای دار می برد.
- 45- اسرار خود و مردم را فاش نکن زیرا اسرار اسیر تو است تا او را فاش نکرده ای و تو اسیر او هستی هنگامی که فاش شود.
- 46- راز آدمی پنهان است، اگر خود او را نگه ندارد زبان دیگران آن را فاش خواهد کرد آن هم با کم و زیاد کردن آن.
- 47- با اذیت خود دل کسی را مرنجان؛ زیرا اگر دل کسی از تو برنجد، نمی توان آن دلها را به دست آورد.
- 48- دلها مانند شیشه اند، اگر بشکنند دیگر پیوند نخواهد خورد و جبران نشوند .

- 49- هرگز در زندگی حرص بی مورد نزن، زیرا حرص بر روزی و مال نیفزاید و فقط شخص حریص را پیر و خسته می کند .
- 50- حریص پیوسته رنج می کشد و آه می کشد و فکر نمی کند که روزی انسان با نیرنگ و حرص افزایش نمی یابد.
- 51- بسا آدمهای ناتوان که روزی آنها زیاد و اموالشان فراوان است و چه بسیار آدمهای زیرک که ناکام و نا امید زندگی می کنند.
- 52- امانت نگه دار باش و از خیانت پرهیز کن و در زندگی عدالت را شعار خود قرار بده تا مال و زندگی پاک و آسوده ای داشته باشی .
- 53- وقتی گرفتار سختی شدی تحمل کن، آیا در این دنیا کسی را دیده ای که دنیا به کامش باشد و هیچ گونه گرفتاری نداشته باشد.
- 54- هرگاه از زمانه سختی پیش آید و یا به کار ناگوار و غمی و شکستی دچار شوی.
- 55- پروردگار خویش را بخوان، کسی که او را بخواند، او به افراد دردمند از رگ گردن نزدیک تر است .
- 56- تا می توانی گوشه گیر باش و از آدمهای گوناگون فاصله بگیر، چون خیلی از این مردم قابل دوستی و مصاحبت نیستند.
- 57- با بزرگان علم و ادب بنشین تا لذت ببری با دینداران، دانایان، خردمندان و فرهیختگان .
- 58- به کسی ظلم نکن زیرا تیر دعای مظلوم به هدف اصابت خواهد کرد و باید بدانی دعای مظلوم به خطا نمی رود.
- 59- اگر در شهرت زندگی بر تو سخت گرفت، و از کسادگی کسب و کارت ترسیدی .

60 - برای گشایش زندگی ات مهاجرت کن، زیرا زمین خداوند وسیع است، از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب .

61- تو را نصیحت کردم و پندت دادم و اگر با همه وجودت بپذیری، نصیحت ارزشمندترین چیزی است که فروخته یا بخشیده می شود.

62- این قصیده منظوم را بگیر که همچون گوهری زیبا و حتی برتر از آن است.

63- این کلمات سراسر حکمت و آداب زندگی و تمام راهنمایی ها، برای انسانهای آگاه نوشته شده است.

64 - امید که گوش تو شنونده موعظه ای باشد که کوه با شکوه علمها و دانشها بر تو ارزانی داشته است .

65- منظور من از کوه علی پسر عموی پیامبر است، او که به پایگاه بلند و برترینی که شایسته آن است رسیده است.

66 - پروردگارا درودت را بر پیامبر و آل او بفرست؛ به تعداد شمار آفریدگانت که قابل شمارش و احصاء نیستند.

#### 84. ملاک ارزش

1. لَعَمْرُكَ مَا الْإِنْسَانُ إِلَّا بَدِينِهِ \*\*\* فَلَا تَتْرِكِ التَّقْوَى اتِّكَالًا عَلَى النَّسَبِ

2. فَقَدْ رَفَعَ الْإِسْلَامُ سَلْمَانَ فَارِسَ \*\*\* وَقَدْ وَضَعَ الشِّرْكَ الشَّرِيفَ أَبَا لَهَبٍ

ص: 132



- 1- سوگند به خدا که ارزش هر انسانی به تقوا و دین او است، پس با تکیه بر نسب و نیاکان، تقوا را رها نکن!
- 2- اسلام سلمان فارسی را از بلند پایه ترین پایه های عربی بالا برد، و ابوجهل را به پایین ترین ارزشها تنزل داد.

### 85. جدا شدن برای مال

1. تَرَكْتَ نِسَاءَ الْحَيِّ بَكْرِ بْنِ وَاثِلٍ \*\*\* وَأَعْتَقْتَ سَبِيًّا مِنْ لُؤْيِي بْنِ غَالِبٍ

2. وَفَارَقْتَ خَيْرَ النَّاسِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ \*\*\* لِمَالٍ قَلِيلٍ لَا مُحَالَةَ ذَاهِبٍ

جدا شدن برای مال

- 1- زنان قبیله بکر ابن واثل را نادیده گرفته ای، و اسیرانی از طائفه لوی ابن غالب را آزاد کرده ای.
- 2- از انسان والایی که پس از پیامبر بهترین است، بریده ای برای پول اندکی که بی تردید خرج می شود و از بین می رود.

### 86. پس از فرود آمدن معاویه در صفین فرمود:

لَقَدْ أَتَاكُمْ كَاشِرًا عَنْ نَابِهِ \*\*\* يُهَمُّطُ النَّاسَ عَلَى اغْتِرَابِهِ

فَلْيَأْتِنَا الدَّهْرُ بِمَا آتَى بِهِ

پس از فرود آمدن معاویه در صفین فرمود:

اونیش خود را تیز کرده و بر اساس خواسته غیر حق خود و ستم به مردم راهی صفین شده است.

ای روزگار هر چه میخواهی پیش آری بیار!

### 87. در جنگ صفین بعد از هویدا شدن عمرو و عاص

1. ضَرْبٌ ثَمَى الْأَبْطَالِ فِي الْمَشَاغِبِ \*\*\* ضَرْبَ الْغُلَامِ الْبَطَلِ الْمَلَاعِبِ

2. إِبْنُ الصَّرَابِ فِي الْعَجَاجِ الثَّائِبِ \*\*\* حِينَ أَحْمَرِ الْحَدَقِ الثَّوَابِ

3. بِالسَّيْفِ فِي نَهْهَةِ الْكَتَائِبِ \*\*\* وَالصَّبْرِ فِيهِ الْحَمْدُ لِلْعَوَاقِبِ

در جنگ صفین بعد از هویدا شدن عمرو و عاص

1- اینک زخمی که پاره پاره می کند جنگجویان فتنه گر را، آن هم به دست جوانمردی دلیر که این جنگ برای او یک بازی است .

2- این جوان فرزند جنگ است ، در طوفان و غبارهای توفنده؛ هنگامه ای که در اثر جنگ و عصبانیت، چشم ها سرخ می شوند.

3- زخمی با شمشیر که نیروهای دشمن را ضعیف و متوقف می کند، برای یک پایداری و پیروزی ماندگار.

### 88. رجز خوانی مولا در جنگ حنین در مقابل طلحه عبدری

أَنَا ابْنُ ذِي الْحَوْضَيْنِ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ \*\*\* وَهَاشِمِ الْمُطْعِمِ فِي الْعَامِ السَّغْبِ

أُوفِي بِمِيعَادِي وَأَحْمِي عَنْ حَسْبِ

ص: 134

رجز خوانی مولا در جنگ حنین در مقابل طلحه عبدری

من فرزند عبدالمطلب، دارنده دو چاه آب آشامیدنی برای زائران مکه، و فرزند هاشم سیرکننده گرسنگان بینوا در خشکسالی ام.  
بر سر پیمان وفاداری خویش به رسول خدا ایستاده ام و از خاندان و قبیله ام پاسداری می کنم.

### 89. گذر روزگار

1. قَدْ رَأَيْتُ الْقُرُونَ كَيْفَ تَقَانَتْ \*\*\* دَرَسَتْ ثُمَّ قِيلَ كَانِ وَكَانَتْ

2. هِيَ دُنْيَا كَحَيَّةٍ تَنْقُثُ السَّمَّ \*\*\* وَإِنْ كَانَتْ الْمَجْسَهُ لَانَتْ

3. كَمْ أُمُورٍ لَقَدْ تَشَدَّدَتْ فِيهَا \*\*\* ثُمَّ هَوَّنَتْهَا عَلَيَّ فَهَانَتْ

گذر روزگار

1- گذران دنیا را دیدم که چگونه همه چیز فانی می شود، نوها کهنه می شود و آن گونه که گفته شد، بودها نابود می شود.

2- دنیا مثل ماری است که زهر در کام افراد می ریزد؛ با آنکه بسیار نرم و خوش خط و خال است.

3- چه بسا کارهایی که آنها را سخت گرفتیم، و پس از برخورد، آن را آسان گرفتیم و آسان شد.

\*\*\*

ص: 135

## 90. دنیا چگونه است

1. إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ \*\*\* لَيْسَ لِلدُّنْيَا ثُبُوتٌ

2. إِنَّمَا الدُّنْيَا كَبَيْتٍ \*\*\* نَسَجَتْهُ الْعَنْكَبُوتُ

3. وَلَقَدْ يَكْفِيكَ مِنْهَا \*\*\* أَيُّهَا الطَّالِبُ قُوْتُ

4. وَلَعَمْرِي عَنْ قَلِيلٍ \*\*\* كُلُّ مَنْ فِيهَا يَمُوتُ

دنیا چگونه است

1- دنیا به نیستی ختم می شود و پایدار نمی ماند.

2- دنیا مثل خانه ای است که عنکبوت تنیده است و با کوچک ترین حادثه خراب می شود.

3- آنچه که نصیب تو است کم یا زیاد، کافی است و زیاده طلبی نکن .

4- سوگند به جانم، پس از مدت کوتاهی هر چه در جهان است از بین می رود.

## 91. باز هم چهره دنیا

1. أَلَمْ تَرَ أَنَّ الدَّهْرَ يَوْمٌ وَلَيْلَةٌ \*\*\* يَكُرَّانِ مِنْ سَبْتٍ جَدِيدٍ إِلَى سَبْتٍ

2. فَقُلْ لِجَدِيدِ الثَّوْبِ لَا بُدَّ مِنْ بَلَى \*\*\* وَقُلْ لِاجْتِمَاعِ الشَّمْلِ لَا بُدَّ مِنْ شَتِّ

باز هم چهره دنیا

1- روزگار روزی است و شبی است که تکرار می شود و از شنبه ای به شنبه دیگر می رسد.

ص: 136

2- به افرادی که جامه و لوازم زندگی خود را نو می کنند بگو! باز هم نوها کهنه می شود و به گروه های اجتماعی و خانوادگی بگو این اجتماع پراکنده خواهد شد.

## 92. تواضع

1. حقیق بالتواضع مَنْ يَمُوتُ \*\*\* وَيَكْفِي الْمَرْءَ مِنْ دُنْيَاهُ قُوْتُ

2. فَمَا لِلْمَرْءِ يُصْبِحُ ذَا هُمُومٍ \*\*\* وَحِرْصٍ لَيْسَ تُدْرِكُهُ النُّعُوتُ

2. صَنِيعُ مَلِيكِنَا حَسَنٌ جَمِيلٌ \*\*\* وَمَا أَرْزَاقُنَا عَنَّا تَقُوْتُ

4. فَيَا هَذَا سَتَرَ حَلٍّ عَنِ قَرِيبٍ \*\*\* إِلَى قَوْمٍ كَلَامُهُمْ سُكُوتُ

### تواضع

1- شایسته است کسی که مرگ را می بیند تواضع و فروتنی کند و تصوّر نکند از دیگران برتر است. و از این دنیای رنگارنگ لقمه ای برای انسان کافی است .

2- به آدم ها بگو! چرا آنقدر غصه زندگی را دارید و حرص می خورید که قابل وصف نیست .

3- خلقت خدا نیکو و زیبا است و روزی ما تضمین شده است و قطع نخواهد شد .

4- ای انسان به زودی بارت از ثواب یا گناه بسته می شود و به سوی گذشتگانی خواهی رفت که از سخن گفتن محرومند.

### 93. و نیز همین مطلب

1. قَدْ كُنْتُ مَيْتًا فَصَبِرْتُ حَيًّا\*\*\* وَعَنْ قَلِيلٍ تَصِيرُ مَيْتًا

2. عَزَّ بِدَارِ الْفَنَاءِ بَيْتٌ \*\*\* فَأَبْنِ لِدَارِ الْبَقَاءِ بَيْتًا

و نیز همین مطلب

1- مرده ای بودی، که یکباره زنده شدی و به زودی نیز خواهی مرد.

2- در سرزمین نیستی خانه ای ساختی. پس تا اینجا هستی برای سرزمین بقا بساز.

### 94. قناعت

01 بَيْتٌ وَتَوْبٌ وَقُوْتُ يَوْمٍ \*\*\* يَكْفِي لِمَنْ فِي غَدٍ يَمُوتُ

2. وَرَبِّمَا مَاتَ نِصْفَ يَوْمٍ \*\*\* وَالنِّصْفُ مِنْ قُوَّتِهِ يَقُوتُ

قناعت

1- تنها خانه ای و لباسی و لقمه نانی برای کسی که فردا می میرد کافی است.

2- بسا انسان که یک نیم روز زندگی می کند و برای نصف دوم، روزیش قطع می شود.

### 95. و باز قناعت

1. بَيْتٌ يُوَارِي الْفَتَى وَتَوْبٌ \*\*\* يَسْتُرُ مِنْ عَوْرَةِ وَقُوْتُ

2. هَذَا بِلَاغٍ لِمَنْ تَحَيَّى \*\*\* وَذَا كَثِيرٌ لِمَنْ يَمُوتُ

ص: 138

1- سر پناهی که مرد در آن زندگی کند و لباسی که شرمگاهش را بپوشاند و لقمه ای که سیرش کند برای انسان کافی است .

2- آنکه زندگی میکند همین برایش بس است و آنکه می میرد همین برایش زیاد است.

### 96. و باز در قناعت

يَا أَيُّهَا ذَا الطَّالِبِ الْمَبْهُوتُ \*\*\* حَسْبُكَ مِمَّا تَبْتَغِيهِ قُوْتُ

مَا أَكْثَرَ الْقُوْتَ لِمَنْ يَمُوْتُ

و باز در قناعت

ای جویای سرگشته! چرا حیرانی، چه می خواهی، غذایی که می خوری تو را بس .

و این غذا که میخوری برای انسانی که خواهد مرد کافی است.

### 97. صبر در برابر لذتها

1. صَبَرْتُ عَنْ اللذَاتِ لَمَّا تَوَلَّيْتُ \*\*\* وَالزَّمْتُ نَفْسِي صَبْرَهَا فَاسْتَمَرَّتْ

2. وَمَا الْمَرْءُ إِلَّا حَيْثُ يَجْعَلُ نَفْسَهُ \*\*\* فَإِنْ أُطِمِعَتْ تَأَقَّتْ وَإِلَّا تَسَلَّتْ

صبر در برابر لذتها

1- لذت ها و خوشی هایی داشتم که سرم را گرم می کرد، اکنون آن لذتها وجود ندارد. لذا بر خویش واجب کرده ام که هیچ گاه در این

اندیشه نباشم.

2- انسان میتواند نفس خود را الزام کند و آن گونه که می خواهد تربیت کند، اگر خویش را رها کند نفس میخواهد و اگر جلوی خواسته های نفس را

بگیرد نفس آرام میگیرد

## 98. یک خواسته و یک نگاه

1. أَقُولُ لِعَيْنِي إِحْسِي اللحظاتِ \*\*\* وَلَا تَنْظُرِي يَا عَيْنُ بِالسَّرِقَاتِ

2. فَكَمْ نَظْرَةً قَادَتْ إِلَى الْقَلْبِ شَهْوَةً \*\*\* فَأَصْبَحَ مِنْهَا الْقَلْبُ فِي حَسْرَاتِ

یک خواسته و یک نگاه

1- به چشمانم می گویم همه جا را نگاه نکن و تصور نکن کسی دزدی دیدنت را نمی داند .

2- چه بسیار نگاهی که شهوت را بر جانت افکند و دل برای رسیدن به خواسته و یا نرسیدن افسوس خورد، اگر به هدف برسد پشیمان گستاخی است و اگر نرسد پشیمان ناکامی است.

نکته:

ز دست و دیده و دل هر دو فریاد \*\*\* هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد \*\*\* زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

ص: 140



## 99. در برابر سختی ها خود را مبارز

- 1 خَلِيلِي لَا وَاللَّهِ مَا مِنْ مُلِمَّةٍ \*\*\* تَدُومُ عَلَيَّ حَيًّا وَإِنْ هِيَ جَلَّتْ
2. فَإِنْ نَزَلَتْ يَوْمًا فَلَا تَخْضَعْنَ لَهَا \*\*\* وَلَا تُكْثِرِ الشُّكُوى إِذَا التَّعَلُّ زَلَّتْ
3. فَكَمْ مِنْ كَرِيمٍ يُبْتَلَى بِنَوَائِبٍ \*\*\* فَصَابِرَهَا حَتَّى مَضَتْ وَاضْمَحَلَّتْ

در برابر سختی ها خود را مبارز

- 1- ای یاران و دوستان! تمام مشکلات هر چند سخت و ناگوار، در زندگی آدم های زنده، پایدار نخواهد ماند.
- 2- و اگر در زمانی خفّاش سختی ها بر تو فرود آید، در مقابل آن خود را خوار نکن و با گلایه از آن پایت نلغزد.
- 3- چه انسان های بزرگی که گرفتاری های سختی برایشان به وجود آمد و با صبر و گذشت زمان آن سختی را از بین بردند.

## 100. آدم پر حرف ناگزیر لو میرود

1. إِنَّ الْقَلِيلَ مِنَ الْكَلَامِ بِأَهْلِهِ \*\*\* حَسَنٌ وَإِنَّ كَثِيرَهُ مَمْقُوتٌ
2. مَا زَلُّ ذُو صَمْتٍ وَمَا مِنْ مُكْثِرٍ \*\*\* إِلَّا يَزِلُّ وَمَا يُعَابُ صَمُوتٌ
3. إِنْ كَانَ يَنْطِقُ نَاطِقٌ مِنْ فَضَّةٍ \*\*\* فَالْصَّمْتُ دُرٌّ زَانَهُ يَأْقُوتُ

ص: 141

آدم پر حرف ناگزیر لو می رود

1- کم حرف زدن به مرد ارزش می دهد و مردم از آدم پرگو بیزارند.

2- هیچ آدم آرام و ساکتی نیست که بلغزد، و هیچ آدم پر حرفی نیست جز آنکه بلغزد، و بر خاموشان عیب نگیرند.

3- گویند اگر سخن نقره می باشد سکوت و خاموشی گوهری است که با یاقوت آراسته شده است.

### 101. زنده ای که مرده و مرده ای که زنده است

قَدْ مَاتَ قَوْمٌ وَمَا مَاتَتْ مَكَارِمُهُمْ \*\*\* وَعَاشَ قَوْمٌ وَهُمْ فِينَا كَأَمْوَاتِ

زنده ای که مرده و مرده ای که زنده است

انسان هایی هستند که مرده اند ولی خوبی ها و آثار مثبت آنان نمرده است، و مردمی که زنده اند ولی مزد ما از مردگانند، زیرا اثر وجودی در جامعه نداشته اند .

نکته:

سعیدیا مردم نکونام نمیرد هرگز \*\*\* مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

\*\*\*

زنده جاوید کیست کشته شمشیر عشق \*\*\* آب حیات وجود در دم شمشیر اوست

\*\*\*

ص: 142

## 102. در عزای پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)

1. نَفْسِي عَلَى زَفْرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ \*\*\* يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفْرَاتِ

2. لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَإِنَّمَا \*\*\* أَبْكِي مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي

در عزای پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)

1- جانم با ناله های سوزان پیوند خورده، ای کاش جان هم با آن ناله ها بیرون آید.

2- بعد از تو ای رسول خدا خیری در این زندگی نیست، برای این گریه می کنم که عمرم طولانی شود و فراق تو قلبم را دائماً بسوزاند.

1. هَلْ يَدْفَعُ الدَّرْعُ الْحَصِينَ مَنِيَّةً \*\*\* يَوْمًا إِذَا حَصَرَتْ لَوْقَتِ مَمَاتِ

2. إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ مُجْمَعٍ \*\*\* يَوْمًا يُؤُولُ لِفُرْقَةٍ وَشَتَاتِ

3. يَا أَيُّهَا الدَّاعِي التَّذِيرُ وَمَنْ بِهِ \*\*\* كَشَفَ الْإِلَهَ رَوَاكِدَ الظُّلُمَاتِ

2. أَطْلِقْ فَدَيْتُكَ لِابْنِ عَمِّكَ أَمْرَهُ \*\*\* وَأَرْمِ عُدَاتَكَ عَنْهُ بِالْجَمَرَاتِ

5. فَالْمَوْتُ حَقٌّ وَالْمَنِيَّةُ شَرْبَةٌ \*\*\* تَأْتِي إِلَيْهِ فَبَادَرَ الزَّكَاةِ

از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) اجازه رزم می خواهد

1- هنگامی که مرگ برسد آیا زره محکم و استوار میتواند جلوی مرگ را بگیرد؟

2- من به خوبی می دانم هر جمعی روزی از هم جدا شده و پراکنده خواهند شد.

3- ای آنکه انسان ها را به سوی خدا دعوت و به آنها اعلام خطر می کنی و ای کسی که تاریکی های انباشته و متراکم را برطرف می کنی .

4- فدایت گردم، پسر عمومی خویش را راهنمایی کن و دشمنانت را خود با پرتاب سنگ از او بازدار.

5- مرگ حق است و مردن شربتی است آشامیدنی که باید آن را نوشید و به کارهایی دست زد که طهارت و پاکی در پی داشته باشد.

#### 104. تهدید دشمن در صفین

1. یا جامعاً لِشَمْلِهِ سَاعَاتُهُ \*\*\* وَدَنْتُ مَنِئْتُهُ وَحَانَ وَفَاتُهُ

2. إِزْجِعْ فَإِنِّي عِنْدَ مُخْتَلَفِ الْقَنَا \*\*\* لَيْتُ يَكْرُ عَلَى الْعِدَى جُرْأَتُهُ

تهدید دشمن در صفین

1- ای کسی که کمر بستگی تا وارد نبرد شوی ای کسی که مرگت فرارسیده و مردنت نزدیک است.

2- بازگرد که من هنگام نبرد نیزه ها شیری هستم که بر دشمنان دلیر خود حمله می کنم.

#### 105. به یاران خود در صفین فرمود

1. دُبُوا دَيْبَ النَّمْلِ لَا تَفُوتُوا \*\*\* وَأَصْبِحُوا فِي حَرِّكُمْ وَبَيْتُوا

2. كَيْ مَا تَنَالُوا الدِّينَ أَوْ تَمُوتُوا \*\*\* أَوْ لَا فَإِنِّي طَالَ مَا عَصَيْتُ

3. قَدْ قُلْتُمْ لَوْ جِئْنَا فَجِئْتُ \*\*\* لَيْسَ لَكُمْ مَا سِئْتُمْ وَشِئْتُ

بَلْ مَا يُرِيدُ الْمَحِييُ الْمُمِيتُ

ص: 144

به یاران خود در صفین فرمود

1- هم چون مورچگان در همه جا پراکنده شوید و خیلی دور نروید و شب و روز جنگ را ادامه دهید.

2- با این روش یا دین را احیا می کنید یا به دیدار خدای متعال خواهید رسید و یا مرا نافرمانی می کنید، که این امر سابقه دارد.

3- گفتید ای کاش پیش شما می آمدم که آمدم. و فرجام کار در دست توانای رازدار است و عاقبت امر آن نیست که من و شما خواستاریم.

بلکه عاقبت در دست کسی است که زنده میکند و می میراند.

### 106. گشایش پس از سختی

1. إِذَا التَّائِبَاتُ بَلَغْنَ الْمَدَى \*\*\* وَكَادَتْ تَدُوبُ لَهُنَّ الْمُهَج

2. وَحَلَّ الْبَلَاءُ وَبَانَ الْعِزَاءُ \*\*\* فَعِنْدَ التَّنَاهِي يَكُونُ الْفَرَج

گشایش پس از سختی

1- هرگاه سختی ها به اوج خود رسند، و جان ها به خاطر آن سختی ها آب گردد،

2- و درد و غم فرود آید و خوشی ها و لذات رخت بریندد، و چون گره مشکلات باز شده، پیروزی از راه می رسد.

ص: 145

1. لَيْنَ كُنْتَ مُحْتَاجًا إِلَى الْعِلْمِ إِنِّي \*\*\* إِلَى الْجَهْلِ فِي بَعْضِ الْأَحْيَانِ أَخْوَجُ

2. وَلِي فَرَسٌ لِلْعِلْمِ بِالْعِلْمِ مُلْجَمٌ \*\*\* وَلِي فَرَسٌ لِلْجَهْلِ بِالْجَهْلِ مُسْرَجٌ

3. فَمَنْ شَاءَ تَقْوِيْمِي فَإِنِّي مُقَوِّمٌ \*\*\* وَمَنْ شَاءَ تَغْوِيْجِي فَإِنِّي مُعَوِّجٌ

4. وَبِالْجَهْلِ لَا أَرْضَى وَلَا هُوَ شِيْمَتِي \*\*\* وَلَكِنِّي أَرْضَى بِهِ حِينَ أَخْوَجُ

5. فَإِنْ قَالَ بَعْضُ النَّاسِ فِيهِ سَمَاجَةٌ \*\*\* فَقَدْ صَدَقُوا وَالذُّلُّ بِالْحُرِّ أَسْمَجٌ

6. أَلَا زُبْمَا ضَاقَ الْفَضَاءُ بِأَهْلِهِ \*\*\* وَأَمَكَنَ مَا بَيْنَ الْأَسِنَّةِ مَخْرَجٌ

گاهی خود را به نادانی بزن

1- اگر چه نیازمند علم هستم ، اما گاهی هم به نادانی نیاز دارم .

2- مرا اسبی است از علم و دانش که به دانش لگام زده شده، و نیز اسبی از نادانی و جهل که به نادانی زین شده .

3- هر کس که مرا راست خواهد، من با راستی با او برخورد می کنم، و هر کس مرا کج بخواهد، من نیز کج خواهم بود( هر کس با تو راست باشد، تو نیز باید با او راست باشی، و برعکس هر که ناراست باشد تو نیز آنچنان باش )

4- من به نادانی خشنود نیستم ، و نادانی طینت من نیست، لیکن در موقع نیاز، آن گونه خواهم بود.

5- اگر بعضی از مردم مرا به گستاخی متهم می کنند، آنها حرف راستی می زنند چون ذلت از آزادگان دور است.

6- توجه داشته باشید گاهی زمین با این وسعت، برای ساکنان آن تنگ می شود که تنها راه، عبور از میان نیزه های دشمن است.

## 108. پیش به سوی رزم و شهادت

- 1 قَرِيبِي ذَا الْفِقَارِ فَاطِمُ مِنِّي \*\*\* فَأَخِي السَّيْفُ كُلُّ يَوْمٍ هِيَاج
2. قَرِيبِي الصَّارِمَ الْحُسَامَ فَإِنِّي \*\*\* رَاكِبٌ فِي الرَّجَالِ نَحْوَ الْهِيَاج
3. وَرَدَ الْيَوْمَ نَاصِحًا يُنذِرُ النَّا \*\*\* سَ جُيُوسٌ كَالْبَحْرِ ذِي الْأَمْوَاج
4. وَرَدُّوا مُسْرِعِينَ يَبْعُونَ قَتْلِي \*\*\* وَأَبِيكَ الْمَحْبُوبَ بِالْمَعْرَاج
5. وَخَرَابِ الْأَوْطَانِ وَقَتْلِ النَّا \*\*\* سِ وَكُلِّ إِذَا أَصْبَحَ لَاج
6. سَوْفَ أَرْضِي الْمَلِيكَ بِالضَّرْبِ \*\*\* مَا عِشْتُ إِلَى أَنْ أَنْالَ مَا أَنَا رَاج
- 7- مِنْ طُهورِ الْإِسْلَامِ أَوْ يَأْتِي الْمَو \*\*\* تُتْ شَهِيدًا مِنْ شَاخِبِ الْأَوْدَاج

پیش به سوی رزم و شهادت

- 1- همسر من! فاطمه ذو الفقار شمشیر مرا بیاور چرا که شمشیر برادر من در روز جنگ است.
- 2- آن شمشیر برنده و تیز را بیاور که باید با مردانی که به سوی میدان جنگ می روند بروم، تا با آن به شترهای مست حمله کنم.
- 3- امروز لشکریانی همچون موج دریا، نیک خواهی را که به مردم اعلام خطر می کند تهدید می کنند (و قصد نابودی اسلام را دارند)
- 4- سوگند به پدرت که به معراج رفته است، آنها با شتاب آمده اند، و به فکر کشتن من هستند.
- 5- آنان در اندیشه ویرانی آبادی ها، و کشتن مردم هستند و همه مردم به تنگ آمده، به من پناه آورده اند.

ص: 147

6- به زودی با جنگیدنم و شمشیر زدنم، مالک هستی را از خویش راضی می کنم، تا خود به آنچه امید دارم برسم.

7- آرزوی من این است که اسلام پیروز گردد یا مرگ فرارسد و رگ های گردن قطع شود و شهید شوم.

نکته:

هدف و آرزوی علی در جنگ

اول: هماهنگی با همسر و توجیه او برای رفتن به جنگ

دوم: آماده کردن بهترین اسلحه جنگی تا در جنگ فاتح شود.

سوم: رفتن به جنگ با همزمان صادق و مؤمن.

چهارم: ایستادن در مقابل تهدید دشمن.

پنجم: دفاع از ارزشها و اسلام.

ششم: هدف دشمن ویرانی مملکت و شهر و محل سکونت و نابودی اسلام است و باید با او درگیر شد.

هفتم: مولا فرمود برای رضای خدا به جنگ می روم، نه رضایت کسی دیگر.

هشتم: برای فراهم شدن بستر آزادی مردم.

نهم: هدف نهایی فقط پیروزی اسلام.

## 109. نارقیقان

1. كُلُّ خَلِيلٍ لِي خَالَتُهُ \*\*\* لَا تَرَكَ اللَّهُ لَهُ وَاضِحَهُ

2. فَكُلُّهُمْ أَرَوْعٌ مِنْ ثَعْلَبٍ \*\*\* مَا أَشْبَهَ اللَّيْلَةَ بِالْبَارِحَةِ

ص: 148



با هر کس که رفيق شدم و دوستی کردم (با من ناسازگاری کرد) خداوند خنده ای برای او نگذارد.

2- همه آنها فريبکارتر از روباه بودند، آری اوضاع چنین است که تشخيص شب و صبحگاه بسيار دشوار است.

### 110. انتخاب دوست صالح

1. إِصْحَبُ خِيَارِ النَّاسِ تَجُّ مُسْلِمًا \*\*\* وَمَنْ صَحِبَ الْأَشْرَارَ يَوْمًا سَيُجْرَحُ

2. وَإِيَّاكَ يَوْمًا أَنْ تُمَارَحَ جَاهِلًا \*\*\* فَتَلْقَى الَّذِي لَا تَشْتَهِي حِينَ تَمْرَحُ

3. وَلَا تَكُ عَرِيضًا تُشَاتِمُ مَنْ دَنَا \*\*\* فَتُشْبِهَ كَلْبًا بِالسَّفَاهَةِ يُنْبَحُ

4. إِذَا مَا كَرِيمٌ جَاءَ يَطْلُبُ حَاجَةً \*\*\* فَقُلْ قَوْلَ حُرِّ مَا جِدِ يَتَسَمَّحُ

5. فَبِالرَّأْسِ وَالْعَيْنَيْنِ مَنِّي فَضَاؤُهَا \*\*\* وَمَنْ يَشْتَرِي حَمْدَ الرَّجَالِ سَيَرِيحُ

### انتخاب دوست صالح

1- با افراد سالم و صالح رفاقت کن تا دين و دنيايت سالم بماند و کسی که با اشرار دوستی کند از آنها زخم خواهد خورد و دنيا و آخرتش به خطر می افتد.

2- هشدار می دهم که هرگز با نادان شوخی نکن، زیرا از او عکس العملی خواهی دید که خوست نیاید.

3- روحیه تعرض را در خود بمیران، آن گونه نباش که هر کس به تو نزدیک شود او را شماتت کنی که در این صورت شبیه سگی خواهی بود که از

روی نادانی پارس می کند .

4- هرگاه فرد سخاوتمندی پیش تو آید و درخواستی داشته باشد، همانند بزرگواران آزاده پاسخ شایسته به او بده.

5- نه تنها با زبان که با سر و چشمت بگو کارت را انجام خواهیم داد و کسی که ستایش مردان را بخرد، حتماً از کار خداپسندانه خود سود خواهد بود.

نکته :

شرایط گزینش دوست

1- با بهترین و خوش اخلاق ترین و پاکترین دوست شو.

2- با آدم های شرور رفاقت نکن.

3- با دروغ گوها رفاقت نکن.

4- با نادان دوستی نکن .

5- با نادان شوخی نکن .

6- با آدم های ماجراجو معاشرت نکن .

7- با آدم های ستیزگر دوستی نکن.

8- با آدم های سفیه دوستی نکن.

9- در نهایت روح تعرض و پرخاشگری را در وجودت بمیران.

### 111. نرمخویی

الرَّفْقُ يُمْنٌ وَالْأَنَانَةُ سَعَادَةٌ \*\*\* فَتَأَنَّ فِي أَمْرِ تُلَاقِ نَجَاحًا

نرمخویی

نرمی و نرمخویی خجسته است و شکیبایی و ملایمت سعادت آفرین، به هر حال در هر کاری آرام باش تا پیروزی به دست آوری.

ص: 150

## 112. افشاء اسرار

1. فَلَا تُفْشِ سِرَّكَ إِلَّا إِلَيْكَ \*\*\* فَإِنَّ لِكُلِّ نَصِيحٍ نَصِيحًا

2. فَإِنِّي رَأَيْتُ غَوَاةَ الرَّجَا \*\*\* لَ لَا يَتْرُكُونَ أَدِيمًا صَحِيحًا

افشاء اسرار

1- اسرار را جز برای خودت فاش مکن، که چون هر رفیقی، رفیقی دارد و در نهایت اسرار دست به دست می‌گردد.

2- مردان گمراهی را دیده‌ام که آبرویی درست برای خود به جا نگذاشته‌اند.

نکته:

سعی کن اسرار زندگی خویش را پیش کسی بازگو نکنی، حتی پیش خانواده ات، چون ممکن است با عوض شدن فضای زندگی اسرار فاش شود و آبروریزی شود.

و اگر روزی خواستی اسرار را فاش کنی و بگویی، بهترین امین خودت هستی پس اسرار را به خودت بگو، تا هم تسلاهی خاطرت شود و هم اسرار حفظ شود.

## 113. فرصت را غنیمت شمار

1. اِغْتَبِرْ رُكْعَتَيْنِ زُلْفَى إِلَى اللّٰهِ \*\*\* هِ إِذَا كُنْتَ فَارِعًا مُّسْتَرِيحًا

2. وَإِذَا هَمَّتْ بِالْقَوْلِ فِي الْبَا \*\*\* طِلِّ فَاجْعَلْ مَكَانَهُ التَّسْبِيحًا

فرصت را غنیمت شمار

1- هرگاه بیکار و آسوده بودی و فکرت جایی نبود دو رکعت نماز برای

ص: 151

نزدیک شدن به خدا بخوان.

2- هر زمان که خواستی حرفی بیجا، بزنی آن را رها کن و به جای آن خدا را تسبیح گوی .

### 114. لیلۃ الہریر در صفین

1. أَلَّيْلُ دَاجٍ وَالْكَبَاشُ تَنْتَطِحُ \*\*\* نِطَاحُ أُسْدٍ مَا أَرَاهَا تَصْطَلِحُ

2. أُسْدٌ عَرِينٌ فِي الْفَقَاءِ قَدْ مَرِحَ \*\*\* مِنْهَا نِيَامٌ وَفَرِيْقٌ مُنْبَطِحُ

فَمَنْ نَجَا بِرَأْسِهِ فَقَدْ رَجَحَ

لیله الہریر در صفین

1- شب تاریک است و جنگجویان چون قوچ ها شاخ در هم می کنند و یکدیگر را بر زمین می افکنند و سر آشتی و صلح ندارند.

2- شیران بیشه اند و همه بر خویش افتخار و مباهات می کنند، بعضی در حال خواب و برخی به رو افتاده اند.

هرکس در این کار و زار، سر خویش را به سلامت حفظ کند سود برده است.

### 115. ازدواج رستگاری است

أَفْلَحَ مَنْ كَانَتْ لَهُ مَرْحَةٌ \*\*\* يَزُحُّهَا ثُمَّ يَنَامُ الْفَحَّةُ

ازدواج رستگاری است

رستگار است کسی که همسری دارد و آئین همسر داری را به جا بیاورد، سپس به خوابی ژرف و راحت برود .

ص: 152

1. عَلَيْكَ بِبِرِّ الْوَالِدَيْنِ كِلَيْهِمَا \*\*\* وَبِرِّ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَبِرِّ الْأَبَاعِدِ
2. وَلَا تَصْحَبَنَّ إِلَّا تَقِيًّا مُّهْدَبًا \*\*\* عَفِيفًا زَكِيًّا مُنْجِزًا لِلْمَوَاعِدِ
3. وَقَارِنِ إِذَا قَارَنْتَ حُرًّا مُؤَدَّبًا \*\*\* فَتَىٰ مِنْ بَنِي الْأَحْرَارِ زَيْنَ الْمَشَاهِدِ
4. وَكُفِّ الْأَذَىٰ وَاحْفَظْ لِسَانَكَ فَارْتَعِبْ \*\*\* فَدَيْتُكَ فِي وَدِّ الْخَلِيلِ الْمُسَاعِدِ
5. وَغَضِّ عَنِ الْمَكْرُوهِ طَرْفَكَ وَاجْتَنِبْ \*\*\* أَذَى الْجَارِ وَاسْتَمْسِكْ بِحَبْلِ الْمُحَامِدِ
6. وَكُنْ وَاثِقًا بِاللَّهِ فِي كُلِّ حَادِثٍ \*\*\* يَصْنُوكَ مَدَى الْأَيَّامِ مِنْ عَيْنِ حَاسِدِ
7. وَبِاللَّهِ فَاسْتَعِصِمْ وَلَا تَرْجُ غَيْرَهُ \*\*\* وَلَا تَكُ لِلنُّعْمَاءِ عَنْهُ بِجَاحِدِ
8. وَنَافِسُ بَدَلِ الْمَالِ فِي طَلَبِ الْعُلَى \*\*\* بِهَمَّةٍ مَحْمُودِ الْخَلَائِقِ مَا جِدِ
9. وَلَا تَبِنِ لِلدُّنْيَا بِنَاءً مُؤَمَّلًا \*\*\* خُلُودًا فَمَا حَيَّ عَلَيْهَا بِخَالِدِ
10. وَكُلُّ صَدِيقٍ لَيْسَ اللَّهُ وَدَّهُ \*\*\* فَنَادِ عَلَيْهِ هَلْ بِهِ مِنْ مُزَانِدِ

- 1- به پدر و مادر هر دو نیکی کن و به اقوام و عشیره خود و به تمام مردم نیکی کن.
- 2- جز با پرهیزکاران آراسته و پاک سرشت، که با عفت و نجابت هستند و به وعده خود وفا می کنند با کسی دیگر رفاقت نکن .
- 3- هر زمان که خواستی ازدواج کنی یا پیمانی و قراردادی ببندی، با افراد مؤدب و جوانمرد که از دودمان آزادگان و زینت بخش مجالس اند، معاهده و پیمان ببند.
- 4- باعث آزار مردم نشو و زبانت را حفظ کن، فدایت شوم، در محبت به رفیقی که تو را یاری میکند رغبت بیشتری نشان بده .
- 5- چشم بر اعمال ناپسند ببند و همسایه را آزار نده و به کارهای پسندیده روی آور.
- 6- در هر حادثه و رویدادی فقط به خدا تکیه کن، تا خدا از چشم حسودان محفوظت بدارد .
- 7- تکیه تو فقط به خداوند جهان باشد و به دیگران چشم امید نداشته باش و در هیچ شرایطی نعمتهای پروردگار را نادیده نگیر.
- 8- برای رسیدن به والایی، با بخشش مال و همت شایستگان و پاک طینتها از دیگران پیشی بگیر.
- 9- هم چون کسی که دل به جاودانگی بسته است در دنیا خانه نساز؛ زیرا هیچ موجود زنده ای در این دنیا جاوید و پاینده نیست.
- 10- هر دوستی که پایه دوستیاش برای منافع شخصی باشد، او را حراج کن و از دست بده .

1. وَذِي هِمَّةٍ لَمْ تَرْضَ بِالصَّيِّمِ نَفْسَهُ \*\*\* فَأَصْبَحَ قَرَمًا هَبْرَ زِيًا مُمَجِّدًا
2. إِذَا خَامَرْتَهُ بِالنَّدَى أَرْيَحِيَّةٌ \*\*\* تَحَالُ اهْتِرَازَ الرُّمَحِ فِيهِ تَرَدُّدًا
3. أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُعْظَمًا \*\*\* هُمَامًا كَرِيمًا بَاذِخَ الْمَجْدِ أَصِيدًا
4. لَقَدْ سَايَرَ الْأَيَّامَ حَزْمًا وَحِيلَةً \*\*\* فَأَصْبَحَتِ الْأَيَّامُ تُرْهِي بِأَغْيَدًا
5. وَحَلَّ بِأَعْلَى ذِرْوَةِ الْفَخْرِ سَامِيًا \*\*\* وَأَبْدَى سَمَاحًا بَيْنَ ذَاكَ وَسُودَا
6. وَمَا الْفَخْرُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُوقَفًا \*\*\* مُعَانًا بِنَصْرِ اللَّهِ عَبْدًا مُسَدَّدًا
7. فَكَمْ مِنْ فَتَى لَمْ يَعْرِ مِنْ حُلَلِ التَّقَى \*\*\* وَكَمْ مِنْ فَتَى بِاللَّهِ أَضْحَى مُؤَيَّدًا
8. أَلَا رُبَّمَا شَدَّ الْكَرِيمُ أَعْتِرَامَهُ \*\*\* قِصَارَ عَلَى الْأَعْدَاءِ سَيْفًا مُهَنَّدًا
9. وَمَا السَّيْفُ مَا قَدْ كَانَ فِي بَطْنِ جَفْنِهِ \*\*\* بِسَيْفٍ وَلَكِنْ مَا تَبَدَّى مُجَرَّدًا

- 1- بسا صاحب همتی که تن به ستم و ظلم ندهد، بزرگواری و خوشنام کسی است که در جامعه دارای عزت و احترام است.
- 2- هر زمان که بزرگواری اش را با سخاوت و اخلاق نیکو توأم کند همچون نیزه در میدان جنگ به رقص درآید.
- 3- خداوند جز این نخواهد که شخصیتی که بزرگواری و سخاوتمند و محترم است، سرافراز باشد.
- 4- با هوش سرشار و زیرکی اش، با حرکت زمان ساخته و کنار آمده است، در نتیجه در گذر زمان به نازک اندامها فخر می فروشد.
- 5- چنین آدم اندیشمندی به بالاترین درجه افتخار در جامعه رشد می کند، آنگاه بزرگی و سخاوت را با برنامه ریزی آشکار می نماید.
- 6- افتخار از آن کسی است که مطیع و بنده خدا باشد، تا خدا او را یاری کند و به عنوان یک بنده استوار در جامعه زندگی نماید.
- 7- چه فراوان جوانانی که از زیور پرهیزگاری بهره مند نشدند و چه جوانانی که از طرف خداوند حمایت میشوند چون به سوی او می روند.
- 8- بدانید چه بسا جوانمردی بزرگواری با اراده قوی تصمیم می گیرد و این تصمیم، همچون شمشیری تیز و آتشبار می گردد، لذا در کارش موفق است.
- 9- شمشیر تا موقعی که در غلاف پنهان است ارزش شمشیر بودن را ندارد، بلکه آنگاه که از غلاف بیرون آید و خودش را نشان دهد شمشیر است.



نکته:

بلند همت و بلند نظر باش

همت بلند دار که مردان روزگار \*\*\* از همت بلند به جایی رسیده اند

مولا علی (علیه السلام) خصوصیات و ویژگی افراد بلند همت را در این اشعار بیان کرده و می فرماید: افراد شایسته و کارآمد و بلند نظر دارای ویژگی هایی هستند که به آنها اشاره نموده است.

و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل، آری آدم بلند همت و بلند نظر در زمینه های مختلف موفق هستند و در هر دریایی بیفتند به ساحل نجات خواهند رسید.

### 118. در طلب باید به زحمت افتاد

1. أَعَاذِلْتِي عَلَىٰ إِتْعَابِ نَفْسِي \*\*\* وَرَعِيْبِي فِي السَّرَى رَوْضَ الشَّهَادِ

2. إِذَا شَامَ الْفَتَى بَرْقَ الْمَعَالِي \*\*\* فَأَهْوَنُ فَاَيْتَ طَيْبِ الرَّقَادِ

در طلب باید به زحمت افتاد

1- ای کسی که مرا سرزنش می کنی که چرا نمی خوابی و شب و روز در مزرعه کار می کنی و سرگرمی.

2- بدان که وقتی جوانمرد زحمتکش برق پیروزی را از شمشیر کار می بیند بی ارزش ترین چیزی که از دست می دهد خواب و استراحت است.

نکته :

نابرده رنج گنج میسر نمیشود \*\*\* مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

ص: 157

حیات و هستی همه موجودات جهان در اثر تلاش و بهره‌مندی از فرصت‌های به دست آمده است.

درختان، گیاهان حیوانات و حتی فرشتگان یک لحظه آرام ندارند و در راه رسیدن به مطلوب کوشا هستند و دنبال انجام اوامر احیاء کننده جان خویشند.

قرآن مجید حتی درباره فرشتگان می‌فرماید:

«لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»<sup>(1)</sup>

بنابراین همه موجودات مادی و غیر مادی مثل فرشتگان در تلاش برای انجام وظایف خویش هستند. و زندگی و زنده ماندن آنها در سایه تلاش معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

و مولا علی (علیه السلام) در این اشعار به زیبایی این مطالب را بیان کرده و شایسته است پیروان آن مرد بزرگ این منشور را همیشه مد نظر داشته باشند.

### 119. ارزش مسافرت

3. تَغَرَّبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى \*\*\* فَسَافِرُ فَفِي الْأَسْفَارِ خَمْسُ فَوَائِدِ

4. تَقَرَّحُ هَمَّ وَاکْتِسَابُ مَعِيشَةٍ \*\*\* وَعِلْمٌ وَآدَابٌ وَصُحْبَةُ مَاجِدِ

5. فَإِنْ قِيلَ فِي الْأَسْفَارِ ذُلٌّ وَمِحْنَةٌ \*\*\* وَقَطْعُ الْفِيَا فِي وَازِتْكَابِ السَّدَائِدِ

6. فَمَمُوتُ الْفَتَى خَيْرٌ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ \*\*\* بِدَارِ هَوَانٍ بَيْنَ وَاشٍ وَحَاسِدِ

ص: 158

1- سوره تحریم، آیه 6.

1- برای پیشرفت در زندگی و رسیدن به مقامات عالی، غربت را برگزین و مسافرت کن؛ زیرا مسافرت دارای پنج فایده است:

2- اول رنج ها و ناراحتی های روحی خود را درمان می کنی، دوم برای رسیدن به مال و اداره زندگی موفق می شوی سوم برای رسیدن به مقام علم و پی بردن به فرهنگ ملتها و داشتن همنشین خوب موفق خواهی شد و چهارم، دوست خوب را در مسافرت به دست می آوری.

3- اگر کسی بگوید مسافرت باعث کشیدن سختی ها و رنج ها و ذلت و تشنگی در بیابان است .

4- پاسخ آن است که برای مرد بهتر است از ماندن در خانه با خواری و ذلت در بین آدم های سخن چین و حسود.

نکته:

اسرار و منافع مسافرت

اگر می خواهی در زندگی پیشرفت و در قافله انسان ها قافله سالار باشی و به عنوان یک فرد پر ارزش مطرح شوی سفرهای آموزشی نه تفریحی و خوش گذرانی را در برنامه زندگی ات قرار بده زیرا مولا در این نوع مسافرت مراحل رشد انسانی را مطرح می فرمایند:

1- آرامش اعصاب، 2- درآمد کافی و خوب، 3- آموزش علمی و پیشرفت علمی، 4- دوستان خوب و شایسته و بزرگوار.

طبیعی است سفری که مولا می فرمایند، آثارش این است، ولی سفرهای تفریحی و.... معانی دیگری دارد.

## 120. رنج و کوشش بی حاصل

إِذَا لَمْ يَكُنْ عَوْنٌ مِنَ اللَّهِ لِفَتَى \*\*\* فَأَكْثَرَ مَا يُمْنَى عَلَيْهِ اجْتِهَادُهُ

رنج و کوشش بی حاصل

اگر کسی را خدا یاری نکند، بیشترین حاصل زندگی او رنجی است که کشیده و کاری که انجام داده است.

## 121. نه شکوه می ماند و نه بی شکوهی

1. نَحْنُ بَنُو الْأَرْضِ وَسُكَّانَهَا \*\*\* مِنْهَا خُلِقْنَا وَإِلَيْهَا نَعُودُ

2. وَالسَّعْدُ لَا يَبْقَى لِأَصْحَابِهِ \*\*\* وَالنَّحْسُ تَمُحُوهُ لَيَالِي السَّعُودِ

نه شکوه می ماند و نه بی شکوهی

1- ما فرزندان خاکیم و همیشه در آن ساکنیم، از خاک آفریده شده ایم و در خاک دفن میشویم.

2- انسان خوشبخت برای نزدیکانش نمی ماند و آدم بدبخت، شب های با شکوه را نابود می کند.

## 122. نابرابری انسانها در رزق و روزی

1. لَوْ كَانَتْ الْأَرْزَاقُ تَجْرِي عَلَى \*\*\* مِقْدَارِ مَا يَسْتَأْهِلُ الْعَبْدُ

2. لَكَانَ مَنْ يُخْدَمُ مُسْتَخْدَمًا \*\*\* وَغَابَ نَحْسُ وَبَدَا سَعْدُ

ص: 160

3. وَاعْتَدَلْ الدَّهْرُ إِلَىٰ أَهْلِهِ \*\*\* وَاتَّصِلَ السُّودُذُ وَالْمَجْدُ

4. لَكِنَّهَا تَجْرِي عَلَىٰ سَمْتِهَا \*\*\* كَمَا يُرِيدُ الْوَاحِدُ الْفَرْدُ

نابرابری انسان ها در رزق و روزی

1- اگر روزی آدم ها بر اساس میزان شایستگی های آدم نزد خدا بود،

2- کسی که خدمتکار است به خاطر این شایستگی باید نوکر می داشت و نحسی اصلاً وجود نداشت و همه جا بهشت و سعادت بود.

3- روزگار به سوی انسان های شایسته گرایش پیدا می کرد، و سروری به مجد و شایستگی متصل می شد.

4- لیکن رزق و روزی در مسیر مصلحت، آن گونه که خواست آن یگانه یکتاست، خواهد بود.

### 123. انسان کامل کمیاب است

1. مَا أَكْثَرَ النَّاسَ لَا بَلَّ مَا أَقْلُهُمْ \*\*\* وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَيُّ لَمَ أَقْلٌ فَنَدَا

2. إِنِّي لَأَفْتَحُ عَيْنِي حِينَ أَفْتَحُهَا \*\*\* عَلَىٰ كَثِيرٍ وَلَكِنْ لَا أَرَىٰ أَحَدًا

انسان کامل کمیاب است

1- چقدر تعداد آدم ها زیادند و با توجه به امکانات زندگی و پذیرش کره زمین انسان های کامل کم هستند، و خدا می داند که من یاوه نگفتم ( زیرا زمین گنجایش خدمات دهیاش خیلی است )

2- هر وقت چشم خویش را باز می کنم کثرت جمعیت را می بینم، اما فرد لایقی را نمی بینم.

ص: 161

## 124. از بریدن آنکه برید دلتنگ نباش

مَنْ لَمْ يُرِدْكَ فَحَلِّهِ لِمُرَادِهِ \*\*\* لَا تَحْزَنْ لِهَجْرِهِ وَبِعَادِهِ

از بریدن آنکه برید دلتنگ نباش

هر کس تو را نخواست رهایش کن تا فرد مورد نظر خود را انتخاب کند و

هرگز از دوری او و برگشتش حتماً غمگین نباش

## 125. سه چیز

1. إِذَا مَا الْمَرْءُ لَمْ يَحْفَظْ ثَلَاثًا \*\*\* فِعْهُ وَلَوْ بِكَفِّ مِنْ رَمَادٍ

2. وَفَاءٌ لِلصَّدِيقِ وَبَذْلٌ مَالٍ \*\*\* وَكُتْمَانُ السَّرَائِرِ فِي الْفُؤَادِ

سه چیز

1- مرد اگر سه چیز را نگه ندارد، ارزشی ندارد و می توانی او را حتی به مستی خاکستر بفروشی.

2- اول نسبت به دوست وفادار باشد، دوم: از کمک مالی به دیگران دریغ نکند، و سوم: اسرارش را در دل نگه دارد.

## 126. سه شرط برای دوست

1. صَدِيقٌ عَدُوِّي دَاخِلٌ فِي عِدَاوَتِي \*\*\* وَإِنِّي لِمَنْ وَدَّ الصَّدِيقَ وَدُوْدُ

ص: 162

2. فَلَا تَقْرَبَنَّ مِنِّي وَأَنْتَ صَدِيقُهُ \*\*\* فَإِنَّ الَّذِي بَيْنَ الْقُلُوبِ بَعِيدٌ

سه شرط برای دوست

1- دوست دشمن من، دشمن است، و من نسبت به کسی که دوستم را دوست می دارد دوست هستم.

2- ای کسی که با دشمن من دوستی، نزدیکم نیا زیرا تو دشمن من هستی.

### 127. دوستی باید فصلی نباشد

1. مَا وَدَّعَنِي أَحَدٌ إِلَّا بَدَلْتُ لَهُ \*\*\* صَفْوَ الْمَوَدَّةِ مِنِّي آخِرَ الْأَبَدِ

2. وَلَا قَلَانِي وَإِنْ كَانَ الْمُسِيءَ بِنَا \*\*\* إِلَّا دَعَوْتُ لَهُ الرَّحْمَنَ بِالرَّشْدِ

3. وَلَا انْتَمَيْتُ عَلَى سِرِّ قَبِيحَةٍ بِهِ \*\*\* وَلَا مَدَدْتُ إِلَى غَيْرِ الْجَمِيلِ يَدِي

4. وَلَا أَقُولُ نَعَمَ يَوْمًا فَاتَّبِعُهُ \*\*\* بِلَا وَلَوْ ذَهَبَتْ بِالْمَالِ وَالْوَالِدِ

دوستی باید فصلی نباشد

1- هر کس مرا دوست داشت برای همیشه، اخلاص، صداقت و یک رنگی خود را نثارش می کنم.

2- و هر کس دشمنم نبود، هر چند به من بد کرده، من عصبانی نشده ام و در حق او دعا کرده ام که خدا عقلش را کامل کند، چون غرضی ندارد.

3- کسی رازش را به من نگفت که من رازش را فاش کنم، و من برای آزارش دست به کاری نزنم.

4- هرگز نگفته ام آری، که پس از آن گفته باشم نه، هر چند پاسخ من به او باعث شود که مال و فرزندانم را در راهش بدهم .

ص: 163

## 128. دوستی و دوست

1. هُمُومٌ رِجَالٍ فِي أُمُورٍ كَثِيرَةٍ \*\*\* وَهَمِي فِي الدُّنْيَا صَدِيقٌ مُسَاعِدٌ

2. يَكُونُ كَرُوحٍ بَيْنَ جِسْمَيْنِ قُسِمَتْ \*\*\* فَجِسْمُهُمَا جِسْمَانِ وَالرُّوحُ وَاحِدٌ

دوستی و دوست

1- در دسرها و غم های مردم زیاد است، و هدف من در این دنیا رفیقی یک رنگ است؛

2- چون جانی که میان دو تن تقسیم شده؛ با آنکه دو تن هستند ولی یک روح هستند.

## 129. گونه رستگاری

أَفْلَحَ مَنْ كَانَ لَهُ كِرْدِيدَةٌ \*\*\* يَأْكُلُ مِنْهَا ثُمَّ يُثْبِي جِيدَةً

گونه رستگاری

رستگار کسی است که باقیمانده غذایی و خرمایی در خانه دارد، لذا سرش را بلند نگه می دارد و پیروز است.

## 130. تو پر خوری و دیگران گرسنه

وَ حَسْبُكَ دَاءٌ أَنْ تَبِيتَ بِبِطْنَةٍ \*\*\* وَ حَوْلَكَ أَكْبَادٌ تَحِنُّ إِلَى الْقَدِّ

تو پر خوری و دیگران گرسنه

این درد برای تو بس است که شب را با شکمی پر بخوابی، و در اطراف تو جگرهایی باشد که آرزوی جویدن پوست بزغاله ای را می کشند.

ص: 164



## 131. گیتی جاودانه نیست

1. يا مؤثر الدنيا على دينه \*\*\* والثانية الحيران عن قصده

2. أصبحت تزجو الخلد فيها وقد \*\*\* أبرز ناب الموت عن حده

3. هيهات إن الموت ذو أسهم \*\*\* من يرمه يوماً بها يُرده

4. لا يشرح الواعظ قلب امرئ \*\*\* لم يعزم الله على رُشدِه

گیتی جاودانه نیست

1- ای کسی که دنیا را بر دینت مقدم داشته ای و در شناختن راه صحیح سرگردانی! تو نابودی

2- تو به فکر آنی که دائم در دنیا زندگی کنی، در حالی که نیش های زهر آلود مرگ، اقتدارش را به تو نشان داده است.

3- افسوس که مرگ تیری به سوی تو پرتاب نمی کند جز آنکه تیرش به هدف می خورد، و بدان هر کس که هدف تیر مرگ قرار گرفت کارش تمام است.

4- هیچ گوینده ای قادر نخواهد بود که قلب آدم را آماده پذیرش حقیقت کند اگر احکام و دستورات الهی در قلبش جایگاهی نداشته باشد.

## 132. گذشته گذشت

1. مَضَى أَمْسُكَ الْبَاقِي شَهِيداً مُعَدَّلاً \*\*\* وَأَصْبَحْتَ فِي يَوْمِ عَلَيَّكَ شَهِيداً

2. فَإِنْ كُنْتَ فِي الْأَمْسِ أَقْتَرْتَ إِسَاءَةً \*\*\* فَشِنْ بِإِحْسَانٍ وَأَنْتَ حَمِيدٌ

ص: 165

3. وَلَا تُرْجِ فِعْلَ الْخَيْرِ يَوْمًا إِلَى غَدٍ \*\*\* لَعَلَّ غَدًا يَأْتِي وَأَنْتَ فَقِيدٌ

4. وَيَوْمُكَ إِنْ عَانَيْتَهُ عَادَ نَفْعُهُ \*\*\* إِلَيْكَ وَمَاضِي الْأَمْسِ لَيْسَ يَعُودُ

گذشته گذشت

1- دیروز از عمرت گذشت که می تواند راهی روشن برای تو باشد، و اکنون در روزی زندگی میکنی که می تواند راهی روشن نشانت دهد.

2- اگر روز گذشته کار خوبی انجام نداده ای، سعی کن امروز کار شایسته ای انجام دهی تا تو را ستایش نمایند.

3- در هیچ شرایطی کار امروز را به فردا نیفکن، ممکن است فردا دیگر در این دنیا نباشی .

4 - منافع کار امروز را امروز خواهی برد، و دیروز دیگر بر نمی گردد تا تو کار خیری را انجام دهی.

### 133. بزرگواران همه رفتند

1. ذَهَبَ الَّذِينَ عَلَيْهِمْ وَجْدِي \*\*\* وَبَقِيَتْ بَعْدَ فِرَاقِهِمْ وَحْدِي

2. مَنْ كَانَ بَيْنَكَ فِي الثَّرَابِ وَبَيْنَهُ \*\*\* شَبْرَانٍ فَهُوَ بَعَايَةِ الْبُعْدِ

3. لَوْ كُنْشِفْتَ لِلْخَلْقِ أَطْبَاقَ الثَّرَى \*\*\* لَمْ يُعْرِفِ الْمَوْلَى مِنَ الْعَبْدِ

4. مَنْ كَانَ لَا يَطَأُ الثَّرَابَ بِرِجْلِهِ \*\*\* يَطَأُ الثَّرَابَ بِنَاعِمِ الْحَدِّ

ص: 166

- 1- آنان که وجودشان باعث شادی من بود رفتند و من پس از آنها بدون یاور شدم و در فراقشان سوختم .
- 2- کسی که در خاک خوابیده و چند وجب بیشتر از تو دور نیست، بسیار از تو دور است.
- 3- اگر طبقات زمین دیده شوند و همه مردم بتوانند آن را ببینند، ارباب و نوکر از هم شناخته نشوند.
- 4- کسی که با پای برهنه راه نمی رفت و آن را زشت می دانست، خاک، صورت نرم و نازک او را به گونه ای تغییر داده که شناخته نمی شود.

### 134. لذت ها پایان دارد

1. إِنَّ الَّذِينَ بَنُوا فُطَالَ بِنَاؤُهُمْ \*\*\* وَاسْتَمْتَعُوا بِالْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ
2. جَرَّتِ الرِّيحُ عَلَى مَحَلِّ دِيَارِهِمْ \*\*\* فَكَانَتْهُمْ كَانُوا عَلَى مِيعَادِ
3. وَأَرَى النَّعِيمَ وَكُلَّ مَا يُلْهَى بِهِ \*\*\* يَوْمًا يَسِيرَ إِلَى بَلَى وَتَفَادِ

لذت ها پایان دارد

- 1- آنهایی که ساختمان های سر به فلک کشیده و محکم ساختند و از زندگی خود و فرزندان و همسرانشان لذت بردند.

2- یک باره بادهای مرگبار بر زندگی و خانه های آنان وزیدن گرفت؛ گویی آنها در کنار قیامت خانه ساختند (1).

3- و به مرور زمان ساختمان های آن چنانی به خرابی نزدیک شد و تمام نعمت ها و روزی آسان و نشاط آورشان فرسوده و پایان پذیر شد.

### 135. ترس از مرگ و حسابرسی قیامت

1. جَنَّبِي تَجَافَى عَنِ الْوَسَادِ \*\*\* خَوْفًا مِنَ الْمَوْتِ وَالْمَعَادِ

2. مَنْ خَافَ عَنِ سَكْرَةِ الْمَنِيَا \*\*\* لَمْ يَدْرِ مَا لَذَّةُ الرُّقَادِ

3. قَدْ بَلَغَ الزَّرْعُ مُنْتَهَاهُ \*\*\* لَا بُدَّ لِلزَّرْعِ مِنْ حَصَادِ

ترس از مرگ و حسابرسی قیامت

1- پهلویم از ترس مرگ و قیامت، از بستر خواب دوری کرد و نتوانستم بخوابم.

2- هر کسی که از پریشانی مرگ می ترسد، لذت خواب را درک نمی کند .

3- زمان کشت زندگی به پایان رسیده و زراعت کامل شد، پس چاره ای جز درو وجود ندارد باید جمع کرد و رفت .

\*\*\*

ص: 168

---

1- در خبر است که در سفری که مولا علی (علیه السلام) به مدائن داشت، فردی به نام حریر ابن سهم تمیمی این شعر را خواند، مولا به او اعتراض کرد و این آیه مبارکه را تلاوت کرد: «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ»؛ چه باغها و چشمه ها و مزارع و مقام شایسته و نعمتهایی که داشتند و از آنها لذت می بردند گذاشتند و از این دنیا رفتند. (سوره دخان، آیه 25)

### 136. دریغا بر جوانی

1. بکیتُ عَلٰی شَبَابٍ قَدْ تَوَلَّی \*\*\* فِیَا لَیْتَ الشَّبَابَ لَنَا یَعُودُ
2. فَلَوْ کَانَ الشَّبَابُ یُبَاعُ بَیْعًا \*\*\* لِأَعْطِیْتُ الْمُبَاعِ مَا یُرِیدُ
3. وَلَکِنَّ الشَّبَابَ إِذَا تَوَلَّی \*\*\* عَلٰی شُرْفِ فَمَطْلَبُهُ بَعِیدُ

دریغا بر جوانی

- 1- بر جوانی از دست رفته خویش گریه می کنم، ای کاش جوانی برمی گشت.
- 2- اگر جوانی را میشد خرید، من تمام هستی خویش را می دادم تا جوانی از دست رفته خویش را خریدار باشم.
- 3- لیکن پرنده جوانی پرواز کرد و بر بلندی ها و کنگرهایی دور از دسترس نشست.

### 137. همه میهمان هستیم

- 1 تَمَنَّى رِجَالٌ أَنْ أَمُوتَ وَإِنْ أُمْتُ \*\*\* فَتِلْكَ سَبِیلُ لَسْتُ فِیْهَا بِأَوْحَدٍ
2. وَلَیْسَ الَّذِی یَبْقَى خِلاْفِی یَضُرُّنِی \*\*\* وَلَا مَوْتُ مَنْ قَدْ مَاتَ قَبْلَی مُخْلِدِی
3. وَإِنِّی وَمَنْ قَدْ مَاتَ قَبْلَی لَكَالَّذِی \*\*\* یُزُورُ خَلِیلًا أَوْ یُرُوحُ وَیَعْتَدِی

همه میهمان هستیم

- 1- خیلی ها آرزوی مرگ را دارند و این راهی است که خودم تنها نیستم، زیرا همه خواهند مرد.
- 2- نه کسی که دشمن و بدخواه من است به من ضرر می رساند. و نه مرگ

ص: 169

آنانی که پیش از من مرده اند، مرا جاودان می سازد.

3- من و افرادی که قبل از مرگم مرده اند همچون کسانی هستیم که با هم صبحگاهی به دیدن دوستی بروند و شبانگاه برگردند.

### 138. همه خواهند مرد

1. أَلَمْؤْتُ لَا وَالِدًا يُبْقِي وَلَا وَلَدًا \*\*\* هَذَا السَّبِيلُ إِلَى أَنْ لَا تَرَى أَحَدًا

2. كَانَ النَّبِيُّ وَلَمْ يَخْلُدْ لِأُمَّتِهِ \*\*\* لَوْ خَلَدَ اللَّهُ خَلْقًا قَبْلَهُ خَلَدًا

3. لِلْمَوْتِ فِينَا سِهَامٌ غَيْرَ خَاطِئَةٍ \*\*\* مَنْ فَاتَهُ الْيَوْمَ سَهْمٌ لَمْ يَفْتَهُ غَدًا

همه خواهند مرد

1- مرگ نه به پدر رحم می کند و نه به فرزند، این راه ادامه دارد تا زمانی که همه بمیرند و تو آشنایی پیدا نمی کنی.

2- پیامبر بزرگ اسلام برای امت خود جاوید نماند، و اگر پیامبران الهی قبل از او از این دنیا هجرت نمی کردند، او نیز جاوید بود.

3- همواره تیرهای مرگ به سوی ما نشانه می روند و اگر امروز زنده ایم، تیر نخورده ایم، فردا قطعاً خواهیم مرد و تیر مرگ به ما اصابت می کند.

### 139. در مرگ پدر

1. أَرَقْتُ لِنُوحٍ آخِرَ اللَّيْلِ غَرْدًا \*\*\* لِشَيْخِي يَنْعَى وَالرَّئِيسَ الْمُسَوِّدًا

2. أَبَاطِلِ مَأْوَى الصَّعَالِيكِ ذَا التَّدَى \*\*\* وَذَا الْحِلْمِ لَا خِلْفًا وَلَمْ يَكُ فَعْدُدا

3. أَخَا الْمَلِكِ خَلَى ثُلْمَةً سَيْسُدُّهَا \*\*\* بَتُو هَاشِمٍ أَوْ يُسْتَبَاحَ فِيهِمْدًا

ص: 170

4. فَأَمَسْتُ فُرَيْسَ يُفْرَحُونَ بِفَقْدِهِ \*\*\* وَلَسْتُ أَرَى حَيًّا لَيْشِيءٍ مُخَلَّدًا

5. أَرَادَتْ أُمُورًا زَيَّنَتْهَا حُلُومُهُمْ \*\*\* سَنُورِ دُهُمٍ يَوْمًا مِنَ الْغَيِّ مَوْرِدًا

6. يُرْجُونَ تَكْذِيبَ النَّبِيِّ وَقَتْلَهُ \*\*\* وَأَنْ يُفْتَرُوا بُهْتًا عَلَيْهِ وَمَجْحَدًا

7. كَذِبْتُمْ وَبَيَّتِ اللَّهُ حَتَّى نُذِيقَكُمْ \*\*\* صُدُورَ الْعَوَالِي وَالصَّفِيحَ الْمُهَنْدَا

8. وَيَبْدُو مِنَّا مَنْظَرٌ ذُو كَرِيهَةٍ \*\*\* إِذَا مَا تَسْرَبْنَا الْحَدِيدَ الْمَسْرَدَا

9. فَمَا تَبِيدُونَا وَإِمَا نُبِيدُكُمْ \*\*\* وَإِمَا تَرَوَا سِلْمَ الْعَشِيرَةِ أَزْشَدَا

10. وَإِلَّا فَإِنَّ الْحَيَّ دُونَ مُحَمَّدٍ \*\*\* بَنُو هَاشِمٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ مَحْتَدَا

11. وَإِنَّ لَهُ فِيكُمْ مِنَ اللَّهِ نَاصِرًا \*\*\* وَلَسْتُ بِلَاقٍ صَاحِبَ اللَّهِ أَوْحَدَا

12. نَبِيٌّ أَتَى مِنْ كُلِّ وَحْيٍ بِخُطَّةٍ \*\*\* فَسَمَاهُ رَبِّي فِي الْكِتَابِ مُحَمَّدَا

13. أَعْرَ كَصُوءِ الْبَدْرِ صُورَةً وَجْهَهُ \*\*\* جَلَا الْعَيْمُ عَنْهُ ضُوءُهُ فَتَوَقَّدَا

14. أَمِينٌ عَلَى مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ قَلْبَهُ \*\*\* وَإِنْ كَانَ قَوْلًا كَانَ فِيهِ مُسَدَّدَا

در مرگ پدر

1- در پایان شب در اثر گریه ای از خواب بیدار شدم که خبر از مرگ بزرگ و پیر قوم ما را میداد.

2- این گریه و زاری خبر از درگذشت مردی بود بخشنده و پناه مستمندان و مردی فرزانه که نه بی خرد بود و نه پست.

3- او بزرگ قبیله ما بود که مرگش رخنهای ایجاد کرد که تنها با وجود هاشمیان یا مرور زمان، این کمبود جبران می شود.

4- قریش از فقدان او شاد شدند و آنها چقدر خیره سرنند زیرا رسم دیرینه روزگار و حکمت خدا بر این است که هیچ کس جاوید نماند.

5- قریش به دنبال چه چیزی هستند؟ آنان به آرزوهای پوچ، دل خوش کرده،

و راه را گم کرده اند، و ما روزی به خاطر گمراهیشان آنها را از بین خواهیم برد.

6- آنها آرزوی تکذیب رسالت پیامبر و کشتن او را دارند و از این رو، به او تهمت می زنند و رسالت او را منکر می شوند.

7- ای قریش به بیت الحرام سوگند که شما دروغگو هستید و این انکار را ادامه خواهید داد تا ما با پیکان نیزه های بلند و شمشیرهای تیز و پهن هندی طعم مرگ را به شما بچشانیم.

8- آنگاه که ما زره جنگ را بر تن کنیم، از ما دلاوری هایی سرزند که شما را مبهوت و ناراحت کند.

9- و آنگاه، یا ما شما را از صفحه روزگار محو می کنیم، یا شما این کار را می کنید و یا تن به صلح می دهید.

10- اگر این پیشنهادها و راه های مطرح شده (کشتن کشته شدن یا صلح) پذیرفته نشد، عشیره بنی هاشم. که از نظر نژاد بهترین مردم زمین اند، با تمام توان در خدمت محمد رسول خدایند.

11- او در میان شما یاری از سوی خدا دارد، یار خدا را هرگز تنها ندیده ام.

12- او پیامبری است که در هر وحی و تماس با خدا، دستوری آورده و خدا در قرآن او را ستوده

(محمد) نامیده است.

13- صورت این پیامبر از فروغ ماده چهارده، هنگامی که ابرها کنار بروند، روشن تر و فروزان تر است.

14- قلبش امین به تمام دستورات الهی است و هرگاه دستوری را از جانب خدا بگوید بر آن استوار خواهد بود.



1. وَإِنَّ حَيَاتِي مِنْكَ يَا بِنْتَ أَحْمَدٍ \*\*\* بِإِظْهَارٍ مَا أَخْفَيْتُهُ لَشَدِيدٍ
2. وَلَكِنْ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْنُورِقَابِنَا \*\*\* وَلَيْسَ عَلَى أَمْرِ الْإِلَهِ جَلِيدٌ
3. أَتَصْرَعُنِي الْحُمَى لَدَيْكَ وَأَشْتَكِي \*\*\* إِلَيْكَ وَمَا لِي فِي الرَّجَالِ نَدِيدٌ
4. أُصِرُّ عَلَى صَبْرٍ وَأَقْوَى عَلَى مُنِي \*\*\* إِذَا صَبَرُ خَوَارِ الرَّجَالِ بَعِيدٌ
5. وَفِي هَذِهِ الْحُمَى دَلِيلٌ بِأَنَّهَا \*\*\* لِمَوْتِ الْبَرَايَا قَائِدٌ وَبَرِيدٌ

سخنی با فاطمه در بیماری

- 1- ای دخت والای پیامبر، به خاطر شرمی که از تو دارم بیان دردهایی که در دل دارم بسیار سنگین است .
- 2- لیکن ما خاندان در مقابل امر الهی گردن می نهیم، و در برابر فرمایش نیرویی وجود ندارد .
- 3- آیا تب مرا پیش تو ناتوان می کند از اینکه برایت درد دل کنم در صورتی که در میان شوهران همتایی ندارم .
- 4- بر صبر استقامت می ورزم و بر خواسته هایم توانایی دارم آن گاه که صبر و شکیبایی از مردان زبون دور باشد .
- 5- در این تب، علامت و نشانی است، و مرگ پیکی دارد که آدم را از رویدادها با خبر می کند .

\*\*\*

## 141. سفارش آن حضرت در باره اسراء به فاطمه همسرش

1. فَاطِمُ يَا بِنْتَ النَّبِيِّ أَحْمَدٍ \*\*\* بِنْتُ نَبِيِّ سَيِّدِ مُسَوِّدٍ
2. هَذَا أَسِيرٌ لِلنَّبِيِّ الْمُهْتَدِي \*\*\* مُكَبَّلٌ فِي غَلِّهِ مُقَيَّدٌ
3. يَشْكُو إِلَيْنَا الْجُوعَ قَدْ تَمَدَّدَ \*\*\* مَنْ يُطْعِمُ الْيَوْمَ يَحِدُّهُ فِي غَدٍ
4. عِنْدَ الْعَلِيِّ الْوَاحِدِ الْمُوَحِدِ \*\*\* مَا زَرَعَ الرَّارِعُ سَوْفَ يَحْصُدُ
5. فَأَطْعِمِي مَنْ غَيْرِ مَنْ أَنْكَدِ \*\*\* حَتَّى تُجَارِي بِالذِّي لَا يَنْقُدُ

سفارش آن حضرت در باره اسراء به فاطمه همسرش

- 1- ای فاطمه دختر والای احمد پیامبر خدا و دختر رسول خدا سرور و بزرگ عالمیان .
- 2- این اسیر پیامبری و راهنمایی است که خداوند او را با گردنی نازک پیش ما فرستاده .
- 3- این آدم در حال گرفتاری است و از گرسنگی ناله و شکایت می نماید و هر کس امروز او را سیر کند فردا پاداشش را از جانب خدای بخشنده خواهد دید .
- 4- کسی که امروز او را غذا بدهد، روزی دیگر نزد آن یکتای یگانه پاداش می گیرد، چون کشاورزی که تخم پاشیده
- 5- او را بدون ممت غذا بدهد و در این کمک بدون بخل باش تا پاداش آن را پیش خدای باقی یگانه داشته باشی.

\*\*\*

## 142. جواب فاطمه به همسرش علی

1. لَمْ يَبْقَ مِمَّا جِئْتَ غَيْرَ صَاعٍ \*\*\* قَدْ ذَهَبَتْ كَنِّي مَعَ الذَّرَاعِ

2. إِنْبَائِي وَاللَّهِ مِنَ الْجِيَاعِ \*\*\* أَبُوهُمَا لِلْخَيْرِ ذُو اضْطِنَاعِ

يَصْطِنِعُ الْمَعْرُوفَ بِإِتِّدَاعِ

جواب فاطمه به همسرش علی

1- یا علی از آذوقه ای که آورده ای ، پیمانہ ای بیش نمانده و از سوئی دست و بازوی من نیز خسته شده .

2- به خدا سوگند که دو فرزند نام گرسنه اند و پدرشان دارای بذل و بخشش و نیکوکار و پیگیر کارهای خوب است.

## 143. هنگام ساخت مسجد النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود

1. لَا يَسْتَوِي مَنْ يَعْمُرُ الْمَسَاجِدَ \*\*\* وَمَنْ يَبِيتُ رَاكِعًا وَسَاجِدًا

2. يَدَأَبُ فِيهَا قَائِمًا وَقَاعِدًا \*\*\* وَمَنْ يَكُرُّ هَكَذَا مُعَانِدًا

وَمَنْ يُرَى عَنِ الْغُبَارِ حَائِدًا

هنگام ساخت مسجد النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود

1- مساوی و برابر نیستند آنان که مسجدها را می سازند و آنان که شب و روز در حال رکوع و سجودند.

2- و آنان که پیوسته ایستاده و نشسته در حال دعا و نیایش هستند با آنان که به

دشمنی بر می گردند.

و آنان که از غبار رویی و نظافت مساجد کناره گیری می کنند، برابر نیستند.

#### 144. من بر آئین و دین محمد هستم

1. یا شاهدَ اللَّهِ عَلَيَّ فَاشْهَدْ \*\*\* إِنِّي عَلَى دِينِ النَّبِيِّ أَحْمَدِ

2. مَنْ مَنَّ شَكٌّ فِي الدِّينِ فَإِنِّي مُهْتَدٍ \*\*\* يَا رَبِّ فَاجْعَلْ فِي الْجَنَّةِ مَوْرِدِي

من بر آئین و دین محمد هستم

1- ای شاهد و گواه! خدا تو بر من شاهد باش که من بر آئین و دین پیامبر احمدم.

2- هر کس در دین من شک دارد بداند که من هدایت یافته دینم خدایا جایگاهم را در بهشت تعیین فرما.

#### 145. پس از کشتن یزید فرزند طلحه در احد می فرمایند

1. أَصُولُ بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْأَمْجَدِ \*\*\* وَفَالِقِ الْإِصْبَاحِ رَبِّ الْمَسْجِدِ

أَنَا عَلَى وَائِنُ عَمِّ الْمُهْتَدِي

پس از کشتن یزید فرزند طلحه در احد می فرمایند

1- با تکیه و یاری خدای توانای والا، آنکه شکافنده شفق و خدای مسجد الحرام است، حمله ای جانانه به دشمن خواهیم کرد.

من علی هستم، پسر عموی رسول خدا.

## 146. پس از شنیدن سخنان و سرزنش هند در ماجرای شهادت حضرت حمزه سید الشهداء

1. أَنَا نِي أَنْ هِنْدًا حِلَّ صَخْرٍ \*\*\* دَعَتْ دَرْكَاءَ وَبَشَّرَتْ الْهُنُودَا
2. فَإِنْ تَفَخَّرَ بِحَمْرَةٍ حِينَ وَلى \*\*\* مَعَ الشُّهَدَاءِ مُحْتَسِبًا شَهِيدًا
3. فَإِنَّا قَدْ قَتَلْنَا يَوْمَ بَدْرٍ \*\*\* أَبَا جَهْلٍ وَعُتْبَةَ وَالْوَلِيدَا
4. وَقَتَلْنَا سُرَاةَ الْقَوْمِ طُرًّا \*\*\* وَغَتَمْنَا الْوَلَائِدَ وَالْعَبِيدَا
5. وَشَيْبَةَ قَدْ قَتَلْنَا يَوْمَ ذَاكُمُ \*\*\* عَلَى أَثْوَابِهِ عَلَقَ جَسِيدًا
6. فَبُوءَ مِنْ جَهَنَّمَ شَرَّ دَارٍ \*\*\* عَلَيْهَا لَمْ يَجِدْ عَنْهَا مَحِيدًا
7. وَمَا سِيَّانٍ مَنْ هُوَ فِي جَحِيمٍ \*\*\* يَكُونُ شَرَابُهُ فِيهَا صَدِيدًا
8. وَمَنْ هُوَ فِي الْجِنَانِ يُدْرُ فِيهَا \*\*\* عَلَيْهِ الرِّزْقُ مُغْتَبَطًا حَمِيدًا

پس از شنیدن سخنان و سرزنش هند

در ماجرای شهادت حضرت حمزه سید الشهداء

- 1- خبردار شدم که هند همسر صخر (ابوسفیان) مدارکی ارائه داده و فرومایگان را بشارت پیروزی داده است.
- 2- به او بگویند در جنگ، پیروزی و شکست وجود دارد ولی باید همه چیز را محاسبه کرد، او باید بداند که اگر با کشته شدن حمزه افتخار می کند، حمزه شهید شده و سید و بزرگ شهدای تاریخ است.
- 3- آنها یک نفر از ما را شهید کردند ولی ما در جنگ بدر ابوجهل و عتبه و ولید را کشتیم
- 4- ما بزرگان و سران آنها را کشتیم و بردگانشان را به غنیمت گرفتیم.
- 5- آن روز که شبیه را کشتیم، آن چنان که روی لباس هایش خون بسته و

6- او را به جهنم فرستادیم، جایی که بدترین قرارگاه‌ها است و امکان خلاصی از آن نیست

7- و هرگز کسی که در جهنم است و نوشیدنی‌اش صدید (چرک و خون) است.

8- با کسی که در بهشت است و مورد احترام بهشتیان است و هر چه بخواهد از نعمتها در اختیارش هست، مساوی نیستند.

نکته:

در جنگ بدر کل نیروهای اسلام سیصد نفر بود، آنها حدود هفتاد نفر از سران شرک را کشتند و در همین حدود نیز اسیر گرفتند. و اسیران با پرداخت پول و آنهایی که پول نداشتند با آموزش سواد و دانش به ده نفر از فرزندان مسلمانان، آزاد شدند.

### 147. در باره شهداء و کشته شده‌های جنگ احد

1. اللَّهُ حَيِّ قَدِيمٌ قَادِرٌ صَمَدٌ \*\*\* وَلَيْسَ يُشْرِكُهُ فِي مُلْكِهِ أَحَدٌ

2. هُوَ الَّذِي عَرَفَ الْكُفَّارَ مَنْزِلَهُمْ \*\*\* وَالْمُؤْمِنُونَ سَيَجْزِيهِمْ كَمَا وَعَدُوا

3. وَإِنْ يَكُنْ دَوْلَةٌ كَانَتْ لَنَا عِظَةٌ \*\*\* فَهَلْ عَسَى أَنْ يَرَى فِي غَيْبِهَا رَشْدٌ

4. وَيَنْصُرُ اللَّهُ مَنْ وَالَاهُ أَنْ لَهُ \*\*\* نَصْرًا وَيَمِثُلُ بِالْكَفَّارِ إِذْ عَنَدُوا

5. فَإِنْ نَطَقْتُمْ بِفَخْرٍ لَا أَبَا لَكُمْ \*\*\* فِي مَنْ تَضَمَّنَ مِنْ إِخْوَانِنَا اللَّحْدُ

6. فَإِنَّ طَلْحَةَ عَادَزَنَاهُ مُنْجِدًا \*\*\* وَلِلصَّفَائِحِ نَارٌ بَيْنَنَا تَقْدُ

7. وَالْمَرْءُ عُثْمَانُ أَرْوَتْهُ أَسْنَتُنَا \*\*\* فَجَيْبُ رَوْجَتِهِ إِذْ خُبِرَتْ قِدْدُ

8. فِي تِسْعَةٍ إِذْ تَوَلَّوْا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ \*\*\* لَمْ يَنْكَلُوا مِنْ حَيَاضِ الْمَوْتِ إِذْ وَرَدُوا
9. كَانُوا الذُّوَابِ مِنْ فِيهِرٍ وَأَكْرَمَهَا \*\*\* سَمَّ الْعَرَانِينَ حَيْثُ الْفَرْعُ وَالْعَدْدُ
10. وَأَحْمَدُ الْخَيْرِ قَدْ أَرْدَى عَلَى عَجَلٍ \*\*\* تَحْتَ الْعِجَاجِ أُبَيًّا وَهُوَ مُجْتَهِدٌ
11. وَظَلَّتِ الطَّيْرُ وَالضُّبْعَانُ تَرْكَبُهُ \*\*\* فَحَامِلٌ قِطْعَةً مِنْهُمْ وَمُقْتَعِدٌ
12. وَمَنْ قَتَلْتُمْ عَلَى مَا كَانَ مِنْ عَجَبٍ \*\*\* مِمَّا فَقَدَ صَادِقُوا خَيْرًا وَقَدْ سَعِدُوا
13. لَهُمْ جِنَانٌ مِنَ الْفِرْدَوْسِ طَيِّبَةٌ \*\*\* لَا يَغْتَرِيهِمْ بِهَا حَرٌّ وَلَا صَرْدٌ
14. صَلَّى إِلَهُ عَلَيْهِمْ كُلَّمَا ذُكِرُوا \*\*\* فُرُبَ مَشْهَدٍ صِدْقٍ قَبْلَهُ شَهِدُوا
15. قَوْمٌ وَفَوْا لِرَسُولِ اللَّهِ وَاحْتَسَبُوا \*\*\* سَمَّ الْعَرَانِينَ مِنْهُمْ حَمْرَةُ الْأَسَدِ
16. وَمُضْعَبٌ ظَلَّ لَيْثًا دُونَهُ حَرْدًا \*\*\* حَتَّى تَرَمَلَ مِنْهُ نَعْلَبُ جَسَدٌ
17. لَيْسُوا كَقَتْلَى مِنَ الْكُفَّارِ أَذْخَلَهُمْ \*\*\* نَارَ الْجَحِيمِ عَلَى أَبْوَابِهَا الرِّصْدُ

در باره شهداء و کشته شده های جنگ احد

- 1- خداوند قادر متعال زنده و جاویدان و توانا و بی نیاز است و در اداره هستی شریکی ندارد .
- 2- او کسی است که جایگاه کافران و ناباوران را به آنها نشان می دهد و به مؤمنان همان گونه که وعده داده پاداش می دهد.
- 3- اگر قدرت و دولتی داریم، مایه اندرز و رهنمایی ماست، و در شکست نیز امید پیروزی داریم.
- 4- خداوند متعال دوست داران خود را پیروز می فرماید، زیرا پیروزی در دست اوست و به کفار به خاطر عناد و لج بازی شان، شکست و کیفر می دهد.
- 5- ای بی ریشه ها، اگر افتخار می کنید که برادرانمان را کشتید و اکنون در زیر

6- ما طلحه را به خاک انداختیم و در حالی که از شمشیرهای بران ما آتش و برق می درخشد.

7- عثمان (فرزند طلحه) را چنان از سرنیزه ها سیراب کردیم که گریبان همسرش از شدت غصه پاره پاره شد (یعنی گریبان خود را پاره کرد).

8- عثمان با 9 تن دیگر به میدان آمده بود و وقتی فرار کردند نتوانستند از گودال های مرگ بگریزند و گرفتار شدند.

9- حمله کنندگان از قبیله فهر ابن مالک، گیسوداران و گرامی تریشان بودند، آنان که هر زمان جمعیت و زاد و ولدشان مطرح بود افتخار می کردند، ولی ما آنها را نابود کردیم .

10- پیامبر نکوکار و نیکو گفتار با قدرت و توانایی الهی خود بر ابی خلف، که سریع و کوشا بود، چیره شد.

11- به گونه ای شد که کرکس ها و گفتاران آنان را پاره پاره کردند و خوردند و یا قطعه قطعه کردند و بردند.

12 - با برتری که ما داشتیم تعجب بود که چند نفر را کشتید، ولی آنها با نیک نامی شهید شدند و هم چنان محترم هستند.

13 - آنها در باغ ها و پردیس هایی خوشند که سرما و گرما، آزارشان نمی دهد.

14- تا ابد درود خداوند بر آنان باد؛ زیرا تاریخ آنها را فراموش نمی کند و هر زمان که صحبت از میادین جنگ باشد، نام آنان مطرح می شود.

15- یاران رسول خدا وفادار به پیامبر و رسول خدا بودند، آنان دارای شجاعت و سخاوت بودند، از آن جمله حمزه سیدالشهداء که شیر بیشه شجاعت بود.



16- از آن جمله مصعب فرزند عمیر بود که در پیشگاه رسول خدا می خروشید آن چنان که نیزه اش لباسی از خون خشکیده پوشیده بود.

17- آنان چون کشته شدگان کافران نبوده اند، کافرانی که خداوند آنها را به دوزخی افکنده که بر درش نگهبانان جهنم ایستاده اند.

### 148. سیاست قریش

1. قُرَيْشٌ بَدَتْنَا بِالْعِدَاوَةِ أَوْلًا \*\*\* وَجَاءَتْ لِتُطْفِئِي نُورَ رَبِّ مُحَمَّدٍ

2. بِأَفْوَاهِهِمْ وَالْبَيْضُ بِالْبَيْضِ تَلْتَقِي \*\*\* بِأَيْدِيهِمْ مِنْ كُلِّ عَضْبٍ مُهْتَدٍ

3. وَخَطِيئَةٌ قَدْ تَقَفَّتْ سَمَهْرِيَّةٌ \*\*\* أَسْنَتْهَا قَدْ حُودَتْ بِمُحَدِّدٍ

4. فُقُلْنَا لَهُمْ لَا تَبْعُوا الْحَرْبَ وَأَسْلَمُوا \*\*\* وَفِيئُوا إِلَى دِينِ الْمُبَارِكِ أَحْمَدٍ

5. فَقَالُوا كَفَرْنَا بِالَّذِي قَالَ إِنَّهُ \*\*\* يُوعَدُنَا بِالْحَشْرِ وَالْحُكْمِ فِي غَدٍ

6. فَتَنُّهُمْ وَاللَّهِ أَفْضَلُ قُرْبَةٍ \*\*\* إِلَى رَبِّنَا الْبَرِّ الْعَظِيمِ الْمُمَجِّدِ

سیاست قریش

1- قریش از اول با ما سر دشمنی داشتند، آنها تصمیم گرفتند با ایستادن در

ص: 181

مقابل رسول خدا جلوی پیشرفت او را گرفته و نور خدا را خاموش کنند.

(سوره صف آیه 7 - سوره توبه آیه 32)

2- آنها با تهمت زدن و افتراء و دروغ به مبارزه با رسول خدا برخواستند و زمانی که در این توطئه موفق نشدند با استفاده از سلاح و شمشیرهای برنده هندی و ایجاد جنگ به میدان آمدند .

3- و با نیزه های برنده که نوک آنها را با سوهان تیز کرده بودند.

4 - به آنها گوشزد کردیم که از جنگ دست بردارید و مسلمان شوید و به آئین و دین مبارک محمد بگرایید.

5- گفتند ما دین او را قبول نداشته و به آن کافریم؛ زیرا او ما را از روز قیامت و داوری خدا بیم می دهد.

6- پس جنگ را آغاز کردند و ما با آنها به مبارزه برخواستیم و کشتن آنها برترین نشانه ایمان و قرب الی الله بود.

نکته:

در این اشعار آنچه که دیده می شود صلح، تسلیم و عدم تعرض مطرح است و مولا سعی دارد که جنگی اتفاق نیفتد، زیرا جنگ را آخرین گزینه قرار داده و می فرماید: فرهنگ اسلام، فرهنگ صلح و مدارا است و در مسائل محلی، عدم تعرض به حقوق دیگران مطرح است.

ولی دشمنان اسلام از راه حیله و قلب حقایق و وارونه کردن ماجرا، راه حل را جنگ میدانند

در اینجا مولا می فرماید : اکنون که چنین است ما در جنگ ها برنده بوده ایم، نه بازنده .

ص: 182

## 149. دشمنان اسلام سه گروه بودند

1. وَكَانُوا عَلَى الْإِسْلَامِ إِبْرَاءً ثَلَاثَةً \*\*\* فَقَدْ خَرَّ مِنْ تِلْكَ الثَّلَاثَةِ وَاحِدٌ
2. وَفَرَّ أَبُو عَمْرٍو هُبَيْرَةً لَمْ يَعُدْ \*\*\* وَلَكِنْ أَخُو الْحَرْبِ الْمَجْرَبِ عَائِدٌ
3. نَهَتْهُمْ سُيُوفُ الْهِنْدِ أَنْ يَقِفُوا لَنَا \*\*\* غَدَاةَ التَّقِينَا وَالرِّمَاحُ مَصَائِدُ

دشمنان اسلام سه گروه بودند

- 1- سه گروه (1) و سه قبیله هم دست شدند تا اسلام را نابود کنند که یک گروه آنان سقوط کرد.
- 2- ابو عمرو فرار کرد و هییره دیگر برنگشت، ولی جنگجوی آزموده برگشت.
- 3- شمشیر تیز هندی آنها را علیه ما وارد جنگ کرد و ما در مقابل آنها ایستادیم و نیزه های ما دام صید آنها شد.

## 150. سخنی با سید بن سلمه مخزومی

1. إِنَّ الَّذِي سَمَكَ السَّمَاءَ بِقُدْرَةٍ \*\*\* حَتَّى عَلَا فِي عَرْشِهِ فَتَوَحَّدا
2. بَعَثَ الَّذِي لَا مِثْلَهُ فِي مَا مَضَى \*\*\* يُدْعَى بِرَأْفَتِهِ النَّبِيِّ مُحَمَّدًا
3. فَأَعْلَمَ بِأَنَّكَ مَيِّتٌ وَتُحَاسَبُ \*\*\* فَإِلَى مَتَى تَبْغِي الضَّلَالََةَ وَالرَّدَى
4. أَقْبِلْ إِلَى الْإِسْلَامِ إِنَّكَ جَاهِلٌ \*\*\* وَتَجَنَّبِ الْعُرَى وَرَبِّكَ فَاعْبُدَا
5. وَاللَّاتِ وَالْهُجْرَاتِ فَاهْجُرِيْنِي \*\*\* أَحْسَنِي عَلَيْكَ عَذَابَ يَوْمِ سَرْمَدَا

ص: 183

- 1- آن سه گروه: بنی قریظه، یهود و غطان و قریش بود.

1- آنکه با نیروی لا یزال خود آسمان و زمین را تا آنجا برافراخت که عرش آن خدای یگانه است.

2- و او کسی را به عنوان رسول خود فرستاده که در گذشته و آینده ماندی ندارد و با خوی مسالمت آمیزش ستوده است و قابل ستایش.

3- بدان تو خواهی مرد و پس از تو اولاً فرشتگان آسمان و آدمهای والای زمین، والاترین کارهای تو را خواهند شمرد، تا کی میخواهی گمراه باشی و خودت را نابود کنی و گول بزنی.

4- به اسلام روی آور و مسلمان شو این نادانی است که یک بت را به نام عزی می پرستی و خدای خود و عالمیان را عبادت نمی کنی.

5- بت لات و سخنان بیهوده را ترک کن، من از عذاب روز قیامت برای تو می ترسم.

### 151. افتخار به فامیلی رسول خدا

1. أنا أخو المصطفى لا شك في نسبي \*\*\* معه ربيّ وسبطاهُ هما ولدي

2. جدّي وجدّ رسولِ الله مُتَّحِدٌ \*\*\* وفاطمٌ زوجتي لا قولَ ذي فندٍ

3. صدقتهُ وجميعُ الناسِ في ظلمٍ \*\*\* من الضلالةِ والإشراكِ والتكدي

4. فَالْحَمْدُ لِلَّهِ فَرداً لَا شَرِيكَ لَهُ \*\*\* أَلْبُرُّ بِالْعَبْدِ وَالْبَاقِي بِلَا أَمَدٍ

افتخار به فامیلی رسول خدا

1- من برادر پیامبر، برگزیده خدا هستم و در این نسب شکی نیست، از کودکی پرورش یافته اویم و دو فرزندم حسن و حسین، دو نوه آن بزرگ مرد هستند.

2- جد من و پیامبر رسول خدا یکی است، فاطمه همسر من دختر آن بزرگوار است، و من سخن لغو نمی گویم.

3- در آن روزگار که مردم در تاریکی های ظلم و شرک و فلاکت و بدبختی به سر می بردند، من به پیامبر بزرگ ایمان آوردم و او را در ادعایش تصدیق کردم.

4- سپاسگزار پروردگارم که بی همتا و شریکی ندارد و به بندگانش نیکی می کند و او همیشه باقی است.

نکته ای ارزنده

فطرت خداجویی و پدید بت پرستی

فطرت هر انسان او را به سوی کسی می برد که در زندگی انسان از هر نظر و خواسته به وسیله او مشکلات موجود و آینده ای روشن را برای او رقم بزند.

همه انبیاء الهی، با توجه به آموزه های الهی و دستورات آسمانی و کثرت خلقت و رمزها و رازها و نیازها، خواسته اند بشر را از اطاعت همه موجودات با کثرتی که دارند منع نموده و آنها را به وسیله دستورات آسمانی به یک نیروی هستی بخش رهنمون شوند و از پذیرش خدایان دروغین جلوگیری نمایند.

ص: 185

از سویی چون بشر به صورت فطری احساس نیاز به یک پناهگاه و پناه، و دادرس دارد، وقتی از واقعیت هستی آن گونه که هست غافل می شود و یا خود را به تغافل می زند، کسی را هم چون رهبران سیاسی یا نظامی یا اقتصادی و غیره پیدا می کند و او را معبود خود قرار می دهد و فرامین و دستورات وی را بدون چون و چرا عمل نموده و تسلیم او می گردد، گاهی تا سر حد جان شیفته یا فریفته می شود و با مدح و ثنا و کلمات ادبی و شعر و شاعری آنچنان پیروی اش می کند که او را به جای خالق هستی فرض می کند.

قرآن مجید می فرماید: (أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ) (1) که گاهی خود را به جای معبود می گذارد و اگر بشر بدون چراغ راهنمای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به تاریکی های، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و غیره سفر نمایند جز شکست و گمراهی به نتیجه مثبتی نخواهد رسید.

لذا بت پرستان مگه (هم چون بت پرستان همه جا) گروه گروه و عشیره عشیره شد و هر عشیره ای برای خود بتی ساخته و پرداخته کردند.

### 152. به ابن ملجم مرادی می فرمایند :

أَلَا أَيُّهَا الْمَغْرُورُ بِالْقَوْلِ وَالْوَعْدِ \*\*\* وَمَنْ حَالَ عَنْ رُشْدِ الْمَسَالِكِ وَالْقَصْدِ

به ابن ملجم مرادی می فرمایند :

ای کسی که با وعده های بی اساس و با گفتار دروغ گول خورده ای و از راه راست و رسیدن به هدف منحرف شده ای .

ص: 186

نکته:

در طول تاریخ خطرناکترین دشمن انبیاء و مصلحین عالم و دانشمندان و افراد کار آمد که وجودشان مایه افتخار و سربلندی ملت ها و ادیان است کسانی هستند که درد دین دارند، ولی نادان و احمقند و بدون نور خدایی در زندگی حرکت میکنند و تصور میکنند که دیندار و یا مصلح هستند. این افراد، اسلحه خطرناک دشمنان زیرک انسانیت هستند.

این واقعیت در طول تاریخ بشر ملموس است، قتل انبیاء و مصلحین جهان و دانشمندان و احیاء کنندگان بشریت به دست این افراد، چیزی نیست که مخفی باشد .

در دین اسلام، شهادت امامان شیعه و همه افرادی که طرفدار نور بودند، روشنگر این واقعیت تلخ است و در نهضت های رهایی بخش نقش این افراد تبهکار کاملاً مؤثر دیده می شود.

ابن ملجم مرادی نمونه بارز این واقعیت تلخ است او و اصحاب نهروان که همگی حافظ قرآن بودند چه فجایعی را که به بار نیاورد.

در اول صبح روز عاشورا، عمر سعد میگوید حسین را بکشید تا به بهشت جاودان رفته و در کنار پیامبر اسلام باشید.

در این دوران نیز نقش داعش که با پرچم دین دست به جنایت و کشتار انسان های بیگناه می زند و در مقابل بعضی از کسانی که سنگ تشیع را مزورانه به سینه می زند نشان دهنده همین امر مهلک است.

\*\*\*

### 153. در بامداد ضربت خوردن هنگام رفتن به مسجد

خَلُّوا سَبِيلَ الْمُؤْمِنِ الْمُجَاهِدِ \*\*\* فِي اللَّهِ لَا يَعْبُدُ غَيْرَ الْوَاحِدِ

ويوقف الناس إلى المساجد

در بامداد ضربت خوردن هنگام رفتن به مسجد

از سر راه این مجاهد در راه خدا کنار روید، همو که غیر از خدای یکتا کسی را پرستش نکرده؛

و مردم خوابیده را بیدار می کند تا بیدار شوند و به سوی مساجد بشتابند.

### 154. نزدیک شهر بصره قبل از شروع جنگ جمل

1. وَإِنِّي قَدْ حَلَلْتُ بِدَارِ قَوْمٍ \*\*\* هُمُ الْأَعْدَاءُ وَالْأَكْبَادُ سُودٌ

2. هُمْ إِنْ يَطْفُرُونِي يَمْتُلُونِي \*\*\* وَإِنْ قَتَلُوا فَلَيْسَ لَهُمْ خُلُودٌ

نزدیک شهر بصره قبل از شروع جنگ جمل

1 اکنون پا در شهری گذاشته ام که ساکنان آنان دشمن من و سیاه دل هستند.

2- اگر در جنگ آینده پیروز شوند، مرا خواهند کشت، و اگر مرا بکشند این گونه نیست که آنها زنده بمانند.

\*\*\*



## 155. در میدان جنگ جمل به فرزندش محمد حنفیه فرمود

إِطْعَنُ بِهَا طَعْنَ أَبِيكَ تُحَمَّدُ \*\*\* لَا خَيْرَ فِي حَرْبٍ إِذَا لَمْ تُوقَدْ

بالمشرفي والِقْنَا الْمُسَدِّدِ

در میدان جنگ جمل به فرزندش محمد حنفیه فرمود

همچون پدرت، با این نیزه نبرد کن، در جنگی که شعله ور نشود خیری نیست.

هم با شمشیرهای مشرفیه شمشیر بزن و هم با نیزه محکم به دشمن یورش ببر.

نکته:

آرزوی هر پدری پیشرفت فرزند است و از سویی آرزوی هر پدر آن است که فرزندش رهرو راه پدر باشد و پوینده راهی باشد که پدر رهرو بوده است.

مولا علی (علیه السلام) با صراحت به محمد فرزندش توصیه می کند که مثل پدر بجنگد و شمشیر بزند.

علی (علیه السلام) کیفیت نبرد فرزندش را همان اندازه دوست دارد که پیروزی در جنگ را دوست دارد.

## 156. در کار پسر ملجم مرادی

أُرِيدُ حَيَاتَهُ وَيُرِيدُ قَتْلِي \*\*\* عَذِيرَكَ مِنْ خَلِيكَ مِنْ مُرَادٍ

ص: 189

من برای ابن ملجم مرادی زندگی می خواهم و او مرگ مرا می خواهد، راستی، عذر پسر مرادی چه خواهد بود؟!

نکته:

فرهنگ دین این است

تمام پیامبران و مصلحان بشریت به دنبال اصلاح جامعه و رشد فکری بشریت هستند و خواستار تحکیم مبانی اخلاقی و دینی جامعه هستند.

پیامبران و پیامبر بزرگ اسلام با حرب و اسلحه قلم و کاغذ به جنگ جهل و نادانی و فریبکاری آمدند.

آری هدف پیامبران اصلاح بشر و رشد فکری آدم ها و پیشرفت معنویت است و تنها تکیه دادن به اسلحه کار پیامبران نیست مگر زمانی که ضرورتی غیر اجتناب ناپذیر پیش آید و چاره ای جز استفاده از سلاح نباشد.

شعر مولا، احیاء انسانیت و انسان ها است و شعار دشمنان مولا کشتن و ویران کردن و نابود کردن است و این امر، به وضوح در جهان کنونی قابل مشاهده است.

امید است ریشه افراد ناصالح تاریخ از بُن برکنده شود.

### 157. شکیبایی

1. أَغْضِ عَيْنًا عَلَى الْفَدَى \*\*\* وَتَصَبِّرْ عَلَى الْأَذَى

2. إِنَّمَا الدَّهْرُ سَاعَةٌ \*\*\* يَقْطَعُ الدَّهْرُ كُلَّ ذَا

- 1- در زندگی بر خاری که در چشم داری، چشم فروپوش و بر آزار و سختی آن صبر کن.
- 2- روزگار ساعتی بیش نیست گذشت روزگار به این همه رنج ها خاتمه می دهد .

### 158. درد از خودت و درمان نیز...

1. دَاوُوكَ فَيْكَ وَمَا تَشْعُرُ \*\*\* وَدَاوُوكَ مِنْكَ وَمَا تُبْصِرُ
2. أَتَرَعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ \*\*\* وَفَيْكَ أَنْطَوَى الْعَالَمِ الْأَكْبَرِ
3. وَأَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الَّذِي \*\*\* بِأَحْرَفِهِ يَطْهَرُ الْمُضْمَرُ
4. فَلَا حَاجَةَ لَكَ فِي خَارِجٍ \*\*\* يُخَيِّرُ عَنْكَ بِمَا سَطُرُ

درد از خودت و درمان نیز...

- 1- درمان دردها در درون تو است و تو خود نمی دانی و رنج ها و دردها از خودت توست و تو از جایی و کسی دیگر آن را می خواهی .
- 2- تو تصور می کنی که جسم کوچکی هستی ولی بدان که هستی و عالم با این همه بزرگی شگفت آور در تو گنجیده شده است.
- 3- تو ای انسان آن کتاب گویایی هستی که همه هستی و جهان در تو گنجیده شده است
- 4- تو به برون نیازی نداری؛ زیرا برون و درون در تو است.

همه جهان در انسان نهفته شده

از آنجایی که خداوند انسان را خلیفه خود در زمین می داند و می نامد و در قرآن مجید، سوره بقره بیان می کند: (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) باید دانست که یک جانشین هم توان جانشینی و هم دانش جانشینی و هم خلاقیت جانشینی و هم خلق کردن جانشینی و هم دانش جانشینی باید داشته باشد.

همه جانوران پرنندگان، چرندگان، خزندگان از بدو خلقت تا کنون همان بوده اند که هستند، ولی این بشر است که هر روز قله های رفیع علم و دانش و... در می نوردد.

سیطره هر موجود و حیوان فقط در درون او است ولی سیطره انسان در همه عالم است.

مولا علی (علیه السلام) بشر را کتاب هستی می داند که همه چیز و همه عالم در او نهفته شده است. از این رو مولا چنین مطلبی را بیان می فرمایند و این سخن جز از علی (علیه السلام) از هیچ کس نباید و نزاید .

### 159. حل مشکلات با اندیشه و فکر

1. إِذَا الْمُسْكَالَاتُ تَصَدَّيْنِ لِي \*\*\* كَشَفْتُ غَوَامِضَهَا بِالتَّنْظُرِ

2. وَإِنْ بَرَقَتْ فِي مَخِيلِي الطُّنُوجُ \*\*\* نُ عَمِيَاءَ لَا يَجْتَلِيهَا الْبَصَرُ

3. مُفْتَعَّةٌ بِغُيُوبِ الْأُمُورِ \*\*\* وَضَعْتُ عَلَيْهَا صَحِيحَ الْفِكْرِ

4. مَعِيَ أَصْمَعُ كَطَبِي الْمُرْهَفَا \*\*\* تِ أَفْرَى بِهِ عَنْ بَنَاتِ السَّيْرِ

5. لِسَانٌ كَشَفْشِقَةِ الْأَرْحَبِيِّ \*\*\* أَوْ كَالْحُسَامِ الْيَمَانِيِّ الدَّكْرِ

6. وَقَلْبُ إِذَا اسْتَنْطَقْتَهُ الْهُمُومُ \*\*\* مُمْ أُزْبَى عَلَيْنَهَا بِوَاهِي الدَّرْزُ

7. وَلَسْتُ بِمَعَةٍ فِي الرِّجَالِ \*\*\* أَسْأَلُ هَذَا وَذَا مَا الْخَبْرُ ؟

8. وَلَكِنِّي مُدْرَبُ الْأَصْغَرِينَ \*\*\* أَقِيسُ بِمَا قَدْ مَضَى مَا غَبَرَ

حل مشکلات با اندیشه و فکر

1- هر زمان که سختی ها و مشکلات رخ نماید و چنگ و دندان نشان دهد، با فکر و اندیشه مشکلات و سختی ها و پیچیدگی های آن را حل می کنم .

2- اگر فکر من در ابرهای خیالات و گمان ها کورکورانه برق زند، و هیچ چشم بازی نتواند آن را حل کند.

3- و پرده ای از رازهای نهان بر آن افکند فکرم را مأموریت می دهم که به صورت صحیح و مدبرانه آن را بگشاید.

4- من برای رفع و دفع آن مشکلات شمشیر برانی از فکر صحیح دارم که با آن پرده را با شیوه های درست بدرم .

5- و نیز برای دفع آن صدایی همچون صدای شتری مست و سرکش و زبانی همچون شمشیر فولاد یمنی دارم .

6- قلبی دارم که وقتی غم های آن را بررسی می کنم، پروانه ها و درهای قیمتی آن افزون می گردد.

7- من کسی نیستم که از این یا آن بپرسم و ترتیب اثر دهم.

8- من دل و زبانم را آگاه و هوشیار نگاه می دارم و حوادث روز را با حوادث گذشته قیاس می کنم و شباهتش را می یابم .

نکته:

علی مرد نامتناهی

علی (علیه السلام) نمونه انسانی کامل و انسانی خداگونه است که در این بیان خودش را معرفی می کند.

و از آن جهت که امیر و سرور است به همه بشریت می آموزد که خود را دست کم نگیرند و بدانند که می توانند کار خدایی کنند و با فکر خویش که خدا به او داده به مشکلات امر کند تا از سر راهش برداشته شوند.

آری:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند \*\*\* بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

بشر این جسم فیزیکی و طبیعی نیست، بلکه بشر نماینده خدا در زمین است و می تواند کار خدایی بکند، البته اگر خود را درک کند.

امید است که همه ما این گفتار حکیمانه مولا علی (علیه السلام) را سرلوحه کار و زندگی خود قرار دهیم.

### 160. شناخت و ...

العلمُ بِاللَّهِ جَمَاعُ الشُّكْرِ \*\*\* وَالْجَهْلُ بِاللَّهِ جَمَاعُ الْكُفْرِ

شناخت و ...

اگر خدا را بشناسی در همه زمینه ها شکرگزار او خواهی بود، و اگر خدا را نشناسی، ناسپاسی و کفر به همه ارزشها خواهی داشت.

ص: 194

## 161. نادانی مرگ است

1. وَفِي الْجَهْلِ قَبْلَ الْمَوْتِ مَوْتُ لِأَهْلِهِ \*\*\* وَأَجْسَادُهُمْ قَبْلَ الْقُبُورِ قُبُورٌ

2. وَإِنْ أَمْرًا لَمْ يَحْيَ بِالْعِلْمِ مَيِّتٌ \*\*\* وَلَيْسَ لَهُ حَتَّى النُّشُورِ نُشُورٌ

نادانی مرگ است

1- برای نادان، نادانی مرگ است پیش از آنکه بمیرد و بدنش در گور رود.

2- آنکه زنده به دانش نیست مرده است و تا روز رستاخیز در یادها نخواهد بود.

## 162. انسان کیست، حیوان چیست

1. أَبْنَىٰ إِنَّ مِنَ الرِّجَالِ بَهِيمَةً \*\*\* فِي صُورَةِ الرَّجُلِ السَّمِيعِ الْمُبْصِرِ

2. فَطِنٌ بِكُلِّ رَزِيَّةٍ فِي مَالِهِ \*\*\* وَإِذَا أُصِيبَ بِدِينِهِ لَمْ يَشْعُرِ

انسان کیست، حیوان چیست

1- پسرم بعضی از مردم حیوانند و ستورند در و ستورند در قالب مردی که می بیند و می شنود.

2- هر گاه به مشکلی برخورد کنند و گزندی به خواسته هایشان برسد بیدار می شوند اما اگر به دینشان زیان برسد بی خیالند.

ص: 195

به راستی انسان کیست و حیوان چیست؟

مولا علی (علیه السلام) در خطبه 151 نهج البلاغه می فرماید:

«إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمُّهَا بُطُونُهَا؛ وَإِنَّ السِّبَاعَ هَمُّهَا الْعُدْوَانُ عَلَى غَيْرِهَا»؛

حیوانات همه هدفشان در زندگی شکمی پر و بدون گرسنگی و درندگان هدفشان تجاوز و ستم به موجودات دیگر است. اما انسانهای مؤمن هدفی الهی دارند.

در این اشعار مولا به یکی از فرزندانش می فرماید: فرزندم بعضی از انسانها هیچ شاخصه ای ندارند جز شکم چرانی و شهوت رانی و لذت های زودگذر؛ گر چه در ظاهر انسانند، اما خوی انسانیت ندارند، کارشان جمع ثروت و مال اندوزی و ظلم و ستم و تجاوز و کبر و تکبر و خودآرایی و اشتغال به لذت های زودگذر دنیوی است، با آنکه همچون انسان های دیگر می بینند و می شنوند، ولی به خاطر غرق شدن در مادیات و دوری از معنویات، از عقل و هوش انسانی بهره ای ندارند.

به هر حال، سود و زیاد آنها آن چیزی است که پروین اعتصامی گفته است:

تا به بازار جهان سوداگریم \*\*\* گاه سود و گاه زیان می آوریم

گر نکو بازارگانیم از چه روی \*\*\* هرگز این سود و زیان را نشمریم

پهلوان اما به کنج خانه ایم \*\*\* آتش اما در دل خاکستریم

گرگ را نشناختیم اندر جهان \*\*\* در چراگاهی که عمری میچریم

\*\*\*

آری در این میان، بیچاره کسانی هستند که قداره بندان را ستایش کرده و اندیشمندان را طرد می کنند و این امر بدترین نوع برخورد است که نتیجه آن دنیایی تاریک و ظلمانی است.



1. حَرِّضُ بَنِيكَ عَلَى الْآدَابِ فِي الصِّغَرِ \*\*\* كَيْ مَا تَقْرُبَهُمْ عَيْنَاكَ فِي الْكِبَرِ

2. وَإِنَّمَا مَثَلُ الْآدَابِ تَجْمَعُهَا \*\*\* فِي عُنُقِ الْوَانِ الصَّبَا كَالْتَّقَشِ فِي الْحَجَرِ

3. هِيَ الْكُنُوزُ الَّتِي تَنْمُو ذَخَائِرُهَا \*\*\* وَلَا يُخَافُ عَلَيْهَا حَادِثُ الْغَيْرِ

4. إِنَّ الْأَدِيْبَ إِذَا زَلَّتْ بِهِ قَدَمٌ \*\*\* يَهْوِي إِلَى فُرْشِ الدِّيْبَاجِ وَالسُّرْرِ

5. النَّاسُ إِثْنَانِ ذُو عِلْمٍ وَمُسْتَمْعٌ \*\*\* وَاعٍ وَسَائِرُهُمْ كَاللَّغْوِ وَالْعَكْرِ

آموزش در خردسالی

1- فرزندت را در خردسالی به فرهنگ و علم وادار تا وقتی بزرگ شد موجب چشم روشنی تو شود.

2- دانش و آدابی که در خردسالی فرا می گیری، همچون نقش بر روی سنگ است که به فراموشی سپرده نشود.

3- دانش و ادب گنجی است که اندوخته های او تا ابد افتخار آمیز باشد. و در مقابل حوادث و کشمکش ها و تغییرات جهان آسیب نخواهد دید.

4- هر زمان که پای اندیشمندی بلغزد، به جای افتادن در تباهی بر روی فرش های دیبا و ابریشم پا خواهد گذاشت و در جهان سقوط نخواهد کرد.

5- باید بدانید مردم سه گروهند: استاد شاگردی که حرف استادش را گوش می کند و دیگران که هیچ و پوچند .

نکته:

انسان در خردسالی چون یک نهال کوچک و قابل انعطاف است، به هر سویی او را هدایت کنی، انعطاف نشان می دهد. ولی زمانی که به صورت یک درخت کهن درآمد، دیگر هیچ گونه انعطاف پذیری ندارد و اگر به آن فشار وارد کنی، می شکنند اما تسلیم نخواهد شد.

لذا مولا در این شعر، این درس را به والدین می دهد تا فرزندان خویش را با آداب نیکو و علم و عرفان آشنا و از کودکی به راه مستقیم هدایت نمایند.

آن بزرگ مرد در نهایت می فرمایند: مردم یا استادند، یا شاگرد، و کسانی که از این دو نوع نیستند، هیچ و پوچند.

#### 164. چگونه به اهدافمان برسیم.

1. لَا يَبْلُغُ الْمَرْءُ بِالْإِحْجَامِ هِمَّتَهُ \*\*\* حَتَّى يُوَصِّلَهَا مِنْهُ بِتَغْزِيرِ

2. حَتَّى يُوَصِّلَ فِي أَفْئَانِ مَطْلَبِهِ \*\*\* غَوْرًا بِنَجْدٍ وَإِغْتَابًا بِتَغْزِيرِ

3. خَاطِرُ بِنَفْسِكَ لَا تَقْعُدُ بِمَعْجَزَةٍ \*\*\* فَلَيْسَ حُرٌّ عَلَى عَجْزٍ بِمَعْدُورِ

4. إِنْ لَمْ تَنْلُ فِي مَقَامٍ مَا تُحَاوِلُهُ \*\*\* فَأَبْلِ عُدْرًا بِإِدْلَاجٍ وَتَهْجِيرِ

ص: 198

چگونه به اهدافمان برسیم.

1- انسان اگر در زندگی عقب نشینی کند و خود را به دل طوفان نزند، به آرزوی خویش نخواهد رسید. و اگر کوتاه آمد باید دوباره دل به طوفان زندگی بزند.

2- بشر وقتی به یک زندگی انسانی و درخت پویایی هدفش می رسد باید با زدن خود به فراز و نشیب ها و قبول سرزنش ها، سستی را کنار بگذارد.

3- برو خطر کن و چنین ضعیف و زبون، خانه نشین نشو! زیرا مرد آزاده سستی نمی کند.

4- اگر به خواسته ای که داری نرسیدی، باید پوزش طلبی و کارت را در شب تاریک و حرکت در کویر و گرمای آن شروع کنی!

### 165. چگونه باید به هدف رسید

1. إِصْبِرْ عَلَى تَعَبِ الإِدْلَاجِ وَالسَّهْرِ \*\*\* وَبِالزَّوْجِ عَلَى الْحَاجَاتِ وَالْبُكْرِ

2. لَا تَضْجَرَنَّ وَلَا يُعْجِزْكَ مَطْلَبُهَا \*\*\* فَالْنُجْحُ يَنْتَلِفُ بَيْنَ الْعَجْزِ وَالضَّجْرِ

3. إِنِّي وَجَدْتُ فِي الْآيَامِ تَجْرِبَةً \*\*\* لِلصَّبْرِ عَاقِبَةٌ مَحْمُودَةٌ الْآثَرِ

4. وَقَلَّ مَنْ جَدَّ فِي أَمْرِ يُطَالِبُهُ \*\*\* فَاسْتَصْحَبَ الصَّبْرَ إِلَّا فَازَ بِالظُّفْرِ

چگونه باید به هدف رسید

1- برای رسیدن به هدف باید با شب بیداری و تلاش شبانه روزی کوشش کنی و تحمل نمایی تا فرشته هدف را در آغوش گیری .

2- زحمت به دست آوردن هدف، نه دلتنگت کند و نه عاجز و ناتوان؛ زیرا در

سایه زبونی و غم پیروزی را از دست خواهد داد.

3- حاصل تجربه من آن است که آدم بردبار و صبور برنده و پیروز است.

4- کمتر دیده ام کسی را که تمام تلاش خود را به کار گیرد، ولی موفق نشده باشد.

نکته:

باید تلاش کرد

کوه نتواند که در مقابل آدم مقاومت کند، زیرا همت مردان آهنین چنگ دمار از روزگار کوه های صخره ای بر می آورد.

کار مردان است طی وادی خونخوار عشق \*\*\* زهره مردان نداری اندر این وادی مگرد

به هر حال انسان های کوشا با تلاش و پشتکار و تعقل به خواسته هایشان خواهند رسید و آدمهای زبون و خانه نشین جز غم و غصه و اعتراض به دیگران و فرسودگی جسم، کاری از پیش نمی برند.

### 166. منتظر گشایش کارها باش

1. إِصْبِرْ قَلِيلًا فَبَعْدَ الْعُسْرِ يُسِيرٌ \*\*\* وَكُلُّ أَمْرٍ لَهُ وَقْتُ وَتَدْبِيرٌ

2. وَلِلْمُهَيْمِنِ فِي حَالَاتِنَا نَظْرٌ \*\*\* وَفَوْقَ تَدْبِيرِنَا لِلَّهِ تَقْدِيرٌ

منتظر گشایش کارها باش

1- اندکی صبر کن که پس از دشواری و سختی گشایش است و هر کاری زمانی دارد که باید در اندیشه آن بود.

2- خدای کارساز خود بر کارهای ما نظارت دارد و آنچه که او می خواهد بالاتر از اندیشه و فکر ما است.

ص: 200

1. إِنْ عَصَكَ الدَّهْرُ فَانْتَظِرْ فَرَجًا \*\*\* فَإِنَّهُ نَازِلٌ بِمُنْتَظَرَةٍ
2. أَوْ مَسَكَ الضُّرُّ وَابْتُلِيَتْ بِهِ \*\*\* فَاصْبِرْ فَإِنَّ الرِّخَاءَ فِي أَثَرِهِ
3. رَبُّ مُعَافَى شَكَا بَعْلَتِهِ \*\*\* وَمُشْتَكٍ مَا يَنَامُ مِنْ سَهَرِهِ
4. كَمْ مِنْ مُعَانٍ عَلَى تَهْوَرِهِ \*\*\* وَمُبْتَلِيٍّ مَا يَنَامُ مِنْ حَذَرِهِ
5. وَفَارِحٍ فِي عِشَاءِ لَيْلَتِهِ \*\*\* دَبَّ إِلَيْهِ الْبَلَاءُ فِي سَحَرَةٍ
6. مَنْ صَحِبَ الدَّهْرَ ذَمَّ صُحْبَتَهُ \*\*\* وَنَالَ مِنْ صَفْوِهِ وَمَنْ كَدَّرَهُ

#### در انتظار گشایش

- 1- اگر سختی های روزگار با نیش زهر آلود خود تو را در تنگنا قرار داد، منتظر پیروزی باش، زیرا پیروزی و موفقیت از آن کسی است که در انتظارش باشد.
- 2- اگر ضرر و زیان و خسارتی دیدی، صبر کن که آسایش در راه است.
- 3- چه بسیار آدم هایی سالم که از درد خیالی می نالد و چه بسیار گلایه کننده که شب نتوانسته بخوابد .
- 4- چه بسیار آدم هایی که شامگاه رنج دیده و با سلاح صبر، تحمل کرده، ولی دردمندی که از ترس مرض، خواب بر چشمش نیامده
- 5- چه بسا آدم هایی که در اوائل شب سالم بودند، ولی سحرگاه به درد و بلا گرفتار شدند.
- 6 - هر کسی با دنیا دوست شود و عمق آن را بداند از همنشینی بدگویی می کند، زیرا هم گشایش آن را دیده و هم تنگناها و کدورت هایش را .

1. يا طَالِبِ الصَّفْرِ بِالدُّنْيَا بِلَا كَدَرٍ \*\*\* طَلَبْتَ مَعْدُومَةً فَايَسَّ مِنَ الظَّفْرِ

2. وَاَعْلَمَ بِأَنَّكَ مَا عُمِّرْتَ مُمْتَحَنٌ \*\*\* بِالشَّرِّ وَالْحَيْرِ وَالْمَيْسُورِ وَالْعَسْرِ

3. أَتَى تَنَالُ بِهَا نَفْعًا بِلَا ضَرَرٍ \*\*\* فَإِنَّهَا خُلِقَتْ لِلنَّفْعِ وَالضَّرَرِ

4. فِي الجُبْنِ عَارٌ وَفِي الإِقْدَامِ مَكْرُمَةٌ \*\*\* وَمَنْ يَفِرُّ فَلَا يَنْجُو مِنَ القَدَرِ

نوش بی نیابی هرگز

1- ای که در زندگی دنیا، زلالی و لذتی خواهی که در آن تیره گی نباشد؛ تو چیزی را می خواهی که به آن دست نیابی، چون وجود ندارد.

2- بدان که سراسر عمر، تشکیل شده از بد و خوب و دشوار و آسان که همه در آن امتحان می شویم.

3- به هیچ منفعتی نخواهید رسید که در پی آن ضرری نباشد چون خلقت هر چیز نفی و اثبات و نفع و ضرر است.

4- این را بدان، که ترسویی ننگ و گام پیش نهادن و استقامت بزرگواری است؛ و اگر از همه ضررهای دنیا فرار کنی از سرنوشت خود نمی توانی فرار کنی؛ بلکه به سوی آن فرار کرده ای نه از آن (1).

ص: 202

---

1- قرآن مجید می فرماید: (وَيَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْحَيْرِ ) ، ما شما را به بد و خوب آزمایش میکنیم. (سوره انبیاء، آیه 35)

1. عَسَىٰ مِنْهَلْ يَصْفُو فَيَرْوِي ظَمِيمَةً \*\*\* أَطَالَ صَدَاهَا الْمَنْهَلُ الْمُتَكَدِّرُ

2. عَسَىٰ بِالْجُنُوبِ الْعَارِيَاتِ سَتَكْتَسِي \*\*\* وَبِالْمُسْتَدَلِّ الْمُسْتَضَامِ سَيُنْصَرُ

3. عَسَىٰ جَابِرُ الْعِظْمِ الْكَسِيرِ بِطُفْهِهِ \*\*\* سَيَرْتَاخُ لِلْعِظْمِ الْكَسِيرِ فَيَجْبُرُ

4. عَسَىٰ اللَّهُ لَا يَتَأَسُّ مِنَ اللَّهِ إِنَّهُ \*\*\* يَسِيرٌ عَلَيْهِ مَا يَعِزُّ وَيَعْسُرُ

امیدواری

1- امید آن است که در این آبشخور دنیا، تشنگان آب زلال خورند، و مدتها که تشنگان آب زلال نخورده اند آب زلال بنوشند.

2- امید است بدن های عریان همه جامه نو بپوشند و به افراد ستمدیده یاری رسد.

3- امید است خداوند متعال با لطفش که استخوان های شکسته را ترمیم کند.

4- امید است دشواری های زندگی از سوی خداوند آسان شده و مایوس ها فرشته امید را در آغوش گیرند.

\*\*\*

## 170. غم و شادی پاینده نیست

1. لَيْنُ سَاعِنِي دَهْرٌ عَزَمْتُ نَصَبًا \*\*\* فَكُلُّ بَلَاءٍ لَا يَدُومُ يَسِيرٌ

2. وَإِنْ سَرَنِي لَمْ أَبْتَهِجْ بِسُرُورِهِ \*\*\* فَكُلُّ سُورٍ لَا يَدُومُ حَقِيرٌ

غم و شادی پاینده نیست

1- اگر زندگی و روزگار به من فشار آورد من عزم دارم که صبر کنم زیرا از آنجا که همه رنج ها و بلاها پایان دارد صبر در قبال آن آسان است.

2- اگر روزگار مرا شاد کند خیلی گول شادیش را نخواهم خورد، زیرا هر شادی ای که پایان، دارد بی اهمیت و ناچیز است

## 171. غم و شادی پاینده نیست

1. لَيْنُ سَاعِنِي دَهْرٌ فَقَدْ سَرَنِي دَهْرٌ \*\*\* وَإِنْ مَسَّنِي عُسْرٌ فَقَدْ مَسَّنِي يُسْرٌ

2. لِكُلِّ مِنَ الْأَيَّامِ عِنْدِي عَادَةٌ \*\*\* فَإِنْ سَاعِنِي صَبْرٌ وَإِنْ سَرَنِي شُكْرٌ

غم و شادی پاینده نیست

1- اگر روزگار غمگینم کرده قبلاً روزهایی شادم کرده بود.

2- هر روزی یک جور است یا شادی، یا غم اگر بر من فشار آورد صبر می کنم و اگر خوشحالم کند، سپاسگزار و شکرگزارم.



## 172. دل باید بی نیاز باشد

1. غِنَى النَّفْسِ يَكْفِي النَّفْسَ حَتَّى يَكْفِيهَا \*\*\* وَإِنْ عَسَرَتْ حَتَّى يُضِرُّ بِهَا الْفَقْرُ

2. فَمَا عُسْرَةُ فَاصْبِرْ لَهَا إِنْ لَقَيْتَهَا \*\*\* بِدَائِمَةٍ حَتَّى يَكُونَ لَهَا يُسْرٌ

دل باید بی نیاز باشد

1- احساس بی نیازی، انسان را از ضربه پذیری فقر مصون می دارد و اگر سخت گیری کند فقر او را از پای در می آورد.

2- اگر سختی به تو رو آورد یقین داشته باش که دوام نخواهد آورد تا به آسایش منجر شود.

## 173. دل باید بی نیاز باشد

1. وَمَا أَثَرَ التَّقْصِيرِ إِلَّا مُقْصِرٌ \*\*\* رَأَى نَفْسَهُ حَلَّتْ مَحَلَّ الْمُقْصِرِ

2. وَكُلُّ أَمْرِي يَأْتِي بِمَا هُوَ أَهْلُهُ \*\*\* فَأَهْلٌ لِمَعْرُوفٍ وَأَهْلٌ لِمُنْكَرٍ

دل باید بی نیاز باشد

1- مجرم چون در دل خود مجرمانه فکر کند خود به دنبال جرم می رود، چون خویش را هم ردیف بزهکاران می بیند.

2- هر کس کاری را انجام می دهد که شایسته آن است؛ یا کار خوب انجام می دهد و یا کار بد.

ص: 205

## 174. کارها را بر خود آسان گیر

1. وَهَوِّنْ عَلَيْكَ فَإِنَّ الْأُمُورَ \*\*\* بِكَفِّ الْإِلَهِ مَقَادِيرُهَا

2. فَلَيْسَ بِأَتِيكَ مِنْهِيَهَا \*\*\* وَلَا قَاصِرٌ عَنْكَ مَأْمُورُهَا

کارها را بر خود آسان گیر

1- کارها را بر خود آسان گیر، زیرا امور در دست خدا است.

2- آنچه که نهی فرموده گریبانگیر تو نخواهد شد، و آنچه که نصیب و قسمت تو است خواهد آمد.

## 175. چه روزی می توان گریخت

1. أَيُّ يَوْمِي مِنَ الْمَوْتِ أَفْرٌ \*\*\* يَوْمَ مَا قُدِّرَ أَمْ يَوْمَ قُدِّرَ

2. يَوْمَ مَا قُدِّرَ لَمْ أَخْشَ الرَّدَى \*\*\* وَإِذَا قُدِّرَ لَمْ يُغْنِ الحَدْرُ

چه روزی می توان گریخت

1- از کدام روز عمرم فرار کنم؟ اول روزی که نمی میرم، دوم، روزی که باید بمیرم.

2- در روزی که نباید بمیرم، فرار، ابلهی است و ترسی ندارد، و در روزی که باید بمیرم، فرار پستی است و فایده ندارد چون کار تمام است.

1. لِلنَّاسِ حِرْصٌ عَلَى الدُّنْيَا يَتَّبِعُونَ \*\*\* وَصَفَوْهَا لَكَ مَمْرُوجٌ يَتَّكِدُونَ

2. كَمْ مِنْ مَلِيحٍ عَلَيْهَا لَا تَسَاعِدُهُ \*\*\* وَعَاجِزٍ نَالَ دُنْيَاهُ يَتَّقَصِيرُ

3. لَوْ كَانَ عَنْ قُوَّةٍ أَوْ عَنْ مُغَالَبَةٍ \*\*\* طَارَ الْبُرْءُ بِأَرْزَاقِ الْعَصَافِيرِ

4. لَمْ يُرْزَقُوا بِعَقْلِ حِينَ مَا رُزِقُوا \*\*\* لَكِنَّهُمْ رُزِقُوا بِالْمَقَادِيرِ

روزی هر کس اندازه ای دارد

1- انسان ها برای جمع آوری ثروت مالی و سیاسی دنیا زیاده روی می کنند، در حالی که همه چیز این جهان چه خوبی و بدی، و چه زشتی و زیبایی، به هم آمیخته است و اندازه دارد.

2- چه بسیار آدم هایی که در به دست آوردن آن پافشاری و زیاده روی می کنند و نتیجه ای نمی گیرند. و آدم های ناتوانی که راحت آن را به دست می آورند.

3- اگر ملاک پیروزی زیرکی و غلبه و نیرو بود، کرکس ها در روی زمین گنجشکی باقی نمی گذاشتند .

4- با عقل و زیرکی و زرنگی، روزی به دست نمی آید، بلکه روزی هر کس اندازه ای دارد.

نکته:

در دریاها و خشکی ها و کوه ها و دشت ها و حتی در هوا، موجودات فراوانی از حیوانات زندگی می کنند .

در مجموع آنها از موجودات پر قدرت و توانا و موجودات ضعیف و ناتوان تشکیل شده اند که نوعاً موجودات ضعیف خوراک و طعمه موجودات قوی قرار می گیرند.

و اگر تقدیر خلقت از سوی پروردگار نبود و نباشد باید تمام موجودات ضعیف نابود شده بودند و امروز در این کره خاکی موجود ضعیفی وجود نمی داشت در حالی که وضعیت موجود غیر از این را نشان می دهد.

اینک ای خواننده عزیز، به خدا توکل کن و از او یاری جو و به او توکل کن، و برای به دست آوردن پست و مقام، به کسی ظلم و ستم نکن و شقاوت نشان نده .

### 177. چرخ گردون

1. رَأَيْتُ الدَّهْرَ مُخْتَلِفًا يَدُورُ \*\*\* فَلَا حُزْنَ يَدُومُ وَلَا سُرُورَ

2. وَقَدْ بَنَتِ الْمُلُوكُ بِهِ قُصُورًا \*\*\* فَمَا بَقِيَ الْمُلُوكُ وَلَا الْقُصُورَ

چرخ گردون

1- چرخ گردون یک گونه نمی چرخد، گاهی چرخش او شادی آور و گاهی حزن آفرین است.

2- پادشاهان و رهبران، کاخ های سر به فلک کشیده می سازند، ولی پس از زمانی نه کاخی می ماند و نه کاخ نشینی.

### 178. چرخ گردون

1. جَمِيعُ فَوَائِدِ الدُّنْيَا غُرُورٌ \*\*\* وَلَا يَبْقَى لِمَسْرُورٍ سُرُورُ

2. فُقُلٌ لِلشَّامِتِينَ بِنَا أَفِيقُوا \*\*\* فَإِنَّ نَوَائِبَ الدُّنْيَا تَدُورُ

ص: 208

1- تمام بهره های دنیا دامی بیش نیست، و برای فرد خوشحال شادی ای نمی ماند و همه چیز نابود می شود.

2- به فحاشان و شماتت کنندگان ما بگو، به هوش باشید که ناگواری های دنیا در حال گردش است.

### 179. و نیز این گونه

1. دُنْيَا، عَدِمْتُكَ مَا أَمَرَكَ \*\*\* لِلْمُكْثَرِينَ فَمَا أَضْرَكَ

2. مَا ذَاقَ خَيْرِكَ ذَائِقٌ \*\*\* إِلَّا صَبَبَتْ عَلَيْهِ شَرُّكَ

و نیز این گونه

1- ای دنیا، تو را نادیده گرفتم، چقدر تلخی و آنهایی که به آغوش تو رسیدند، چقدر ضرر کردند

2- خوبی و لذت تو را کسی نچشد، جز آنکه بویت را در کام تلخ خویش چشید.

نکته:

بشر از دیرباز برای به دست آوردن پست و مقام و مال و... علاقه دارد که مخالفان خود و کسانی را که سد راه او در رسیدن به این امیال نفسانی هستند، نابود کند. گاهی به وسیله حيله و تزویر و دروغ، گاهی به وسیله جنگ و نابود کردن طرف مقابل و ایجاد زمینه برای ترکتازی خویش؛ چرا که دنیاپرستان برای رسیدن به آرزوی خویش از همه ابزارها استفاده می کنند، و گاهی به وسیله علم و پیشرفت های علمی و ساخت سلاحهای مخرب و نابود کننده بشریت، در این میان

ناجوانمردانه ترین سلاحی که بشر برای پیشبرد خود در بعضی از مراحل زندگی به کار می گیرد استفاده از دروغ است .

با دروغ بستن به افراد و تزویر و ایجاد جو نامساعد سعی می کند که حریف خود را از میدان مبارزه بیرون کند.

متأسفانه در دنیای مدرن امروز شاهد هر چه بیشتر شدن این پدیده شوم هستیم که بعضی با دروغ بستن به حریف خود و ریاکاری سعی در نابود کردن طرف مقابل دارند. و این مشکل و گناه بزرگ زمانی بیشتر خود را نشان می دهد که در کشورهایی که مذهب در آنجا پررنگ تر است از این حربه ناجوانمردانه بیشتر استفاده می شود.

تهمت زدن و پخش شایعه که متأسفانه به خاطر آن ما نیروهای کارآمد بسیاری را از دست داده ایم و این دردآور است که این افراد با اسلحه تهمت نیروهای به اصطلاح مذهبی نابود شده اند.

سابقه این پدید شوم را در تاریخ اسلام نیز به خوبی مشاهده می کنیم؛ زمانی که با دروغ و تهمت، جانیان لقب امیرالمؤمنین به خود گرفتند و صدها سال بنی امیه و بنی مروان و بنی العباس با همین حربه، بر اسلام و مسلمین ضربه زده و با همین ابزار شخصیت های مؤثر و کارآمد را از میدان به در کرده و افراد بی شخصیت و بی ارزش با القاب عالی بر ملت ها حکومت کردند.

تا آنجا که در زمان رضا شاه یکی از مبارزان راه آزادی این شعر را

سرود :

بی خبرتر هر که از ملت ، خبیرالدوله شد \*\*\* ناصر بیگانگان نامش نصیرالدوله شد

هر خیانتکار را شهرت امین ملک شد \*\*\* بی سبب هر گربه طبع سفله شیرالدوله شد

ص: 210

آنکه عمری با وقاحت خورد اموال صغار \*\*\* بهر تشویق ملقب بر صغیر الدوله شد  
هر کچل را زلف علی گفتند در این مرز و بوم \*\*\* کور هم در کشور دارا بصیر الدوله شد  
شد اسیر این لقبها ملت این آب و خاک \*\*\* نام ملت زین اسارت هم اسیر الدوله شد

### 180. همه روزی خوار تواند ای خدا

1. سُبْحَانَ رَبِّ الْعِبَادِ وَالْوَبْرَهُ \*\*\* وَرَازِقِ الْمُتَّقِينَ وَالْفَجْرَةَ

2. لَوْ كَانَ رِزْقُ الْعِبَادِ مِنْ جَلْدٍ \*\*\* مَا نَلْتُ مِنْ رِزْقِ رَبِّنا مَدْرَهُ

همه روزی خوار تواند ای خدا

1- منزه است پروردگار انسان ها و همه جانداران و روزی ده پرهیزگاران و تبه کاران .

2- اگر روزی را فقط زیرک ها به دست می آوردند ، روزی آن رزاق هستی به کلوخی نمی رسید.

### 181. آرزوهای طولانی

1. تُؤْمَلُ فِي الدُّنْيَا طَوِيلًا فَلَا تَدْرِي \*\*\* إِذَا جَنَّ لَيْلٌ هَلْ تَعِيشُ إِلَى فَجْرِ

2. فَكَمْ مِنْ صَاحِحٍ مَاتَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ \*\*\* وَكَمْ مِنْ مَرِيضٍ عَاشَ دَهْرًا إِلَى دَهْرٍ

ص: 211

3. وَكَمْ مِنْ فَتَى يُمَسِّي وَيُصْبِحُ آمِنًا \*\*\* وَقَدْ نُسِجَتْ أَكْفَانُهُ وَهُوَ لَا يَدْرِي

آرزوهای طولانی

1- در این زندگی دنیا، آرزوهای طولانی داشته باش، ولی آیا می دانی وقتی وارد شب شدی آیا تا صبح زنده ای؟

2- ای بسا انسان هایی سالم، بدون دلیل مردند، و از سوی آدم هایی بیمار مدت مدیدی زنده ماندند.

3- بسا انسانی که در کمال صحت شب را صبح و صبح را به شب می رساند و نمی داند که فردا بر تن او کفن خواهند کرد.

### 182. چقدر نسبت به روزگار خوش گمانی

1. أَحْسَنْتَ ظَنَّاكَ بِالْأَيَّامِ إِذْ حَسَنْتَ \*\*\* وَلَمْ تَخَفْ سُوءَهَا يَأْتِي بِهِ الْقَدْرُ

2. وَسَأَلَمْتُكَ اللَّيَالِي فَاعْتَرَزْتَ بِهَا \*\*\* وَعِنْدَ صَفْوِ اللَّيَالِي يَحْدُثُ الْكَدْرُ

چقدر نسبت به روزگار خوش گمانی

1- روزگار که با تو خوشرفتاری می کند و اوضاع زندگی به کامت باشد به او خوش بینی! اما چرا از بدرفتاری او هیچ بیم و ترسی نداری.

2- شب با تو مسالمت آمیز برخورد می کند و تو گول او را می خوری، در حالی که در آرامش شب تاریکی و رنج خواهد رسید.

\*\*\*

ص: 212



## 183. عیب از دنیا مگیر

1. تَعِيبُ رِجَالٍ زَمَانًا مَضَى \*\*\* وَمَا لِزَمَانٍ مَضَى مِنْ غَيْرِ

2. أَرَى اللَّيْلَ يَجْرِي كَعَهْدِي بِهِ \*\*\* وَإِنَّ النَّهَارَ عَلَيْنَا يَكُرُّ

3. وَلَمْ يَحْسِبِ الْقَطْرُ عَنَا السَّمَاءُ \*\*\* وَلَمْ تَتَكْسِفْ شَمْسُنَا وَالْقَمَرُ

4. فَقُلْ لِلَّذِي ذَمَّ صَرْفَ الزَّمَانِ \*\*\* ظَلَمْتَ الزَّمَانَ فَذَمَّ الْبَشَرُ

عیب از دنیا مگیر

1- بعضی از ما زمان را بد می گویند و بر او عیب می گیرند، زمانه همین است تغییری نکرده است.

2- شب را مثل گذشته می بینم که او را شناخته ام، و روز نیز تکرار روز گذشته است.

3- چیزی عوض نشده، باران از آسمان قطع نشده، و خورشید نیز همچون گذشته نورافشانی می کند.

4- به آن که چرخ گردون را معیوب می بیند، بگویند، بر چرخ تهمت زده و ستم می کنی، آدم را نکوهش کن که جهان را فاسد کرده است.

## 184. زندگی در دنیا رنج است

1. مَا هَذِهِ الدُّنْيَا لِطَالِبِهَا \*\*\* إِلَّا عَنَاءٌ وَهُوَ لَا يَدْرِي

2. إِنَّ أَقْبَلْتُ شَعَلَتْ دِيَانَتَهُ \*\*\* إِنَّ أُدْبِرْتُ شَعَلَتْهُ بِالْفَقْرِ

ص: 213

1 این دنیا برای طالب خود چیزی جز رنج و درد نیست، او نمی داند.

2- هر زمان این دنیا به او روی آورد و زندگیش سامان یافت، از دین منحرفش می کند و هر زمان که پشت کند، به نداری و رنج سرگرمش می کند.

### 185. امتحان و آزمون شصت سال عمر

1. بَلَوْتُ صُرُوفَ الدَّهْرِ سِتِّينَ حِجَّةً \*\*\* وَجَرَّبْتُ حَالِيهِ مِنَ الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ

2. فَلَمْ أَرِ بَعْدَ الدِّينِ خَيْرًا مِنَ الْغِنَى \*\*\* وَلَمْ أَرِ بَعْدَ الْكُفْرِ شَرًّا مِنَ الْفَقْرِ

امتحان و آزمون شصت سال عمر

1- دگرگونی های روزگار را شصت سال تجربه کردم و سختی و خوشی های او را نیز؛

2 در این مدت توانگرت از دین و ایمان چیزی ندیدم، و پس از کفر به خدا چیزی بدتر از فقر ندیدم.

186

1. كَثِيرُ الْمَالِ لَيْسَ لَهُ عَوَاذٌ \*\*\* وَلَا فِي كُلِّ مَا يَأْتِيهِ عَارٌ

2. لِأَنَّ الْمَالَ يَسْتُرُ كُلَّ عَيْبٍ \*\*\* وَفِي الْفَقْرِ الْمَدَلَّةُ وَالصَّغَارُ

3. كَذَلِكَ الْفَقْرُ بِالْأَحْرَارِ يُزْرِي \*\*\* كَمَا أَزْرَتْ بِشَارِبِهَا الْعُقَاذُ

ص: 214

- 1- ثروتمند در نظر مردم عادی، نه عیب دارد و نه آنچه که انجام می دهد برای او ننگ است.
- 2- چون مال و ثروت همه عیب ها را در نظر عوام می پوشاند، ولی فقر، ذلت و خواری است.
- 3- فقر به آزادگان ضربه می زند، آن گونه که شراب آدم را خوار و زبون می کند .

نکته:

وقتی انسان ها رسالت خویش را در خلقت گم کرده باشند و درک نکنند برای چه خلق شده اند و در زندگی خویش رمز و راز هستی را گم کرده باشند و از سویی مقام و منزلت خویش را به عنوان خلیفه و جانشین خداوند در زمین درک نکرده باشند و اصولاً خودیت خویش را در هستی درک نکرده باشند و همچون حیوانات تنها هدف شهرت و شهوت و مال و مقام باشد، طبیعی است ارزشها به ضد ارزش تبدیل می گردد.

چنین افرادی حتی خود را هم نمی شناسند تا چه برسد که رمز و راز هستی را بشناسند. در چنین شرایطی:

ارزش ها، ضد ارزش، و ضد ارزش ها را ارزش می بینند و روی آن درک ناصحیح پافشاری

می کنند.

به قول مولا(علیه السلام) آدم ها را در غربال سنجش خود گذاشته و فقط برای ثروتمندان احترام قائل می شوند، آنجاست که ارزش قضاوت آنها مصداق این بیت است که :

هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور \*\*\* که نان گندم درویش طعم جو دارد

ص: 215

1. مَسَاكِينُ أَهْلِ الْفَقْرِ حَتَّى فُبُورِهِمْ \*\*\* عَلَيْهَا تُرَابُ الدَّلِّ بَيْنَ الْمَقَابِرِ

مستمند

بیچاره مستمند که ( نه تنها منزلش بدون فرش و خاکی است )، حتی بر قبر او نیز گردِ خواری نشسته است.

### 188. نداری

1. دَلِيلُكَ أَنَّ الْفَقْرَ خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى \*\*\* وَأَنَّ قَلِيلَ الْمَالِ خَيْرٌ مِنَ الْمُشْرِي

2. لِقَاؤُكَ مَخْلُوقًا عَصَى اللَّهَ لِلْعِنَى \*\*\* وَلَمْ تَرَ مَخْلُوقًا عَصَى اللَّهَ لِلْفَقْرِ

نداری

1- نشانه آنکه نداری بهتر از دارایی و درویشی بهتر است از توانگری آن است که :

2- می بینی که بسیاری از مردم به خاطر ثروت دست به گناه می زنند، اما فقیری که به خاطر فقر دست به گناه بزند ندیده ای، چون خیلی از گناهان به پول نیاز دارد.

### 189. بعد از لذت آتش جهنم

1. تَقَى اللَّدَادَةَ مِمَّنْ نَالَ شَهْوَتَهَا \*\*\* مِنَ الْحَرَامِ وَيَبْقَى الْإِثْمُ وَالْعَارُ

2. تَبَقَى عَوَاقِبُ سَوْءٍ فِي مَغْيَتِهَا \*\*\* لَا خَيْرَ فِي لَذَّةٍ مِنْ بَعْدِهَا نَارُ

ص: 216

بعد از لذت آتش جهنم

- 1- شهوت های حرام برای مرتکب آن لذتی زودگذر و گناه و ننگش ابدی و پایدار است.
- 2- به هر حال، عواقب زشت و بد شهوترانی از گناه می ماند، در لذتی که بعدش آتش جهنم و ننگ است خیری نیست.

### 190. ننگ در چیست؟

1. أَلْتَارُ أَهْوَنَ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ \*\*\* وَالْعَارُ يُدْخِلُ أَهْلَهُ فِي النَّارِ
2. وَالْعَارُ فِي رَجُلٍ يَبِيتُ وَجَارُهُ \*\*\* طَاوِي الْحِشَا مُتَمَرِّقُ الْأَطْمَارِ
3. وَالْعَارُ فِي هَضْمِ الضَّعِيفِ وَظُلْمِهِ \*\*\* وَإِقَامَةِ الْأَخْيَارِ بِالْأَشْرَارِ
4. وَالْعَارُ أَنْ تُجِدِي عَلَيْكَ صَنِيعَةً \*\*\* فَتَكُونَ عِنْدَكَ سَهْلَةَ الْمِقْدَارِ
5. وَالْعَارُ فِي رَجُلٍ يَحِيدُ عَنِ الْعِدَى \*\*\* وَعَلَى الْقَرَابَةِ كَالْهَزْبِ الضَّارِي
6. وَالْعَارُ أَنْ تَكُ فِي الْأَنَامِ مُقَدَّمًا \*\*\* وَتَكُونَ فِي الْهَيْجَا مِنَ الْفُرَارِ
7. جَاهِدْ عَلَى طَلَبِ الْحَلَالِ وَلَا تَكُنْ \*\*\* تَغْذُوهُ بِالْإِسْرَافِ وَالتَّبَدَّارِ
8. إِلَّا لِأَهْلِكَ أَوْ لِصَنِيفِكَ أَوْ لِمَنْ \*\*\* يَشْكُو إِلَيْكَ مَضَاضَةَ الْإِعْسَارِ

نگ در چیست؟

- 1- پذیرش آتش بهتر از قبول ننگ است، زیرا ننگ، اهل خود را در آتش می اندازد.
- 2- ننگ آن است که انسان شب سیر بخوابد، در حالی که همسایه اش گرسنه خوابیده و لباس فراوان داشته باشد و همسایه اش برهنه باشد.

ص: 217

3- ننگ، آسیب زدن به افراد ضعیف و ظلم به آنان و افراد بالادست را به وسیله ظلم و ستم اشرار نگه داشتن است.

4- ننگ آن است که به تو خدمت کنند و تو به خاطر غرور بی جای خود، آن را بی ارزش، بدانی گو اینکه وظیفه دیگران خدمت است.

5- ننگ، کار کسی است که در میدان جنگ از دشمن می گریزد، اما در برخورد با خویشان خود همچون شیر درنده می شود.

6- ننگ آن است که با وجود پستی، در مقام بالا نشینی و در میدان جنگ و جهاد حضور نداشته و فرار کنی .

7- در به دست آوردن مال حلال کوشش کن، ولی با خوردن و ریخت و پاشهای بی مورد اسراف نکن .

8- و خرج آن برای خانواده و میهمان و هر کس که به تو به خاطر نداشتن و نداری رو می اندازد، اشکال ندارد .

### 191. خوبان و نیکان رفتند

1. ذَهَبَ الرَّجَالُ الْمُقْتَدِي بِفَعَالِهِمْ \*\*\* وَالْمُنْكَرُونَ لِكُلِّ أَمْرٍ مُنْكَرٍ

2. وَبَقِيَتْ فِي خَلْفٍ يُزَيِّنُ بَعْضُهُمْ \*\*\* بَعْضًا لِيُدْفَعَ مُعَوَّرٌ عَنْ مُعَوَّرٍ

3. سَلَكُوا بُنْيَاتِ الطَّرِيقِ فَأَصْبَحُوا \*\*\* مُتَنَكِّبِينَ عَنِ الطَّرِيقِ الْأَكْبَرِ

خوبان و نیکان رفتند

1- آنان که پیشوای انسان ها در نیکی و مخالف کارهای زشت بودند، رفتند.

2- و من در میان باقیمانده آنان هستم که یکدیگر را با تملق های بیجا و با بزرگ کردن افراد ناصالح میارایند تا در نهایت بتواند با انحراف خود،

ص: 218

مثلاً منحرفی را دفع کنند.

3- راه اصلی را رها کرده و به کوره راهها پناه برده و در آن گام برمی دارند. و با بزرگ کردن نالایق ها افراد ناصالح را به پست و مقامی می رسانند.

نکته:

چگونه با نردبان تملق بالا میروند

با مرور و دقت در تاریخ بشر یک مسئله تکراری همیشه دیده می شود و آن مسئله این است که دستهای پشت پرده با برنامه ریزی، افراد بزرگ و شخصیت های ارزشی را با دروغ و تهمت از جامعه حذف می کنند و در قبال این روش پست، افراد ناصالح را بزرگ جلوه می دهند تا بتوانند در سایه آن به آنچه که آرزومند هستند، یعنی مال و مقام برسند.

و در نهایت به قول مولا (علیه السلام) علی که در پایان این غزل فرموده:

آنها راه اصلی را رها کرده به کوره راهها پناه برده و رهرو کوره راه ها هستند و این سیاست گمراهان است.

## 192. به چه کسی شکایت کنیم

1. وَلَا خَيْرَ فِي الشُّكْوَى إِلَى غَيْرِ مُشْتَكٍ \*\*\* وَلَا بُدَّ مِنْ شَكْوَى إِذَا لَمْ يَكُنْ صَبْرًا

2. أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْبَحْرَ يَنْضِبُ مَأْوَهُ \*\*\* وَيَأْتِي عَلَى حَيْتَانِهِ نُوبُ الدَّهْرِ

3. أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفَقْرَ يُرْجَى لَهُ الْغِنَى \*\*\* وَأَنَّ الْغِنَى يُحْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْفَقْرِ

ص: 219

به چه کسی شکایت کنیم

- 1- شکایت و نالیدن پیش بی دردها بیهوده است، اما زمانی که صبر لبریز شد چاره ای نیست .
- 2- مگر نمی بینی اگر آب دریا خشک شود، آنگاه است که دشواری ها بر ماهی ها فرود آید.
- 3- مگر نمی دانی که دوران نداری، هنگام امید داشتن به بی نیازی است و هنگام بی نیازی زمان ترس از نداری است.

### 193. ثابت قدم قابل ستایش است

1. إِذَا زِيدَ شَرًّا زَادَ صَبْرًا كَأَنَّمَا \*\*\* هُوَ الْمِسْكُ مَا بَيْنَ الصَّلَاةِ وَالْفَهْرِ

2. لِأَنَّ فَتِيَتَ الْمِسْكِ يَزْدَادُ طَيِّبُهُ \*\*\* عَلَى السَّحْقِ وَالْحَرِّ أَصْطَبَارًا عَلَى الشَّرِّ

ثابت قدم قابل ستایش است

- 1- هر چه سختی بیشتر شود، صبر بیشتر، کار را به نتیجه می رساند؛ مانند ناف آهوی مُشک که بین کوبه و هاون تحت فشار است.
- 2- زیرا شکسته شدن مشک در اثر فشار و سختی بوی آن را بیشتر می کند و بیش از سائیدن بوی خوش می دهد، و در اثر فشار و سوختن، خوشبوتر می شود چون صبر می کند .

ص: 220



1. رَبُّ فَتَىٰ دُنْيَاهُ مَوْفُورَةٌ \*\*\* لَيْسَ لَهُ مِنْ بَعْدِهَا آخِرَةٌ

2. وَآخِرُ دُنْيَاهُ مَذْمُومَةٌ \*\*\* تَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَآخِرَةٌ

3. وَآخِرُ فَازٍ يَكِلْتَهُمَا \*\*\* قَدْ جَمَعَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرَةِ

4. وَآخِرُ يُحْرَمُ كِلْتَيْهِمَا \*\*\* لَيْسَ لَهُ الدُّنْيَا وَلَا الْآخِرَةُ

دنیا و آخرت

1- چه بسیار آدم هایی که دنیایشان آباد است و همه چیز دارند، ولی سرای آخرتشان بدون سرمایه و بدون اسباب و معیشت است.

2- و دیگری که وضعیت مالی و موقعیت خوبی ندارد، ولی آخرت و آینده ای آباد و افتخارآمیز دارد.

3- گروه سوم افرادی هستند که هم دنیا را دارند و هم آخرت را، و بین دنیا و آخرت جمع کرده اند، اینان افراد زیرکی هستند.

4- و گروه چهارم آنهایی هستند که به قول قرآن مجید خسر دنیا و الاخرة هستند که نه دنیا را دارند و نه آخرت را .

195

1. أَرْبَعَةٌ فِي النَّاسِ مَيِّزَتُهُمْ \*\*\* أَحْوَالُهُمْ مَكْشُوفَةٌ ظَاهِرَةٌ

2. فَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَقْبُوضَةٌ \*\*\* تَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَآخِرَةٌ

3. وَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَحْمُودَةٌ \*\*\* لَيْسَ لَهُ مِنْ بَعْدِهَا آخِرَةٌ

ص: 221

4. وَوَأَحَدٍ فَازَ بِكِلْتَيْهِمَا \*\*\* قَدْ جَمَعَ الدُّنْيَا مَعَ الآخِرَةِ

5. وَوَأَحَدٌ مِنْ بَيْنِهِمْ ضَائِعٌ \*\*\* لَيْسَ لَهُ دُنْيَا وَلَا آخِرَةٌ

باز دنیا و آخرت

1- چهار گروه از مردم را شناسایی کرده ام که زندگی و آینده آنها کاملاً روشن است.

2- اول گروهی که زندگی خوبی ندارد، ولی آخرتی افتخارآمیز دارند.

3- دوم گروهی که زندگی و دنیایی آباد دارند ولی آخرت خوبی ندارند.

4- گروه سوم کسانی هستند که هر دو را دارند، و دنیا و آخرت را جمع کرده اند.

5- گروه چهارم گروهی بدبخت هستند که نه دنیا را دارند و نه آخرت را.

### 196. زیبایی اخلاق

1. أُرِيدُ بِذَاكُمْ أَنْ يَهْشُوا لِطَلْقَتِي \*\*\* وَأَنْ يُكْثِرُوا بَعْدِي الدُّعَاءَ عَلَى قَبْرِي

2. وَأَنْ يَمْنَحُونِي فِي الْمَجَالِسِ وَدَهْمٌ \*\*\* وَإِنْ كُنْتُ عَنْهُمْ غَائِبًا أَحْسَنُوا ذِكْرِي

زیبایی اخلاق

1- به این روش و اخلاق خرسندم که در زندگی ام، مردم با دیدن من هم چون گل بشکفند، و پس از مرگ من بر قبرم بسیار دعا بخوانند و خیرخواهم باشند.

2- در مجالس و انجمن ها مهربانی شان را نثارم کنند و اگر در بینشان نباشم، به نیکی از من یاد کنند .

ص: 222

## 197. هزار دوست کم، یک دشمن زیاد

1. عَلَيْكَ بِإِخْوَانِ الصِّفَاءِ فَإِنَّهُمْ \*\*\* عماد إذا استتجدتَّهم وظهورُ

2. وَمَا بِكَثِيرٍ أَلْفُ خَلٍّ وَصَاحِبٍ \*\*\* وَإِنَّ عَدُوًّا وَاحِدًا لَكَثِيرٌ

هزار دوست کم، یک دشمن زیاد

1- دوستان با صفا و صمیمیت را حفظ کن، چون در سختی ها اگر از آنها کمک خواهی تو را یاری می کنند.

2- هزار دوست کم است و یک دشمن زیاد است.

نکته:

فرهنگ اسلام و علی (علیه السلام) همین منشور است که باید مد نظر قرار گیرد و اگر به این منشور توجه نشود، آن می شود که شده است.

## 198. آدم بی خیر

1. مَا فِيكَ خَيْرٌ وَلَا مَيْرٌ يُعَدُّ لَهُ \*\*\* فَصَيِّتْ مِنْكَ لُبَانَاتِي وَأَوْطَارِي

2. فَإِنْ بَقِيَتْ فَلَا تُرْجَى لِمَكْرَمَةٍ \*\*\* وَإِنْ هَلَكْتَ فَمَذْمُومًا إِلَى النَّارِ

آدم بی خیر

1- نه خیرت به کسی می رسد و نه کسی را غذا می دهی. از تو (به صورت قهری) به خواسته و نیازهایم رسیده ام.

2- اگر زنده بمانی امیدی به بزرگواریت ندارم و اگر بمیری با سرافکنندگی به سوی آتش جهنم میروی.

ص: 223

## 199. سرزنش به زنی که به آن حضرت بد می گفت

1. إِلَى كُمْ يَكُونُ الْعَدْلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ \*\*\* لِمَا لَا تَمْلَيْنَ الْقَطِيعَةَ وَالْهَجْرًا

2. زُوَيْدِكَ إِنَّ الدَّهْرَ فِيهِ كِفَايَةٌ \*\*\* لِتَفْرِيقِ ذَاتِ الْبَيْنِ فَانْتَظِرِي الدَّهْرًا

سرزنش به زنی که به آن حضرت بد می گفت

1- تا چند هر شب با سخنان دم از جدایی می زنی، چرا آتش جدایی ملال آور را نمی افروزی

2- آرام باش که روزگار خود میان افراد جدایی خواهد افکند، منتظر آن روزگار باش تا این وعده برسد.

نکته:

تا چند ز هر طرف برانگیزی گرد \*\*\* وز جهل کنی بر دل من خود را سرد

چون خوی زمانه است انگیز فراق \*\*\* فارغ بنشین که کار خود خواهد کرد

بعضی آنقدر بداخلاق و بدروش هستند که همسرشان و وابستگانشان را بیچاره می کنند، آن هم به گونه ای که طرف آرزوی مرگ آنان را دارد.

## 200. قناعت

أَفْلَحَ مَنْ كَانَ لَهُ قَوْصَرَةٌ \*\*\* يَا كُلُّ مِنْهَا كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً

قناعت

راحت و رستگار است، آن که زنبیلی خرما دارد و هر روز از آن خرماها می خورد.

ص: 224

## 201. هم چون بردگان کوشا باش

1. كُذِّ كَذَّ الْعَبْدِ إِنْ أَحَ \*\*\* بَبَّتْ أَنْ تُصْبِحَ حُرًّا

2. وَأَقْطَعِ الْأَمَالَ مِنْ مَا \*\*\* لِ بَنِي آدَمَ طَرَا

3. لَا تَقُلْ ذَا مَكْسَبٍ يُزِي \*\*\* رِي فَقَصْدُ النَّاسِ أُرْزَى

4. أَنْتَ مَا اسْتَعْنَيْتَ عَنْ غِي \*\*\* رِكَ أَعْلَى النَّاسِ قَدْرًا

هم چون بردگان کوشا باش

1- اگر می خواهی آزاده باشی همانند غلامان و بردگان زحمت بکش و در زندگی بکوش .

2- و چشم امید از سرمایه مردم بیوش و به فکر و بازوی خویش دل ببند!

3- و نگو کاری که می کنی بد است ، ذلت بار است بلکه رفتن به سوی مردم و دست نیاز به سوی مردم دراز کردن ذلت است .

4- تا زمانی که از مردم بی نیازی بالاترین و برترین کسان هستی .

## 202. پرهیزگاری

1. إِذَا أَنْتَ لَمْ تَزْرَعْ وَأَبْصَرْتَ حَاصِدًا \*\*\* نَدِمْتَ عَلَى التَّقْرِيطِ فِي زَمَنِ الْبَدْرِ

2. وَمَا إِنْ لِيَوْمِ الْبَعْثِ رَاؤُ سِوَى التَّقَى \*\*\* تَزَوَّدْتَهُ حَتَّى الْقِيَامَةِ وَالْحَشْرِ

ص: 225

1- اگر در زمان کاشت نکاری و هنگام برداشت، ببینی که دیگران برداشت می کنند پشیمان خواهی شد که چرا کاشتی نداشتی و بذری نکاشتی .

2- برای روز قیامت نیز تا نرسیده، توشه ای جز تقوی و رستگاری وجود ندارد .

### 203. یتیم

1. ما إِنْ تَأْوَهْتَ فِي شَيْءٍ رُّزِلَتْ بِهِ \*\*\* كَمَا تَأْوَهْتَ لِلْأَطْفَالِ فِي الصِّغَرِ

2. قد ماتَ وَالِدُهُمْ مَنْ كَانَ يَكْفُلُهُمْ \*\*\* فِي النَّائِبَاتِ وَفِي الْأَسْفَارِ وَالْحَضَرِ

### یتیم

1- اندوه و رنجی که برای یتیمان دیده ام از هیچ واقعه ای ندیده ام.

2- زیرا سرپرست و پدر آنان که در سختی ها و در خانه و سفر آنها را زیر بال خود داشته دیگر وجود ندارد و مرده است.

نکته:

یکی از دغدغه های مولا علی (علیه السلام) حق یتیم و رسیدن به خواسته های ایتم بوده است آنقدر مولا به این قشر افسرده و شکست خورده اهمیت می داده است که لقب ابوالایتم (پدر یتیم) ها گرفته و قرآن مجید نیز سفارش اکید دارد که می فرمایند: (فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ) در قبال این سفارش اذیت و آزار این قشر ستمدیده در اسلام یکی از گناهان بزرگ شمرده شده است.

1. أَلشَّيْبُ عُنْوَانُ الْمَنِيَّةِ \*\*\* وَهُوَ تَارِيخُ الْكِبَرِ
2. وَبِياضُ شَعْرِكَ مَوْتُ شِعْـ \*\*\* رِكَ ثُمَّ أَنْتَ عَلَى الْأَثَرِ
3. فَإِذَا رَأَيْتَ الشَّيْبَ عَمَّ \*\*\* الرَّأْسَ فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ

سفیدی مو

- 1- موی سفید، سفیر مرگ است و سر رسید پیری و کهنسالی .
- 2- سفیدی علامت مرگ مو است و سپس مرگ خودت را در پی خواهد داشت.
- 3- وقتی دیدی که موی سفید سر را فرا گرفته هشیار باش هشیار باش

نکته:

سفیر مرگ

پایان هر چیزی را با پیامی میتوان پیش بینی کرد و پایان عمر را با سفیدی موی سر و صورت باید درک کرد. همان گونه که زردی و رنگ پریدگی نشانه و علامت مریضی است. سفیدی موی نیز نشانه پیری و نزدیک شدن به مرگ است که می گوید: آماده کوچ به سفر آخرت شوید.

پس بسیار پسندیده است که همه ما قبل از پدیدار شدن موی سفید، هشیار بوده و توشه ای در خور، برای این سفر بدون بازگشت تهیه کنیم و زمانی که پیری از راه رسید از هر نظر آماده این سفر باشیم.

ص: 227

1. كُنْتُ السَّوَادَ لِنَاطِرِي \*\*\* فَبِكَيْ عَلَيْكَ النَّاطِرُ

2. مَنْ شَاءَ بَعْدَكَ فَلَيْمَتْ \*\*\* فَعَلَيْكَ كُنْتُ أَحَاذِرُ

در مرثیه رسول خدا

1- ای رسول خدا تو سیاهی چشم من بودی و اینک این چشم بر فقدان تو می گرید.

2- اکنون هر که بعد از تو می خواهد بمیرد، بمیرد، که من تنها از مرگ تو هراس داشتم.

نکته :

درد فراق

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران \*\*\* کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

با ساریان بگویند احوال زار چشمم \*\*\* تا بر شتر نبندد محمل به روز باران

یکی از جریانات مهم که زندگی بشر را تلخ کرده وقتی است که زندگی پیامبران به پایان رسیده و فراق آغاز می گردد.

مانند فراق ها بیل برای آدم فراق یعقوب برای یوسف و....

آنچه که مهم است برای فراق دیده، صبر و تحمل است و باید در زمان فراق تنها از خداوند تقاضای صبر کرد .

\*\*\*



1. يُعْزُونَنِي قَوْمٌ بَرَاءٌ مِنَ الصَّبْرِ \*\*\* وَفِي الصَّبْرِ أَشْيَاءٌ أَمَرٌ مِنَ الصَّبْرِ
2. يُعْزِي الْمُعْنِي ثُمَّ يَمْضِي لِشَأْنِهِ \*\*\* وَيَبْقَى الْمُعْزَى فِي أَحْرٍ مِنَ الْجَمْرِ

تسلیت

- 1- مردمی که خودشان صبر ندارند به خاطر سنگینی مصیبت می گویند صبر کن در این صبر چیزهای تلختری هست و آن فراق است.
- 2- تسلیت دهنده پس از تسلیت دنبال کار خود می رود و صاحب عزا در آتش فراق که سوزنده تر از آتش دنیا است، می سوزد.

### 207. هجرت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به مدینه و خفتن امام علی (علیه السلام) در بستر او

1. وَقَيْتُ بِنَفْسِي خَيْرَ مَنْ وَطِئَ الْحَصَى \*\*\* وَمَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ وَبِالْحَجَرِ
2. رَسُولَ إِلَهِ الْخَلْقِ إِذْ مَكَّرُوا بِهِ \*\*\* فَنَجَاهُ ذُو الطُّولِ الْكَرِيمِ مِنَ الْمَكْرِ
3. وَبِئْتُ أُرَاعِيهِمْ مَتَى يَنْفُرُونَنِي \*\*\* وَقَدْ وَطَنْتُ نَفْسِي عَلَى الْقَتْلِ وَالْأَسْرِ
4. وَبَاتَ رَسُولُ اللَّهِ فِي الْغَارِ آمِنًا \*\*\* مُؤْفَى وَفِي حِفْظِ الْإِلَهِ وَفِي سِتْرِ

ص: 229

5. أَقَامَ ثَلَاثًا ثُمَّ رُمَّتْ قَلَابِئُصُ \*\*\* فَلَابِئُصُ يُخْرِينَ الْحَصَىٰ أَيْنَمَا يُفْرِي

6. أَرَدْتُ بِهِ نَصْرَ الْإِلَهِ تَبْتُلًا \*\*\* وَأَضْمَرْتُهُ حَتَّىٰ أُوشِدَ فِي قَبْرِ

هجرت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به مدینه و خفتن امام علی (علیه السلام) در بستر او

1- با جان و وجود خود، بهترین کسی را که گام بر ریگ های خانه خدا نهاد و گرد خانه خدا و حجر طواف کرد حفظ کردم، و او را با جان خود نگه داشتم.

2- پیام آور خدای جهان را حفظ کردم، هنگامی که دشمنان در اندیشه قتل او بودند. و خدای نیرومند کریم او را از مکر دشمنان رهانید.

3- در بستر او خوابیدم و منتظر بودم تا دشمن با شمشیرهای خود چگونه مرا ریز ریز می کنند. من خودم را برای کشته شدن یا اسیر شدن آماده کرده بودم.

4- پیامبر خدا آن شب در غار ایمن ماند، و در پناه خداوند حفظ شد.

5- رسول خدا سه شب در غار ماند سپس شتران را لگام زدند و از روی سنگ ریزه ها هر کجا که خواستند صحرا را بریدند و رفتند.

6- من به خاطر یاری دین خدا، دست از عمرم شستم و این گام را برداشتم و این خاطر تا زنده ام فراموش نمیشود

نکته:

این اشعار اشاره به لیلۃ المبیت است که احزاب و قریش و تعدادی از مردم مکه، که گفته شده سیصد و سیزده نفر بودند، طی برنامه حساب شده ای آخر شب آمدند و در اطراف خانه پیامبر کمین کردند و قرار شده بود صبحگاه طی یک حمله به خانه رسول خدا بریزند و او را به

ص: 230

قتل برسانند و خداوند خبر این توطئه را به رسول خود داد، لذا پیامبر چند کار انجام داد، اول آنکه علی را به جای خود خوابانید و حمله کنندگان تصور کردند که پیامبر در بستر خوابیده و او را تحت نظر داشتند. دوم: تصمیم گرفت که با همراهان به غار ثور برود و سه روز در آنجا بیتوته کند که دشمنان او را پیدا نکنند و به امر خدای بزرگ هنگام ورود به غار، عنکبوت‌ها مأموریت پیدا کردند تا درب غار، را با تار خود کاملاً مسدود کنند و بعد از سه روز مولا علی شتران را به درب غار برده و رسول خدا را نجات دهد.

دیگر اینکه هنگام مأموریت و گریز از دست مهاجمین آیه مبارکه ( وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ) نازل شد و پیامبر خدا با خواندن آن خاکی بر سر مهاجمین پاشید و آنها رسول خدا را ندیدند که از میان آنها می‌گذرد.

هنگام طلوع صبح، مهاجمین به خانه رسول خدا حمله کردند، اما با حضرت علی (علیه السلام) که در بستر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) خوابیده بود روبرو شدند.

آنچه که در این جریان مهم است حرکت مولا علی (علیه السلام) است که جان خود را در راه پیامبر عالمیان ایثار کرد.

در تاریخ اسلام این گونه ایثار و فداکاری حتی بسیار کمتر از این موضوع از هیچ کس سر نزده و این امر نشان دهنده عظمت مولای متقیان و درجه دوستی و علاقه علی (علیه السلام) به پیامبر خدا (علیه السلام) است و بدا به حال کسانی که این امر را می‌دانند ولی به غیر او تمسک جسته و پا در وادی جهالت و نادانی گذاشته و نمی‌خواهند حق را درک کنند.

\*\*\*

## 208. در جنگ أحد به اسامة بن زيد فرمود

1. لَسْتُ أرى فِي بَيْتِنَا حَاكِمًا \*\*\* إِلَّا الَّذِي فِي الْكَفِّ بَتَاؤُ
2. وَصَارِمٌ أَيْضُ مِثْلَ الْمَهَا \*\*\* يَبْرِقُ فِي الرَّاحَةِ ضَرَاؤُ
3. مَعِي حُسَامٌ قَاطِعٌ بَاتِرٌ \*\*\* يَسْطَعُ مِنْ تَضْرَابِهِ النَّارُ
4. إِنَّا أَنَاسٌ دِينُنَا صَادِقٌ \*\*\* إِنَّا عَلَى الْحَرْبِ لَصَبَارُ

در جنگ أحد به اسامة بن زيد فرمود

- 1- در میدان کسی می تواند رهبری جنگ را به عهده گیرد که دارای توان بالا و در دستش شمشیر تیز و برنده باشد.
- 2- شمشیر آبداری که مثل بلور می درخشد و برق می زند و ضربه مهلک فرود می آورد.
- 3- مرا تیغی بران در دست است که هنگام نبرد از آن برق می جهد.
- 4- ما مردمی هستیم که دین و آئینمان حق است و در جنگ صابر هستیم و پشتکار داریم .

## 209. جواب اسامة بن زيد به امام

1. نَعَمْ الَّذِي حَكَمْتَهُ بَيْنَنَا \*\*\* فَأَثْبُتْ لِحَاكِ اللَّهِ يَا جَارُ
2. ففِي يَمِينِي مَارِقٌ أَسْمَرٌ \*\*\* مِنْ رَأْسِهِ تُقْبَسُ النَّارُ
3. قَدْ خَصَبَ الْبَيْضَةَ رَأْسِي فَمَا \*\*\* أَطْعَمَ غُمْضًا فِيهِ مِقْدَارُ

ص: 232

1- ای همسایه چه خوب حکم کننده ای در بین ما معرفی کردی، (العیاذ بالله) خدا تو را لعنت کند در جای خود بایست.

2- و در دست راست من نیزه ای گندمگون است که از نوکش آتش برق می زند.

3- کلاهخودم سرم را خونین کرده و تا کنون شمشیر، ذره ای در آن نفوذ نکرده است.

### 210. به مرحب بن شاس می فرمایند

نَحْنُ بَنِي الْحَرْبِ بِنَا سَعِيرُهَا \*\*\* حَرْبٌ عَوَانُ حَرْهَا نَذِيرُهَا

نَحْتُ رَكُصَ الْخَيْلِ فِي زَفِيرِهَا

به مرحب بن شاس می فرمایند

ما فرزندان جنگیم و شعله های جنگ به وسیله ما زبانه می کشد؛ جنگی پیگیر و پر حمله که آتش آن هشدار دهنده است.

فراگیر شدن آن آتش، سواران را به مانور دادن وامی دارد.

### 211. جواب مرحب به امام

إِنَّا أَنَا سٌ وَلَدَتْنَا عَبْهَرَةٌ \*\*\* لِبَاسِنَا الْوَشِيُّ وَرَيْطُ حَبْرَةٍ

أَبْنَاءُ حَرْبٍ لَيْسَ فِينَا غَدْرُهُ

جواب مرحب به امام

ما مردمی هستیم که زن های زیبا و خوش پوش ما را زائیده اند، لباس ما رنگارنگ و چادر ما برد یمنی است.

ما فرزندان جنگ و رزمیم، و در جنگ مردانه می جنگیم و حيله و مکر نداریم .

## 212. گفتار امام در جواب مرحب

- 01 اَنَا الَّذِي سَمَّيْتَنِي أُمِّي حَيْدَرَةً \*\*\* ضَرَعَامُ أَجَامٍ وَلَيْتُ فَسْوَرَهُ
2. عَبْلُ الدَّرَاعَيْنِ شَدِيدُ الْقَصْرَةِ \*\*\* كَلَيْتُ غَابَاتٍ كَرِيهِ الْمَنْظَرَهُ
3. أَكَيْلُكُمْ بِالسَّيْفِ كَيْلَ السَّنْدَرَةِ \*\*\* أَضْرِبُكُمْ ضَرْبًا يُبَيِّنُ الْفَقْرَهُ
4. وَأَتْرُكُ الْقِرْنَ بِقَاعِ جَزْرَهُ \*\*\* أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ رِقَابَ الْكُفْرَهُ
5. ضَرَبَ غُلَامٌ مَاجِدٍ حَزْوَرَهُ \*\*\* مَنْ يَتْرُكُ الْحَقَّ يَقُومُ صَعْرَهُ
6. أَقْتُلُ مِنْهُمْ سَبْعَةً أَوْ عَشْرَةً \*\*\* فَكُلُّهُمْ أَهْلُ فُسُوقٍ فَجْرَهُ

گفتار امام در جواب مرحب

- 1- من کسی هستم که مادرم مرا حیدر نامیده است؛ من شیر بیشه شجاعت و شیر نر میدان جنگم.
- 2- بازوهایم نیرومند و گردنی قوی دارم و در میدان جنگ، همچون شیر نری دشمنانم را به وحشت می اندازم .
- 3- با شمشیرم شما را به طور وسیع نابود و پیمانہ می کنم و کنار می ریزم و از سر راهم بر می دارم، و آن چنان ضربه ام کاری است که ستون فقرات دشمن را خورد می کند
- 4- هم‌آورد خود را کشته و او را در بیابان رها می کنم تا خوراک حیوانات شود و در نهایت گردن ناسپاسان و کفار را خواهم زد.
- 5- ضربه ای هم چون ضربه جوانی با گهر و شیرسان که هر کجی را راست کند

ص: 234

و شما را خورد می کنم .

6- از دشمنانم و سرکردگان آنان هفت یا هشت نفر را خواهم کشت چون اهل فسق و فجور و طرفدار ناپاکی هستند.

نکته:

ابوطالب در سفر بود که فاطمه بنت اسد برای طواف خانه خدا وارد مسجد الحرام شد، هنگام ورود درد زایمان به او رخ داد که در حین طواف دیوار خانه ( بیت العتیق) باز شد و فاطمه بنت اسد وارد خانه شد.

عده ای که در داخل مسجد الحرام نشسته بودند این صحنه را دیدند.

روایت شده اهالی مکه به خانه خدا هجوم بردند و خدا را تکریم کردند و بعد از سه روز فاطمه بنت اسد به همراه فرزندش از خانه خدا بیرون آمد و این داستان در شهر مطرح شد. فاطمه بنت اسد نام او را حیدر (یعنی شیر نر) گذاشت.

بعد از چند روز ابو طالب از سفر، آمد و آخر شبی وارد مسجد الحرام شد و عرض کرد، خدایا این کودک خانه زاد تو است، لذا می خواهم تو اسم او را بگذاری که پارچه سبزی از غیب به خانه مبارکه وصل شد که نوشته بود:

فَأَسْمُهُ مِنْ شَامِخِ عَلِيٍّ \*\*\* عَلِيٍّ أَشْتَقُّ مِنَ الْعُلَى

ماجرای کامل این رویداد را در کتابهای مربوطه بخوانید.

### 213. رجز یاسر خیبری

1. قَدْ عَلِمْتُ خَيْبِرُ أَيُّ يَاسِرٍ \*\*\* شَاكِي السِّلَاحِ بَطْلٌ مُعَامِرُ

2. إِذَا اللَّيْوُتُ أَقْبَلَتْ تُبَادِرُ \*\*\* وَأَحْجَمَتْ عَنْ صَوْلَةِ الْمُحَاجِرِ

إِنَّ طَعَانِي فِيهِ مَوْتُ حَاضِرُ

ص: 235

- 1- عشیره خیبر می داند که من یاسر هستم < قهرمانی هستم مجهز به سلاح که در جنگ های سخت و دشوار شرکت می کنم .
- 2- آنگاه که شیردلان به حریم و منطقه ما حمله می کنند از ترس این بازدارنده واپس خواهند زد.  
در نیزه زدنم مرگ حاضر است.

### 214. در جواب یاسر خیبری می فرمایند

1. تَبَاً وَتَعَسَّالَكَ يَا ابْنَ الْكَافِرِ \*\*\* أَنَا عَلِيٌّ هَازِمُ الْعَسَاكِرِ
  2. أَنَا الَّذِي أَضْرِبُكُمْ وَنَاصِرِي \*\*\* إِلَهَ حَقِّ وَلَهُ مُهَاجِرِي
  3. أَضْرِبُكُمْ بِالسَّيْفِ فِي الْمَصَاغِرِ \*\*\* أَجُودُ بِالطَّعْنِ وَضَرْبِ ظَاهِرِ
  4. مَعِيَ ابْنُ عَمِّي وَالسَّرَاجُ الزَّاهِرُ \*\*\* حَتَّى تَدِينُوا لِلْعَلِيِّ الْقَادِرِ
- ضَرْبُ غُلَامٍ صَارِمٍ مُمَاهِرٍ

در جواب یاسر خیبری می فرمایند

- 1- تو را مرگ و نیستی بادای فرزند ناباوران من علی شکننده نیروهای دشمن کافرم .
- 2- من کسی هستم که به شما حمله می کنم و شما را می کوبم و یار و یاورم خدای حقی است که همه کارهایم برای او است.
- 3- شما را با شمشیر می زنم در حالی که ذلیل هستید و یا با ضربه نیزه و شمشیرم شما را می کوبم.



4- پسر عموی من مشعل فروزان هدایت است و من با شما مبارزه می کنم تا به فرمان آن والای توانا درآید.

همچون نوجوانی قاطع و ماهر در جنگ به شما ضربه خواهیم زد.

### 215. همچنین در جواب یاسر می فرمایند

1. اَيْنُصْرِي رَبِّي خَيْرَ نَاصِرٍ \*\*\* آمَنْتُ بِاللَّهِ بِقَلْبِ شَاكِرٍ

2. أَضْرَبُ بِالسَّيْفِ عَلَى الْمَغَافِرِ \*\*\* مَعَ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى الْمُهَاجِرِ

همچنین در جواب یاسر می فرمایند

1- خدایی که بهترین یاور است مرا یاری خواهد نمود من با دلی سپاسگزار خدا به آن ذات احدیت ایمان آورده ام.

2- با توانایی و دقت و مهارت شمشیرم را چنان بر کلاهخود دشمن خواهم زد که دشمن دیگر دنیا را نبیند و این مبارزه در کنار رسول خدایی است که در راه او مهاجر است.

### 216. رجز خوانی عنتر در جنگ خیبر

1. أَنَا أَبُو الْبَلِيَّتِ وَأَسْمِي عَنْتَرٌ \*\*\* شَاكِي السَّلَاحِ وَبِلَادِي خَيْبَرُ

2. أَشْجَعُ مِفْضَالُ هَزِيْرٍ أَرْوَرُ \*\*\* جَهْمُ عَبُوسٍ بَارِزُ مُمَرِّرُ

عِنْدَ اللَّيْثِ لَلْيُوثِ قَسْوَرُ

ص: 237

1- کُنیه من ابوالبلیت و نام من عنتر است، مسلح در میدان با سلاحی مجهز در سرزمین خیبرم .

2 دلیرترین مرد جنگ، بخشنده ترین مردم، شیر میان لاغر و دژم و ترش رو و برجسته در میدان جنگ و تلخکام هستم در برخورد با دشمن.

در مقابل دشمن شیر، میدان شیری نیرومند و جنگ آزموده ام.

### 217. در جواب رجز ابوالبلیت

1. أَنَا عَلِيُّ الْبَطَلِ الْمُظْفَرُ \*\*\* غَشَمَشِمُ الْقَلْبِ بِدَاكَ أُذْكَرُ

2. وَفِي يَمِينِي لِلِقَاءِ أَحْضَرَ \*\*\* يَلْمَعُ مِنْ حَافَةِ بَرْقٍ يَزْهَرُ

3. لِلْطَّعْنِ وَالصَّرْبِ الشَّدِيدِ مُحْضَرُ \*\*\* مَعَ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرُ

4. إِخْتَارَهُ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْأَكْبَرُ \*\*\* الْيَوْمَ يُرْضِيهِ وَيُخْزِي عَنْتَرَ

در جواب رجز ابوالبلیت

1- من علی، دلاور همیشه پیروزم، قلبم قوی و پیروز است و با این ویژگی مرا می شناسند.

2- در دست راستم شمشیری برنده و دو دم(1) دارم که دو طرف آن می برد و برق می زند .

3- و من برای نیزه انداختن و شمشیر زدن در رکاب پیامبر خدا آماده ام.

ص: 238

1- تمام شمشیرها یک سویه و تنها یک طرف آنها برنده است اما ذوالفقار علی هر دو طرفش برنده و تیز بوده لذا در میدان جنگ از چپ و راست دشمن را درو می کرده است.

4- خدای عالمیان محمد را به عنوان پیام آور خود انتخاب کرد و امروز این شمشیر، خدای بزرگ و پیامبرش را خشنود و «عنتر» را خوار و زبون خواهد کرد.

### 218. اقدام به سوزاندن کسی که او را خدا خواند

1. لَمَّا رَأَيْتُ الْأَمْرَ أَمْرًا مُنْكَرًا \*\*\* أَوْقَدْتُ نَارِي وَدَعَوْتُ قَبْرًا

2. ثُمَّ احْتَفَرْتُ حُفْرًا وَحُفْرًا \*\*\* وَقَنْبِرٌ يَحِطُّمُ خَطْمًا مُنْكَرًا

اقدام به سوزاندن کسی که او را خدا خواند

1- وقتی دیدم آن کار زشت رورا، آتشی روشن و قنبر را احضار کردم.

2- با دست خود، چاله هایی در زمین حفر کردم و قنبر نیز همزم فراوان آورد تا آتش روشن کند و قنبر با شیوه ای شگفت انگیز در آن چاله ها همزم می ریخت .

نکته:

نقل شده که حدود بیست نفر از طرفداران مولا، او را خدا نامیدند، لذا حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرمایند: دو گروه در رابطه با من به جهنم می روند، اول آنهایی که در دوستی خود افراط می کنند دوم گروهی که در دشمنی با من افراط می کنند (چون آدم نادان در زندگی و

عقاید خود یا افراط می کند و یا تفریط).

چون کار به اینجا رسید، حضرت خودش وارد قضیه شد و دستور داد حفره هایی در زمین کنند و آن افراد را تهدید به سوزاندن کرد ولی این کار انجام نشد زیرا در این اشعار بیان نفرموده که این کار انجام شده و از سویی مولا خواسته افراد نادان را بر اساس ظرفیت آنها را تنبیه

ص: 239

کند، و ظاهراً این تهدید مؤثر افتاد و آنها آگاه شدند که اندیشه ای منحرف دارند.

اکنون این یک درس است برای آنهایی که به مقامی می رسند و اجازه می دهند طرفدارانشان آنها را با القابی یاد کنند که شایسته آن نیستند، و این امر در زمان معاویه شروع شد که طرفداران معاویه او را امیرالمؤمنین خواندند و او خیلی خوشش آمد و در پس آن همه خلفای بنی امیه و بنی مروان و بنی عباس را با این نام می خواندند و آنها لذت می بردند.

بدیهی است پیروان واقعی مولا علی (علیه السلام)، به متملقین حکومتی اجازه این عمل منکر را نخواهند داد، و اگر کسی چنین کند بدون شک دنباله رو معاویه است.

### 219. دربارهٔ خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

1. قَدْ يَعْلَمُ النَّاسُ أَنَا خَيْرُهُمْ نَسَبًا\*\*\* وَنَحْنُ أَفْخَرُهُمْ بَيْتًا إِذَا فَنَحَرُوا
2. رَهْطُ النَّبِيِّ وَهُمْ مَأْوَى كَرَامَتِهِ\*\*\* وَنَاصِرُ الدِّينِ وَالْمَنْصُورُ مَنْ نَصَرُوا
3. وَالْأَرْضُ تَعْلَمُ أَنَا خَيْرُ سَاكِنِهَا\*\*\* كَمَا بِهِ تَشْهَدُ الْبَطْحَاءُ وَالْمَدَرُ
4. وَالْبَيْتُ ذُو السِّتْرِ لَوْ شَاءُوا يُحَدِّثُهُمْ\*\*\* نَادَى بِذَلِكَ رُكْنُ الْبَيْتِ وَالْحَجَرُ

ص: 240

در باره خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

1- همه مردم می دانند که از نظر نسب و خویشاوندی بهترین شان هستیم، و آن گاه که بحث اصل و نسب پیش آید، بهترین نسب را دارم، و هرگاه که افتخار خانوادگی مطرح باشد، من برترین هستم.

2- طایفه و قبیله محمد، پایگاه کرامت و ناصر و یاور دین خدا هستند، و هر کس یاری بخواند طائفه محمد او را در راه حق یاری کنند.

3- زمین خودش خوب می داند که ما بهترین ساکنان او هستیم، چنان که ریگ و سنگ و کلوخ های زمین هم به خوبی ما شهادت خواهند داد.

4- خانه پرده دار خدا نیز گواهی خواهد داد و رکن خانه خدا و حجر الاسود هم گواه عظمت و ارزش ما هستند.

## 220. دلاوریهای مولانا (علیه السلام)

1 إِذَا اجْتَمَعَتْ عَلِيًّا مَعْدٌ وَمَذْحِجٌ \*\*\* بِمَعْرَكَةِ يَوْمِ فَيْيَ أَمِيرُهَا

2. مُسَلِّمَةٌ أَكْفَالُ خَيْلِي فِي الْوَعَى \*\*\* وَمَكْلُومَةٌ لَبَّاتُهَا وَنُحُورُهَا

3. حَرَامٌ عَلَيَّ أَرْمَاحِنَا طَعْنُ مُدْبِرٍ \*\*\* وَتَنَدُّقُ مِنْهَا فِي الصُّدُورِ صُدُورُهَا

دلاوریهای مولانا (علیه السلام)

1- هر زمان که قبیله مُعَدّ و مَذْحِج در میدان رزم حاضر شوند، من فرمانده آنان خواهم بود.

2- کپل های اسب من در جنگ و درگیری سالم ولی سینه و گردن آن زخمی می شود چون در هیچ شرایطی پشت به دشمن نمی کنم.

3- در منش ما آن نیست که دشمن در حال گریز را با نیزه بزنیم؛ زیرا این کار

را در شأن یک جنگجو نمی دانیم؛ اما در جنگ رو در رو با نیزه، سینه دشمن را می شکافیم .

نکته:

روش و دلاوریهای مولا

اصولاً از دیدگاه مولا- و اسلام، جنگ یک امر ناخوشایند است و به جنگ با چشم نفرت نگاه شده است. در تمام جنگ های دوران حکومت علی (علیه السلام) حضرت دستور داده تحت هیچ شرایطی شروع کننده جنگ نباشید و کوشش کنید از راه اصلاح وارد شده تا بلکه قبل از جنگ به صلح برسید و اساساً پیش دستی در جنگ را به دشمن بدهید و اگر دشمن حمله کرد، آنگاه جانانه بجنگید.

فرهنگ دیگر حضرت علی (علیه السلام) در جنگ این بوده که هیچگاه پشت به دشمن نکرده و فرار از میدان جنگ را ننگ می دانست لذا در این شعر فرموده کپل اسبهای ما سالم ولی سر و سینه آنان همیشه زخمی است چون پشت به دشمن نکرده و فرار نمی کنیم .

شیوه بزرگوارانه دیگر حضرت علی (علیه السلام) در جنگ این بود که می فرمود: فراری های دشمن نباید تعقیب و کشته شوند؛ زیرا کشتن فراری را شأن یک مسلمان جنگ جو نمی دانستند.

## 221. چشم پوشی یک فرهنگ است

1. أَغْمَضُ عَيْنِي فِي أُمُورٍ كَثِيرَةٍ \*\*\* وَإِنِّي عَلَى تَرْكِ الْغَمُوضِ قَدِيرٌ

2. وَمَا مِنْ عَمِّي أَغْضِي وَلَكِنْ رَبِّمَا \*\*\* تَعَامَى وَأَغْضَى الْمَرْءَ وَهُوَ بَصِيرٌ

3. وَأَسْكُتُ عَنْ أَشْيَاءَ لَوْ شِئْتُ قُلْتُهَا \*\*\* وَلَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْمَقَالِ أَمِيرٌ

4. أَصْبِرُ نَفْسِي بِاجْتِهَادِي وَطَاقَتِي \*\*\* وَإِنِّي بِأَخْلَاقِ الْجَمِيعِ حَبِيرٌ

ص: 242

1 بسیاری از کارهای دیگران را نادیده می گیرم و من بر چشم پوشی از لغزش های دیگران توانمندم .

2- اگر نمی بینم، نه از روی ناپینایی است و اگر از کارهای دیگران چشم بپوشم، نه این است که نمی بینم، بلکه گاهی انسان چیزی را می بیند ولی خود را به ندیدن می زند.

3- در مقابل پدیده ها سکوت می کنم و اگر بخواهم همه چیز را بگویم در سخن گفتن برترم.

4- خویشتن را با کوشش فراوان در حد توانم به صبر وامی دارم، با آنکه راز و اخلاق همه را می دانم .

نکته :

برای رهبری جهان اسلام، چشم پوشی یک فرهنگ است

برخلاف فرهنگ رهبران مادی و آنهایی که همه چیز را با دید مادی و دنیوی می بینند، مولا

می فرماید: من لغزش ها و مخالفت های دیگران را سعی می کنم نادیده بگیرم، و این یک عادت شده برای من، لذا در لحظات آخر عمر مبارکشان ضمن وصیت نامه ای به امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) دستور می دهند دشمنانی را که با ابن ملجم همکاری کرده بودند تحت تعقیب و کیفر قرار ندهند. (نامه 45 نهج البلاغه).

همچنین مولا (علیه السلام) می فرماید: اگر من در قبال خلافتکاری بعضی چشم پوشی می کنم، نه از باب آن است که نمی بینم، بلکه سیاست من این است که تا می توانم ساکت باشم و اگر بخواهم حرف بزنم همه چیز را می دانم و در حرف زدن از همه برتر هستم.

1. تَلِكُمْ فُرَيْسٌ تَمَنَانِي لِيَتَمَتَّنِي \*\*\* فَلَا وَرَيْكَ مَا بَزَّوَا وَلَا ظَفِرُوا
2. فَإِنْ بَقِيَتْ فَرَهْنٌ ذِمَّتِي لَكُمْ \*\*\* بَذَاتٍ وَدَقِّينَ لَا يَعْفُو لَهَا أَثْرُ
3. وَإِنْ هَلَكَتْ فَإِنِّي سَوْفَ أُورِثُهُمْ \*\*\* ذُلَّ الْحَيَاةِ فَقَدْ خَانُوا وَقَدْ غَدَرُوا
4. إِمَّا بَقِيَتْ فَإِنِّي لَسْتُ مُتَّخِذًا \*\*\* أَهْلًا وَلَا شِيعَةً فِي الدِّينِ إِذْ فَجَرُوا
5. قَدْ بَايَعُونِي وَلَمْ يُؤْفُوا بِبَيْعَتِهِمْ \*\*\* وَمَا كَرُونِي فِي الْأَعْدَاءِ إِذْ مَكَّرُوا
6. وَنَاصِبُونِي فِي حَرْبٍ مُضَرَّسَةٍ \*\*\* مَا لَمْ يُلَاقِ أَبُو بَكْرٍ وَلَا عُمَرُ

درباره قبیله قریش

- 1- آرزوی قریش آن است که مرا بکشند، به خدا سوگند نه قادرند ضربه ای بزنند و نه به آرزوی خویش می رسند.
- 2- اگر زنده بمانم تعهد کرده ام که تصمیم خود را در باره آنان بگیرم و آن تعهد جنگی با قریش است که یک نفر از آنان زنده نماند.
- 3- و اگر بمیرم برای آنان ذلت و خواری را در زندگیشان به ارث خواهم گذاشت، زیرا آنها خیانت کردند و حيله زده اند.
- 4- و اگر زنده بمانم نه نسبت قبیله ای را در نظر می گیرم و نه طرفداری دینی را؛ زیرا قریش خیانت کرده اند.
- 5- با من پیمان بستند و سپس آن را شکستند، آنگاه به من حيله زدند و مکارانه در بین دشمنان دست به نیرنگ زدند.
- 6- جنگ را بر من تحمیل کردند و علنی و آشکار به جنگ با من پرداختند، آنها کاری کردند که ابوبکر و عمر هم این چنین عمل نکردند.



1. إِلَيْكَ أَشْكُو عَجْرِي وَيُجْرِي \*\*\* وَمَعْشَرًا عَشُّوا عَلَيَّ بَصْرِي

2. إِنِّي قَتَلْتُ مُضْرِي بِمُضْرِي \*\*\* جَدَعْتُ أَلْفِي وَقَتَلْتُ مَعْشَرِي

پس از جنگ جمل فرمود

1- خداوندا، از درد و رنج خویش به تو شکایت می کنم! از جمعیتی تبه کار که زمینه یک جنگ خانوادگی را به راه انداختند و مرا ناچار کردند بر خلاف میل و رغبتم وارد این جنگ شوم .

2- من به وسیله نیروهای عشیره مضر مضرها را کشته و بینی خود را بریده و مردم خویش را نابود کردم .

نکته:

ناراحت از جنگ

این اشعار امام(علیه السلام) در مورد جنگ جمل است که عرب و قریش علیه عرب و قریش وارد جنگ شدند و یک جنگ خانوادگی به راه انداختند .

علی(علیه السلام) از پیش آمد جنگ در بصره بسیار ناراحت بودند و فرمودند:

خداوندا از درد و رنج این جنگ شکایت می کنم، من قصد جنگیدن نداشتم و به این راضی و خوشحال نیستم که جنگیدم و پیروز شدم ای کاش این جنگ اتفاق نمی افتاد.

اصولاً رهبران جهان اسلام و جهان انسانیت باید از ایجاد زمینه جنگ که سفیر ویرانی ها و کشت و کشتار است به شدت پرهیز کنند. و

حتی اگر پیروز شدند، نباید شادی کنند چرا که در این میان بسیاری کشته می شود و رنج فقدان آنان برای امراء اسلامی سخت است.

این فرهنگ مولا علی است که اگر سردمداران کشورهای اسلامی می کوشیدند این راه و روش را در ممالک خود پیاده کنند بسیار ارزشمند بود و ما شاهد این همه ویرانی و عقب ماندگی در جوامع

اسلامی نبودیم .

## 224. صبر و تحول در پیشامدها

صَبَرْتُ عَلَى مُرِّ الْأُمُورِ كِرَاهَةً \*\*\* وَأَبْقَيْتُ فِي ذَاكَ الصُّبَابِ مِنَ الْأَمْرِ

صبر و تحول در پیشامدها

بر پیش آمدهای ناخواسته و تحمیلی صبر کردم و مرا از روز اول و کودکی چنین ساخته اند.

## 225. در جنگ صفین به عمرو و عاص خطاب می کند

1. يَا عَجَبًا لَقَدْ رَأَيْتُ مُنْكَرًا \*\*\* كَذِبًا عَلَى اللَّهِ يُشِيبُ الشَّعْرًا

2. يَسْتَرْقُ السَّمْعَ وَيَغْشَى الْبَصَرَ \*\*\* مَا كَانَ يَرْضَى أَحْمَدُ لَوْ خُبْرًا

3. أَنْ تَعْدِلُوا وَصِيَّهُ وَالْأَبْتَرَا \*\*\* شَانِي النَّبِيِّ وَاللَّعِينِ الْأَخْزَرَا

4. كِلَاهُمَا بِجُنْدِهِ قَدْ عَسَكَرَا \*\*\* قَدْ بَاعَ هَذَا دِينَهُ إِذْ فَجَرَا

5. بِمَلِكٍ مِصْرَ إِنْ أَصَابَا ظَفْرَا \*\*\* مَنْ ذَا بَدُنِيَا يَبِيعُهُ قَدْ خَسِرَا

6. يَا ذَا الَّذِي يَطْلُبُ مِنِّي الْوَتْرَا \*\*\* إِنْ كُنْتَ تَبْغِي أَنْ تَرَوَرَ الْقَبْرَا

7. حَقًّا وَتَصَلَّى بَعْدَ ذَاكَ الْجَمْرَا \*\*\* أَسْعِطَكَ الْيَوْمَ دُعَا فَا صَبْرَا

ص: 246

8. لَا تَحْسَبْنِي يَا ابْنَ عَاصٍ عَسِيرًا \*\*\* سَلِّ بِي بَدْرًا ثُمَّ سَلِّ بِي حَيِّيرًا

9. كَانَتْ قُرَيْشٌ يَوْمَ بَدْرِ جَزْرًا \*\*\* إِنِّي إِذَا مَا الْحَرْبُ يَوْمًا حَضْرًا

10. أَضْرَمْتُ نَارِي وَدَعَوْتُ قَنْبِرًا \*\*\* قَدِّمْ لِيوَائِي لَا تُؤَخِّرْ حَذْرًا

11. لَنْ يَنْفَعَ الْحَازِرَ مَا قَدْ حَذِرًا \*\*\* وَلَا أَخَا الْحِيلَةَ عَمَّا قَدِّرًا

12. إِنَّ الْجِدَارَ لَا يَرُدُّ الْقَدْرًا \*\*\* لَمَّا رَأَيْتُ الْمَوْتَ مَوْتًا أَحْمَرًا

13. دَعَوْتُ هَمْدَانَ وَأَدْعُوا حِمَيْرًا \*\*\* لَوْ أَنَّ عِنْدِي يَوْمَ حَرْبِي جَعْفَرًا

14. أَوْ حَمْرَةَ اللَّيْتِ الْهُمَامِ الْأَزْهَرًا \*\*\* رَأَتْ قُرَيْشٌ نَجْمَ لَيْلٍ ظَهْرًا

در جنگ صفین به عمرو عاص خطاب می کند

1- ای عمرو عاص جای تعجب است که به خدا دروغ بسته ای! مگر نمی دانی این دروغ تو را پیر می کند و ریشت را سفید می کند؟

2- دروغ گوش را سنگین و چشم را ضعیف می نماید، به گونه ای که نه حقیقت را می بیند و نه می شنود. رسول خدا احمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، اگر این اوضاع را می دید راضی به این حرکات نمی شد.

3- وقتی حضرت رسول خدا را با واژه ابتر نکوهش کنند (1) و پیامبر را ملعون، چشم تنگ و دنیاپرست بنامند.

4- عمرو عاص و معاویه با هم در برابر لشکر وحی رسول خدا، اردو می زنند، زیرا عمرو عاص، دین خود را به خاطر انحرافش فروخته بود.

5- عمرو عاص دین خود را در قبال سرزمین مصر فروخت که اگر در این جنگ پیروز شود، ریاست کشور مصر از آن او باشد و آن را تصرف کند.

کسی که دین خود را به دنیا بفروشد قطعاً زیانکار است و حتماً خسارت کرده.

ص: 247

1- پدر عمرو عاص بود که گفت پیامبر ابتر است. و سوره کوثر نازل شد در مذمت از عاص ابن وائل، پدر عمرو عاص .

- 6- ای کسی که می خواهی کینه خود را به من نشان دهی، بهتر است بدانی که باید اول قبر خود را زیارت کنی .
- 7- و پس پس از ورود به قبر، در آتش جهنم خواهی افتاد، زیرا بعد از قبر آتش جهنم است.
- 8- ای پسر عاص مرا دست کم نگیر، برو از جنگ بدر، و آنکه از جنگ خیبر سؤال کن تا بدانی علی کیست.
- 9- قریش در روز بدر خوراک کرکس ها شدند و اگر آتش جنگ شعله ور شود.
- 10- من آتش خویش را بر می افروزم و قنبر را دستور می دهم که پرچم را به اهتزاز درآورد و در پیشروی بیم و هراس نداشته باشد.
- 11- ترسورا ترس و برنامه ریز را برنامه ریزی اش سودی نبخشد، و نقشه شما را نقش بر آب خواهم کرد.
- 12- زیرا کناره گیری در جنگ و پرهیز از درگیری مستقیم، شما را سودی نبخشد.
- 13- من برای تقویت نیروهایم، عشیره همدانیان و جعفریان را دعوت کرده ام، ای کاش برادرم جعفر نیز در این کارزار بود.
- 14- یا حمزه، آن شیر درخشان زنده بود، ای کاش آنها زنده بودند تا قریش و معاویه می دید که ستاره شب ریاستش آشکار گردیده .

## 226. قصاص غلام عثمان به نام احمر به خاطر قتل کیسان

1. لَهْفَ نَفْسِي وَقَلِيلًا مَا أُسْرُ \*\*\* مَا أَصَابَ النَّاسَ مِنْ خَيْرٍ وَشَرِّ
2. لَمْ أُرِدْ فِي الدَّهْرِ يَوْمًا حَرْبَهُمْ \*\*\* وَهُمْ السَّاعُونَ فِي الشَّرِّ السَّمْرِ

ص: 248

در جنگ صفین، احمر غلام عثمان به میدان آمد و کیسان غلام حضرت علی (علیه السلام) او را کشت، امام هم به احمر حمله کرد و او را کشت.

1- بسیار تأسف می خورم و کمتر خوشحال می شوم که چقدر کارهای خیر و شر در جامعه اتفاق می افتد.

2- در این روزگار هیچ زمان سر جنگ با کسی نداشته ام (یعنی جنگ مسلمان با مسلمان) و آنها خود برای برپا کردن آشوب تلاش می کنند.

نکته :

من با کسی سر جنگ ندارم

مولا علی (علیه السلام) با صراحت بیان می کند که با کسی سر جنگ نداشته و شعله های جنگ را باید خاموش کرد و می فرماید: عده ای از مسلمانان کارشان این است که با ایجاد آشوب تلاش کنند که مسلمانان را درگیر جنگ کرده و باعث ویرانی منابع انسانی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیر ساخت ها گردند.

### 227. به نیروهای خود در صفین می فرمایند

دُبُّوا دَيْبَ النَّمْلِ قَدْ آنَ الظَّفَرُ \*\*\* لا تُنْكِرُوا فَالْحَرْبُ تَرْمِي بِالشَّرِّ

إِنَّا جَمِيعاً أَهْلُ صَبْرٍ لا خَوْزٍ

به نیروهای خود در صفین می فرمایند

هم چون موران پراکنده شوید که پیروزی نزدیک است، نادانی و ندانم

کاری نکنید که جنگ، شور و شر دارد.

ما همه در میدان، مقاوم و صبور هستیم، نه ذلیل و زبون .

## 228. در میدان افتخار

1. أَنَا عَلِيٌّ فَاسْأَلُونِي تُخْبِرُوا \*\*\* ثُمَّ ابْرُؤُوا لِي فِي الْوَعَى وَادْبِرُوا

2. مِنَّا النَّبِيُّ الطَّاهِرُ الْمُطَهَّرُ \*\*\* وَحَمْرَةُ الْخَيْرِ وَتَرْبِي جَعْفَرُ

3. لَهُ جَنَاحَ فِي الْجَنَانِ أَحْضَرُ \*\*\* وَفَاطِمَ عَرْسِي وَفِيهَا مَفْخَرُ

4. هَذَا لِهَذَا وَابْنُ هِنْدٍ مُحَجَّرُ \*\*\* مُذْبَذَبٌ مُطْرَدٌ مُؤَخَّرُ

در میدان افتخار

1- من علی هستم، در زندگی من جستجو کنید تا دریابید که من چه کسی هستم، آن زمان با من از سر ستیز و جنگ درآیید.

2- من از شجره نبوت و پیامبر پاک و مطهر و حمزه نیک نژاد و جعفر طیار هستم .

3- که در بهشت با دو بال خود به اعلی علین پرواز می کند و فاطمه دخت پیامبر، همسرم و افتخارم هست.

4- نژاد من از اینها است ولی فرزند هند در سوراخی پنهان شده و حیران و سرگردان از جامعه طرد شده و عقب مانده است.

ص: 250

## 229. درباره داوری

1. لَقَدْ عَجَزْتُ عَجْزَ مَنْ لَا يُقْتَدِرُ \*\*\* سَوْفَ أَكَيْسُ بَعْدَهَا وَأَسْتَمِرُّ

2. أَرْفَعُ مِنْ ذَيْلِي مَا كَانَ يُجْرُ \*\*\* قَدْ يُجْمَعُ الْأَمْرُ الشَّيْثُ الْمُنْتَشِرُ

درباره داوری

1- هم چون کسی که نیرویش از دست رفته، ناتوان مانده ام، باید سعی کنم از این پس هوشیارتر باشم.

2- دامنم را که تاکنون بر زمین کشیده میشد و احتمال آنکه پای کسی روی آن رود باید کوتاه کنم بسا که این، تدبیر کار آشفته و پراکنده را به سامان برساند.

## 230. در جنگ صفین، صورت عمار یاسر را از خون پاک می کرد و می گفت :

1. وَمَا ظَنِّيَّةٌ تَسْبِي الْقُلُوبَ بِطَرْفِهَا \*\*\* إِذَا التَّقَتَّتْ خِلْنَا بِأَجْفَانِهَا سِحْرًا

2. بِأَحْسَنَ مِنْهُ كَلَّلَ السَّيْفُ وَجْهَهُ \*\*\* دَمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى قَضَى صَبْرًا

در جنگ صفین، صورت عمار یاسر را از خون پاک می کرد و می گفت :

1- او چه آهویی است که با نگاهش دل را می رباید و چون نگاه می کند در چشمانش جادویی می بینم که انسان را بی اختیار می کند.

2- از او زیباتر چه کسی دیده که رویش از زخم شمشیر چون گل رز خونین و رنگین شده و در راه خدا این زخم را تحمل کرده و به سوی حق سفر کرده است.

ص: 251

1. أيا مَنْ لَيْسَ لِي مِنْهُ مُجِيرٌ \*\*\* بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ أَسْتَجِيرُ

2. أَنَا الْعَبْدُ الْمُقِرُّ بِكُلِّ ذَنْبٍ \*\*\* وَأَنْتَ السَّيِّدُ الصَّمَدُ الْغَفُورُ

3. فَإِنْ عَذَّبْتَنِي فَالذَّنْبُ مِنِّي \*\*\* وَإِنْ تَغْفِرَ فَأَنْتَ بِهِ جَدِيرٌ

نیایش

- 1- ای آنکه چون تویی پناه ندارم، از گناه و سرکشی ام به عفو و بخشش تو پناه می برم .
- 2- خدایا من به تمام گناهانم معترفم. اگر مرا ببخشی تو سزاواری برای بخشش و شایسته ای .
- 3- الهی اگر مرا کیفر دهی، تو بزرگی و من گناهکار، و اگر گناهانم را ببخشی، عظمت و بخشش سزاوار تو است .

232. جهل مرکب

إِذَا كُنْتَ لَا تَدْرِي وَلَمْ تَكُ سَائِلًا \*\*\* عَنِ الْعِلْمِ مَنْ يَدْرِي جَهْلَتَ وَلَمْ تَدْرِ

جهل مرکب

اگر چیزی را ندانی و از کسی که داناست، سؤال نکنی، در جهل مرکب می مانی و خود نمی دانی چه باید بکنی .

\*\*\*



1. النَّاسُ فِي زَمَنِ الْإِقْبَالِ كَالشَّجَرَةِ \*\*\* وَحَوْلَهَا النَّاسُ مَا دَامَتْ بِهَا ثَمَرَةٌ
2. حَتَّى إِذَا مَا عَرَّتْ مِنْ حَمَلِهَا أَنْصَرَفُوا \*\*\* عَنْهَا عُقُوقاً وَقَدْ كَانُوا بِهَا بَرَّةً
3. وَحَاوَلُوا قَطْعَهَا مِنْ بَعْدِ مَا شَفَقُوا \*\*\* دَهْرًا عَلَيْهَا مِنَ الْأَرْيَاحِ وَالْغَبَرَةِ
4. قَلَّتْ مُرُوءَاتُ أَهْلِ الْأَرْضِ كُلِّهِمْ \*\*\* إِلَّا الْأَقْلَ فَلَيْسَ الْعُشْرَ مِنْ عَشْرَةٍ

#### نمک شناسی

- 1- روزی که دنیا به کام توست، مثل درخت پر میوه ای هستی و آدم ها دورت جمع می شوند و از میوهات استفاده می کنند .
- 2- و چون میوه ات تمام شد، مردم روگردان شوند و بدگویی ات میکنند با آنکه روزی و روزگاری به آنها خدمت کرده ای .
- 3- و زمانی که دیگر قادر به دادن میوه نباشی و نادار شوی، تصمیم می گیرند مثل درخت خشک تو را ببرند با آنکه روزگاری به آنها خدمت کرده ای .
- 4- مردی و نمک شناسی کاهش یافته است و به یک دهم هم نمی رسد. (1)

ص: 253

---

1- قرآن میفرماید: (وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ) ، بسیار کم اند بندگان سپاسگزارمان (سبأ: 13)

## مردمی نمک شناس

مولا علی (علیه السلام) در این اشعار به زیبایی می فرماید: تو مثل درخت پرباری هستی و میوه ای دلخواه می دهی که مردم دورت را می گیرند و تا زمانی که میوه می دهی ستایشت می کنند و هر زمان که میوه تو تمام شد و دیگر قادر نبودی میوه ای بدهی، شاخ و برگت را برای روشن کردن آتش می سوزانند.

بنی امیه و بنی مروان، ده ها سال خود را خلیفه رسول خدا گفتند و چون عمر ریاست آنان تمام شد، آنها را به عنوان دشمنان رسول خدا از بین بردند و بعد از آنها، به مدت صدها سال بنی العباس عنوان خلیفه رسول الهی را از آنان خود کردند، اما تاریخ مصرف آنها نیز به پایان رسید و پس از آن با نام های زشت از آنان یاد می شود.

در تاریخ معاصر نیز، پهلوی را تا حدّ خدایی بالا بردند و آنان را خدایگان معرفی نمودند، اما طولی نکشید که تاریخ این خاندان نیز به سر آمد و در تمام کشور شعار مرگ بر شاه طنین افکن شد.

این آمدن ها و رفتن ها باید درس عبرتی برای تمامی افراد و حکومت ها باشد که هر آمدنی را رفتنی به دنبال است و دنیا آبستن حوادث پیش بینی نشده، و تنها کسانی در تاریخ، ماندگار می مانند که دست به ظلم و ستم نزده و در همه احوال و امور زندگی و کشورداری تنها و تنها اوامر الهی و سیره حضرات معصومین (علیهم السلام) و بالاخص شیوه مولا علی (علیه السلام) را پیاده نمایند در غیر این صورت، می شود آنچه که باید بشود: «الملك یقی مع الکفر ولا یقی مع الظلم».

\*\*\*

## 234. در صفین نامه ای به معاویه نوشتند

1. فَإِنَّ لِلْحَرْبِ عُرْماً شَرّاً \*\*\* إِنَّ عَلَيْهَا سَائِقاً عَشَنَزَرّاً

2. يُنْصِفُ مَنْ أَحْجَمَ أَوْ تَتَمَّرَا \*\*\* عَلَى نَوَاحِيهَا مُزَجَّ زَمَجَرَا

إِذَا وَبَيْنَ سَاعَةٍ تَغْشَمَرَا

در صفین نامه ای به معاویه نوشتند

1- (ای معاویه) جنگی که آغاز کرده ای مشکلات و سختی هایی دارد لیکن فرمان این جنگ در دست رهبری و فرماندهی آن است .

2- به آنها بگو که از میدان جنگ عقب نشینی کنند یا هم چون پلنگ حمله را آغاز کنند باید با عدالت رفتار شود.

و اگر کسی سستی کند و یا با خشم آوردن مثل فیلی پیشروی کند، باید موازین اخلاقی رعایت شود.

## 235. وام گرفتن

1. إِذَا شِئْتَ أَنْ تَسْتَفْرِضَ أَمْالَ مُنْفِقاً \*\*\* عَلَى شَهَوَاتِ النَّفْسِ فِي زَمَنِ الْعُسْرِ

2. فَسَلْ نَفْسَكَ الْإِنْفَاقَ مِنْ كَنْزِ صَبْرِهَا \*\*\* عَلَيْكَ وَإِنْظَاراً إِلَى زَمَنِ الْيُسْرِ

3. فَإِنْ سَمَحْتَ كُنْتَ الْغَنِيِّ وَإِنْ أَبْتَ \*\*\* فَكُلْ مِنْ مَنَعِ بَعْدَهَا وَاسِعِ الْعُدْرِ

ص: 255

1- هر زمان که خواستی وام بگیری، و هزینه خواهش های نفسانی خود در زمان سختی کنی؛

2- از خودت بخواه که از گنج صبر و قناعت و انتظار تا زمان گشایش استفاده کند .

3- اگر از گنج صبر و قناعت استفاده کردی تویی نیاز و توانگری و دیگر نیاز به وام و قرض نداری

نکته:

وام ممنوع

علی (علیه السلام) با قرض کردن و وام گرفتن مخالف بوده و آن زمان که وام برای هزینه کردن در امور غیر ضروری باشد، آن را امری ناپسند شمرده و می فرماید: تا می توانید صبر کنید و در زندگی زیاده طلبی نکید و قناعت کنید تا نیاز به وام نداشته باشد.

ولی امروزه این اندیشه و فرهنگ ناب دینی، در تاریخ دفن شده و با کمال تأسف، در جهت زیاده طلبی، وام یک کار زیننده معرفی شده است.

در این میان ممکن است درصدی از وام های دریافتی برای امور ضروری باشد، ولی ناگفته پیداست که فرهنگ جامعه ما با فاصله گرفتن از اسلام واقعی، وام گرفتن را برای هر کاری یک ضرورت

اجتناب ناپذیر می دانند.

\*\*\*

### 236. رجز عمرو ابن عبدود در جنگ خیبر

1. وَلَقَدْ بَحَحْتُ مِنَ التَّدَا\*\*\*ءِ بِجَمْعِكُمْ هَلْ مِنْ مُبَارِزِ
2. وَوَقَفْتُ إِذْ جَبَنَ الشُّجَا\*\*\*عُ بِمَوْقِفِ الْبَطْلِ الْمُنَاجِزِ
3. وَكَذَلِكَ إِنِّي لَمْ أَزَلْ \*\*\* مُتَسَرِّعًا نَحْوَ الْهَزَاهِرِ
4. إِنَّ الشُّجَاعَةَ وَالسَّمَاخَةَ\*\*\* فِي الْفَتَى خَيْرُ الْغَرَائِزِ

رجز عمرو ابن عبدود در جنگ خیبر

- 1- از بس فریاد «هل من مبارز» زدم صدایم گرفت.
- 2- و من در مقابل شما ایستاده ام به گونه ای که مرد دلیر از ایستادن این مرد جنگجو بترسد.
- 3- آری این چنینم من که همیشه به سوی کارها و جنگهای هراسناک شتابانم.
- 4- برای یک جنگجو و دلاور شجاعت و جوانمردی بهترین خصلتهاست .

### 237. جواب امام

1. يَا عَمْرُو وَيْحَكَ قَدْ آتَا \*\*\*كَ مُجِيبَ صَوْتِكَ غَيْرَ عَاجِزِ
2. ذُو نِيَّةٍ وَبَصِيرَةٍ وَالـ \*\*\* \_ حَقُّ مُنْجِي نَجِي كُلِّ فَائِزِ
3. وَلَقَدْ دَعَوْتَ إِلَى الْبِرَا \*\*\* زِ فِتَى يُجِيبُ إِلَى الْمُبَارِزِ
4. يُغْلِيكَ بَيِّضًا صَارِمًا كَالـ \*\*\* \_ مَلْحٍ حَتْفًا لِلْمُنَاجِزِ
5. إِنِّي أُوْمَلُ أَنْ تَقُومَ \*\*\* عَلَيْكَ نَائِحَةُ الْجَنَائِزِ
6. مِنْ ضَرْبَةِ نَجْلَاءٍ يَبْقَى \*\*\* ذِكْرُهَا عِنْدَ الْهَزَاهِرِ

ص: 257

- 1- وای بر تو ای عمرو، پاسخگوی رجز و فریاد تو، بدون درنگ و سستی آمد.
- 2- با نیتی پاک و آگاهی از وضعیت تو و باور به خداوندی که رهاننده هر مرد رستگار است.
- 3- تو هموردی جنگجو و گرد را به جنگ دعوت کردی که پاسخ مناسبی به تو خواهد داد.
- 4- او آن چنان ضربه اش سریع است که زخم زدن او، زخم را نمک سفید نشان می دهد و زخم او همورد را با مرگ آشتی می دهد.
- 5- امیدوارم که گریه کنندگان در سوگ تو، به گریه پردازند.
- 5- آن هم از زخمی ژرف که آوازش همیشه در روزگاران بماند.

### 238. در ستایش علم

1. الْعِلْمُ زَيْنٌ فَكُنْ لِلْعِلْمِ مُكْتَسِبًا \*\*\* وَكُنْ لَهُ طَالِبًا مَا كُنْتَ مُقْتَسِبًا
2. وَازْكَنْ إِلَيْهِ وَثِقْ بِاللَّهِ وَاعْنِ بِهِ \*\*\* وَكُنْ حَلِيمًا رَصِينًا الْعَقْلِ مُحْتَرِسًا
3. لَا تَسْأَمَنَّ فَإِمَّا كُنْتَ مِنْهُمْ كَأَنَّ \*\*\* فِي الْعِلْمِ يَوْمًا وَإِمَّا كُنْتَ مُنْفَيْسًا
4. وَكُنْ فَتَى نَاسِكًا مَحْضَ التَّقَى وَرِعًا \*\*\* لِلدِّينِ مُعْتَمِدًا لِلْعِلْمِ مُقْتَرِسًا

5. فَمَنْ تَخَلَّقَ بِالْأَدَابِ ظَلَّ بِهَا \*\*\*رئيس قوم إذا ما فارق الروسا

6. وَأَعْلَمَ هُدَيْتَ بَأَنَّ الْعِلْمَ خَيْرٌ صَفَا \*\*\*أضحى لطالبه من فضله سلسا

در ستایش علم

1- علم و دانش زینت هر انسان است، پس کوشش کن آن را به دست آوری. و همیشه به دنبال دانش برو، تا زمانی که می توانی آن را به دست آوری.

2- به او تکیه کن و دل به خدای خویش ببند و با علم، خود را بی نیاز کن و همیشه بردبار و نگاهدار علم و دانش باش و آن را فراموش نکن.

3- در راه کسب علم و فضائلش، بسیار سخت کوش باش، و خود را در دریای علم غرق ببین و در آن شناور باش.

4- جوانی باش که عبادت، زندگی تو را پر کند و پرهیزگار به معنی واقعی باشی دین را برای پیشرفت در علم غنیمت شمار.

5- کسانی که با آداب شایسته در سایه درخت پر بار اخلاق و آداب زندگی می کنند، در حقیقت بزرگ و رئیس هستند.

6- و بدان که تو به چشمه زلالی از علم راهنمایی شدی که به سوی طالب آن روان است.

### 239. به خدا بدگمان مباش

1. لَا تَتَّهِمِ رَبُّكَ فِي مَا قَضَى \*\*\* وَهَوِّنِ الْأَمْرَ وَطِبْ نَفْسًا

2. لِكُلِّ هَمٍّ فَرَجٌ عَاجِلٌ \*\*\* يَأْتِي عَلَى الْمُصْبِحِ وَالْمُمْسَى

ص: 259

- 1- در کارهایی که پیش آمده به خدای بزرگ بدگمان مباش و او را متهم نکن زندگی ات را آسان گیر و به دلت بد راه مده .
- 2- هر اندوه و غمی را گشایشی نزدیک است که یا شب می رسد یا روز.

### 240. اندرزهای گوناگون

1. الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ \*\*\* دَائِبِي فِي صُبْحِهِ وَفِي غَلَسِهِ
2. لَمْ يَبْقَ لِي مُؤْنَسٌ فَيُوْنَسَنِي \*\*\* إِلَّا أُنَيْسٌ أَخَافُ مِنْ أُنْسَةٍ
3. فَاعْتَرَلِ النَّاسَ مَا اسْتَطَعْتَ وَلَا \*\*\* تَرَكْنَ إِلَى مَنْ تَخَافُ مِنْ دَنْسَةٍ
4. فَالْعَبْدُ يَرْجُو مَا لَيْسَ يُدْرِكُهُ \*\*\* وَالْمَوْتُ أَدْنَى إِلَيْهِ مِنْ نَفْسَةٍ

#### اندرزهای گوناگون

- 1- سپاس مخصوص خداست ، آنکه در هستی شریک ندارد، سپاسگزاری روش من در صبح و شام است.
- 2- برای ادامه زندگی ام مونسى نمانده که به او انس گیرم، جز آنکه از انس با وی وحشت دارم.
- 3- تا توانی از آدم های بد کناره گیر، و از آن کس که از اخلاق و ایمانش می ترسی دوری کن .
- 4- بنده خدا به خواسته های فراوان ناممکن امید می بندد، در حالی که مرگ از جانشش به او نزدیک تر است.

نکته:

در اثر ستم و حق کشی و تهمت های ناروا که شیوه بیدینان و



ستمگران زمان است، یار و یآوری برای مولا نماند، به گونه ای که در غالب دعا می فرمایند:

در ادامه زندگی من مونسی نمانده که با او انس بگیرم و درد دل کنم، ظلم و ستم بی حسابی که به وسیله آدمهای جاهل و نادان که اسباب دست عمرو عاص و معاویه و... انجام شد.

علی(علیه السلام) احساس تنهایی می کند تا حدی که بنابر روایاتی با چاه درد دل می کرده است.

امید است جامعه اسلامی آنقدر درک صحیح از اسلام و ماجراهای اجتماعی داشته باشند که بین خدمتگزاران مؤمن و صادق و تفرقه افکنان مسلمان نما فرق قائل شوند.

پروین اعتصامی میگوید:

گرگ را نشناختیم ما از شبان\*\*\*در چراگاهی که عمری می چریم

جان زیبون گشته است و در بند تنیم\*\*\*عقل فرموده است در فکر سریم

پهلوان اما به کنج خانه ایم\*\*\*آتش اما در دل خاکستریم

## 241. از مرگ ایمن مباش

1. لَا تَأْمَنِ الْمَوْتَ فِي ظَرْفٍ وَلَا نَفْسٍ \*\*\* وَلَوْ تَمَنَّعَتْ بِالْحُجَابِ وَالْحَرَسِ

2. وَاعْلَمْ بِأَنَّ سَهَامَ الْمَوْتِ نَافِذَةٌ \*\*\* فِي كُلِّ مُدْرِعٍ مِنْهَا وَمُتْرَسِ

ص: 261

3. ما بال دینک ترضی أن تُدَنِّسَهُ \*\*\* وَتَوْبُ نَفْسِكَ مَعْسُورٌ مِنَ الدَّنَسِ

4. تَرْجُو النِّجَاةَ وَلَمْ تَسْلُكْ مَسَالِكَهَا \*\*\* إِنَّ السَّفِينَةَ لَا تَجْرِي عَلَى الْبَيْسِ

از مرگ ایمن مباش

1- در هر آن از مرگ احساس امنیت نکن، چون وقتی بیاید، نگهبانان و درهای محکم غیر قابل نفوذ کاری از دستشان بر نمی آید.

2- و بدان که تیر مرگ از زرهی که پوشیده ای و سپری که برداشته ای عبور می کند.

3- چرا در مقابل آلودگی و گناه مواظب دینت نیستی، آن گونه که لباست را از چرک و آلودگی حفظ می کنی و می شویی.

4- می خواهی از گناه و جهنم رهایی یابی ولی راهش را نمی پیمایی؛ و این را بدان که کشتی در وادی خشک حرکت نمی کند.

### 242. درود بر خفتگان زمین

1. سَلَامٌ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ الدَّوَارِسِ \*\*\* كَأَنَّهُمْ لَمْ يَجْلِسُوا فِي الْمَجَالِسِ

2. وَلَمْ يَشْرَبُوا مِنْ بَارِدِ الْمَاءِ شَرْبَةً \*\*\* وَلَمْ يَأْكُلُوا مِنْ كُلِّ رَطْبٍ وَيَابِسِ

درود بر خفتگان زمین

1- سلام و درود بر آنهایی که در گورهای کهنه و بینشان افتاده اند، گویی

ص: 262

هرگز در جلسه و جمعی نبوده اند.

2- و گویی یک قطره آب خوشگوار و خنک نوشیده اند، و از تر و خشک میوه ها و غذاها چیزی تناول نکرده اند .

### 243. در دلاوریهای خویش سرودند

1. أَيَحْسَبُ أَوْلَادُ الْجَهَالَةِ أَنَّنَا \*\*\* عَلَى الْخَيْلِ لَسْنَا مِثْلَهُمْ فِي الْفَوَارِسِ

2. فَسَائِلُ بَنِي بَدْرِ إِذَا مَا لَقَيْتَهُمْ \*\*\* بِقَتْلِ ذَوِي الْأَقْرَانِ يَوْمَ التَّمَارِسِ

3. وَإِنَّا أَنَاسٌ لَا تَرَى الْحَرْبَ سُبَّةً \*\*\* وَلَا تَنْتَهِي عِنْدَ الرَّيْحِ الْمَدَاعِيسِ

4. وَهَذَا رَسُولُ اللَّهِ كَأَبْدَرِ بَيْنَنَا \*\*\* بِهِ كَشَفَ اللَّهُ الْعِدَى بِالتَّنَاكُوسِ

5. فَمَا قِيلَ فِينَا بَعْدَهُ مِنْ مَقَالَةٍ \*\*\* فَمَا غَادَرَتْ مِنَّا جَدِيداً لِلْإِسِ

در دلاوری های خویش سرودند

1- فرزندان نادانی و جهالت فکر می کنند که ما در سوارکاری و مانور در میدان جنگ، همانندشان نیستیم .

2- از آنان که در جنگ بدر حضور داشته اند پرسید که کشتگان شمشیرهای آبدار، از کدام قبیله بوده اند.

3- ما افرادی هستیم که تهدید به جنگ ما را نمی ترساند و شمشیر و نیزه های دشمن ما را به عقب نشینی وادار نمی کند .

4- و این پیامبر خدا و رهبر ما است که همچون ماه شب چهارده می درخشد، و خداوند دشمنان او را به فرار وادار کرده و سرنگون می سازد.

5- پس از جنگ بدر هر چه درباره شجاعت و دلاوری گفته شود برای ما پیراهن نو نشود چون در جنگ بدر پیراهن خود را کهنه کردیم.

ص: 263

1. أَلْسَيْفٌ وَالْحَنْجَرُ رِيحَانُنَا \*\*\* أَفِّ عَلَى التَّرْجِسِ وَالْآسِ

2. شَرَابُنَا مِنْ دَمِ أَعْدَائِنَا \*\*\* وَكَاسُنَا جُمُجْمَةُ الرَّاسِ

گل‌های ما

1- در میدان جنگ شمشیر و خنجر، گل بویدنی ما است، نه گل نرگس و نه گل آس.

2- در میدان جنگ نوشیدنی، خون دشمن است که از جام جمجمه‌ها می نوشیم.

245. رجزی با طلحه فرزند طلحه در جنگ احد

1. إِنِّي أَنَا اللَّيْتُ الْهَزْبُ الْأَشْوَسُ \*\*\* وَالْأَسَدُ الْمُسْتَأْسِدُ الْمَعْرَسُ

2. إِذَا الْحُرُوبُ أَقْبَلَتْ تُصْرَسُ \*\*\* وَاخْتَلَفَتْ عِنْدَ النَّزَالِ الْأَنْفُسُ

مَا هَابَ مِنْ وَقَعِ الرَّمَاحِ الْأَشْوَسُ

رجزی با طلحه فرزند طلحه در جنگ احد

1- من شیری هستم، شرزه و بی باک، شیر هول انگیز که سرم را بالا گرفته و اقتدار دارم.

2- آنگاه که جنگ دندان ارباب نشان دهد، و نفس کشیدن‌ها تند شود، مرد بی باک از فرود آمدن نیزه‌ها نترسد.

\*\*\*

## 246. ترسانیدن اسامة بن زید در جنگ احد

1. سَوْفَ يَرَى الْجَمْعُ ضِرًا \*\*\* بَ الْفَاتِكِ الْخُلَابِسِ

2. وَطَعْنَةً قَدْ شَدَّهَا \*\*\* لِكَبْوَةِ الْفَوَارِسِ

3. أَلْيَوْمَ أَضْرِمُ نَارَهَا \*\*\* بِجَذْوَةِ لِقَابِسِ

4. حَتَّى تَرَى فُرْسَانَهَا \*\*\* تَخِرُّ لِلْمَعَاطِسِ

ترسانیدن اسامة بن زید در جنگ احد

1- به زودی همه خواهند دید که شمشیرزن دلیر و پر جرأت این میدان من هستم .

2- و منم آنکه با کوبیدن نیزه اش، سواران را با صورت به روی زمین می اندازد.

3- امروز آتش جنگ را با چوبهای خشک درختان این میدان روشن می کنم

4- آنگاه خواهند دید که رزم آورانشان چگونه با صورت بر خاک خواهند افتاد.

## 247. ساختن زندانی در بصره

ألا تراني كَيْسًا مُكَيْسًا \*\*\* بَنَيْتُ بَعْدَ نَافِعٍ مُخَيَّسًا

حَصْنًا حَصِينًا وَأَمِينًا كَيْسًا

ساختن زندانی در بصره

می دانید که من آینده نگر و هشیار کننده ام، که پس از زندان نافع(1)، زندان

ص: 265

---

1- زندانی در بصره به نام «نافع» بود که از حصیر و نی ساخته شده بود. زندانیان آن را شکسته و فرار کردند و سپس حضرت این زندان را با آجر و گچ ساختند.

مخپس را ساختم، زندانی ساختم محکم و درب هایی با استحکام و نگهبانانی بر آن گماردم هشیار و زرنگ .

## 248. اندرزهای امام

1. أتم الناس أعرفهم بنفسه \*\*\* وأقمرهم لشهوته وحرصه
2. فدان على السلامة من يداني \*\*\* ومن لم ترض صحبتة فأقصة
3. ولا تستغل عافية لشيء \*\*\* ولا تستر خصن أذى لِرخصة
4. واخل الفحص ما استغيت عنه \*\*\* فكم مستجلب عطبا بفحصه

اندرزهای امام

- 1- کامل ترین انسان کسی است که خود را بهتر بشناسد و شهرت و خودپرستی و حرص و آز خویش را ریشه کن کند
- 2- هر کس خواست با تو دوستی کند اگر دارای ویژگی انسانی است با او دوستی کن و الا از او دوری کن .
- 3- رستگاری را هرگز گران مشمار و آسانی آزار افراد را آسان مشمار.
- 4- درباره چیزی که نیاز به آن نداری جستجو نکن، چه بسا این کار نابودی در پی داشته باشد.

## 249. نامه ای برای ترساندن عمرو عاص

1. لأصبحن العاصي بن العاصي \*\*\* سبعين ألفاً عاقدى النواصي
2. مُستحقين حلق الدلاص \*\*\* قد جنّبوا الخيل مع القلاص

آساد غیل حین لا مناص

ص: 266

1- به زودی گناهکار پسر گناهکار (عاص بن عاص) با هفتاد هزار جنگجوی رزم دیده رویرو خواهد شد.

2- رزمندگانی که زره نرم و درخشان پوشیده و اسب ها و شتران جوان که همراه دارند.

آنان چون شیران بیشه اند که مهلت فرار برای دشمنانشان نیست.

### 250. جواب عمرو عاص

1. ما أنا بالعاصی وَشَيْخِي العاصي \*\*\* مِنْ مَعْشَرٍ فِي غَالِبٍ مُصَاص

2. خَوْفِي بِالْإِسِّ الدَّلَاصِ \*\*\* وَجَانِبِي الْخَيْلُ مَعَ الْقَلَاصِ

3. أَهْوَنُ بِقَوْمٍ فِي الْوَعَا نَكَاصِ \*\*\* لَوْ قَدْ رَأَوْهَا تَنْفَضُ النَّوَاصِي

لَقَالَ كُلُّ هَارِبٍ خَلَاصِي

جواب عمرو عاص

1- نه من و نه پدر پیرم گنه کار نیستیم، که من مردی از تبار و عشیره غالب هستم.

2- مرا از نیروهای زرهی می ترسانی که با اسبان و شتران جوان حمله می کنند؟

3- نیروهایی که زمان کارزار، هنگامی که می بینند چگونه سرها بر زمین می افتد، زبون هستند و فرار می کنند.

آری هر مرد فراری از میدان جنگ، می خواهد خویشتن را رهایی بخشد.

## 251. انفاق

1. سَأْمَنْحُ مَالِي كُلَّ مَنْ جَاءَ طَالِبًا \*\*\* وَأَجْعَلُهُ وَفَقَاءَ عَلَى الْقَرْضِ وَالْفَرْضِ

2. فَمَا كَرِيمٌ صُنْتُ بِالْمَالِ عِرْضَهُ \*\*\* وَإِنَّمَا لَتَيْمٌ صُنْتُ عَنْ لَوْمِهِ عِرْضِي

انفاق

1- مالم را برای کسی که کمک می خواهد می بخشم و آن را برای کسی که قرض می خواهد و یا لازم دارد می بخشم .

2- و آنکه تقاضای کمک دارد، یا مرد بزرگواری است که آبرویش را حفظ کرده ام و یا آدم پستی است که با کمک به او آبروی خویش را حفظ کرده ام.

## 252. هر چه خدا بخوهد

1. إِذَا أَدِنَ اللَّهُ فِي حَاجَةٍ \*\*\* أَتَاكَ التَّجَاحُ بِهَا يَرْكُضُ

2. وَإِنْ أَدِنَ اللَّهُ فِي غَيْرِهَا \*\*\* أَتَى دُونَهَا عَارِضٌ يَعْرِضُ

هر چه خدا بخوهد

1- اگر مشیت الهی تو را بی نیاز خواهد، کامیابی و پیروزی به سوبت می دود.

2- و اگر چیزی را به صلاح تو نداند مانعی بر سر راهت قرار می دهد.

## 253. آنچه می جوید از آن ما است

1. لَنَا مَا تَدْعُونَ بِغَيْرِ حَقٍّ \*\*\* إِذَا مِزَّ الصَّحَاحَ مِنَ الْمِرَاضِ

ص: 268



2. عَرَفْتُمْ حَقَّنَا فَجَحَدُ تُمُوهُ \*\*\* كَمَا عُرِفَ السَّوَادُ مِنَ الْبِيَاضِ

3. كِتَابُ اللَّهِ شَاهِدُنَا عَلَيْكُمْ \*\*\* وَقَاضِيَا الْإِلَهِ فَنِعْمَ قَاضٍ

آنچه میجوید از آن ما است

1- مقام و منزلت رهبری و امامت که شما ادعای آن را دارید، از آن ماست. و این امر زمانی است که مردم درست و نادرست را درک کنند.

2- همان گونه که سیاه و سفید معلوم است و شناخته شده است، مشخص است که جانشینی رسول خدا از آن ما است، با این حال انکارش می کنید .

3- بهترین شاهد کتاب خداست، و بهترین قاضی هم خداست .

پیام معاویه به امام (علیه السلام)

### 254. پیام معاویه به امام (علیه السلام)

لَا تُفْسِدُنْ سَابِقَ إِحْسَانٍ مَضَى \*\*\* وَاللَّهُ لَا يُغْلَبُ فِي مَا قَدْ قَضَى

پیام معاویه به امام (علیه السلام)

سابقه درخشان و نیکیهای گذشته را فراموش نکن، که هر کسی در آنچه خدا خواسته نمی تواند کار دیگری بکند .

### 255. جواب ادعای پوچ معاویه

1 إِنْ كُنْتَ ذَا عِلْمٍ بِمَا اللَّهُ قَضَى \*\*\* فَاتَّبِثْ أَصَادِفَكَ وَسَيِّئِي مُتَّصِي

2. وَاللَّهُ لَا يَرْجِعُ شَيْءٌ قَدْ مَضَى \*\*\* وَاللَّهُ لَا يُبْرِئُ شَيْئًا نَقَضًا

ص: 269

- 1- اگر تو می دانی و از جانب خدا خبر داری که خدا چه خواسته است، همان جا بمان تا با شمشیر برهنه با تو روبرو شوم.
- 2- خداوند آنچه را که گذشته است بر نمی گرداند و هر چه در گذشته بوده کار خدا نبود که انجام شد؛ و آن حق کشی افرادی بود که مردند و از صفحه تاریخ محو شدند.

### 256. نه چپ و نه راست، فقط صراط مستقیم

نَحْنُ نُؤْمِنُ التَّمَطَّ الْأَوْسَطَا \*\*\* لَسْنَا كَمَنْ قَصَرَ أَوْ أَفْرَطَا

نه چپ و نه راست، فقط صراط مستقیم

روش و راه ما صراط مستقیم است، نه چپ و نه راست، ما از آنها نیستیم که یا زیاده روی میکنند و یا کوتاهی می نمایند.

### 257. شکبیا باش

1. إِصْبِرْ عَلَى الدَّهْرِ لَا تَغْضَبْ عَلَى أَحَدٍ \*\*\* فَلَا تَرَى غَيْرَ مَا فِي اللَّوْحِ مَحْفُوظٌ

2. وَلَا تُقِيمَنَّ يَدَارَ لَا انْتِفَاعَ بِهَا \*\*\* فَالْأَرْضُ وَاسِعَةٌ وَالرِّزْقُ مَبْسُوطٌ

1- در این دنیا صبر کن و بر کسی عصبانی مشو، چون همه چیز عالم حساب شده و مقدر است .

2- در جایی که هستی و کاری که انجام می دهی، اگر سودی ندارد رها کن، زیرا زمین خدا وسیع است و در هر جایی روزی تو آماده است.

### 258. اینگونه خواب بهتر است

نَوْمٌ أَمْرِي خَيْرٌ لَهُ مِنْ يَقْظُهُ \*\*\* لَمْ يُرْضِ فِيهَا الْكَاتِبِينَ الْحَفَظُهُ

وَفِي صُرُوفِ الدَّهْرِ لِلْمَرْءِ عِظَةٌ

اینگونه خواب بهتر است

خواب کسی که زندگی و اندیشه اش نویسندگان اعمالش را خوشحال نکند از بیداری اش بهتر است

در گردش روزگار پنجهایی است، اگر کسی درک بکند.

### 259. صبر و مهرورزی به اندازه

1. فَكُنْ مَعْدِنًا لِلْجَلْمِ وَاصْفَحْ عَنِ الْأَذَى \*\*\* فَإِنَّكَ رَأَى مَا عَمِلْتَ وَسَامِعٌ

2. وَأَحْبِبْ إِذَا أَحْبَبْتَ حُبًّا مُقَارِبًا \*\*\* فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَتَى أَنْتَ نَازِعٌ

ص: 271

3. وَأَبْغِضْ إِذَا أَبْغَضْتَ بَعْضًا مُقَابِلًا \*\*\* فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَتَى أَنْتَ رَاجِعٌ

صبر و مهرورزی به اندازه

- 1- گنجینه صبر و بردباری باش، و از بدرفتاری و بدبینی درگذر؛ زیرا هر چه انجام دهی، آن را دریافت خواهی کرد.
- 2- در اظهار محبت و عشق و علاقه میانه رو باش، چون نمیدانی کی آن محبت را رها خواهی کرد.
- 3- اگر عصبانی شدی، میانه رو باش و پل پشت سرت را خراب نکن، چون ممکن است از آن تندخویی بازمانی.

### 260. نیکی برای چه کسی

1. لَا تَصْعَ الْمَعْرُوفِ فِي سَاقِطٍ \*\*\* فَذَلِكَ صُنْعٌ سَاقِطٌ ضَائِعٌ

2. وَضَعُهُ فِي حُرِّ كَرِيمٍ يَكُنُ \*\*\* عَرْفُكَ مَشْكَأً عَرَفُهُ ضَائِعٌ

نیکی برای چه کسی

- 1- به آدم پست و فرومایه نیکی نکن، که این نیکی بی ارزش و بی فایده و از دست رفته است.
- 2- به شخص آزاده و گرامی نیکی کن، تا نیکی تو چون بوی عطری همه جا را فرا گیرد.

ص: 272

## 261. برادرت چه کسی است.

1. إِنَّ أَخَاكَ الصَّدَقَ مَنْ يَسْعَى مَعَكَ \*\*\* شَتَّتَ فِيهِ شَمْلَهُ لِيَجْمَعَكَ

2. وَمَنْ إِذَا عَايَنَ أَمْرًا أَفْطَعَات \*\*\* وَمَنْ يَصُرُّ نَفْسَهُ لِيُنْفَعَكَ

برادرت چه کسی است.

1- برادر راستین تو کسی است که در حوادث در کنارت باشد او به تو سود می رساند اگر چه خودش ضرر ببیند.

2- و اگر در زندگی پریشان احوال شوی او خودش را به خطر اندازد تا تو را نجات دهد.

## 262. ویژگیها و خصلت ها

1. أَلْفَضْلُ مِنَ كَرَمِ الطَّبِيعَةِ \*\*\* وَالْمَنْ مَفْسَدَةُ الصَّنِيعَةِ

2. وَالْخَيْرُ أَمْنٌ جَانِباً \*\*\* مِنْ قُلَّةِ الْجَبَلِ الْمَنِيعَةِ .

3. وَالسَّرُّ أَسْرَعُ جَرِيَةً \*\*\* مِنْ جَرِيَةِ الْمَاءِ السَّرِيعَةِ

4. تَرَكَ التَّعَاهِدَ لِلصَّدِيقِ \*\*\* يَكُونُ دَاعِيَةَ الْقَطِيعَةِ

5- لَا تَلْتَطِخْ بِوَقِيعَةٍ \*\*\* فِي النَّاسِ تَلْطِخُكَ الْوَقِيعَةُ

6. إِنَّ التَّخْلُقَ لَيْسَ يَمُكُّ \*\*\* \_ ثُ أَنْ يُؤُولَ إِلَى الطَّبِيعَةِ

7. جُبِلَ الْأَنَامُ مِنَ الْعِبَا \*\*\* دِ عَلَى الشَّرِيفَةِ وَالْوَضِيعَةِ

ص: 273

- 1- خوبی و نیکی به مردم نشانه بزرگواری خانوادگی است و منت گذاشتن تباه کننده نیکی است ،
- 2- خیراندیشی نشانه بزرگواری است و از نظر ارزش استوارتر و رفیع تر از کوه های بلند است که دسترسی به آن و درک آن کاری مشکل است .
- 3- کار شرّ به وسیله آدم های شرور و سریعتر از حرکت سیل و آب های شتابنده است .
- 4- اگر به پیمانی که با دوست بسته ایم عمل نکنیم، نتیجه آن جدایی است.
- 5- در میان مردم خود را به سخن چینی آلوده نکن که آلوده خواهی شد.
- 6- خود را به اخلاق خوب عادت بده که خوش اخلاق خواهی شد.
- 7- خلقت مردم متفاوت است خوب و بد تا تو کدام را انتخاب کنی .

### 263. وفا از میان رفته

1. مَاتَ الْوَفَاءُ فَلَا رِفْدٌ وَلَا طَمَعٌ \*\*\* فِي النَّاسِ لَمْ يَبْقَ إِلَّا الْيَأْسُ وَالْجَزَعُ
2. فَاصْبِرْ عَلَى ثِقَةٍ بِاللَّهِ وَارْضَ بِهِ \*\*\* فَاللَّهُ أَكْرَمُ مَنْ يُرْجَى وَيُتَّبَعُ

وفا از میان رفته

- 1- وفا و پیمان مرده است، نه به همدیگر کمک می کنیم و نه چشم در نیکی کسان داریم و جز نومیدی و پریشانی چیزی در جامعه نمانده است.
- 2 تحمل کن این وضعیت را، و دل به خدای بسپار، و به آن ذات مقدس خوشنود باش که او بخشنده ترین کسی است که به وی امید بسته ای و فرمانش را اطاعت می کنی .

خصلت های ذیل اگر در جامعه پیاده شود و مردم به آنها پایبند باشند، زندگی این دنیا بخشی از بهشت شده که ساکنان زمین با آرامش و خوشی زندگی میکنند :

اول : وفای به عهد و پیمان، دوم : کمک به دیگران و استعانت به افراد شکست خورده مالی و اجتماعی و سیاسی، سوم: نیکی و خوبی به وابستگان و هم کیشان.

اگر این خصلت ها در جامعه عملاً پیاده شود، مشکلات مردم به حداقل ممکن می رسد و اگر این ارزشها از جامعه رخت بریندد( که در حال حاضر این چنین شده است )، باید به خدای قادر متعال تکیه کرد و امید بست.

## 264. درد را درمان کن سازش نتیجه ندارد

1. وَدَاوِ عَدُوًّا دَاءَهُ لَا تُدَارِهِ \*\*\* فَإِنَّ مُدَارَاةَ الْعِدَى لَيْسَ يَنْفَعُ

2. فَإِنَّكَ لَوْ دَارَيْتَ عَامِينَ عَقْرَبًا \*\*\* إِذَا أَمْكَنْتَ يَوْمًا مِنَ الدَّهْرِ تَلْسَعُ

درد را درمان کن سازش نتیجه ندارد

1- با اصلاح روش خودت، درد دشمن را درمان کن، زیرا سازش با دشمن، او را دوست نمی سازد.

2- اگر دو سال با عقربی سازش کنی هر زمان که امکان پیدا کند زهر خود را در کامتان می ریزد .

نکته:

مار اگر گوید که مورم بشنو و باور مکن \*\*\* دیواگر گوید که حورم بشنو و باور مکن

ور بگوید رویه افسونگر نیرنگ باز \*\*\* کز فریب و حيله دورم بشنو و باور مکن

ور بگوید مرده خور کفتار کز بهر ثواب \*\*\* خادم اهل قبورم بشنو و باور مکن

ور دغلبازی کند دعوی که دولت خواه تو \*\*\* در غیاب و در حضورم بشنو و باور مکن

مولا (علیه السلام) می فرماید :

سازش با نا اهل سودی ندارد و نا اهل، اهل نخواهد شد و اگر دو سال با عقربی سازش کنی، در هر زمان ممکن نیش خود را در بدن شما فرود خواهد آورد.

واقعاً بعضی از آدم ها وجود دارند که گویا ناجنسی و دغلبازی را در دانشگاهی مخصوص آموزش دیده اند.

## 265. بی تابى نكن

1. لَا تَجْزَعَنَّ إِذَا نَابَتْكَ نَائِبَةٌ \*\*\* وَأَصْبِرْ فَبِئْسَ الصَّبْرُ عِنْدَ الصِّيقِ مُتَّسِعٌ

2. إِنَّ الْكَرِيمَ إِذَا نَابَتْهُ نَائِبَةٌ \*\*\* لَمْ يَبْدُ مِنْهُ عَلَى عِلَاتِهِ الْهَلَعُ

بی تابى نكن

1- هرگاه مصیبتی پیش آمد بی تابى مکن و تحمل و صبر کن زیرا در نا امیدى بسى امید است.

2- مرد بزرگ اگر ناگواری برایش پیش آید بی تابى نشان نخواهد داد.

ص: 276



1. دَعِ الْجِرْصَ عَلَى الدُّنْيَا \*\*\* وَفِي الْعَيْشِ فَلَا تَطْمَعُ

2. وَلَا تَجْمَعُ مِنَ الْمَالِ \*\*\* وَلَا تَدْرِي لِمَنْ تَجْمَعُ

3. وَلَا تَدْرِي أَفِي أَرْضٍ \*\*\* كَأَمْ فِي غَيْرِهَا تُصْرَعُ

4. فَإِنَّ الرِّزْقَ مَقْسُومٌ \*\*\* وَكَدُّ المَرْءِ لَا يَنْفَعُ

5. فَقِيرٌ كُلُّ مَنْ يَطْمَعُ \*\*\* غَنِيٌّ كُلُّ مَنْ يَقْنَعُ

حرص و آزارها کن

1- در زندگی این دنیا حرص را رها کن، در زندگی پر آشوب و متغیر جهان طمعکار نباش .

2- ثروت اندوزی نکن، آیا می دانی از اندوخته خود استفاده خواهی کرد و پس برای چه کسی این قدر در جمع ثروت کوشش میکنی؟

3- و نمی دانی در شهر محل سکونتت یا در جایی دیگر دفن خواهی شد .

4- روزی تو تقسیم شده است، و کوشش بی مورد تو فایده ندارد.

5- طمع کار همیشه احساس فقر می کند، و قناعت پیشه همیشه احساس بی نیازی می کند.

نکته:

حرص

یکی از صفات رذیله و پست، پرورش روحیه حرص در درون انسان ها است .

انسان حریص تصور میکند که در نهایت از فقر خواهد مرد و تصور میکند که نعمت های پروردگار تمام شدنی است و تصور می کند اگر در

مقام جمع مال حرص نزند، دیگران حق مسلم او را تملک و تصاحب می کنند و تصور می کند، اگر این کار را نکند فقر دامنگیر او خواهد شد.

البته، حرص و آز، تنها در جمع آوری مال و ثروت نیست، بلکه در مقام و سلطه طلبی و ریاست طلبی نیز مطرح است.

انسان حریص به حقوق دیگران تجاوز می کند و این عمل زشت را شایسته می انگارد.

در نهایت حرص و آز از نظر معنوی باعث نابودی و تضعیف تقوا و باورهای مذهبی و از نظر جسمی باعث دردهای بی درمان عصبی می گردد.

و در نهایت انسان حریص در نگاه اجتماع و وابستگان خویش خوار و پست خواهد گردید.

### 267. این نیز بگذرد

1. فَصُرُ الْجَدِيدِ إِلَى بَلَى \*\*\* وَالْوَصْلُ فِي الدُّنْيَا انْقِطَاعُ

2. أَيُّ اجْتِمَاعٍ لَمْ يَصِرْ \*\*\* لَتَشْتَتِ مِنْهُ اجْتِمَاعَةُ

3. أَمْ أَيُّ شَعْبٍ لِأَلْتِيَا \*\*\* مَ لَمْ يُفَرِّقَهُ انْصِدَاعُ

4. أَمْ أَيُّ مُنْتَفِعٍ بِشَيْءٍ \*\*\* ءِ ثُمَّ تَمَّ لَهُ انْتِفَاعُ

5. يَا بُؤْسَ لِلدَّهْرِ الذِّي \*\*\* مَا زَالَ مُخْتَلِفًا طِبَاعَةَ

6. قَدْ قِيلَ فِي أَمْثَالِهِمْ \*\*\* يَكْفِيكَ مِنْ شَرِّهِ سَمَاعَةُ

این نیز بگذرد

1- پایان هر نو کهنگی و سرانجام هر وصل و پیوستن، گسستن است.

2- کدام جمع در جهان پراکندگی ندارد؟

ص: 278

3- کدام جوش خوردن به شکاف ختم نشده است؟

4- کدام بهره بردار از چیزی به بهره کامل رسیده است؟

5- بدا به روزگاری که شیوه اش پیوسته در حال دگرگونی است.

6- در مثل ها آمده است که همه چیز دنیا، شنیدنش از دیدنش بهتر است .

### 268. هر چیزی علتی دارد

1. وَمِنَ الْبَلَاءِ عَلَى الْبَلَاءِ عِلْمَةٌ \*\*\* أَنْ لَا يَرَى لَكَ عَنْ هَوَاكَ نُزُوعٌ

2. وَكَفَاكَ مِنْ غَيْرِ الْحَوَادِثِ أَنَّهُ \*\*\* يُبْلَى الْجَدِيدُ وَيُحْصَدُ الْمَرْزُوعُ

هر چیزی علتی دارد

1- هر دردی در زندگی نشانه این درد بزرگ است که دست از کارهای نفس و خواهش های نفسانی برنداشته ای .

2- تغییراتی که در جهان وجود دارد نشانه آن است که هر نویی کهنه و هر زراعتی یک روز درو می شود.

### 269. پرهیز از گناهان

1 تَجَوَّعَ فَإِنَّ الْجُوعَ مِنْ عَمَلِ التَّقَى \*\*\* وَإِنَّ طَوِيلَ الْجُوعِ يَوْمًا سَيْشِبُ

2. وَجَانِبَ صِعَارِ الذَّنْبِ لَا تَرْكَبُهَا \*\*\* فَإِنَّ صِعَارَ الذَّنْبِ يَوْمًا سَيُجْمَعُ

پرهیز از گناهان

1- تحمل گرسنگی شیوه پرهیزکاران است؛ زیرا کسی که در اثر تقوی و عدم

ص: 279

زیاده روی محرومیت میکشد روزی خواهد رسید که کامیاب شود.

2- از گناهان کوچک پرهیز کن زیرا آن گناهان کوچک روزی با هم جمع می شوند.

### 270. مهر خداوندی

1. ذُنُوبِي إِنْ فَكَّرْتُ فِيهَا كَثِيرَةٌ \*\*\* وَرَحْمَةُ رَبِّي مِنْ ذُنُوبِي أَوْسَعُ
2. فَمَا طَمَعِي فِي صَالِحٍ قَدْ عَمِلْتُهُ \*\*\* وَلَكِنِّي فِي رَحْمَةِ اللَّهِ أَطْمَعُ
3. فَإِنْ يَكُ غُفْرَانٌ فَذَاكَ بِرَحْمَةٍ \*\*\* وَإِنْ تَكُنِ الْأُخْرَى فَمَا كُنْتُ أَصْنَعُ
4. مَلِيكِي وَمَعْبُودِي وَرَبِّي وَحَافِظِي \*\*\* وَإِنِّي لَهُ عَبْدٌ أَفِرُّ وَأَخْضَعُ

مهر خداوندی

1- وقتی به گناهان خویش می نگرم زیاد است، و از آن سوی مهر لایزال الهی خیلی فراگیر است.

2- به کار خوبی که انجام داده ام چشم ندارم، ولیکن چشم به رحمت خدا دارم.

3- اگر آمرزش از گناهان باشد آن رحمت خدا است و اگر عذاب باشد، در اثر اعمال خودم است.

4- ای خدای من، معبود من، پروردگار من و حافظ من، من بنده توام. به بندگی اقرار می کنم و در مقابل عظمت تو خضوع می نمایم.

\*\*\*

ص: 280

## 271. سپاس از خدای جهان

1. لَكَ الْحَمْدُ إِمَّا عَلَى نِعْمَةٍ \*\*\* وَإِمَّا عَلَى نِقْمَةٍ تَدْفَعُ

2. تَشَاءُ فَتَفْعَلُ مَا شِئْتَهُ \*\*\* وَتَسْمَعُ مِنْ حَيْثُ لَا يُسْمَعُ

سپاس از خدای جهان

1- خدایا تو را سپاسگزارم به خاطر نعمت هایی که به من داده ای، و سختی هایی که شر آنها را از من دور کرده ای .

2- هر چه می خواهی قادر به انجام آن هستی و تو نداهای درونی و دعاهاى مخفیانه مرا می شنوی .

## 272. مناجات مولا

1. لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَى \*\*\* تَبَارَكْتَ تَغْطِي مَنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُ

2. إِلَهِي وَخَلَاقِي وَحِرْزِي وَمَوْلِي \*\*\* إِلَيْكَ لَدَى الْإِعْسَارِ وَالْيُسْرِ أَفْزَعُ

3. إِلَهِي لَيْنُ جَلَّتْ وَجَمَّتْ حَطِيئَتِي \*\*\* فَعَفُوكَ عَنْ ذَنْبِي أَجَلُّ وَأَوْسَعُ

4. إِلَهِي لَيْنُ أَعْطَيْتُ نَفْسِي سُؤْلِهَا \*\*\* فَهَا أَنَا فِي رَوْضِ النَّدَامَةِ أَرْتَعُ

5. إِلَهِي تَرَى حَالِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي \*\*\* وَأَنْتَ مُنَاجَاتِي الْخَفِيَّةَ تَسْمَعُ

6. إِلَهِي فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تُزِعْ \*\*\* فُؤَادِي فَلِي فِي سَيْبِ جُودِكَ مَطْمَعُ

7. إِلَهِي أَجْرَنِي مِنْ عَذَابِكَ إِنِّي \*\*\* أَسِيرٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ لَكَ أَخْضَعُ

8. إِلَهِي فَأَنْسِنِي بِتَلْقِينِ حُجَّتِي \*\*\* إِذَا كَانَ لِي فِي الْقَبْرِ مَثْوَى وَمَضْجَعُ

9. إِلَهِي لَيْنُ عَذْبَتِنِي أَلْفَ حِجَّةٍ \*\*\* فَجَبَلُ رَجَائِي مِنْكَ لَا يَنْقَطِعُ

ص: 281

10. إلهي أدفني طعم عَفْوِكَ يَوْمَ لا \*\*\* بنونَ ولا مَالاً هُنَالِكَ يَنْفَعُ
11. إلهي لئن لم ترعني كُنْتُ ضائعاً \*\*\* وإن كُنْتُ ترعاني فَلَسْتُ أُضَيِّعُ
12. إلهي إذا لم تعف عن غيرِ مُحْسِنٍ \*\*\* فَمَنْ لِمُسيءٍ بِالهُوى يَتَمَتَّعُ
13. إلهي لئن فرطت في طلبِ التَّقَى \*\*\* فَهَذَا أَنَا إِثْرُ العَفْوِ أَقْبُو وَاتَّبِعْ
14. إلهي ذنوبي بَرَّتِ الطُّودَ وَاعْتَلَّتْ \*\*\* وَصَفْحَكَ عَن ذَنْبِي أَجَلٌ وَأَرْفَعُ
15. إلهي لئن أخطأت جهلاً فَطالَمَا \*\*\* رَجَوْتُكَ حَتَّى قِيلَ مَا هُوَ يَجْزَعُ
16. إلهي يُنجي ذَكَرُ طَوْلِكَ لَوْعَتِي \*\*\* وَذَكَرُ الخَطَايَا العَيْنِ مِنِّي يُدْمَعُ
17. إلهي أَقْلَبِي عَشْرَتِي وَامْحُ حَوْبَتِي \*\*\* فَإِنِّي مُقِرُّ حَائِفٌ مُتَضَرِّعُ
18. إلهي أَنلني مِنْكَ رَوْحاً وَرَحْمَةً \*\*\* فَلَسْتُ سِوَى أَبْوَابِ فَضْلِكَ أَقْرَعُ
19. إلهي لئن أَفْصَيْتَنِي أَوْ أَهَنْتَنِي \*\*\* فَمَنْ ذَا الَّذِي أَرْجُو وَمَنْ ذَا أَشْفَعُ
20. إلهي لئن خَيَّبْتَنِي أَوْ طَرَدْتَنِي \*\*\* فَمَا حِيلَتِي يَا رَبِّ أَمْ كَيْفَ أَصْنَعُ
21. إلهي حَلِيفُ الحُبِّ بِاللَّيْلِ سَاهِرٌ \*\*\* يَنَاجِي وَيَدْعُو وَالْمُغْفَلُ يَهْجَعُ
22. وَكُلُّهُمْ يَرْجُو نَوَالِكَ رَاجِئاً \*\*\* بِرَحْمَتِكَ العُظْمَى وَفِي الخُلْدِ يَطْمَعُ
23. إلهي يُمَيِّنِي رَجَائِي سَلَامَةً \*\*\* وَقُبْحُ خَطِيئَاتِي عَلَيَّ يُشْتَعُ
24. إلهي فَإِنْ تَعَفَّوْا فَعَفْرُكَ مُنْقِدِي \*\*\* وَإِلَّا فَبِالذَّنْبِ المُدْمِرِ أُصْرَعُ
25. إلهي بِحَقِّ الهَاشِمِيِّ وَآلِهِ \*\*\* وَحُرْمَةِ أَبْرَارٍ هُمْ لَكَ حُسْعُ
26. إلهي فَانْشِرْنِي عَلَى دِينِ أَحْمَدٍ \*\*\* مُنِيباً تَقِيّاً قَانِتاً لَكَ أَحْضَعُ
27. ولا تَحْرِمْنِي يَا إلهي وَسَيْدِي \*\*\* شَفَاعَتَهُ الكُبْرَى فَذَلِكَ المُشَقَّعُ
28. وَصَلِّ عَلَيْهِ مَا دَعَاكَ مُوحِّدٌ \*\*\* وَنَاجَاكَ أَخْيَارُ بِيَابِكَ رُجْعُ

مناجات مولا



بلند مرتبه ای، تو دارای وجود مبارکی هستی و به هر کس هر آنچه می خواهی می دهی .

2- ای خدای من و خالق من و پناه من و نگاهدار من! در خوشی ها و سختی ها به تو پناه

می آورم.

3- خدایا اگر گناه من بزرگ و بسیار است عفو و بخشش تو بزرگتر و وسیع تر است.

4- خدایا اگر در زندگی به خواهش های نفسانی گوش داده ام، اینک در مرغزار زندگی، با پشیمانی می چرم .

5- خدایا تو حال ندامت و پشیمانی و فقر و بیچارگی مرا می بینی، و صدای پنهان قلب سوزان مرا می شنوی .

6- خدایا رشته امید مرا پاره نکن و دلم را نشکن که به بخشش تو طمع دارم .

7- خدایا مرا از عذاب خود ننگه دار که من اسیر و ذلیل و ترسان از عذاب توام و در مقابله خضوع می کنم.

8- خدایا بهانه ام را در زبانم جاری کن، زمانی که حجّت خود را بر من تمام می کنی، همان گاه که در قبر جای می گیرم .

9- خدایا اگر هزار سال مرا عذاب کنی، رشته امیدم از تو قطع نخواهد شد.

10- خدایا روزی که مال و فرزندان و مقام بی ارزشند، طعم شیرین عفو را به ذائقه ام بچشان .

11- خدایا اگر از گناهان ننگه ام نداری، نابود و ضایع می شوم و اگر ننگه دارم باشی هلاک

نمی شوم .

12- خدایا اگر گناه مرا عفو نکنی، گناهکاری که دل به هوای نفس داده، چه کسی را دارد.



- 13- الهی اگر من دنبال تقوی نرفتم و جانب گناه را گرفتم، اینک خواستار گذشت تو و دنبال عفو تو هستم .
- 14- خدایا گناهان من از کوه بالاتر و بلندتر است، لیکن بخشش تو از گناه برتر و بالاتر است.
- 15- خدایا اگر از روی نادانی لغزیده ام، اکنون از سر دل بستگی به تو چنان ناله می کنم که می گویند چرا این قدر بی تابی می کنی؟
- 16- خدایا وقتی به یاد بخشش تو می افتم، دلم می سوزد و به یاد گناهانم، اشک از چشمانم جاری می شود.
- 17- خدایا، لغزش مرا نادیده بگیر، گناهانم را عفو کن . زیرا من به گناه خود اعتراف دارم و ترسانم، پس یاری ام کن.
- 18- خدایا از سوی خود آسایشی به من بده و رحمتی عنایت کن، که من غیر از در رحمت تو در دیگری را نمی گویم .
- 19- خدایا اگر دورم کنی یا خوارم بداری ، پس این بنده گنه کار به چه کسی دل ببندد و به چه کسی امید داشته باشد .
- 20 - خدایا اگر نا امیدم کنی و یا از در رحمتت برانی. چه چاره ای دارم و چکار کنم.
- 21- خدای من ، هم پیمان تو، شب زنده دار است، مناجات می کند؟ خدا را می خواند، اما انسان های غافل خوابیده اند.
- 22- خدای من، هر دو دسته امید عطای تو را دارند و به رحمت واسعه تو دل بسته اند و آرزوی رفتن به بهشت تو را دارند.
- 23- خدای من امید به تو مرا نوید سلامت رفتار و عقیده می دهد و زشتی گناهان مرا بی آبرو می گرداند .

24 - بار خدایا اگر مرا عفو کنی از غرق شدن در گناه نجات پیدا می کنم وگرنه به گناهی که نابود کننده است سرنگون می شوم

25- خدایا به حق رسول هاشمی و آلش و به حرمت نیکوکاران که در مقابل عظمت تو خاشع اند.

26- در روز قیامت مرا با اعتقاد به دین محمد محشور فرما، در حالی که به درگاه تو زاری کنان و پرهیز کننده از گناه و فرمانبردار تو باشم.

27 - خدایا! ای سید من و خدای من! مرا از شفاعت بزرگ رسول خدا که شفیع گنه کاران است محروم نفرما.

28 - خدایا تا زمانی که موحدین و افرادی که در درگاه تو مناجات می کنند و در حال رکوع تو را صدا می زنند و تو را می خوانند بر او صلوات بفرست.

### 273. اندرزهای امام (علیه السلام)

1. قَدِّمَ لِنَفْسِكَ فِي الْحَيَاةِ تَزُودًا \*\*\* فَعَدَا تَفَارِقُهَا وَأَنْتَ مُودَعٌ

2. وَاهْتَمَّ لِلسَّفَرِ الْقَرِيبِ فَإِنَّهُ \*\*\* أَنْأَى مِنَ السَّفَرِ الْبَعِيدِ وَأَشْسَعُ

3. وَاجْعَلْ تَزُودَكَ الْمَخَافَةَ وَالتَّقَى \*\*\* وَكَأَنَّ حَتْفَكَ مِنْ مَسَائِكَ أَسْرَعُ

4. وَافْتَعِ بُقُوتَكَ فَالْقِنَاعُ هُوَ الْغِنَى \*\*\* وَالْفَقْرُ مَقْرُونٌ بِمَنْ لَا يَفْنَعُ

5. وَاحْذَرْ مُصَاحَبَةَ اللَّيَامِ فَإِنَّهُمْ \*\*\* مَنَعُوكَ صَفْوَ وِدَادِهِمْ وَتَصَنَّعُوا

6. أَهْلُ التَّمَنُّعِ مَا أَنْلَتْهُمْ الرِّضَى \*\*\* وَإِذَا مَنَعْتَ فَسَمُّهُمْ لَكَ مُنْفَعٌ

7. لَا تُفْشِ سِرًّا مَا اسْتَطَعْتَ إِلَى أَمْرِي \*\*\* يُفْشِي إِلَيْكَ سَرَائِرَ يُسْتَوْدَعُ

8. فَكَمَا تَرَاهُ بِسِرِّ غَيْرِكَ صَانِعٌ \*\*\* فَكَذَا بِسِرِّكَ لَا مُحَالَةَ يَصْنَعُ

9. فَإِذَا اتَّمَمْتَ عَلَى السَّرَائِرِ أَخْفِهَا \*\*\* وَأَسْتُرْ عُيُوبَ أَخِيكَ حِينَ تَطَّلِعُ

10. لَا تَبْدَأَنَّ بِمَنْطِقٍ فِي مَحْفَلٍ \*\*\* قَبْلَ السُّؤَالِ فَإِنَّ ذَاكَ يُسْتَع

11. فَالصَّمْتُ يُحْسِنُ كُلَّ ظَنٍّ بِالْفَتَى \*\*\* وَلَعَلَّهُ خَرِقَ سَفِيهِه أَرْفَعُ

12. وَدَعِ الْمِرَاحَ فَرُبَّ لَفْظَةٍ مَازِحٍ \*\*\* جَلَبَتْ إِلَيْكَ بَلَابِلًا لَا تُدْفَعُ

13. وَحِفَاطَ جَارِكَ لَا تُضِعْهُ فَإِنَّهُ \*\*\* لَا يَبْلُغُ الشَّرْفَ الْجَسِيمَ مُضَيِّعُ

14. وَالصَّنِيفَ أَكْرَمُهُ تَجِدُهُ مُخْبِرًا \*\*\* عَمَّنْ يَجُودُ وَمَنْ يَضِنُّ وَيَمْنَعُ

15. وَإِذَا اسْتَقَالَكَ ذُو الْإِسَاءَةِ عَثْرَةٌ \*\*\* فَأَقِلَّهُ إِنَّ ثَوَابَ رَبِّكَ أَوْسَعُ

16. لَا تَجْزَعَنَّ مِنَ الْحَوَادِثِ إِنَّمَا \*\*\* خَرِقُ الرَّجَالِ عَلَى الْحَوَادِثِ يَجْزَعُ

17. وَأَطِعْ أَبَاكَ بِكُلِّ مَا وَصَى بِهِ \*\*\* إِنَّ الْمُطِيعَ أَبَاهُ لَا يَتَضَعَّضُ

اندرزهای امام (علیه السلام)

1- تا زنده هستی و اختیار داری برای آخرت خود سرمایه ای تهیه کن، که فردا از این دنیا جدا میشوی و وابستگان در سرگورت تو را وداع خواهند کرد.

2- برای رفتن از این دنیا و سفر به آخرت، که به زودی انجام می شود و بسیار بسیار طولانی است، خود را آماده کن.

3- هزینه سفرت ترس از خدا و پرهیزگار است آن چنان آماده شو که گویی مرگ زودتر از شب می رسد.

4- به آنچه که خدا به تو روزی داده قناعت کن، زیرا قناعت بهترین سرمایه است. بینوایی و فقر همراه و رفیق کسی خواهد بود که قناعت نکند.

5- از همنشینی با آدم های پست پرهیز، چون آنها هیچ گاه دوستی خالصی نخواهند داشت.

6- تا آنها را خشنود کنی دوست تواند و هر زمان که آنها را ناکام کنی با تو

دشمن خواهند بود و زهر در کامت خواهد ریخت.

7- راز خودت را نزد افرادی که راز دیگران را به تو می گویند، فاش نکن، که آنان رازدار خوبی برای شما نیستند.

8- همان گونه که راز دیگران را نزد تو فاش می کنند راز تو را نیز نزد دیگران فاش خواهند کرد.

9- اگر کسی تو را امین دانست و رازش را پیش تو فاش کرد، اکنون که آگاه شدی راز و عیوب او را بپوشان .

10- در میان جمع پیش از آن که چیزی از تو بپرسند، سخن مگو، که بسیاری این کار را زشت می شمارند .

11- خاموشی، باعث خوشبینی دیگران به فرد می شود؛ فردی که شاید سبک مغز یا نابخرد باشد.

12- شوخی را رها کن، چه بسا یک سخن شوخی چنان غمگینت کند که نتوانی جبرانش کنی .

13- حق همسایگی را حفظ کن و ضایع نکن، احترام فرد آبرومند با کوشش آدم های هرز به هدر نخواهد رفت.

14- تا می توانی قدم مهمان را گرامی دار، زیرا پس از رفتن از خانه شما سخاوت و بذل و بخشش تو و بخل دیگران را مطرح خواهد کرد.

15- هر کس به تو بدی کرد و عذرخواهی نمود او را عفو کن و درگذر که پاداش این کار نزد خدا بیشتر است .

16- در برابر حوادث و پیش آمد روزگار ناله نکن، زیرا تنها نادانان در مقابل حوادث روزگار می نالند.

17- پدرت هر چه به تو گفت اطاعت کن، زیرا هر کس پند و سخن پدر را گوش کند، هیچ گاه ذلیل نخواهد شد.

## 274. سخن ابوطالب با حضرت علی و لیلۃ المبیّت

1. إصْبِرْ يَا بُنَيَّ فَالصَّبْرُ أَحْجَى \*\*\* لِفِدَاءِ النَّجِيبِ وَابْنِ النَّجِيبِ
2. لِفِدَاءِ الْأَعْرُذِيِّ الْحَسَبِ الثَّامِنِ \*\*\* قَبِ وَالْبَاعِ وَالْفَنَاءِ الرَّحِيبِ
3. إِنْ تُصِيبَكَ الْمَنُونُ فَالتَّبَلُّ تُبْرَى \*\*\* فَمُصِيبٌ مِنْهَا وَغَيْرُ مُصِيبٍ
4. كُلُّ حَيٍّ وَإِنْ تَمَلَّأَ عَيْشًا \*\*\* آخِذٌ مِنْ سِهَامِهَا بِنَصِيبِ

سخن ابوطالب با حضرت علی و لیلۃ المبیّت

- 1- پسر عزیزم (با توجه به آینده تو)، تو را وصیت می کنم که صبر را پیشه خود کنی، که صبر از توزیننده است. به همین جهت تو را برای قربانی شدن برای نجیب فرزند نجیب (حضرت محمد) بخشیده ام.
- 2- تو را برای فدایی شدن، و به جای آن رخشان روی تابان گهر، و سخاوتمند و بخشنده انتخاب کردم.
- 3- اگر تیر مرگ به سوی تو شلیک شد، ممکن است اصابت نکند، و ممکن است اصابت کند.
- 4- هر موجود زنده ای، اگر چه زندگی لذت بخشی داشته باشد، از تیرهای مرگ نصیبی و سهمی دارد.

نکته:

علی (علیه السلام) در اسلام فداکارترین و برجسته ترین فرد بود که دارای صفات عالیّه انسانی، بعد از رسول خدا بود چون هم طینت آن بزرگوار و هم تربیت بجا و رهنمودهای بجای پدری فهمیده و فداکار او را در این امر مهم رهنمون شد.

ابو طالب پدر بزرگوار آن مولای کریمان همچون جدّش حضرت

ابراهیم، اسماعیلش را به قربانگاه فرستاده و به او توصیه می کند که جان خود را ایثار و فدای پیامبر خدا نماید.

از این رهگذر، همان گونه که فلسفه و فرهنگ دنیا پرستان بر این استوار است که به هر شکل ممکن دشمن خود را از صحنه خارج کنند، کفار و سردمداران قریش و بنی المروان و بنی العباس و جاعلان حدیث، دست به هر کاری زدند تا برجسبهایی به ابوطالب بزنند و چنین وانمود کنند که ابوطالب - نعوذ بالله مسلمان نبوده است.

متأسفانه در حال حاضر نیز کسانی ناجوانمردانه با چنین شیوه پلیدی سعی میکنند با دروغ و نیرنگ و فریب برخی از مسئولین نظام اسلامی را ضد دین معرفی نمایند تا چند روز بیشتر در پست و مقام خود باقی بمانند.

گاهی با این حربه، وابستگان و دوستداران شخصیتی را متهم می کنند و برجسب هایی ناروا به آنها می زنند، تا زمینه نابودی آن شخصیت را فراهم سازند.

کفار قریش و خانواده های قریشی و خلفاء فاسد و سردمداران آنها نیز سعی کردند تا پدر بزرگوار مولا علی (علیه السلام) - که یکی از چهره های پرارزش اسلام بود - را به عنوان مشرک و نعوذ بالله بت پرست معرفی کنند تا شاید با این اراجیف به جایگاه ویژه مولا علی (علیه السلام) خدشه وارد نمایند .

## 275. در لیلۃ المبیت امام علی (علیه السلام) و به پدرش می گوید

1. أَتَأْمُرُنِي بِالصَّبْرِ فِي نَصْرِ أَحْمَدٍ \*\*\* فَوَاللَّهِ مَا قُلْتُ الَّذِي قُلْتَ جازعا

2. وَلَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ تَرُ نُصْرَتِي \*\*\* لِتَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَزَلْ لَكَ طَائِعًا

3. وَسَعِي لَوْجِهِ اللَّهُ فِي نَصْرِ أَحْمَدٍ \*\*\* نَبِيِّ الْهُدَى الْمَحْمُودِ طِفْلاً وَيَافِعاً

در ليله المبيت امام علي (عليه السلام) و به پدرش می گوید

1- پدر جان آیا در یاری رسول خدا مرا به صبر سفارش می کنی به خدا سوگند هر آنچه گفته ام نه از بابت بی تابی است.

2- پدر جان می خواهم کیفیت یاری مرا از رسول خدا ببینی تا متوجه شوی که من همواره مطیع هستم.

3- کوشش من آن است که رسول خدا را برای خدا یاری کنم <آری آن نبی خدا و راهنمای بشر؛ کسی که در دوران کودکی و اکنون مرا یار بود.

### 276. رجز خوانی عمرو بن معدی کرب

1. أَلَا نَ حِينَ تَقَلَّصْتَ مِنْكَ الْكَلَى \*\*\* إِذْ حَرَّ نَارِكَ فِي الْوَقِيعَةِ يَسْطَعُ

2. وَالْخَيْلُ لَأَحِقَّةُ الْأَيَّاطِلِ شُرْبٌ \*\*\* قُبُ الْبَطُونِ نَثِيهَا وَالْأَفْرَعُ

3. يَحْمِلُنَ فُرْسَانًا كِرَامًا فِي الْوَعَى \*\*\* لَا يَنْكَلُونَ إِذَا الرَّجَالُ تَكَعَّكُمُوا

4. إِنِّي أَمْرُدُ أَحْمِي حِمَايَ بَعْرَةَ \*\*\* وَإِذَا تَكُونُ شَدِيدَةً لَا أَجْزَعُ

5. وَأَنَا الْمُظْفَرُ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا \*\*\* وَأَنَا شِهَابٌ فِي الْحَوَادِثِ يَلْمَعُ

6. مَنْ يَلْقَنِي يَلْقُ الْمَنِيَّةَ وَالرَّدَى \*\*\* وَحِيَاضَ مَوْتٍ لَيْسَ عَنْهُ مَدْفَعُ

7. فَاحْذَرْ مُصَاوَلَتِي وَجَانِبُ مَوْقِفِي \*\*\* إِنِّي لَدَى الْهَيْجَا أَضْرُ وَأَنْفَعُ

رجز خوانی عمرو بن معدی کرب

1 - اینک زمان آن رسیده که کلیه هایت به هم برسند؛ زیرا گرمی آتش جنگ برای سوزانیدن تو برافروخته شده است.

2- اسبهای ما لاغر میان، کمر باریک دوساله، و بیشتر پشت سر هم در میدان جنگ آماده رزمند.

3- و سوارانی بر پشت آنان که در جنگ قدرتمندند و هرگاه که پیشروی برای جنگجویان سخت باشد، اسب ها میدان را ترک نمی کنند.

4- من مردی هستم که جنگ را شعله ور می سازم و از زیردستانم حمایت می کنم و اگر جنگ شدت گیرد از توانم استفاده می کنم.

5- در تمام جنگ هایی که برایم پیش آمده پیروز بوده ام. و در رخدادها چون نیزه می درخشم.

6- هر کس در مقابل من بایستد با شکست و مرگ ملاقات خواهد کرد و به گردابی خواهد افتاد که بیرون آمدن برای او محال است

7- از جنگ با من حذر کن و موقعیت مرا دریاب که من در جنگ به دشمنان ضرر و به دوستانم سود می رسانم.

### 277. مولا جواب عمرو بن معدی کرب را می دهد

1. يَا عَمْرُو قَدْ حَمِيَّ الْوَطِيسُ وَأَضْرِمَتْ \*\*\* نَارٌ عَلَيْكَ وَهَاجَ أَمْرٌ مُنْطَعٌ

2. وَتَسَاقَتِ الْأَبْطَالُ كَأَسْ مَنِيَّةٍ \*\*\* فِيهَا ذَرَارِيحٌ وَسَمٌّ مُنْفَعٌ

3. فَإِلَيْكَ عَيْي لَا يَنَالُكَ مِخْلَبِي \*\*\* فَتَكُونَ كَالْأَمْسِ الَّذِي لَا يَرْجِعُ

4. إِنِّي امْرُؤٌ أَحْمِي حِمَايَ بَعْرَةَ \*\*\* وَاللَّهُ يَخْفِضُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْفَعُ

5. إِنِّي إِلَى قَصْدِ الْهُدَى وَسَبِيلِهِ \*\*\* وَإِلَى شَرَائِعِ دِينِهِ أَتَسْرِعُ

6. وَرَضِيْتُ بِالْقُرْآنِ وَحَيًّا مُنْزَلًا \*\*\* وَبِرَبِّنَا رَبًّا يُضْرُّ وَيَنْفَعُ

7. فِينَا رَسُولُ اللَّهِ أَيَّدَ بِالْهُدَى \*\*\* فَلَوْأُوهُ حَتَّى الْقِيَامَةِ يَلْمَعُ



- 1- ای عمرو تنور جنگ داغ شده و آتشی برایت شعله ور ساخته و جنگی هراس انگیز برای تو پیش آمده.
- 2- قهرمانان میدان جنگ جامی از زهرهای گوناگون و کشنده در دست دارند که آن را به دشمن خود می نوشانند .
- 3- اکنون از من دور شو و برو تا پنجه ام ، که چون پنجه شیر است، به تو نرسد، تا مثل دیروزی نشوی که رفت و برگشت .
- 4- من کسی هستم که از زیردستانم با عزت حمایت می کنم، و از سویی دیگر جنگجویی بی همتایم و خداوند پست کننده و عزت بخش است.
- 5- تو را با قصد اصلاح به راه هدایت و به دین و آئین اسلام دعوت می کنم، سریعاً به اسلام ایمان آور.
6. من قرآن را به عنوان وحی الهی پذیرفته ام، و پروردگارم را به عنوان خدایم که سود و زیان در دست اوست.
- 7 - رهبر ما رسول خداست که با هدایت و قرآن تأیید شده و پرچمش تا روز قیامت در اهتزاز خواهد بود.

### 278. بعد از کشته شدن اغشم می فرمایند

1. أُوْدَى بِأَغْشَمَ دَهْرٌ كَانَ يَأْمُلُهُ\*\*\* فَخَرَّ مُنْجَدِلًا فِي الْأَرْضِ مَضْرُوعًا
2. قَدْ كَانَ يُكْتَبُ فِي الْكَلَامِ تَشْمَعًا\*\*\* حَتَّى سَمَا بِحُسَامِهِ تَرْوِيْعًا
3. فَعَلَوْنَهُ مِنِّي بِضَرْبَةِ فَاتِكَ\*\*\* مَا كَانَ يَوْمًا فِي الْحُرُوبِ جَزُوعًا
4. مَنْ كَانَ يُنْكِرُ فَضْلَنَا وَسَنَاءَنَا\*\*\* فَأَنَا عَلَى لِيْلِهِ مُطِيعَا

بعد از کشته شدن اغشتم می فرمایند

- 1- اغشتم را روزگاری که به آن امید داشت (و آن پیروزی در جنگ بود)، نابود . کرد و اینک به خاک افتاده .
- 2- اغشتم در سخن گفتن پهلوان بود تا دشمن را بترساند، و با این تصور شمشیر کشید و حمله کرد.
- 3- و من با برتری چنان ضربه ای به او وارد کردم که نابود شد، در حالی که در تمام جنگ هایش ناتوان نبود .
- 4- هر کس که برتری و والایی ما را نادیده بگیرد، سزایش همین است، و من علی ام همان که مطیع فرمان الهی است.

### 279. پیروزی های علی در میدان جنگ

1. هَلْ يُفْرَعُ الصَّخْرُ مِنْ مَاءٍ وَمِنْ مَطَرٍ \*\*\* هَلْ يُلْحَقُ الرِّيحُ بِالْأَمَالِ وَالطَّمَعِ

2. أَنَا عَلِيٌّ أَبُو السَّبْطَيْنِ مُقْتَدِرٌ \*\*\* عَلَى الْعُدَاةِ غَدَاةَ الرُّوْعِ وَالزَّمَعِ

پیروزی های علی در میدان جنگ

- 1- آیا سنگ های سخت را میتوان با باران کوفت، آیا با آرزو و طمع می توان به باد رسید.
- 2- من علی هستم، پدر دو نوه پیامبر که در روزهای سخت جنگ، دشمن را شکست داده و پیروز میدان جنگم.

نکته:

ص: 293

باید جهان اسلام، قوی ترین باشد

از مجموع رجزها و برخوردهای مولا علی (علیه السلام) چه در میدان جنگ با اسلحه و چه در میدان رجزخوانی که یک نوع رسانه آن روزگاران بوده، به این نتیجه میرسیم که باید ما مسلمانان به گونه ای قوی باشیم که دشمنان فکر جنگ و تعرض به کشورمان را نداشته باشند.

و به قول و دستورات قرآن باید از نظر دفاعی قوی ترین باشیم:

(وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ). (سوره انفال، آیه 60).

و هم چنین علاوه بر زمینه های دفاعی باید به تقویت بنیه خود در زمینه های فرهنگی، رسانه ای، نظامی، فرهنگی، اقتصادی پردازیم، آن هم برای دفاع از اسلام و مسلمین نه برای تعرض و جنگ افروزی.

### 280. در راه به سوی جنگ جمل

1. يَا لَهْفَ نَفْسِي قُتِلَتْ رَبِيعَةٌ \*\*\* رَبِيعَةُ السَّامِعَةِ الْمُطِيعَةِ

2. سَمِعْتُهَا كَانَتْ بِهَا الْوَقِيعَةُ \*\*\* بَيْنَ مَحَانِي سُوقِهَا وَالْبِيعَةِ

3. فَمَا بِهَا نَقْصٌ وَلَا وَضِيعَةٌ \*\*\* وَلَا الْأُمُورُ الرِّتَةَ الشَّنِيعَةَ

4. كَانَتْ قَدِيمًا عَصْبَةً مَنِيعَةً \*\*\* تَرَجُّو ثَوَابَ اللَّهِ بِالصَّنِيعَةِ

5- وَمُرَّةٌ أَنَسَابُهَا وَلِيعَةٌ \*\*\* قَالَعَةُ أَصْوَاتِهَا رَقِيعَةٌ

6- لَيْسَتْ كَأَصْوَاتِ بَنِي الْخَضِيعَةِ \*\*\* دَعَا حَكِيمٌ دَعْوَةً سَمِيعَةً

7. مِنْ غَيْرِ مَا بَطُلٍ وَلَا خَدِيعَةٍ \*\*\* نَالَ بِهَا الْمَنْزِلَةَ الرَّفِيعَةَ

في الشَّرَفِ الْعَالِي مِنَ الدَّسِيعَةِ

- 1- افسوس که ربیعہ کشته شد، ربیعہ وجودی مسالمت آمیز داشت ولی متأسفانه کشته شد. (1)
  - 2- شنیده ام که ربیعہ در حین خرید و فروش کشته شده و مورد حمله قرار گرفته است.
  - 3- از ربیعیان هیچ کاستی و پستی و هیچ کار زشتی، دیده نشد.
  - 4- آنها از زمان های دور مردمی استوار بودند و در کارهای خوبی که انجام می دادند رضای خدا را می خواستند.
  - 5- ولی قبیلہ مریان در افتخار، خاندانی ناپایدار بودند و سخنانشان هجو کردن بود.
  - 6- صدای آنان مانند صدای جنگجویان در میدان جنگ نیست. ولی حکیم فرزند جبلہ مردم را به جنگ دعوت کرد و مردم حرف او را شنیدند و به مقامی عالی دست یافت .
  - 7- حکیم نه حرف بی ربطی زده بود و نه نیرنگی بازی کرده بود و با دعوت خود به مقامی عالی رسید.
- و به جایگاهی برتر دست یافت.

### 281. دنیا آب در مشت فشردن است

وَمَنْ يَصْحَبِ الدُّنْيَا يَكُنْ مِثْلَ قَابِضٍ \*\*\* عَلَى الْمَاءِ خَائِئْتُهُ فُرُجُ الْأَصَابِعِ

ص: 295

- 
- 1- ربیعہ کہ ربیعة الخیر نیز به او می گفتند تمام ثروت خود را مایحتاج و اسب خرید و تحویل جنگ داد.

هر کس رفیق دنیا شد، همچون کسی است که آبی را در مشت خود، بفشارد و انگشتهایش در نگاهداری آب او را همراهی نکنند و خیانت نمایند .

## 282. قناعت

1. أَفَادَتْنِي الْقَنَاعَةُ كُلَّ عِزٍّ \*\*\* وَهَلْ عِزُّ أَعَزُّ مِنَ الْقَنَاعَةِ

2. فَصَيَّرَهَا لِنَفْسِكَ رَأْسَ مَالٍ \*\*\* وَصَيَّرَ بَعْدَهَا التَّقْوَى بِضَاعَةً

3. تَحْزُرُ رِيحًا وَتُغْنِي عَنْ يَخِيلٍ \*\*\* وَتَنْعُمُ فِي الْجِنَانِ بِصَبْرِ سَاعَةٍ

### قناعت

1- قناعت مرا به هر عزتی می رساند. آیا عزت آفرینی مثل قناعت وجود دارد.

2- قناعت را سرمایه زندگی خویش کن و بعد از آن تقوی و پرهیزکاری را هستی خود ساز .

3- اگر می خواهی به سودی سرشار برسی و از آدم های بخیل بی نیاز شوی، و در بهشت زندگی راحتی داشته باشی قناعت کن .

نکته:

قناعت و راضی شدن به داشتنی ها یکی از ارکان عزت و آبروی هر کسی است . و افرادی که قناعت پیشه می کنند، از ذلت دست دراز کردن به سوی دیگران رهایی پیدا می کنند .

انسان باید روی داشته های خود حساب باز کرده و از زیاده طلبی و افزون خواهی که باعث ذلت در جامعه میشود پرهیز کند و به جای

دست دراز کردن به سوی دیگران و گرفتن وام (که در فرهنگ اسلامی نکوهش شده و باعث ورشکستگی اقتصادی و نابسامانی می گردد) ، روی آنچه که دارد سرمایه گذاری کند تا بتواند با صرفه جویی و قناعت و برنامه ریزی صحیح زندگی خویش را سامان بخشد.

شما اگر در طبیعت نیز دقت کنید ، خواهید دید در سرزمینی که باران فراوانی می بارد، زمین محصول خاصی دارد، و در سرزمینی دیگر که باران کم می بارد محصول خاص خودش را دارد که اعجاب آور است و مهم این است که زندگی مردمان هر دو سرزمین به خوبی اداره می شود.

پس بیایید با پیروی از فرهنگ مولا علی (علیه السلام) ، با در پیش گرفتن قناعت ، زندگی خود را تبدیل به بهشت کنیم؛ و بدانیم امکانات و مقدرات بر حسب توانایی ها و زمینه ها تقسیم شده است.

### 283. در باره عقل و خرد

1. رَأَيْتُ الْعَقْلَ عَقْلَيْنِ \*\*\* فَمَطْبُوعٌ وَمَسْمُوعٌ

2. وَلَا يَنْفَعُ مَسْمُوعٌ \*\*\* إِذَا لَمْ يَكْ مَطْبُوعٌ

3. كَمَا لَا تَنْفَعُ الشَّمْسُ \*\*\* وَضَوْءُ الْعَيْنِ مَمْنُوعٌ

در باره عقل و خرد

1- عقل را به دو صورت دیدم ، اول عقل درونی ، دوم عقل برونی .

2- عقل برونی و شنیدنی سودی ندارد اگر عقل درونی کار نکند .

3- آن گونه که خورشید برای کسی که چشمی ندارد سودی ندارد .

ص: 297

نکته:

انسان تا در زندگی درونی، آگاه نباشد هر چه از جانب خداوند فرستاده شود، امکان ندارد که بتواند آدمی را هدایت کند.

گر شود آئینه عالم سر به سر \*\*\* کور را نبود ز روی خود خیر

### 284. دنیا

أَرَى الْمَرْءَ وَالذُّنْيَا كَمَا هِيَ وَقَابِضٌ \*\*\* يَضُمُّ عَلَيْهِ الْكُفَّ وَالْكَفُّ فَارِغٌ

دنیا

مردم دنیا طلب را دیدم، مثل کسی بودند که آب را در مشت خویش گرفته اند ولی مشت نمیتواند آن را نگه دارد.

### 285. در بیم و امید

1. أَلَا صَاحِبَ الذَّنْبِ لَا تَقْتَطِنُ \*\*\* فَإِنَّ الْإِلَهَ رَوْوْفٌ رَوْوْفٌ

2. وَلَا تَرَحَّلَنَّ بِلَا عُدَّةٍ \*\*\* فَإِنَّ الطَّرِيقَ مَخُوفٌ مَخُوفٌ

در بیم و امید

1- ای گنه کار، از رحمت الهی مأیوس نشو، زیرا خداوند مهربان مهربان است.

2- ولی هرگز بی توشه آخرت و دنیا مکوش که راه زندگی و آخرت بسیار ترسناک است.

ص: 298

## 286. از گناه دست بردار

1. مَنْ عَدَا ثُمَّ اعْتَدَىٰ ثُمَّ اعْتَرَفَ \*\*\* ثُمَّ اذْعَوَىٰ ثُمَّ انْتَهَىٰ ثُمَّ اعْتَرَفَ

2. أَبَشِّرُ بِقَوْلِ اللَّهِ فِي آيَاتِهِ \*\*\* إِنَّ يَنْتَهُوا يَغْفِرَ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ

از گناه دست بردار

1- کسی که از مرز تقوی گذشت و ستم کرد و سپس بازگشت و گناه خود را پذیرفت .

2- او را بشارت بده که خداوند در آیات قرآن گفته است: اگر گناه کار برگردد او را می آمرزم و گذشته اش را نادیده خواهم گرفت.

## 287. نیکی و عدالت

1. إِنْ كُنْتَ تَطْلُبُ رُتْبَةَ الْأَشْرَافِ \*\*\* فَعَلَيْكَ بِالْإِحْسَانِ وَالْإِنصَافِ

2. وَإِذَا اعْتَدَىٰ أَحَدٌ عَلَيْكَ فَحَلِّهِ \*\*\* وَالذَّهْرَ فَهُوَ لَهُ مُكَافٍ كَافٍ

نیکی و عدالت

1- اگر می خواهی به مقام والای خوبان برسی، تا می توانی نیکی کن و انصاف و عدالت داشته باش .

2- اگر کسی بر شما ستمی کرد، سعی کن رهایش کنی که روزگار خود پاداش او را خواهد داد.

ص: 299



1. لَا تَبْخَلَنَّ بِدُنْيَا وَهِيَ مُقْبِلَةٌ \*\*\* فَلَيْسَ يَنْقُصُهَا التَّبَذِيرُ وَالسَّرْفُ
2. وَإِنْ تَوَلَّتْ فَأَخْرِي أَنْ تَجُودَ بِهَا \*\*\* فَالشُّكْرُ مِنْهَا إِذَا مَا أَدْبَرَتْ حَلْفُ

بُخْل

1- آنگاه که دنیا به تو روی آورد در بخشش بخل نورز زیرا در چنین وضعیتی زیاده روی و، اسراف مالت را کم نخواهد کرد.

2- و اگر دنیا پشت کند باز هم بخشش بهتر است چون اگر برنگشت، تشکر مردم < جانشین دنیا می گردد.

### 289. آنچه که گذشت گذشت

1. مَا لِي عَلَى قُوْتٍ فَأَيْتِ أَسْفُ \*\*\* وَلَا تَرَانِي عَلَيْهِ التَّهْفُ
2. مَا قَدَّرَ اللَّهُ لِي فَلَيْسَ لَهُ \*\*\* عَنِّي إِلَى مَنْ سِوَايَ مُنْصَرَفُ
3. فَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ \*\*\* مَالِي قُوْتٌ وَهَمَّتِي السَّرْفُ
4. أَنَا رَاضٍ بِالْعُسْرِ وَالْيَسَارِ فَمَا \*\*\* تَدْخُلْنِي ذِلَّةٌ وَلَا صَلَفُ

آنچه که گذشت گذشت

1 - هرگاه چیزی را از دست بدهم نه افسوس بخورم و نه مرا می بینی که آه بکشم.

2- زیرا هر آنچه که خداوند برایم مقدر کرده است به فرد دیگری داده نمی شود.

3- حمد و سپاس خدایی را که شریک ندارد، لقمه ای برای خوردن ندارم ولی همتم بالا است.

4- بر آنچه مقدرم هست، چه سختی و چه گشایش، خشنودم و هیچگاه به خاطر سختی ذلت پذیر نیستم و از گشایش و شادی لاف نخواهم زد.

### 290. روزی به عقل نیست

1. كَمْ مِنْ عَلِيمٍ قَوِيٍّ فِي تَقَلُّبِهِ \*\*\* مُهْدَبِ اللَّبِّ عَنْهُ الرِّزْقُ يَنْحَرِفُ

2. كَمْ مِنْ ضَعِيفٍ سَخِيفِ الْعَقْلِ مُخْتَلِطٍ \*\*\* كَأَنَّهُ مِنْ خَلِيجِ الْبَحْرِ يَغْتَرِفُ

روزی به عقل نیست

1- چه بسا دانایی که در کارهای خود نیرومند است و عقل خوبی دارد اما رزق از او کناره گیری می کند

2- و چه بسا ضعیفانی که از نظر عقلی عقب مانده اند اما از نظر ثروت گویا لب دریا نشسته و به وفور از دریا بهره می گیرند .

نکته:

دو نوع ثروت وجود دارد که به آنها روزی (یعنی درآمد روزانه) گفته می شود. یکی ثروتی که جمع آورنده آن سعی میکند به هر شکل ممکن از حلال و حرام و سرمایه های کشور به دست آورد که جمع آورندگان آن عقل معاش دارند. دوم: رزق و روزی که باید زندگی را بر اساس مروّت و صداقت و حلال به دست آورد که آن را عقل معاد گویند.

ص: 301

به نظر می‌رسد در این نوع ثروت که به آن هم «روزی» می‌گویند، اگر جمع شود و صاحب آن بخواهد آن را به مصداق «وَلِلَّسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ»، بخشی از آن باید در مصارف مورد نظر هزینه شود که بعضاً آن گونه ثروت روزی است پس یک روزی حلال داریم و یک روزی حرام که مورد نظر مولا است.

## 291. خدا مرگ را پاداش دهد

1. جَزَى اللَّهُ عَنَّا الْمَوْتَ خَيْرًا فَإِنَّهُ \*\*\* أَبْرُّ بِنَا مِنْ وَالِدَيْنَا وَأَزْأَفُ

2. يُعَجِّلُ تَخْلِيصَ النَّفْسِ مِنَ الْأَذَى \*\*\* وَيُدْنِي مِنَ الدَّارِ الَّتِي هِيَ أَشْرَفُ

خدا مرگ را پاداش دهد

1- خداوند ما را به مرگ پاداش خوب دهد، زیرا خداوند از پدر و مادر خیراندیشتر و مهربان تر است.

2- مرگ جان‌ها را از رنج و غصه می‌رهاند و آدمی را به خانه‌ای که سزاوار است نزدیک

می‌کند.

## 292. شناخت و عرفان خدا

1. فَدُكُنْتَ يَا سَيِّدِي بِالْقَلْبِ مَعْرُوفًا \*\*\* وَلَمْ تَزَلْ سَيِّدِي بِالْحَقِّ مَوْصُوفًا

2. وَكُنْتَ إِذْ لَيْسَ نَوْزٌ يُسْتَضَاءُ بِهِ \*\*\* وَلَا ظَلَامٌ عَلَى الْآفَاقِ مَعْكُوفًا

ص: 302

3. قَرَّبْتَنَا بِخِلَافِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ \*\*\* وَكُلُّ مَا كَانَ فِي الْأَوْهَامِ مَعْرُوفًا
2. وَمَنْ يُرِدْهُ عَلَى التَّشْبِيهِ مُمَثَّلًا \*\*\* يَرْجِعْ أَخَا حَصْرٍ بِالْعَجْزِ مَكْنُوفًا
3. وَفِي الْمَعَارِجِ يَرْقَى مَوْجُ قُدْرَتِهِ \*\*\* مَوْجًا يُعَارِضُ صَرْفَ الرِّيحِ مَكْنُوفًا
4. فَاتْرُكْ أَخَا جَدَلٍ بِالَّذِينَ مُشْتَبِهًا \*\*\* قَدْ بَاشَرَ الشُّكَّ مِنْهُ الرَّأْيَ مَوْوُوفًا
5. وَأَصْحَبِ أَخَا مِقَّةٍ حُبًّا لِسَيِّدِهِ \*\*\* وَبِالْكَرَامَةِ مِنْ مَوْلَاهُ مَحْفُوفًا
8. أَمْسَى دَلِيلُ الْهُدَى فِي الْأَرْضِ مُنْتَشِرًا \*\*\* وَفِي السَّمَاءِ جَمِيلُ الْحَالِ مَعْرُوفًا

شناخت و عرفان خدا

- 1- سرور من تو را با قلب و دلمان شناخته ایم و همواره به حق معروف و شناخته شده ای
- 2- ای خدا آن زمان که نه نوری بود و نه تاریکی که از آن پرتو گیرند همه چیز سر به آستان تو داشته اند.
- 3- ما را به خود نزدیک کردی و خلیفه خود خواندی در حالی که همه موجودات را و هر چه در اندیشه ها است که شناخته شده اند، نخواندی و ما را خلیفه خود دانستی .
- 4- کسی که خدا را با تشبیه کردن به موجودات معرفی کند در عجز و ناتوانی

ص: 303

محاصره می گردد.

5- موج توانایی و قدرتاش آنقدر نیرومند است که تمام امواج را از حرکت به سوی او باز می دارد.

6- رها کن فرد ستیزه جویی را که خود را دیندار می داند و در دین شک ایجاد کند و دائماً در حال شک و تردید است و خرد و علمش به او آسیب می زده است.

7- با کسی رفاقت و دوستی کن که دوستدار سرور و برخوردار از مهر خداوند خویش است.

8- و او نشانه راه هدایت در زمین است، و در آسمان ها او را به خوبی می شناسند.

### 293. پس از کشته شدن کعب فرزند اشراف و اخراج قبیله بنی نظیر فرمود

1. عَرَفْتُ وَمَنْ يَعْتَدِلْ يَعْرِفِ \*\*\* وَأَيَقْنْتُ حَقًّا وَلَمْ أَصْدِفِ

2. عَنِ الْكَلِمِ الصِّدْقِ يَأْتِي بِهَا \*\*\* مِنَ اللَّهِ ذِي الرَّافَةِ الْأَرْأَفِ

3. رَسَائِلَ يُدْرَسْنَ فِي الْمُؤْمِنِينَ \*\*\* بِهِنَّ اصْطَفَى أَحْمَدَ الْمُصْطَفِي

4. فَأَصْبَحَ أَحْمَدُ فِينَا عَزِيزًا \*\*\* عَزِيزَ الْمُقَامَةِ وَالْمَوْقِفِ

5. فَيَا أَيُّهَا الْمُوعَدُوهُ سَفَاهًا \*\*\* وَلَمْ يَأْتِ جَوْرًا وَلَمْ يَعْغِبِ

6. أَلَسْتُمْ تَخَافُونَ أَدْنَى الْعَذَابِ \*\*\* وَمَا آمِنُ اللَّهُ كَالْأَخُوفِ

7. فَإِنْ تُصْرَعُوا تَحْتَ أَشْيَافِنَا \*\*\* كَمَصْرَعِ كَعْبِ أَبِي الْأَشْرَفِ

8. عَدَاةَ رَأَى اللَّهُ طُغْيَانَهُ \*\*\* وَأَعْرَضَ كَالْجَمَلِ الْأَجْنَفِ

9. فَأَنْزَلَ جِبْرِيْلَ فِي قَتْلِهِ \*\*\* بُوْحِي إِلَى عَبْدِهِ الْمُطْفِ

ص: 304

10. فَدَسَّ الرَّسُولُ رَسُولًا لَهُ \*\*\* بِأَرْهَفَ ذِي طَبَةِ مُرْهَفِ

11. فَبَاتَتْ عَيْونُ لَهُ مُعَوَّلَاتٌ مَتَى يُنْعَ كَعْبُ لَهَا تَدْرِفِ

12. فَقَالُوا لِأَحْمَدَ ذَرْنَا قَلِيلًا \*\*\* فَإِنَّا مِنَ التَّوْحِ لَمْ نُشْتَفِ

13. فَخَلَّاهُمْ ثُمَّ قَالَ اظْعَنُوا \*\*\* دُحُورًا عَلَى رَغْمَةِ الْأَنْفِ

14. وَأَجَلَى النَّضِيرِ إِلَى عُزِيَّةٍ \*\*\* وَكَانُوا بِدَارَةِ ذِي زُحْرَفِ

15. إِلَى أَدْرُعَاتٍ رِدْفًا هُمْ \*\*\* عَلَى كُلِّ ذِي دَبَرٍ أَعْجَفِ

پس از کشته شدن کعب فرزند اشراف و اخراج قبیله بنی نظیر فرمود

1- اسلام را شناختم و هر که را اندیشه سالم داشته باشد، و به اسلام عرفان پیدا کند شناختم و آن چنان باور کردم که لحظه ای رویگردان نیستم .

2- از سخن و اندیشه سالم و راست که پیامبر از جانب خداوند آورده رویگردان نیستم، زیرا او مهربان و مهربان ترین آورنده است. به دستور قوانین مدون قرآن که درس زندگی مسلمانان است و خداوند عالمیان محمد را جهت ابلاغ آن پیام (قرآن) فرستاده اقرار و اعتراف دارم.

4- محمد در بین ما عزیزی بی نظیر است که دارای مقام و جایگاهی استثنایی است.

5- ای نادانی که از روی جهالت مردم را می ترسانی مگر نمی بینی قانون او ستم نیست و او با این قانون و جایگاه درستی نکرده است.

6- آیا از کمترین عذاب الهی نمی ترسید و من از سر صدق و صفا و باور ایمان آورده ام، نه از ترس و جلب منافع دنیایی.

7- اگر در اثر لجاجت زیر شمشیرهای ما سقوط کردید، مثل کعب ابی اشرف به قتل خواهید رسید.

8- در آن بامداد که خداوند جبار سرکشی او را دید که همچون شتر گرسنه پشت کرده روی برتافته و یاغیگری می کند .

9- خداوند از طریق وحی به بنده مهربان خود محمد، دستور قتل او (کعب ابی اشرف) را داد سوره آل عمران، آیه مبارکه (12)

10- پس پیامبر محرمانه دستور قتل او را صادر کرد، او هم با شمشیری آبدیده و تیز و بزّان او را کشت .

11- در آن شب حادثه چشمانی که باید برای مرگ او گریه کنند با ناله زاری گریه کردند.

12- وابستگان کعب به رسول خدا گفتند دلمان هنوز آرامش نگرفته اجازه بده که برای او بیشتر گریه کنیم .

13- رسول خدا اجازه داد عزاداری کنند سپس دستور داد قبیله بنی نظیر بر خلاف میل خود آن سرزمین را ترک کنند.

14- بنی نظیر که در خانه های آراسته زندگی می کردند، به جایی دور کوچ کردند.

15- بنی نظیر در شرایطی سخت بر روی شترهای لاغر ردیف هم سوار شدند و به سوی اذرعات (شام) حرکت کردند.

نکته:

یهود بنی نظیر در منطقه مدینه زندگی می کردند، آنگاه که پیامبر به مدینه آمدند، با آن حضرت پیمان بستند که با مسلمانان جنگ نکنند و علیه مسلمانان توطئه ننمایند اما در سال سوم هجرت، کعب ابن اشرف به مکه رفت و با مشرکان مکه هم پیمان شد که متحداً مشرکان مکه از خارج و یهود بنی نظیر از داخل با مسلمانان بجنگند.

پس از بازگشت از مکه یهودیان بنی نظیر و مشرکان مکه همدست

شدند و علیه مسلمانان قیام کردند. در این جنگ که به پیروزی مسلمانان ختم شد، مشرکان مکه شبانه از منطقه مدینه فرار کردند و قبیله بنی نظیر به طرف شام کوچ کرده و فرار نمودند و چند عشیره دیگر به سوی منطقه خیبر حرکت کردند. در این گیر و دار محمد ابن مسلمه کعب ابن اشرف را غافلگیر کرد و او را کشت.

#### 294. در گریختن غطریف

1. يَا لَهْفَ نَفْسِي عَلَى الْغَطْرِيفِ \*\*\* الْمُدَّعِي الْبَأْسِ وَبَدَلَ الرَّيْفِ

2. أَفَلَتَ مِنْ ضَرْبٍ لَهُ خَفِيفٍ \*\*\* غَيْرَ كَرِيمِ الْجَدِّ أُمِّ طَرِيفِ

در گریختن غطریف

1- دریغا از غطریف که ادعای شجاعت و انفاق داشت.

2- از ضربتی که برایش قابل تحمل بود گریخت خواه سلسله نسب او نامناسب یا مناسب باشد.

#### 295. اشتیاق به کوفه

1. يَا حَبْذَا سَيْفٍ بِأَرْضِ الْكُوفَةِ \*\*\* أَرْضٌ لَنَا مَأْلُوفَةٌ مَعْرُوفَةٌ

2. تَطَرَّقُهَا جَمَالُنَا الْمَغْلُوفَةُ \*\*\* عِمَى صَبَاحاً وَأَسْلَمِي مَأْلُوفَةٌ

اشتیاق به کوفه

1- خوشا بر ساحلی در سرزمین کوفه، آنجا زمینی است که شناخته شده و مورد علاقه ما و خوشبو است

ص: 307



2- شبانه شتران علف خورمان بر آن سرزمین راه می روند ای کوفه صبح به خیر، درود بر تو که با تو انس گرفته ام.

نکته:

کوفه در کنار شط است و با نجف حدود یک فرسخ فاصله دارد ولی نجف در کنار دریایی بوده که فعلاً خشک شده و علاقه امام بی مورد نبوده و به خاطر دفن شدن در آن سرزمین بوده.

## 296. توکل

1. إِغْنِ عَنِ الْمَخْلُوقِ بِالْخَالِقِ \*\*\* تَغْنِ عَنِ الْكَاذِبِ بِالصَّادِقِ

2. وَاسْتَرْزِقِ الرَّحْمَنَ مِنْ فَضْلِهِ \*\*\* فَلَيْسَ غَيْرُ اللَّهِ بِالرَّازِقِ

3. مَنْ ظَنَّ أَنَّ الرِّزْقَ فِي كَفِّهِ \*\*\* فَلَيْسَ بِالرَّحْمَنِ بِالْوَائِقِ

4. أَوْ قَالَ إِنَّ النَّاسَ يُغْنُونَنِي \*\*\* زَلْتُ بِهِ التَّعْلَانَ مِنَ خَالِقِ

توکل

1- تا خدا را داری از مخلوق بی نیاز باش، دروغ پردازان را کنار بگذار و با راستگویان باش .

2- از فضل و لطف خداوندی که رحمن است روزی بخواه، جز خدای بزرگ کسی نمی تواند روزی دهنده باشد.

3- کسی که تصور می کند زرنگ است و خودش روزی و درآمد دارد، به خدای بزرگ و رحمن اعتماد ندارد.

4- یا آنکه می گوید وابستگان زندگی ام را تأمین می کند، با این اندیشه گویا با کفش لغزیده از کوه افتاده .

ص: 308

1. لَوْ كَانَ بِالْحَيْلِ الْغِنَى لَوَجَدْتَنِي \*\*\* بِنُجُومِ أَقْطَارِ السَّمَاءِ تَعَلُّقِي

3. لَكِنَّ مَنْ رَزَقَ الْحِجَى حُرْمَ الْغِنَى \*\*\* ضِدَانٍ مُفْتَرِقَانِ أَي تَفَرِّقِي

عقل و ثروت

1- اگر با زرنگی ثروت و مال زیاد به دست می آمد، می دیدی که ستاره های پهنه آسمان در ملک من است و به آنها چنگ انداخته ام.

2- اما آنکه عقل و خرد خواست از ثروت محروم می ساختند زیرا عقل و ثروت از همه گریزان و ناسازگار هستند .

نکته:

دانشمندان و دانشوران در زندگی شان ملاحظات حقوق مردم و شیوه بهره وری از منابع اقتصادی را در نظر می گیرند و کوشش می کنند از دانش خود به خاطر پیشرفت در علوم و فنون استفاده کنند.

به هر حال دانشمند به دنبال داده های عقلانی و دانش است.

اما آدم های زرنگ که فقط به دنبال شکم خود هستند و حقوق دیگران حتی حقوق همه موجودات را نادیده میگیرند و فقط به فکر شکم خود هستند، بدیهی است که اندوخته های فراوانی را فراهم می سازند .

1. رَضِيْتُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لِي \*\*\* وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى خَالِقِي

2. لَقَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ فِي مَا مَضَى \*\*\* كَذَلِكَ يُحْسِنُ فِي مَا بَقِيَ

ص: 309

تسلیم اراده خدا هستم

- 1- به آنچه که خداوند متعال برای من مقدر کرده خوشحالم و کار خود را به آفریدگار سپردم
- 2- پیش از این جز لطف و احسان از خدا ندیده ام، و زین پس نیز لطف و نیکی خواهد کرد.

### 299. من همراه علم

1. عِلْمِي مَعِيَ أَيَّمَا قَدْ كُنْتُ يَتَّبِعُنِي \*\*\* قَلْبِي وَعَاءٌ لَهُ لَا جَوْفُ صُنْدُوقِ

2. إِنْ كُنْتُ فِي الْبَيْتِ كَانَ الْعِلْمُ فِيهِ مَعِيَ \*\*\* أَوْ كُنْتُ فِي السُّوقِ كَانَ الْعِلْمُ فِي السُّوقِ

من همراه علمم

- 1- در همه جا و در همه حال علم من همراهم است، دلم جای او است نه در صندوق خانه .
- 2- اگر در خانه باشم او با من است اگر در بازار باشم او با من است، در همه جا همراهم هست.

نکته:

علم و ثروت

علم آدمی را در مواضع خطر حفظ می کند، اما ثروت را باید صاحبش حفظ کند و چه بسا ممکن است این گونه ثروت خطر آفرین باشد و صاحب خود را به کام مرگ بکشد.

ص: 310

علم در هر جای دنیا باش، همراه انسان است ولی ثروت را باید تو همراهش باشی.

علم نیاز به مکان و ظرف ندارد و هم چون روح انسان همراه با انسان است و حمل آن نیاز به زحمت ندارد، ولی ثروت را باید با وسایل مختلف همراه خود داشته باشی و حمل آن مستلزم زحمت بسیار است.

فرد عالم نوعاً در تمام جوامع بشری محترم شمرده می شود، اما چه بسیارند ثروتمندانی که در تمام جهان انگشت نما و منفورند.

امکان استفاده از علم در هر زمان و مکان مقدور است و علم عالم قابل سرقت نیست اما استفاده از ثروت نیاز به بسیاری از عوامل دارد، و بدتر از آن اینکه قابل سرقت است و در صورت وقوع سرقت صاحبش را به خاک سیاه می نشانند.

هیچ کس پاینده نیست

1. أرى الدنيا سُنُوذُنْ بِانْطِلاقٍ \*\*\* مُشْمَرَةٌ عَلَى قَدَمِ وَسَاقِ

2. فلا الدنيا بباقيَةٍ لِحَيِّ \*\*\* ولا حَيِّ عَلَى الدُّنْيَا بَباقِ

### 300. هیچ کس پاینده نیست

1- دنیا و زندگی و عمر را می بینم که خودش تصمیم می گیرد برود و می رود و برای رفتن دست و پای خود را جمع کرده و دامن به کمر زده است.

2- نه زندگی دنیا برای زنده ها می ماند و نه موجود زنده ای در روی زمین پایدار خواهد ماند همه چیز می رود.

ص: 311

### 301. همیشه در دنیا غم میبارد

1. أَفَّ عَلَى الدُّنْيَا وَأَسْبَابِهَا\*\*\* فَإِنَّهَا لِلْحُزْنِ مَخْلُوقَةٌ

2. هُمُومُهَا مَا تَنْقُضِي سَاعَةً\*\*\* عَنْ مَلِكٍ فِيهَا وَعَنْ سُوقَةٍ

همیشه در دنیا غم میبارد

1- اف و آه بر این دنیا و همه وسائل او گویا این دنیا را برای غصه خوردن

آفریده اند.

2- غم و اندوه او پاینده است؛ همه کس درگیر غم او است، چه شاه و چه گدا.

### 302. دوست خوب وجود ندارد

1. تَعَرَّبْتُ أَسْأَلَ مَنْ عَنَّ لِي\*\*\* مِنَ النَّاسِ هَلْ مِنْ صَدِيقٍ صَدُوقٍ

2. فَقَالُوا عَزَّيْزَانِ لَا يُوجَدَانِ\*\*\* صَدِيقٍ صَدُوقٍ وَيَبِيضُ الْأَنْوَقِ

دوست خوب وجود ندارد

1- برای آنکه دوستی صمیمی پیدا کنم، از شهرم کوچ کردم و از هر کس پرسیدم یک دوست واقعی نشانم بدهند.

2- همه کس به من گفتند دو چیز را پیدا نخواهی کرد: اول، دوست راستگو و دوم، تخم عقاب.

\*\*\*

ص: 312

### 303. ناسپاس وجود دارد، ولی سپاس خیر

1. تُرَابٌ عَلَى رَأْسِ الزَّمَانِ فَإِنَّهُ \*\*\* زَمَانٌ عُقُوقٌ لَا زَمَانَ حُقُوقِ

2. فُكُّلٌ رَفِيقٌ فِيهِ غَيْرٌ مُوَافِقٍ \*\*\* وَكُلُّ صَدِيقٍ فِيهِ غَيْرٌ صَدُوقِ

ناسپاس وجود دارد، ولی سپاس خیر

1- خاک بر سر این روزگار که بسیار ناسازگار است نه روزگار سازگاری و نه کسی را دارم.

2- هیچ رفیقی به رفاقت خود وفادار و هیچ دوستی به دوستی خود پایبند نیست .

### 304. یا برای دوستی یا ترس

1. مَا مِنْ صَدِيقٍ وَإِنْ تَمَّتْ صِدَاقَتُهُ \*\*\* يَوْمًا بِأَنْجَحَ فِي الْحَاجَاتِ مِنْ طَبَقِ

2. إِذَا تَلَّمَّ بِالْمِنْدِيلِ مِنْطَلِقًا \*\*\* لَمْ يَخْشَ صَوْلَةَ بَوَابٍ وَلَا غَلَقِ

3. لَا تَكْذِبَنَّ فَإِنَّ النَّاسَ مُدْخُلِقُوا \*\*\* لِرَغْبَةِ يَكْرُمُونَ النَّاسَ أَوْ فَرَقِ

یا برای دوستی یا ترس

1- هر دوست، هر چند در دوستی درست کردار باشد باید در برآوردن حاجات پس از بی نیازی و پیروزی به مردم خدمت کند.

2- هر گاه دهن بند به گوشه سربند خود ببندد و روانه شود از هیچ مانعی و دربانی نهراسد .

3- دروغ نگوزیرا مردم از زمانی که خلق شده اند، یا از روی ارادت و اخلاص به دیگران احترام می گذارند و یا از روی ترس و جلب منفعت.

ص: 313

### 305. جنگ بدر

مَا تَرَكْتُ بَدْرُ لَنَا صَدِيقًا \*\*\* وَلَا لَنَا مِنْ خَلْقِنَا طَرِيقًا

جنگ بدر

جنگ بدر نه دوستی برای ما گذاشت و پل های پشت ما را نیز خراب کرد و راهی برای ما نگذاشت.

### 306. خطاب امیر سخن به موسی ابن حازم عکی

1. دُونَكهَا مُتْرَعَةٌ دِهَاقًا \*\*\* كَأَسَا زُعَافًا مُرَجَّتْ زُعَاقًا

2. إِنَّا لَقَوْمٌ مَا نَرَى مَا لَاقِي \*\*\* أَقْدُ هَامًا وَأَقْطُ سَاقًا

خطاب امیر سخن به موسی ابن حازم عکی

1- جام مرگ را بگیرد که مملو از زهری است آمیخته با آب شور.

2- ما مردمی هستیم که هر دشمنی را در میدان جنگ ببینیم بدون توجه به این که چه کسی است، مغز سرش را می شکافیم و پای او را قطع می کنیم .

### 307. پیمانی نا استوار

أَرَى حَرْبًا مُغَيَّبَةً وَسَلْمًا \*\*\* وَعَهْدًا لَيْسَ بِالْعَهْدِ الْوَثِيقِ

پیمانی نا استوار

در آینده جنگ و صلحی را می بینم که پنهان است و پیمان صلحی که استوار نیست .

امام (علیه السلام) قبل از جنگ صفین، حریث بن راشد را فرماندار اهواز کرد، ولی حریث تمرد نمود. پس از آن معقل ابن قیس را به جنگ او فرستاد و او را به قتل رسانید و زن و بچه‌اش و یارانش را به اسارت گرفت، چون حریث بر این باور بود که اهواز باید تحت حکومت معاویه باشد.

لذا مصقله بن هبیره که نماینده امام بود از معقل خواست که اسیران را آزاد کند و پول آن را از مصقله بگیرد، فدیة و پول اسیران، پانصد هزار در هم تعیین شد. مصقله یکصد هزار در هم تحویل داد تا بعداً بقیه را پرداخت کند. به هر حال، اسیران آزاد شدند ولی مصقله ضمن آنکه بقیه پول را تحویل بیت المال نداد، فرار کرد و پیش معاویه رفت و به او پناهنده شد.

پس از آن امام دستور داد خانه او را بازرسی کنند که از خانه او مقداری اسلحه کشف شد که حاکی از آن بود که مصقله قصد شورش دارد.

برادر مصقله به نام نعیم که این ماجرا را دید، نامه ای به برادرش مصقله نوشت و در آن دو شعر نوشته بود:

1- زنان طائفه بکر بن وائل را نادیده گرفتی و اسیران طائفه لوی بن غالب را آزاد کردی .

2- از بهترین انسان بعد از رسول خدا (یعنی علی بن ابوطالب) به خاطر مال ناچیزی که از بین

می رود، دست برداشتی.

\*\*\*



### 308. نیز می فرمایند:

أرى أمراً تنقص عروتاه \*\*\* وحبالاً ليس بالحبل الوثيق

نیز می فرمایند:

امری را میبینم که دو دسته اش شکسته و ریسمانی که استوار و قابل اعتماد نیست .

### 309. نامه ای که برای معاویه فرستاد

1. سَمِعْتُكَ تَبْنِي مَسْجِدًا مِنْ جَبَايَةٍ \*\*\* وَأَنْتَ بِحَمْدِ اللَّهِ غَيْرُ مُوَفَّقٍ

2. كَمْ طَعَمَ الرُّمَانَ مِمَّا زَنْتَ بِهِ \*\*\* جَرَتْ مَثَلًا لِلْخَائِنِ الْمُتَصَدِّقِ

3. فَقَالَ لَهَا أَهْلُ الْبَصِيرَةِ وَالْتَقَى \*\*\* لَكَ الْوَيْلُ لَا تَزْنِي وَلَا تَتَصَدَّقِي

نامه ای که برای معاویه فرستاد

1- شنیده ام که از درآمد باجگیری و مالیات مسجدی می سازی، سپاس خدا را که کارت راست نشود.

2- کار تو مثل آن زنی است که خودفروشی می کند و از محل درآمد این کار نامشروع، انار می خورد و در راه خدا صدقه می دهد، یعنی خیانت و صرف آن در کار خیر.

3- آگاهان به احکام اسلام به آن زن گفتند وای بر تو! نه خود فروشی کن و نه صدقه بده .

ص: 316

به نظر می رسد جهان اسلام باید به این منشور الهی توجه کنند و از صرف بیت المال که مال همه مسلمانان است در کارهایی که آنها آن را خیر میگویند صرف نظر کنند. که این امر باعث تأسف است زیرا بیت المال مال همه مردم مسلمان و غیر مسلمان است. و طبیعی است که غیر مسلمانان راضی به این امر نیستند، ولی متأسفانه این امر منکر در جهان اسلام و کشورهای اسلامی به صورت یک سنت زشت مورد عمل قرار میگیرد و بسیاری از کارها را که غیر مشروع است انجام

می دهند .

### 310. عرفان به خدا

1. الْعَجْزُ عَنْ دَرِكِ الْإِدْرَاكِ إِدْرَاكٌ \*\*\* وَالْبَحْثُ عَنْ سِرِّ ذَاتِ السِّرِّ إِشْرَاكٌ

2. وَفِي سِرَائِرِ هِمَاتِ الْوَرَى هِمَمٌ \*\*\* عَنْ دَرَكِهَا عَجَزَتْ جِنُّ وَأَمْلَاكٌ

3. يَهْدِي إِلَيْهِ الَّذِي مِنْهُ إِلَيْهِ هُدًى \*\*\* مُسْتَدْرَكًا وَوَلِيَّ اللَّهِ مِدْرَاكٌ

عرفان به خدا

1- آنگاه که خود را از درک ذات خدا عاجز دانستیم خدا را شناخته ایم. بحث و جستجو از راز خدایی که رازش پنهان است نیاز به تشبیه دارد و چون ذات احدیت نظیر و شبیه ندارد، این امر منتهی به شرک می شود.

2- در همت های پنهان آدمیان، همت هایی است که جن و فرشتگان از درک آن عاجزند، در صورتی که انسان مخلوق خدا است و قادر به درک ذات احدیت نیست .

ص: 317

3- کسی می تواند او را درک کند که خود ذات باری تعالی او را یاری و راهنمایی کند. کسی که در حقیقت خدا را دوست داشته باشد، خدا او را برای درک خود راهنمایی می فرماید .

(وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ) (1)

### 311. همت بلند دار

لَا شَيْءَ إِلَّا اللَّهُ فَارْزُقْ هَمَّكَ \*\*\* يَكْفِيكَ رَبُّ النَّاسِ مَا أَهَمَّكَ

همت بلند دار

جز ذات باری تعالی در این جهان کسی نیست، پس باید همت خود را به گونه ای بالا ببری تا فقط به خدا توجه کنی، تا پروردگار عالم آنچه که برایت مهم است حل کند.

### 312. هشدار به کاتبان

1. أَيُّهَا الْكَاتِبُ مَا تَكُ \*\*\* تُبْ مَكْتُوبٌ عَلَيْكَ

2. فَاجْعَلِ الْمَكْتُوبَ خَيْرًا \*\*\* فَهُوَ مَرْدُودٌ إِلَيْكَ

هشدار به کاتبان

1- ای نویسنده، آنچه که خود می نویسی باید بدانی، اعمال تو نیز به وسیله نویسندگان نوشته می شود.

2- پس خوب بنویس و به حق بنویس، زیرا اعمال تو به سوی تو برمیگردد.

ص: 318

1- سوره عنکبوت، آیه 69 .

### 313. بخت و کوشش

1. مَنْ لَمْ يَكُنْ جَدُّهُ مُسَاعِدَهُ \*\*\* فَحَتُّهُ أَنْ يَجِدُ فِي الْحَرَكَةِ

2. فَقُلْ لِمَنْ حَالُهُ مُؤَلِّيَةٌ \*\*\* لَا تَعْرِضَنَّ بِالْحَرَائِكِ لِلْهَلَكَةِ

بخت و کوشش

1- اگر دنیا به کامت نشد و تمام راه ها بسته بود، تلاشت نابود کننده است.

2- اگر جاده باز است و بی مانع حرکت کن به سوی یار، که به یار خواهی رسید.

### 314. نیایش و مناجات هنگام قتل مرة بن مروان در خیبر

1. إِلَيْكَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا سِوَاكَ \*\*\* أَقْبَلْتُ عَمْدًا أَبْتَغِي رِضَاكَ

2. أَسْأَلُكَ الْيَوْمَ بِمَا دَعَاكَ \*\*\* أَيُّوبُ إِذْ حَلَّ بِهِ بَلَاكَ

3. إِنْ يَكُ مِنِّي قَدْ دَنَا قِضَاكَ \*\*\* رَبِّ فَبَارِكْ لِي مِنْ لِقَاكَ

نیایش و مناجات

هنگام قتل مرة بن مروان در خیبر

1- بار خدایا فقط به سوی تو رو آورده ام نه به غیر تو، به سوی تو اقبال نموده و رضایت تو را می جویم .

2- امروز از تو همان درخواستی را دارم که ایوب پیامبر در رنجی که تو مقدر کردی، خواسته بود.

3- بار خدایا اگر قضای تو نزدیک است که به سوی تو آیم، پروردگارا، دیدارت را بر من خجسته دار

ص: 319

ایوب یکی از انبیاء بنی اسرائیل بود و به صحف حضرت ابراهیم عمل می کرد. او در معرض امتحانی سخت قرار گرفت و تمام اموال و فرزند و سلامتی از او گرفته شد و به شدت مریض گشت.

سرانجام خداوند او را شفا داد و در جایگاه اول قرار گرفت و ایوب در طول این مدت اظهار نارضایتی نکرد و دائم در حال دعا بود.

(وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّ نِيَّ الضَّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ \* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرِّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ) (1).

### 315. در دلاوری جنگجویانش

1. قَوْمِي إِذَا اشْتَبَكَ الْقَنَا \*\*\* جَعَلُوا الصُّدُورَ لَهَا مَسَالِكُ

2. اللّٰسُونَ دَرَوْعَهُمْ فَوْ \*\*\* قَ الْقُلُوبِ لِأَجْلِ ذَلِكَ

در دلاوری جنگجویانش

1- آنگاه که نیزه ها در هم شوند، یاران من سینه هایشان را در مسیر نیزه ها قرار می دهند .

2- برای حمله به دشمن، زره ها را روی قلب خود پوشیده اند، تا آسیبی به آنها نرسد و بر دشمن حمله می کنند.

ص: 320

### 316. از دنیا برتافت

1. هَبِ الدُّنْيَا تُؤْتِيكَ \*\*\* أَلَيْسَ الْمَوْتُ يَأْتِيكَ

2. وَمَا تَصْنَعُ بِالْدُّنْيَا \*\*\* وَظِلُّ الْمِيلِ يَكْفِيكَ

از دنیا برتافت

1- تصور کن که دنیا با تو همراه است، آیا مرگ خودش از راه نمی رسد؟

2- تو که از دنیا بیشتر از سایه «میل» (1) نصیب نداری با دنیا و ثروتی که جمع می کنی چه می خواهی بکنی؟

### 317. آمادگی برای مرگ

1. أُشْدُّ حَيَاظِيْمَكَ لِلْمَوْتِ \*\*\* فَإِنَّ الْمَوْتَ لَا يَكِيكَ

2. وَلَا تَجْزَعُ مِنَ الْمَوْتِ \*\*\* إِذَا حَلَّ بِوَادِيكَ

3. فَإِنَّ الدَّرْعَ وَالْبَيْضَ \*\*\* -ةَ يَوْمَ الرُّوْعِ يَكْفِيكَ

4. كَمَا أَضْحَكَكَ الدَّهْرُ \*\*\* كَذَاكَ الدَّهْرُ يُبْكِيكَ

5. فَقَدْ أَعْرَفُ أَقْوَامًا \*\*\* وَإِنْ كَانُوا صَعَالِيكَ

6. مَسَارِيْعُ إِلَى النَّجْدِ \*\*\* لِاللَّغِيِّ مَتَارِيكَ

آمادگی برای مرگ

1- کمر خود را برای مرگ محکم ببند که مرگ تو را ملاقات خواهد کرد.

2- هر زمان که مرگ به دیدارت آمد از آن وحشت نکن و نترس .

ص: 321

1- میل: نشانه فرسنگ که در راه ها نصب می کنند

زره و کلاهخود در میدان جنگ به درد تو می خورد (در زندگی برای مرگ نیز آماده شو).

4- آن گونه که دنیا تو را می خنداند همان گونه گریانت خواهد کرد.

5- مردمی را می شناسم که روزی فقیر بودند اما امروز بی نیاز هستند.

6- و آنها در یاری دین خدا شتابان و از گمراهی گریزان بودند.

نکته:

تقل شده، شب نوزدهم ماه مبارک رمضان مولا-علی (علیه السلام) میهمان دخترش بود، آن بزرگ مرد عالم، صحبت هایی کرد که دخترش مضطرب شد.

بعد از آن عازم مسجد شد، تعدادی مرغابی که در حیاط خانه بودند، با باز کردن بال های خود، سعی کردند از رفتن مولا به مسجد جلوگیری کنند که با پا درمیانی دختر مولا، راه باز شد.

زمانی که آن حضرت درب خانه را باز می کرد، کمر بند مولا به گیره درب خانه گیر کرد و در آن زمان مولا هنگام باز کردن کمر بند این شعر را خواند، در آن گیرودار دختر حضرت گفت: پدر امروز به مسجد نروید، ولی آن مولا در حال خواندن این اشعار از خانه خارج شد و به مسجد رفت و مورد سوء قصد ابن ملجم (لعنة الله عليه) قرار گرفت.

### 318. امام دنیا را به صورت زن زیبایی دید

1. لَقَدْ خَابَ مَنْ غَرَّتْهُ دُنْيَا دَيْتَةً \*\*\* وما هي إنْ غَرَّتْ قُرُونًا بِطَائِلِ

2. أَتَتْنَا عَلَى رَبِّ الْعَزِيزِ بُشَيْتَةً \*\*\* وَزِينَتَهَا فِي مِثْلِ تِلْكَ السَّمَائِلِ

3. فَقُلْتُ لَهَا غَرِّي سِوَايَ فَإِنِّي \*\*\* عَرُوفٌ عَنِ الدُّنْيَا وَلَسْتُ بِجَاهِلِ

ص: 322

4. وَمَا أَنَا وَالْدُنْيَا فَإِنَّ مُحَمَّدًا \*\*\* رَهِيْنُ بَقْفَرٍ بَيْنَ تِلْكَ الْجَنَادِلِ
5. وَهَبَهَا أَتَتْنَا بِالْكُنُوزِ وَدَرَاهِمًا \*\*\* وَأَمْوَالِ قَارُونَ وَمُلْكِ الْقَبَائِلِ
6. أَلَيْسَ جَمِيعًا لِلْفَنَاءِ مَصِيرَهَا \*\*\* وَيُطْلَبُ مِنْ خَزَائِنِهَا بِالطَّوَائِلِ
7. فَغَرِي سِوَانِي إِنِّي غَيْرُ رَاغِبٍ \*\*\* لِمَا فِيكَ مِنْ عِزٍّ وَمُلْكٍ وَنَائِلِ
8. وَقَدْ قَنَعْتُ نَفْسِي بِمَا قَدْ رُزِقْتُهُ \*\*\* فَسَأْنُكَ يَا دُنْيَا وَأَهْلَ الْعَوَائِلِ
9. فَإِنِّي أَخَافُ اللَّهَ يَوْمَ لِقَائِهِ \*\*\* وَأَخْشَى عِتَابًا دَائِمًا غَيْرَ زَائِلِ

امام دنیا را به صورت زن زیبایی دید

- 1- هر کس فریب این دنیای پست را خورد از همه فضائل محروم شد و اگر نسل هایی را مدت مدیدی فریب داده باز هم برایش فایده ندارد.
- 2- دنیا با ظاهری زیبا و لباسی فاخر به شکل [1](#) ثنیه نزد من آمد.
- 3- به او گفتم برو دیگری را فریب ده که من از تو روی گردانم و نادان نیستم که فریبیت را بخورم. 4- مرا با این دنیای شما چکار در حالی که می بینم رسول خدا در بیابانی خشک در گرو خاک است.
- 5- تصور کن تمام گنج های دنیا و همه جواهرات آن و ثروت قارون و ریاست همه قبیله ها و عشیره ها در اختیار من باشد .
- 6- آیا سرنوشت همه اینها چیزی جز نابودی است و نه این است که به زور از صاحبان آنها می گیرند و همچنان این گرفتن ها و پس دادن ها ادامه دارد.
- 7- برو دیگری را گول بزن و در دام خود گرفتار کن که من شکوه و ثروت و ریاست و نوای تو را نمی خواهم .

ص: 323

- 
- 1- دختر عامر که در زیبایی ضرب المثل بوده است.



8- ای دنیا آنچه که روزی من است به آن قانع هستم و تو باید به دنبال حادثه جویان باشی و با آنها سرگرم شوی.

9- بی تردید من از روزی که به دیدار خدا بروم، وحشت دارم و از کیفی که ابدی است،

می ترسم.

### 319. گیتی سایه ای است ناپایدار

1. إِنَّمَا الدُّنْيَا كَظِلٍّ زَائِلٍ \*\*\* أَوْ كَصَيْفٍ بَاتٍ لَيْلًا فَآزَتْحَلُّ

2. أَوْ كَنَوْمٍ قَدْ يَرَاهُ نَائِمٌ \*\*\* أَوْ كَبَرْقٍ لَاحٍ فِي أَفْئِ الأَمَلِ

گیتی سایه ای است ناپایدار

1- داستان دنیا مثل سایه ای است که تمام می شود یا داستان مهمانی که شب بخوابد و صبح برود.

2- یا چون خوابی است که انسان می بیند یا رعد و برقی است که در آسمان آرزوها می درخشد.

### 320. آرزوهای دراز

1. يَا مَنْ بَدُنِيَاهُ اسْتَعْلَى \*\*\* قَدْ غَرَّهُ طُولُ الأَمَلِ

2. أَلْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً \*\*\* وَالْقَبْرُ صُنْدُوقُ العَمَلِ

3. وَلَمْ تَزَلْ فِي غَفْلَةٍ \*\*\* حَتَّى دَنَا مِنْكَ الأَجَلُ

ص: 324

- 1- ای کسی که دنیا سرگرمت کرده، و آرزوهای طولانی گولت زده.
- 2- بدان که مرگ، ناگهانی می آید، قبر جایی است که اعمالت بایگانی می شود.
- 3- ولی تو همیشه در غفلت به سر میبری که ناگهان اجل می رسد.

### 321. دنیا و زندگی در آن باقی نیست

1. هَبِ الدُّنْيَا تُسَاقُ إِلَيْكَ عَفْوَاً \*\*\* أَلَيْسَ مَصِيرُ ذَلِكَ إِلَى الزَّوَالِ

2. وَمَا تَرْجُو لِشَيْءٍ لَيْسَ يَبْقَى \*\*\* وَشَيْكَاً قَدْ تُغَيِّرُهُ اللَّيَالِي

دنیا و زندگی در آن باقی نیست

- 1- تصور کن که دنیا مجانی و بدون خسارت به دست رسیده است، آیا فرجام آن جز نابودی است؟
- 2- آنچه که تو بدان امید بسته ای ماندگار نیست، و به زودی گذر شب ها به گونه دیگری در خواهد آمد.

### 322. برتر چیست

1. فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُعَدُّ نَفْسِيَةً \*\*\* فَإِنَّ ثَوَابَ اللَّهِ أَعْلَى وَأَنْبَلُ

2. وَإِنْ تَكُنِ الْأَرْزَاقُ قِسْمًا مُقَدَّرًا \*\*\* فَقَلِّهِ حِرْصِ الْمَرْءِ فِي الْكَسْبِ أَجْمَلُ

3. وَإِنْ تَكُنِ الْأَمْوَالُ لِلتَّرْكِ جَمْعُهَا \*\*\* فَمَا بَالُ مَتْرُوكِ بِهِ الْمَرْءِ يَبْحَلُ

4. وَإِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشِئَتْ \*\*\* فَقَتْلُ امْرِئٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ

- 1- اگر دنیا و زندگی در آن زیبا است پاداش خدا از آن برتر و والاتر است.
- 2- اگر رزق و روزی افراد تقسیم شده است پس حرص نزدن در زندگی زیباتر است.
- 3- اگر اندوختن ثروت و مال برای بر جا گذاشتن و رفتن است پس برای مالی که رفتنی است، بخل ورزیدن چرا؟
- 4- اگر بدن ها برای مردن آفریده شده اند کشته شدن با شمشیر در راه خدا افضل است.

### 323. تقوی و پارسایی کجاست؟

1. إِنَّمَا زُهِدُ الْفَتَى قَصْرُ الْأَمَلِ \*\*\* لَا بِأَكْلِ الْمَرْءِ لَا لَبْسِ الشَّمَلِ

2. حُذِّ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاتْرُكْ مَا نَهَى \*\*\* وَالْبَسِ الْحَزَّ وَكُلْ لَحْمَ الْحَمَلِ

تقوی و پارسایی کجاست؟

- 1- زهد جوانمرد در کاستن آرزوها است نه در خوردن و پوشیدن
- 2- دستورات الهی را انجام بده و از آنچه که نهی کرده پرهیز، آنگه لباس خز بیوش و گوشت بره تناول کن .

### 324. ای دنیا هر چه هست برای تو

1. دُنْيَا تُخَادِعُنِي كَأَنِّي \*\*\* لَسْتُ أَعْرِفُ حَالَهَا

2. حَظَرَ الْمَلِيكَ حَرَامَهَا \*\*\* وَأَنَا اجْتَنَبْتُ حَلَالَهَا

3. رَدَّتْ إِلَيَّ يَمِينَهَا \*\*\* فَرَدَدْتُهَا وَشِمَالَهَا

4. وَرَأَيْتُهَا مُحْتَاجَةً \*\*\* فَوَهَبْتُ جُمْلَتَهَا لَهَا

ای دنیا هر چه هست برای تو

1- دنیا می خواهد مرا خدعه و نیرنگ بزند، او تصور می کند من خام هستم و احوالش را نمی دانم.

2 خداوند مالک هستی از حرامش بازم داشته است و من هم سعی می کنم از حلالش اجتناب کنم.

3- گیتی دست راستش را به سوی من دراز کرده و من هر دو دستم را کشیده ام

4- دنیا را چون فقیر و نیازمند یافتم و همه چیز را به او بخشیدم .

### 325. روزهای عمر

1. إِذَا عَاشَ أَمْرٌ وَسَيِّئٌ حَوْلًا \*\*\* فَانْصِفْ الْعُمْرَ تَمَحُّقُهُ اللَّيَالِي

2. وَانْصِفْ التَّصْفِ يَمْضِي لَيْسَ يَدْرِي \*\*\* لِعَفْلَتِهِ يَمِينًا عَنْ شِمَالِ

3. وَتُلْتِ التَّصْفِ آمَالٌ وَحِرْصٌ \*\*\* وَشُغْلٌ بِالْمَكَاسِي وَالْعِيَالِ

4. وَبَاقِي الْعُمْرِ أَشْقَامٌ وَشَيْبٌ \*\*\* وَهُمْ بِازْتِحَالٍ وَانْتِقَالِ

5- فَجِدْ الْمَرْءَ طُولَ الْعُمْرِ جَهْلٌ \*\*\* وَفَسَمَتْهُ عَلَى هَذَا الْمِثَالِ

روزهای عمر

1- اگر انسانی شصت سال عمر کند، نصف عمرش را شب نابود می کند .

2- و یک چهارم آن، چنان در غفلت می گذرد که راست و چپ را تشخیص نمی دهد .

ص: 327

3- و یک سوم نصف آن، آرزوها و حرص است و اشتغال جهت معیشت خانواده .

4- و بقیه عمر یا مریضی و کسالت است یا پیری و غم مردن و از دنیا رفتن است.

5- تلاش برای طول عمر، کمال نادانی است و همین گونه بقیه عمر را حساب کن.

### 326. دنیا چون کاروانسرا است

1. مَضَى الدَّهْرُ وَالْآيَامُ وَالذُّنُبُ حَاصِلٌ \*\*\* وَأَنْتَ بِمَا تَهْوَى عَنِ الْحَقِّ غَافِلٌ

2. شُرُورُكَ فِي الدُّنْيَا غُرُورٌ وَحَسْرَةٌ \*\*\* وَعَيْشُكَ فِي الدُّنْيَا مُحَالٌ وَبَاطِلٌ

3. تَزَوَّدَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّكَ رَاحِلٌ \*\*\* وَبَادِرُ فَإِنَّ الْمَوْتَ لَا شَكَّ نَازِلٌ

4. أَلَا إِنَّمَا الدُّنْيَا كَمَنْزِلِ رَاكِبٍ \*\*\* أَنَا حَ عَشِيًّا وَهُوَ فِي الصُّبْحِ رَاحِلٌ

دنیا چون کاروانسرا است

1- روز و روزگار رفته و گناه همچنان باقی است و تو با خواهش ها نفسانی خویش از خدا غافل.

2- لذت و شادی در دنیا فریب و دریغ است و زندگی و راحتی در آن محال و ناشدنی است.

ص: 328

3- تا می توانی در این دنیا توش های بردار که در حال رفتن هستی، و زود بجنب که مرگ ناگزیر و بدون خبر می رسد.

4- دنیا چون کاروانسرای است که غروب وارد می شوی و صبحگاهی از آنجا کوچ می کنی .

### 327. معانی بلند و مصادیق روشن

1. لَا تَجْزَعَنَّ مِنَ الْهَزَالِ فَإِنَّمَا \*\*\* ذُبِحَ السَّمِينِ وَعُوفِيَ الْمَهْرُؤُ

2. وَاجْعَلْ فُؤَادَكَ لِلتَّوَاضِعِ مَنْرًا \*\*\* إِنَّ التَّوَاضِعَ بِالشَّرِيفِ جَمِيلٌ

3. وَإِذَا حَمَلْتَ إِلَى الْقُبُورِ جَنَازَةً \*\*\* فَاعْلَمْ بِأَنَّكَ بَعْدَهَا مَحْمُولٌ

4. يَا صَاحِبَ الْقَبْرِ الْمُنْتَشِ سَطْحُهُ \*\*\* وَلَعَلَّهُ مِنْ تَحْتِهِ مَغْلُولٌ

5. مَا يَنْفَعُهُ أَنْ يَكُونَ مُنْقَشًا \*\*\* وَعَلَيْهِ مِنْ حَلَقِ الْعَذَابِ كُؤُولٌ

6. لَا تَغْتَرُّ بِبَعِيمِهِمْ وَبِمُلْكِهِمْ \*\*\* الْمُلْكُ يَغْنَى وَالتَّعِيمُ يَزُولُ

معانی بلند و مصادیق روشن

1- از لاغری دلتنگ نباش، چون چاق ها را می کشند و لاغرها از کشته شدن معافند .

2- همه وجود و جان خود را جایگاه تواضع قرار بده، زیرا تواضع و فروتنی، زیننده بزرگان است.

3- و هر زمان تابوت مرده ای را بر دوش می کشی، بدان که روزی تابوت تو را دیگران بر دوش می گیرند .

4- ای خفته در گوری که سنگ آن نگارین و نقاشی شده است، بسا در زیر آن خودت در غل و زنجیر به سر بری.

ص: 329

- 5- نقاشی سنگ قبر، برای مرده سودی ندارد، در حالی که مرده در غل و زنجیر و پای در بند است.
- 6- گول نعمت های دنیا و املاک آن را نخور، چون همه آن املاک فانی و نعمت های او زائل می گردد .

### 328. در فراق فاطمه (علیها السلام)

1. أَلَا هَلْ إِلَى طَوْلِ الْحَيَاةِ سَبِيلٌ \*\*\* وَأَتَى وَهَذَا الْمَوْتُ لَيْسَ يَحُولُ
2. وَإِنِّي وَإِنْ أَصْبَحْتُ بِالْمَوْتِ مُوقِنًا \*\*\* فَلِي أَمَلٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ طَوِيلُ
3. وَلِلدَّهْرِ أَلْوَانٌ تَرَوْحُ وَتَعْتَدِي \*\*\* وَإِنْ نُفُوسًا بَيْنَهُنَّ تَسِيلُ
4. وَمَنْزِلٌ حَقٌّ لَا مُعْرَجَ دُونَهُ \*\*\* لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهَا إِلَيْهِ سَبِيلُ
5. فَطَعْتُ بِأَيَّامِ التَّعَرُّزِ ذِكْرَهُ \*\*\* وَكُلُّ عَزِيزٍ مَا هُنَاكَ ذَلِيلُ
6. أَرَى عِلَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ كَثِيرَةً \*\*\* وَصَاحِبِهَا حَتَّى الْمَمَاتِ عَلِيلُ
7. وَإِنِّي لَمُشْتَاقٌ إِلَى مَنْ أُحِبُّهُ \*\*\* فَهَلْ لِي إِلَى مَنْ قَدْ هَوَيْتُ سَبِيلُ
8. وَإِنِّي وَإِنْ شَطَطَ بِي الدَّارُ نَازِحًا \*\*\* وَقَدْ مَاتَ قَبْلِي بِالفِرَاقِ جَمِيلُ
9. فَفَدَّ قَالِ فِي الْأَمْثَالِ فِي الْبَيْنِ قَائِلُ \*\*\* أَصْرَبُهُ يَوْمَ الفِرَاقِ رَحِيلُ
10. لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ \*\*\* وَكُلُّ الَّذِي دُونَ الفِرَاقِ قَلِيلُ
11. وَإِنَّ افْتِقَادِي فَاطِمًا بَعْدَ أَحْمَدٍ \*\*\* دَلِيلٌ عَلَيَّ أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلُ
12. وَكَيْفَ هُنَاكَ الْعَيْشُ مِنْ بَعْدِ فَقْدِهِمْ \*\*\* لَعَمْرُكَ شَيْءٌ مَا إِلَيْهِ سَبِيلُ
13. سَيَعْرُضُ عَنْ ذِكْرِي وَتُنْسَى مَوَدَّتِي \*\*\* وَيَطْهَرُ بَعْدِي لِلْخَلِيلِ عَدِيلُ
14. وَلَيْسَ خَلِيلِي بِالْمَلُولِ وَلَا الَّذِي \*\*\* إِذَا غَبَّتْ يَرْضَاهُ سِوَايَ بَدِيلُ

15. وَلَكِنَّ حَلِيلِي مَنْ يَدُومُ وَصَالَهُ\*\*\* وَيَحْفَظُ سِرِّي قَلْبُهُ وَدَخِيلُ

16. إِذَا انْقَطَعَتْ يَوْمًا مِنَ الْعَيْشِ مُدَّتِي\*\*\* فَإِنَّ بُكَاءَ أَلْبَاكِيَاتِ قَلِيلُ

17. يُرِيدُ الْفَتَى أَنْ لَا يَمُوتَ حَبِيبُهُ\*\*\* وَلَيْسَ إِلَى مَا يَتَّبِعِيهِ سَبِيلُ

18. وَلَيْسَ جَلِيلًا رُزْءَ مَالٍ وَفَقْدُهُ\*\*\* وَلَكِنَّ رُزْءَ الْأَكْرَمِينَ جَلِيلُ

19. لِذَلِكَ جَنَّبِي لَا يُؤَاتِيهِ مَضْجَعُ\*\*\* وَفِي الْقَلْبِ مِنْ حُرِّ الْفِرَاقِ غَلِيلُ

در فراق فاطمه (علیها السلام)

1- آیا طولانی تر از راه عمر راهی وجود ندارد، پس کجا می توان راه مرگ را مسدود کرد.

2- من یقین دارم که آدم می میرد، اما آرزوهای طولانی نیز در کنار آن دارم.

3- روزگار تحولات گوناگون و رنگ های متفاوتی دارد که در شب و روز تجلی می کند و مردم و آدم ها در میان این تحولات شب و روز در حرکت هستند تا به مرگ برسند.

4- دنیا منزلگاه حقی است که نمونه ای ندارد، و همه باید از مسیر دنیا عبورکنند تا به آخرت برسند. 5- روزهای عزت را با یاد رفتنی بودن دنیا پشت سر می گذارم، که لیکن هر عزیزی در این دنیا ذلیل خواهد شد.

6- رنج های گیتی و دنیا را بر خویش بسیار بینم و تا روز مرگ، همراه درد و رنج است.

7- و من مشتاق کسی هستم که دوستش می دارم، آیا به سوی دوست راهی وجود دارد؟

8- هر چند این خانه مرا از او دور کرد، و محل سکونت ما به جدایی منجر شد، پیش از من جمیل نیز در جدایی مرده است.



- 9- و در مثل ها سخنی درباره جدایی گفته اند که من هم آن را برای شما بیان می کنم .
- 10 - فرجام وصل هر دو دوست جدایی است و کسانی که جدایی نینند بسیار اندکند .
- 11- از دست دادن همسر فاطمه ، پس از پیامبر بزرگوار، بهترین دلیل و نشانه است که هیچ یاری تا آخر ماندگار نیست.
- 12 پس از مرگشان زندگی در آنجا چگونه است؟ سوگند که این حقیقتی است که راهی به سوی او نباشد .
- 13- زود است که یاد کردن مرا رها کنند، و دوستی ام را فراموش نمایند و پس از من یار راهنمایی پدید آید.
- 14- دوست و یار من کسی نیست که هرگاه از او جدا شدم، دل خود را به وجود دیگران خوش کند.
- 15- دوست و یار من کسی است که دائماً در حالت وصال با اویم، و رازم را در دلش نگاه می دارد. 16- اگر روزی زندگی ام سر آید، گریه گریه کنندگان کم خواهد بود، چون آن دوست بود که مجلس عزای مرا گرم می کرد و اکنون در قید حیات نیست!
- 17- مرد از خدا می خواهد که یارش هرگز نمیرد ولیکن به سوی آنچه که خواهد راهی نیست .
- 18- ضرر مالی و آسیب های اجتماعی سخت نیست، اما سخت تر از همه سختی ها، از دست دادن عزیز است .
- 19- از این جهت در هیچ بستری آسایش نمی بینم ، چون سوز و فراق دوست در دلم جوششی همیشگی ایجاد کرده است.

### 329. در جوانی و پیری

1. فَأَهْلًا وَسَهْلًا بِضَيْفٍ نَزَلَ \*\*\* وَأَسْتَوْدِعُ اللَّهَ إِفَاءً رَحَلَ

2. تَوَلَّى الشَّبَابُ كَأَن لَّمْ يَكُنْ \*\*\* وَحَلَّ الْمَشِيبُ كَأَن لَّمْ يَزَلْ

3. كَأَن الْمَشِيبَ كَصُبْحٍ بَدَأ \*\*\* وَأَمَّا الشَّبَابُ كَبَدْرِ أَفَلٍ

4. سَقَى اللَّهُ ذَاكَ وَهَذَا مَعًا \*\*\* فَنِعْمَ الْمُؤَلَّى وَنِعْمَ الْبَدَلُ

در جوانی و پیری

- 1- خوش آمد می گویم به میهمانی که به خانه من خوش آمد، و آن کس را که در این خانه بود و به مسافرت رفت، به خدا می سپارم.
- 2- جوانی پشت کرد و رفت گویا اصلاً وجود نداشته و پیری چنان جاخوش کرده که گویی از اول عمر بوده است.
- 3- موی سپید چون صبحی روشن و سفید آمده است، و جوانی مثل ماهی است که غروب کرده است.
- 4- خداوند به هر دو آنها نیکی و خیر دهد، که چه خوش آمد و چه خوش رفت.

### 330. عاقل و جاهل

1. يُمَثَلُ ذُو الْعَقْلِ فِي نَفْسِهِ \*\*\* مَصَائِبُهُ قَبْلَ أَنْ تَنْزِلَا

2. فَإِن نَزَلَتْ بَعْتَةٌ لَّمْ يُرَعْ \*\*\* لَمَا كَانَ فِي نَفْسِهِ مَثَلَا

3. رَأَى الْأَمْرَ يُفْضِي إِلَى آخِرٍ \*\*\* فَصَبَّرَ آخِرَهُ أَوْلَا

ص: 333

4. وَذُو الْجَهْلِ يَأْمَنُ أَيَّامَهُ \*\*\* وَيَنْسَى مَصَارِعَ مَنْ قَدْ خَلَا

5. فَإِنْ بَدَّهَتْهُ صُرُوفُ الزَّمَانِ \*\*\* بِبَعْضِ مَصَائِبِهِ أَعْوَلَا

6- وَلَوْ قَدَّمَ الْحَزْمَ فِي نَفْسِهِ \*\*\* لَعَلَّمَهُ الصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَا

عاقل و جاهل

1- آدم عاقل دشواری ها و سختی ها را قبل از آنکه بیاید در نظر دارد و سعی می کند اتفاقی نیفتد .

2- از این رو هر وقت که ناخوانده آمد نترسد چون قبلاً پیش بینی کرده است.

او می بیند که فرجام و عاقبت کار به کجا خواهد کشید، بنابر آن، آخر و فرجام را از ابتدا پیش بینی کرده است.

4- نادان از مکر زمانه، خود را ایمن می داند، زیرا پیش بینی نکرده و زندگی گذشتگان را فراموش کرده است.

5- پس اگر سختی ها و دگرگونی ها ناگهانی آمد، چاره ای جز شیون و ناله برایش نمی ماند.

6- لذا اگر قبلاً اندیشه کرده بود در زمان بلاها، آن اندیشه به او صبر آموخته بود.

### 331. به جابر توصیه می فرمایند

1. مَا أَحْسَنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالَهَا \*\*\* إِذَا أَطَاعَ اللَّهَ مَنْ نَالَهَا

2. مَنْ لَمْ يُؤَاسِرِ النَّاسَ مِنْ فَضْلِهِ \*\*\* عَرَضَ لِلْإِدْبَارِ إِقْبَالَهَا

3. فَاحْذَرِ زَوَالَ الْفَضْلِ يَا جَابِرُ \*\*\* وَأَعْطِ مِنْ دُنْيَاكَ مَنْ سَأَلَهَا

ص: 334

4. فَإِنَّ ذَا الْعَرْشِ جَزِيلٌ الْعَطَا \*\*\* يُضْعِفُ بِالْحَبَّةِ أَمْثَالَهَا

5. وَكَمْ رَأَيْنَا مِنْ ذَوِي ثَرَوَةٍ \*\*\* لَمْ يُقْبَلُوا بِالشُّكْرِ إِقْبَالَهَا

6. تَاهُوا عَلَى الدُّنْيَا بِأَمْوَالِهِمْ \*\*\* وَقَيَّدُوا بِالْبُخْلِ أَقْفَالَهَا

7. لَوْ شَكَرُوا النَّعْمَةَ جَا زَاهُمْ \*\*\* مَقَالَةَ الشُّكْرِ الَّتِي قَالَهَا

8. لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ \*\*\* لَكِنَّمَا كُفِّرُهُمْ عَالَهَا

به جابر توصیه می فرمایند

- 1- دنیا و رو آوردنش چه زیبا و نیکو است، اگر کسی در زندگی از خدا اطاعت کند.
- 2- هر کسی که می تواند ولی از مال خودش نبخشد، همواره زندگی و دنیای خود را با شکست مواجه می کند.
- 3- ای جابر، از نابودی برگ و نوای خویش بترس، و از ثروت دنیا هر نیازمندی را عطا کن.
- 4- آن خدایی که صاحب عرش و کرسی است، بخشش فراوان دارد، و از هر دانه، دانه های فراوان به بندگانش می بخشد.
- 5- ثروتمندانی را دیده ایم که با عدم بذل و بخشش، شکر خدا را انجام نداده اند
- 6- در زندگی این جهان، به ثروت و مال زیاد خود بالیدند و بر صندوق و گنجینه خود قفل حسادت زدند.
- 7- و اگر شکرگزار نعمت های الهی می بودند، خداوند پاداششان می داد که فرموده:
- 8- اگر نعمت های مرا شکر گویند، نعمت های شما را افزون می کنم، ولیکن ناسپاسی آنها موجب شد برگ و بار زندگیشان بریزد.

1. بَأْتُوا عَلَى قُلُلِ الْأَجْبَالِ يَحْرُسُهُمْ \*\*\* غَلَبَ الرِّجَالِ فَلَمْ تَنْفَعُهُمُ الْقُلُلُ
2. وَاسْتَنْزَلُوا بَعْدَ عَزِّ عَن مَعَاظِلِهِمْ \*\*\* إِلَى مَقَابِرِهِمْ يَا بَشَسَ مَا نَزَلُوا
3. نَادَاهُمْ صَارِحٌ مِّن بَعْدِ مَا دُفِنُوا \*\*\* أَيْنَ الْأَسْرَةُ وَالتَّيْجَانُ وَالْحُلُلُ
4. أَيْنَ الْمُلُوكُ وَأَبْنَاءَ الْمُلُوكِ وَمَنْ \*\*\* قَادَ الْجِيُوشَ أَلَا يَا بَشَسَ مَا عَمِلُوا
5. أَيْنَ الْوُجُوهُ الَّتِي كَانَتْ مُحَجَّبَةً \*\*\* مِّن دُونِهَا تُضْرَبُ الْأَسْتَارُ وَالْكِلَلُ
6. فَأَفْصَحَ الْقَبْرَ عَنْهُمْ حِينَ سَاءَ لَهُمْ \*\*\* تِلْكَ الْوُجُوهُ عَلَيْهَا الدُّودُ تَنْتَبِلُ
7. قَدْ طَالَ مَا أَكَلُوا فِيهَا وَمَا شَرَبُوا \*\*\* فَأَصْبَحُوا بَعْدَ طُولِ الْأَكْلِ قَدْ أَكَلُوا
8. وَطَالَ مَا كَثَرُوا الْأَمْوَالَ وَادَّخَرُوا \*\*\* فَخَلَفُوهَا عَلَى الْأَعْدَاءِ وَازْتَحَلُوا
9. وَطَالَ مَا شَيَّدُوا دَوْرًا لِتُحْصِنَهُمْ \*\*\* فَفَارَقُوا الدُّورَ وَالْأَهْلِينَ وَانْتَقَلُوا
10. أَضْحَتْ مَسَاكِينُهُمْ وَحَشَاءُ مُعْطَلَةً \*\*\* وَسَاكِنُوهَا إِلَى الْأَجْدَاثِ قَدْ رَحَلُوا
11. سَلِّ الْخَلِيفَةَ إِذْ وَافَتْ مَنِيئَهُ \*\*\* أَيْنَ الْجُنُودُ وَأَيْنَ الْحَيْلُ وَالْخَوْلُ
12. أَيْنَ الْكُنُوزُ الَّتِي كَانَتْ مَفَاتِحُهَا \*\*\* تَنْوَى بِالْعُصْبَةِ الْمُقْوِينَ لَوْ حَمَلُوا
13. أَيْنَ الْعَبِيدُ الَّتِي أَرْصَدَتْهُمْ عَدَدًا \*\*\* أَيْنَ الْحَدِيدُ وَأَيْنَ الْبَيْضُ وَالْأَسْلُ
14. أَيْنَ الْفَوَارِسُ وَالْعِلْمَانُ مَا صَنَعُوا \*\*\* أَيْنَ الصَّوَارِمُ وَالْخَطِيئَةُ الدُّبْلُ
15. أَيْنَ الْكِفَاءُ أَلَمْ يَكْفُوا خَلِيفَتَهُمْ \*\*\* لَمَّا رَأَوْهُ صَرِيحًا وَهُوَ يَبْتَهِلُ
16. أَيْنَ الْكُمَاةُ الَّتِي مَاجُوا لِمَا غَضِبُوا \*\*\* أَيْنَ الْحُمَاةُ الَّتِي تُحْمَى بِهَا الدُّوْلُ
17. أَيْنَ الرُّمَاءُ أَلَمْ تَمْنَعْ بِأَسْهُمِهِمْ \*\*\* لَمَّا أَتَتْكَ سِهَامُ الْمَوْتِ تَنْتَصِلُ
18. هَيْهَاتَ مَا مَنَعُوا ضَيْمًا وَلَا دَفَعُوا \*\*\* عَنْكَ الْمَنِيَّةَ إِذْ وَافَى بِكَ الْأَجَلُ
19. وَلَا الرُّشَى دَفَعَتْهَا عَنْكَ لَوْ بَدَّلُوا \*\*\* وَلَا الرُّقَى نَفَعَتْ فِيهَا وَلَا الْحَيْلُ

20. ما ساعدوك ولا واساك أقرُبُهُم \*\*\* بل سَلَموكَ لها يا قُبْح ما فَعَلُوا

21. ما بال قَبْرِكَ لا يَأْتِي بِهِ أَحَدٌ \*\*\* ولا يَطُوفُ بِهِ مِنْ بَيْنِهِمْ رَجُلٌ

22. ما بال ذِكْرِكَ مُسَبِّحاً وَمُطْرَحاً \*\*\* وَكُلُّهُمْ بِاقْتِسَامِ الْمَالِ قَدْ شَغَلُوا

23. ما بال قَصْرِكَ وَحُشاً لا أَنيسَ بِهِ \*\*\* يَعْشَاكَ مِنْ كَنْفِيهِ الرُّوْعُ وَالْوَهْلُ

24. لا تُنْكِرَنَّ فَمَا دَامَتْ عَلَى مَلِكٍ \*\*\* إلا أَنَاخَ عَلَيْهِ الْمَوْتُ وَالْوَجَلُ

25. وَكَيْفَ يَرْجُو دَوَامَ الْعَيْشِ مُتَّصِلاً \*\*\* وَرُوحَهُ بِجِبَالِ الْمَوْتِ مُتَّصِلاً

26. وَجِسْمُهُ لِنَبِيَّاتِ الرَّدَى غَرَضٌ \*\*\* وَمُلْكُهُ رَائِلٌ عَنْهُ وَمُنْتَقِلٌ

كجایند تخت ها و تاج ها

در نسخه ای از این کتاب مقدس که برای ترجمه به آن استناد شده است یک بیت شعر وجود ندارد که در سایر نسخه ها آمده است ، لذا ابتدا ضمن آوردن متن عربی و ترجمه این یک بیت به ترجمه ادامه اشعار می پردازیم.

أَيْنَ الْمُلُوكِ وَأَبْنَاءِ الْمُلُوكِ وَ مَنْ \*\*\* قَادَ الْجِيُوشَ أَلَا يَابِسَ مَا عَمِلُوا

کجا رفتند پادشاهان و رهبران کشورها و فرزندانشان و آنهایی که ارتش های نیرومند را فرماندهی می کردند؛ واقعاً چه عملکرد زشتی داشتند.

1- آن پادشاهان و رهبران کشور در کاخ های رفیع به عیش و نوش می پرداختند و مردان چیره دست آنها را پاسداری می کردند، ولی آن کاخها و آن پاسداران و نگهبانان برای آنها سودی نداشتند. 2- با آن همه عزت و شکوه، از پناهگاه هایی که داشتند به پایین کشیده شدند و آنها را به سوی گورهایشان بردند و چه سقوط و نزول بدی برایشان پیش آمد.

3- وقتی اسیر خاک گور شدند، منادی ندا داد: کجاست آن تخت ها و تاج ها و

آن لباس های فاخر و زر و زیور گرانبها؟ چرا آنها را نبردید؟

4- کجایند پادشاهان و فرزندان آنها و رؤسا و فرماندهان ارتش ها؟ چه بد عمل کردند و به این وضعیت را نیندیشیدند .

5- کجاست آن چهره ها و صورت هایی که پرده نشین بودند و با تاج گل و پرده های زیبا محافظت و احترام می شدند؟

6- گورها با فصاحت کامل جواب دادند: آن چهره های زیبا و پرده نشین، اکنون جولانگاه کرم هایی هستند که خود را نشان داده اند.

7- مدت زیادی غذاهای لذیذ و نوشابه های متفاوت خوردند و آشامیدند، اکنون بعد از آنکه مال مردم را خوردند، خودشان خوراک جانوران زیر خاکند.

8- چقدر اموال ملت را ربودند و ثروتمند شدند و چقدر اموال مردم را ذخیره کردند، ولی همه آن اموال و گنجینه ها را برای دشمنان خودشان رها کردند و به سفر آخرت کوچ کردند.

9- سال ها از اموال مردم کاخ های محکم ساختند تا از آنها محافظت کند، ولی از آن خانه ها و کاخ ها و وابستگان خویش جدا شدند و نقل مکان کردند.

10- آن کاخ ها و خانه های محکم و سر به فلک کشیده، خالی و بی فایده و بی استفاده مانده، و هر کس به آن کاخ ها و خانه ها سر بکشد وحشت می کند، در حالی که خودشان کوچ کرده و اسیر خاک شدند.

11- از آن رهبر و پادشاه بپرس آنگاه که مرگ رسید، نیروهای رزمی و سواران و نوکران حلقه به گوش کجا بودند؟

12 - و آن ثروت های فراوان و گنج ها که کلیدهای سنگین آنها را مردان نیرومند نمی توانستند بردارند چه شد؟

13- و انبوه نوکران حلقه به گوش که شما را می پرستیدند و تسلیم شما بودند و شما را حفاظت

می کردند، کجا رفتند که اینک با داشتن کلاهخودها و نیزه ها، سختی ها را از شما دفع کنند.

14- کجایند آن سواره نظام ها و برده ها و غلام ها؟ چه کردند و کجایند آن تیغ های تیز و کجایند آن نیزه های باریک خط.

15- مردان رزمنده و شجاع کجا رفتند، و چرا رهبر و پادشاه خود را که در بستر مرگ است و مینالد و کمک می خواهد، حمایت نکردند.

16- کجایند آن مردان شجاع که هرگاه خشمگین می شدند، می شوریدند؟ کجایند آن دلاوران که پشتیبان حکومت ها بودند؟

17- آن تک تیراندازان ماهر کجا رفتند؟ چرا زمانی که تیرهای مرگ تو را نشانه گرفتند، آنها با تیراندازی خود جلوی این حمله را نگرفتند؟

18- افسوس! آن همه نیروها نه از تنهایی و بی کسی تو حمایت کردند، و نه آنگاه که مرگت فرا رسید از تو دفاع کردند.

19- و نه اگر رشوه ای بود، رشوه می دادند تا مرگ را از تو دفع نمایند و نه حيله ای به سودت بود و نه تزویرات کارایی داشت.

20- آنها یاریات نکردند، نزدیکترین آنها به تو، به درد و غم و حسرت تو نیندیشید و تو را به چنگال مرگ سپرد، واقعاً که چقدر بد رفتار کردند.

21- خانه قبر چه خانه ای است، که از همه اطرافیان تو هیچ کس نمی تواند پیش تو بیاید و درون آن قدمی بزند.

22- چرا فراموش شده ای و یاد تو از حافظه ها رفته و گمنام به چاله ای افتاده ای و همه جانشینان، فرزندان و همسرانت فراموش کرده و مشغول تقسیم ارث شده اند.



23- چرا کاخ و خانه خوب تو خالی مانده و کسی وارد آن نمی شود و از دو سویش تو را ترس و واهمه فرا گرفته است.

24- باید پذیری که از آن همه اقتدار سیاسی و مالی برای هیچ فرمانروایی چیزی جز مرگ و ترس باقی نمانده و نخواهد ماند.

25- امید و دوام زندگی برای همیشه چگونه ممکن است؟ در صورتی که روح انسان با ریسمان مرگ گره خورده است.

26- و جسمش آماج تیرهای مرگ است و پادشاهی و رهبری از دستش رفته و در خانه نامأنوس اسکان داده شده است.

### 333. نومید نباش

1. أَلَا فَاصْبِرْ عَلَى الْحَدَثِ الْجَلِيلِ \*\*\* وَدَاوِ جَوَاكُ بِالصَّبْرِ الْجَمِيلِ

2. فَلَا تَجْزَعْ إِذَا أَعْسُرَتْ يَوْمًا \*\*\* فَقَدْ أَيْسُرَتْ فِي دَهْرٍ طَوِيلِ

3. وَلَا تَيْأَسُ فَإِنَّ الْيَأْسَ كُفْرٌ \*\*\* لَعَلَّ اللَّهَ يُغْنِي عَنْ قَلِيلِ

4. وَلَا تَظُنَّنَّ بِرَبِّكَ ظَنًّا سَوْءًا \*\*\* فَإِنَّ اللَّهَ أَوْلَى بِالْجَمِيلِ

5. رَأَيْتُ الْعُسْرَ يَتَّبِعُهُ يَسَارٌ \*\*\* وَقَوْلُ اللَّهِ أَصْدَقُ كُلِّ قِيلِ

6. فَلَوْ أَنَّ الْعُقُولَ تَجُرُّ رِزْقًا \*\*\* لَكَانَ الرِّزْقُ عِنْدَ ذَوِي الْعُقُولِ

7. وَكُفْمٌ مِنْ مُؤْمِنٍ قَدْ جَاعَ يَوْمًا \*\*\* سَيُرَوَى مِنْ رَحِيقِ سَلْسَبِيلِ

نومید نباش

1- بهوش باش در پیشامدهای مهم و سخت صبر کن و ناراحتی درونی را با صبر جمیل مداوا کن.

2- اگر روزی به سختی افتادی، ناله و اظهار عجز نکن، چون روزگاران زیادی

ص: 340

در آسایش به سر بردی.

3- از لطف خدا نومید نشو که ناامیدی کفر است، شاید خداوند به زودی بی نیازت کند.

4- به لطف خداوند بدگمان نشو، که خدای منبع فیض، به گمان خوش سزاوارتر است.

5- همیشه دیده ام که در پی سختی و دشواری، گشایش است، و گفته خداوند که فرمود: «لِكُلِّ عُسْرٍ يُسْرًا»، راست تر از همه سخنان است.

6- اگر خردمندی آدم را بی نیاز و ثروتمند کند، باید ثروت جهان در دست خردمندان باشد، در صورتی که قضیه برعکس است.

7- ممکن است یک مؤمن چند روزی گرسنه بماند، اما به زودی از چشمه زلال خوشگوار سیراب خواهد شد.

### 334. آبرو

1. ما اِعْتَاضَ بَاذِلٌ وَجَهَهُ بِسُؤَالِهِ \*\*\* عَوِضًا وَلَوْ نَالَ الْمُنَى بِسُؤَالِ

2. وَإِذَا السُّؤَالُ مَعَ التَّوَالِ وَرَزْنَتُهُ \*\*\* رَجَحَ السُّؤَالُ وَخَفَّ كُلُّ نَوَالِ

3. وَإِذَا ابْتُلِيَتْ بِبَدَلٍ وَجِهَكَ سَائِلًا \*\*\* فَأَبْدُلْهُ لِلْمُتَكَرِّمِ الْمُفْضَالِ

4. إِنَّ الْكَرِيمَ إِذَا حَبَاكَ بِمَوْعِدٍ \*\*\* أَعْطَاكَ سَلِسًا بَغَيْرِ مَطَالِ

آبرو

1- هر کس آبروی خود را با خواهش و تقاضای کمک از بین ببرد هر چند به خواسته خود رسیده ولی آبروی ریخته را به دست نخواهد آورد.

2- هرگاه در خواست را در یک کفه تراز و بگذاری کفه در خواست پایین می ماند و بخشش و عطا بالا می رود.

ص: 341

3- هر زمان ناچار شدی آبروی خود را به خاطر درخواست بریزی، آبروی خود را یک شخصیت بزرگوار بریز و از او درخواست کمک کن.

4- زیرا شخصیت بزرگوار هر وقت به توقول کمک داد به آسانی و بدون زحمت و منت انجام می دهد.

### 335. سؤال آدم را خوار می کند

1. بَلَوْتُ الدَّهْرَ قَرْنَا بَعْدَ قَرْنٍ \*\*\* فَلَمْ أَرِ مِثْلَ مُحْتَالٍ بِمَالٍ

2. وَلَمْ أَرِ فِي الْخُطُوبِ أَشَدَّ هَوْلًا \*\*\* وَأَصْعَبَ مِنْ مُعَادَاةِ الرَّجَالِ

3. وَذُقْتُ مَرَارَةَ الْأَشْيَاءِ طَرًّا \*\*\* فَمَا طَعْمُ أَمْرٍ مِنَ السُّؤَالِ

سؤال آدم را خوار می کند

1- روزگار را قرن ها (1) و قرن ها آزمودم، بدتر از کسی که به مال و ثروت خود می نازد ندیدم.

2- در میان کارهای دشوار و دهشتناک دشوارتر از دشمنی بزرگان ندیدم.

3- همه تلخی ها را چشیده ام مزه ای تلخ تر از تلخی درخواست ندیده ام.

### 336. به دوش سنگ کشیدن بهتر است

1. لَنْقُلُ الصَّخْرَ مِنْ قُلَلِ الْجِبَالِ \*\*\* أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مَنَنِ الرَّجَالِ

2. يَقُولُ النَّاسُ لِي فِي الْكَسْبِ عَارٌ \*\*\* فَإِنَّ الْعَارَ فِي ذُلِّ السُّؤَالِ

ص: 342

---

1- توضیح: قرن در زبان فارسی یکصد سال است و در زبان عربی نیز به یکصد سال گفته می شود اما گاهی مطلق زمان را سال به سال قرن می گویند منظور امام از قرن، معنای دوم آن است.

به دوش سنگ کشیدن بهتر است

1- حمل سنگ ها از نوک قله های بلند برای من بهتر است از اینکه منت کش کسی باشم .

2- بعضی از آدم های کج سلیقه می گویند کسب درآمد و روزی ننگ است ولی من می گویم ننگ در درخواست از دیگران است.

نکته:

گر نخارد پشت من انگشت من \*\*\* خم شود از بار منت پشت من

همتی خواهم که خارم پشت خویش \*\*\* تا نینم منت از انگشت خویش

در مکتب اسلام و علی (علیه السلام) یکی از بدترین و ننگ آورین کارها منت کشیدن است.

مولا علی (علیه السلام) واضح و روشن می فرمایند: بدترین کار و ننگین ترین کار منت کشیدن است و خداوند به هر کس امکاناتی داده که می تواند بدون منت از دیگران زندگی کند .

### 337. منت نپذیرم

1. فَمَا أَقْبَلُ الدُّنْيَا جَمِيعاً بِمَنْتِهِ \*\*\* وَلَا أَشْتَرِي عِزَّ الْمَرَاتِبِ بِالذُّلِّ

2. وَأَعَشَقُ كَحَلَاءِ الْمَدَامِعِ خَلْقَةً \*\*\* لِيَلَا يَرَى فِي عَيْنِهَا مَنَّةَ الْكُحْلِ

منت نپذیرم

1- اگر تمام دنیا را به من بدهند تا منت کش کسی باشم نمی پذیرم و پست

ص: 343

مقام عالی را با ذلت نمی خرم و نمی خواهم.

2- چشمان سیاه سیاه مادرزاد را دوست دارم چرا که در آن چشم منت سر مه نیست.

نکته:

صریح ترین و روشن ترین تعریف را مولا از منت بیان داشته است.

آن بزرگوار نه برای متاعی ناچیز، بلکه می فرماید: اگر همه عالم را به من بدهند (چه ثروت و چه مقام آن را) و این بخشش توأم با منت باشد، من نخواهم پذیرفت.

اما متأسفانه در این زمانه چه بسیار افرادی هستند که خود را پیرو مولای متقیان علی (علیه السلام) می دانند ولی در قبال پست و مقام و یا مالی ناچیز انسانیت و شخصیت خود را به راحتی می فروشند و لباس بردگی بر تن می کنند.

### 338. مهمان خوش آمد

1. وَدَارِي مَنْحُ لِمَنْ قَدْ نَزَلَ \*\*\* وَزَادِي مُبَاحٍ لِمَنْ قَدْ أَكَلُ

2. أَقْدِمُ مَا عِنْدَنَا حَاضِرٌ \*\*\* وَإِنْ لَمْ يَكُنْ غَيْرَ حُبْرٍ وَخَلُ

3. فَأَمَّا الْكَرِيمُ فَرَاضٍ بِهِ \*\*\* وَأَمَّا اللَّئِيمُ فَذَاكَ الْوَبْلُ

مهمان خوش آمد

1- خانه من مهمان سرایی است برای هر مسافری که بار اندازد و سفره خانه ام

پهن است برای هر که خواهد غذا بخورد.

2- هر چه در خانه دارم برای میهمانم آماده می کنم، اگر چه جز نان و سرکه نباشد.

ص: 344

3- میهمانان بزرگوار به آنچه که هست راضی اند و فرومایگان با این غذا نمی سازند و مایه گرفتاری اند.

نکته:

یکی از سنت های بسیار پسندیده که در فرهنگ ایرانیان و فرهنگ اهل بیت نبوت جایگاه ارزشمند و خاصی دارد پذیرایی از میهمان و به میهمانی رفتن است که امروزه با کمال تأسف به خاطر یک سری مسائل پوچ و خودخواهی ها این سنت و افتخار ملی که در قرآن و احادیث بسیاری نیز بر آن تأکید شده است، کم کم به دست فراموشی سپرده می شود.

### 339. قناعت

1. صَبِرَ الْفَتَى بِفَقْرِهِ يُجِلُّهُ \*\*\* وَبَدَلُهُ لِرُجْهِهِ يُذِلُّهُ

2. يَكْفِي الْفَتَى مِنْ عَيْشِهِ أَقْلُهُ \*\*\* الْخُبْزُ لِلْجَائِعِ أَدَمٌ كُلُّهُ

قناعت

1- صبر و شکیبایی بر فقر مرد را بزرگ می کند و ریختن آبرو و درخواست کمک او را خوار می نماید.

2- جوانمرد به حداقل زندگی در خوراک و لباس می سازد و نان برای شخص گرسنه هم نان است و هم خورش .

### 340. خصلت های پسندیده

1. إِنِّي أَمْرٌ بِاللَّهِ عَنِّي كُلُّهُ \*\*\* وَرِثَ الْمَكَارِمِ آخِرِي مِنْ أَوْلِي

2. فَإِذَا صَنَعْتُ صَنِيعَةً أَتَّبَعْتُهَا \*\*\* بِصَنِيعَةٍ أُخْرَى وَإِنْ لَمْ أُسْأَلْ

ص: 345

3. وَإِذَا يُصَاحِبُنِي رَفِيقٌ مُرْمِلٌ \*\*\* أَثَرْتُهُ بِالزَّادِ حَتَّى يَمْتَلِي

4. وَإِذَا دُعِيتُ لِكُرْبَةِ فَرَجْتُهَا \*\*\* وَإِذَا دُعِيتُ لِعُدْرَةِ لَمْ أَفْعَلْ

5. وَإِذَا يَصِيحُ بِي الصَّرِيحُ لِحَادِثٍ \*\*\* وَافِيْتُهُ مِثْلَ الشَّهَابِ الْمُشْعَلِ

6. وَأَعُدُّ جَارِي مِنْ عِيَالِي إِنَّهُ \*\*\* إِخْتَارَ مَا بَيْنَ الْمَنَازِلِ مَنزِلِي

7. وَحَفِظْتُهُ فِي أَهْلِهِ وَعِيَالِهِ \*\*\* بِنِعَاهِدِ مَنِّي وَلَمَّا أَسْعَلْ

خصلت های پسندیده

1- من آنم که سربلندی ام از خدای بزرگ است و آن عزت و سربلندی را از آباء و اجدادم به ارث برده ام.

2- هر زمان که به کسی نیکی کنم در پی آن نیکی دیگری را انجام می دهم، اگر چه کسی از من آن را نخواهد.

3- اگر رفیقی بینوا همنشینم باشد غذای خودم را به او می دهم تا سیر شود و اگر چیزی ماند، خودم استفاده می کنم.

4- هر زمان که مرا برای حل مشکلی دعوت کنند، شتاب می کنم و اگر برای توطئه ای دعوت شوم هرگز اجابت نمی کنم

5- چون شخص گرفتاری فریاد کنان از من کمک بخواهد چون شهاب فروزان به سرعت خود را به او می رسانم .

6- همسایگانم را اهل خانه خود می دانم که از همسایگی دیگران همسایگی مرا پذیرفته اند .

7- و از آنان حفاظت می کنم همان گونه که فرزندان و اهل خانه خود را محافظت می کنم و تاکنون به همسایه ای رو ترش نکرده ام.

1. إِذَا اجْتَمَعَ الْآفَاتُ فَالْبُخْلُ شَرُّهَا\*\*\* وَشَرُّ مِنَ الْبُخْلِ الْمَوَاعِيدُ وَالْمَطْلُ
2. وَلَا خَيْرَ فِي وَعْدٍ إِذَا كَانَ كَاذِبًا\*\*\* وَلَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِعْلٌ
3. إِذَا كُنْتَ ذَا عِلْمٍ وَلَمْ تَكُ عَاقِلًا\*\*\* فَأَنْتَ كَذِي نَعْلٍ وَلَيْسَ لَهُ رِجْلٌ
4. وَإِنْ كُنْتَ ذَا عَقْلِ وَلَمْ تَكُ عَالِمًا\*\*\* فَأَنْتَ كَذِي رِجْلِ وَلَيْسَ لَهُ نَعْلٌ
5. أَلَا إِنَّمَا الْإِنْسَانُ غِمْدٌ لِعَقْلِهِ\*\*\* وَلَا خَيْرَ فِي غِمْدٍ إِذَا لَمْ يَكُنْ نَصْلٌ

#### خصلتهای زشت

- 1- هرگاه خصلت های زشت یک جا جمع شود. بخل بدترین آنها است و بدتر از بخل، وعده دادن های تو خالی و پوچ به افراد است .
- 2- وعده دروغ هیچ خیری ندارد و قولی که به آن عمل نکنی ارزشی ندارد؛ فقط آبروی خود را می بری.
- 3- اگر دانشمند شوی و علوم زیادی را فراگیری ولی عاقلانه عمل نکنی مثل کسی هستی که پا ندارد ولی کفش می خرد .
- 4- اگر خردمند باشی، ولی علمی نداشته باشی که از خردت استفاده کنی، همانند کسی هستی که پا دارد ولی پاپوش ندارد .
- 5- هان توجه کن، انسان، غلاف شمشیرِ عقل خویش است، و غلاف شمشیر بدون شمشیر بی ارزش است .

\*\*\*



### 342. تلاش در راه دانش

1. لَوْ كَانَ هَذَا الْعِلْمُ يَحْصُلُ بِالْمُنَى \*\*\* مَا كَانَ يَبْقَى فِي الْبَرِيَّةِ جَاهِلٌ

2. إِجْهَدُ وَلَا تَكْسَلُ وَلَا تَأْكُ غَافِلًا \*\*\* فَنَدَامَةُ الْعُقْبَى لِمَنْ يَتَكاسَلُ

تلاش در راه دانش

1- اگر دانش و علم با آرزو به دست می آمد در جهان جاهل و بی سواد پیدا نمی شد.

2- کوشش کن و گسل و تنبل نباش و از اعمال خویش غافل نشو، که پشیمانی فرداها از آن کسی است که سستی و تنبلی کند.

### 343. مال و ثروت

1. رَضِينَا قِسْمَةَ الْجَبَّارِ فِينَا \*\*\* لَنَا عِلْمٌ وَلِلْأَعْدَاءِ مَالٌ

2. فَإِنَّ الْمَالَ يَغْنَى عَنْ قَرِيبٍ \*\*\* وَإِنَّ الْعِلْمَ بَاقٍ لَا يَزَالُ

مال و ثروت

1- هر چه خدا نصیب ما کرده خوشحالیم، دشمنان ما مال و ثروت دارند ما علم داریم.

2- در هر حادثه ای ممکن است ثروت از بین برود، ولی علم سرمایه ای ابدی است.

\*\*\*

ص: 348

### 344. تو کیستی؟!

1. إِنَّ الْغَنِيَّ هُوَ الْغَنِيُّ بِنَفْسِهِ \*\*\* لَيْسَ الْغَنِيُّ هُوَ الْغَنِيُّ بِمَالِهِ
2. وَكَذَا الْكَرِيمُ هُوَ الْكَرِيمُ بِخُلُقِهِ \*\*\* لَيْسَ الْكَرِيمُ بِقَوْمِهِ وَآلِهِ
3. وَكَذَا الْفَقِيهُ هُوَ الْفَقِيهُ بِحَالِهِ \*\*\* لَيْسَ الْفَقِيهُ بِنُطْقِهِ وَمَقَالِهِ

تو کیستی؟!

- 1- ثروتمند کسی است که احساس بی نیازی کند، ثروتمند کسی نیست که ثروتش زیاد باشد.
- 2- بزرگوار کسی است که از درونش بزرگواری می جوشد، بزرگوار کسی نیست که فامیل و تبارش فراوان باشند .
- 3- فقیه کسی است که دانایی روشش باشد، کسی که خوب حرف می زند و دارای مقام است، فقیه نیست .

### 345. اندرزهای با ارزش

1. فَلَا تُكْثِرَنَّ الْقَوْلَ فِي غَيْرِ وَقْتِهِ \*\*\* وَأَذْمِنُ عَلَى الصَّمْتِ الْمُرَّيِّنِ لِلْعَقْلِ
2. يَمُوتُ الْفَتَى مِنْ عَشْرَةِ بِلْسَانِهِ \*\*\* وَلَيْسَ يَمُوتُ الْمَرْءُ مِنْ عَشْرَةِ الرَّجْلِ
3. فَلَا تَكُ مِثَانًا لِقَوْلِكَ مُفْشِيًا \*\*\* فَتَسْتَجْلِبَ الْبَغْضَاءَ مِنْ زَلَّةِ التَّعْلِ

اندرزهای با ارزش

- 1- هیچ گاه، بی مورد پرگویی نکن! دائم ساکت باش که خاموشی طلا و زیور عقل است.

ص: 349

2- مرد اگر پایش بلغزد، ممکن است نمیرد، ولی اگر زبانش بلغزد ممکن است بمیرد.

3- در همه جا حرف نزن و پرگویی و افشاگری نکن، که با لغزیدن کفش زبانت در زندگی خواهی لغزید.

### 346. هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور

1. وَفِي الْحَلْقِ أَحْيَانًا لَعْمَرِي مَرَاةٌ \*\*\* وَثَقُلَ عَلَيَّ غَضُّ الرِّجَالِ تَقِيلُ

2. وَلَمْ أَرِ إِنْسَانًا يَرَى عَيْبَ نَفْسِهِ \*\*\* وَإِنْ كَانَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ جَمِيلُ

3. وَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْجُو مِنَ النَّاسِ سَالِمًا \*\*\* وَلِلنَّاسِ قَالُ بِالظُّنُونِ وَقِيلُ

4. أَجَلَّكَ قَوْمٌ حِينَ صِرْتَ إِلَى الْغِنَى \*\*\* وَكُلُّ غَنِيٍّ فِي الْعُيُونِ جَلِيلُ

5. وَلَيْسَ الْغِنَى إِلَّا غِنَى زَيْنَ الْفَتَى \*\*\* عَشِيَّةَ يَقْرِي أَوْ غَدَاةَ يُنِيلُ

6. وَلَمْ يَقْتَرِ يَوْمًا وَإِنْ كَانَ مُعْدِمًا \*\*\* سَحِيٍّ وَلَمْ يَسْتَعْنِ قَطُّ بِخَيْلُ

هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور

1- بسیاری از اوقات، طعم تلخ مسائل اجتماعی را احساس می‌کنم، برای من انسان‌های والا را به خاطر حسادت سبک کردن، سنگین است.

2- من در همه عمرم کسی را ندیدم که عیب خود را بازگو کند، هر چند که زیبایی‌های زندگی اش مخفی نمی‌ماند.

3- آیا کسی را سراغ دارید که از گزند زبان مردم در امان باشد؟ این مردم در تهمت زدن و عیب جویی حرفهای زیادی دارند.

4- وقتی ثروتمند شدید، تعدادی از این مردم تو را به خاطر مالی و مقامی که پیدا کرده‌ای تجلیل می‌کنند، چون فرهنگ جامعه این گونه شده که افراد

ثروتمند، ارجمند می شوند .

5- از ویژگی های ثروتمند آن است که با شخصیت به نظر می رسد، چه هنگام پذیرایی در شب یا بخشش .

6- ثروتمند اگر روزی فقیر شود، در انظار و افکار جامعه او را فقیر نمی دانند و آدم بخیل در هیچ زمانی بی نیاز نباشد و دائماً احساس فقر میکند و از سویی مردم او را بخیل می دانند.

### 347. درست فکر کن درست عمل کن

1. صُنِ النَّفْسَ وَاحْمِلْهَا عَلَى مَا يَزِينُهَا \*\*\* تعش سالماً وَالْقَوْلُ فَيْكَ جَمِيلٌ

2. وَلَا تُرِينَ النَّاسَ إِلَّا تَجَمُّلاً \*\*\* تيا بك دهرٌ أَوْ جَنَّاكَ خَلِيلٌ

2. وَإِنْ ضَاقَ رِزْقُ الْيَوْمِ فَاصْبِرْ إِلَى غَدٍ \*\*\* عَسَى نَكَبَاتُ الدَّهْرِ عَنْكَ تَزُولُ

4. يَعْزُ غَنِيُّ النَّفْسِ إِنْ قَلَّ مَالُهُ \*\*\* وَيَغْنَى غَنِيُّ الْمَالِ وَهُوَ ذَلِيلٌ

5. وَلَا خَيْرَ فِي وُدِّ امْرِيٍّ مُتَلَوِّنٍ \*\*\* إِذَا الرِّيحُ مَالَتْ مَالَ حَيْثُ تَمِيلُ

6. جَوَادُ إِذَا اسْتَغْنَيْتَ عَنْ أَخْذِ مَالِهِ \*\*\* وَعِنْدَ احْتِمَالِ الْفَقْرِ عَنْكَ بَخِيلٌ

ص: 351

7. فَمَا أَكْثَرَ الْإِخْوَانَ حِينَ تَعُدُّهُمْ \*\*\* وَلَكِنَّهُمْ لِلنَّيَّابَاتِ قَلِيلٌ

درست فکر کن درست عمل کن

- 1- خواهش های نفسانی را مهار کن و روشی در زندگی انتخاب کن که مایه افتخار تو باشد و دین و دنیایت را از آلودگی حفاظت کند و آنچنان آموزنده باشد که مردم به خوبی از تو یاد کنند.
- 2- جز صبر و شکیبایی از خود نشان نده، اگر چه روزگار با تو نسازد و یا دوستانت ناسپاس باشند.
- 3- اگر امروز روزیات کم بود تا فردا تحمل کن، امید آنکه چهره خشن روزگار از تو دور شود.
- 4- کسی که عزت نفس داشته باشد اگرچه فقیر باشد، عزیز است ولی کسی که با ثروت و مقامش بالا رود شخصیت درونی او خوار می گردد.
- 5- دوستی با آدم های چند چهره سودی ندارد، چون آنان از هر طرف که باد آید به همان سو می چرخند.
- 6- هر زمان که از آنان بی نیاز باشی، خود را سخاوتمند به تو نشان می دهند، و هر زمان که ببیند به آنان نیاز داری، بخیل می شوند و به تو کمکی نخواهند کرد.
- 7- در روزگار خوش و داشتن امکانات چقدر دوست زیاد است، اما در روزگار سختی دوست بسیار کمیاب است.

\*\*\*

ص: 352

### 348. سلام و محبت کن

1. وَحَيِّ ذَوِي الْأَضْغَانِ تَشْفِ قُلُوبَهُمْ \*\*\* تَحِيَّتِكَ الْعُظْمَى وَقَدْ يُدْبِعُ النَّعْلُ

2. فَإِنْ أَعْرَضُوا كُرْهًا فَحَيِّ تَكْرِمًا \*\*\* وَإِنْ حَبَسُوا عَنْكَ الْحَدِيثَ فَلَا تَسَلْ

3. فَإِنَّ الَّذِي يُؤْذِيكَ مِنْهُ اسْتِمَاعُهُ \*\*\* وَإِنَّ الَّذِي قَالُوا وَرَاءَكَ لَمْ يُقَلْ

سلام و محبت کن

1- به افرادی که از تو در دل کینه دارند سلام کن و محبت بورز، این کار تو کینه را از دل آنان پاک می کند. آری برای اصلاح پوست حیوان، دباغی لازم است تا صاف شود.

2- اگر در برخورد با تو، از تو رویگردان باشند، تو بیشتر احترام کن و سلام گوی و اگر سخنی را از تو پنهان کردند، تو جویای کشف رازشان نباش.

3- چون ممکن است حرف آنها بدگویی از تو باشد و اگر جویای حرف آنها باشی اذیت خواهی شد، چون حرف های پشت سر تو آزار دهنده است.

### 349. این نیز بگذرد

1. أَحِبُّ لِيَالِي الْهَجْرِ لَا فَرَحًا بِهَا \*\*\* عَسَى الدَّهْرُ يَأْتِي بَعْدَهَا بِوَصَالِ

2. وَأَكْرَهُ أَيَّامَ الْوِصَالِ لِأَنِّي \*\*\* أَرَى كُلَّ شَيْءٍ مُؤَلَعًا بِزَوَالِ

ص: 353

1- شب های جدایی را به خاطر وصال دوباره دوست دارم چون آن جدایی موجب وصال است.

2- ولی شب های وصل دوست را دوست ندارم چون شتابان به سوی هجران و نابودی پیش

می رود، آری هر شبی روزی را و هر روزی شبی را در پی دارد.

### 350. فریب نده

1. لَا تُخَدَعَنَّ فَلِلْمُحِبِّ دَلَائِلٌ \*\*\* وَلَدَيْهِ مِنْ نَجْوَى الْحَبِيبِ رَسَائِلٌ

2. مِنْهَا تَنَعَّمُهُ بِمَا يُبْلَى بِهِ \*\*\* وَسُرُورُهُ فِي كُلِّ مَا هُوَ فَاعِلٌ

3. فَالْمَنْعُ مِنْهُ عَطِيَّةٌ مَعْرُوفَةٌ \*\*\* وَالْفَقْرُ إِكْرَامٌ وَلُطْفٌ عَاجِلٌ

4. وَمِنْ الدَّلَائِلِ أَنْ يُرَى مُتَحَفِّظًا \*\*\* مَتَقَشِّفًا فِي كُلِّ مَا هُوَ نَازِلٌ

5. وَمِنْ الدَّلَائِلِ أَنْ تَرَاهُ مُسْمِرًا \*\*\* فِي خِرْقَتَيْنِ عَلَى شُطُوطِ السَّاحِلِ

6. وَمِنْ الدَّلَائِلِ زُهْدُهُ فِي مَا يَرَى \*\*\* مِنْ دَارِ ذُلِّ وَالتَّعِيمِ الزَّائِلِ

7. وَمِنْ الدَّلَائِلِ أَنْ يُرَى مِنْ عَزْمِهِ \*\*\* طَوْعَ الْحَبِيبِ وَإِنْ أَلَحَّ الْعَاذِلُ

8. وَمِنْ الدَّلَائِلِ أَنْ يُرَى مِنْ شَوْقِهِ \*\*\* مِثْلَ السَّقِيمِ فِي الْفُرَادِ غَلَائِلُ

9. وَمِنْ الدَّلَائِلِ أَنْ يُرَى مِنْ أَنْسِهِ \*\*\* مُسْتَوْحِشًا مِنْ كُلِّ مَا هُوَ شَاغِلُ

10. وَمِنْ الدَّلَائِلِ أَنْ يُرَى مُتَبَسِّمًا \*\*\* وَالْقَلْبُ فِيهِ مَعَ الْحَنِينِ بَلَابِلُ

11. وَمِنْ الدَّلَائِلِ ضِحْكُهُ بَيْنَ الْوَرَى \*\*\* وَالْقَلْبُ مَحْرُونٌ كَقَلْبِ الثَّائِلِ

12. وَمِنْ الدَّلَائِلِ حُزْنُهُ وَنَحِيبُهُ \*\*\* جَوْفَ الظَّلَامِ فَمَا لَهُ مِنْ عَاقِلِ

13. وَمِنْ الدَّلَائِلِ أَنْ تَرَاهُ مُسَافِرًا \*\*\* نَحْوَ الْجِهَادِ وَكُلِّ فِعْلٍ فَاضِلِ

14. وَمِنْ الدَّلَائِلِ أَنْ تَرَاهُ مُسَلِّمًا \*\*\* كُلِّ الْأُمُورِ إِلَى الْمَلِكِ الْعَادِلِ

- 1- خودت را فرب نده كه دوست خدا نشانه هاي دارد و از خدا پيام ها و رازهاي نزد اوست.
- 2- يكي از آن نشانه خوشي او با رنجي است كه مي بيند و شادپاش خواسته دوست است.
- 3- و محروميت او هديه اي است كه دوست داده و با آن هديه آشنا است و درويشي، مهري و لظفي از سوي است.
- 4- يكي از آن نشانه ها، شب زنده داري و صبر و قناعت در زندگي است و هر چه براي او پيش آيد استقبال مي كند.
- 5- و نشانه ديگر آنكه با دو لباس كهنه و كوتاه در كنار درياي زندگي خرسند است.
- 6- به آنچه كه براي ميسر است از خانه محقر و نعمت هاي در حال زوال، راضي است.
- 7- و برخلاف سرزنش عده اي نادان، سر به فرمان دوست دارد.
- 8 - از نشانه هاي اين محب صادق آن كه از شوق دوست، مانند بيماري است كه در محبت يار مي سوزد ولي دلش آكنده از عشق است .
- 9- از نشانه هاي عشق او آن است كه جز دوست هيچ چيز او را به خود مشغول نمي كند.
- 10- او در ميان مردم چهره اي خوشحال و لبي خندان دارد، اما در دلش حزن دوست و يار نهفته است.
- 11 - او خنده اش در مجامع و محافل مشهور است و دلش مثل قلب عزاداران است .



12- از نشانه های او ناله و زاری اش در شب های تاریک است به گونه ای که کسی نباشد تا او را منع کند.

13- یکی از نشانه های بارز او این است که در تمام عمرش، چون مسافری است به سوی جهاد در راه خدا و کارهای پسندیده و خدمت به خلق.

14 - و آخرین نشانه او این است که تسلیم است و کارهایش را به خدا واگذار کرده و هر چه خدا خواهد او نیز همان را می خواهد، چون خدا را در همه جا و همه چیز حاضر و ناظر می داند.

### 351. بیم و امید

1. أَخَافُ وَأَرْجُو عَفْوَهُ وَعِقَابَهُ\*\*\* وَأَعْلَمُ حَقًّا أَنَّهُ حَكَمٌ عَدْلٌ

2. فَإِنْ يَكُ عَفْوًا فَهُوَ مِنْهُ تَفَضُّلٌ\*\*\* وَإِنْ يَكُ تَعْذِيبًا فَإِنِّي لَهُ أَهْلٌ

بیم و امید

1- هم از عذابش می ترسم و هم به بخشش او امیدوارم و یقین دارم که حکم او عدل و داد است.

2- اگر مرا عفو کند از بزرگواری اوست و اگر کیفر دهد، من خود سزاوار کیفرم.

### 352. روز قیامت

1. إِذَا قَرَّبْتُ سَاعَةً يَأْتِيهَا\*\*\* وَزُلْزَلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا

2. تَسِيرُ الْجِبَالُ عَلَى سُرْعَةٍ\*\*\* كَمَرِ السَّحَابِ تَرَى حَالَهَا

3. وَتَنْفَطِرُ الْأَرْضُ مِنْ نَفْحَةٍ\*\*\* مُنَالِكَ تُخْرَجُ أَثْقَالَهَا

ص: 356

4. وَلَا بُدَّ مِنْ سَائِلٍ قَائِلٍ \*\*\* مِنَ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ مَا لَهَا
5. تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا رَبِّهَا \*\*\* وَرَبُّكَ لَا شَكَّ أَوْحَى لَهَا
6. وَيَصْدُرُ كُلُّ إِلَى مَوْقِفٍ \*\*\* يُعِيمُ الْكُهُولَ وَأَطْفَالَهَا
7. تَرَى النَّفْسَ مَا عَمِلَتْ مُحْضَرًا \*\*\* وَلَوْ ذَرَّةً كَانَ مِثْقَالَهَا
8. يُحَاسِبُهَا مَلِكٌ قَادِرٌ \*\*\* فَأَمَّا عَلَيْهَا وَإِمَا لَهَا
9. تَرَى النَّاسَ سَكْرَى بِلَا حَمْرَةٍ \*\*\* وَلَكِنْ تَرَى الْعَيْنُ مَا هَالَهَا
10. ذُنُوبِي بَلَائِي فَمَا حِيلَتِي \*\*\* إِذَا كُنْتُ فِي الْبَعْثِ حَمَالَهَا
11. نَسِيتُ الْمَعَادَ فَيَا وَيْلَهَا \*\*\* وَأَعْطَيْتُ لِلنَّفْسِ أَمَالَهَا

روز قیامت

- 1- وای بر زمانی که قیامت نزدیک می شود؛ زمین به طور کامل یک جا می لرزد، می لرزد آن هم چه لرزه ای.
- 2- کوه ها با سرعت هر چه تمامتر از جا کنده و مثل ابرها شتابان حرکت می کنند.
- 3- زمین با نفخ های متلاشی می شود و بارهای گران خویش را برون می ریزد.
- 4 در چنین حالی سؤال کننده ای (که همه آدم ها هستند) از مردم می پرسد: از چه شده؟!
- 5- آنچه از ظلم و جور و اجحاف و غیره در زمین اتفاق افتاده همه را زمین گزارش می دهد و خداوند همه چیز را به زمین خواهد گفت.
- 6- و هر انسانی: بزرگان، کهنسالان و کودکان در جایگاهی که خدا معین می کند خواهند ایستاد.
- 7- آنگاه است که هر کس اعمال خود را به چشم خواهد دید، تمام اعمال کم و زیاد انسان ها، پیش آنها مجسم می شود.

ص: 357

8- خداوند مالک روز قیامت، همه اعمال خوب و بد را محاسبه خواهد کرد؛ چه به سود انسان و چه به ضررش .

9- در آن اسف انگیز روز، همه مردم بدون خوردن شراب حالت مستی پیدا می کنند و چشم چیزهایی را می بیند که هراسان می شود.

10- همه می گویند گناهان من و بال گردنم هستند، خدایا چکار کنم خدایا چگونه در روز قیامت آنها را بر دوش کشم

11- خدایا! من بازگشت و قیامت را فراموش کرده ام، پس وای بر این نفس که خواسته هایش را برآورده کرده ام.

### 353. ای حارث همدانی

1. یا حارِ هَمْدَانَ مَنْ يَمُتُ يَرِنِي \*\*\* مِنْ مُؤْمِنٍ أَوْ مُنَافِقٍ قُبُلَا

2. يَعْرِفُنِي طَرْفُهُ وَأَعْرِفُهُ \*\*\* بِنَعْتِهِ وَاسْمِهِ وَمَا فَعَلَا

3. وَأَنْتَ عِنْدَ الصِّرَاطِ مُعْتَرِضِي \*\*\* فَلَا تَخَفْ عَثْرَةَ وَلَا زَلَلَا

4. أَقُولُ لِلتَّارِ حِينَ تُوقَفُ لِلْعَرِّ \*\*\* ضِ ذَرِيهِ لَا تُقْرِبِي الرَّجُلَا

5. ذَرِيهِ لَا تُقْرِبِيهِ إِنْ لَهُ \*\*\* حَبَلًا بِحَبْلِ الْوَصِيِّ مُتَّصِلَا

6. أَشْقِيكَ مِنْ بَارِدٍ عَلَى ظَمًا \*\*\* تَخَالُهُ فِي الْحَلَاوَةِ الْعَسَلَا

7. قَوْلُ عَلَى لِحَارِثٍ عَجَبٌ \*\*\* كَمْ نَمَّ أَعْجَابَةٌ لَهُ جُمَلَا

ای حارث همدانی

1- ای حارِ هَمْدَانَ هر کس بمیرد (مؤمن باشد یا منافق)، مرا در مقابل خود خواهد دید.

2- در آن هنگام با چشم خود مرا می بیند و می شناسد و من اوصاف و نام و

ص: 358

کردار او را می شناسم.

- 3- ای حار! همدان تو در صراط با من ملاقات می کنی، و تو از افتادن در جهنم و از لغزیدن نترس
- 4- در لحظه دیدارت با آتش جهنم به او خواهم گفت رهایش کنید و حق ندارید به او نزدیک شوید
- 5- او را رها کنید و به او نزدیک نشوید که او را ریسمانی است متصل به ریسمان وصی پیامبر.
- 6- و تو را که به سختی تشنه ای آب سردی بنوشانم که از شیرینی گویی انگبین است .
- 7- سخن و حرف علی برای حارث همدانی عجیب است و باید بدانی که در علی بن ابی طالب عجایب فراوانی وجود دارد.

### 354. اختر بینی

1. حَوَفَنِي مُنَجِّمٌ أَخُو حَبَلٍ \*\*\* تَرَاوَعَ الْمَرِيخَ فِي بَيْتِ الْحَمَلِ
2. فَقُلْتُ دَعْنِي مِنْ أَكَاذِبِ الْحَيْلِ \*\*\* الْمُشْتَرِي عِنْدِي سَوَاءٌ وَزَحَلٌ
3. أَدْفَعُ عَنْ نَفْسِي أَفَانِينَ الدَّوَلِ \*\*\* بِخَالِقِي وَرَازِقِي عَزَّ وَجَلُّ

اختر بینی

- 1- منجم دیوانه ای مرا از بازگشت ستاره مریخ به خانه حمل (فروردین) ترساند.
- 2- به او گفتم مرا از این نیرنگ های دروغ رها کن، زیرا ستاره مریخ و مشتری و زحل پیش من یکسانند.

ص: 359

3- من برای دفاع، در برابر حوادث گوناگون، از خداوند قادر متعال کمک می خواهم و به او پناه می برم و تکیه می کنم .

### 355. پیش بینی آینده

1. بُنَي إِذَا مَا جَاشَتْ التُّرُكُ فَانْتَظِرْ \*\*\* وَايَةَ مَهْدِيٍّ يَقُومُ وَيَعْدِلُ

2. وَذَلَّ مُلُوكُ الْأَرْضِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ \*\*\* وَبُوعِ مِنْهُمْ مَنْ يَلْدُ وَيَهْرُلُ

3. صَبِيٍّ مِنَ الصَّبِيَّانِ لَا رَأْيَ عِنْدَهُ \*\*\* وَلَا عِنْدَهُ جَدُّ وَلَا هُوَ يَعْقِلُ

4. فَتَمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنْكُمْ \*\*\* وَبِالْحَقِّ يَا تَيْكُمُ وَبِالْحَقِّ يَعْمَلُ

5 سَمِيَّ نَبِيِّ اللَّهِ نَفْسِي فِدَاؤُهُ \*\*\* فَلَا تَخْذُلُوهُ يَا بَنِي وَعَجَلُوا

پیش بینی آینده

1- فرزند عزیزم، هر زمان که ترک ها پیروز شدند منتظر ولایت و حکومت مهدی باش! او قیام میکند و عدالت را در جهان به نمایش خواهد گذاشت.

2- سران کشورها و پادشاهان، مغلوب او خواهند بود، و آل هاشم پیروز می شوند و تمام ملت‌های قوی و ضعیف با او بیعت می کنند.

3- این قیام در زمانی اتفاق خواهد افتاد که کودک صفتان بی تجربه که برای اداره جهان نه فکر صحیحی و نه کوشش و جدیتی و نه پشتوانه ای از عقل صحیح دارند، بر مردم حکومت می کنند .

4- با ایجاد چنین شرایطی او بر حق قیام می کند و حق را پیاده و به حق عمل می کند.

5- او همان پیامبر خدا است ، جانم فدایش! فرزندان من مواظب باشید او را تنها نگذارید و او را در این خیزش یاری کنید و شتاب نمایید.

ص: 360

### 356. در باره خلافت

1. تَعَلَّمْ أَبَا بَكْرٍ وَلَا تَكُ جَاهِلًا \*\*\* بِأَنَّ عَلِيًّا خَيْرٌ حَافٍ وَنَاعِلٍ
2. وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَوْصَى بِحَقِّهِ \*\*\* وَأَكَّدَ فِيهِ قَوْلَهُ بِالْفَضَائِلِ
3. وَلَا تَبْخَسْنَهُ حَقَّهُ وَازْدُدِ الْوَرَى \*\*\* إِلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِغَافِلٍ

در باره خلافت

1- این را بدان ای ابوبکر و خود را به نادانی زن! که علی بهترین کسی است که کفش پوشیده و پا برهنه بوده است.

2- و خودت خوب می دانی او تنها کسی است که رسول خدا در حق او وصیت کرد و او را جانشین خود قرار داد و در برتری او سخن راند و ویژگی های او را بیان کرد .

3- حق او را نادیده مگیر و جایگاهش را به او برگردان و بدان که خدا غافل از متجاوزان نیست .

### 357. در دلاوری خویش فرمایند

1. أَنَا الصَّقْرُ الَّذِي حَدَّثْتَ عَنْهُ \*\*\* عِتَاقُ الطَّيْرِ تَتَجَدَّلُ أَنْجِدَالًا
2. وَقَاسَيْتُ الْحُرُوبَ أَنَا ابْنُ سَبْعٍ \*\*\* فَلَمَّا شَبِبْتُ أَفْنَيْتُ الرِّجَالَ
3. فَلَمْ تَدْعِ السُّيُوفَ لَنَا عَدُوًّا \*\*\* وَلَمْ يَدْعِ السَّخَاءُ لَدِي مَا لَا .

در دلاوری خویش فرمایند

1- من آن باز شکاری هستم که از دلاوری های او خبردار شده ای، پرنندگان شکاری در مقابل من فرود آیند.

ص: 361

2- و در میدان جنگ بسیار قوی‌دلم و در هفت سالگی فنون جنگی را آموخته ام و اکنون که موی صورت سفید شده، دشمنان و مردان جنگی را نابود خواهم کرد.

3- شمشیرهای ما برایمان دشمنی نگذاشته اند، همان گونه که بخشش و سخاوت مالی برایمان نگذاشته است.

### 358. باز هم

1 صَيْدُ الْمُلُوكِ أَرَانِبٌ وَتَعَالِبٌ \*\*\* وَإِذَا رَكِبْتُ فَصَيْدِي الْأَبْطَالُ

2. صَيْدِي الْفَوَارِسُ فِي اللَّقَاءِ وَإِنِّي \*\*\* عِنْدَ الْوَعَى لَغَضَنْفَرٌ قَتَّالُ

باز هم

1- شکار سلاطین خرگوش و روباه است و هر زمان که پشت زین اسبم نشینم و بخواهم به جنگ روم، شکار من پهلوانان و شجاعان اند.

2- شکار من تک سواران میادین جنگاند و در هنگام رزم شریزه شیری جان گیرم.

### 359. سه چیز را پنهان کن

1. عَلَيْكُمْ بِالثَّلَاثَةِ فَأَكْتُمُوهَا \*\*\* شَجَاعَتَكُمْ وَعِلْمَكُمْ وَمَالُ

2. فَإِنَّ النَّاسَ أَعْدَاءٌ لِهَذَا \*\*\* وَلَا يُرْضِيهِمْ إِلَّا الزَّوَالُ

سه چیز را پنهان کن

1- سه چیز را تا می توانید پنهان دارید شجاعت و علم و مال.

ص: 362

2- چون مردم دشمن این سه چیز هستند و جز به نابودی آن سه چیز راضی نمی شوند .

### 360. در مرگ حضرات ابوطالب و بانو خدیجه

1. أَعْيَيْ جُودًا بَارَكَ اللَّهُ فِيكُمَا \*\*\* عَلَى هَالِكَيْنِ لَا تَرَى لَهُمَا مِثْلًا
2. عَلَى سَيِّدِ الْبَطْحَاءِ وَابْنِ رَيْسِهَا \*\*\* وَسَيِّدَةِ النَّسْوَانِ أَوَّلِ مَنْ صَلَّى
3. مُهْدَبَةً قَدْ طَيَّبَ اللَّهُ خِيَمَهَا \*\*\* مُبَارَكَةً وَاللَّهُ سَاقٍ لَهَا الْفَضْلَا
4. مُصَابَهُمَا أَذْجَى لِي الْجَوِّ وَالْهَوَا \*\*\* فَبِتُّ أَفَاسِي مِنْهُمَا الْهَمَّ وَالشُّكْلَا
5. لَقَدْ نَصَرَا فِي اللَّهِ دِينَ مُحَمَّدٍ \*\*\* عَلَى مَنْ بَعَى فِي الدِّينِ قَدْ رَعِيَ إِلَّا

در مرگ حضرات ابوطالب و بانو خدیجه

- 1- ای چشمان من، با اشک خود بخشش خود را نشان دهید، از فقدان دو گوهر گرانب ها که دیگر مثل آنان پیدا نمی کنم.
- 2- اشک بریزید برای سید بطحا و فرزند رئیس بطحا، و نیز بر سیده و بزرگ زنان که اولین کسی بود از زنان مسلمان که نماز خواند.
- 3- آری بر آن زن پیراسته خوی و خجسته که خدای عالم وجود او را پاک کرده بود و بر دیگران برتری داشت.
- 4- مرگ و فقدان این دو نفر، روز را برای من شب تاریک کرد، اکنون شب ها را نیز در غم آنها با اشک و آه به صبح می رسانم.
- 5- این دو بزرگوار دین محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را یاری کردند و پشتیبان بزرگی برای رسول خدا بودند و آنها عهد و پیمان خود را با خدا و محمد رسول خدا حفظ کردند.

ص: 363



در طول تاریخ شیوه ناعادلانه ای برای از بین بردن شخصیت های مؤثر و خدمتگزار به وسیله دنیا پرستان واقعی و دینداران ظاهری به کار گرفته شده که تا کنون نیز مورد استفاده قرار می گیرد و با کمال تأسف عوام الناس را به وسیله این دو ابزار یا دو شیوه تحت تأثیر قرار داده و به دست آنان جنایاتی در تاریخ اسلام به وجود آورده اند.

شیوه اول: بزرگ کردن افرادی که لیاقت کافی و شرایط لازم را برای اداره امور مردم و دینداران نداشته و ندارند.

دوم متهم کردن افراد شایسته و لایق، آن هم با ابزارهای مختلف و وارد کردن اتهام های واهی در تمام شئون زندگی آنان و با این کار، فرشتگان نجات را دیوان بی قید و بند و متجاوزان تبه کار معرفی می کردند. همچنین با تهمت زدن به وابستگان و پیروان، آنها عرصه زندگی را بر آنان تنگ کرده و این شیوه های ناجوانمردانه را در دوران زندگی تبه کارانه بنی امیه و سپس بنی مروان و بعد از آن در زندگی شرم آور بنی عباس مشاهده می کنیم.

برای از بین بردن چهره ملکوتی مولا- علی (علیه السلام) دستگاه های خبرساز و جاعلان احادیث برای بزرگ جلوه دادن بنی امیه چقدر حدیث جعل کردند و در اختیار عوام الناس گذاشتند و با همین رفتار غاصبان منصب اداره کشورهای اسلامی را به نام امیرالمؤمنین خواندند و تهمت های ناروایی در اختیار مردم عوام و سست دینان قرار دادند. و برای از بین بردن چهره ملکوتی مولا علی (علیه السلام) و فرزندان و وابستگانش تا جایی پیش رفتند که با بسیج کردن خبر سازان خود در تمامی جامعه، ابو طالب (علیه السلام)، آن قدرت بزرگ و پشتیبان اسلام و پدر بزرگوار علی (علیه السلام)

را غیر مسلمان معرفی کردند که تا امروزه نیز این تبلیغات مسموم ادامه دارد. آنها برای از بین مشروعیت مولا علی (علیه السلام) و پنهان کردن فضائل آن حضرت با تمام توان اقدام کردند. امروزه نیز شاهد هستیم که با همان شیوه چه انسانهای والایی را با تهمت و افترا از گردونه انقلاب خارج کرده اند.

لذا مولا با بیان این حقیقت که خدیجه ام المؤمنین و ابوطالب بزرگترین حامی اسلام و بهترین بندگان صالح خداوند هستند، سعی کردند تبلیغات شوم دشمنان اسلام را بی اثر نمایند.

### 361. بنده فرمانبردار

1. إِنَّ عَبْدًا أَطَاعَ رَبًّا جَلِيلًا \*\*\* وَقَفَا الدَّاعِيَ النَّبِيَّ رَسُولًا

2. فَصَلَاةُ الْإِلَهِ تَتَرَى عَلَيْهِ \*\*\* فِي دُجَى اللَّيْلِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

3. إِنَّ ضَرْبَ الْعِدَى بِأَبْيَضٍ يُرَضَى \*\*\* سَيِّدًا قَادِرًا وَيَشْفِي غَلِيلًا

4. لَيْسَ مَنْ كَانَ قَاصِدًا مُسْتَقِيمًا \*\*\* مِثْلَ مَنْ كَانَ هَاوِيًّا وَذَلِيلًا

5. حُسْبِيَ اللَّهُ عِصْمَةٌ لِأُمُورِي \*\*\* وَحَبِيبِي مُحَمَّدٌ لِي خَلِيلًا

بنده فرمانبردار

1- بنده ای که پروردگار خویش را اطاعت کند، و مطیع پیامبری شود که از جانب پروردگار آمده است.

2- بارها و بارها درود خداوند بر او باد، در تاریکی شب و در صبح و شام.

3- او با کوبیدن دشمن، رهبر قدرتمند و بزرگوار را خوشحال کرد و سوز دل را فرو نشانده.

ص: 365

4- کسی که با عزم خود رونده راه حق باشد و اعتدال داشته باشد، مثل کسی نیست که با اندیشه های ضعیف خویش سقوط کرده و ذلیل است.

5- خداوند متعال زندگی ام را حفظ می کند و او مرا کافی است و دوستی و همراهی و پیروی محمد رسول خدا برایم کافی است.

### 362. تو را با جانم نگهدارم

1. أَقِيكَ بِنَفْسِي أَيُّهَا الْمُصْطَفَى الَّذِي \*\*\* هَدَانَا بِهِ الرَّحْمَنُ مِنْ غُمَّةِ الْجَهْلِ

2. وَأَقْدِيكَ حَوْبَائِي وَمَا قَدَّرُ مُهْجَتِي \*\*\* لِمَنْ أَنْتَمِي مَعَهُ إِلَى الْفَرَعِ وَالْأَصْلِ

3. وَمَنْ ضَمَّنِي مُذْ كُنْتُ طِفْلاً وَيَافِعاً \*\*\* وَأَنْعَسَنِي بِالْعَلِّ مِنْهُ وَبِالتَّهْلِ

4. وَمَنْ جَدُّهُ جَدِّي وَمَنْ عَمُّهُ أَبِي \*\*\* وَمَنْ نَجَلُهُ نَجْلِي وَمَنْ بَنَتْهُ أَهْلِي

5. وَمَنْ حِينَ أَخِي بَيْنَ مَنْ كَانَ حَاضِراً \*\*\* دَعَانِي وَآخَانِي وَبَيْنَ مَنْ فَضَّلِي

6. لَكَ الْفَضْلُ إِنِّي مَا حَيِّتُ لَشَاكِرٍ \*\*\* لِإِحْسَانِ مَا أَوْلَيْتَ يَا خَاتَمَ الرُّسُلِ

تو را با جانم نگهدارم

1- جانم را فدای تو می کنم ای محمد مصطفی ای کسی که به وسیله تو

ص: 366

خدای بزرگ ما را از تاریکی های نادانی، با نور ایمان، نجات بخشید.

- 2- جان را فدای تو می کنم. و جان و خون و قلب من در برابر آنکه در شاخ و بن با او پیوند دارم هدیه ای ناچیز است.
- 3- کسی که از اوان کودکی و نوجوانی مرا گام به گام با تربیت خود و خوراندن غذا، نشاط داد.
- 4- آن کسی که جدش جد من و عمویش پدر من و نژادش نژاد من و دختر عزیزش همسر من است.
- 5- آن کسی که هنگام برادر نامیدن مسلمانان مرا برادر خود خواند و پیمان برادری با من بست و برتری مرا بر دیگران اعلام کرد.
- 6- او به بزرگی سزاوارتر است و من تا زنده ام، ای خاتم پیامبران! از نیکی و لطفی که داشته ای پاسداری خواهم کرد.

نکته:

علی آن شیر خدا شاه عرب \*\*\* الفتی داشته با این دل شب

شب ز اسرار علی آگاه است \*\*\* دل شب محرم سر الله است

شب شنیده است مناجات علی \*\*\* جوشش چشمه فیض ازلی

ناشناسی که به تاریکی شب \*\*\* ببرد نان یتیمان عرب

علی (علیه السلام) اولین مردی بود که به پیامبر ایمان آورد، اولین مردی بود بعد از رسول خدا و پشت سر او نماز خواند، تنها مردی بود که تمام دوران کودکی خود را در خانه پیامبر بود و پیامبر رحمت او را آموزش داد و علوم الهی را به او آموخت. تنها کسی بود که در ماجرای لیلۃ المبیت از نثار جان خود برای زنده ماندن پیامبر دریغ نورزید، تنها کسی بود که در جنگ احزاب شاخ احزاب را شکست و عمرو بن عبدود را از سر راه اسلام برداشت. تنها کسی بود که پیامبر او را برادر

ص: 367

خواند و تنها کسی بود که رسول خدا در جنگ فرمود: «لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَّارِ».

با این همه، دستگاه های خبرساز و جاعلان حدیث در دوران بنی امیه، و سایر خلفاء اموی و عباسی بسیار هزینه کردند تا او را از تاریخ اسلام محو نمایند؛ اما چون علی (علیه السلام) و وصل به حقیقت و حقیقت وصل به علی (علیه السلام) بود، آنها همه نابود شدند و از خود چهره ای منفور در تاریخ به یادگار گذاشتند، اما نام و یاد و گفتار و کردار علی (علیه السلام) تا جهان برپاست بر تارک بشریت می درخشد.

چراغی را که ایزد بفرورد\*\*\* گر ابله پف کند ریشش بسوزد

### 363. رسول خدا و کفار

1. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَبْلَى رَسُولُهُ\*\*\* بَلَاءَ عَزِيزٍ ذِي أَمْتِدَارٍ وَذِي فَضْلٍ
2. بِمَا أَنْزَلَ الْكُفَّارَ دَارَ مَذَلَّةٍ\*\*\* وَلَا قُوا هَوَانًا مِنْ أَسَارٍ وَمِنْ قَتْلِ
3. فَأَمْسَى رَسُولُ اللَّهِ قَدْ عَزَّ نَصْرُهُ\*\*\* وَكَانَ أَمِينَ اللَّهِ أُرْسِلَ بِالْعَدْلِ
4. فَجَاءَ بِفُرْقَانٍ مِنَ اللَّهِ مُنْزَلٍ\*\*\* مُبَيِّنَةٍ آيَاتِهِ لِذَوِي الْعَقْلِ
5. فَأَمَّنَ أَقْوَامٌ كَرَامٌ وَأَيَّمَنُوا\*\*\* وَأَمْسُوا بِحَمْدِ اللَّهِ مُجْتَمِعِي الشَّمْلِ
6. وَأَنْكَرَ أَقْوَامٌ فَرَاغَتْ قُلُوبُهُمْ\*\*\* فَرَادَهُمُ الرَّحْمَنُ خَيْلًا عَلَى حَبْلِ
7. وَأَمَكَنَ مِنْهُمْ يَوْمَ بَدْرٍ رَسُولُهُ\*\*\* وَقَوْمًا غَضَابًا فِعْلُهُمْ أَحْسَنُ الْفِعْلِ
8. بِأَيْدِيهِمْ بِيضَ خَفَافٍ قَوَاطِعٍ\*\*\* وَقَدْ حَادَثُوهَا بِالْجَلَاءِ وَبِالصَّقْلِ
9. فَكَمْ تَرَكُوا مِنْ نَاشِيٍّ ذِي حَمِيَّةٍ\*\*\* صَرِيحاً وَمِنْ ذِي نَجْدَةٍ مِنْهُمْ كَهْلٍ
10. وَتَبَكَّى عُمُونَ النَّائِحَاتِ عَلَيْهِمْ\*\*\* تَجُودُ بِأَسْبَالِ الرَّشَاشِ وَبِالْوَيْلِ
11. نَوَائِحُ تَبَكَّى عُتْبَةَ الْغَيِّ وَابْنَهُ\*\*\* وَشَيْبَةَ تَنْعَاهُ وَتَنْعَى أَبَا جَهْلٍ

ص: 368

12. وَذَا النُّحْلِ تَنَعَىٰ وَابْنَ جَدْعَانَ فِيهِمْ \*\*\* مُسَلَّبَةً حَرَىٰ مُبَيَّنَةَ الشُّكْلِ

13. ثَوَىٰ مِنْهُمْ فِي بَثْرِ بَدْرِ عَصَابَةً \*\*\* ذُوو نَجَدَاتٍ فِي الْحُرُونِ وَفِي السَّهْلِ

14. دَعَا الْغَيِّ مِنْهُمْ مَنْ دَعَا فَأَجَابَهُ \*\*\* وَلِلْغَيِّ أَسْبَابٌ مُّقْطَعَةُ الْوَصْلِ

15. فَأَضْحَوْا لَدَىٰ دَارِ الْبَحِيمِ بِمَعْرَلٍ \*\*\* عَنِ الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ فِي أَشْغَلِ الشُّغْلِ

رسول خدا و کفار

1- مگر ندیدی که خداوند رسول خود را با امتحانی سخت، آزمایش کرد و با نیرویی عظیم او را پیروز گردانید.

2- و کفار را به خاک مذلت نشانند و آنها را با اسیری و ذلت و خواری و مرگ مواجه ساخت.

3- بر اثر شکستی که دشمن خورد، رسول خدا پیروزی مهمی به چنگ آورد، چرا که رسول خدا امین خدا و مأمور به عدالت بود.

4- خداوند سبحان قرآنی و فرقانی برای نشان دادن راه یعنی شناخت حق از باطل، درست از نادرست نازل کرد که قوانین و فرامین او چنان روشن و کارساز است که عقلاء آن را ملاک قرار می دهند .

5- گروهی فراوان از اندیشمندان و بزرگواران آن قرآن را باور کردند، و به لطف پروردگار قرآن پایگاهی شد که مردم پراکنده را زیر پرچم توحید جمع کرد.

6- و قبائلی و گروههای دیگر حقیقت را انکار کردند و عقاید و اندیشه های آنان منحرف شد و خداوند آن کودن ها را در کودنی رها کرد.

7- خداوند به یاران محمد رسول خدا در جنگ بدر نیرو بخشید و گروهی از مسلمانان را که بسیار خوب عمل کردند غالب کرد.

8- در دست آن جنگجویان شمشیرهای سبک و تیز و برنده ای بود که براق و صیقل خورده بود.

ص: 369

9- در آن جنگ بسیاری از جنگجویان کفار از جوان و توانا و با تجربه و سالخورده، روی خاک افتادند و کشته شدند.

10- اشک های درشت و ریز زنان نوحه گر که بر آنها گریه می کردند روی زمین ریخت .

11- بسیاری از آن زنان نوحه گر بر عتبه گمراه و پسرش ولید و برای شبیه گریه می کردند و خبر مرگ او را به ابوجهل می دادند.

12- خبر مرگ آن کفار را به کسانی که کینه رسول خدا در دلشان جوشان بود و از جمله خبر مرگ فرزند جدعان را دادند و خود فرزند مرده شان با دلی سوخته و پوشیدن لباس عزا و شدت غم عزاداری کردند.

13- اجساد گروهی از کشته شدگان که روزگاری در کوه و دشت قهرمان بودند، در چاه بدر انباشته شد.

14- برخی از آنان دعوت به گمراهی شدند و گمراهی را پذیرفتند؛ زیرا گمراهی و گمراهان پیوندهایی دارند که سرانجام گسستگی است.

15- پس از کشته شدن در گوشه ای از جهنم ، دیگر قادر به ستم و تجاوز نیستند و در بدترین وضعیت قرار گرفته اند.

### 364. جنگ احد

1. رَأَيْتُ الْمُشْرِكِينَ بَعَوْا عَلَيْنَا \*\*\* وَلَجُوا فِي الْغَوَايَةِ وَالضَّلَالِ

2. وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ إِذْ نَفَرْنَا \*\*\* غَدَاةَ الرَّوْعِ بِالْأَسْلِ الطُّوَالِ

3. فَإِنْ يَبْغُوا وَيَفْتَحِرُوا عَلَيْنَا \*\*\* بِحَمْرَةَ وَهُوَ فِي الْغَرْفِ الْعَوَالِي

4. فَقَدْ أُرْدَى بِعُتْبَةَ يَوْمَ بَدْرٍ \*\*\* وَقَدْ أُوْدَى وَجَاهِدَ غَيْرَ آلِ

ص: 370

5. وَقَدْ فَلَّتُ خَيْلَهُمْ بِبَدْرِ \*\*\* وَأَتَّبَعْتُ الْهَزِيمَةَ بِالرِّجَالِ

6. وَقَدْ غَادَزْتُ كِبَشَهُمْ جِهَارًا \*\*\* بِحَمْدِ اللَّهِ طَلْحَةَ فِي الْمَجَالِ

7. فَتَلَّ بِوَجْهِهِ فَرَفَعْتُ عَنْهُ \*\*\* رَقِيقَ الْحَدِّ حُودِثَ بِالصِّقَالِ

8. كَانَ الْمَلْحَ خَالطَهُ إِذَا مَا \*\*\* تَلَّطَى كَالْعَقِيقَةِ فِي الظَّلَالِ

جنگ احد

1- مشرکان در جنگ احد علیه ما ایستادند و در امواج گمراهی و انحراف غوطه ور شدند.

2- آنها ادعا کردند که از نظر تعداد جنگجویان و اسلحه و ساز و برگ نظامی بر ما برتری دارند و با نیزه های بلند با ما جنگ خواهند کرد.

3- اگر آنها بر کشته شدن حمزه بر ما می بالند، باید بدانند که حمزه در غرفه های بهشتی قرار گرفته است.

4- حمزه در جنگ بدر عتبه را به قتل رسانید و پس از آن به دشمن حمله کرد و در راه خدا جهادی بی مانند کرد.

5- من در جنگ، بدر سواره نظام آنها را به فرار مجبور کردم و طعم تلخ شکست را به آنان چشانیدم

6- در آن جنگ، قوچ جنگی آنان، طلحه را بر جای خود نشانیدم.

7- وقتی بر او حمله کردم، او را با صورت بر روی زمین انداختم و شمشیر تیزی را که صیقل داده بودم از او برداشتم.

8- آنگاه که شمشیر را، همانند برقی که در تاریکی نور می دهد، به حرکت درآوردم. گویا نمک به زخم طلحه پاشیده شد.

\*\*\*

ص: 371



### 365. رجز عثمان پسر طلحه در احد

أَنَا ابْنُ عَبْدِ الدَّارِ ذِي الْفُضُولِ \*\*\* وَإِنَّكَ عِنْدِي يَا عَلِيَّ مَقْتُولُ

أَوْ هَارِبٌ خَوْفَ الرَّدَى مَغْلُولُ

رجز عثمان پسر طلحه در احد

من فرزند عبدالدار، صاحب برتری ها هستم، و ای علی! باید بدانی که به دست من کشته میشوی.

و یا از بیم مرگ ناچاری فرار کنی

### 366. پاسخ علی به فرزند عثمان بن طلحه

1. هَذَا مَقَامِي مُعْرِضٌ مَبْدُولُ \*\*\* مَنْ يَلْقَ سَيْفِي فَلَهُ الْعَوِيلُ

2. وَلَا أَهَابُ الصَّوْبَ بَلْ أَصُولُ \*\*\* إِنِّي عَنِ الْأَعْدَاءِ لَا أَزُولُ

3. يَوْمًا لَدَى الْهَيْجَا وَلَا أُحُولُ \*\*\* وَالْقَرْنُ عِنْدِي فِي الْوَعَى مَقْتُولُ

أَوْ هَالِكٌ بِالسَّيْفِ أَوْ مَغْلُولُ

پاسخ علی به فرزند عثمان بن طلحه

1- من جایی ایستاده ام که آشکار و هویدا است هر کس شوق دیدار مرا دارد با تیغ من کشته می شود و شیون از آن اوست.

2- از حمله کسی نمی ترسم بلکه حمله ور می شوم و در برابر دشمن قدمی به عقب برنمی دارم.

ص: 372

3- در روز جنگ و رزم، جابه جانی شوم و جا خالی نمیده‌م و حریف من در هر جنگی کشته خواهد شد.  
دشمن من یا کشته می شود یا اسیر می گردد.

### 367. رجز شریق ثقفی در جنگ احد

1. يَا مَرْحَبًا بِفَارِسٍ مَعَكُمْ \*\*\* إِذْ جَاءَنَا فِي حَوْمَةِ الْقَسَطِ
2. يِرْجُو قِرَانًا قَاصِدًا نَحُونَا \*\*\* نَسْقِيهِ مِنْ مَاءِ السَّمَاءِ الْمُعْجَلِ
3. مَا عِنْدَنَا شَيْءٌ سِوَى مَا تَرَى \*\*\* مِنْ حَادِثٍ بِالْعَهْدِ بِالصِّقْلِ
4. ذَاكَ الَّذِي يَفْرِي صُيُوفَ الْوَعَى \*\*\* وَاللَّيْلِ لِلْأَضْيَافِ فِي الْمَنْزِلِ

رجز شریق ثقفی در جنگ احد

- 1- به سواره ای که پیش شما است خوش آمد می گویم، که در گرد و غبار نبرد و جنگ به سوی ما آمده است.
- 2- به امید آنکه همتایی را پیدا کند به طرف ما حرکت می کند و ما با شمشیر آبدار او را سیراب می سازیم .
- 3- این را بدان که نزد ما جز شمشیر آبدار چیزی نیست.
- 4- این قهرمان کسی است که میهمانان جنگ را پذیرایی می کند و پناهگاه میهمانان است.

### 368. پاسخ مولا علی (علیه السلام)

1. إِحْسَاءُ عَلَيْكَ اللَّعْنُ مِنْ جَاحِدٍ \*\*\* يَا بَنَ لَعِينٍ لَاحٍ بِالْأُزْدَلِ

ص: 373

2. أَلْيَوْمَ أَعْلُوكَ بِذِي رَوْنِقٍ \*\*\* كَالْبَرْقِ فِي الْمَخْلُوقِ الْمُسْبِلِ

3. يَفْرِي شُرُونَ الرَّأْسِ لَا يَنْشِي \*\*\* بَعْدَ فِرَاشِ الْحَاجِبِ الْأَجْرَلِ

4. أَرْجُو بِذَلِكَ الْفَوْزُ فِي جَنَّةٍ \*\*\* عَالِيَةٍ فِي أَكْرَمِ الْمَدْخَلِ

پاسخ مولا علی (علیه السلام)

1- گم شو، ای نفرین بر تو که باور نداری خدا را، تو فرزند نفرین شده ای هستی که با قیافه ناکسان ظاهر شده ای .

2- امروز با شمشیر آبدار، تو را پاره پاره خواهم کرد؛ همچون پارچه کهنه ای که آن را به خاطر بی ارزش بودنش دور انداخته اند.

3- همان شمشیری که استخوان سر را می شکافد و به خاطر استحکامش خم نمی شود.

4- من از این جنگ و این زخم، انتظار بهشت برین و اقامتگاه های آن را دارم و تو را به دوزخ خواهم فرستاد.

### 369. روز خندق

1. الْحَمْدُ لِلَّهِ الْجَمِيلِ الْمُفْضِلِ \*\*\* الْمُسْبِغِ الْمُؤَلِّي الْعَطَاءِ الْمَجْزِلِ

2. شُكْرًا عَلَى تَمْكِينِهِ لِرَسُولِهِ \*\*\* بِالنَّصْرِ مِنْهُ عَلَى الْغَوَاةِ الْجُهَلِ

3. كَمْ نِعْمَةٍ لَا أَسْتَطِيعُ بُلُوغَهَا \*\*\* جَهْدًا وَلَوْ أَعْمَلْتُ طَاقَةَ مَقُولِ

4. اللَّهُ أَصْبَحَ فَضْلُهُ مُتَظَاهِرًا \*\*\* مِنْهُ عَلَيَّ سَأَلْتُ أَمْ لَمْ أَسْأَلِ

5. قَدْ عَايَنَ الْأَحْزَابُ مِنْ تَأْيِيدِهِ \*\*\* جُنْدَ النَّبِيِّ وَذِي الْبَيَانِ الْمُرْسَلِ

6. مَا فِيهِ مَوْعِظَةٌ لِكُلِّ مُفَكِّرٍ \*\*\* إِنْ كَانَ ذَا عَقْلٍ وَإِنْ لَمْ يَعْقِلِ

ص: 374

1 سپاس خدایی را که فضل و کرمش را به بهترین شیوه و زیباترین وجه به بندگانش می رساند. آن خدای نکوکار و بخشنده درست کردار و کلان بخش.

2- شکرگزار او هستیم که به پیامبر خود توانایی و قدرت داد تا گمراهان یاغی را شکست بدهد.

3- چه نعمت های بزرگی را به ما داد و هر چه کوشش کنیم تا الفاظی را به کار گیریم که شکر او را به جا آوریم، قادر نخواهیم بود.

4- سوگند به آن ذات مقدس که بخشش و احسانش به من چه با دعای من و چه بدون دعای من پی در پی خواهد بود.

5- قبائل و عشیره ها دیدند که او چگونه پیامبر خود را یاری کرد و ارتش او را پیروز گردانید.

6- و یاری او اندیشمندان صاحب نظر و افراد عادی را به اندیشه و امی دارد تا

در این زمینه فکر کنند.

### 370. حُیِّ بن اخطب گوید

1. لَعْمُرْكَ مَا لَأَمْ ابْنُ أَخْطَبٍ نَفْسَهُ \*\*\* وَلَكِنَّهُ مَنْ يَخْذُلِ اللَّهَ يَخْذُلِ

2. فَجَاهَدَ حَتَّى بَلَغَ النَّفْسَ جُهْدَهَا \*\*\* وَحَاوَلَ يَبْغِي الْعِزَّ كُلَّ مُقْلَقَلٍ

حُیِّ بن اخطب گوید

به جان تو سوگند، هرگز پسر اخطب خودش را سرزنش نکرده است، و اگر کسی شکست بخورد و خوار شود، به خاطر آن است که خدا آن را برای او خواسته است.

2- او در میدان رزم کوشش شایسته ای کرد و تا نفس آخر جنگید، و در هر حمله ای برای سربلندی خویش تلاش مضاعف نمود؛ ولی سودی نبخشید

### 371. پس از کشته شدن حیی بن اخطب

1. لَقَدْ كَانَ ذَا جَهَّةٍ وَجَدَّ لِكُفْرِهِ \*\*\* فَقَيْدَ الْإِنْبَاءِ فِي الْمَجَامِعِ يُعْتَلُّ

2. فَقَلَّدَتْهُ بِالسَّيْفِ ضَرْبَةً مُحْفِظًا \*\*\* فَصَارَ إِلَى قَعْرِ الْجَحِيمِ يُكْبَلُ

3. فَذَاكَ مَأْبَ الْكَافِرِينَ وَمَنْ يَكُنْ \*\*\* مَطِيعًا لِأَمْرِ اللَّهِ فِي الْخُلْدِ يَنْزِلُ

پس از کشته شدن حیی بن اخطب

1- او مردی پر تلاش بود که برای کفر خویش و عشیره اش می کوشید و از روی ناچاری برای جنگ به سوی ما کشیده شد.

2- پس با ضربت مهلک و دردناک شمشیری که بر گردنش وارد شد و در حالی که از خون برای گردن او گردنبندی درست شد کشته شد و به قعر دوزخ افتاد و به زنجیر کشیده شد.

3- پایان و نتیجه کار کافران این است و اما هر کس فرمانبردار خدا باشد در بهشت جاویدان فرود خواهد آمد.

### 372. در باره شایعات (اراجیف)

1. أَلَا بَاعَدَ اللَّهُ أَهْلَ التَّفَاقِ \*\*\* وَأَهْلَ الْأَرَاجِيفِ وَالْبَاطِلِ

2. يَقُولُونَ لِي قَدْ قَلَاكَ الرَّسُولُ \*\*\* فَخَلَاكَ فِي الْخَالِفِ الْخَاذِلِ

ص: 376

3. وَمَا ذَاكَ إِلَّا لِأَنَّ النَّبِيَّ \*\*\* جَفَاكَ وَمَا كَانَ بِالْفَاعِلِ

4. فَسِرْتُ وَسَيَّفِي عَلَى عَاتِقِي \*\*\* إِلَى الرَّاحِمِ الْحَاكِمِ الْفَاصِلِ

5. فَلَمَّا رَأَى أَنِّي هَفَا قَلْبُهُ \*\*\* وَقَالَ مَقَالَ الْأَخِ السَّائِلِ

6. أُمِّمَ ابْنَ عَمِّي فَأَنْبَأْتُهُ \*\*\* بِإِزْجَافِ ذِي الْحَسَدِ الدَّاغِلِ

7. فَقَالَ: أَخِي، أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ \*\*\* كَهَارُونَ مُوسَى وَلَمْ يَأْتَلِ

در باره شایعات (اراجیف)

1 خدا نابود کند افراد چند چهره و منافق و تبه کار را .

2 شایعه کرده اند که پیامبر بزرگوار، شما را دوست ندارد و تو را در میان عاجزان و ناتوانان قرار داده است و فرمود شما در شهر مدینه بمانید.

3- و این امر حاکی از آن است که پیامبر به تو جفا کرده و ستم نموده، در حالی که نسبت به دیگران چنین ستمی روا نداشته است.

4- من این حرف را که شنیدم، در حالی شمشیرم را بر دوشم گرفتم، به سوی آن مهربان که قدرت و نیکی داشت حرکت کردم (این در حالی بود که رسول خدا در جبهه جنگ بود).

5- وقتی رسول خدا مرا دید، قلبش فرو ریخت و چون برادری مهربان از من پرسید .

6 - پسر عموی من! چرا مدینه را ترک کردی و به این جا آمدی، من به آن حضرت داستان حرف های پوچ و فتنه انگیزی را که از حسودان شنیده بودم گفتم .

7- آن حضرت فرمود: برادر من! تو در میان مردمی که مانده ای، نسبت به من همانند هارونی نسبت به موسی. و هارون به وظیفه خویش عمل کرد و کوتاهی نفرمود.

ص: 377

### شایعه پراکنی

یکی از ابزارهای مبارزه نفاق با حق و برخورد باطل گرایان با حق جویان آن است که طرفداران باطل در تمام دوران زندگی بشر، سعی کرده اند با پخش دروغ و شایعه پراکنی، حق جویان را از صحنه اجتماع خارج کنند.

اگر سیر تاریخ بشر را ملاحظه کنیم . خواهیم دید که مملو از این گونه اعمال ننگین از طرف حکومت های خودکامه و فریبکار است.

لذا خدمتگزاران صدیق و حق جویان از این رهگذر چه صدماتی که ندیده اند و چه خسارت هایی که جامعه انسانی از این اعمال خیانت انگیز تحمل نکرده اند.

با نگاهی به تاریخ انبیاء نیز شاهد این پدیده شوم و ناجوانمردانه هستیم تا جایی که بعضی از آیات قرآن کریم به این رفتارها اشاره نموده و در این مسیر چه انسان های والایی که قربانی این ماجراها نشده اند .

با شایعه پراکنی و ابزار دروغ و تهمت و وارونه کردن حقایق، ائمه هدی (علیهم السلام) نه تنها خانه نشین شدند بلکه جانشان را از دست دادند و ملت و امت اسلامی چه خسارتهایی را که از این رفتارها متحمل نشده اند!

در این باب نمونه های فراوانی در تاریخ بشریت و تاریخ انبیاء و تاریخ انقلاب اسلامی قابل ارائه است ولی با کمال تأسف و تأثر تمامی این شایعات زمانی بر ملا می شود که دیگر کار از کار گذشته و نوش دارو بعد از مرگ سهراب است.

### 373. در انتظار جنگ جمل

1. قَدْ طَالَ لَيْلِي وَالْحَزِينُ مُوَكَّلٌ \*\*\* لِحِذَارِ يَوْمٍ عَاجِلٍ وَمُوجِلِ
2. وَالنَّاسُ تَعْرُوهُمْ أُمُورٌ جَمَّةٌ \*\*\* مُرٌّ مَذَاقَتُهَا كَطَعَمِ الْحَنْظَلِ
3. فَتَنٌ تَحُلُّ بِهِمْ وَهِنَّ سَوَارِعٌ \*\*\* يُسْتَقَى أَوَاخِرُهَا بِكَأْسِ الْأَوَّلِ
4. فَتِنٌ إِذَا نَزَلَتْ بِسَاحَةِ أُمَّةٍ \*\*\* خِيفَتْ بِعَدْلِ بَيْنِهِمْ مُتَبَدِّلِ

#### در انتظار جنگ جمل

- 1- در اثر بی خوابی طولانی غم در دلم خانه کرده است. زیرا از حوادث امروز و آینده وحشت دارم.
- 2- حوادث فراوانی گریبانگیر مردم خواهد شد که بسیار تلخ و ناگوار همچون هندوانه ابوجهل است.
- 3- به زودی فتنه ها و آشوب ها دامنگیر ملت ما خواهد شد که به سرعت در سرنوشت مردم اثرگذار است.
- 4- این آشوب ها اگر در عرصه زندگی مردم ظاهر شود، مردان عدالت پیشه و مخلص را نیز تحت تأثیر قرار می دهد.

### 374. طلحه و زبیر

1. إِنَّ يَوْمِي مِنَ الزُّبَيْرِ وَمِنْ طَلٍّ \*\*\* \_ حَةَ فِي مَا يَسْوَعُنِي لَطْوِيلُ
2. ظَلَمَاتِي وَلَمْ يَكُنْ عَلِمَ اللّٰهُ \*\*\* \_ هُ إِلَى الظُّلْمِ لِي لِخَلْقِي سَبِيلُ

ص: 379



- 1- از بس که از دست طلحه و زبیر رنج میکشتم روزم شب نمی شود
- 2- آنها به من ظلم کردند و خدا می داند که ستم کردن بر فامیل و کسانم برای من غیر ممکن است.

### 375. پیامی برای معاویه

1. أَلَا مَنْ ذَا يُبْلَغُ مَا أَقُولُ \*\*\* فَإِنَّ الْقَوْلَ يُبْلَغُهُ الرَّسُولُ
2. أَلَا أَبْلَغُ مُعَاوِيَةَ بْنَ صَخْرٍ \*\*\* لَقَدْ حَاوَلْتَ لَوْ نَفَعَ الْحَوِيلُ
3. وَنَاطَحْتَ الْأَكَارِمَ مِنْ رِجَالٍ \*\*\* هُمْ الْهَامُ الَّذِينَ لَهُمْ أُصُولُ
4. هُمْ نَصَرُوا النَّبِيَّ وَهُمْ أَجَابُوا \*\*\* رَسُولَ اللَّهِ إِذْ خُذِلَ الرَّسُولُ
5. نَبِيًّا جَالِدَ الْأَصْحَابِ عَنْهُ \*\*\* وَنَابَ الْحَرْبِ لَيْسَ لَهُ فُلُولُ
6. فَدِنْتَ لَهُ وَدَانَ أَبُوكَ كُرْهًا \*\*\* سَبِيلُ الْغَيِّ عِنْدَكُمَا سَبِيلُ
7. مَضَى فَتَكْصُتُمَا لَمَّا تَوَارَى \*\*\* عَلَى الْأَعْقَابِ غَيْكَمَا طَوِيلُ
8. إِذَا مَا الْحَرْبُ أَهْدَبَ عَارِضَاهَا \*\*\* وَأَبْرَقَ عَارِضٌ مِنْهَا مُحِيلُ
9. فَيُوشِكُ أَنْ يَجُولَ الْحَيْلُ يَوْمًا \*\*\* عَلَيْكَ وَأَنْتَ مُنْجَدِلُ قَتِيلُ

پیامی برای معاویه

- 1- آیا کسی هست که پیغام مرا برای معاویه ببرد و یا حرف مرا کسی می رساند.
- 2- به معاویه فرزند صخر، بگویند اگر آنچه که اتفاق افتاده تلاش سویی بود، خودت این وضعیت را به وجود آوردی .
- 3- تو شاخ در شاخ بزرگانی انداختی، که در بین جامعه ما از بزرگان هستند و ریشه در تاریخ دارند.

4- آن بزرگانی که پیامبر خدا را یاری کردند، آن هم زمانی که کسی نه تنها از ایشان دفاع نمی کرد بلکه حتی کارشکنی هم می کردند.

5- پیام آوری که یارانش برای دفاع از او شمشیر زدند و دندان جنگ چنان در بدن آنان فرو رفته بود که سستی در او راه نداشت.

6- من با کمال اخلاص به او نزدیک بودم، اما پدرت به ناچاری به او پیوست آری، راه تو و پدرت همیشه کج بوده است.

7- پیامبر بزرگ به سوی خدا رفت و شما بعد از دفن او به گذشته خویش که گمراهی و بت پرستی بود برگشتید، شما از قدیم آدمهای گمراهی بوده اید.

8- بعد از آن وجود نازنین، ابر جنگ فضا را تاریک کرد و باریدنش با ایجاد برق و آذرخش شروع شد.

9- منتظر باش که به زودی سواران میدان جنگ به تو هجوم خواهند آورد و تو کشته می شوی و بر خاک می فتی

نکته:

فرصت طلبها

انقلاب ها، حتی انقلاب فرهنگی و ملی پیامبران دستخوش ماجراهایی است که ذیلاً ذکر می شود.

شروع انقلاب و تحول ابتدایی با کمبود نیرو و کمبود امکانات و ضعف اقتصادی و مالی و سیاسی شروع می شود.

و تعدادی افراد از جان گذشته به خاطر دفاع از ارزش ها تا پای جان فداکاری می نمایند و در نتیجه عده ای کشته یا مجروح می شوند.

آنگاه که انقلاب به سرانجام رسید گروهی فرصت طلب از راه رسیده و میراث خوار انقلاب

می شوند و با تهمت و افتراء مبارزان صدیق را با ابزار تهمت و دروغ و صحنه سازی از صحنه انقلاب و تحول بیرون می کنند.

ص: 381

آری، پیامبر انقلاب کرد و امثال حضرت علی و ابوذر و سلمان و عمار یاسر و... با تمام ظرفیت و توان خود از پیامبر دفاع کردند، ولی زمانی که درخت اسلام ریشه دوانید و بارور شد، یکباره آل امیه و آل مروان و آل عباس میراث خوار اسلام شدند و خوبان را با صحنه سازی از گردونه اجتماع خارج و خانه نشین کردند؛ فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ...

امروزه نیز در انقلاب اسلامی مشاهده کردیم که چه شخصیت های برجسته سیاسی و علمی قربانی این سیاست ها شده و با عمری مجاهدت و مبارزه با رژیم ستمشاهی با همین تهمت ها از گردونه انقلاب خارج شدند و با دلی پر خون یا به شهادت رسیدند (مانند دکتر بهشتی) یا این جهان فانی را وداع گفته آن را به اهلش واگذار نمودند.

خواننده عزیز، شایسته است با تفکر در بیانات مولا! دست به دعا برداشته و برای در امان ماندن از دسیسه های شیطان و شیاطین از خداوند متعال استعانت جویم.

### 376. جواب معاویه

1. لَا تَحْسَبْنِي يَا عَلِيُّ غَافِلًا \*\*\* لَا أُورِدَنَّ الْكُوفَةَ الْقَنَابِلَا

2. وَالْمُشْمَخِرَّ وَالْقَنَا الدُّوَابِلَا \*\*\* فِي عَامِنَا هَذَا وَعَامًا قَابِلَا

جواب معاویه

1- ای علی! تصور نکن که من غافلم، من با سپاهی گران به کوفه حمله خواهم کرد.

2- من امسال یا سال آینده کوفه را از جنگجویان شترسوار و سرباز و نیزه و شمشیر، پُر خواهم کرد.

ص: 382

### 377. در جواب معاویه

1. أَصْبَحْتَ ذَا حُمُقٍ تَمَيَّنِي الْبَاطِلَا \*\*\* لِأُورِدَنَّ شَامَكَ الصَّوَاهِلَا
2. أَصْبَحْتَ أَنْتَ يَائِنَ هِنْدِ جَاهِلَا \*\*\* لِأُزِمِّيَنَّ مِنْكُمْ الْكَوَاهِلَا
3. تَسْعِينَ أَلْفًا رَامِحًا وَنَابِلَا \*\*\* يَزِدُ حِمُونَ الْحَزْنَ وَالسَّوَاهِلَا
4. بِالْحَقِّ وَالْحَقُّ يُزِيلُ الْبَاطِلَا \*\*\* هَذَا لَكَ الْعَامَ وَذُرْنِي قَابِلَا

در جواب معاویه

- 1- تو نادانی هستی که آرزوی باطل داری، شام و دمشق تو را از شیبه و غرش اسبها پر خواهم کرد.
- 2- ای پسر هند! خیلی نادانی، پس بدان که من مردان شما را چون برگی به آماج تیر خواهم بست.
- 3- من نود هزار تیرانداز و نیزه زن دارم که کوه و دشت را تسخیر می کنند.
- 4- من به حق سوگند می خورم که حق باطل را نابود خواهد کرد و آنچه که نوشته شده برای تو و امسال تو است و سال آینده خود نام های دیگر دارد .

### 378. در وصف یاران خود فرمودند

1. كَأَسَادِ غَيْلٍ وَأَشْبَالِ خَيْسٍ \*\*\* غَدَاةَ الْخَمِيسِ بِيَيْضِ صِقَالِ
2. تُجِيدُ الضَّرَابَ وَحَزَّ الرِّقَابِ \*\*\* أَمَامَ الْعُقَابِ غَدَاةَ التَّرَالِ
3. تَكِيدُ الْكَذُوبَ وَتُخْزِي الْهَيْوَبَ \*\*\* وَتُزْوِي الْكُعُوبَ دِمَاءَ الْقَدَالِ

در وصف یاران خود فرمودند

- 1- سربازان من همانند شیرهای بیشه و بچه شیرهایی هستند که در گنام

ص: 383

استراحت می کنند ولی در هنگامه نبرد با شمشیرهای براق و صیقل زده آماده جنگند .

2- فردای نبرد پشت سر پرچم قرار گرفته و با آمادگی کامل سر از بدن دشمن خود خواهند گرفت.

3- دروغگو را بفریبند و ترسو را رسوا سازند و نیزه ها را با خون پس سرها سیراب کنند.

نکته:

صفات شیعة علی (علیه السلام)

علی (علیه السلام) از شیعه و پیرو خود می خواهد این گونه با دشمن و فرصت طلبها مقابله کنند .

در مبارزه خستگی ناپذیر باشند در دفاع نظری از آرمان ها آرام و در میدان جنگ شیر بیشه باشند.

با تسلط کامل فرهنگ انقلاب را حفظ کنند .

با دروغگو و تهمت زن و ترسو برخورد مناسب داشته باشند.

### 379. به عبدالعزیز فرزند حارث در صفین فرمودند

1. شَرِيْتِ بِأَمْرِ لَا يُطَاقُ حَفِيظَةً \*\*\* حَيَاءٌ وَإِخْوَانُ الْحِفَاظِ قَلِيلٌ

2. جَزَاكَ إِلَهُ النَّاسِ خَيْرًا وَقَدْ وَقْتُ \*\*\* يَدَاكَ بِفَضْلِ مَا هُنَاكَ جَزِيلٌ

به عبدالعزیز فرزند حارث در صفین فرمودند

1- جان خود را برای کاری معامله کردی که غیرتمندان از روی شرم و حیایی که دارند طاقت آن را ندارند آری مردان و برادران غیرتمند اندک اند.

ص: 384

2- خدای این مردم به تو جزای خیر دهد، تو به پیمان و قول خود عمل کردی که هر چه از دست آمد عمل کردی و آن نیکی بزرگی بود که انجام دادی .

نکته:

در جنگ صفین حدود هزار نفر از نیروهای مولا در محاصره دشمن قرار گرفتند و اوضاع آنها مشخص نبود.

حضرت فرمود: چه کسی خود را به آنها میرساند و به آنها میگوید با دادن شعار الله اکبر ولا إله إلا الله موضع خود را مشخص کنند، فردی به نام عبدالعزیز این امر را پذیرفت لذا دیوار محاصره را شکست و پیغام امام را به محاصره شدگان رسانید. یکباره محاصره شدگان به دادن شعار پرداختند و امام به همراه نیروهایش با دادن همین شعار به سوی آنان حرکت کردند و آنها را از محاصره بیرون آوردند، و امام با این شعر او را تشویق کردند.

### 380. بعد از شهادت عمّار یاسر

1. أَلَا أَيُّهَا الْمَوْتُ الَّذِي لَيْسَ تَارِكِي \*\*\* أَرْحَنِي فَقَدْ أَفْنَيْتَ كُلَّ خَلِيلِ

2. أَرَاكَ مُضِرًّا بِالَّذِينَ أَحْبَبْتَهُمْ \*\*\* كَأَنَّكَ تَنْحُو نَحْوَهُمْ بِدَلِيلِ

بعد از شهادت عمّار یاسر

1- ای مرگ، تو مرا رها نخواهی کرد، پس آسوده ام کن که دوستانم همگی از بین رفتند.

2- می بینم تو را که به دوستانم گزند می رسانی، آنچنان که گویی کسی تو را به سوی آنان راهنمایی می کند .

ص: 385

### 381. در بازگشت از صفین و نتایج آن جنگ فرمودند

1. كَأَيُّنَ تَرَكَنَا مِنْ دِمَشْقَ وَأَهْلِهَا\*\*\* مِنْ أَشْمَطَ مَوْثُورٍ وَسَمَطَاءَ ثَاكِلِ

2. وَغَائِيَةَ صَادَ الرِّمَاحُ حَلِيلِهَا\*\*\* وَأَضْحَتْ بُعَيْدَ الْيَوْمِ إِحْدَى الْأَرَامِلِ

3. وَتَبَكِّي عَلَى بَعْلِ لَهَا رَاحَ غَايَا\*\*\* وَلَيْسَ إِلَى يَوْمِ الْحِسَابِ بِقَافِلِ

4. وَنَحْنُ أَنْسٌ لَا تَصِيدُ رِمَاحُنَا\*\*\* إِذَا مَا طَعَا الْقَوْمَ غَيْرَ الْمُقَاتِلِ

در بازگشت از صفین و نتایج آن جنگ فرمودند

1- در دمشق جوانان و مردمی را کشتیم و زنان جوانی را که مولایشان جوگندمی بود داغدار کردیم که قادر نبودند خونخواهی نمایند.

2- بسا زنان جوان و زیبارویی که همسرانشان شکار نیزه ها شدند و بیوه گشتند .

3- آنها برای همسرانشان ناله و گریه می کنند، کسانی که عازم میدان جنگ شدند و تا روز قیامت بر نمی گردند.

4- ما مردم جنگجویی هستیم که نیزه هایمان خطا نمی رود و جز جنگجویان مقابل را شکار نمی کنند.

نکته:

بعد از شروع جنگ صفین، علی (علیه السلام) از اینکه جنگ شروع شد بسیار ناراحت بود و کشته شدن دشمنان را بسیار ناراحت کننده دانست.

آن رهبر فرزانه هم مخالف جنگ بود و هم از کشته شدن دشمنان و افراد ناراحت بود و به این امر افتخار نمی کرد.

با توجه به ویرانی های جنگ و بی سرپرست شدن زن ها، چقدر مولا رنج کشیده است.

ص: 386

این بیانیه نشان می دهد که مولا- حاضر به جنگ نبوده و از عواقب آن بسیار ناراحت شده و عواقب جنگ را با زیباترین بیان مطرح می فرمایند.

شایسته است کسانی که خود را پیرو آن امام همام می دانند در این گفتار دقت و شیوه و رفتار علی الا را دنبال کنند.

### 382. در باره چاه ذات العلم

1. أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ أَنْ أَمِيلًا\*\*\* مِنْ عَزْفٍ مِنْ أَظْهَرُوا تَهْوِيلًا

2. وَأَوْقَدَتْ نِيرَانَهَا تَغْوِيلًا\*\*\* وَقَرَعَتْ مَعَ عَزْفِهَا الطُّبُولَا

در باره چاه ذات العلم

1- من وظیفه خویش را به خوبی انجام خواهم داد و از آن صرف نظر نمی کنم و به صدای مرموز اجنه ای که باعث ترس شده گوش نخواهم داد.

2- آنها به خاطر آن که ما را از انجام وظیفه باز دارند با روشن کردن آتش و با صدای طبل و دهل به شایعاتی دامن میزنند که خالی از حقیقت است.

### 383. آماده کوچ باش

1. إِنَّ الْمَنِيَّةَ شَرِبَةٌ مَوْرُودَةٌ\*\*\* لَا تَجْزَعَنَّ وَشَدَّ لِلتَّرْحِيلِ

2. إِنَّ ابْنَ أَمْنَةَ النَّبِيِّ مُحَمَّدًا\*\*\* رَجُلٌ صَدُوقٌ قَالَ عَنْ جِبْرِيلِ

3. أَرْخِ الزَّمَامَ وَلَا تَخَفْ مِنْ عَانِقِ\*\*\* فَاللَّهُ يُرْدِيهِمْ عَنِ التَّنْكِيلِ

4. إِنِّي بَرِّي وَاثِقٌ وَبِأَحْمَدٍ\*\*\* وَسَبِيلُهُ مُتَلَاحِقٌ بِسَبِيلِي

ص: 387



- 1- مرگ در رودخانه زندگی، آبخوری است که چاره ای جز ورود به آن نیست، پس نترس و بار سفر ببرند .
- 2- محمد رسول خدا و فرزند بانو آمنه، مردی راستگو است که از قول جبرئیل امین می گوید .
- 3- لگام مرکب را شل کن و از آن کس که مانع رشد تو است مترس که خداوند نیز با کیفر خود آنها را نابود خواهد کرد.
- 4- من به خدای خویش و گفته هایش اطمینان دارم و به پیامبر او دلگرم هستم که راه ما یکی است .

### 384. پس از مرگ رسول خدا فرمودند

1. عَرَّ جَهولاً أَمَلُهُ \*\*\* يَموتُ مَنْ جا أَجَلُهُ
2. وَمَنْ دَنَا مِنْ حَتْفِهِ \*\*\* لَمْ تُعْنِ عَنْهُ حِيلَةٌ
3. وَمَا بَقَاءِ آخِرٍ \*\*\* قَدْ غابَ عَنْهُ أَوْلُهُ
4. فَالْمَرْءُ لا يَصْحَبُهُ \*\*\* فِي القَبْرِ إِلاَّ عَمَلُهُ

پس از مرگ رسول خدا فرمودند

- 1 آرزوهای دراز آدم را گول می زند، و هر کس که اجلس برسد، می میرد.
- 2- هر کس مرگش نزدیک شود، آینده نگری برایش سودی ندارد.
- 3- گذشتگان که رفتند ماندگان چه امیدی برای ماندن دارند.
- 4- همراه انسان در قبر و در سرای دیگر تنها اعمال اوست، چه خوب باشد، خوب چه بد .

### 385. عمرو عاص در صفین گوید

1. شُدُوا عَلَيَّ شِكَّتِي لَا تَنْكَشِفُ \*\*\* بَعْدَ طُلُوحِ وَالزُّبَيْرِ فَالتَّلْفِ
2. يَوْمَ لِهَمْدَانَ وَيَوْمَ لِلصَّدْفِ \*\*\* وَفِي تَمِيمِ نَحْوَهُ لَا تَنْحَرِفُ
3. أَضْرِبُهَا بِالسَّيْفِ حَتَّى تَنْصَرِفَ \*\*\* إِذَا مَشَيْتُ مِشْيَةَ الْعُودِ الصَّلْفِ
4. وَمِثْلُهَا لِحَمِيرٍ أَوْ تَنْحَرِفَ \*\*\* وَالرَّبْعِيُونَ لَهُمْ يَوْمَ عَصِفَ

عمرو عاص در صفین گوید

1- کمر بند و زره مرا محکم ببندید تا هنگام رزم باز نشوند، البته بعد از مرگ طلحه و زبیر مرگ خواهد آمد.

2 این زندگی در گذر است، روزی از آن همدانیان و روزی از آن صدقیان و از سویی روزی با سرسختی تمیمیان که در موضع خود محکم ایستاده اند.

3- با شمشیر به آنان ضربه می زنم تا تسلیم شوند، و مانند چوب بسیار محکم و خشک در مقابل آنان خواهم ایستاد.

4- و با حمیریان نیز برخورد کنم، تا برگردند و یا پشیمان شوند. و ربیعیان باید بدانند طوفانی شدید در پیش دارند.

### 386. در پاسخ فرزند عاص می گویند

1. قَدْ عَلِمْتُ ذَاتَ الْقُرُونِ الْمَيْلِ \*\*\* وَالْخَصْرِ وَالْأَنَامِلِ الطُّفُولِ
2. إِنِّي بِنَصْلِ السَّيْفِ حَنْشَلِيلِ \*\*\* أَحْمِي وَأَزْمِي أَوْلَ الرَّعِيلِ

بِصَارِمٍ لَيْسَ بِيذِي فُلُولِ

ص: 389

در پاسخ فرزند عاص می گویند

1- رزم آوران میادین جنگ بلکه زنان گیسو بلند و کمرباریک که دارای انگشتانی نرم هستند، می

می دانند .

2- که من جنگجویی هستم که در شمشیر زدن تردست و ماهر هستم من پشتیبان یارانم و به افرادی که برای جنگ به مصافم می آیند به سرعت برای نادبودیشان خواهم رفت.

من دارای شمشیری آبدار هستم که هنگام نبرد نمیشکند.

### 387. خطاب به طلحه عَبدِری در احد

1. يَا طَلْحَ إِنْ كُنْتَ كَمَا تَقُولُ \*\*\* لَكُمْ خِيُولٌ وَلَنَا نُصُولٌ

2. فَأَثْبِتْ لِنَنْظُرِ أَيُّنَا الْمَقْتُولُ \*\*\* وَأَيُّنَا أُولَى بِمَا تَقُولُ

3. فَقَدْ أَتَاكَ الْأَسَدُ الصَّوُولُ \*\*\* بِصَارِمٍ لَيْسَ لَهُ فُلُولٌ

يَنْصُرُهُ الْقَاهِرُ وَالرَّسُولُ

خطاب به طلحه عَبدِری در احد

1- ای طلحه اگر آن طور که می گویی باشد، بنابراین شما دارای اسب زیاد هستید و ما

شمشیرزن های فراوان .

2- پس در جای خودت بایست تا با هم بجنگیم، تا معلوم شود چه کسی کشته خواهد شد و کدام یک از ما، در ادعایمان صادق هستیم.

اکنون شیری جنگجو و تکاوری رزمنده، که شمشیرش نمی شکند، به سوی تو خواهد آمد.

خدای توانا و نیرومند با دعای پیامبر خود او را یاری خواهد کرد.

ص: 390

1. يا سامِعِ الدُّعَاءِ \*\*\* يا رافِعِ السَّمَاءِ
2. يا دائِمِ البَقَاءِ \*\*\* يا واسِعِ العَطَاءِ
3. لِذِي الفَاقَةِ العَدِيمِ
4. يا عالِمِ الغُيُوبِ \*\*\* يا غافِرِ الذُّنُوبِ
5. يا ساتِرِ العُيُوبِ \*\*\* يا كاشِفِ الكُرُوبِ
6. عَنِ المُرَهَقِ الكَظِيمِ
7. يا فائِقِ الصِّفَاتِ \*\*\* يا مُخْرِجِ النَّبَاتِ
8. يا جامعِ الشِّتَاتِ \*\*\* يا مُنْشِي الرُّفَاتِ
9. مِنَ الأَعْظَمِ الرَّمِيمِ
10. يا مُنْزِلَ الغِيَاثِ \*\*\* مِنَ الدَّلْجِ الحِثَاثِ
11. عَلَي الحَزَنِ وَالذِّمَامِ \*\*\* إِلَى الجُوعِ الفِرَاثِ
12. مِنَ الهُزْمِ الرِّزُومِ
13. يا خالِقِ البُرُوجِ \*\*\* سَمَاءِ بلا فُرُوجِ
14. مَعَ اللَّيْلِ ذِي الوُلُوجِ \*\*\* عَلَي الصُّوِّ ذِي البُلُوجِ
15. يُعَشِي سَنَا التُّجُومِ
14. يا فالِقَ الصِّبَاحِ \*\*\* يا فاتِحَ النَّجَاحِ
17. يا مُرْسِلَ الرِّياحِ \*\*\* بُكُوراً مَعَ الرِّواحِ
18. فَيَسُئُنَ بِالْغُيُومِ

19. يَا مُرْسِي الرّوَايِخِ \*\*\* أوتَادَهَا الشّوَامِعُ

20. فِي أَرْضِهِ السّوَانِحُ \*\*\* أطوَادَهَا التّوَاذِحُ

21. مِنْ صُنْعِهِ القَدِيمِ

22. يَا هَادِي الرّشَادِ \*\*\* يَا مُلْهِمَ السّدَادِ

23. يَا رَازِقَ العِبَادِ \*\*\* يَا مُحْيِي البِلَادِ

24. يَا فَارِحَ العُمُومِ

25. يَا مَنْ بِهِ أَعُوذُ \*\*\* يَا مَنْ بِهِ أَلُوذُ

26. وَمِنْ حُكْمِهِ التّفُوزُ \*\*\* فَمَا عَنَّهُ لِي شُدُودُ

27. تَبَارَكْتَ مِنْ حَكِيمِ

28. يَا مُطْلِقَ الأَسِيرِ \*\*\* يَا جَابِرَ الكَسِيرِ

29. يَا مُغْنِي الفَقِيرِ \*\*\* يَا غَازِي الصّغِيرِ

30. يَا شَافِي السّقِيمِ

31. يَا مَنْ بِهِ أَعْتَرَايَ \*\*\* يَا مَنْ بِهِ احْتَرَايَ

32. مِنَ الذّلِّ وَالمَخَازِي \*\*\* وَالأَفَاتِ وَالمَرَايِ

33. أَعِذْنِي مِنَ الهُمُومِ

34. مِنَ جَنَّةِ وَإنْسٍ \*\*\* لِذِكْرِ المَعَادِ مُنْسٍ

35. لِلْقَلْبِ عَنهُ مُقْسٍ \*\*\* مِنْ شَرِّ عَيِّ نَفْسٍ

36. وَشَيْطَانِهَا الرّجِيمِ

37. يَا مُنْزِلَ المَعَاشِ \*\*\* عَلَى النَّاسِ وَالمَوَاشِي

38. وَالأَفْرَاحِ فِي العِشَاشِ \*\*\* مِنَ الطّعمِ وَالرِّيَاشِ

39. تَقَدَّسَتْ مِنْ عَليمِ



40. يا مالِكِ النَّوَاصِي \*\*\* لِلْمُطِيعَاتِ وَالْعَوَاصِي

41. فَمَا عَنْهُ مِنْ مَنَاصٍ \*\*\* لِعَبْدٍ وَلَا خَلَاصٍ

42. لِمَاضٍ وَلَا مُقِيمٍ

43. يَا خَيْرَ مُسْتَعَاضٍ \*\*\* لِمَخْضِ الْيَقِينِ رَاضٍ

44. بِمَا هُوَ عَلَيْهِ قَاضٍ \*\*\* مِنْ أَحْكَامِهِ الْمَوَاضِي

45. تَعَالَيْتَ مِنْ حَكِيمٍ

46. يَا مَنْ بِنَا يُحِيطُ \*\*\* وَعَنَا الْأَذَى يُمِيطُ

47. وَمَنْ مُلْكُهُ الْبَسِيطُ \*\*\* وَمَنْ عَدْلُهُ الْقَسِيطُ

48. عَلَى الْبَرِّ وَالْأَثِيمِ

49. يَا رَائِي اللَّحُوظِ \*\*\* يَا سَامِعَ اللَّفُوظِ

50. يَا قَاسِمَ الْحُظُوظِ \*\*\* يَا حِصَانَةَ الْحَفِيفِ

51. يَعْذِلُ مِنَ الْقُسُومِ

52. يَا مَنْ هُوَ السَّمِيعُ \*\*\* وَمَنْ عَرْشُهُ الرَّفِيعُ

53. وَمَنْ خَلَقَهُ الْبَدِيعُ \*\*\* وَمَنْ جَارُهُ الْمَنِيعُ

54. مِنَ الظَّالِمِ الْعَشُومِ

55. يَا مَنْ حَبَا وَأَسْبَعُ \*\*\* مَا قَدْ حَبَا وَسَوَّعُ

56. يَا مَنْ كَفَى وَبَلَّغُ \*\*\* مَا قَدْ كَفَى وَأَفْرَعُ

57. مِنْ مَنْهٍ الْعَظِيمِ

58. يَا مَلْجَأَ الضَّعِيفِ \*\*\* يَا مُفْرِعَ اللَّهْفِيفِ

59. تَبَارَكْتَ مِنْ لَطِيفِ \*\*\* رَحِيمِ بِرَوْوْفِ

60. خَبِيرِ بِنَا كَرِيمِ





61. يَا مَنْ فَضَى بِالْحَقِّ \*\*\* عَلَى نَفْسِ كُلِّ خَلْقٍ

62. وَفَاتًا بِكُلِّ أَفْقٍ \*\*\* فَمَا يَنْفَعُ التَّوْفِي

63. مِنَ الْمَوْتِ وَالْحُتُومِ

64. تَرَانِي وَلَا أَرَاكَ \*\*\* وَلَا رَبِّ لِي سِوَاكَ

65. فَفُتُّنِي إِلَى هُدَاكَ \*\*\* وَلَا تَعْشِنِي رَدَاكَ

66. بِتَوْفِيكَ الْعَصُومِ

67. يَا مَعْدِنَ الْجَلَالِ \*\*\* وَذَا الْعِزِّ وَالْجَمَالِ

68. وَذَا الْكَيْدِ وَالْمِحَالِ \*\*\* وَذَا الْمَجْدِ وَالْفَعَالِ

69. تَعَالَيْتَ مِنْ رَحِيمِ

70. أَجْرُنِي مِنَ الْجَحِيمِ \*\*\* وَمِنْ هَوْلِهَا الْعَظِيمِ

71. وَمِنْ عَيْشِهَا الذَّمِيمِ \*\*\* وَمِنْ حَرِّهَا الْمُقِيمِ

72. وَمِنْ مَاءِهَا الْحَمِيمِ

73. وَأَصْحِبِي الْقُرْآنَا \*\*\* وَأَسْكِنِي الْجَنَانَا

74. وَرَوِّجِي الْحِسَانَا \*\*\* وَنَاوِلِي الْأَمَانَا

75. إِلَى جَنَّةِ النَّعِيمِ

76. إِلَى نِعْمَةٍ وَلَهْوٍ \*\*\* بَعِيرِ اسْتِمَاعِ لَعْوِ

77. وَلَا بَادِكَارِ شَجْوٍ \*\*\* وَلَا بِاعْتِدَادِ شَكْوِ

78. سَقِيمٍ وَلَا كَلِيمِ

79. إِلَى الْمَنْظَرِ التَّرِيهِ \*\*\* الَّذِي لَا لَعْوَفِيهِ

80. هَنِيبًا لِسَاكِينِهِ \*\*\* فَطُوبَى لِعَامِرِيهِ

81. ذَوِي الْمَدْخَلِ الْكَرِيمِ



82. إِلَىٰ مَنْزِلِ تَعَالَىٰ \*\*\* بِالْحُسْنِ قَدْ تَلَّالَا

83. بِالنُّورِ قَدْ تَوَالَىٰ \*\*\* تُلْقَىٰ بِهِ الْجَلَالَا

84. قَدْ حَفَّ بِالتَّسِيمِ

85. إِلَىٰ الْمَفْرَشِ الْوَطِيِّ \*\*\* إِلَىٰ الْمَلْبَسِ الْبَهِيِّ

86. إِلَىٰ الْمَطْعَمِ الشَّهِيِّ \*\*\* إِلَىٰ الْمَشْرَبِ الْهَنِيِّ

87. مِنَ السَّلْسَلِ الْخَتِيمِ

مناجات معروف امام (علیه السلام)

- 1- ای کسی که دعای بندگان خود را می شنوی، ای برافرازنده آسمان .
- 2- ای که همیشه بوده و خواهی بود ای کسی که بخشش او فراگیر است
- 3- و به این بیچاره ندار کمک می کنی .
- 4- ای عالم به همه چیز و همه کس و غیب و نهان ای بخشنده گناهان و لغزش ها.
- 5- ای کسی که نقائص و عیوب بندگان را می پوشانی، ای نابود کننده غم ها و اندوه ها از نادانی که خشم خود را مهار کرده.
- 6- از خسته ای که رنج خود را به سختی تحمل می کند.
- 7- ای دارنده منش های والا، ای رویاننده گیاهان
- 8- ای گردآورنده پراکندگان، ای باز سازنده استخوانهای پوسیده (توتیا)
- 9- حتی استخوان های بزرگ پوسیده .
- 10- ای نازل کننده باران از ابرهای سریع و شتابان .
- 11- بر کوهساران و دشت و بر موجودات تشنه
- 12- از توده ابرها

- 13- ای آفریننده ستارگان آسمان که هیچگونه فاصله ای بین آنها نیست ولی هر کدام در مدار خود در حرکت هستند.
- 14- خدایا تو شب تاریک را به وسیله آن ستارگان روشن کردی.
- 15- و روز، روشنی ستارگان را می پوشاند .
- 16- ای شکافنده صبح ها، ای فاتح پیروزی.
- 17- ای فرستنده بادهای ابرآفرین در صبح و شام .
- 18- که به وسیله آن بادهای، ابرها به وجود آید.
- 19- ای استوار سازنده کوه های سر به فلک کشیده ای که میخ هایش در زمین بلند است.
- 20- ریشه کوهها در عمق زمین است و سرش در آسمان .
- 21- این خود از کار کهن و صفت قدیم او است.
- 22- ای هدایتگر رستگاری، ای آموزنده استواری .
- 23- ای روزی دهنده بندگانش، ای زنده کننده سرزمین ها .
- 24- ای گشاینده و برطرف کننده اندوه ها
- 25- ای کسی که من به او پناه می برم، ای کسی که به هنگام نیاز به او تکیه می کنم .
- 26- ای کسی که دستورش در وجودم نفوذ دارد، و من نمی توانم از او کناره گیری کنم.
- 27- چقدر بزرگوار و حکیمی! خدای من!
- 28- ای رهاننده اسیر، ای ترمیم کننده استخوان شکسته .
- 29- ای کسی که فقیر را بی نیازی دهی، ای پرورنده خردسالان .
- 30- ای شفا دهندهٔ مریض
- 31- ای کسی که به من عزت داده ای، ای کسی که پشت و پناه تویی

32- از ذلت و خواری و آفتها و عیب جویی.

33- پناهم ده از غم و غصه ها .

34- و پناهم ده از آدم های شرور و حوادث پنهانی که قیامت را از یادم می برند.

35- و دلم را نسبت به قیامت سخت می گردانند و پناهم ده از گمراهی نفس.

36- و از شیطان که رانده شده درگاهت می باشد .

37- ای روزی دهنده انسان ها و جانوران .

38- و روزی دهنده مرغان در لانه ها از خوراک و پوشاک ( بال و پر و کرک آنها)

39- پاکی و منزهی ای دانای رازها

40- ای کسی که مالک اندیشه و اراده بندگانی، بندگان مطیع و بندگان سرکش .

41- از تو نه گریزی برای بندگانت هست، و نه چاره ای برای آنها وجود دارد.

42- نه برای آنهایی که رفتند و نه برای بازماندگانشان .

43- ای بهترین کسی که بندگانش را بیمه کرده و ضرر و زیان آنها را جبران می کنی و با کرداری که از روی یقین انجام شود راضی هستی .

44- بدانچه که خود بر خود الزام کرده ای، از جبران خسارت ها و زیان ها، حکم می دهی.

45- راستی چقدر حکیمی ای خدای من !

46- ای کسی که بر ما احاطه داری و آزار را از ما دور می کنی.

47- ای کسی که ملک تو پهناور و عدالتت مبتنی بر دادگری است .

48- برای هر نیکوکار و هر بزهکار.

49- ای بیننده لحظه های پنهانی، ای کسی که سخن های پنهانی را می دانی.

50- ای تقسیم کننده بهره ها و نصیب ها با سرشماری دقیق

51- و تقسیم دقیق و عادلانه است.

52- ای کسی که همه چیز را می شنوی، ای کسی که قدرت و عرش تو بالاترین است.

53- ای که آفریده ات نمونه ندارد و ای که پناهنده به تو واقعاً در پناه است.

54- و از ستمگر سرکش محفوظ است.

55- ای آنکه بخشیده ای و نیکو بخشیده ای و بخششات گوارا است.

56- ای کسی که عطایش برای بندگان و مخلوقاتش کافی است و در دسترس آنان قرار می گیرد، و آنقدر زیاد است که لبریز می شود .

57- با این کار بر بندگانت منت بزرگی داری .

58- ای پناه ناتوانان، ای گریزگاه دردمندان.

59- بزرگ خدایا تو مهربانی، هم رحیمی، هم رئوفی

60- از کار ما آگاهی و می گذاری

61- ای کسی که بر حق قضاوت می کنی، و ای کسی که مرگ را بر تمام جهانیان حکم کرده ای.

62- در هر کجا مرگ را حتمی کرده ای، گریز از مرگ ممکن نیست .

63- مرگ حتمی است و فرار از آن غیر ممکن

64- خدایا تو مرا میبینی و من تو را نمی بینم، خدایا غیر از تو خدایی و دادرسی ندارم .

65- خدایا مرا به راه خویش هدایت کن، و به نابودی خویشم مکشان.

66- ای کار ساز نگهدارم باش از لغزش .

67- ای معدن بزرگواری ای صاحب عزت و زیبایی .

68- ای کان، شکوه و ای خداوند فر و زیبایی.

69- والایی تو، ای مهربان!

- 70- از آتش جهنم پناهم ده، و از وحشت بزرگش امانم ده.
- 71- و از زندگی زارش، و از آتش ماندگارش پناهم ده.
- 72- از آب جوشانش نجاتم ده .
- 73- خدایا قرآن را رفیقم کن، و مرا در بهشت مسکن ده!
- 74- جفت و همسرم را از خوبان قرار ده، و از عذاب جهنم امان ده.
- 75- آخر کارم را در بهشت پر نعمت قرار بده.
- 76- مرا به سوی نعمت و خوشی ببر بدون هیچ بیهودگی سرایی و کلام لغو.
- 77- و بدون یاد هیچ اندوهی و بدون فکر گله مندی .
- 78- و بدون گله از هیچ رنج و غصه ای مرا در بهشت پر نعمت قرار بده.
- 79- خدایا مرا بدون هیچ خستگی، به سوی آن چشم انداز پاکیزه ببر.
- 80- جایی که بر ساکنان اش گوارا و لذت بخش است. خوشا به حالشان که آنجا را برای خود آباد کردند .
- 81- که ورودی محترمانه و کریمانه دارد و با احترام ویژه وارد می شوی.
- 82- به سوی منزلی متعالی که از زیبایی می درخشد و به طور مرتب نور بر آن می تابد.
- 83- و عظمت از آن می بارد .
- 84- و نسیم بهشتی آن را در آغوش گرفته است.
- 85- مرا ببر به سوی آن بستر نرم، که در آنجا لباس های زیبا و جامه های زیبا قشنگ بهشتیان آماده شده است.
- 86- و در آنجا غذاهای اشتهای آور و آبهای خوشگوار و خنک آماده شده است.
- 87- از چشمه گوارای سلسبیل که آبش خوشگوار و زلال است.

1. ثَلَاثٌ عِصِيٌّ صُفِّفَتْ بَعْدَ خَاتِمٍ \*\*\* عَلَى رَأْسِهَا مِثْلُ السِّنَانِ الْمُقْوَمِ
2. وَمِيمٌ طَمِيسٌ أَبْتَرْتُ ثُمَّ سُلِّمٌ \*\*\* إِلَى كُلِّ مَأْمُولٍ وَلَيْسَ بِسُلِّمٍ
3. وَأَرْبَعَةٌ مِثْلُ الْأَصَابِعِ صُفِّفَتْ \*\*\* تُشِيرُ إِلَى الْخَيْرَاتِ مِنْ غَيْرِ مَعْصَمِ
4. وَهَاءٌ شَقِيقٌ ثُمَّ وَאוُ مُقَوَّسٌ \*\*\* عَلَيْهَا إِذَا يَبْدُو كَأَنْبُوبٍ مَحْجَمِ
5. فَيَا حَامِلَ الْإِسْمِ الَّذِي لَيْسَ مِثْلُهُ \*\*\* تَوَقَّ مِنَ الْأَسْوَاءِ تَنْجٌ وَتَسْلَمِ
6. فَذَلِكَ إِسْمُ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ \*\*\* إِلَى كُلِّ مَخْلُوقٍ فَصِيحٍ وَأَعْجَمِ

نام خدای متعال

- 1- سه «الف» ردیف شده بعد از «هاء» گرد که بر سرش انگشتی همچون نیزه ای راست قرار دارد
- 2- و «میم» کوری که دم ندارد سپس نردبانی است که انسان را به خواسته خویش می رساند، ولی نردبان نیست .
- 3- سپس چهار خط شبیه انگشتانی به هم چسبیده بدون کف که به کارهای خیر اشاره می کند .
- 4- سپس «هایی» دو چشم پس از آن «واوی» کمانی است که وقتی که آشکار گردد شبیه بندهای نی حجامتگر است.
- 5- ای کسی که این طلسم را همراه داری، این نام خدا است که مانندی ندارد و با داشتن این نام از کارهای زشت پرهیز کن، که برای همیشه نجات می یابی و سالم می مانی.
- 6- آنچه می بینی اسم خدای متعال است، که عظمت او به تمام موجودات زبان دار و زبان بسته برتری دارد.



### 390. ناتوانی از درک کنه خدا

1. كَيْفِيَّةُ الْمَرْءِ لَيْسَ الْمَرْءُ يُدْرِكُهَا\*\*\* فَكَيْفَ كَيْفِيَّةُ الْجَبَّارِ فِي الْقِدَمِ

2. هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ الْأَشْيَاءَ مُبْتَدِعاً\*\*\* فَكَيْفَ يُدْرِكُهُ مُسْتَخْدَثُ النَّسَمِ

ناتوانی از درک کنه خدا

1- انسان نمی تواند کنه و کیفیت خویش را درک کند پس چگونه می تواند کنه قدیم (1) بودن خدای جبار را درک کند.

2- او کسی است که موجودات جهان را بدون الگو و نقشه خلق کرده، چگونه ممکن است انسان حادثی (2) که به دست او ساخته شده بتواند او را درک کند.

### 391. دانای درویش و نادان ثروتمند

1. كَمْ مِنْ أَدِيبٍ فَطِنٍ عَالِمٍ\*\*\* مُسْتَكْمِلِ الْعَقْلِ مُقِلُّ عَدِيمِ

2. وَمِنْ جَهُولٍ مُكْثِرٍ مَالَهُ\*\*\* ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

دانای درویش و نادان ثروتمند

1- چه بسیار افراد مؤدب و زرنگ و دانشمند و با هوش کامل و خردمند که بینوا و درویش اند.

2- و چه بسیار نادان هایی که ثروت و مال زیادی دارند؛ و این خواست خدای عزیز و دانا است.

ص: 401

---

1- قدیم: صفت خدای متعال، کسی که ازلی و ابدی است همیشه بوده و خواهد بود.

2- حادث در مقابل قدیم؛ موجوداتی که مخلوق خداوند و در قید زمان هستند.

### 392. سرنوشت و برنامه هستی

1. قَضَى اللَّهُ أَمْرًا وَجَفَّ الْقَلَمُ \*\*\* وَفِي مَا قَضَى رَبُّنَا مَا ظَلَمَ

2. فَفِي الْأَمْرِ مَا خَانَ لِمَا قَضَى \*\*\* وَفِي الْحُكْمِ مَا جَارَ لِمَا حَكَمَ

3. بَدَأَ أَوَّلًا خَلَقَ أَزْوَاجَنَا \*\*\* فَقَدْ كَانَ أَزْوَاجَنَا فِي الْعَدَمِ

سرنوشت و برنامه هستی

1- سرنوشت عالم را خدا ترسیم کرده و قلم را کنار گذاشته و در آنچه که بگذرانیده ستم نکرده است.

2- در برنامه ای که چید، خیانتی نورزیده، و در حکمی که رانده، ستم روا نداشته است.

3- آن خدای جهان، نخست روزی های ما را آفرید در حالی که هنوز ارواح ما در این عالم نبود و در عدم بود.

نکته:

هر کاری که خواستی انجام دهی در سطح زندگی فردی یا اجتماعی یا جهانی اول باید برنامه کاملی آماده کنی والا شکست خواهی خورد

### 393. اختر بین و پزشک

1. قَالَ الْمُنَجِّمُ وَالطَّيِّبُ كِلَاهُمَا \*\*\* لَنْ يُحْشَرَ الْأَمْوَاتُ قُلْتُ إِلَيْهِمَا

2. إِنَّ صَحَّ قَوْلُكُمَا فَلَسْتُ بِخَاسِرٍ \*\*\* إِنَّ صَحَّ قَوْلِي فَالْخَسَارُ إِلَيْكُمَا

ص: 402

- 1- ستاره شناس و پزشک هر دو ادعا کردند که انسان ها بعد از مرگ زنده نخواهند شد، من به آنها گفتم .
- 2- اگر شما درست می گوید، من زیان نمی کنم، و اگر من راست می گویم، شما زیان سختی خواهید کرد.

### 394. سرشت و خلقت روزگار

1. مَا الدَّهْرُ إِلَّا يَقْظَةٌ وَنَوْمٌ \*\*\* وَلَيْلَةٌ بَيْنَهُمَا وَيَوْمٌ
2. يَعِيشُ قَوْمٌ وَيَمُوتُ قَوْمٌ \*\*\* وَالدَّهْرُ قَاضٍ مَا عَلَيْهِ لَوْمٌ

سرشت و خلقت روزگار

- 1- روزگار مجموعه ای از بیداری و خواب است و شب و روزی که میان آنها قرار دارند.
- 2- آدم ها به دنیا می آیند و عده ای دیگر می میرند و این کار به نوبت است، پس روزگار، خود قاضی و داور است و بر او سرزنشی نیست.

### 395. شادی و رنج همراه و همزادند

1. أَنَا بِالذَّهْرِ عَلِيمٌ \*\*\* وَأَبُو الذَّهْرِ وَأُمُّهُ
2. لَيْسَ يَأْتِي الذَّهْرُ يَوْمًا \*\*\* بِسُرُورٍ فَيَتِيمَةٌ
3. فَإِذَا سَرَكَ يَوْمًا \*\*\* فَغَدًا يَأْتِيكَ هَمُّهُ

ص: 403

- 1- من به کار و روش دنیا به خوبی آگاهم و به پدر گیتی و مادر آن آگاهم روزگار در هیچ زمان شادی بدون رنجی نمی آورد.
- 2- اگر امروز شادت کند فردا اندوه و غمش به سراغت خواهد آمد.

### 396. در کار گیتی دقت کن

1. فَمَنْ يَحْمَدِ الدُّنْيَا بَعِيشٍ يَسْرُهُ \*\*\* فَسَوْفَ لَعَمْرِي عَنْ قَلِيلٍ يَلُومُهَا
2. إِذَا أَقْبَلْتُ كَأَنْتَ عَلَى الْمَرْءِ فِتْنَةٌ \*\*\* وَإِنْ أَدْبَرْتُ كَأَنْتَ كَبِيرًا هُمُومُهَا

در کار گیتی دقت کن

- 1- هر کس از دنیا و زندگی خویش تعریف کند به جان خودم سوگند به زودی از بدباش خواهد گفت .
- 2- اگر دنیا روی خوش نشان دهد تو را آزمایش میکند، و اگر پشت کند، اندوهش فراوان است.

### 397. باز دوباره دنیا و گیتی

1. إِذَا كُنْتَ فِي نِعْمَةٍ فَارْعَاهَا \*\*\* فَإِنَّ الْمَعَاصِي تَزِيلُ التَّعَمُّ
2. وَحَافِظُ عَلَيْهَا بِشُكْرِ الْإِلَهِ \*\*\* فَإِنَّ الْإِلَهِ شَدِيدُ التَّقَمُّ
3. فَإِنْ تُعْطِ نَفْسَكَ آمَالَهَا \*\*\* فَعِنْدَ مُنَاهَا يَحُلُّ النَّدَمُ
4. فَأَيْنَ الْقُرُونُ وَمَنْ حَوْلَهُمْ \*\*\* تَفَانُوا جَمِيعاً وَرَبِّي الْحَكَمُ
5. وَكُنْ مُوسِراً شِئْتَ أَوْ مُعْسِراً \*\*\* فَلَا تَقْطَعْ الْعَيْشَ إِلَّا بِهِمْ

6. حَلَاوَةُ دُنْيَاكَ مَسْمُومَةٌ \*\*\* فَلَا تَأْكُلُ الشَّهْدَ إِلَّا بِسْمِ

7. مَحَامِدِ دُنْيَاكَ مَذْمُومَةٌ \*\*\* فَلَا تَكْسِبُ الْحَمْدَ إِلَّا بِذَمِّ

8. إِذَا تَمَّ أَمْرٌ بَدَأَ نَقْصُهُ \*\*\* تَوَقَّعْ زَوَالًا إِذَا قِيلَ تَمَّ

9. وَكَمْ قَدَرٍ دَبَّ فِي غَفْلَةٍ \*\*\* فَلَمْ يَشْعُرِ النَّاسُ حَتَّى هَجَمَ

باز دوباره دنیا و گیتی

1- هر زمان که نعمتی به دستت رسید از آن استفاده و قدردانی کن؛ زیرا گناهان نعمت ها را سست و نابود می کند.

2 با شکر نعمت خدا، از آن نگهداری کن و اگر شکر نعمت نکنی، عذاب خدا سخت است.

3- اگر دل به آرزوهایت ببندی، چون بدان دست نیایی، پشیمانی خواهد آمد

4- کجایند بزرگان و اطرافیانشان، همه نابود شدند و داور آنها خدای حکیم است.

5- اگر توانگر باشی یا درویش، از زندگی جز با غصه و غم جدا نخواهی شد.

6. شیرینی دنیای تو زهر آگین و مسموم کننده است، بدیهی است که شیرینی اش را جز با زهر نخواهی خورد .

7- آنچه که دنیای تو را خوب و زیبا نشان می دهد، نکوهیده و مدموم است، لذا لذت و شیرینی و ستایش دنیا جز با نکوهش به دست نیاید.

8- هر کار دنیا که کامل شد نقصانش پدید آید، وقتی گفتند کار تمام شد، منتظر نابودی آن باش.

9- بسا سرنوشتی که آرام و بی خبر بیاید و تا هجوم نیاورد، کسی از آمدنش باخبر نشود.

ص: 405

## 398. اندرزی چند نصیحت به فرزندش حسین (علیه السلام)

1. تَنَزَّ عَنْ مُصَادَقَةِ اللَّئَامِ \*\*\* وَالْيَمِّ بِالْكَرَامِ بَنِي الْكَرَامِ.
2. وَلَا تَأْكُ وَاتَّقَا بِالذَّهْرِ يَوْمًا \*\*\* فَإِنَّ الذَّهْرَ مُنْحَلُّ النَّظَامِ
3. وَلَا تَحْسُدْ عَلَى الْمَعْرُوفِ قَوْمًا \*\*\* وَكُنْ مِنْهُمْ تَتَلُ دَارَ السَّلَامِ
4. وَثِقْ بِاللَّهِ رَبِّكَ ذِي الْمَعَالِي \*\*\* وَذِي الْأَلَاءِ وَالنِّعَمِ الْجِسَامِ
5. وَكُنْ لِلْعِلْمِ ذَا طَلَبٍ وَبَحْثٍ \*\*\* وَنَاقِشٍ فِي الْحَلَالِ وَفِي الْحَرَامِ
6. وَبِالْعَوْرَاءِ لَا تَنْطِقُ وَلَكِنْ \*\*\* بِمَا يُرْضِي الْإِلَهَ مِنَ الْكَلَامِ
7. وَإِنْ حَانَ الصَّدِيقُ فَلَا تَخُنْهُ \*\*\* وَدُمُ بِالْحِفْظِ مِنْكَ وَبِالدِّمَامِ
8. وَلَا تَحْمِلْ عَلَى الْإِخْوَانِ صِغْنًا \*\*\* وَعُدْ بِالصَّفْحِ تَتَّجُ مِنَ الْأَثَامِ

اندرزی چند

نصیحت به فرزندش حسین (علیه السلام)

- 1- از رفاقت با آدم های پست پرهیز کن و با خوبانی که اصالت خانوادگی دارند رفاقت کن .
- 2- هرگز دل به روزگار میند که روزگار در حال تغییر و نابسامان است.
- 3- برای کار خیر نسبت به هیچ کس بخل نوز و خود را از آنان بدان تا به دار السلام (بهشت) دست یابی .
- 4- به الله پروردگار بلند مرتبه ات که دارای نعمت های بزرگ و سرشار و استوار است اعتماد کن.
- 5- در جستجوی دانش باش و در تشخیص حلال و حرام مناقشه و بحث کن.
- 6- سخن به زشتی مزن و حرفی بزن که خدا از آن راضی و خشنود شود.

ص: 406

7- اگر دوستت به تو خیانت کرد تو حق خیانت نداری و پیوسته دوستی را نگهدار و پیمان را حفظ کن .

8- کینه یاران را در دل نگیر، با گذشت آنان، از گناه پاک شو!

### 399. نیکی در چشم آزاده دین است

1. أَرَى الْإِحْسَانَ عِنْدَ الْحُرِّ دِينًا \*\*\* وَعِنْدَ الْقَيْنِ مَنْقَصَةً وَذَمًّا

2. كَفَطَرَ صَارَ فِي الْأَصْدَافِ دُرًّا \*\*\* وَفِي شِدْقِ الْأَفَاعِي صَارَ سَمًّا

نیکی در چشم آزاده دین است

1- چنین می پندارم کسی که به انسان آزاده ای نیکی کند او را مدیون خود ساخته و احسان و محبت به فردی پست موجب سرزنش و نقصان است.

2- هم چون قطره باران که اگر در کام صدف بیفتد مروارید می شود، و اگر در دهان مار بیفتد زهر کشنده ای می گردد.

### 400. جوانمرد کیست؟

1. وَإِذَا طَلَبْتَ إِلَى كَرِيمٍ حَاجَةً \*\*\* فَلِقَاؤُهُ يَكْفِيكَ وَالتَّسْلِيمُ

2. وَإِذَا رَأَىكَ مُسَلِّمًا ذَكَرَ الَّذِي \*\*\* حَمَلْتَهُ فَكَأَنَّهُ مَلْزُومٌ

جوانمرد کیست؟

1- هر زمان که از شخص سخاوتمندی خواسته ای داری با یک سلام و دیدار می توانی به هدف برسی .

2- و چون تو را در سلامی که کرده ای ببیند، خود را متعهد می بیند که حاجتت را برآورد.

ص: 407

## 401. سپردن راز ممنوع مگر...

1. لا تُودِعِ السِّرَّ إِلَّا عِنْدَ ذِي كَرَمٍ \*\*\* وَالسِّرُّ عِنْدَ كِرَامِ النَّاسِ مَكْتُومٌ

2. وَالسِّرُّ عِنْدِي فِي بَيْتٍ لَهُ غَلَقٌ \*\*\* قَدْ ضَاعَ مِفْتَاحُهُ وَالْبَابُ مَخْتُومٌ

سپردن راز ممنوع مگر...

- 1- راز خودت را جز به فردی رازدار مسپار، که راز تو فاش نمی شود، و پیش رازدار امانت است .
- 2- به نظر من راز در صندوقی در بسته است که کلیدش گم شده و در آن صندوق مهر و موم است.

## 402. ستم نکن

1. لا تَظْلِمَنَّ إِذَا مَا كُنْتَ مُقْتَدِرًا \*\*\* فَالظُّلْمُ مَرْتَعُهُ يُقْضَى إِلَى النَّدَمِ

2. فَاحْذَرْ بُنَى مِنَ الْمَظْلُومِ دَعْوَتَهُ \*\*\* كَيْلًا يُصِيبَكَ سِهَامُ اللَّيْلِ فِي الظُّلْمِ

3. تَنَامُ عَيْنُكَ وَالْمَظْلُومُ مُنْتَبِهٌ \*\*\* يَدْعُو عَلَيْكَ وَعَيْنُ اللَّهِ لَمْ تَنَمْ

ستم نکن

- 1- اگر قدرت داری به کسی ظلم نکن که ستمکاری به پشیمانی ختم می شود.
- 2- فرزندم از نفرین ستمدیدگان بترس، زیرا تیر شب تاریک به هدف می زند.
- 3- چون تو در خوابی ولی مظلوم بیدار است، و تورا نفرین می کند و چشم خدا هم به خواب نرود.

ص: 408



نکته:

به زیر دستان مکن تکبر \*\*\* ادب نگهدار اگر ادیبی

که سربلندی و سرفراز \*\*\* گذر بر آه سحر نبندد

ظلم واژه ای در مقابل ترحم و گذشت است.

ظالم در گرو ظلم خود است و عاقبت هر ظالمی شکست و محرومیت و نابودی است.

تمام انبیاء و بزرگان علم و ادب و عرفان، ظلم را به هر شکل و در هر لباسی تقبیح نموده و آن را منفور دانسته اند. اگر از تمام انسان های روی زمین سؤال شود همه می گویند ظلم بد است نارواست و خواهی نخواهی ظلم دامنگیر ظالم و نوادگانش خواهد شد.

و از سویی، آه و نفرین مظلوم عاقبت گریبان ظالم و فرزندانش را خواهد گرفت و تاریخ گذشته، خود گویای صحت این گفتار مولا است.

### 403. شوخی نکن

1. لَا تَمْزَحَنَّ الرِّجَالَ إِنْ مَزَحُوا \*\*\* لَمْ أَرَقَوْمًا تَمَازَ حَوَا سَلِمُوا

2. فَالْجُرْحُ جُرْحُ اللِّسَانِ تَعَلَّمُهُ \*\*\* وَرُبَّ قَوْلٍ يَسِيلُ مِنْهُ دَمٌ

شوخی نکن

1- اگر با تو شوخی کردند تو شوخی نکن ندیده ام افرادی را که شوخی کنند و سلامت باشند.

2- بدان که زخم واقعی زخم زبان است و بعضی از سخنان موجب خون ریزی می شود.

ص: 409

#### 404. برادر تو چه کسی است؟

1. أَخُوكَ الَّذِي إِنْ أَجْرَصْتِكَ مُلِمَةً \*\*\* مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَبْرَحْ لَهَا الدَّهْرَ وَاجِمًا

2. وَلَيْسَ أَخُوكَ بِالَّذِي إِنْ تَشَعَّبَتْ \*\*\* عَلَيْكَ أُمُورٌ ظَلَّ يَلْحَاكَ لِأَيِّمًا

برادر تو چه کسی است؟

1- برادر تو کسی است که اگر مصیبتی به تو وارد شد همیشه برای تو ناراحت باشد.

2- برادر تو کسی نیست که اگر کارها برای تو دشوار شد تو را سرزنش کند.

#### 405. بر اسلام اشک بریز

1. لَيْبِكَ عَلَى الْإِسْلَامِ مَنْ كَانَ بَاكِيًا \*\*\* فَقَدْ تَرَكْتَ أَزْكَاهُ وَمَعَالِمَهُ

2. لَقَدْ ذَهَبَ الْإِسْلَامُ إِلَّا بَقِيَّةً \*\*\* قَلِيلٌ مِنَ النَّاسِ الَّذِي هُوَ لِأَزْمُهُ

بر اسلام اشک بریز

1- گریه کنندگان باید بر اسلام گریه کنند، به این خاطر که پایه ها و نشانه های آن رها شده و به آن عمل نمی شود.

2- بخش اعظم قوانین و مقررات اسلام از بین رفته، و اندک افرادی که به، مقررات اسلام عمل می کنند.

\*\*\*

## 406. شکایت زنی از شوهرش نزد علی

1. رُوِّجِي كَرِيمٌ يُبَغِضُ الْمَحَارِمَا \*\*\* يَقْطَعُ لَيْلًا قَاعِدًا وَقَائِمًا

2. وَيُصْبِحُ الدَّهْرَ لَدَيْنَا صَائِمًا \*\*\* وَقَدْ خَشِيتُ أَنْ يَكُونَ آثِمًا

لَأَنَّهُ يُصْحِحُ لِي مُرَاغِمًا

شکایت زنی از شوهرش نزد علی

1- همسر من مرد خوبی است از کارهای ناروا خوشش نمی آید همه شب را به نماز و دعا به سر می برد .

2- روزها هم روزه دار است می ترسم گنهکار باشد چون همیشه از من دوری می گزیند.

نکته:

باید در این روزگار با صدای بلند فریاد زد:

یا علی! الآن بیا و بین چه بر سر اسلام آمده، اکثر ارزش ها ضد ارزش شده غیرت از وجود بسیاری مردها رخت بر بسته و حیا و حجاب از بسیاری زن ها فرار کرده، رباخواری، دزدی از بیت المال، رشوه آدم کشی به نام اسلام، ثروت اندوزی مسئولین بالای کشورهای اسلامی، قتل و جنابت و دزی و کلاهبرداری و....

اکثریت احکام اسلامی در کشورهای اسلامی به فراموشی سپرده شده و از دین به جز ظاهری نخ نما چیزی بر جای نمانده دین دینداران تنها و تنها در نماز و روزه خلاصه شده و... ریاکاری، تملق و چاپلوسی، خصوصاً تملق از مسئولین، و.... در یک کلمه به خاطر حماقت دوستان و عداوت دشمنان از اسلام و قرآن فقط نامی و شعاری بر جای مانده و اگر این روش ادامه پیدا کند، و علی الإسلام السلام.

ص: 411

## 407. پاسخ همسرش

1. لا أَصْبِحُ الدَّهْرَ يَهِنَ هَائِمًا \*\*\* وَلَا أَكُونُ بِالنِّسَاءِ نَاعِمًا

2. لا بَلَّ أَصْلِي قَاعِدًا وَقَائِمًا \*\*\* فَقَدْ أَكُونُ لِلذُّنُوبِ لَازِمًا

يا لَيْتَنِي نَجَوْتُ مِنْهَا سَالِمًا

پاسخ همسرش

1- من به زنان علاقه وافر ندارم و در کنار آنان سرخوش نیستم .

2- همیشه در حال نماز به سر می برم چه ایستاده و چه نشسته چون فکر می کنم گنهکارم؛ ای کاش از گناه نجات پیدا کنم.

## 408. داوری مولا (علیه السلام)

1. مَهْلًا فَقَدْ أَصْبَحْتَ فِيهَا أَتَمًا \*\*\* لَكَ الصَّلَاةُ قَاعِدًا وَقَائِمًا

2. ثَلَاثَةٌ تُصْبِحُ فِيهَا صَائِمًا \*\*\* وَرَابِعٌ تُصْبِحُ فِيهَا طَاعِمًا

3. وَلَيْلَةٌ تَخْلُو لَدَيْهَا نَاعِمًا \*\*\* مَا لَكَ أَنْ تُمْسِكَهَا مُرَاغِمًا

داوری مولا (علیه السلام)

1- مقداری فکر کن تو درباره رفتار با همسرت گناهکاری البته نماز ایستاده و نشسته برای تو باشد

2- سه روز روزه بگیر و روز چهارم افطار کن و در خدمت همسرت باش.

3- و شب را با وی تنها بگذران و خوش باش زبینه تو نیست او را در خانه حبس کنی و به او توجه نکنی .

ص: 412

مولا- علی (علیه السلام) با چنین مرد ناقص العقلی، اسلام واقعی را بیان می کند و از اینگونه افراد اظهار نفرت می نماید و وظیفه زن و شوهر را تعیین می کند و از افراط و تفریط که در همه زمینه های زندگی ممکن است به وجود بیاید قاطعانه جلوگیری می فرماید.

#### 409. صبر و شکیبایی

1. أَتَصْبِرُ لِلْبُلُوی عَزَاءً وَحِسْبَةً\*\*\* فَتَوَجَّرَ أُمُّ تَسْلُو سُلُو الْبَهَائِمِ
2. خُلِقْنَا رِجَالًا لِتَجَلُّدِ وَالْأَسَى\*\*\* وَتِلْكَ الْعَوَانِي لِلْبُكَ وَالْمَاتِمِ

صبر و شکیبایی

- 1- آیا در بلاهای روزگار صبر داری و می خواهی که تو را پاداش دهند؟ یا چون چهارپایان بی غمی و بی تفاوت .
- 2- ما مردها را بدان جهت آفریدند که صبر کنیم و دم مزینیم. و گریه و سوک ویژه آن زیباییان است

#### 410. در عزای پدر

1. أبا طَالِبٍ عِصْمَةَ الْمُسْتَجِيرِ\*\*\* وَعَيْتَ الْمَحُولِ وَنُورَ الظُّلَمِ
2. لَقَدْ هَدَّ فَقْدُكَ أَهْلَ الْحِفَاظِ\*\*\* فَقَدْ كُنْتَ لِلْمُصْطَفَى خَيْرَ عَمِّ
3. وَلَقَاكَ رَبُّكَ رِضْوَانَهُ\*\*\* فَصَلِّ عَلَيَّكَ وَلِيَّ التَّعَمِّ

ص: 413

- 1- ابوطالب ای پناه پناه جویان، ای باران خشکسالی زدگان، ای روشنایی تاریکی ها .
- 2- رفتن تو پشت صاحبان نام و ننگ را شکسته است، تو برای رسول خدا بهترین عمو بودی .
- م رفتن تو به سوی خدا، خشنودی پروردگارت را در پی داشته، پس درود خداوند، که ولی نعمت ها است، بر تو باد .

### 411. اطعام یتیم، دستور به حضرت فاطمه

1. فَاطِمُ بِنْتُ السَّيِّدِ الْكَرِيمِ \*\*\* بِنْتُ نَبِيِّ لَيْسَ بِالزَّيْمِ
2. قَدْ جَاءَنَا اللَّهُ بِذَا الْيَتِيمِ \*\*\* مَنْ يَرْحَمِ الْيَوْمَ فَهُوَ رَحِيمِ
3. مَوْعِدُهُ فِي جَنَّةِ النَّعِيمِ \*\*\* حَرَّمَهَا اللَّهُ عَلَى اللَّئِيمِ
4. مَنْ يَسْلَمْ الْبُخْلَ يَعِشْ سَلِيمِ \*\*\* وَصَاحِبُ الْبُخْلِ يَقِفْ ذَمِيمِ
5. يُهْوَى بِهِ فِي وَسْطِ الْجَحِيمِ \*\*\* شَرَّابُهُ الصَّدِيدُ وَالْحَمِيمِ

هذا صراط الله مُسْتَقِيمِ

اطعام یتیم، دستور به حضرت فاطمه

- 1- فاطمه جان ای دخت پیامبر خدا و مرد سخاوت، ای دختر کسی که در زندگی با برکتش هیچگاه بخل نورزید.
- 2- فاطمه جان! یتیمی به خانه ما آمده، هر کس امروز به او لطف کند و رحم نماید، مهربانی در اعماق جان او لانه کرده است.

3- وعده پاداش این عمل خداپسندانه بهشت است، که پروردگار آن را بر فرد بخیل حرام کرده است.

4- کسی که از مرض بخل سالم بماند، یک زندگی سالم خواهد داشت و بخیل مورد نفرت مردم و خدا است.

5- خداوند، بخیل را در عمق جهنم خواهد انداخت، آشامیدنی او چرک و خون و زردآب جوشان جهنمیان است.

بخشش و انفاق در راه خدا همان صراط مستقیم است. (که همیشه در نماز می خوانیم: اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ).

### 412. جواب حضرت زهرا به شوی خود

1. إِيَّيْ أُعْطِيهِ وَلَا أَبَالِي \*\*\* وَأَوْثِرُ اللَّهُ عَلَيَّ عِيَالِي

2. أَمْسُوا جِيعًا وَهُمْ أَشْبَالِي \*\*\* أَصْغَرُهُمْ يُقْتَلُ بِأَعْتِيَالِ

3. لِقَاتِلِ الْوَيْلُ مَعَ الْوَبَالِ

جواب حضرت زهرا به شوی خود

1- من به او خوراک خواهم داد و در این باکی نیست، رضایت خدا را بر رضایت فرزندانم ترجیح خواهم داد.

2- فرزندان من دیشب گرسنه خوابیده اند، آنها بچه شیرهای من هستند. کوچکترین آنها را با نامردی کشتند. (منظور شهید محسن است)

3- وای بر قاتل او و وای بر فرجام بد او.

نکته:

در این اشعار و اشعار قبل چند مطلب مهم ذکر شده که از زبان علی (علیه السلام) و همسر گرامیش فاطمه زهرا (علیها السلام) بیان شده است:

ص: 415

اول: هر کس به یتیم خدمت کند دل رحیمی دارد و جایگاه او در بهشت جاویدان است.

دوم: سیر کردن گرسنگان و غذا دادن به یتیم، فقط از آدم رحیم و مهربان دیده می شود.

سوم: بخل یک صفت و اخلاق زشت است.

شخص بخیل خدا را در دادن روزی ناتوان فرض میکند و تصور میکند اگر چیزی در راه خدا داد، فقیر و بیچاره می شود و کسی که خدا را قادر نداند در واقع خدا را نشناخته است.

نتیجه و ثمره بخل در دنیا، نفرت مردم و وابستگان نسبت به فرد بخیل است، از این رو بخیل با ابراز بخل منزوی می شود.

و در آخرت نیز جای او عمق جهنم، و آب آشامیدنی او چرک و خون و زرد آب بدن عذاب شده ها است.

در اینجا حضرت زهرا (علیها السلام) می گویند علی جان، دیشب بچه هایم گرسنه خوابیدند و من غذای آنان را به فقیر دادم.

### 413. غم نداری و اندیشه بخشندگی همت عالی و دست خالی

1. أَصْبَحْتُ بَيْنَ الْهُمُومِ وَالْهِمَمِ \*\*\* هُمُومٌ عَجَزٌ وَهِمَّةٌ الْكَرْمِ

2. طُوبَى لِمَنْ نَالَ قَدْرَ هِمَّتِهِ \*\*\* أَوْ نَالَ عِزَّ الْقَنُوعِ بِالْقَسَمِ

غم نداری و اندیشه بخشندگی

همت عالی و دست خالی

1- امروز من در بین دو چیز گرفتارم، اول غم نداری دوم همت بالا و سخاوت.

2- خوشا به حال کسی که بتواند به قدر همت خود، تصمیم خود را عملی کند و یا به عزت قناعت و رضایت به خواست خداوند دست یابد.

ص: 416



## 414. به جایگاه خود در اسلام می بالد

- 01 لَقَدْ عَلِمَ الْأُنَاسُ بِأَنَّ سَهْمِي \*\*\* مِنَ الْإِسْلَامِ يَفْضُلُ كُلَّ سَهْمٍ
2. وَأَحْمَدُ النَّبِيُّ أَخِي وَصِهْرِي \*\*\* عَلَيْهِ اللَّهُ صَلَّى وَأَبْنُ عَمِّي
3. وَإِنِّي قَائِدٌ لِلنَّاسِ طَرًّا \*\*\* إِلَى الْإِسْلَامِ مِنْ عَرَبٍ وَعَجْمٍ
4. وَقَاتِلُ كُلِّ صِنْدِيدٍ رَيْسٍ \*\*\* وَجَبَّارٍ مِنَ الْكُفَّارِ ضَخْمٍ
5. وَفِي الْقُرْآنِ أَلَزَمَهُمْ وِلَائِي \*\*\* وَأَوْجَبَ طَاعَتِي فَرَضًا بَعِزْمٍ
6. كَمَا هَارُونَ مِنْ مُوسَى أَخُوهُ \*\*\* كَذَلِكَ أَنَا أَخُوهُ وَذَلِكَ إِسْمِي
7. لَذَلِكَ أَقَامَنِي لَهُمْ إِمَامًا \*\*\* وَأَخْبَرَهُمْ بِهِ بِعَدِيرِ حُمٍ
8. فَمَنْ مِنْكُمْ يُعَادِلُنِي بِسَهْمِي \*\*\* وَإِسْلَامِي وَسَابِقَتِي وَرَحْمِي
9. فَوَيْلٌ لِمَنْ وَوَيْلٌ لِمَنْ يَلْقَى الْإِلَهَ غَدًا بِظُلْمِي \*\*\*
10. وَوَيْلٌ لِمَنْ وَوَيْلٌ لِمَنْ وَوَيْلٌ لِمَنْ لَجَّاجِدٍ طَاعَتِي وَمَزِيدٍ هَضْمِي \*\*\*
11. وَوَيْلٌ لِلَّذِي يَشْتَقِي سَفَاهًا \*\*\* يُرِيدُ عِدَاوَتِي مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ

به جایگاه خود در اسلام می بالد

- 1- همه کس می داند که سهم من در پیشرفت اسلام از تمام افراد بیشتر است.
- 2- احمد پیامبر خدا برادر من است، و پدر زن من و پسر عموی من است.
- 3- من پیشوای همه مردم، چه عرب و چه غیر عرب، در اسلام هستم.
- 4- من قاتل تمام رهبران کفر و ستمکاران و کفار که دارای توانایی جسمی و عشیره ای بودند، هستم.
- 5- قرآن مجید ولایت مرا بر همه لازم و واجب دانسته، و فرمانبرداری را بایسته و استوار گردانیده است.

6 - همان گونه که هارون برادر حضرت موسی بود، همین گونه من برادر اویم و این نام من است.

7- از این روی رسول خدا مرا به پیشوایی مردم برگزید و در غدیر همه مردم را آگاه ساخت .

8 - در تمام جهان اسلام و میان شما مسلمانان کیست که سابقه مرا در اسلام و خویشاوندی با محمد داشته و هم ردیف من باشد.

9 - وای، وای، وای بر کسی که در روز رستاخیز خدا را ملاقات کند در حالی که این همه به من ظلم کرده است

10 - وای وای وای برای کسی است که پیروزی ها را نادیده گرفته و از حق من کاسته است.

11- وای بر آن کس که با نادانی خود به شقاوت می رسد و سیه روی می شود و با من درافتد در حالی که مرا گناهی نیست .

### 415. سخن از فخر بود و علی (علیه السلام) فرمود:

1. اللَّهُ أَكْرَمَنَا بِنَصْرِ نَبِيِّهِ \*\*\* وَبِنَا أَقَامَ دَعَائِمَ الْإِسْلَامِ

2. وَبِنَا أَعَزَّ نَبِيَّهُ وَكِتَابَهُ \*\*\* وَأَعَزَّنَا بِالنَّصْرِ وَالْإِفْدَامِ

3. وَيَزُوْرُنَا جِبْرِيلُ فِي آيَاتِنَا \*\*\* بِفَرَائِضِ الْإِسْلَامِ وَالْأَحْكَامِ

4. فَتَكُونُ أَوَّلَ مُسْتَحِلِّ حِلَّةٍ \*\*\* وَمُحَرَّمِ اللَّهِ كُلِّ حَرَامِ

5. نَحْنُ الْخِيَارُ مِنَ الْبَرِيَّةِ كُلِّهَا \*\*\* وَنِظَامُهَا وَزِمَامُ كُلِّ زِمَامِ

6. الْخَائِضُ غَمَرَاتِ كُلِّ كَرِيهَةٍ \*\*\* وَالصَّامِنُونَ حَوَادِثَ الْآيَاتِ

7. وَالْمُبْرِمُونَ قُوَى الْأُمُورِ بَعْرَةَ \*\*\* وَالنَّاقِضُونَ مَرَائِرَ الْإِبْرَامِ

8. فِي كُلِّ مَعْرَكَةٍ تُطِيرُ سَيْوفُنَا \*\*\* فِيهَا الْجَمَاجِمَ عَنْ فِرَاحِ الْهَامِ

9. إِنَّا لَنَمُنَّعُ مَنْ أَرَدْنَا مَنَعَهُ \*\*\* وَنَجُودُ بِالْمَعْرُوفِ لِلْمُعْتَمِرِ

10. وَتَرَدُّ عَادِيَةَ الْخَمِيسِ سُيُوفِنَا \*\*\* وَتُقِيمُ رَأْسَ الْأَصِيدِ الْقَمَقَامِ

سخن از فخر بود و علی (علیه السلام) فرمود:

- 1- خداوند به ما افتخار داد که پیامبرش را یاری کردیم و به وسیله ما ستون های اسلام استوار گشت .
- 2- و به وسیله ما و تلاشی که داشتیم پیامبر خدا و قرآن را عزیز کرد و ما را به خاطر حمایت از او عزت بخشید.
- 3- و جبرئیل در خانه هایمان به دیدار ما می آمد تا بایسته های اسلام و احکام نورانی آن را به رسولش انتقال دهد.
- 4- و ما نخستین انسان هایی هستیم که حلال خدا را حلال دانسته و تمامی حرام های خدا را پذیرفته ایم.
- 5- ما انتخاب شده از کل هستی و رهبر تمام رهبرانیم و زمام همه امور انسان ها را در دست داریم
- 6- ما فرو رفته به ژرفای هر رزم و پاس دارنده پیشامدهای روزگاریم.
- 7- با نیروی خود تمام مشکلات و شکاف های بشر را برطرف ساختیم و تلخی های روزگار را شکستیم .
- 8- در تمام جنگ ها شمشیرهای ما پرواز می کرد و جمجمه ها را از بدن ها به پرواز در می آورد.
- 9- هر کس بخواهد ما را کنار بزند، با او مخالفت کرده و با همراهان خود محبت خواهیم کرد.
- 10- شمشیرهای ما اخلاالگران را به جای خود می نشاند و شخصیت هایی را که به دنبال مقام نیستند به مقام و عظمت می رساند.

نکته:

حکومت اسلامی در زمان حضرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بر اظهارات مولا علی (علیه السلام) برای آن بوده که حلال و حرام خدا در تمام شئون زندگی مردم پیاده گردد و افرادی که در آن حکومت خدمتگزار هستند باید بدون چشمداشت مادی این امر را پیاده کنند.

تمام فشارها و محرومیت ها، برای حفظ حقوق مردم و پیاده کردن حلال و حرام بوده است و از سویی با یاغیان و هرزگان نیز مبارزه کرده است.

#### 416. گلابه

1. أَظْلُبُ الْعُدْرَ مِنْ قَوْمِي وَقَدْ جَهِلُوا \*\*\* فَرَضَ الْكِتَابِ وَنَالُوا كُلُّ مَا حَرَّمَ

2. حَبْلُ الْإِمَامَةِ لِي مِنْ بَعْدِ أَحْمَدِنَا \*\*\* كَالدَّلْوِ عَلَقَتِ التَّكْرِيْبَ وَالْوَدَمَا

3. لَا فِي نُبُوَّتِهِ كَانُوا ذَوِي وَرَعٍ \*\*\* وَلَا رَعَوْا بَعْدَهُ إِلَّا وَلَا ذِمَمَا

4. لَوْ كَانَ لِي جَائِزًا سَرْحَانُ أَمْرِهِمْ \*\*\* خَلَفْتُ قَوْمِي وَكَانُوا أُمَّةً أُمَّمًا

گلابه

1 آیا از قوم خود عذرخواهی کنم؟ کسانی که نادان هستند. بایسته های قرآن مجید را نادیده می گیرند و یا ندانسته بر کار ناروا دست می زنند؟

2- بعد از رسول خدا رشته امامت به من رسید، هم چون دسته دلو آب که به گوش هاش بستگی دارد بر من تکیه داشت و مخصوص من بود.

3- مخالفین من نه در زمان زندگی پر برکت پیامبر تقوای درستی داشتند نه پس از آن حضرت، و آنها تعهد و پیمان های خود را در غدیر خم رعایت نکردند.

ص: 420

4- اگر برای من روا بود که آنها را و حکومت را رها کنم، پشت به مردم می کردم و آن گاه مردم دسته دسته میشدند و معلوم نبود چه می شد.

نکته:

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم)، در غدیر خم موقعیت مولا علی(علیه السلام) را بعد از خویش به طور واضح و روشن، تبیین کردند، و به همین دلیل مولا، از این که عده ای تعهدی را که در غدیر خم پذیرفته بودند، رعایت نکردند گلایه و شکایت داشتند اما برای آن که شکاف در حکومت اسلامی ایجاد نشود، صبر و تحمل را پیشه خویش قرار دادند.

### 417. در ستایش حارث فرزند صَمّه انصاری

1. لَاهُمْ اِنَّ الْحَارِثَ بْنَ صِمَّةٍ \*\*\* كَانَ وَفِيَا وَبِنَا ذَا ذِمَّةٍ

2. اَقْبَلَ فِي مَهَامَةٍ مُهَمَّةٍ \*\*\* فِي لَيْلَةٍ لَيْلَاءٍ مُدْلَهَمَةٍ

3. بَيْنَ رِمَاحٍ وَسُيُوفٍ جَمَّةٍ \*\*\* يَبْغِي رَسُولَ اللَّهِ فِيهَا تَمَّةً

لَا بُدَّ مِنْ بَلِيَّةٍ مُلِمَّةٍ

در ستایش حارث فرزند صَمّه انصاری

1- خدایا! حارث فرزند صَمّه انصاری فردی متعهد و نسبت به ما وفادار بود.

2- او در شبی تاریک و ظلمانی و بیابانی غمناک و حادثه آفرین حرکت کرد.

3- در آن شب تاریک، در میان کوهی از نیزه و شمشیر برای پیدا کردن رسول خدا حرکت کرد و آن وجود نازنین را جستجو می کرد.

او از بلا و سختی که ممکن بود به وجود آید خبردار بود.

ص: 421

1. أَفَاطِمُ هَاكِ السَّيْفِ غَيْرَ ذَمِيمٍ \*\*\* فَلَسْتُ بِرِ عَدِيدٍ وَلَا بَلِيمٍ
2. أَفَاطِمُ قَدْ أَبْلَيْتُ فِي نَصْرِ أَحْمَدٍ \*\*\* وَمَرْضَاةِ رَبِّ بِالْعِبَادِ رَحِيمٍ
3. أُرِيدُ ثَوَابَ اللَّهِ لَا شَيْءَ غَيْرَهُ \*\*\* وَرِضْوَانَهُ فِي جَنَّةٍ وَنَعِيمٍ
4. وَكُنْتُ أَمْرًا أَسْمُو إِذِ الْحَرْبُ شَمَرَتْ \*\*\* وَقَامَتْ عَلَى سَاقٍ بَغَيْرِ مُلِيمٍ
5. أَمَمْتُ ابْنَ عَبْدِ الدَّارِ حَتَّى ضَرَبْتُهُ \*\*\* بِذِي رَوْنَقٍ يَفْرِي الْعِظَامَ صَمِيمٍ
6. فَعَادَزْتُهُ بِالْقَاعِ فَازْفَضَّ جَمْعُهُ \*\*\* عِبَادِيدَ مِنْ ذِي قَانِطٍ وَكَلِيمٍ
7. وَسَيْفِي بِكَفِّي كَالسَّهَابِ أَهْرُهُ \*\*\* أَحْزُرُ بِهِ مِنْ عَاتِقٍ وَصَمِيمٍ
8. فَمَا زِلْتُ حَتَّى فَضَّ رَبِّي جُمُوعَهُمْ \*\*\* وَأَشْفَيْتُ مِنْهُمْ صَدْرُكُلِّ حَلِيمٍ

پس از بازگشت از جنگ احد فرمود

- 1- ای فاطمه جان! شمشیر شایسته ام را بگیر که من نه ترسو هستم و نه آدمی پست .
- 2- فاطمه جان من در یاری رسول خدا و خشنودی آن ذات مقدس که به بندگانش مهربان است، جنگیدم.
- 3- و جز پاداش از جانب خدا هیچ نمی خواهم و جز رضوان او و بهشت نعمت های آن چیزی نمی خواهم .
- 4- فاطمه جان من کسی بودم که هنگام شعله ور شدن جنگ به پا خواستم و مبارزه کردم و آنگاه که جنگ دامن برچید ، دامن به کمر زدم و روی پای خود بدون ترس و ناراحتی ایستادم .

5- در این جنگ فرزند عبدالدار (طلحه بن ابی طلحه) را نشان گرفتم و با شمشیر آبداری که استخوان را خرد می کند بر او حمله کردم و او را کشتم.

6- جسد او را بر خاک رها کردم و یارانش نا امید از پیروزی و زخم خورده گروه گروه فرار کردند.

7- شمشیر در دست من همچون شعله آتش می درخشید و گردن ناموران را خرد می کرد.

8- آن قدر به کار خود ادامه دادم تا خدای من جمعیت متحد آنها را پراکنده ساخت و ناراحتی قلب های رزمندگان را شفا بخشید.

### 419. رجز غطریف فرزند جُشم

1. إِيَّيْ غَطْرِيفُ نَعَمَ وَإِنَّ جُشْمَ \*\*\* أَنَا زِلُ الْمَوْتِ إِذِ الْمَوْتُ جُشْمُ

2. إِيَّيْ صَافِي الشَّفْرِ مَحْمُودُ النَّسَمِ \*\*\* وَفِي الْوَعَى أَوَّلُ لَيْبٍ مُّقْتَحِمِ

أُثْبِتُ لِحَاكِ اللَّهِ لَلْيَيْبِ قِطْمِ

رجز غطریف فرزند جُشم

1- من غطریف پسر جُشم اگر مرگ هم پافشاری کند با او درگیر می شوم.

2- شمشیر من درخشان است و خود نیک نهادم و در جنگ تنها شیری هستم که به یک لشگر حمله ور می شوم.

همان جا که ایستاده ای بایست که مورد نفرین خدایی و ذلیل خواهی شد تا طعمه شیر شوی.

## 420. در پاسخ غطریف می فرمایند

1. أَنَا عَلَى الْمُرْتَجَى دُونَ الْعَلَمِ \*\*\* مُرْتَهَنٌ لِلْحَيْنِ مُوفٍ بِالذِّمَمِ

2. أَنْصُرُ خَيْرَ النَّاسِ مَجْدًا وَكِرْمًا \*\*\* نَبِيَّ صِدْقٍ رَاحِمًا وَقَدْ عَلِمَ

3. أَنِي سَأَشْفِي صَدْرَهُ وَأَنْتَقِمَ \*\*\* فَهُوَ بَدِينِ اللَّهِ وَالْحَقِّ مُعْتَصِمٌ

4. فَأَنْبُتُ لِحَاكِ اللَّهِ يَا شَرَّ قَدِيمٍ \*\*\* فَسَوْفَ تَلْقَى حَرَّ نَارٍ تَضْطَرِّمُ

تَحُلُّ فِيهَا ثُمَّ تَهْوِي كَالْحُمَمِ

در پاسخ غطریف می فرمایند

1- من آن علی هستم که در کنار پرچم اسلام ایستاده ام، برای انتقام گرفتن کمین کرده ام و به پیمانی که بسته ام وفادارم .

2- یاور بزرگوارترین و با سخاوتمندترین و بهترین انسان ها، پیامبر راستین و مهربان، هستم و او خود می داند.

3- با شکست دشمنان سینه اش را شفا می دهم و از دشمنانش انتقام می گیرم؛ او به دین خدا چنگ زده و مقصدش درستی و راستی است.

4- همان جا بایست، خدا تو را نفرین کند، ای بدترین پیش آینده، به زودی سوز آتشی فروزان را ببینی در آن آتش بیفتی و هم چون ذغال سرخ شوی.

## 421. به عمرو ابن عبدود خطاب می کند

1. يَا عَمْرُو قَدْ لَأَقَيْتَ فَارِسَ بُهْمَةٍ \*\*\* عِنْدَ اللَّقَاءِ مُعَاوِدَ الْإِقْدَامِ

2. مِنْ آلِ هَاشِمٍ مِنْ سَنَاءِ بَاهِرٍ \*\*\* وَمُهْدِيَيْنَ مُتَوَجِّينَ كِرَامِ

ص: 424



3. يَدْعُو إِلَى دِينِ الْإِلَهِ وَنَصْرِهِ \*\*\* وَإِلَى الْهُدَى وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ

4. بِمُهَنْدٍ عَصَبٍ رَقِيقٍ حَدَّهُ \*\*\* ذِي رُوْتَقٍ يَفْرِي الْفَقَارَ حِسَامٍ

5. وَمُحَمَّدٌ فِينَا كَأَنَّ جَبِيْنَهُ \*\*\* شَمْسٌ تَجَلَّتْ مِنْ خِلَالِ غَمَامٍ

6. وَاللَّهُ نَاصِرُ دِينِهِ وَنَبِيِّهِ \*\*\* وَمُعِينُ كُلِّ مُوَحَّدٍ مَقْدَامٍ

7. شَهِدَتْ قُرَيْشٌ وَالْقَبَائِلُ كُلُّهَا \*\*\* أَنْ لَيْسَ فِيهَا مَنْ يَقُومُ مَقَامِي

به عمرو و ابن عبود خطاب می کند

1- ای عمرو! به سواره سرسختی رسیده ای که در جنگ حملات پی در پی دارد.

2- او از عشیره و دودمان هاشم است، از پرتوی درخشان، از پاکیزگان خانواده برگزیده است.

3- او حریف خود را به دین خدا و یاری او و به آئین اسلام دعوت می کند.

4- او شمشیری هندی، تیز، چابک و کارآمد در دست دارد که استخوان های طرف مقابل را در هم می ریزد و می درد.

5- و محمد فرستاده خدا در میان ما، پیشانیاش همچون خورشید، حتی در پس ابرها نیز درخشش دارد.

6- این را بدان که خداوند دین و پیامبرش را یاری خواهد کرد و یاور هر موحد دلیر است.

7- تمامی عشایر عرب، حتی عشیره هاشم، می دانند و شاهدند که کسی چون من جنگجو و مخلص نیست .

\*\*\*

## 422. رجز داود فرزند قابوس بکری

1. يَا أَيُّهَا الْجَاهِلُ بِالْتَّرَعْمِ \*\*\* ماذا تُرِيدُ مِنْ فَتَى عَشْمَشِم
2. ماذا تَرَى بِبِازِلِ مُعَصِمِ \*\*\* أَرْوَعُ مِفْصَالِ هَصُورِ هَيْصَمِ
3. وَقَاتِلِ الْقِرْنَ الْجَرِيءِ الْمَقْدِمِ \*\*\* وَاللَّهِ لَا أُسَلِّمُ حَتَّى تُحْرَمَ

رجز داود فرزند قابوس بکری

- 1- ای که از روی نادانی رجز می خوانی و خشم می آوری، از جنگجویی قوی دل چه می خواهی؟ 2- تو از مرد جنگ دیده دلاور، آبر مرد شکننده و خرد کننده چه می خواهی؟
- 3- این قاتل دلیر حریفان؛ به خدا قسم اسلام نخواهم آورد تا از کارت ناکام شوی.

## 423. در جواب داود می فرمایند

1. أَتُبْتُ لِحَاكِ اللَّهِ إِنْ لَمْ تُسَلِّمْ \*\*\* لَوْفِعِ سَيْفِ عَجْرَفِي خِضْرِمِ
2. تَحْمِلُهُ مِنِّي بَنَانُ الْمِعْصَمِ \*\*\* أَخْمِي بِهِ كِتَابِي وَأَحْتَمِي
3. إِنِّي وَرَبِّ الْحَجَرِ الْمُكْرَمِ \*\*\* قَدْ جُدْتُ لِلَّهِ بِلَحْمِي وَدَمِي

در جواب داود می فرمایند

- 1- نفرین خدا بر تو باد، اگر اسلام نمی آوری، برای فرود آمدن تیغی سخت و آبدار بایست.
- 2- شمشیری که انگشتان دست من آن را گرفته و با آن لشگرهای اسلام را

حراست می کنم.

به خدای حجر الاسود، که مورد احترام همه است، سوگند یاد می کنم که در راه خدا گوشت و خون خود را بخشیده ام.

#### 424. در رجزی با یهودیان خیبر

1. هَذَا لَكُمْ مِنَ الْغُلَامِ الْهَاشِمِيِّ \*\*\* مِنْ ضَرْبِ صِدْقٍ فِي ذَوِي الْكُمَائِمِ

2. ضَرْبٌ نَفُوذٌ شَعَرَ الْجَمَاحِ \*\*\* بَصَارِمٍ أَيْضًا أَيَّ صَارِمٍ

3. أَحْمِي بِهِ كِتَابَ الْقُمَائِمِ \*\*\* عِنْدَ مَجَالِ الْخَيْلِ بِالْأَقَادِمِ

در رجزی با یهودیان خیبر

1- این شمشیر آبدار نوجوان هاشمی است که برای جنگ و ضربه زدن به شما و نابود کردن شما آورده ام، این شمشیر مخصوص شکستن کلاه خودهای شما است .

2- این شمشیر برنده آن چنان ضربه ای مهلک به شما خواهد زد که غیر از کلاه خود فرق شما را هم دو نیم می کند.

با این شمشیر، هنگام حمله دشمن از نیروهای خودی حمایت و آنها را در پیروزی بر دشمن یاری می کنم .

#### 425. هنگام کشتن صحیح خیبری انشاء کرد

1. أَنَا عَلِيٌّ وَلَدْتُنِي هَاشِمٌ \*\*\* لَيْتُ حُرُوبٍ لِلرِّجَالِ قَاصِمٌ

2. مُعْصُوصِبٌ فِي نَقْعِهَا مَقَادِمٌ \*\*\* مَنْ يَلْقَنِي يَلْقَاهُ مَوْتُ هَاجِمٌ

ص: 427

1- من علی و نواده هاشم هستم، شیر میادین جنگ و شکننده پشت جنگجویان دشمن .

2- به هنگام حمله پیش آهنگان دشمن که سعی در محاصره کردن من دارند بدون آنکه مرا ببینند مرگ خود را مشاهده خواهند کرد.

### 426. در جنگ جمل به زبیر می فرمایند

1. لَا تَعْجَلَنَّ وَأَسْمَعَنَّ كَلَامِي \*\*\* إِيَّيَّيْ وَرَبِّ الرَّكْعِ الصَّيَامِ

2. إِذِ الْمَنَايَا أَقْبَلَتْ خِيَامِي \*\*\* حَمَلْتُ حَمَلَ الْأَسَدِ الضَّرْغَامِ

3. بِيَا تِرٍ مُؤَلِّلٍ حُسَامٍ \*\*\* عُوْدَ قَطَعِ اللَّحْمِ وَالْعِظَامِ

در جنگ جمل به زبیر می فرمایند

1- ای زبیر! در نبرد عجله مکن و حرف مرا گوش کن به خدای نمازگزاران و روزه داران سوگند می خورم .

2- هنگامی که مرگ به من نزدیک شود همچون شیر بر دشمن حمله می کنم.

3- و با شمشیر تیزی که به بریدن گوشت و استخوان عادت کرده به دشمن حمله می کنم .

### 427. به معاویه می فرمایند

1. أَمَّا وَاللَّهِ إِنَّ الظُّلْمَ شُوْمٌ \*\*\* وَلَا زَالَ الْمُسِيءُ هُوَ الظُّلُومُ

2. إِلَى الدِّينِ يَوْمَ الدِّينِ تَمْضِي \*\*\* وَعِنْدَ اللَّهِ يَجْتَمِعُ الخُصُومُ

3. سَتَعْلَمُ فِي الْحِسَابِ إِذَا التَّقِينَا \*\*\* غَدًا عِنْدَ الْمَلِكِ مِنَ الْعَشُومِ

4. سَتَنْقَطُ اللَّذَاذَةُ عَنْ أَنَسٍ \*\*\* مِنَ الدُّنْيَا وَتَنْقَطُ الْهُمُومُ

5. لِأَمْرِ مَا تَصْرَفَتْ اللَّيَالِي \*\*\* لِأَمْرِ مَا تَحَرَّكَتِ النُّجُومُ

6. سَلِ الْإِيَّامَ عَنْ أُمَّمٍ تَقْضَتْ \*\*\* سَتُخْبِرُكَ الْمَعَالِمُ وَالرُّسُومُ

7. تَرُومُ الْخُلْدَ فِي دَارِ الْمَنَايَا \*\*\* فَكَمْ قَدْ رَامَ مِثْلَكَ مَا تَرُومُ

8. تَنَامُ وَلَمْ تَنَمْ عَنْكَ الْمَنَايَا \*\*\* تَنْبَةُ لِلْمَنِيَّةِ يَا نُوُومُ

9. لَهْوَتْ عَنِ الْفَنَاءِ وَأَنْتَ تَقْنَى \*\*\* فَمَا شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا يَدُومُ

10. تَمُوتُ غَدًا وَأَنْتَ قَرِيرٌ عَيْنٍ \*\*\* مِنَ الْعَضَلَاتِ فِي لُجَجِ تَعُومُ

به معاویه می فرمایند

1- بدان ای معاویه! که ستم شوم است و افراد زشت کردار همچون ستمکارانند .

2- ای معاویه به سوی روز قیامت در حرکت هستی، روزی که خدای دادگر حاکم است و آنان که اختلاف دارند در پیشگاه او قرار خواهند گرفت.

3- فردای قیامت چون به هم برسیم آن زمان خواهی دید که ستمگر چه کسی است .

4- در آن روز نه خوشی و لذتی می ماند و نه غمی و اندوهی، زیرا هر چه در دنیا بود، از بین رفته و عواقب آن باقی خواهد بود.

5- به خاطر کارهای بزرگ، شب و روز در جریان است و ستارگان می چرخند.

6- از روزگار بپرس حال افرادی را که قبل از ما آمده و رفتند، تا به تو بگویند که آداب و رسوم و فرهنگ آنها چه بوده و اکنون وجود ندارد.

7- و به تو بگویند که در خانه مرگ آرزوی عمر جاویدان داری و چه بسیار کسانی که چون تو همین را می خواستند .

8- تو می خوابی و مرگ بدون آن که بخواهد لحظه به لحظه به تو نزدیک می شود، ای که در خوابی هشیار باش که مرگ نزدیک است .

9- از نیستی غافل مانده ای گرچه خود نابود می شوی و بدان که چیزی در جهان پایدار و جاوید نخواهد ماند .

10- تو که فردا خواهی مُرد، به خاطر رهایی از مشکلاتی که در قعر دریای زندگی دیده ای خوشحال خواهی شد.

### 428. به معاویه بگویند علی کیست

1. مُحَمَّدُ النَّبِيِّ أَخِي وَصِهْرِي \*\*\* وَحَمْرَةُ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ عَمِّي

2. وَجَعْفَرُ الَّذِي يُضْحِي وَيُمْسِي \*\*\* يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ ابْنِ عَمِّي

3. وَبِنْتُ مُحَمَّدٍ سَكْنِي وَعِزِّي \*\*\* مَشْرُوبٌ لَحْمُهَا بِدَمِي وَلَحْمِي

4. وَسِبْطُ أَحْمَدٍ وَلَدَايَ مِنْهَا \*\*\* فَمَنْ مِنْكُمْ لَهُ سَهْمٌ كَسَهْمِي

5. سَبَقْتُكُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ طَرًّا \*\*\* غُلَامًا مَا بَلَغْتُ أَوَانَ حُلْمِ

6. وَأَوْجَبَ لِي وَلَا يَتُّهُ عَلَيْكُمْ \*\*\* رَسُولَ اللَّهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمِ

7. وَأَوْصَانِي النَّبِيُّ عَلَى اخْتِيَارٍ \*\*\* لِأُمَّتِهِ رَضِيَ مِنْكُمْ بِحُكْمِي

8. أَلَا مَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ بِهَذَا \*\*\* وَإِلَّا فَلْيَمُتْ كَمَدًّا بِعَمِّ

9. أَنَا الْبَطْلُ الَّذِي لَمْ تُتَكْرَوْهُ \*\*\* لِيَوْمِ كَرِيهَةٍ وَلِيَوْمِ سَلَمِ

ای معاویه! رسول خدا محمد برادر من و داماد من است و (من داماد اویم) و حمزه سیدالشهداء عموی من است.

2- جعفر طیار که در بهشت همراه فرشتگان پرواز می کند، برادر من است.

3- دختر رسول خدا آرامش دل من و عروس من است، خون و گوشت ما دو نفر به هم آمیخته است.

4- دو نوه احمد پیامبر خدا فرزندان من هستند، چه کسی در اسلام این قدر سهم و منزلت دارد که من دارم.

5- در نوجوانی که هنوز بالغ نشده بودم، به اسلام گرویدم و اولین مردی بودم که به پیامبر ایمان آوردم.

6- در روز غدیر خم، پیامبر خدا مرا جانشین خود کرد و ولایت مرا بر شما واجب فرمود.

7- پیامبر مرا وصی خویش قرار داد و برگزید تا به فرمان من همه خشنود باشید.

8- این را بدان! هر کس که مرا بخواهد و به این دستور عمل کند مؤمن است و گرنه باید از غصه بمیرد.

9- ای معاویه، مرا خوب می شناسی! من قهرمان میدان جنگ و میدان رهبری و اداره کشورم.

\*\*\*

1. فَلَوْ أَنِّي أُطِعْتُ عَصَبْتُ قَوْمِي \*\*\* إِلَى رُكْنِ الْيَمَامَةِ أَوْ شَامٍ

2. وَلَكِنِّي إِذَا أَبْرَمْتُ أَمْرًا \*\*\* تُخَالِفُنِي أَقْوِيلُ الطَّعَامِ

فرمان نبرند

1- اگر از من فرمان می بردند و اطاعت می کردند، ملت خود را تا یمامه و شام پیش می راندم .

2- لیکن هر زمان که خواستم کاری انجام دهم، فرومایگان با شایعات ناسازگار درباره من کارشکنی کردند.

نکته :

مولا علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرمایند: کسی که حرفش را گوش نمی کنند دیگر نظر و رأیی نخواهد داشت.

و آنچه مولا در مورد شایعات فرومایگان گفته ، همیشه در تاریخ بشر وجود داشته و این گونه شایعات که از طرف فرومایگان در جامعه رواج داده می شود ، مانع رشد جامعه و باعث اخلال در امور و باعث شکست منجیان بشریت شده است.

علی (علیه السلام) اقرار و اعتراف می کند که نتوانست از این موانع و خاکریزهای منافقین عبور کند.

ناگفته پیداست که شایعه پراکنی و تهمت زدن از طرف آدم های بی حیثیت و سست دین انجام شده و اگر کسی فهمیده و دانا باشد و معارف اسلامی را آن گونه که هست بداند، امکان ندارد به کسی تهمت بزند.

ص: 432



1. لَنَا الرَّايَةُ السُّودَاءُ يَخْفِقُ ظِلُّهَا \*\*\* إِذَا قِيلَ قَدِمَهَا حُسَيْنٌ تَقَدَّمَا
2. فيوردُها في الصَّفِّ حَتَّى يُزِيرَها \*\*\* حِيَاضَ المَنَيا تَقْطُرُ المَوْتَ وَالدمَا
3. تَرَاهُ إِذَا ما كانَ يَوْمَ كَرِيهَةٍ \*\*\* أبا فيهِ إِلا عِزَّةً وَتَكْرُما
4. وَأَجْمَلَ صَبْرًا حِينَ يُدْعَى إِلى الوَعَى \*\*\* إِذَا كانَ أَصواتُ الرِّجالِ تَعْمَغُما
5. وَقَدَّ صَبْرَتِ عَكَ وَلَحْمٍ وَحَمِيرٍ \*\*\* لِمَذْحِجٍ حَتَّى أَوْرَثَها تَنَدُّما
6. وَنادَتْ جُذامُ يا لِمَذْحِجٍ وَيَحْكُمُ \*\*\* جَزَى اللهُ سَرًّا أَيُّنا كانَ أَظْلَمَما
7. أَمَّا تَتَّقُونَ اللهُ في حُرْماتِنَا \*\*\* وَما قَرَّبَ الرَّحْمَنُ مِنْها وَعَظْما
8. جَزَى اللهُ قَوْمًا قاتلوا في لِقائِهِم \*\*\* لَدَى المَوْتِ قَدِّمًا ما أَعَفَّ وَأَكْرَمَما
9. رَبِيعَةَ أَغنيَ إِنَّهُمُ أَهْلُ نَجْدَةٍ \*\*\* وَبَلَسَ إِذا لا قَوا حَميسًا عَرَمَرَمَما
10. أَذَقْنَا ابنَ هِنْدٍ طَعْنًا وَضِرابِنَا \*\*\* بِأسيافِنَا حَتَّى تَوَلَّى وَأَاحَجَمَما
11. وَوَلَّى يُنادي زَبْرِقانَ بَنَ ظالِمٍ \*\*\* وَذا كَلَعٍ يَدْعو كُرَيْبًا وَأَنْعَمَما
12. وَعَمَرُوا وَنُعَمانًا وَبُسْرًا وَمالِكا \*\*\* وَحَوْشَبَ وَالْغاويَ شُرَيْحًا وَأَظْلَمَما
13. وَكُرَزَ بَنَ تَبْهانٍ وَإِني مُحَرِّقٍ \*\*\* وَحَرثًا وَقَيْنِيًّا عَيْبِدًا وَأَسْلَمَما

در باره سپاه حصین ابن منذر

- 1- پرچم سیاهی در دست داریم که می جنبد، آنگاه که به حصین گویم پیشروی کن؟ به پیش می رود.
- 2- او به صف دشمن می زند تا دشمن را به گرداب مرگ و خون بکشاند.
- 3- هنگام جنگ، حصین را می بینی که فقط برای عزت اسلام و عظمت آن می جنگد.

- 4- هر زمان که مردم را برای جنگیدن دعوت می کنیم، صدای مردان در گلو خفه می شود و به حرف های نامربوط مشغول می شوند، آنگاه حضین قهرمان، تحمل جنگ را دارد .
- 5- قبیله های عَدُو و لَحْم و حُمیر با ایستادگی در برابر قبیله مذحج، آنها را پشیمان کردند.
- 6- و قبیله جُدَام آواز کرد ای مذحجیان وای بر شما، خدا از میان ما دو گروه هر کدام را که ستمگر ترند کیفر خواهد داد.
- 7- آیا از خدای بزرگ نمی ترسید از حرمت خاندان ما و افرادی که خدا حرمت آنان را بر ما واجب کرده است.
- 8- خدا با عشیره ای که در مصاف با دشمن تا لحظه مرگ نبرد می کنند پاداشی نیکو عنایت می کند، آن گونه که برای آنان عزّت و شرف آفریده.
- 9- منظور من طائفه و عشیره ربیعیه است که هر زمان با دشمنی انبوه برخورد می کنند، مرد جنگ و سختی هستند.
- 10- به فرزند و پسر هند طعم تلخ نیزه ها و شمشیرها را چشاندیم، آن گونه بر آنها حمله کردیم که فرار را بر قرار ترجیح دادند.
- 11- در حالی که فرار می کردند فریاد زنان زبرقان پور ظالم و ذاکلَع و کُرَیب را به کمک می طلبیدند.
- 12- و نیز عمر و عاص را فرا خواندند و نُعمان و بسر و مالک و حوشب را و نیز شریح گمراه را .
- 13- و کرز ابن نبهان و دو پسر محرّق را و حرث و عبید قینی را و اسلم را که شاید بتوانند عقب نشینی را جبران کنند .

### 431. برادر راستین کیست؟

1. أُنحِ طَاهِرُ الْأَخْلَاقِ عَذْبُ كَأَنَّهُ \*\*\* جِنَا النَّحْلِ مَمْرُوجًا بِمَاءِ غَمَامٍ

2. يَزِيدُ عَلَى الْإِيَّامِ فَضْلَ مَوَدَّةٍ \*\*\* وَشِدَّةَ إِخْلَاصٍ وَرَعِي دِمَامٍ

برادر راستین کیست؟

1- برادری پاکیزه خوی، و زلال، گویی انگبینی که با آب زلال آمیخته شده است.

2- با گذشت زمان نیکی و دوستی و شدت اخلاص درونی و رعایت حال مردم، افزوده می شود.

### 432. قصه و داستان قبائل همدان در صفین

1. وَلَمَّا رَأَيْتُ الْخَيْلَ تَفْرَعُ بِالْقَنَا \*\*\* فَوَارِسُهَا حُمْرَ الْعُيُونِ دَوَامِي

2. وَأَقْبَلَ رَهْجٌ فِي السَّمَاءِ كَأَنَّهُ \*\*\* عَمَامَةٌ دَجْنٍ مُلْبَسٍ بِقَتَامٍ

3. وَنَادَى بَنُ هِنْدٍ ذَا الْكِلَاعِ وَيَحْصُبًا \*\*\* وَعِنْدَةَ فِي لَحْمٍ وَحَيٍّ جُدَامِ

4. تَيَمَّمْتُ هَمْدَانَ الَّذِينَ هُمْ هُمْ \*\*\* إِذَا نَابَ أَمْرٌ جُنْتِي وَحُسَامِي

5. وَنَادَيْتُ فِيهِمْ دَعْوَةً فَأَجَابَنِي \*\*\* فَوَارِسُ مِنْ هَمْدَانَ غَيْرَ لِيَامِ

6. فَوَارِسُ مِنْ هَمْدَانَ لَيْسُوا بِعُزْلٍ \*\*\* غَدَاةَ الْوَعَى مِنْ يَشْكُرٍ وَشَبَامِ

7. وَمِنْ أَرْحَبِ الشُّمِّ الْمَطَاعِينَ بِالْقَنَا \*\*\* وَرَهْمٍ وَأَحْيَاءِ السَّبِيْعِ وَيَامِ

8. وَمِنْ كُلِّ حَيٍّ قَدْ أَتَنِي فَوَارِسُ \*\*\* ذُوو نَجْدَاتٍ فِي الْإِلْقَاءِ كِرَامِ

9. بِكُلِّ رُدَيْنِي وَعَضْبٍ تَخَالُهُ \*\*\* إِذَا اخْتَلَفَ الْأَقْوَامُ شُعْلَ ضِرَامِ

10. يَفُودُهُمْ حَامِي الْحَقِيقَةَ مِنْهُمْ \*\*\* سَعِيدُ بْنُ قَيْسٍ وَالْكَرِيمُ مُحَامِي

ص: 435

11. فَحَاصُّوْا لَطَآهَآ وَاصْطَلُّوْا بِسَّرَارِهَا \*\*\* وَكَانُوا لَدَى الْهَيْجَا كَشْرَبِ مُدَامِ

12. جَزَى اللّٰهُ هَمْدَانَ الْجِنَانَ فَآتَتْهُمْ \*\*\* سِمَامُ الْعِدَى فِي كُلِّ يَوْمٍ خِصَامِ

13. لِيَهْمْدَانَ أَخْلَاقٌ وَدِينٌ يَزِينُهُمْ \*\*\* وَلَيْنَ إِذَا لَاقَوْا وَحُسْنُ كَلَامِ

14. مَتَى تَأْتِيَهُمْ فِي دَارِهِمْ لِضِيَافَةٍ \*\*\* تَبَتْ عِنْدَهُمْ فِي غَبْطَةٍ وَطَعَامِ

15. أَلَا إِنَّ هَمْدَانَ الْكِرَامَ أَعَزَّةٌ \*\*\* كَمَا عَزَّ رُكْنُ الْبَيْتِ عِنْدَ مَقَامِ

16. أَنَاسٌ يُحِبُّونَ النَّبِيَّ وَرَهْطُهُ \*\*\* سِرَاعٌ إِلَى الْهَيْجَاءِ غَيْرُ كَهَامِ

17. إِذَا كُنْتُ بَوَّابًا عَلَى بَابِ جَنَّةٍ \*\*\* أَقُولُ لِيَهْمْدَانَ اذْخُلُوا بِسَلَامِ

قصه و داستان قبائل همدان در صفین

1- وقتی سوارکاران را دیدم که در اثر اصابت نیزه چشمشان سرخ و خونین است.

2- و از سویی غبار جنگ در آسمان، چون ابر باران را آمیخته با گرد و غبار، لباس سیاه بر میدان جنگ پوشانید.

3- فرزند هند قبیله ذالکلاع و یحصب و کنده و لخم و جذام را فرا خواند و آنها را به کمک طلبید.

4- در چنین وضعیت سختی من به قبیله و عشیره همدان رو آوردم که هر زمان جنگ سختی رخ دهد مرا یاری می کنند و چون شمشیر و سپر من هستند.

5- با صدایی رسا آنها را ندا دادم و آنها فوری اجابت کردند و با افراد برگزیده خود آماده رزم شدند.

6- قهرمانان همدان از قبیله یشکر و شیام در اول وقت کاملاً مسلح و آماده رزم شده بودند.

7- و نیز قبیله ارحب آن سرافرازان نیزه انداز و قبیله رهم و تیره هایی از قبیله سبیع و یام.

8- از تمام این قبائل سوارانی نزد من آمدند که همه آنها در میدان جنگ رزم آور و دلاور و با گهر بودند.

9- همگی این طائفه ها نیزه و شمشیر در دست داشتند تا هنگام نبرد، چون شعله های، آتش دشمن را بسوزانند.

10- فرمانده آنان سعید بن قیس آن مرد گرانقدر آنها را پشتیبانی می کرد.

11- یک باره تن به شعله های جنگ دادند و در جنگی بسیار سخت فرو رفتند، آنها هنگام نبرد چون باده نوشان همیشه مست، بی باکند.

12- خدای عالم به قبیله همدان بهشت را پاداش دهد؛ زیرا آنان در هنگام حمله چون زهر کشنده دشمن را نابود می کنند.

13- اخلاق و دینداری، زینت قبیله همدان است که در دیدارها نرم و خوش سخن و خوش بیان هستند.

14- اگر به میهمانی آنان بروی، شب را با شادکامی و پذیرایی خوب به سر میبری و حسرت آنان را می خوری که چقدر مهربان و دوست داشتنی اند.

15- بدانید که عشیره و قبیله همدان هم شخصیت والا دارند و هم عزیز هستند و عزت آنان در طینت و وجود آنان نهفته، همچون عزت رکن در مسجد الحرام در مقام ابراهیم؛

16- طایفه همدان طائفه ای هستند که ارادتمند پیامبر عظیم الشان و خاندان پیامبر هستند و رسول خدا و طایفه او را دوست دارند .

17- آنگاه که من دربان درب بهشت شوم، به طائفه همدان می گویم: اَدْخُلُوْهَا بِسَّلَامٍ. (سوره حجر، آیه 46).

### 433. گیتی به یک حال نماند

1. فَمَا نُوبُ الْحَوَادِثِ بَاقِيَاتٌ \*\*\* وَلَا الْبُؤْسَى تَدْوُمُ وَلَا التَّعِيمُ
2. كَمَا يَمْضِي سُرُورٌ وَهُوَ جَمٌّ \*\*\* كَذَلِكَ مَا يَسُوءُكَ لَا يَدْوُمُ
3. فَلَا تَهْلِكْ عَلَى مَا فَاتَ وَجِدًا \*\*\* وَلَا تُفْرِدْكَ بِالْأَسْفِ الْهُمُومُ

گیتی به یک حال نماند

1- حوادث و پیشامدها ماندگار نیست و به نوبت است، نه غم و اندوه می ماند و نه خوشی و نعمت ها.

2- همان گونه که شادی های انبوه می گذرد، حوادث رنج آور نیز دوام ندارد.

3- به خاطر آنچه از دست رفته خود را نابود نکن، و سعی کن اندوه و افسوس همراهیات نکند

### 434. پس از کشتن تبهکاری

1. ضَرَبْتُهُ بِالسَّيْفِ وَسَطَ الْهَامَةِ \*\*\* بِشَفْرَةٍ صَارِمَةٍ هَذَامَةٍ
2. فَبَكَتْ مِنْ جِسْمِهِ عِظَامُهُ \*\*\* وَبَيَّتَتْ مِنْ أَنْفِهِ إِزْغَامَةً
3. أَنَا عَلَيَّ صَاحِبُ الصَّمْصَامَةِ \*\*\* وَصَاحِبُ الْحَوْضِ لَدَى الْقِيَامَةِ
4. أَخُو نَبِيِّ اللَّهِ ذِي الْعَلَامَةِ \*\*\* قَدْ قَالَ إِذْ عَمَّمَنِي الْعِمَامَةُ
5. أَنْتَ أَخِي وَمَعْدِنُ الْكِرَامَةِ \*\*\* وَمَنْ لَهُ مِنْ بَعْدِي الْإِمَامَةُ

پس از کشتن تبهکاری

1- با شمشیر برهنه بر فرق سرش کوبیدم، شمشیری که خیلی تیز و برنده بود.

- 2- آن چنان شمشیر بر سرش فرود آمد که استخوان های تنش را شکافت و بینی اش را آشکارا بر خاک مالید.
- 3- من علی هستم که در دنیا شمشیر برنده دارم، و در قیامت ساقی حوض کوثرم.
- 4- برادر رسول خدا و نبی پروردگار، این نشانه من است، هنگامی که تاج امیری و سروری بر سرم کرد و فرمود:
- 5- تو مرا برادری و گنجینه ارزش ها و بزرگواری هایی، تو کسی هستی که بعد از من امامت مسلمانان در دست تو است.

### 435. در مرثیه یارانش در جنگ صفین

1. جَزَى اللَّهُ خَيْرًا عُصْبَةً أَيْ عُصْبَةً \*\*\* حِسَانٌ وَجْوهُ صُرِعُوا حَوْلَ هَاشِمٍ
2. شَقِيقٌ وَعَبْدُ اللَّهِ مِنْهُمْ وَمَعْبُدٌ \*\*\* وَنَبْهَانٌ وَأَبْنَا هَاشِمٍ ذِي الْمَكَارِمِ
3. وَعُرْوَةٌ لَا يَنْأَى فَقَدْ كَانَ فَارِسًا \*\*\* إِذَا الْحَرْبُ هَاجَتْ بِالْقَنَا وَالصَّوَارِمِ
4. إِذَا اخْتَلَفَ الْأَبْطَالُ وَاشْتَبَكَ الْقَنَا \*\*\* وَكَانَ حَدِيثُ الْقَوْمِ صَرَبَ الْجَمَاعِمِ

در مرثیه یارانش در جنگ صفین

- 1- خدایا پاداش نیک بدهد به آن گروه، چه گروهی؟! زیبارویانی که در کنار هاشم (1) شهید شدند.
- 2- آنها عبارت بودند از: عبدالله، شقیق، معبد، نبهان و دو پسر گرانقدر و شجاع هاشم.
- 3- و عروه که از میدان جنگ فاصله نمی گرفت و زمانی که تنور جنگ گرم می شد، سواره و با نیزه و شمشیر می جنگید.

ص: 439

---

1- هاشم فرزند عتبه ابن ابی وقاص، مشهور به مرقال.

4- این هنگامی بود که دلیر مردان و نیزه ها در هم می رفتند و هدفشان کوفتن جمجمه سر دشمن بود.

### 436. در میدان صفین

1. مَا عَلَّتِي وَأَنَا جَلْدٌ حَازِمٌ \*\*\* وَفِي يَمِينِي دُو غَرَارٍ صَارِمٌ

2. وَعَنْ يَمِينِي مَذْحِجُ الْقَمَاقِمِ \*\*\* وَعَنْ يَسَارِي وَاثِلُ الْخَضَارِمِ

3. الْقَلْبُ حَوْلِي مُضْرُ الْجَمَاجِمِ \*\*\* وَأَقْبَلْتُ هَمْدَانُ وَالْأَكَارِمِ

4. وَالْأَرْدُ مِنْ بَعْدُ لَنَا دَعَائِمٌ \*\*\* وَالْحَقُّ فِي النَّاسِ قَدِيمٌ دَائِمٌ

در میدان صفین

1- بهانه ام چیست؟ من باید وارد کارزار شوم، که هم هشیارم و هم چابک. و در دست من تیغی تیز و بران است.

2- طرف راست نیروهایم عشیره مذحج اند نیروهایی مسلح و بزرگوار، و دست چپ نیروهایم عشیره واثل اند که مسلح و مجهزند.

3- و عشیره مضر قلب نیروهای مرا در دست دارند و همدانیان که نیرومند هستند.

4- و قبیله ازد برای نیروهای رزمنده ستون های محکم اند و حق در میان این نیروها پیوسته و پایدار است.

### 437. افسوس بر شامیان

فَصِحْتُ عَلَى شَبَامَ فَلَمْ تُجِبْنِي \*\*\* يَعِزُّ عَلَيَّ مَا لَقِيَتْ شَبَامُ

ص: 440



بر شامیان بانگ زدم ولی پاسخ نگفتند آنچه که بر آنها رفته است بر من گران آید.

### 438. در نکوهش بعضی افراد

1. وَأَبْعَدُ مِنْ حِلْمٍ وَأَقْرَبُ مِنْ خَنَا \*\*\* وَأَحْمَدُ نِيرَانًا وَأَحْمَلُ أَنْجَمًا
2. مَوَالِي أَيَادٍ شَرٌّ مَنْ وَفِي الْحَصَا \*\*\* مَوَالِي قَيْسٍ لَا أَنْوَفَ وَلَا فَمَا
3. فَمَا سَبَقُوا قَوْمًا بِرِثْرِ وَلَا دِمٍ \*\*\* وَلَا تَفَضُّوا وَثْرًا وَلَا أَدْرَكُوا دَمًا
4. وَلَا قَامَ مِنْهُمْ قَائِمٌ فِي جَمَاعَةٍ \*\*\* لِيَحْمِلَ صَنِيمًا أَوْ لِيُدْفَعَ مَغْرَمًا

در نکوهش بعضی افراد

1- (قبیله قیس) از حوصله و بردباری دور و به دشنام و ناسزاگویی نزدیکند، از آتش خاموش ترند و از ماه و اختر بی نورتر.

2- در عین آنکه از نعمت بهره مند، بدترین انسان هایی هستند که پا روی ریگ بیابان

گذاشته اند، نه مغز متفکر دارند و نه سخنگوی خوب .

3- نه برای دفاع از ظلمی که بر آنها شده قیام کردند و نه برای خونخواهی از کشتگان بیا خواستند.

4- در میان هیچ اجتماعی حتی یک نفر از آنان قبیله (قیس) برنخواست تا از ظلمی جلوگیری کند و یا زیانی را که وارد شده جبران نماید.

\*\*\*

1. لَا تَكُنْ لِلْعَيْشِ مَجْرُوحَ الْفُؤَادِ \*\*\* إِنَّمَا الرِّزْقُ عَلَى اللَّهِ الْكَرِيمِ
2. كُنْ غَنِيَّ الْقَلْبِ وَافْنَعْ بِالْقَلِيلِ \*\*\* مَتَّ وَلَا تَطْلُبْ مَعِيشًا مِنْ لَيْمٍ

در بی نیازی نفس

- 1- برای زندگی دل آزاده مباش و افسوس نخور که روزی را خدای بخشنده می دهد.
- 2- از جان و وجودت توانگر باش و به اندک بساز بمیر و به فرومایگان اظهار نیاز مکن.

نکته:

ثروتمند و توانمند و توانگر کسی نیست که مال و منال فراوانی داشته باشد؛ بلکه ثروتمند و توانگر کسی است که درونش احساس بی نیازی کند.

برخی از افرادی که دارای ثروت و مال زیادی هستند، همچنان سعی میکنند با آسمان و ریسمان بافتن و با قسم ناحق خوردن و دست درازی به اموال مردم و اموال عمومی و با چپاول و رشوه و ربا و دروغ و راههای گوناگون بر اموال و ثروت خود بیفزایند. اما به راستی اینان فقیرترین افرادند .

و کسانی که به داشته های خود - هر چند کم - قناعت کرده و صرفه جویی نموده و از گرفتن وام و قرض برای زندگی کمی بهتر، پرهیز می کنند و دوستی هایشان با افراد بر اساس ارزش هاست نه ثروت ها، اینان ثروتمند واقعی هستند.

خالی از لطف نیست به داستانی از هارون الرشید توجه کنیم :

روزی هارون الرشید پول بسیار زیادی به بهلول داد و گفت: این پول را ببر و به فقراى بغداد بده چون شنیده ام تو بارها این کار را انجام داده ای!

بهلول پول را گرفت و رفت و پس از چند روز برگشت و مقداری از آن پول را به هارون داد و گفت: این هم سهم شما.

هارون با تعجب پرسید یعنی چه؟ بهلول گفت: خودتان پولی به من دادید که به فقرا بدهم من هم مقداری از آن را به معاونین و سران کشور دادم و این هم سهم شماست.

هارون گفت: مگر دیوانه شده ای؟ من گفتم پول را به فقرا بده و تو به اغنیاء داده ای؟!

بهلول گفت: بسیار جستجو کردم اما از شما فقیرتر نیافتم چرا که به خاطر ثروت دین و آئین و شریعت خود را می فروشید اما حتی کارگران ساده که ظاهرشان فقیر است راضی به این امر نمیشوند و در باطن بی نیاز و ثروتمند هستند.

#### 440. نیایش

1. إلهي أنتَ ذو فضلٍ ومَن \*\*\* وَإِنِّي ذُو خَطَايَا فَاعْفُ عَنِّي

2. وَظَنِّي فِيكَ يَا رَبِّي جَمِيلٌ \*\*\* فَحَقِّقْ يَا إلهي حُسْنَ ظَنِّي

نیایش

1- بار خدایا تو دارای فضل و کرم و منت هستی. و من گنه کار به درگاهت آمده ام، مرا عفو کن.

2- خیال و آرزوی من تویی ای پروردگار زیبایی ها! خدایا خوش بینی ام را محقق فرما.

ص: 443

1. إلهي لا تُعَذِّبني فَإِنِّي \*\*\* مُقِرُّ بِالذِّي قَدْ كَانَ مِنِّي
2. وَمَالِي حِيلَةٌ إِلَّا رَجَائِي \*\*\* بِعَفْوِكَ إِن عَفَوْتَ وَحَسُنَ ظَنِّي
3. فَكَمْ مِنْ زَلَّةٍ لِي فِي الْخَطَايَا \*\*\* عَضَضْتُ أَنَامِلِي وَقَرَعْتُ سِنِّي
4. يُظُنُّ النَّاسُ بِي خَيْرًا وَإِنِّي \*\*\* لَشَرُّ النَّاسِ إِن لَمْ تَعْفُ عَنِّي
5. وَبَيْنَ يَدَيَّ مُحَبَّبَسٌ طَوِيلٌ \*\*\* كَأَنِّي قَدْ دُعِيتُ لَهُ كَأَنِّي
6. أُجِنُّ بِرَهْوَةِ الدُّنْيَا جُنُونًا \*\*\* وَيَقْنَى الْعُمُرُ مِنْهَا بِالتَّمَنِّي
7. فَلَوْ أَنِّي صَدَقْتُ الرَّهْدَ فِيهَا \*\*\* قَلْبْتُ لِأَهْلِهَا ظَهَرَ الْمَجْنُ

زاری به درگاه پروردگار

- 1- خداوندا مرا عذاب نکن، چون من به گناه خود اقرار کرده و پشیمانم.
- 2- خدایا هیچ راهی برای نجات، جز امیدواری به بخشش تو ندارم، خدایا! مرا با عفو و امید به خودت ببخش.
- 3- خدایا! چه لغزش های فراوانی که در اثر آنها انگشت پشیمانی گزیده ام و دندان فشرده ام.
- 4- خدایا مردم تصور می کنند من بنده خوبی هستم، در حالی که اگر مرا عفو نکنی، من شرورترین مردم هستم.
- 5- خدایا زندانی طولانی در پیش دارم، که مرا به سوی آن خوانده ای.
- 6- خدایا سخت شیفته جلوه های دنیا هستم و عمر من با این آرزوها فانی شد.
- 7- خدایا اگر به راستی در این دنیا، زاهدم، سپر را برای دنیاطلبان واژگون کنم.

## 442. اندرزی به امام حسین (علیه السلام)

1. وَمَنْ كَرَّمَتْ طَبَائِعُهُ تَحَلَّى \*\*\* بِآدَابِ مُفَضَّلَةِ حِسَانِ
2. وَمَنْ قَلَّتْ مَطَامِعُهُ تَغَطَّى \*\*\* مِنَ الدُّنْيَا بِأَثْوَابِ الأَمَانِ
3. وَمَا يَدْرِي الْفَتَى مَاذَا يُلَاقِي \*\*\* إِذَا مَا عَاشَ مِنْ حَدَثِ الزَّمَانِ
4. وَإِنْ غَدَرْتَ بِكَ الأَيَّامَ فَاصْبِرْ \*\*\* وَكُنْ بِاللَّهِ مَحْمُودَ المَعَانِي
5. وَلَا تَكُ سَاكِنًا فِي دَارِ ذُلٍّ \*\*\* فَإِنَّ الذُّلَّ تُقَرَّنُ بِالْهَوَانِ
6. وَإِنْ أَوْلَاكَ ذُو كَرَمٍ جَمِيلًا \*\*\* فَكُنْ بِالشُّكْرِ مُنْطَلِقَ النِّسَانِ

اندرزی به امام حسین (علیه السلام)

- 1- هر کسی خصلت های نیکو بزرگوارش می کند، به آداب نیک و شایسته زندگی آراسته می شود. 2- و کسی که نسبت به مردم کم طمع باشد، لباس آرامش و امنیت در دنیا پوشیده است.
- 3- انسان نمی داند در زندگی اش چقدر از گزند دنیا و سختی هایش آزار می بیند.
- 4- اگر روزگار به تو حيله زد، تحمل کن و پندار خود را با خدا در میان بگذار.
- 5- در محیط ذلت بار زندگی نکن، زیرا ذلت خواری به بار می آورد.
- 6- اگر بخشنده ای به تو نیکی کرد، از او سپاسگزار باش و تشکر نما.

\*\*\*

ص: 445

## 443. اگر می خواهی موفق باشی صبر کن

1. الصَّبْرُ مِفْتَاحُ مَا يُرْجَى \*\*\* وَكُلُّ خَيْرٍ بِهِ يَكُونُ

2. فَاصْبِرْ وَإِنْ طَالَتِ اللَّيَالِي \*\*\* فَرُبَّمَا طَوَّعَ الْحَرُونَ

3. وَرُبَّمَا نِيلَ بِاصْطِبَارٍ \*\*\* مَا قِيلَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ

اگر می خواهی موفق باشی صبر کن

1- صبر کلید آرزوهایی است که به آن امیدوار هستی و هر پیشرفتی با صبر به دست خواهد آمد.

2- باید صبر کنی، هر چند تاریکی ها و موانع فراوان باشد، چه بسا اسب چموش با صبر آرام می شود.

3- چه بسا به آرزویی می رسی که دیگران آن را دور می بینند.

نکته:

صبر

رسیدن به هر هدفی در زندگی، چه هدف های علمی و چه اقتصادی و اجتماعی مستلزم عبور و گذشت از موانع و مشکلات و نارسایی هاست و درگیر شدن با این موانع و مشکلات نیاز به سرمایه گذاری دارد، و هیچ سرمایه ای مثل صبر و تحمل و پشتکار در این مواقع کاربرد ندارد.

خداوند کریم در قرآن مجید بارها یادآور می شود که پیروزی در همه کارها و حتی پیروزی بر دشمن نیاز به صبر و استقامت دارد.

صبور بودن و صبر کردن، رمز پیروزی و عبور از مشکلات است تا آنجا که در ضرب المثل های فارسی بسیاری به آن اشاره شده است، از

ص: 446

جمله این که: «گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی».

گفتنی است که تمام نوابغ تاریخ از جاده استقامت و صبر گذر کرده و به سرمنزل مقصود رسیده اند.

مولا (علیه السلام) زندگی و مشکلات را هم چون اسبی چموش دانسته که در مقابل ناهمواری ها کمبودها و اشکال تراشی ها باید صبر و کوشش کرد تا به قله رفیع پیروزی رسید.

#### 444. سختی ها را جدی مگیر

1. لا تَكْرَهُ الْمَكْرُوهَ عِنْدَ نُزُولِهِ \*\*\* إِنَّ الْحَوَادِثَ لَمْ تَزَلْ مُتَّبَايِنَةً

2. كَمْ نِعْمَةٍ لَمْ تَسْتَقِلْ بِشُكْرِهَا \*\*\* لَلَّهِ فِي طَيِّ الْمَكَارِهِ كَاتِبَةٌ

سختی ها را جدی مگیر

1- هر زمان در زندگی با مشکلی مواجه شدی ناخوش نباش زیرا رخدادها همگون و همسان نیستند.

2- بسا نعمت هایی که در لابلای سختی ها نهفته شده و هنوز نفهمیده ای که آن نعمت است تا شکر خدا را گویی باید لطف خدا را در لابلای نگرانی ها پیدا کنی .

#### 445. آسان گیر و سخت مگیر

1. هَوِّنِ الْأَمْرَ تَعِشْ فِي رَاحَةٍ \*\*\* قَلَّ مَا هَوَّنْتَ إِلَّا سَيِّهُونَ

2. لَيْسَ أَمْرُ الْمَرْءِ سَهْلًا كُلَّهُ \*\*\* إِنَّمَا الْأَمْرُ سَهْلٌ وَحَزُونٌ

3. تَطْلُبُ الرَّاحَةَ فِي دَارِ الْعِنَا \*\*\* خَابَ مَنْ يَطْلُبُ شَيْئًا لَا يَكُونُ

ص: 447

1- زندگی را بر خود آسان گیر و راحت باش، کم است کاری را آسانگیری و آسان نشود.

2- هر کاری که برای آدم پیش می آید، ممکن است آسان نباشد، زیرا زندگی و امور دنیا از آسانی ها و سختی ها تشکیل شده است.

3- آیا در زندگی پر رنج دنیا راحتی می خواهی؟ هر کسی نیستی و نابودی جوید نو مید می شود .

### 446. فرصت را غنیمت شمار

1. إِذَا هَبَّتْ رِيَا حُكَ فَاعْتَبِنَهَا \*\*\* فَعُقِبِي كُلَّ خَافِقَةٍ سُّكُونِ

2 وَلَا تَغْفُلْ عَنِ الْإِحْسَانِ فِيهَا \*\*\* وَلَا تَدْرِي السُّكُونُ مَتَى يَكُونُ

فرصت را غنیمت شمار

1- هر زمان باد بر پرچم تو وزید و آماده کار شدی، فرصت را غنیمت شمار زیرا دنبال هر وزیدن باد توقمی است تا تو از آن بهره مند شوی.

2- از کار و نیکی کردن در چنین فرصتی که به دست آمده غافل مشو؛ زیرا معلوم نیست که چه زمانی این باد فروکش می کند.

نکته:

استفاده از فرصت ها

رشد و کمال در جاده های پر پیچ و خم وجود دارد، و در این جاده خطرها و موانع فراوان است، لذا کسی که می خواهد به درجه ای از رشد و کمال علمی، سیاسی، نظامی و اجتماعی برسد، باید همه آن موانع را با



تحمل سختی‌ها پشت سر بگذارد تا موفق شود اما در این میان گاهی فرصت‌هایی پیش می‌آید که اگر فرد با درایت و هوشمندی از آن فرصت‌ها استفاده کند می‌تواند بسیار زودتر به مقصد برسد.

با نگاهی به زندگی بزرگان علم و عرفان و دانشمندان سیاسی و اقتصادی خواهید دید که آنها نیز علاوه بر صبر و استقامت در مقابل موانع و مشکلات در زمان مناسب از فرصت‌های پیش‌آمده نیز به خوبی استفاده کرده و به اهدافشان دست یافته‌اند. به هر حال همان‌گونه که مولا فرموده است: «بادی که امروز می‌ورزد، دیگر بر نمی‌گردد، و تو از این فرصت استفاده کن».

#### 447. روزگار سخت گیرد و من صبر پیشه کنم

1. تَنَكَّرَ لِي دَهْرِي وَلَمْ يَدْرِ أَنِّي \*\*\* أَعَزُّ وَرَوَعَاتُ الْخُطُوبِ تَهُونُ

2. فَظَلَّ يُرِينِي الْخَطْبَ كَيْفَ اعْتَدَاؤُهُ \*\*\* وَبِتُّ أُرِيهِ الصَّبْرَ كَيْفَ يَكُونُ

روزگار سخت گیرد و من صبر پیشه کنم

1- روزگار با من بیگانه شده است و نمی‌داند که من بر مشکلات پیروز خواهم شد و ترس از کارهای وحشتناک و بزرگ برطرف و آسان می‌شود.

2- روزگار دائماً بزرگی سختی‌ها را به رخ من می‌کشد، من هم به او نشان خواهم داد که تحمل و شکیبایی چگونه پیروزی می‌آورد.

## 448. روزگار مرا ادب می کند

1. أَلَدَّهْرُ أَدَّبَنِي وَالْيَأْسُ أَغْنَانِي \*\*\* وَالْقُوْتُ أَفْنَعَنِي وَالصَّبْرُ رَبَّانِي
2. وَأَحْكَمْتَنِي مِنَ الْأَيَّامِ تَجْرِبَةً \*\*\* حَتَّى نَهَيْتُ الَّذِي قَدْ كَانَ يَنْهَانِي

روزگار مرا ادب می کند

- 1- روزگار مرا آداب و رسوم زندگی می آموزد: و ناامیدی را به امید می رساند. یک لقمه غذا مرا قانع می کند و صبر مرا تربیت کرده است.
- 2- تجربه زندگی آن چنان مرا پر قدرت و محکم ساخت که آن کس که مرا راهنمایی می کرد، راهنمایی اش می کنم.

## 449. طمع نورز و خود را خاضع نکن

1. لَا تَخْضَعَنَّ لِمَخْلُوقٍ عَلَى طَمَعٍ \*\*\* فَإِنَّ ذَلِكَ وَهْنٌ مِنْكَ فِي الدِّينِ
2. وَاسْتَرْزِقِ اللَّهَ مِمَّا فِي خَزَائِنِهِ \*\*\* فَإِنَّمَا الْأَمْرُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ
3. إِنَّ الَّذِي أَنْتَ تَرْجُوهُ وَتَأْمَلُهُ \*\*\* مِنَ الْبَرِيَّةِ مَسْكِينٌ بِنِ مَسْكِينِ
4. مَا أَحْسَنَ الدِّينَ وَالدُّنْيَا إِذَا اجْتَمَعَا \*\*\* لَا بَارَكَ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا بِلا دِينِ
5. لَوْ كَانَ بِاللَّبِّ يَزْدَادُ اللَّيْبُ غِنَى \*\*\* لَكَانَ كُلُّ لَبِيبٍ مِثْلَ قَارُونَ
6. لَكِنَّمَا الرِّزْقُ بِالْمِيزَانِ مِنْ حَكَمٍ \*\*\* يُعْطِي اللَّيْبَ وَيُعْطِي كُلَّ مَأْفُونٍ

طمع نورز و خود را خاضع نکن

- 1- هیچ گاه خود را به خاطر طمع از کسی خوار نکن؛ زیرا طمع ورزی موجب سستی در دین می شود.

ص: 450

- 2- از خدا روزی بخواه چون خزانه خدا پُر است و همه چیز بین کاف و نون است [كُنْ فَيَكُونُ].
- 3- از هر موجودی در این دنیا که از او چیزی می خواهی و آرزوی ملاقاتش را داری خود مسکینی فرزند مسکین است .
- 4- چقدر خوب است دین و دنیا در یک جا جمع شود و دنیای بدون دین ارزنده و مبارک نیست
- 5- اگر علم و خردمندی و هوشمندی انسان را بی نیاز می کرد، هر خردمندی مثل قارون می شد.
- 6- لیک روزی هر کس اندازه ای دارد که خداوند مقرر فرموده، حکمت آن حکیم است که هر کدام را روزی معینی بدهد.

#### 450. کوشش و تلاش گاهی جواب ندهد

1. ما لا يَكُونُ فَلَإِ يَكُونُ بِحِيلَةٍ \*\*\* أَبَدًا وَمَا هُوَ كَائِنٌ سَيَكُونُ
2. سَيَكُونُ مَا هُوَ كَائِنٌ فِي وَفْتِهِ \*\*\* وَأَخُو الْجَهَالَةِ مُتَعَبٌ مَحْرُومٌ
3. يَسْعَى الْقَوِيُّ فَلَإِ يَنَالُ بِسَعْيِهِ \*\*\* حَطًّا وَيَحْظَى عَاجِرٌ وَمَهِينٌ

کوشش و تلاش گاهی جواب ندهد

- 1- چیزی که ممکن نیست، هیچ گاه با زرنگی ممکن نمی شود، و هر چه شدنی است، سرانجام خواهد شد.
- 2- هر چه شدنی است، در زمان خود انجام می شود، و فقط نادان است که خود را خسته می کند.
- 3- آدم نیرومند هر چه کوشش کند، به اهداف خود نرسد، لیکن آدم ناتوان و خواری هر چه خواست بشود.

ص: 451

امام باقر(علیه السلام) می فرمایند: خدا را از اینجا شناختم که گاهی هر چه تصمیم گرفتم انجام دهم نشد و کار به گونه ای دیگر غیر از آنچه می خواستم به سرانجام رسید.

در جهان هستی، نظم وجود دارد که در سایه آن همه موجودات جهان می توانند به راحتی زندگی کنند و این امر یکی از اسرار عالم خلقت است که خدای عالم مقتدر به عنوان نظم جهانی به وجود آورده است.

و اگر گاهی کسی و یا موجودی بخواهد برخلاف مسیر رودخانه خلقت حرکت کند، طبیعی است که شکست خواهد خورد و چرخش چرخ جهانی او را از مسیر به بیرون پرتاب می کند.

بنابراین با تمام گفته ها در مسیر و تلاش و کوشش برای رسیدن به هدف، گاه در بعضی از مسائل که ممکن است برای ما قابل درک نباشد با تمام کوششی که برای رسیدن به هدفی انجام

می دهیم دسترسی به خواسته میسر نمی گردد چرا که ممکن است خواسته ما بر خلاف خواست پروردگار متعال و مسیر نظم جهانی باشد بنابراین: هر چه دلم خواست نه آن می شود هر چه خدا خواست، همان می شود

#### 451. هر چه به دست رسید راضی باش

1. إِذَا الْمَرْءُ لَمْ يَرْضَ مَا أَمَكَّنَهُ \*\*\* وَلَمْ يَأْتِ مِنْ أَمْرِهِ أَزِينَهُ

2. وَأَعْجَبَ بِالْعُجْبِ فَأَقْتَادَهُ \*\*\* فَتَاهُ بِهِ النَّيَّةُ فَاسْتَحْسَنَهُ

3. فَدَعُهُ فَقَدْ سَاءَ تَدْبِيرُهُ \*\*\* سَيَضْحَكُ يَوْمًا وَيَبْكِي سَنَهُ

هر چه به دست رسید راضی باش

1- هرگاه مرد به داشته های خود راضی نباشد، و برای بهتر زندگی کردن کار مناسبی انجام ندهد،

2- این چنین آدمی به خودپسندی گرفتار می شود و زمام زندگی خویش را به خود پسندی

می سپارد .

3- با چنین کسی رفاقت و دوستی مکن! چون تدبیر خوبی ندارد، او به خاطر روش بدش، یک روز می خندند، ولی یک سال گریه خواهد کرد.

نکته:

یکی از صفات زشت و ناپسند، خود پسندی است، هر کس به این مرض روانی مبتلا شود، اولاً تمام مردم و حتی دانشمندان و دانشوران را بی ارزش و حقیر می شمارد و حتی قهرمانان تاریخ را ناچیز می داند.

او جز خود کسی دیگر را قبول نداشته و ندارد و در نهایت در جامعه و خانواده و عشیره خود منزوی شده و به امراض روانی گرفتار می شود و زمانی که رشته الفت او و دیگران قطع شد از مزایای یک انسان کارآمد بی بهره می شود.

از این رو، مولا می فرماید: تحت هیچ شرایطی با آدم خود پسند معاشرت نکنید چون تدبیر خوبی ندارد و چنین آدمی نوعاً با درون خویش و مردم در حال نزاع و کمکش است لذا او یک روز می خندد و یک سال گریه می کند چون تعادل روانی ندارد.

## 452. پرهیز از دنیا طلبی

1. عَدُّ عَنْ نَفْسِكَ الْحَيَاةَ فَصُنْهَا\*\*\* وَتَوَقَّ الدُّنْيَا وَلَا تَأْمَنْهَا

ص: 453

2. إِنَّمَا جِئْتَهَا لِتَسْتَقْبِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَتَدْخُلَنَّهُمْ لِيُخْرِجَ مِنْهَا

3. سَوْفَ يَبْقَى الْحَدِيثُ بَعْدَكَ فَأَنْظُرْ \*\*\* أَيُّ أَحَدُوثِهِ تُحِبُّ فَكُنْهَا

پرهیز از دنیا طلبی

1- حیاء را از جان خویش بدان و او را حفظ کن و از دست مده و از دنیا تا می توانی پرهیز کن و از مکر دنیا ایمن مباش .

2- دنیا آمده ای تا از مرگ استقبال کنی و به مرحله تکامل بررسی و مرگ کمال برای انسان است و به دنیا آمده ای تا از آن بیرون روی و به کمالت ادامه دهی.

3- پس از تو در این دنیا سرگذشتی می ماند پس دقت کن که از توجه باقی می ماند.

[توضیح: در متن عربی به جای حیاء، حیات آمده و این یک اشتباه است.]

نکته:

حیاء

از ارزنده ترین صفات درونی انسان حیاء است که نوعاً حیوانات از این موهبت الهی بی بهره هستند ( البته بعضی از حیوانات نیز تا حدودی از این موهبت برخوردارند). پس از آموزه های الهی و اسلامی، یکی از صفاتی که باعث کنترل اعمال زشت در جامعه می شود، حیاء است.

لذا در حدیث داریم: «کسی که حیاء ندارد دین ندارد». همسو بودن حیاء و دین نشان دهنده آن است که حیاء در درون انسان ها، نقش پیامران را ایفا می کند لذا یک جامعه بی حیاء یعنی یک جامعه بی بند و بار که همه حرکات و اعمال ضد اخلاقی و ضد بشری در آن جاری و ساری است.

ص: 454

1. دُنْيَا تَحُولُ بِأَهْلِهَا \*\*\* فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ

2. فَغُدُوها لِتَجْمَعُ \*\*\* وَرَوَاحُها لِشَتَاتِ بَيْنِ

دنیا یعنی جمع و تفریق

1- دنیا هر روز انسان ها را در دو حال نگه می دارد.

2- روزها بین انسان ها جمع می کند تا چرخ اقتصاد و علم به گردش درآید و شب ها همه را پراکنده می کند تا بخوابند و استراحت کنند.

نکته:

زندگی انسان ها سرشار از سکون و حرکت و آرامش و تلاش است.

روزها، برای اداره زندگی خویش همچون مورچگان از محل استراحت بیرون می روند و غروب پس از تلاشی برای گذران زندگی، به خانه بر می گردند و تا به صبح به آرامش می پردازند.

اداره کشور و توانایی انسان از این رهگذر است و اگر به گونه ای عمل که نتیجه غیر از این باشد برخلاف مسیر حرکت کرده و هر اندازه که خارج از مسیر برویم به همان اندازه زیان خواهیم دید.

به هر حال، حیات انسانی در بستر قانون تکوینی الهی باید اداره شود.

(وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا \* وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَاسًا \* وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا) (1)

حال اگر شب را بیدار باشیم و روز را بخوابیم، نتیجه معلوم است که این حرکت غیر طبیعی عوارض روانی و جسمی و اجتماعی دارد.

بخش قابل توجهی از ناهنجاریهای جامعه ما معلول روش و منش انسان هاست که از سیر خط آفرینش انحراف پیدا کرده، لذا در تمام زمینه ها انحراف پیدا می کند .

ص: 455

1. هَذَا زَمَانٌ لَيْسَ إِخْوَانُهُ \*\*\* يَا أَيُّهَا الْمَرْءُ يَا خَوَانَ
2. إِخْوَانُهُ كُلُّهُمْ ظَالِمٌ \*\*\* لَهُمْ لِسَانَانِ وَوَجْهَانِ
3. يَلْقَاكَ بِالْبَشْرِ وَفِي قَلْبِهِ \*\*\* دَاءٌ يُوَارِيهِ بِكَيْتَمَانِ
4. حَتَّى إِذَا مَا غَبَّتْ عَنْ عَيْنِهِ \*\*\* زَمَاكَ بِالزُّورِ وَبُهْتَانِ
5. هَذَا زَمَانٌ هَكَذَا أَهْلُهُ \*\*\* بِالْوَدِّ لَا يَصْدُقُكَ اثْنَانِ
6. يَا أَيُّهَا الْمَرْءُ فَكُنْ مُفْرَدًا \*\*\* دَهْرَكَ لَا تَأْنَسُ بِإِنْسَانِ

یاران زمان

- 1- زمانه ای است که برادری نمانده و برادران رسم و رسوم برادری ندانند.
- 2- برادرانش همواره ستمکارند، آنها دو زبان و دو چهره دارند.
- 3- در ملاقات با تو جذاب و خوش زبانند و در قلبشان دردی است که آن را پنهان می کنند.
- 4- از چشم آنها که دور شوی با تیر دروغ و بهتان تو را تیرباران می کنند.
- 5- زمان های است که مردمانش در دوستی دو نفر نیز به تو راست نگویند.
- 6- ای مرد تا زنده ای، خودت باش و خویش را تمام و کامل در اختیار کسی نگذار.

نکته

دلا یاران سه قسمندار بدانی \*\*\* زبانی اند و نانی اند و جانی

به نانی نان بده از در برانش \*\*\* نوازش کن به یاران زبانی

برو تو یار جانی را به دست آر \*\*\* به راهش جان بده تا می توانی



حضور و نقش برادر، دوست و یار در فرهنگ، نقش پر رنگی است که حتی در جریان مبارزه موسی بن عمران، حضرت موسی از خدا می خواهد:

( هَارُونَ أَخِي أَشَدُّ... )؛ خدایا، هارون برادرم را مأموریت بده تا یاریم کند، و در جواب می فرماید:

( سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ ).

و پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) علی (علیه السلام) را برادر خود خواند و فرمود: نقش علی،

چون نقش هارون با حضرت موسی است، او برادر من است.

و قرآن می فرماید: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ مُؤْمِنِينَ برادر یکدیگرند.

اما زمانی که این نقش کم رنگ شود، همان می شود که شده است.

#### 455. مرد

1. لَا يَأْمَنَنَّ عَلَى النِّسَاءِ أَخٌ أَخًا \*\*\* مَا فِي الرَّجَالِ عَلَى النِّسَاءِ أَمِينٌ

2. كُلُّ الرَّجَالِ وَإِنْ تَعَفَّفَ جَهْدَهُ \*\*\* لَا بُدَّ أَنْ يَنْظُرَةَ سَيِّحُونَ

3. وَالْقَبْرُ أَوْفَى مَنْ وَلِقْتَ بَعْدَهُ \*\*\* مَا لِلنِّسَاءِ سِوَى الْقُبُورِ حُصُونٌ

مرد

1- در کار، زنان برادر از برادر ایمن نباشد، و مردان در کنار زنان امین نیستند.

2 مردها هر چه در پاکی تلاش کنند، ممکن است با یک نگاه خیانت کنند.

3- گور پیمان دارترین کسی است که به پیمانش، دل توانی بست و زنان را جز قبر دژی نباشد تا محفوظ بمانند.

نکته:

در مورد زنان و معاشرت با آنان توجه به این نکته که در توضیح المسائل امام خمینی، به شماره 2445 آمده، ضروری است:

«بودن زن و مرد نامحرم به تنهایی در خانه اشکال دارد».

ص: 457

اگر به خصوصیات مرد توجه شود که به راحتی تحت تأثیر بعضی از مسائل، خصوصاً مسئله شهوت قرار می‌گیرد، و از سویی زن که در این مسئله با توجه به بافت وجودی اش که جاذبه هم دارد، آنگاه متوجه می‌شویم که مولا علی (علیه السلام) با صراحت بیان می‌کند که در کار زنان، برادر باید ایمن از برادرش نباشد، و مرد هر چه تلاش کند و پاکی را شعار خود قرار دهد، ممکن است پایش بلغزد و اتفاقی بیفتد که هم خلاف اخلاق و هم خلاف شرع باشد، لذا مرد و زن مؤمن باید به این نکته اخلاقی با تمام وجود توجه کنند.

#### 456. زن

1. لَئِنْ حَافَتْ لَا يَنْقُضُ التَّأْيِيَّ عَهْدَهَا \*\*\* فَلَيْسَ لِمَنْخُوبِ الْبَنَانِ يَمِينُ

2. وَإِنْ هِيَ أَعْطَتْكَ اللَّيَانَ فَإِنَّهَا \*\*\* لِعَيْرِكَ مِنْ خُلَانِهَا سَتَلِينُ

3. تَمَتَّعْ بِهَا مَا سَاعَفْتَكُ وَلَا تَكُنْ \*\*\* عَلَيْكَ سَجِيٍّ فِي الصَّدْرِ حِينَ تَبِينُ

زن

1- اگر زن سوگند یاد کند که دوری از شویش، پیمان زناشویی را نمی‌شکند، رنگین - انگشتان را سوگندی نباشد.

2- اگر با تو نرمی کرده است برای دیگران نیز ممکن است نرمی کند.

3- تا با تو دوست است از دوستی او بهره مند باش و اگر بگسلد و دوری کند اندوه به دل راه مده، چون عادتش این است.

\*\*\*

ص: 458

1. قالوا حَبِيبُكَ دَانَ مِنْكَ مُقْتَرِبٌ \*\*\* وَأَنْتَ ذُو وَلَةٍ فِي الْحُبِّ حَيْرَانُ

2. فَقُلْتُ قَدْ يُحْمَلُ الْمَاءُ الطَّهُورُ عَلَيَّ \*\*\* ظَهَرَ الْبَعِيرِ وَيَسْرِي وَهُوَ ظَمَانُ

در کنار یار ولی ناکام

1- می گویند حبیب تو پیش تو است و نزدیک تو است، ولی تو هم چنان شیدا و سرگشته ای .

2- به او می گویم گاه آب زلال و خوشگوار بر پشت شتر است ، و شتر آن را حمل می کند در حالی که تشنه است.

نکته:

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد\*\*\* آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد

گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است \*\*\* طلب از گمشدگان لب دریا می کرد

بی دلی در همه احوال خدا با او بود\*\*\* او نمی دیدش و از دور خدایا می کرد

بیراهه نرو و چشم به هر کس ندوز و دل امید به این و آن مبند، در بیرون دنبال هر چه هستی بهتر از آن را در درونت داری. در کجا دنبال خدا می گردی؟ چرا راحت را دور می کنی؟ از خودت شروع کن تا به همه چیز برسی. فراموش نکن که به شدت نیازمند بازنگری جدی به خویش هستی یک بار دیگر خودت را کاوش کن و کتاب دلت را مطالعه کن تا زیبایی های ناپیدای آن را آشکارا تماشا کنی. مطمئن باش که اگر با توکل به خدا و با امید و شور و نشاط به سوی

هدف مقدسی که داری حرکت کنی آن چه را که آرزومندش هستی در آغوش جان خواهی کشید.

#### 458. به عمر ابن خطاب در سوگ فرزندش

1. إِنَّا نَعْرِيكَ لَا أَنَا عَلَىٰ تَقَةٍ \*\*\* مِّنَ الْحَيَاةِ وَلَكِنْ سُنَّةُ الدِّينِ

2. فَلَا الْمُعْتَنَىٰ بِبَاقٍ بَعْدَ مَيِّتِهِ \*\*\* وَلَا الْمُعَزَّىٰ وَلَوْ عَاشَا إِلَىٰ حِينِ

به عمر ابن خطاب در سوگ فرزندش

1- اگر به تو تسلیت می گوئیم نه به خاطر آن است که به زنده ماندن خودمان اطمینان داریم این کار اولین وظیفه دینی ما است.

2- آری، نه سوگوار پس از مرده اش باقی می ماند و نه تسلیت گوی جاوید می ماند، هر چند که تا موعدهش، چند روزی زنده باشند.

#### 459. دل به غربت نبند

يَا قَوْمَ لَا تَرْغَبُوا فِي غُرْبَةٍ أَبَدًا \*\*\* إِنَّ الْغَرِيبَ غَرِيبٌ حَيْثُ مَا كَانَا

دل به غربت نبند

یاران هرگز دل به غربت نبندید که بیگانه هر جایی که باشد بیگانه است.

#### 460. نیایش

1. لَوْلَا الدِّينَ لَهُمْ وَرَهْ يُقَوْمُونَا \*\*\* وَآخِرُونَ لَهُمْ سَرَدٌ يَصُومُونَا

2. تَدَكَّدَكْتَ أَرْضَكُمْ مِّنْ تَحْنِكُمْ سَحْرًا \*\*\* لِأَنَّكُمْ قَوْمٌ سَوْءٌ لَا تُطِيعُونَا

ص: 460

- 1- اگر نبودند افرادی که شبها نخواستند و در حال دعا هستند، و آنان که روزها پیایی روزه می گیرند.
- 2- زمین در سپیده دمی از هم متلاشی می شد و از هم می پاشید؛ زیرا شما بد مردمی هستید که فرمان الهی را نمی برید .

### 461. سعد و نحس ایام

1. أَتَانِي يُهْدِدُنِي بِالنُّجُومِ \*\*\* وَمَا هُوَ مِنْ شَرِّهَا كَائِنٌ

2. ذُنُوبِي أَخَافُ فَأَمَّا النُّجُومُ \*\*\* فَآتِي مِنْ شَرِّهَا أَمِنْ

سعد و نحس ایام

- 1- یک نفر پیش من آمد و مرا از گردش بعضی ستارگان و آسیب هایشان ترسانید و تهدید کرد.
- 2- در برابر این تهدید می گویم از گناهان خود می ترسم اما از شر ستارگان در امانم چون حرف پوچی است.

نکته:

از دیر زمان خرافات در زندگی انسان ها وجود داشته و اسب خرافات همیشه در تاریخ بشر در جولان بوده و هست. انسان هر چه از آموزه های دینی و علمی و آگاهی دور باشد به خرافه و خرافه گویی پایبندتر است.

معتقدترین و عالم ترین انسانها به خداوند خرافات را محکوم می کنند و خرافه گویی و خرافه پسندی روش و کار ناداران و افرادی که از آموزه های دینی دورند.

ص: 461

## 462. فال نیک

تَقَالُ بِمَا تَهْوَى يَكُنْ فَلَئِمًا \*\*\* يُقَالُ لِسَيِّءٍ كَانَ إِلَّا تَكُونَا

فال نیک

به آنچه مایلی تفال بز، کم گفته اند که: شود، و خود نشود.

## 463. اصالت ما

1. نَحْنُ الْكِرَامُ بَنُو الْكِرَامِ \*\*\* وَطِفْلُنَا فِي الْمَهْدِ يُكْنَى

2. إِنَّا إِذَا قَعَدَ اللَّيْلُ \*\*\* عَلَى بَسَاطِ الْعِزِّ قُمْنَا

اصالت ما

1- ما گرامیان هستیم فرزند گرامیان و کودکان ما هنگامی که در گهواره اند به کنیه (1) خوانده می شوند.

2- وقتی ببینیم افراد پست و زیون بر مسند عزت و حکومت نشسته اند بیا می خیزیم و با آنها مبارزه می کنیم.

## 464. رمز نام محمد صلی الله علیه وآله وسلم

1. أَلَا خُذْ وَعَدَ مُوسَى مَرَّتَيْنِ \*\*\* وَصَعُ أَصْلَ الطَّبَائِعِ تَحْتَ ذَيْنِ

2. وَسِكَّةُ خَانَ شَطْرَنْجٍ فَخُذْهَا \*\*\* وَأَدْرِجْ بَيْنَ ذَيْنِ الْمُدْرَجِينَ

3. فَذَلِكَ إِسْمٌ مَنْ يَهْوَاهُ قَلْبِي \*\*\* وَقَلْبُ جَمِيعِ مَنْ فِي الْخَافِقِينَ

ص: 462

---

1- در فرهنگ عرب کسی را با کنیه صدا زدن نشانه احترام است.

- 1- وعده خداوند از موسی (اربعین ليله) را دوبار بگیر (م. م : 40 + 4) و اصل عنصرهای طبیعت [د = 4] را دنبال آن دو بگذار.
- 2- و یک ردیف از خانه های شطرنج [1 ج = 8] را بگیر و در میان آن دوتای همانند بگذار.
- 3- این چهار حرف [= محمد] نام کسی است که قلب همه عاقلان را ربوده است.

### 465. خوراک به درویش داد دخت پیامبر فاطمه زهرا (علیها السلام)

1. فَاطِمَ ذَاتِ الْمَجْدِ وَالْيَقِينِ \*\*\* يَا بِنْتَ خَيْرِ النَّاسِ أَجْمَعِينَ
2. أَمَا تَرَيْنَ الْبَائِسَ الْمِسْكِينَ \*\*\* قَدْ قَامَ بِالْبَابِ لَهُ حَيْنِ
3. يَدْعُو إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَكِينِ \*\*\* يَشْكُو إِلَيْنَا جَائِعًا حَزِينِ
4. كُلُّ أَمْرٍ بِكَسْبِهِ رَهِينِ \*\*\* وَفَاعِلُ الْخَيْرَاتِ مَنْ يَدِينِ
5. مَوْعِدُهُ جَنَّةٌ عَلِيَّةٌ \*\*\* حَرَمَهَا اللَّهُ عَلَى الضَّنِينِ
6. وَلِلْبَخِيلِ مَوْقِفٌ حَزِينِ \*\*\* تَهْوِي بِهِ النَّارُ إِلَى سَجِينِ
7. شَرَابُهُ الْحَمِيمُ وَالْغَسْلِينِ \*\*\* يَمَكُثُ فِيهِ الدَّهْرُ وَالسِّنِينِ

خوراک به درویش داد

دخت پیامبر فاطمه زهرا (علیها السلام)

- 1- ای فاطمه، ای بزرگوار دارای عظمت و یقین، ای دخت بهترین انسان ها .
- 2- این بینوای فقیر را میبینی که درب خانه ایستاده و ناله می کند .

3- او خدا را می خواند و ناله می کند و از فرط گرسنگی با آه و ناله به نزد ما آمده .

4- هر انسانی گروهان اعمال خویش است و نیکوکار کسی است که به خدا وام دهد.

5- در قبال این معامله خداوند جای او را در بهشت برین قرار می دهد جایی که به آدم بخیل نخواهد داد.

6- برای بخیل جایگاهی اندوهبار آماده شده آتش جهنم او را به «سجین» مکانی در انتهای جهنم فرو خواهد انداخت.

7- نوشیدنی در جهنم آب سوزان و چرکا به زخم دوزخیان است و او باید در جهنم بماند.

### 466. پاسخ فاطمه (علیها السلام)

1. أَمْرُكَ سَمِعُ يَا بَنَ عَمِّ طَاعَهُ \*\*\* أُطِعْمُهُ وَلَا أَبَالِي السَّاعَةَ

2. أَرْجُو إِذَا أَشْبَعْتُ ذَا الْمَجَاعَةِ \*\*\* أَنْ أَدْخَلَ الْخُلْدَ وَلِي شَفَاعَةَ

پاسخ فاطمه (علیها السلام)

1- ای پسر عمو دستور تو را شنیدم و اطاعت می کنم، او را غذا می دهم و هیچ نگرانی ندارم.

2- هر زمان که گرسنه ای را سیر می کنم، آرزو دارم که وارد بهشت جاویدان شوم و اهل شفاعت دیگران باشم.

\*\*\*



1. أَمِنْ تَذَكُّرِ قَوْمٍ غَيْرِ مُلْعُونٍ \*\*\* أَصْبَحْتَ مُكْتَتِبًا تَبْكِي لِمَحْزُونٍ
2. أَمِنْ تَذَكُّرِ أَقْوَامٍ ذَوِي سَفَهٍ \*\*\* يَعْشَوْنَ بِالظُّلْمِ مَنْ يَدْعُو إِلَى الدِّينِ
3. لَا يَنْتَهُونَ عَنِ الْفَحْشَاءِ مَا أَمُرُوا \*\*\* وَالغَدْرُ مِنْهُمْ سَبِيلٌ غَيْرُ مَأْمُونٍ
4. أَلَا يَرَوْنَ أَقْلَ اللَّهِ خَيْرَهُمْ \*\*\* إِنَّا غَضِبْنَا لِعُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ
5. أَنْ يَلْطَمُوهُ وَلَا يَخْشَوْنَ مُقْلَتَهُ \*\*\* طَعْنَا دِرَاكًا وَضَرْبًا غَيْرَ مَوْهُونٍ
6. فَسَوْفَ نَجْزِيهِمْ إِنْ لَمْ نَمُتْ عَجَلًا \*\*\* كَيْلًا بِكَيْلٍ جَزَاءً غَيْرَ مَعْبُونٍ
7. أَوْ يَنْتَهُونَ عَنِ الأَمْرِ الَّذِي وَفَقُوا \*\*\* فِيهِ وَيَرِضُونَ مِنَّا بَعْدَ بالدُّونِ
8. وَتَمْنَعُ الصَّيْمَ مَنْ يَرِجُو هَضِيمَتَنَا \*\*\* بِكُلِّ مُطْرِدٍ فِي الكَفِّ مَسْنُونِ
9. وَمُرْهَفَاتٍ كَأَنَّ المِلْحَ خَالَطَهَا \*\*\* نَشْفِي بِهَا الدَّاءَ مِنْ هَامِ المِجَانِينِ
10. حَتَّى يَقْرَءَ رِجَالٌ لَا حُلُومَ لَهُمْ \*\*\* بَعْدَ الصُّعُوبَةِ بِالإِسْمَاحِ وَالدِّينِ
11. أَوْ يُؤْمِنُوا بِكِتَابٍ مُنْزَلٍ عَجَبٍ \*\*\* عَلَى نَبِيِّ كَمْوَسَى أَوْ كَذِي الثُّونِ
12. يَأْتِي بِأَمْرِ جَلِيٍّ غَيْرِ ذِي عَوْجٍ \*\*\* كَمَا تَبَيَّنَ فِي آيَاتِ يَاسِينِ

در باره عثمان فرزند مظعون

زمانی که مسلمانان در شهر مکه مورد آزار و اذیت کفار بودند، عثمان فرزند مظعون، روزی از میان جمعی از قریش برخاست و در رابطه با مخالفت آنها با رسول خدا صحبت کرد.

ناگهان جوانی قریشی بلند شد و با سلی محکم به صورت عثمان کوبید و او را اذیت کرد و چشم عثمان آسیب دید و کبود شد. ولید فرزند مغیره، عثمان را دلداری داد. عثمان به ولید ابن مغیره گفت: چشم سالم من در دفاع از رسول خدا و اسلام، به این آزار نیاز داشت و باید معیوب می گردید.

1- آیا از یاد مردی بی گناه که مورد ستم قرار گرفت اندوهگین شده ای و گریه می کنی؟

2- و یا آدم های نادان و جاهل را به یاد می آوری که با ستم و ظلم خویش، طرفداران دین خدا را آزار دادند؟

3- آن گروه جاهل و نادان، از کارهای زشت خویش دست برنداشته و از سران فاسد خود دستور گرفته اند، آنها کسانی هستند که از پیمان شکنی آنها ما آسوده نیستیم و هم اکنون به دنبال تبهکاری هستند.

4- آیا آنها درک نمی کنند که خداوند طرفداران آنها را به حداقل رسانیده و گروهکشان بسیار ناچیز شده است. طبیعی است که ما در داستان عثمان بن مظعون عصبانی باشیم.

5- امروز هم ادامه انحرافی است که دیروز داشتند و امروز نیز به آزارشان ادامه می دهند، آنها به عثمان سیلی زدند و از کوری او باک نداشتند، ضرباتی پی در پی و کوفتی سخت و بی شرمانه .

6- اگر نمیریم به زودی آنها را کیفر دهیم، پیمان به پیمان و پاداشی برابر (سیلی در مقابل سیلی). 7- این مقابله به مثل ادامه خواهد داشت تا آنها از مخالفت خویش دست بردارند و به شکست خویش راضی شوند.

8- و در مقابل ستم می ایستیم، مادامی که این سیاست را ادامه دهند و هر که را امید به کاستن حق باشد، به تیغ برنده و تیزی که در دست داریم تنبیه کرده و باز خواهیم داشت.

9- با شمشیرهای تیز که گویا با نمک آبشان داده اند، در دسر دیوانگان را شفا خواهیم داد.

10- این سیاست ادامه دارد تا مردان بیخرد آنان پس از دشواری سرانجام به فرمانبرداری و نرمش گردن نهند

11- یا تسلیم شوند و به قرآن شگفت انگیز ایمان بیاورند که بر پیامبری چون موسی و ذوالنون فرود آمد.

12- و بدون کجروی و بدون انحراف ایمان بیاورند ز همان گونه که در سوره یاسین آمده، تسلیم خدا شوند.

### 468. در جنگ بدر فرمود

1. قَدْ عَرَفَ الْحَرْبُ الْعَوَانَ أُمَّي \*\*\* بَاذِلُ عَامِينَ حَدِيثُ سِنِّ

2. سَنَحْنَحُ اللَّيْلَ كَأَنِّي جِنِّي \*\*\* أَسْتَقْبِلُ الْحَرْبَ بِكُلِّ فَنِّ

3. مَعِيَ سِلَاحِي وَمَعِيَ مِجَنِّي \*\*\* وَصَارِمٌ يُذْهِبُ كُلَّ ضِعْنِ

4. أَقْصِي بِهِ كُلَّ عَدُوِّ عَنِّي \*\*\* لِمِثْلِ هَذَا وَلَدَّتْنِي أُمَّي

در جنگ بدر فرمود

1- میادین جنگ به خوبی مرا می شناسند که چون شتر جوان نیش برآمده دو ساله ام.

2- نه تنها روزها، بلکه شب ها نیز هم چون جن خود را نشان می دهم و جنگ را با شگردهای گوناگون ادامه می دهم.

3- همراهم اسلحه جنگی و سپر و شمشیر تیزی است که در دست من کینه و کینه ورز را نابود می کند.

4- با این سلاح هر دشمنی را هر چند قدرتمند باشد دور می کنم مادرم مرا بر این توانایی و بیداری و هشیاری رهنمون بوده و زائیده است .

ص: 467

## 469. ترسانیدن در جنگ، جنگ روانی

1. سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ فِي يَمِينِي \*\*\* وَفِي يَسَارِي قَاطِعِ الْوَتِينِ

2. وَكُلُّ مَنْ بَارَزَنِي يَجِينِي \*\*\* أَضْرِبُهُ بِالسَّيْفِ عَنْ قَرِينِي

3. مُحَمَّدٌ وَعَنْ سَبِيلِ الدِّينِ \*\*\* هَذَا قَلِيلٌ عَنْ طَلَابِ الْعَيْنِ

ترسانیدن در جنگ، جنگ روانی

1- در دست راستم شمشیر رسول خدا است و پاره کننده رگ قلب را در دست چپم دارم .

2- هر کسی قدرت و جرأت دارد به جنگ من بیاید، که من با شمشیر به او حمله ور می شوم و از نزدیکترین کسانی که دفاع می کنم .

3- از رسول خدا محمد و راه دین و اسلام دفاع می کنم این کار برای کسانی که در طلب چشم درشتان بهشتند، اندک است.

## 470. دفاع از دین

الْيَوْمَ أَبْلُو حَسَبِي وَدِينِي \*\*\* بِبَصَارِمِ يَحْمِلُهُ يَمِينِي

عِنْدَ اللَّقَاءِ أَحْمِي بِهِ عَرِينِي

دفاع از دین

امروز شخصیت خانوادگی ام و دین خود را با شمشیر تیزی که در دست دارم، آزمایش می کنم در لحظه نبرد از حیثیت و هستی خود دفاع خواهم کرد.

ص: 468

### 471. دوشیر در میدان جنگ

أَسَدٌ عَلَى أَسَدٍ يَصُولُ بِصَارِمٍ \*\*\* عَصْبُ يَمَانٍ فِي يَمِينِ يَمَانٍ

دوشیر در میدان جنگ

شیری بر شیر دیگری حمله می کند، با شمشیر برنده یمنی که در دست مرد یمنی است.

### 472. به فرزندش محمد حنفیه در جنگ جمل

أَقْحِمِ فَلَا تَنَالِكَ الْأَسِنَّةَ \*\*\* وَإِنَّ لِلْمَوْتِ عَلَيْكَ جُتَّةَ

به فرزندش محمد حنفیه در جنگ جمل

آنچنان به دشمن حمله کن که سرعتت از تیر بیشتر باشد و بدان که در برابر مرگ < خدا برایت سپری قرار داده .

### 473. عمرو عاص در جنگ صفین گوید

1. يَا قَادَةَ الْكُوفَةِ مِنْ أَهْلِ الْفِتَنِ \*\*\* يَا قَاتِلِي عُثْمَانَ ذَاكَ الْمُؤْتَمَنُ

2. كَفَىٰ بِهَذَا حَزَنًا مِنَ الْحَزَنِ \*\*\* أَضْرِبُكُمْ وَلَا أَرَىٰ أَبَا الْحَسَنِ

عمرو عاص در جنگ صفین گوید

1- ای رهبران کوفه، ای آشوبگران، ای کشتندگان عثمان، آن مرد استوار!

2- مرگ عثمان برای ما کافی است که دلیلی برای جنگ داشته باشیم و من با شمشیر شما را می کوبم، ولی ابوالحسن را نمی بینم!

در طول تاریخ، وارونه کردن حقایق و جو سازی و تهمت و افتراء علیه انسان های والا و کارآمد یک روش ناجوانمردانه و غیر انسانی و یک سنت زشت و ناپسند بوده و هست.

این روش غیر منصفانه همراه با پیدایش فرهنگها در زندگی تبه کاران و مجرمان و منافقان به وجود آمده است و تاکنون ادامه دارد.

امروزه، با نگاهی گذرا به وضعیت موجود کشورها، به خصوص کشورهای اسلامی، این واقعیت تلخ به خوبی مشاهده می شود.

جهان اسلام و ممالک اسلامی و کشور اسلامی ما نیز، بابت این رفتار ناجوانمردانه تاوان سنگینی پرداخته و می پردازد.

این گفتار عمرو عاص از آن نمونه است که دل هر انسان آزاده ای را به درد می آورد. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

و در نهایت جواب مولاست که در پی می آید و این جواب انسان بزرگواری است که در طول تاریخ مورد هجوم ناجوانمردانه قرار گرفته اند.

#### 474. جواب امام به عمرو عاص

1. أَنَا الْإِمَامُ الْقُرَشِيُّ الْمُؤْتَمَنُ \*\*\* الْمَاجِدُ الْأَبْلَجُ لَيْتَ كَالْقَطْنِ

2. يَرْضَى بِهِ السَّادَةُ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ \*\*\* مِنْ سَاكِنِي نَجْدٍ وَمِنْ أَهْلِ عَدَنٍ

أَبُو حُسَيْنٍ فَأَعْلَمَنْ وَبُو حَسَنُ

جواب امام به عمرو عاص

1- من پیشوای استوار قریش ام، مردی با عظمت گشاده روی و با آبرو، و شیری که همانند کوه قطن استوارم .

2- بزرگواران کشور یمن مرا قبول دارند چه ساکنان نجد و چه اهالی عدن.

بدان که من پدر حسین و حسن هستم

#### 475. حضرت در صفین فرمود:

1. أَلَا اخذُوا في حَرْبِكُمْ أَبَا الْحَسَنِ \*\*\* وَلَا تَرَوْمُوهُ فَذَا مِنَ الْغَيْبِ

2. فَإِنَّهُ يَذُقُكُمْ دَقَّ الطَّحْنِ \*\*\* وَلَا يَخَافُ فِي الْهِيَاجِ مِنْ وَهْنٍ

وَقَدْ غَذِيَ فِي الْبَأْسِ فِي وَقْتِ اللَّبَنِ

حضرت در صفین فرمود:

1- در جنگ با علی احتیاط کنید و بترسید آهنگ او مکنید که به زیان شما است.

2- همان گونه که آسیا گندم را نرم و آرد می کند، او شما را خاکستر می کند و در جنگ از سستی نترسد.

او از شیر خواری برای جنگیدن تربیت شده است.

#### 476. رجز عبدالله راسی در نهر روان

أَضْرِبُكُمْ وَلَا أَرَى أَبَا الْحَسَنِ \*\*\* ذَاكَ الَّذِي ظَلَّ إِلَى الدُّنْيَا رَكْنَ

رجز عبدالله راسی در نهر روان

شماها را نابودتان می کنم. چرا ابوالحسن پیدا نیست؟ همان که به دنیا چسبیده و گراییده است.

ص: 471

نکته:

آنچه که در نکات پیشین بارها آوردم در این رجز عبدالله راسی نیز به چشم می خورد. او که هم حافظ قرآن بود و هم نماز شب خوان، با کمال تعجب به خاطر کج فهمی و دوری از حقایق فرهنگ ناب اسلام، تا آنجا پیش می رود که علی (علیه السلام) را طالب دنیا معرفی می کند.

و امام بزرگوار، آن مرد را که سیمای عابدان را داشت، به عنوان مشرک و فریب خورده معرفی می کند. و دردآور آنجاست که این رفتارهای زشت و ناجوانمردانه را

امروزه نیز در بسیاری از کشورهای اسلامی و حتی کشور خودمان مشاهده میکنیم که چه انسانهای بزرگ و کارآمدی قربانی این سیاست ها شده و حتی بزرگانی را که در راه انقلاب از همه چیزشان گذشتند، دنیا طلب و فریب خورده معرفی کرده اند.

افسوس که دست ستم و ظلم برانداخت \*\*\* هر شاخ برومند که امید بری داشت

#### 477. جواب امام به راسی

يَا أَيُّهَا الْمُشْرِكُ يَا مَنْ افْتَنَّ \*\*\* وَالْمُتَمَنِّي أَنْ يَرَى أَبَا الْحَسَنِ

إِلَيَّ فَاَنْظُرْ أَيُّنَا يَلْقَى الْعَبْنَ

جواب امام به راسی

ای مشرک، ای فریب خورده و آرزومند دیدار ابوالحسن! به سوی من آی و ببین چه کسی در این میدان می بازد.

ص: 472



#### 478. مردی از خوارج به میدان آمد و رجز خواند

أَصْرِبُكُمْ وَلَا أَرَىٰ أَبَا الْحَسَنِ \*\*\* أَلَيْسَهُ بِصَارِمِي تُؤَبِّبُ الْعَيْنُ

مردی از خوارج به میدان آمد و رجز خواند

همه شما را می‌کوبم و چرا ابوالحسن را نمی‌بینم؟ با شمشیر خود جامه ای از خون برایش می‌دوزم.

#### 479. امام از میان نیروها بیرون آمد و گفت :

يَا أَيُّهَا ذَا الْمُبْتَغِي أبا الْحَسَنِ \*\*\* إِلَيْكَ فَأَنْظُرُ أَيُّنَا يَلْقَى الْعَيْنُ

امام از میان نیروها بیرون آمد و گفت :

ای کسی که ابوالحسن را می‌جویی، اینک آمدم، به من نگاه کن تا ببینم در این رزم چه کسی می‌بازد.

#### 480. سیری خران برای گرسنگی شیران

1. أَرَى حُمْرًا تَرْعى وَتَعْلِفُ مَا تَهْوَى \*\*\* وَأُسْدًا جِيعًا تَظْمَأُ الدَّهْرَ مَا تَرَوَى

2. وَأَشْرَافَ قَوْمٍ مَا يَنَالُونَ قُوَّتَهُمْ \*\*\* وَقَوْمًا لِيَأْمَأَ تَأْكُلُ الْمَنَ وَالسَّلْوَى

3. فَضَاءٌ لِخَلَاقِ الْخَلَائِقِ سَابِقُ \*\*\* وَلَيْسَ عَلَى رِدِّ الْقَضَا أَحَدٌ يَقْوَى

4. وَمَنْ عَرَفَ الدَّهْرَ الْخَوُونَ وَصَرْفَهُ \*\*\* تَصَبَّرَ الْبَلْوَى وَلَمْ يُظْهَرْ الشَّكْوَى

ص: 473

1- خرانی را می بینم در حال چریدن، آنها هر چه می خواهند می چرند و شیران گرسنه ای که همیشه تشنه خون هستند و سیراب نمی شوند.

2- خوبان و شایستگان ملت، غذای مورد نیاز خویش را به چنگ نمی آورند، و در مقابل، پست فطرتانی را میبینم که لذیذترین غذاها را می خورند.

3- این خواست و اراده خداوند و خالق خلق است که همیشه بوده و هیچ کس قدرت آن را ندارد قضای خداوند را تغییر دهد.

4- هر کس روزگار خیانتکار را ببیند و سرگذشت گذشتگان را بداند در سختی ها صبر میکند و نمی نالد .

نکته:

در اداره حکومت ها و انقلاب ها و کشورها، عده ای پست فطرت با جا گرفتن در پست های حساس و دست یازی به اموال مردم و تملک و تصاحب درآمدهای ملی و ثروت ثروتمندان، مثل شیر گرسنه بر جسد نیمه جان بیت المال افتاده و خون ملت را می نوشند.

و ملت های مورد هجوم به خاطر ضعف بنیه نظامی تمام اندوخته های خویش را بدون مقاومت در اختیار خدایان زر و زور و تزویر قرار داده و از دور ناله می کنند .

#### 481. معاویه را به مبارزه دعوت می کند

1. أَضْرِبُكُمْ وَلَا أَرَى مُعَاوِيَةَ \*\*\* الْأُخْرَزَّ الْعَيْنَ الْعَظِيمَ الْحَاوِيَةَ

2. هَوَتْ بِهِ فِي النَّارِ أُمُّ هَاوِيَةَ \*\*\* جَاوَرَهُ فِيهَا كِلَابٌ عَاوِيَةَ

معاویه را به مبارزه دعوت می کند

1- شما را می گویم ولی معاویه، آن ریز چشم، روده گشاد را نمی بینم .

2- جهنمی که به نام (ام هاویه) است، او را به کام خود می کشد، و سگ های فریادگر همسایه اویند.

#### 482. چند پند

1. كُنْ لِلْمَكَارِهِ بِالْعَزَاءِ مُقَطِّعاً \*\*\* فَلَعَلَّ يَوْمًا لَا تَرَى مَا تَكْرَهُ

2. فَلَرُبَّمَا اسْتَتَرَ الْفَتَى فِتْنَانَسْتُ \*\*\* فِيهِ الْعُيُونُ وَإِنَّهُ لَمَمَوُهُ

3. وَلَرُبَّمَا احْتَزَلَ الْكَرِيمُ لِسَانَهُ \*\*\* حَذَرَ الْجَوَابِ وَإِنَّهُ لَمَفْوُهُ

4. وَلَرُبَّمَا ابْتَسَمَ الْوَقُورُ مِنَ الْأَذَى \*\*\* وَفُؤَادُهُ مِنْ حَرِّهِ يَتَأَوُّهُ

چند پند

1- سختی ها را با صبر در هم شکن، شاید روزی برسد که ناخوسته ای پیش آید.

2- خیلی وقت ها آدم جوانمرد، ناراحتی های خود را پنهان می کند. به گونه ای که چشم ها همه به او دوخته می شود و حسرت او را می خورند، در صورتی که او از ناراحتی آه می کشد و ناله می کند.

3- چه بسا نکته دانان و سخن سرایان که برای ترس از جواب، حرف خود را پنهان می کنند.

4- بسا مردان گران سنگ از فشار غم و درد، لبخند می زنند و قلبشان از آتش درونی آه می کشد.

ص: 475

زمانی که نکته دانان، دانایان، گران سنگان و اندیشمندان، با تبلیغات ناجوانمردانه دنیا پرستان که در لباس مذهب و تقوی و مصلحت اندیشی و... هستند در معرض هجوم قرار می گیرند این رفتارها پدید می آید که مولا صریحاً به آن اشاره می فرمایند.

### 483. چند کار خوب

1. أَصُمُّ عَنِ الْكَلِمِ الْمَحْفِظَاتِ \*\*\* وَأَحْلُمُ وَالْحِلْمُ بِي أَشْبَهُهُ
2. وَإِنِّي لَأَتْرُكُ جُلَّ الْمَقَالِ \*\*\* لِأَن لَّا أَجَابُ بِمَا أَكْرَهُهُ
3. إِذَا مَا اجْتَرَزْتُ سَفَاءَ السَّفِيهِ \*\*\* عَلَيَّ فَإِنِّي أَنَا الْأَسْفَهُ
4. فَلَا تَعْتَرِزْ بِرُوءِ الرَّجَالِ \*\*\* وَإِنْ زَخَرَفُوا لَكَ أَوْ مَوْهُوا
5. فَكَمْ مِنْ فَتَى يُعْجِبُ النَّاظِرِينَ \*\*\* لَهُ السُّنُّ وَلَهُ أَوْجُهُ
6. يَنَامُ إِذَا حَصَرَ الْمَكْرَمَاتُ \*\*\* وَعِنْدَ الدُّنَاءَةِ يَسْتَتِبُهُ

چند کار خوب

- 1- از گفت و گو با فرد پرخاشگر بپرهیز تا در امان باشی زیرا بردباری برایت برآزنده تر است.
- 2- چه بسا حرف هایی را که مخفی می کنم و نمی گویم تا عکس العمل ناشایسته ای نشنوم
- 3- اگر نادانی نادان را در زندگی ام پیاده کنم خودم نادان تر هستم.
- 4- فریب قد و بالای بعضی افراد را مخور، هر چند بر خود طلا آویخته باشند.
- 5- ای بسا آدم هایی که به خاطر آراستگی ظاهرشان دیگران را به تعجب وامی دارند، چون چرب زبان هستند و چهره ای مقبول دارند .

6- در زمانی که باید بزرگواری کرد و بخشش نمود، در خوابند، و هنگام پستی بیدار می شوند.

نکته:

فریاد از افرادی که ظاهری آراسته و مقبول دارند، اما همچون مار خوش خط و خالند، و درونشان زهر مهلکی است که شایستگان را تالاب قبر تعقیب می کنند و حتی از آنان پس از مرگشان نیز با نفرت یاد می کنند.

#### 484. با گهر

1. كَيْسَ الْكَرِيمِ الَّذِي إِنْ نَالَ مَنزِلَةً\*\*\* أَوْ نَالَ مَا لَمْ عَلَى إِخْوَانِهِ بَاهِي

2. الْحُرُّ يَزْدَادُ لِلْإِخْوَانِ تَكْرِمَةً\*\*\* إِنْ نَالَ فَضْلاً مِّنَ السُّلْطَانِ أَوْ جَاهَا

با گهر

1- بزرگوار نیست کسی که به مقامی رسیده و سرمایه ای پیدا کرده ولی به دوستانش اهمیت نمی دهد .

2- مرد آزاد کسی است که اگر به جایگاه رفیعی رسید و پست و مقامی پیدا کرد احترام دوستان گذشته خود را نگاه بدارد .

نکته:

درخت های پر ثمر، هر چه بارشان بیشتر شود، سرشان بیشتر خم می شود و خاضع تر می شوند، و این نشانه آزادگان و آزادمردان است.

در مقابل آدم های بی بند و بار و کم ظرفیت، وقتی به مقامی می رسند تا حد خدا خود را بالا می برند، اینان از ثناخوانی متملقان باد به غیب انداخته و همه ارزش ها را نادیده می گیرند.

ص: 477

## 485. امام علی و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

1. يَا أَكْرَمَ الْخَلْقِ عَلَيَّ اللَّهُ \*\*\* وَالْمُصْطَفَى بِالشَّرَفِ الْبَاهِي

2. مُحَمَّدَ الْمُخْتَارِ مَهْمَا أَتَى \*\*\* مِنْ مُحَدَّثٍ مُسْتَفْطَعٍ نَاهِي

3. فَأَنْدَبُ لَهُ حَيْدَرَ لَا غَيْرَهُ \*\*\* فَلَيْسَ بِالْعُمْرِ وَلَا الْإِلَهِ

4. تَرَى عِمَادَ الْكُفْرِ مِنْ سَيْفِهِ \*\*\* مُنْكَسًا بَاطِلُهُ وَاهِي

5. هَلِ الْعِدَى إِلَّا ذِتَابٌ عَوْتُ \*\*\* مَعَ كُلِّ نَاسٍ نَفْسُهُ سَاهِي

6. سَيَهْزَمُ الْجَمْعُ عَلَيَّ عَقْبِهِ \*\*\* بِحَيْدَرٍ وَالنَّصْرُ لِلَّهِ

امام علی و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

1- ای که در نزد خداوند از همگان عزیزتری، انتخاب شده خدایی و با شرف و بزرگواری بر همه مباحثات داری .

2- ای محمد برگزیده که از هر کجا حادثه ای و پیشامدی ناگوار و هراس انگیز آمد از آن نهی کردی و جلوگیری نمودی .

3- ای حیدر! فقط برای او گریه کن و نه کسی دیگر، که این گریه نه برای گول زدن مردم و نه بازی با عقاید مردم است.

4- ستون کفر را از تیغ محمد افتاده بینی، و باطل کفر را سست یابی.

5- دشمنان تو غیر از گرگانی که زوزه می کشند نیستند، و هر کس دلش غافل است، زوزه

می کشد.

6- ای رسول خدا! به زودی آن گروه نیز فرار نموده و عقب نشینی می کنند چون شمشیر علی و یاری خدا را داری .

ص: 478

## 486. برتری ها و والائی ها

1. إِنَّ الْمَكَارِمَ أَخْلَاقٌ مُّطَهَّرَةٌ\*\*\* فَالَّذِينَ أَوْلَاهَا وَالْعَقْلُ ثَانِيهَا
2. وَالْعِلْمُ ثَالِثُهَا وَالْحِلْمُ رَابِعُهَا\*\*\* وَالْجُودُ خَامِسُهَا وَالْفَضْلُ سَادِسُهَا
3. وَالْبِرُّ سَابِعُهَا وَالصَّبْرُ ثَامِنُهَا\*\*\* وَالشُّكْرُ تَاسِعُهَا وَاللِّينُ بَاقِيهَا
4. وَالتَّنْفُسُ تَعْلَمُ أَنِّي لَا أَصَادِقُهَا\*\*\* وَلَسْتُ أَرشُدُ إِلَّا حِينَ أَعْصِيهَا

برتری ها و والائی ها

- 1- بزرگواری ها و والایی ها را برای شما می شمارم، اول: دینداری، دوم: عقل سلیم،
- 2- سوم: علم، چهارم: صبر و بردباری، پنجم: بخشش و انفاق، ششم: بزرگواری،
- 3- هفتم: نیکی، هشتم: صبر و شکیبایی، نهم: شکر نعمتهای الهی و تشکر از خوبی های مردم، و سرانجام ملایمت و نرمش با مردم.
- 4- نفس اماره ام می داند که با او صادق نیستم و راست نمی گویم و به هدف نمی رسم مگر آنکه با او مخالفت نمایم.

## 487. نشانه ارباب کمال

1. وَمُحْتَرِسٍ مِنْ نَفْسِهِ خَوْفَ زَلَّةٍ\*\*\* تَكُونُ عَلَيْهِ حُجَّةً هِيَ مَا هِيََا
2. فَقَلَّصَ بُرْدِيَهُ وَأَقْضَى بِقَلْبِهِ\*\*\* إِلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى فَتَالَ الْأَمَانِيَا
3. وَجَانِبَ أَسْبَابِ السَّفَاهَةِ وَالْخَنَا\*\*\* عَفَافاً وَتَنَزَّيْهَاً فَأَصْبَحَ مَالِيَا

ص: 479

4. وَصَانَ عَنِ الْفَحْشَاءِ نَفْسًا كَرِيمَةً\*\*\* أَبَتْ هِمَّةً إِلَّا الْعُلَى وَالْمَعَالِيَا

5. تَرَاهُ إِذَا مَا جَاشَ ذُو الْجَهْلِ وَالصَّبِي \*\*\* حَلِيمًا وَقورًا صَائِنَ النَّفْسِ هَادِيَا

6. لَهُ حِلْمٌ كَهْلٍ فِي صِرَامَةِ حَازِمٍ \*\*\* وَفِي الْعَيْنِ إِنْ أَبْصَرْتَ أَبْصَرْتَ سَاهِيَا

7. يَرَوْقُ صَفَاءَ الْمَاءِ مِنْهُ بِوَجْهِهِ \*\*\* فَأَصْبَحَ مِنْهُ أَلْمَاءُ فِي الْوَجْهِ صَافِيَا

8. صَبورًا عَلَى رَيْبِ الزَّمَانِ وَصَرْفِهِ \*\*\* كَتومًا لِأَشْرَارِ الصَّمِيرِ مُدَارِيَا

9. لَهُ هِمَّةٌ تَعْلُو عَلَى كُلِّ هِمَّةٍ \*\*\* كَمَا قَدْ عَلَا الْبَدْرُ النُّجُومَ الدَّوَارِيَا

10. وَمِنْ فَضْلِهِ يَرَعَى ذِمَامًا لِجَارِهِ \*\*\* وَيَحْفَظُ مِنْهُ الْعَهْدَ إِذْ ظَلَّ رَاعِيَا

نشانه ارباب کمال

1- از ترس لغزیدن مراقب خویش است، زیرا لغزش به هر شکل که اتفاق بیفتد ضرر دارد .

2- اطراف لباس خود را جمع می کند تا با چیزی برخورد نکند و قلبش را متوجه نیکوکاری و پرهیزکاری می نماید و در نتیجه به آسایش و امان دست پیدا می کند .

3- از عوامل نادانی و فخر فروشی، به خاطر عفت و پاکی، اجتناب می کند، لذا مردم، به او با دید خوبی برخورد می کنند.

4- از فحشا و کارهای زشت جان خود را پاک نگه می دارد و از بلند نظری، جز برتری اخلاق و پاکی چیزی را نمی خواهد.

5- کارهایی که نادان یا کودکان را به تکاپو وامی دارد، او را به بردباری و خویشتنداری و آرامش می کشاند.

6- او صبر و تحمل کهنسالان را با پیشرفت و برش خردمندان، توأمًا دارد، و به اندازه ای آرام و بی شتاب اقدام می کند که تصور می شود فراموشکار است .

ص: 480



7- زندگی او مثل آب زلال، چنان صاف است که باید صفای آب را در صورت او دید، چون آبروی خود را با کارهایش نمی برد.

8- در فراز و نشیب زندگی و دگرگونی های روزگار صبور و رازدار است و با مردم مدارا کند.

9- او دارای همتی است فوق همت ها چنان ماه چهارده که ستارگان را تاریک نشان می دهد.

10- از فضیلت های او آن است که حق همسایگی را پاس داشته و به این کار ارزشمند ادامه می دهد .

### 488. بی نیازی جان

1. النَّفْسُ تَجْزَعُ أَنْ تَكُونَ فَقِيرَةً\*\*\* وَالْفَقْرُ خَيْرٌ مِنْ غِنَى يُطْغِيهَا

2. وَغِنَى النَّفْسِ هُوَ الْكَفَافُ وَإِنْ أَبَتْ\*\*\* فَجَمِيعُ مَا فِي الْأَرْضِ لَا يَكْفِيهَا

بی نیازی جان

1- هوای نفس از درویشی و فقر می ترسد در حالی که فقر از ثروت زیادی که آدم را طغیانگر کند بهتر است.

2- بی نیازی برای انسان های آزاده کافی است و اگر بی نیازی نباشد آنچه که در

کره زمین است آدم را بی نیاز نمی کند.

### 489. بی نیازی دل

1. الْغِنَى فِي النَّفْسِ وَالْفَقْرُ فِيهَا\*\*\* إِنَّ تَجَزَّتْ فَقَلَّ مَا يَجْزِيهَا

ص: 481

2. عَدَلِ النَّفْسَ بِالْقُنُوعِ وَإِلَّا \*\*\* طَلَبْتَ مِنْكَ فَوْقَ مَا يَكْفِيهَا

3. لَيْسَ فِي مَا مَضَى وَلَا فِي الَّذِي لَمْ \*\*\* يَأْتِ مِنْ لَذَّةٍ لِمُسْتَحْلِيهَا

4. إِنَّمَا أَنْتَ طَوَّلَ عُمْرَ \*\*\* رِكَ مَا عُدَّتْ بِالسَّاعَةِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا

بی نیازی دل

1- بی نیازی و نیاز کار دل است هر آنچه که داری اگر دل به آن بسنده کند بس است و الا هر چه به او پاداش دهی باز هم کم است.

2- روح خود را به قناعت عادت ده و الا ثروتی فراوان تر از توان تو می خواهد.

3- در آنچه که از عمر گذشته و خواهد آمد لذتی وجود ندارد برای کسی که گذشته و آینده را می خواهد.

4- تمام زندگی که در پیش داری درست همین لحظه است که در آن هستی

بین الان نیازت چیست

نکته:

برای هر انسانی که در روز این زمین زندگی می کند، خصوصاً برای مسئولینی که دارای قدرت هستند و اگر بخواهند از قدرت و توانایی خود استفاده کنند و زندگی مادی خویش را با تصاحب و تملک اموال و املاک مردم با بهانه های گوناگون مرفه نمایند، این نصیحت مولا کارساز

است. البته :

گوهر پاک ببايد که شود قابل فیضض \*\*\* ورنه هر خشت و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

\*\*\*

ص: 482

## 490. می خواهی خوش باشی

1. إِذَا مَا سِئْتُ أَنْ تَحْيِيَ \*\*\* حَيَاةَ حُلْوَةِ الْمَحْيَا

2. فَلَا تَحْسُدْ وَلَا تَبْخُلْ \*\*\* وَلَا تَحْرُضْ عَلَى الدُّنْيَا

می خواهی خوش باشی

1- اگر می خواهی خوش باشی و زندگی شیرین داشته باشی

2- هیچ وقت حسود نباش و بخل نورز و حرص زندگی را نخور .

## 491. قناعت

1. إِذَا أَظْمَأْتَكُ أَكْفُ الرِّجَالِ \*\*\* كَفَّتَكَ الْقَنَاعَةُ شَبْعاً وَرِيَا

2. فَكُنْ رَجُلًا رَجُلُهُ فِي الثَّرَى \*\*\* وَهَامَةٌ هَمَّتِهِ فِي الثَّرِيَا

3. أَيْباً لِنَائِلِ ذِي ثَرْوَةٍ \*\*\* تَرَاهُ لِمَا فِي يَدَيْهِ أَيْبَا

5. فَإِنَّ إِرَاقَةَ مَاءِ الْحَيَاةِ \*\*\* دُونَ إِرَاقَةِ مَاءِ الْمَحْيَا

قناعت

1- هرگاه کسی تو را تشنه نگه دارد و نیاز به کسی داری، قناعت، هم گرسنگی ات را برطرف می کند و هم تشنگی را .

2- مردی باش که پاهایت در عمق زمین و سربلندی و همتت در آسمان ها باشد .

3- از گرفتن کمک از ثروتمندان خودداری کن و به آنچه که در دست دارد بی اعتنا باش

4- بدون تردید ریخته شدن آب زندگی آسان تر از آبروریزی است.

ص: 483

1. لَا تَعْتَبِنَ عَلَى الْعِبَادِ فَإِنَّمَا \*\*\* يَا تَيْكَ رِزْقُكَ حِينَ يُودَنُ فِيهِ

2. سَبَقَ الْقَضَاءُ لَوْفَتِهِ فَكَأَنَّمَا \*\*\* يَا تَيْكَ خَيْرَ الْوَقْتِ أَوْ تَأْتِيهِ

3. فَتَقْنُ بِمَوْلَاكَ الْكَرِيمِ فَإِنَّهُ \*\*\* لِلْعَبْدِ أَرْأْفُ مِنْ أَبِي لَيْنِيهِ

4. وَأَشْعُ غِنَاكَ وَكُنْ لِفَقْرِكَ صَائِنًا \*\*\* يُضْنِي حَشَاكَ وَأَنْتَ لَا تُبْدِيهِ

5. فَالْحُرُّ يُنْجِلُ جِسْمَهُ إِعْدَامُهُ \*\*\* فَكَأَنَّهُ مِنْ نَفْسِهِ يُخْفِيهِ

هیچ کس را سرزنش مکن

1- مبدا بندگان خدا را سرزنش کنی، زیرا روزی تو زمانی می رسد که اجازه اش صادر شود.

2- قضای الهی قبلاً برای تو تعیین شده است که در بهترین زمان دولت یا روزی پیش تو می آید یا تو پیش روزی خود می روی.

3- وظیفه تو آن است که به مولا و پروردگارت اطمینان پیدا کنی که آن خدای بزرگ برای بنده خود مهربان تر از پدر به فرزندش می باشد.

4- داشتنی های خود را آشکار و فقر و نداشتن های خود را پنهان دار و آن قدر سختی را تحمل کن که درونت را بکاهد ولی تو محکم بایست و او را آشکار نکن.

5- فقر و نداری چنان جان و تن آزاد مردان را می کاهد و از بین می برد، که گویی آن را از خودشان نیز پنهان می کنند.

\*\*\*

1. النَّفْسُ تَبْكِي عَلَى الدُّنْيَا وَقَدْ عَلِمَتْ \*\*\* أَنَّ السَّلَامَةَ فِيهَا تَرُكُ مَا فِيهَا
2. لَا دَارَ لِلْمَرَّةِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَسْكُنُهَا \*\*\* إِلَّا الَّتِي كَانَ قَبْلَ الْمَوْتِ بَانِيهَا
3. فَإِنْ بَنَاهَا بِخَيْرٍ طَابَ مَسْكُنُهَا \*\*\* وَإِنْ بَنَاهَا بِشَرٍّ خَابَ ثَاوِيهَا
4. أَيْنَ الْمُلُوكُ الَّتِي كَانَتْ مُسَلِّطَةً \*\*\* حَتَّى سَقَاهَا بِكَأْسِ الْمَوْتِ سَاقِيهَا
5. لِكُلِّ نَفْسٍ وَإِنْ كَانَتْ عَلَى وَجَلٍ \*\*\* مِنَ الْمَنِيَّةِ آمَالٌ يَقْوِيهَا
6. فَالْمَرَّةُ يَبْسُطُهَا وَالذُّهْرُ يَقْبِضُهَا \*\*\* وَالنَّفْسُ يَشْرُهَا وَالْمَوْتُ يَطْوِيهَا
7. أَمْوَالُنَا لِذَوِي الْمِيرَاثِ نَجْمَعُهَا \*\*\* وَذُورُنَا لِخَرَابِ الدُّهْرِ نَنْبِيهَا
9. كَمْ مِنْ مَدَائِنٍ فِي الْآفَاقِ قَدْ بُنِيَتْ \*\*\* أَمْسَتْ خَرَابًا وَدَانَ الْمَوْتُ أَهْلِيهَا

ناگزیر از مرگ

نفس پس از محرومیت از به دست آوردن دنیا گریه خواهد کرد در صورتی که می دانی سلامت انسان در دنیا ترک خواهش های دنیوی است.

2- بعد از مرگ خانه ای برای انسان آماده نکرده اند مگر خانه ای که نتیجه اعمال نیک انسان است.

3- اگر با اعمال نیک و کارهای خیر خانه ای برای خود در آن سرا آماده کردی خوش به حالت، و اگر بستری را با کارهای زشت آماده کرده ای ناکام خواهی ماند و بدا به حالت .

4- کجایند آن پادشاهانی که بر کشورها مسلط بودند؟ سرانجام جام مرگ را به آنها نوشانیدند و رفتند و همه چیز را از دست دادند.

5- هر کس، هر چند از مرگ واهمه و ترس دارد، آرزوهایی دارد که دنبال آنها

است و به آن دامن می زند و به آن آرزوها نمی رسد.

6- بشر آرزوها را گسترش می دهد روزگار آن را محدود می سازد، هوای نفس، سفره آن را باز میکند و مرگ آن سفره را جمع کرده و می پیچاند.

7 - آری کارمان این است که اموالی را برای بازماندگان و میراث خواران جمع می کنیم و خانه ها را برای خراب شدن به دست روزگار می سازیم.

8- چه شهرهایی در این جهان ساخته شده، سپس ساکنان آن مرده و آن شهرها خراب گردیده و اکنون عبرت است.

نکته:

ای علماء، ای حاکمان، ای رهبران ای ثروتمندان، ای خوبان، و ای بدسیرتان و ای مرد وزن و جوان و پیر که در این کره خاکی زندگی می کنی، مواظب باشید، که رها نخواهید شد و باید مورد به مورد اعمال و کارهایتان را بررسی کنند و تورا پاداش خوب یا بد بدهند.

#### 494. پس از مرگ آزاد نیستی

1. وَلَوْ أَنَّا إِذَا مِتْنَا تُرَكْنَا \*\*\* لَكَانَ الْمَوْتُ رَاحَةً كُلِّ حَيٍّ

2. وَلَكِنَّا إِذَا مِتْنَا بُعِتْنَا \*\*\* وَنُسْأَلُ بَعْدَهُ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ

پس از مرگ آزاد نیستی

1- پس از مرگ اگر کاری به کارمان نداشتند، مرگ باعث راحتی زندگان بود.

2- ولیکن پس از مرگ، برانگیخته میشویم و از تمام کارهایمان سؤال می کنند و نتیجه را به ما ابلاغ میکنند تا با آن نتایج زندگی دیگری را شروع کنیم.

ص: 486

1. لَيْتَ أُمِّي لَمْ تَلِدْنِي \*\*\* لَيْتَنِي كُنْتُ صَبِيًّا

2. لَيْتَنِي كُنْتُ حَشِيشًا \*\*\* أَكَلْتَنِي الْهُمُّ نِيَا

کاش مادر ما را نزاده بود

1- ای کاش از مادر زاییده نشده بودیم، ای کاش در همان حالت کودکی مانده بودیم.

2- ای کاش گیاهی بودیم جزء طبیعت، تا حیوانات ما را می خوردند و هیچ می شدیم

نکته:

آرزوهای غیر منطقی

با آرزوهای غیر منطقی، دردی از ما دوا نمی شود، و با گفتن کلمه، ای کاش، مشکلات ما حل نخواهد شد.

آرزوی به دنیا نیامدن و به حال کودکی باقی ماندن و گیاه بودن، آرزویی است محال، اما مولا (علیه السلام) با گفتن این اشعار، از سوئی می خواهد این پیام را به دیگران برساند که در زندگی، چه راه مشکل و پر پیچ و خمی پیش رو داریم و نسبت به هر عملی که انجام می دهیم، باید حساب پس بدهیم و هیچ عملی بدون عکس العمل نخواهد بود. و از سوئی نشان دهنده رنج و دردی است که مولا (علیه السلام) از رفتار و کردار مردم زمانه خویش متحمل شده اند.

پس شایسته است با درس گرفتن از این اشعار، در دوران زندگی شخصی و اجتماعی خود که بسیار هم کوتاه است، به گونه ای عمل کنیم که مولا علی (علیه السلام) برای یک مسلمان شیعه و پیرو خود ترسیم کرده است.

## 496. خواهش های دل

1. وَفِي النَّفْسِ لُبَانَاتٌ \*\*\* إِذَا ضَاقَ لَهَا صَدْرِي
2. نَكَتُ الْأَرْضَ بِالْكَفِّ \*\*\* وَأَبْدَيْتُ لَهَا سِرِّي
3. فَمَهْمَا تُنْبِتِ الْأَرْضُ \*\*\* فَذَاكَ الْبَدْرُ مِنْ بَدْرِي

خواهش های دل

- 1- در درون من تمایلات و خواهش هایی هست که سینه ام را تنگی می کند
- 2- زمین را با دست خالی شکافتم و اسرارم را در آن دفن کردم.
- 3- تا هر زمان که خدا تخم پاشیده را زنده کرد هر آنچه کاشته ام سبز کند.

## 497. گله از روزگاران

1. عَجَبًا لِلزَّمَانِ فِي حَالَتِيهِ \*\*\* وَبَلَاءٍ دُفِعْتُ مِنْهُ إِلَيْهِ
2. رَبِّ يَوْمَ بَكَيْتُ مِنْهُ فَلَمَّا \*\*\* صِرْتُ فِي غَيْرِهِ بَكَيْتُ عَلَيْهِ

گله از روزگاران

- 1- از روزگار برای دو حالتی که دارد در شگفتم از بالا و پستی آن و آزمایشی که مرا از خود به سوی او کشانیده .
- 2- یک روز با مرا وادار به گریه می کند، و آن روز دیگر وضعیتی پیش می آورد که بر روز گذشته گریه کنم.

\*\*\*

ص: 488



## 498. برای دعا از جا برخیز

1. يَا نَفْسُ قُومِي فَقَدْ نَامَ الْوَرَى \*\*\* إِنَّ يَتَمَّ النَّاسُ فُذُو الْعَرْشِ يَرَى
2. وَأَنْتِ يَا عَيْنُ دَعِي عَيْنِي الْكَرَى \*\*\* عِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى .

برای دعا از جا برخیز

1- ای دل! اکنون که همه خفته اند تو، برخیز اگر همه خفته اند، صاحب عرش بیدار است.

2- و تو ای چشم خواب را از من دور کن که در صبحگاهان روندگان به هدف رسیده اند و کارشان قابل ستایش است

نکته:

در لحظاتی که تمام درها بسته است، در خانه معشوق و دوست باز است آن گاه است که وصل عاشقانه تو، تمام دردهایت را دوا می کند.

چرا که خالق یکتا خود فرموده است: ( اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ) (1)

پس اوست که دست تو را میگیرد و به یار واصل میشوی آن گاه خوش به آن لحظه های وصل عاشقانه که انبیاء و اوصیاء و خوبان به دنبال آن لحظه بوده اند و این کار در صبح قیامت دستت را خواهد گرفت.

## 499. از کوزه برون همان تراود که در اوست

1. مَنْ لَمْ يَكُنْ عَنْصُرَهُ طَيِّبًا \*\*\* لَمْ يَخْرُجْ الطَّيِّبُ مِنْ فِيهِ
2. أَصْلُ الْفَتَى يَخْفَى وَلَكِنَّهُ \*\*\* مِنْ فَعْلِهِ يُعْرَفُ مَا فِيهِ

ص: 489

---

1- سوره غافر، آیه 60 .

از کوزه برون همان تراود که در اوست

- 1- هر کس نهادش نیکو نیست، از زبانش جز هرزه گویی چیزی نخواهی شنید!
- 2- ذات و نهاد هر کس هر چند مخفی است کردار و رفتارش آن را نشان می دهد.

### 500. آدمی یعنی حرص و آز

1. وَفِي قَبْضِ كَفِّ الطِّفْلِ عِنْدَ وُلُوْدِهِ \*\*\* دَلِيلٌ عَلَى الْحِرْصِ الْمُرْكَبِ فِي الْحَيِّ
2. وَفِي بَسْطِهَا عِنْدَ الْمَمَاتِ مَوَاعِظٌ \*\*\* أَلَا فَانظُرُونِي قَدْ خَرَجْتُ بِلَا شَيْ

آدمی یعنی حرص و آز

- 1- بسته بودن کف دست نوزاد هنگام ولادت، نشانه حرص و آزی است که همراه آدم به دنیا آمده.
- 2- و هنگام مردن کف دست او را می بندند، یعنی ببینید او چیزی از این دنیا نبرده است.

### 501. در عزای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

1. أَلَا طَرَقَ النَّاعِي بِلَيْلِ فِرَاعِنِي \*\*\* وَأَرْقَنِي لَمَّا اسْتَهَلَّ مُنَادِيَا
2. فَقُلْتُ لَهُ لَمَّا رَأَيْتُ الَّذِي أَتَى \*\*\* أَعْيَرَ رَسُولَ اللَّهِ أَصْبَحْتَ نَاعِيَا
3. فَحَقَّقَ مَا أَشْفَقْتُ مِنْهُ وَلَمْ يُبَلِّ \*\*\* وَكَانَ خَلِيلِي عُدَّتِي وَجَمَالِيَا
4. فَوَاللَّهِ مَا أَنْسَاكَ أَحْمَدُ مَا مَسَّتْ \*\*\* بِي الْعَيْشُ فِي أَرْضِ وَجَاوَزْتُ وَاْدِيَا

ص: 490

5. وَكُنْتُ مَتَى أَهْبَطُ مِنَ الْإَرْضِ تَلْعَةً\*\*\* أَرَى أَثْرًا قَبْلِي حَدِيثًا وَعَافِيًا

6. جَوَادًا تَشَقَّى الْخَيْلُ عَنْهُ كَأَنَّمَا\*\*\* يَرَوْنَ بِهِ لَيْثًا عَلَيْهِنَّ صَارِيًا

7. مِنَ الْأَسَدِ قَدْ أَحْمَى الْعَرِينَ مَهَابَةً\*\*\* تَقَادَى سَبَاعُ الْأَرْضِ مِنْهُ تَقَادِيًا

8. شَدِيدٌ جَرِيءُ الصِّدْرِ نَهْدٌ مُصَدِّرٌ\*\*\* هُوَ اللَّيْثُ مَعْدِيًّا عَلَيْهِ وَعَادِيًا

9. لَيْبِكِ رَسُولَ اللَّهِ صَفٌ مُقَدَّمٌ\*\*\* إِذَا كَانَ ضَرْبُ الْهَامِ تَقْفًا تَقَانِيًا

10. لَيْبِكِ رَسُولَ اللَّهِ خَيْلٌ مُغْيِرَةٌ\*\*\* تُثِيرُ غُبَارًا كَالصَّبَابَةِ كَابِيًا

در عزای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

1- شب بود که منادی خیر مرگ رسول خدا را اعلام کرد، با شنیدن این خبر وحشت کردم و خواب از چشمم پرید.

2- وقتی فریادش را شنیدم، به او گفتم: آیا خبر فرد دیگری غیر از رسول خدا را می دهی؟

3- آنچه که در عمرم از آن می ترسیدم پیش آمد و آن منادی باکی نداشت، محمد دوست و پشتیبان و مایه افتخار ما بود.

4- به خدا سوگند در زندگی ام، هرگز تو را فراموش نخواهم کرد، در هر کجا که باشم، چه در زمین هموار، و در چه بیابان ها.

5- و در تپه ماهورها، هر جا که پایم روی زمین باشد نشان و اثری را، چه نو و چه کهنه از تو به خاطر دارم .

6- او بخشنده مردی بود که سواران او را شیری غرنده می دیدند و از او می گریختند.

7- بیشه را از شیران خالی کرد و دیوان و ددان از بیمش پراکنده شدند.

8- او دلیر، بود دلاور بود بلند بالا و ستبر سینه بود شیری بود، خواه دیگران بر او حمله کنند یا او حمله کند .

9- بر رسول خدا باید گریه کنند، آنهایی که در صف مقدم جنگ بودند، آنگاه که ضربه بر سر جنگجویان و افشاندن مغزها و از خودگذشتگی نشان دادند.

10- و هم چنان سوارکاران تکاور که در جنگشان غباری مثل ابر برپا می گردد باید در عزای رسول خدا گریه کنند .

## 502. می بالم به پیامبر خدا

1. أَنَا فِي الْحَرْبِ أَلِيهَا \*\*\* وَبِنَفْسِي أَتَقِيهَا

2. نِعْمَةً مِنْ سَامِكِ السَّبِّ \*\*\* عِ بِمَا قَدْ خَصَّنِيهَا

3. لَنْ تَرَى فِي حَوْمَةِ الْهَيْ \*\*\* \_ جَاءَ لِي فِيهَا شَبِيهَا

4. وَلِي السَّبَقَةُ فِي الْإِسْت \*\*\* \_ لَامِ طِفْلاً وَوَجِيهَا \*\*\*

5. وَلِي الْقُرْبَةُ إِنْ قَا \*\*\* مَ شَرِيفٌ يَنْتَمِيهَا

6. زَفَنِي بِالْعِلْمِ زَقَا \*\*\* فِيهِ قَدْ صِرْتُ فَقِيهَا

7. وَلِي الْفَخْرُ عَلَى النَّا \*\*\* سِ بَعْرَسِي وَبَنِيهَا

8. ثُمَّ فُخْرِي بِرَسُولِ الل \*\*\* \_ هِ إِذْ زَوَّجْنِيهَا

9. لِي مَقَامَاتٌ بِنَدْرِ \*\*\* حِينَ حَارَ النَّاسُ فِيهَا

10. وَبِأَحَدٍ وَحْنَيْنٍ \*\*\* لِي صَوْلَاتٌ تَلِيهَا

11. وَأَنَا الْحَامِلُ لِلرَّا \*\*\* يَةِ حَقًّا أَحْتَوِيهَا

12. وَأَنَا الْقَاتِلُ عَمْرًا \*\*\* يَوْمَ حَارَ النَّاسُ فِيهَا

13. وَإِذَا أَضْرَمَ حَرْبٌ \*\*\* أَحْمَدُ قَدَّمْنِيهَا

14. وَإِذَا نَادَى رَسُولُ ال \*\*\* \_ لَهُ نَحْوِي قُلْتُ إِيهَا

15. وَأَنَا الْمَسْقِي كَأْسًا \*\*\* لَذَّةَ الْأَنْفُسِ فِيهَا

می بالم به پیامبر خدا

- 1- در میدان جنگ در کنار او هستم، و او را با جان خویش حفاظت می کنم.
- 2- او نعمتی است که بر افرازانده هفت آسمان به من داده است .
- 3- در میادین جنگ مثل من کسی را پیدا نمی کنی.
- 4- از کودکی و خردسالی تاکنون در اسلام از همه پیشی گرفته ام.
- 5- من به محمد از همه کس نزدیک ترم، اگر کسی چنین افتخاری دارد، بیاید و خود را نشان دهد.
- 6- دانش و علم را کلان و ریز در وجود من نهاد، همچون پرندگان که جوجه های خویش را غذا می دهند .
- 7- افتخار من فاطمه دختر رسول خدا و دو فرزند دلبنده او است.
- 8- من به وجود پیامبر خدا افتخار میکنم که فاطمه را به عقد من درآورد.
- 9- در جنگ بدر هنگامی که همه به خاطر کثرت دشمن حیران بودند، امتیازه ای دارم .
- 10- در جنگ احد و حنین تکاوری بودم بی نظیر.
- 11- من حامل پرچمی بودم که به حق در دست من بود.
- 12- من قاتل عمرو ابن عبدود هستم زمانی که همه در مقابلش فرار کردند.
- 13- هرگاه جنگی درگرفته پیامبر عظیم الشان مرا به سوی آن گسیل داشته.
- 14- هر زمان پیامبر خدا مرا خوانده و صدایم زده لبیک گفتم .
- 15- آن جام که لذت جان در آن است، آن را نوشیدم.
- 16- این لطف خدا است در این گیتی نسبت به من زیرا من کسی نیستم .

### 503. در دلاوری اش می فرمایند

1. أَنَا مُذْ كُنْتُ صَبِيًّا \*\*\* نَابِتُ الْقَلْبِ جَرِيًّا

2. أَبْطَلُ الْأَبْطَالَ فَهَرًّا \*\*\* ثُمَّ لَا أَفْرَعُ شَيْئًا

3. يَا سِبَاعَ الْبَرِّ رِيفِي \*\*\* وَكُلِّي ذَا اللَّحْمِ نِيَّا

در دلاوری اش می فرمایند

1- از نوجوانی برنادل و دلیرم .

2- در چیرگی دلاور دلاورانم و از هیچ کس و هیچ حادثه ای نمی ترسم.

3- ای ددان بیابان! بچرید و گوشت مرا خام بخورید، باکی ندارم.

### 504. کافری رجز خواند

أَصْرِبُكُمْ وَلَا أَرَى عَلَيَّا \*\*\* أَلْبَسُهُ أَيْضَ مَشْرِفِيًّا

کافری رجز خواند

به شما ضربه می زنم، پس چرا علی نیست تا شمشیر سپید و براق مشرفی را بر او فرود آورم؟

### 505. مولا در جواب فرمود:

1. يَا أَيُّهَا ذَا الْمُبْتَغِي عَلَيَّا \*\*\* إِنِّي أَرَاكَ جَاهِلًا غَيًّا

2. قَدْ كُنْتُ عَنْ لِقَائِهِ غَيًّا \*\*\* هَلُمَّ فَادْنُ هَاهُنَا إِلَيَّا

ص: 494

- 1- ای آنکه علی را می جویی تو را نادان و کودن می بینم .
- 2- تو را با نبرد او چکار پیش آی به سوی من، من اینجام.

### 506. در توکل به خدا

1. وَكَمْ اللَّهُ مِنْ لُطْفٍ خَفِيٍّ \*\*\* يَدِقُّ خَفَاهُ عَنْ فَهْمِ الذَّكِيِّ.
2. وَكَمْ يُسِرُّ آتِي مِنْ بَعْدِ عُسْرٍ \*\*\* وَفَرَجَ كُرْبَةَ الْقَلْبِ الشَّجِيِّ
3. وَكَمْ أَمْرٌ تُسَاءُ بِهِ صَبَاحاً \*\*\* وَتَأْتِيكَ الْمَسْرَةُ بِالْعَشِيِّ
4. وَلَا تَجْزَعُ إِذَا مَا نَابَ خَطْبٌ \*\*\* فَكَمْ اللَّهُ مِنْ لُطْفٍ خَفِيٍّ
5. إِذَا ضَاقَتْ بِكَ الْأَحْوَالُ يَوْمًا \*\*\* فَتَقِ بِالْوَالِدِ الْفَرْدِ الْعَلِيِّ
6. تَوَسَّلْ بِالتَّبِيِّ فَكُلُّ خَطْبٍ \*\*\* يَهُونُ إِذَا تَوَسَّلَ بِالتَّبِيِّ
7. وَبِالْمَوْلَى الْعَلِيِّ أَبِي تُرَابٍ \*\*\* وَبِالنُّورِ الْبَهِيِّ الْفَاطِمِيِّ
8. وَبِالْأَطْهَارِ أَهْلِ الذِّكْرِ حَقًّا \*\*\* سَلَالَةَ أَحْمَدٍ وُلْدِ الْوَصِيِّ

- 1- خداوند لطف پنهان و نهفته ای دارد که نازکتر از درک هشیاران است.
- 2- چه بسا آسایشی که بعدش سختی است، و چه بسا اندوه دل دردمند که رفع گردد .
- 3- چه بسیار کارهایی که صبح غصه آن را خوری، و شب شادی اش را می بینی.
- 4- اگر مشکلی سخت و بزرگ برای شما پیش آمد منتظر لطف خدا باشید تا آسانش کند.

5- اگر روزی بر تو سخت گذشت، دل به خدای یگانه و بزرگ بسپار.

6- توسل به پیامبر کن، چون در هر دشواری که توسل به او کنی آسان می گردد.

7- و نیز به مولا علی، ابوتراب و به نور روشنگر آسمان و زمین فاطمه زهرا توسل کن.

8- و به آن پاکان که به راستی اهل ذکرند، فرزندان پیامبر و سلاله احمد، وصی رسول رب العالمین توسل جوی.

\*\*\*

از فرموده های پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم): خدای متعال فرموده است:

ولایه علی بن ابی طالب

حصنی فمن دخل حصنی آمن من عذابی.

ص: 496



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

